اطلاعات

چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۱ - ۹ ذی‌القعده ۱۴۳۳ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ - شماره ۲۵۴۱۵ - ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

بانک مرکزی: ارز مردم را به نرخ روز می‌خریم

*معاون ارزی بانک مرکزی: اولویت‌های ۴ و ۵ کالایی هم می‌توانند ارز از اتاق مبادلات ارزی دریافت کنند

*معاون وزیر صنعت: اولویت‌های ۶ به بعد نیز در آینده می‌توانند از اتاق ارز بگیرند

صفحه ٤

برنامه جهانی غذا: ۱/۵ میلیون سوری با خطر گرسنگی مواجه‌اند

*مدیر برنامه جهانی غذا اعلام کرد سوری‌هایی که نیاز به غذا دارند ۵ برابر شده است

* اخضر ابراهیمی: چشم اندازی برای حل فوری بحران سوریه وجود ندارد

*افراد مسلح در سوریه، ۲۰۰ لبنانی را ربودند

صفحه ١٦

دکتر احمدی‌نژاد در دیدار با نخبگان آمریکایی:

شرایط موجود در روابط ایران و آمریکا به زیان جهان است

*رئیس جمهوری در دیدار با نخبگان آمریکا: اگر روابط ایران و آمریکا به جای تقابل بر تعامل متکی بود به نفع دو کشور تمام می‌شد

*موضوع اسرائیل هیچ ارتباطی به روابط ایران و آمریکا ندارد

*اگر آمریکا قدمی برای ایجاد تفاهم بین دو کشور بردارد ایران آمادگی دارد کمک کند روابط دو کشور سریعاً بهبود یابد

* رئیس جمهوری در گفت‌وگو با شبکه المیادین لبنان: برگزارکنندگان مانور در خلیج فارس صراحتاً اعلام کردند که مخاطب این مانور ایران نیست

رئیس‌جمهوری با بیان این‌که جامعه انسانی راهی جز رفتن به سوی گسترش دوستی‌ها و همکاری‌ها ندارد، اظهار داشت: ساختن دنیایی بهتر فقط در سایه تفاهم و مشارکت همگانی در اداره جهان امکان پذیر بوده و این تا زمانی که عده‌ای خود را برتر از دیگران بدانند و با روش‌های غیرعادلانه بخواهند دنیا را اداره کنند، محقق نخواهد شد.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در حاشیه سفر خود به نیویورک در دیدار با جمعی از نخبگان آمریکایی در پاسخ به این‌که چگونه می‌توان چارچوبی برای نزدیک کردن ایران و آمریکا به یکدیگر ایجاد کرد، گفت:

شرایط موجود در روابط بین ایران و آمریکا به ضرر هر دو کشور و شاید به ضرر همه دنیا است، اما برای بهبود آن باید نگاهی به سیر تحولاتی که روابط را به وضع امروز رسانده است، داشته باشیم و به این نکته توجه کنیم که ایالات متحده از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همواره در مقابل ایران ایستاده است. اگر روابط دو کشور به‌جای تقابل بر تعامل متکی بود، چقدر مسائل به نفع دو کشور تمام می‌شد.

رئیس‌جمهوری تصور کسانی که خیال می‌کنند ایران بر اثر تحریم‌ها در هم خواهد شکست را

بقیه در صفحه ۲



عکس از سعید نیک‌نژاد

باغ موزه دفاع مقدس گشایش یافت

صفحه ١٤

افشای بخشی از خرابکاری صنعتی دشمن

*یکی از کارشناسان در نمایشگاه کشفیات وزارت اطلاعات: ایران قدرت اول منطقه است و اقداماتش در حوزه‌های علمی و صنعتی متوقف نخواهد شد

* هدف تمامی تحرکات دشمن، مردم هستند

* یکی از اهداف مهم خرابکاری‌های صنعتی کاهش توان اقتصادی تنزل رشد علمی و افزایش فشار اقتصادی و روانی بر مردم است

* ایران قادر است در فضای سایبری اقدامات مخربی علیه دشمنان انجام دهد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: دستگاه اطلاعاتی کشور موفق به کشف و خنثی‌سازی توطئه خرابکاری صنعتی کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی شد.

در این ارتباط نمایشگاهی از تجهیزات جاسوسی و ابزارآلات صنعتی کشف‌شده در بخش‌های انرژی هسته‌ای، نفت و گاز، مخابرات و... که با شیوه‌های بسیار پیچیده دستکاری شده و در فرایند خرید قرار گرفته بود تا در هر یک از بخش‌های یادشده ایجاد خرابکاری کند، در معرض دید قرار گرفت.

در این ارتباط یکی از

بقیه در صفحه ۲

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی:

اخلاق مداری نخستین رسالت رسانه‌هاست



*مذهب خط قرمز امام در برخورد با مطبوعات بود

* به یاد ندارم در دوران ریاستم بر دیوان عالی کشور یک بار با روزنامه‌ای برخورد شده باشد

*دروغ بالاترین گناه است

* رسانه‌ها از انعکاس مطالب غیر واقعی خودداری کنند

صفحه ۲

رئیس کانون عالی بازنشستگان در گفتگو با اطلاعات:

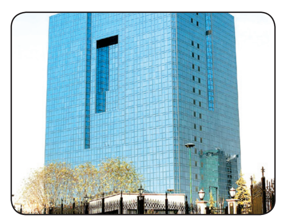
بازنشستگان تامین اجتماعی تا ۱۰ میلیون تومان هزینه درمان می گیرند

* حق بیمه تکمیلی از اول آبان به مبلغ ۱۰هزار و ۴۵۰ تومان از حقوق بازنشستگان کسر می‌شود

* رفع عیوب انکساری هر دو چشم شامل ۸۰۰هزارتومان تعهدات بیمه می شود

* پرداخت هزینه‌های زیر یک میلیون تومان تا دو ساعت و بیشتر از این مبلغ تا یک هفته در تعهد بیمه دی قرار گرفت

صفحه ١٤











یادداشت

به مناسبت هفته دفاع مقدس

عشق و دیگر هیچ!

*احمد مسجد جامعی

چندی پیش همراه گروهی از دوستان و اساتید ارجمند سفری به بام ایران، کردستان، داشتم تا در اجلاس بین‌المللی «طراحی شهری از تئوری تا عمل» در دانشگاه آن‌جا شرکت کنم. در آن اجلاس محور بحث‌هایم «طراحی شهری انسان‌گرا» بود. شهرها برای انسان‌هایند و عاملی برای رشد فرهنگی. از این رو با تاریخ و فرهنگ و محیط و هم‌چنین حوزه‌های مدنی و حتی دفاع و جنگ، خاطراتی متقابل، ماندگار و تاثیرگذار دارند. برای بازگشت از راه زمین آمدم تا با میراث طبیعی و فرهنگی آن سرزمین تاریخی و سلحشور از نزدیک آشناتر شوم. آثار درخشان معماری و بناهای ارزشمند زیبای منطقه اورامانات برگی زرین از تاریخ و تمدن کهن ایران‌زمین است که چندان توجهی به آن نمی‌شود و در معرض آسیبی جدی است. به هر حال پس از گشت و گذاری یک روزه در کوه و دشت سرانجام به فرودگاه کرمانشاه رسیدیم. در آن‌جا با جمعی از دوستان شاعر و نویسنده رو به رو شدم. آنها برای شرکت در جلسه‌ای درباره ادب و ادبیات دفاع مقدس به آن شهر مقاوم، سینه ستبر ایران، آمده بودند و اینک پس از انجام کارهایشان به تهران بر می‌گشتند. آقای سید ناصر حسینی پور هم در آن جمع بودند که این و آن پا می‌شدند و معلوم بود با پایشان مدارا می‌کنند. ایشان وقت خداحافظی گفتند که یکی دو روز آینده عازم کربلا هستند. نفهمیدم که چرا و چگونه این زمزمه در ذهنم در افتاد که «سوی دیار عاشقان به کربلا می‌رویم» شاید به خاطر این که سال‌های سال اخبار جنگ با آن همراه بود. سرم را پایین انداختم. کمی گرمم شده بود. چشمم تر می‌شد ولی تلاش داشتم حالتی عادی داشته باشم. یاد چه روزهایی که نیفتادم، یاد چه اشک‌ها و لبخندهایی، چه عاشوراهایی از برابر دیدگانم نگذشت، چه بزرگان و بزرگوارانی که به ذهنم نیامدند، چه صحنه‌هایی را که مرور نکردم. بچه‌ها داشتند ساک و چمدان‌های‌شان را جابه‌جا می‌کردند و من می‌اندیشیدم که این جنگ چه نسبتی با اسطوره‌های تاریخی این مرز و بوم داشت؟ ویژگی‌های نبرد عاشقانه چیست؟ سربازان آن چه میزان یادآور یاران و یاوران اسطوره پایدار دیار عاشقان‌اند؟ دلاوران آن چگونه آدم‌هایی هستند؟ مرز دوستی‌هایشان تا کجا است؟ سقف انگیزه‌هایشان چیست؟ به چه می‌اندیشند؟ افق آرمان‌ها و آرزوهایشان را کجا می‌یابند؟ و بالاخره چه نسبتی با «کرب» و «بلا» دارند و چگونه؟

حسینی پور هم با همان ادب، آرامش و افتادگی‌اش آماده رفتن شده بود. دوباره ایشان را بوسیدم. حسینی پور گفت: ببین دنیا چقدر کوچک است. دیروز در زندان‌های صدام بودم و فردا در کاخ‌هایی که به او هم وفا نکرد. دیروز اسیر زندان‌های مخفی بعثی‌ها بودم و فردا میهمان ویژه عراقی‌ها هستیم. کتاب «پایی که جا ماند» گزارشی است از او که با نگاه خودش به گوشه‌ای از انبوه پرسش‌هایمان پاسخ می‌دهد و در آن رد پای پندارها و رفتارهایی را می‌توان یافت که ریشه در اسطوره‌های ابدی، اسوه‌های آیینی و آموخته‌های ازلی عاشورا دارد.

بودم آن روز من از طایفه دردکشان
که نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌نشان

این کتاب که یادداشت‌های روزانه او از زندان‌های مخفی عراق است، ماهیت صلح‌طلبی، اخلاق‌مداری، انسان‌دوستی، خودسازی، محبت‌ورزی، راستگویی، مداراگری، غیرت، مروت و جوانمردی در دوران هشت ساله دفاع مقدس را بازگو می‌کند. این موضوعات در جای‌جای این کتاب آمده است:

«با تکرار صلاة از آن‌ها [بعثی‌ها] خواستم اجازه دهند نماز ظهر و عصرم را بخوانم؛ اجازه دادند. همان جا تیمم کردم و اولین نماز اسارتم را خواندم. اولین بارم بود که در نماز گریه می‌کردم. گریه‌ام از دردها و رنج‌هایی بود که می‌کشیدم. یاد ندارم در تمام طول عمرم نمازی به آن دلچسبی خوانده باشم».

حسینی پور در خاطره‌ای از «امیر» نام می‌برد که در نه سالگی به اسارت گرفته شده بود. او که اهل یکی از روستاهای مرزی ایلام بوده، به هنگام چوپانی گوسفندان روستا، به همراه برادرش ابراهیم، اسیر می‌شود. امیر نه ساله، یکی از اسیران در اردوگاه اسرای مفقودالاثر بود. بعد از قطعنامه ۵۹۸، بعثی‌ها تعداد زیادی اسیر، که نامشان را به سازمان‌های بین‌المللی نداده بودند، به اردوگاه‌های مختلف منتقل کرده بودند. حسینی‌پور و امیر یکی از همین اسرا بودند که در اردوگاه‌های مخفی، دوره اسارت خود را طی می‌کردند. حسینی‌پور از برخورد یکی از اسرای مسن ایرانی با یکی از افسران بعثی که فرمانده اسارتگاه بوده می‌گوید:

«امشب حاجی [حاج سعدالله گل محمدی، اسیر مسن ایرانی] به سروان خلیل [فرمانده اردوگاه] گفت: ما هیچ شکوه و شکایتی نداریم، هر بلایی هم سرمون بیاد، اسیر جنگی هستیم. خودمون اومدیم جبهه، ولی شما یه بچه نه ساله را اسیر کردید و آوردید توی این اردوگاه، آیا این مسلمانی یه؟

سروان خلیل حرفی برای گفتن نداشت. او آدم منطقی و با جنبه‌ای بود. کم حرف می‌زد... وقتی حاج سعدالله از جنبه‌های عاطفی وارد شد و به سروان خلیل گفت: سیدی! اگه ایرانی‌ها بچه نه ساله‌ات رو لب مرز اسیر می‌کردن، چه حالی داشتی؟ چقدر زجر می‌کشیدی؟ در جوابش [سروان خلیل] گفت: من که ایشونو اسیر نکردم، آزادی این بچه هم دست من نیست، من از مقامات بالا می‌خوام آزادش کنن، این که چقدر ترتیب اثر می‌دن، نمی‌دونم.»

از این نمونه‌ها که نیروهای عراقی تحت تأثیر رفتار و گفته‌های ایرانی‌ها قرار گرفته باشند در خاطرات حسینی‌پور فراوان به چشم می‌خورد. در بخشی از خاطرات او به خوبی این امر نمایان است:

«سعد [یکی از نگهبانان اردوگاه اسرا] نسبت به امام خمینی (س) اظهار محبت می‌کرد. او از کسانی بود که قبلاً به امام توهین می‌کرد. علی جارالله [یکی دیگر از نگهبانان عراقی] خوشحال بود که بالاخره شرایطی پیش آمده که سعد و بعضی از نگهبانان نسبت به حقانیت رهبر شما اظهار محبت کنند. مدت‌ها بعد یک روز سعد به من و حاج سعدالله گفت: من از سه چیز شما ایرانی‌ها خوشم می‌آد؛ هفته وحدت، روز قدس و این فتوای رهبرتون در مورد سلمان رشدی.»

از دیگر ویژگی‌های حاکمیت نگاه اخلاقی و انسانی، دوری از نفرت و کینه حتی به دشمن است. این موضوع، روایت حسینی‌پور از دوران اسارت را با «راست‌گرایی» همراه می‌کند. در کتاب او عراقی‌ها و ایرانی‌ها همان‌گونه که هستند دیده می‌شوند نه آن‌گونه که «حب و بغض»ها حکم می‌کند.

از نظر حسینی‌پور، اگر یک عراقی خوب است، نباید به این دلیل که در جبهه دشمن است مورد غضب و نفرت قرار گیرد. در خاطرات او نگهبانان و افسران عراقی‌ای پیدا می‌شوند که خوب‌اند و خواننده آن‌ها را ستایش می‌کند. هرچند در میان اسرای ایرانی هم اندک کسانی هستند که حسینی‌پور نمی‌تواند رفتار آن‌ها را بپذیرد؛ مثلاً آن‌هایی که به خاطر چند نخ سیگار آدم‌فروشی می‌کنند:

«بعضی از اسرا اواخر هر ماه دشداشه‌ی عربی‌شان را با چند نخ، بعضی وقت‌ها حتی با دو نخ سیگار معاوضه می‌کردند... با آمدن جناب سیگار! جاسوسی و آدم‌فروشی رونق پیدا کرد...»

حسینی‌پور که در خاطرات خود از رشادت‌ها، ایثارها و پایمردی‌های همرزمان خود در جبهه‌ها و اردوگاه‌های اسرا می‌گوید وقتی پای حقیقت و واقعیت باز شود، آن را کتمان نمی‌کند. در همین حال، آن چه او شاهدش بوده بزرگمردی رزمندگان، اسرای ایرانی و ایستادگی آنها در برابر شکنجه‌های سخت بوده است:

«ظهر بود. هوا خیلی گرم بود. از آسفالت بخار برمی‌خاست. زمین سیمانی زیر پایمان چنان داغ بود که کباب‌مان کرده بود. نمی‌توانستیم بنشینیم. پوست بدنمان بر اثر گرمای زمین کنده شده بود. امروز مثل دیگر روزها باید ساعت‌ها روی زمین داغ در حیاط زندان می‌نشستیم. گروهبان عراقی که به او خمیس می‌گفتند، خطاب به اسیری که از او آب خواسته بود، گفت: به خمینی فحش بدید تا بهتون آب بدم!

خمیس جلو آمد و با لحن تحقیرآمیزی به همان اسیر گفت: ناراحت شدی؟ ناراحت نشو خمینی میاد و بهتون آب میده!

اسم این اسیر را نمی‌دانستم. جواب خمیس را نداد. دو، سه نفر از بچه‌ها به خاطر تشنگی بیهوش شدند... نیم ساعت بعد صباح [یکی از نگهبانان عراقی] در حالی که پارچ آب دستش بود، کنار شیر آب آمد. پارچ را پر کرد، حین برگشتن به اتاق نگهبان‌ها، محمد کاظم [یکی از اسرای ایرانی] به طرفش دوید و پارچ آب را از دستش قاپید. کاری به عواقبش نداشت. می‌خواست به هر قیمتی شده برای مجروحین آب بیاورد. صباح که می‌دانست حریف محمد کاظم نمی‌شود دژبان‌ها را صدا زد و به جان او افتادند. محمد صادقی‌فرد [یکی دیگر از اسرای ایرانی] رفت به طرف محمد کاظم. صادقی فرد با صدای بلند به نگهبان‌ها گفت: «قاتلان حضرت عباس، فرزندان شمر، آب رو خدا داده، چرا به مجروحان آب نمی‌دید!»

شلنگ آب را دور گردن صادقی‌فرد انداختند و سه نفری کشیدند. چنان سه نفری شلنگ را کشیدند که گفتم الان خفه می‌شود... به دستور ارشد نگهبان‌ها، هر دو محمد [محمد کاظم و محمد صادقی‌فرد] مجبور بودند زیر پیراهن‌شان را درآورند و روی زمین داغ دراز بکشند. دژبان‌ها بی‌رحمانه به جان هر دو نفرشان افتادند. صحنه‌ی دردآوری بود. اما غیرت و جوانمردی هر دو محمد ستودنی بود.»

برخورد انسانی با اسرایی که به هر دلیل راه به انحراف می‌برند هم از موضوعات مهمی است که در کتاب حسینی‌پور می‌توان آن‌را دید. در نگاه او اگر برخی اسرا خبرچین می‌شوند و رفتارشان قابل قبول نیست اما نباید آن‌ها را با دیده نفرت نگریست. در بخشی از خاطرات او می‌خوانیم:

بقیه در صفحه ٤

احمدی‌نژاد: شرایط موجود در روابط ایران و آمریکا به زیان جهان است



بقیه از صفحه اول

غلط توصیف کرد و اظهار داشت: این تحریم‌ها فقط ذهنیت منفی مردم ایران را نسبت به آمریکا تشدید می‌کند.

احمدی‌نژاد در پاسخ به سؤال یکی دیگر از حاضران در جلسه درباره موضوع هسته‌ای ایران با بیان این‌که این موضوع کاملاً سیاسی شده است، گفت: این موضوع بین ایران و آمریکاست و اگر امروز آمریکا خود را از آن کنار بکشد، دیگر کسی در جهان ادعایی علیه ایران ندارد، لذا معتقدم باید در عرصه‌ای جدا از مذاکرات هسته‌ای آن را حل و فصل کنیم.

رئیس‌جمهوری در پاسخ به سؤال یکی دیگر از نخبگان مبنی بر این‌که چرا ایرانیان اسرائیل را رژیم صهیونیستی می‌نامند و آن را به رسمیت نمی‌شناسند، اظهار داشت: این سؤال مهمی است که به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی توسط ایران چه ربطی به رابطه ایران با آمریکا دارد؛ ایران، آمریکا را به رسمیت می‌شناسد و معتقد است می‌توانیم با یکدیگر رابطه داشته باشیم اما موضوع به رسمیت شناختن و یا نشناختن رژیم صهیونیستی هیچ ارتباطی به روابط ایران و آمریکا ندارد.

وی خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد تا چنانچه دولت آمریکا قدمی برای ایجاد تفاهم بین دو کشور بردارد در ذهنیت منفی خود نسبت به آمریکا تامل کرده و کمک کند تا سریع‌تر روابط دو کشور بهبود یابد.

دکتر احمدی‌نژاد با اشاره به جنجال‌آفرینی‌های رژیم صهیونیستی علیه ایران اظهار داشت: واقعاً رژیم صهیونیستی به کجای ایران می‌خواهد حمله کند و کدام نقطه از ایران را مورد هدف قرار دهد، ایران کشور بسیار بزرگی است و باید در نظر داشت اگر بخواهد به تهدیدات و یا اقدامات خصمانه واکنش نشان دهد آن موقع چه اتفاقی خواهد افتاد؛ اما صرف‌نظر از همه این مسائل خیلی خوب بود دولت آمریکا و گروه‌های سیاسی، اجتماعی این کشور این تهدیدها را محکوم می‌کردند تا صهیونیست‌ها فکر نکنند که اجازه دارند هر کاری که خواستند بر علیه دیگران انجام دهند.

رئیس‌جمهور در پاسخ به سؤال دیگری درباره این‌که آیا ایران حاضر است اقداماتی اعتمادساز در عرصه هسته‌ای انجام دهد که مبنای همکاری‌های جدید باشد، خاطر نشان کرد: در بیانیه تهران که با حضور برزیل و ترکیه منتشر شد مبنای بسیار خوبی برای دور جدیدی از همکاری‌ها ارائه شد، اما با این‌که ترکیه و برزیل به درخواست آمریکا، آن توافق را با ایران حاصل کرده بودند خود آمریکایی‌ها در اقدامی خصمانه این بیانیه را دور زدند.

احمدی‌نژاد با اشاره به این‌که ایران برنامه‌های بلندمدت و مسلسلی برای تولید برق از نیروگاه‌های هسته‌ای دارد، افزود: از این‌که آمریکایی‌ها در ساخت این نیروگاه‌ها و تامین سوخت مورد نیاز آنها مشارکت کنند، استقبال کرده و آن را گامی اعتمادساز از سوی آمریکا ارزیابی خواهیم کرد.

رئیس جمهور خارج کردن نام منافقین به عنوان یک گروه تروریستی کوچک از فهرست گروه‌های تروریستی در آمریکا را مورد اشاره قرار داد و گفت: اعضای این گروه بیش از ۱۶ هزار نفر از شهروندان ایرانی و تعدادی از مقامات به شدت محبوب جمهوری اسلامی را ترور کردند و نزد ایرانیان به شدت منفور هستند و خارج کردن نام این گروه از فهرست گروه‌های تروریستی در کنار اتهاماتی که دولتمردان آمریکایی علیه ایران مبنی بر حمایت از تروریسم مطرح می‌کنند سندی روشن بر رفتار دوگانه دولت آمریکاست.

دکتر احمدی‌نژاد در پاسخ به سؤال یکی از حضار درباره درگیری‌های سوریه و نقش جمهوری اسلامی ایران در حل و فصل این درگیری‌ها با اشاره به این‌که تلاش جمهوری اسلامی معطوف به پایان درگیری‌ها در سوریه و ایجاد روند تفاهم ملی است، گفت: یقیناً آمریکا از جنگ در سوریه نفعی نخواهد برد و معتقدیم می‌تواند به حل بحران در این کشور کمک کند.

دکتر احمدی‌نژاد افزود: سیاست‌های آمریکا در منطقه اشتباهات زیادی داشته و باعث تشدید افراط‌گرایی شده که این خطری بزرگ برای همه دنیا است.

دکتر احمدی‌نژاد در واکنش به مطالب یکی دیگر از حضار در جلسه درباره لزوم کمک ایران به سامان دادن اوضاع در افغانستان تصریح کرد: اگر واقعاً حاکمیت آمریکا به این نتیجه رسیده است که قدرت را در افغانستان به مردم واگذار کرده و حق حاکمیت ملی آنها را به رسمیت بشناسد و دیگر در امور داخلی این کشور دخالت نکند، یقیناً زمینه برای همکاری و حل و فصل مسائل فراهم است.

گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی المیادین لبنان

رئیس‌جمهوری اسلامی ایران با بیان این‌که امروز یک بیداری عمومی در عرصه بین‌المللی در حال رخ دادن است که لازم است ذهن و توان جامعه بشری بر این اتفاق بزرگ متمرکز شود، اظهار داشت: مشکلات امروز در دنیا در حقیقت مشکل مشترک همه ملت‌ها بوده و نظام حاکم بر جهان که ریشه بسیاری از این مشکلات است.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در گفت‌وگو با تلویزیون المیادین لبنان در پاسخ به سؤالی درباره شرایط حساس بین‌المللی و مانور کشورهای غربی در کنار برخی کشورهای منطقه در خلیج فارس و این‌که آیا می‌توان از درون این تحولات به راه‌حل میانه‌ای رسید، گفت: درست است که در بعضی از مناطق دنیا التهاباتی وجود دارد، اما امروز تحولی بزرگ و زیربنایی‌تر در عرصه بین‌المللی در حال وقوع است که همان تغییر نگاه و رویکرد ملت‌ها به مسائل جهانی و روابط مردم با یکدیگر است.

رئیس‌جمهور در پاسخ به این سؤال که از این دست مانورها که اکنون در خلیج فارس در حال برگزاری است، چه پیامی دریافت می‌کنید و با توجه به اخباری که از مشارکت رژیم صهیونیستی در این مانورها حکایت دارد، آیا برای وقوع هر اتفاق و احتمالی آمادگی کافی دارید؟ تصریح کرد: برگزارکنندگان این مانور صراحتاً اعلام کردند که مخاطب این مانور ایران نیست، اما در عین حال ما به این نکته واقف هستیم که برخی با چنین اقداماتی به دنبال قدرت‌نمایی هستند، اما به این مسائل اهمیت نداده و معتقدیم اتفاق خاصی رخ نخواهد داد.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که انتظار دارید کدام یک از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به پیروزی برسد؟ تصریح کرد: ما درباره انتخابات آمریکا اظهار نظری نخواهیم کرد و معتقدیم این موضوعی است که مردم آمریکا باید درباره آن تصمیم گیری کنند، اما یقین داریم که امروز مردم دنیا و از جمله مردم آمریکا دیگر از جنگ‌افروزی و تجاوز استقبال نمی‌کنند، چرا که تبعات هر جنگ به همه ملت‌های دنیا تحمیل می‌شود و امروز دنیا دیگر ظرفیت جنگ جدیدی را ندارد. رئیس‌جمهور راه حل مسائل سوریه را تفاهم و توجه به خواست ملی اعلام کرد و افزود: درگیری و خشونت راه حل مسائل سوریه نیست و کشته شدن افراد در سوریه از هر یک از طرف‌های درگیر، ناراحت‌کننده است.

رئیس‌جمهور در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر این‌که آیا به اهانت‌های صورت گرفته به ساحت پیامبر گرامی اسلام (ص) در مجمع عمومی سازمان ملل اعتراض خواهید کرد؟ اظهار داشت: این موضوعی است که قطعاً کشورهای زیادی درباره آن موضع گیری خواهند کرد و این در حالی است که اصل این توهین‌ها یک شیطنت صهیونیستی بوده تا آنها بتوانند با چنین جنجال آفرینی‌هایی راه نجاتی برای خودشان بیابند و ایران قطعاً در مجمع عمومی سازمان ملل این حرکت را محکوم کرده و خواستار آن خواهد شد تا توهین به مقدسات متوقف شود.

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی: اخلاق مداری نخستین رسالت رسانه‌هاست

آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، در دیدار مدیر مسئول، سردبیر و اعضای شورای سردبیری روزنامه مغرب اظهار داشتند: مذهب، خط قرمز امام خمینی (ره) در برخورد با مطبوعات بود. بنده به یاد ندارم که در دوران ریاستم در دیوان عالی کشور یک بار با روزنامه‌ای برخورد شده باشد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران به نقل از «حوزه»، ایشان در پاسخ به تقاضای اعضای شورای سردبیری روزنامه مغرب مبنی بر بیان رهنمود، گفتند: رهنمودها را اسلام بیان کرده است. یکی از آن‌ها این است که رسانه‌ها واقعیت‌ها را منعکس کنند و در انعکاس آن دچار تردید نشوند.

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی با تاکید بر این که خداوند دروغ را بالاترین گناه دانسته است، بیان داشتند: اولین رسالت رسانه‌ها، رعایت صداقت و اخلاق مداری است و باید از انعکاس مطالب غیر واقعی خودداری کنند.

ایشان در بیان خاطراتی از امام گفتند: همه زندگی امام راحل از زمانی که ایشان را شناختیم تا زمانی که رحلت فرمودند، برای ما خاطره بود؛ چرا که ایشان شخصیتی بی بدیل بودند.

اواخر عمر شریف امام(ره) خدمت ایشان رسیده و گفتم: «آیا بهتر نیست کمی راه‌را باز کنید؟ مثلا برای احمد آقا؟» که ایشان پاسخ دادند: «نه، نمی‌شود». اما بعداز مدتی مرا صدا زده و گفتند: «من نگران زندگی احمد هستم»، اما نگفتند از چه نگرانی دارند.

پاسخ دبیر کل سازمان همکاری‌های اسلامی به نامه سید محمد خاتمی

اکمل الدین احسان اوغلو، دبیر کل سازمان همکاری‌های اسلامی در پاسخ به نامه سید محمد خاتمی، رئیس بنیاد گفت و گوی تمدن‌ها درخصوص انتشار فیلمی موهن درباره پیامبر عظیم الشأن اسلام اعلام کرد: «از زمان انتشار اخبار درباره این فیلم، سازمان همکاری‌های اسلامی بیانیه‌های محکمی در محکومیت این عمل وحشیانه منتشر کرده است. این عمل تأسف بار به معنای نفی کامل تمام تلاش‌هایی است که از سوی جامعه جهانی برای به کار بستن ایده «گفت و گوی تمدن‌ها» صورت گرفته است، ایده‌ای که در سال ۱۹۹۸ توسط جناب عالی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح و سپس گسترش یافت. ابتکاری که از آن پس در جهان با اقبال روبرو شد و به عنوان نقطه آغاز تحول تاریخی در گفت و گو و بردباری و اعتدال در میان اقوام و ملل جهان شناخته شد.»



وی ارتکاب این گونه جنایات و مصونیت از مجازات به دلیل فقدان ابزار بین المللی برای مجازات عاملان آن را یکی از دغدغه‌های اصلی و محور تلاش‌های بین المللی سازمان بر شمرده و اظهار امیدواری کرد که در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتوانیم یک سند الزام آور برای جلوگیری از توهین به مقدسات اقوام و ادیان به تصویب برسانیم.

سید محمد خاتمی به دنبال انتشار فیلمی موهن درباره پیامبر عظیم الشأن اسلام در نامه‌ای به اکمل الدین احسان اوغلو ضمن محکوم کردن انتشار این فیلم موهن و هرگونه توهین به مقدسات ادیان و اقوام مختلف، از دبیرکل سازمان همکاری‌های اسلامی درخواست کرده بود تا برای دفاع از تمامی ارزشها و مقدسات دینی و مقابله با افراطی گری و خشونت، فعالانه وارد عمل شود و با همراهی و همکاری نهادهای مؤثر بین المللی، همه دولت‌ها از جمله دولت آمریکا را به اقدام عملی برای خشکانیدن ریشه‌ها و جلوگیری از گسترش منازعات هویتی، قومی و دینی و برخورد قاطع با مسببان این فاجعه مکلف کند.

برگزیدگان بیست و یکمین دوره کتاب فصل معرفی شدند

برگزیدگان و شایستگان بیست‌ویکمین دوره جایزه کتاب فصل در بخش‌های مختلف عصر دیروز سه شنبه ٤ مهر معرفی شدند.

به گزارش ایرنا، بیست و یکمین دوره کتاب فصل در مراسمی با حضور مسئولان فرهنگی در سرای اهل قلم به کار خود پایان داد.

در این مراسم از آثار برگزیدگان و شایسته تقدیر تجلیل شد.

اسامی برندگان به شرح زیر است:

۱. فلسفه

الف) فلسفه اسلامی

«جدال با مدعی»، حسین غفاری، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۱.

ب) فلسفه غرب

«فرد و کیهان در فلسفه رنسانس»، تالیف ارنست کاسیرر، ترجمه یدالله موقن، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۱.

۲ ـ علوم کاربردی

پزشکی

«اصول نوین در پروتزهای دندانی ثابت»، تالیف استیون روزنستیل، ترجمه رزا مظاهری تهرانی، کاوه سیدان، مهران نوربخش، آرش زربخش، مترجمان همکار: سپیده سهیلی‌فر، محمد اسماعیلی نژاد، نوید نقدی، امین شمس، تهران: انتشارات شایان نمودار، ۱۳۹۱.

۳ ـ ادبیات

الف) شعر معاصر

«صبح بنارس»، سروده علیرضا قزوه، تهران: نشر سلمان پاک، ۱۳۹۱.

ب) نثر معاصر

«قیدار»، نوشته رضا امیرخانی، تهران: نشر افق، ۱۳۹۱.

ج) تاریخ و نقد ادبی

«سبک شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها»، تالیف محمود فتوحی رودمعجنی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۱.

افشای بخشی از خرابکاری صنعتی دشمن



عکس از: محسن وزیری

بقیه از صفحه اول

کارشناسان اطلاعاتی در جمع خبرنگاران رسانه‌ها با بیان این که غربی‌ها و رژیم صهیونیستی در سه سطح جمع آوری اطلاعات، تحلیل آن و انجام اقدام‌های خرابکارانه به توسط آن استراتژی خود را متمرکز کرده‌اند افزود: این گونه عملیات مشترکاً انجام می‌شود زیرا جمهوری اسلامی برای آنها یک هدف است.

وی با اشاره به این که ایران امروز حرف اول را به عنوان قدرت منطقه‌ای می‌زند خاطرنشان کرد: البته تاکنون طراحی غربی‌ها ناکام بوده است و اقدام‌های ایران در حوزه‌های مختلف علمی و صنعتی متوقف نخواهد شد.

این کارشناس اطلاعاتی هدف تمامی تحرکات دشمن را مردم خواند و گفت: این رویکرد به ویژه از سال ۸۸ تشدید و خرابکاری در صنایع حیاتی و زیرساختی و مرتبط با مردم مانند انرژی هسته‌ای مورد توجه دشمن قرار گرفته است. البته این کار در قالب فنی انجام می‌شود ولی در باطن اقدامی جاسوسی و خرابکارانه است.

وی با اشاره به این موضوع که دشمن از غفلت و ناآگاهی افراد و شرکت‌های صنعتی برای تهیه تجهیزات و نیز شرکت‌های مجازی که توسط سرویس خارجی ایجاد شده است، استفاده می‌کند گفت: البته این موضوع مختص به ایران نیست.

این کارشناس اطلاعاتی هدف مهم دیگر خرابکاری صنعتی را کاهش توان اقتصادی، تنزل دادن به رشد علمی و افزایش فشار اقتصادی و روانی بر مردم برشمرد و گفت: استراتژی دولت‌های متخاصم در شرایط کنونی هدف قرار دادن مراکز حیاتی است. البته تاکنون اتفاقی نیفتاده است چون اشراف اطلاعاتی ما باعث شد که صنایع کشور آسیب جدی نبینند.

وی به وجود تعامل سازنده میان همه دستگاهها برای خنثی‌سازی طرحهای دشمن اشاره کرد و افزود: دشمن در عملیات روانی خود دنبال آن است که تهدیدها را معتبرسازی کند، لذا رسانه‌ها مراقب باشند گول دشمن را نخورند.

وی فروش قطعات معیوب به مراکز صنعتی مختلف را از طرح‌های دشمن برشمرد و در این باره به عنوان مثال به نیازمندی بخش نفت و گاز به تجهیزات خارجی اشاره کرد و افزود: دشمن روی فروش لوله‌های خاص انتقال گاز سرمایه‌گذاری و اقدام‌های مخربی انجام داده و قرار بود این لوله‌ها در فازهای پارس جنوبی مورد استفاده قرار گیرد که کشف و خنثی شد.

در موضوع هسته‌ای هم در زمینه پمپ خلاء و فشارسنج‌ها اختلالاتی ایجاد کرده بود و اگر اقدام بموقع انجام نمی‌گرفت وضع ما تغییر می‌کرد. در حوزه مخابرات هم فرانسوی‌ها در سیستم‌های آنتی ویروس دخیل بودند و قرار بود به مجموعه‌های کشور فروخته شود که موفق به کشف آن شدیم.

در خارج از کشور هم طرح این بود که لپ‌تاب‌ها و نرم‌افزارهای آلوده هم به متخصصان داده شود که این طرح هم لو رفت.

وی همچنین به طور مشخص به آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه در طراحی به منظور ایجاد خرابکاری صنعتی در کشورمان اشاره کرد و افزود: یکی از شرکت‌های فعال آمریکایی در این ارتباط «ادواردز» است که تجهیزات خطرناک مربوط به صنایع نفت و انرژی هسته‌ای را در فرایند خرید قرار می‌داد که البته موردشناسایی کشف‌ماقرارگرفت. به عنوان مثال این شرکت آمریکایی در دستگاه «فشارسنج» دست برده بود تا از طریق برخی نیروهای انسانی، ماهواره و سیگنال‌ها فعال شود و این کار بسیار پیچیده و سختی بود که می‌توانست اثرات بسیار بدی داشته باشد.

این کارشناس اطلاعاتی ادامه داد: معمولاً این گونه دستگاهها وقتی به بهره‌بردار تحویل می‌شود به عنوان جنس سالم مطرح است و چون به‌سختی تهیه می‌شود، معمولاً به آن به دید مثبت نگاه می‌کنند و سالم‌سازی امنیتی نمی‌شود.

وی با اشاره به این‌که در فرایند خرابکاری صنعتی افراد ناآگاه و آگاه داشتیم، گفت: ولی بیشتر سرویس‌ها از افراد ناآگاه استفاده کردند. در این زمینه شماری دستگیر شدند و شماری هم که سهوی درگیر شده بودند، مورد راهنمایی قرار گرفتند.

وی با اشاره به این نکته که با شرکت‌های تامین تجهیزات تعامل لازم صورت گرفته و آموزش‌های لازم به آن داده شده است گفت: توصیه‌های حفاظتی را ارائه کرده‌ایم و آنها هم در خریدهای خود دقت دارند. ما با جامعه هدف ارتباط کافی برقرار کرده‌ایم و افراد با توصیه ما و آمادگی لازم به خرید می‌روند. همچنین صندوق پستی شماره ۱۱۱ـ۱۶۷۶۵ برای دریافت نقطه نظرهای کسانی که قصد خرید تجهیزات در خارج را دارند در نظر گرفته شده است و ما از این طریق آنها را راهنمایی خواهیم کرد.

این کارشناس اطلاعاتی بار دیگر با اشاره به این که استفاده از بدافزارهای هوشمند در مراکز حساس کشور یک کار اساسی مجموعه اطلاعاتی غرب بوده است اظهار داشت: البته آنها در فضای سایبری هم تاکنون ناکام بوده‌اند. ضمن این ایران قادر است اقدام‌های مخربی علیه دشمنان در این زمینه داشته باشد چون وقتی اشراف اطلاعاتی داریم توانایی این کار را هم داریم. مثلاً می‌دانیم لابراتواری در جنوب آمریکا فعال است و اطلاعات کاملی از آن مجموعه و فعالیت‌هایش داریم.

وی به نهضت بومی‌سازی و ساخت قطعات و ارتباط صنعت با بخش‌های علمی را به عنوان استراتژی جمهوری اسلامی برشمرد و گفت: به جرأت می‌توان گفت در برخی حوزه‌ها در حد یکی دو درصد وابسته‌ایم.

این کارشناس اطلاعاتی در ادامه پیرامون اقدام‌های حقوقی علیه توطئه‌های دشمن در این زمینه گفت: حریف ما برای اعتمادسازی از برندهای معروف استفاده می‌کند تا کسی شک نکند. لذا اقدام‌های حقوقی را وزارت خارجه و سایر نهادها شروع کرده‌اند.

گفتنی است که در نمایشگاه اقدامات خرابکارانه صنعتی نمونه‌هایی از قطعات تولید شده توسط شرکت‌هایی در کشورهای آلمان، آمریکا، رومانی، اکراین، چین، کره‌جنوبی و استرالیا به نمایش درآمده که نشان می‌دهد، در این قطعات به نوعی دستکاری شده است تا در زمان مشخص از کار بیفتند یا منفجر شود.

در برخی از این قطعات پردازنده‌ای هوشمند نهاده شده بود تا به وسیله ماهواره یا ارسال سیگنال از کار بیفتند. از نکات جالب در این نمایشگاه ورق‌های بازی است که در آن اسامی تعدادی از نیروهای سپاهی با هدف ایجاد جنگ روانی نوشته شده است، همچنین کارت‌پستال‌هایی به نمایش گذاشته شده که به دروغ از سوی شرکت ایرانی معروف ارسال می‌شد و در آن دستگاهی صوتی با بازکردن آن کارت‌پستال به گیرنده هشدار می‌داد و او را در قبال ادامه همکاری با جمهوری اسلامی تهدید می‌کرد.

این کارت‌پستال‌ها در واقع از سوی سرویس‌های اطلاعات غربی برای این افراد ارسال می‌شد.

سلطانیه: در صورت لغو تحریم‌ها، غنی‌سازی ۲۰ درصدی متوقف می‌شود

علی‌اصغر سلطانیه از پیشنهاد ایران برای توقف غنی‌سازی ۲۰ درصدی در ازای لغو تحریم‌ها به نماینده ۱+۵ در استانبول خبر داد.

به گزارش (ایسنا)، خبرگزاری «اینترپرس سرویس» به نقل از علی‌اصغر سلطانیه، نماینده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد که ایران در نشست ۱۹ سپتامبر (۲۹ شهریور) میان کاترین اشتون، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا و سعید جلیلی، مذاکره‌کننده ارشد ایران با ۱+۵، پیشنهاد کرده است غنی‌سازی ۲۰ درصدی را در ازای رفع تحریم‌ها علیه ایران متوقف می‌کند.

او در ادامه گفت‌وگو با این خبرگزاری با اشاره به مذاکرات ایران و آژانس افزود که مقام‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ماه گذشته با درخواست ایران مبنی بر این‌که اسناد فعالیت‌های منتسب داده شده به ایران به مقام‌های این کشور ارایه شود، موافقت کرد، اما بعد از این مصالحه عقب‌نشینی کرده است.

سلطانیه گفت: ما آماده‌ایم غنی‌سازی ۲۰ درصدی را تعلیق کنیم، مشروط بر این‌که یک گام متقابل سازگار با آن را مشاهده کنیم.

وی گفت: اگر ما این کار را انجام دهیم، نباید تحریم‌ها وجود داشته باشد.

نماینده ایران در آژانس مخالفت ایران با هرگونه توافقی که شامل بستن سایت غنی‌سازی فردو باشد را تکرار کرد و گفت: غیرممکن است که ما انتظارات آن‌ها برای تعطیلی فردو را بپذیریم.

در حالی که توجیه آمریکا برای بستن فردو این بوده که این تاسیسات تداوم غنی‌سازی به سمت سطوح تسلیحاتی را برای ایران تسهیل می‌کند، سلطانیه گفت که تبدیل نیمی از ذخایر به صفحه سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران در گزارش ۳۰ اوت آژانس مستند شده است.

او افزود: مهم‌ترین چیز در گزارش آژانس این بود که درصد بالایی از اورانیوم با غنای ۲۰ درصد به پودر برای استفاده در راکتور تحقیقاتی تهران تبدیل شده است.

بنابراین گزارش، تبدیل شدن اورانیوم با غنای ۲۰ درصد به پودر برای استفاده در صفحات سوخت امکان فرآوری مجدد آن به صورتی که برای سطوح نظامی استفاده شود را از بین می‌برد.

سلطانیه گفت که دو مقام عالی‌رتبه آژانس در تازه‌ترین دور مذاکرات در ماه گذشته درخواست مهم ایران در «توافق ساختاری» درباره همکاری ایران درباره اتهامات مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» در برنامه هسته‌ای را پذیرفتند، اما در پایان نشست از آن عقب‌نشینی کردند.

این گزارش حاکی است: مساله، اصرار ایران برای دریافت کلیه اسنادی است که مبنای اتهامات علیه ایران قرار گرفته است.

متن مذاکرات (دوم اسفند ۱۳۹۰) فوریه نشان می‌دهد که آژانس با ذکر عبارت «در صورت مقتضی» درصدد فرار از هرگونه تقاضا برای قرار دادن اسناد در اختیار ایران بوده است.

جمع بندی ۱۲ محوری بیانات رهبر انقلاب در مورد اهانت به پیامبر اکرم (ص)

*احسان باقرزاده

با گذشت حدود ۲۰ روز از انتشار فیلم موهن علیه پیامبر بزرگ اسلام (ص)، خشم امت اسلامی هنوز فروکش نکرده و اعتراض‌ها درکشورهای اسلامی و غیر اسلامی ادامه دارد. در جریان این اعتراض‌ها تاکنون ده‌ها نفر کشته و زخمی شده‌اند و مسلمانان غیوری که به درستی منشأ این جنایت و جسارت را توطئه‌های آمریکایی ـ صهیونیستی می‌نامند، ازهمان ابتدا پیکان تیز اعتراض‌های خود را به سمت سفارت‌خانه‌های آمریکا هدف گرفته و خواستار برخورد با عوامل این جرم بزرگ، عذرخواهی دولت آمریکا و تضمین دادن برای جلوگیری از بروز این فجایع دردآور درآینده هستند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی هم از اولین روزهای انتشار خبر توهین به نبی مکرم اسلام (ص) صراحتاً اعلام موضع کرده و تاکنون در پیام رسمی و دو سخنرانی مهم خود به طور مبسوط به ریشه‌های اهانت، عوامل و متهمان آن و مطالبه امت اسلامی در این قضیه پرداخته‌اند.

«کارهای دیوانه‌وار»، «جرم بزرگ»، «جریمه‌ی سنگین»، «جنایت»، «عمل جنون‌آمیز»، «گناه بزرگ»؛ تعابیری است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای توصیف حرکت شیطانی توهین به پیامبر نور و رحمت به کار گرفته‌اند.

جمع‌بندی بیانات رهبر معظم انقلاب ظرف دو هفته گذشته در مورد ماجرای توهین به پیامبر اسلام (ص) در ۱۲ بند زیر آمده است:

منشأ اهانت به خاتم پیامبران (ص): خشم مجموعه‌های صهیونیستی از تلألو روز افزون اسلام و قرآن در جهان/ احساس عقب ماندگی دشمن در رویارویی با حرکت جوشان و خروشان جمهوری اسلامی و حرکت عظیم‌بیداری اسلامی / سبک کردن مقدسات و احساسات دینی در چشم جوانان کشورهای اسلامی / بغض و کینه عمیق از پیامبر رحمت

متهمان ردیف اول جنایت: صهیونیسم و دولت آمریکا

نوع موضع گیری سردمداران نظام‌های استکباری: محکوم نکردن و ادعای دخیل نبودن، سعی درکنار نگه داشتن خود از این جریمه سنگین

فایده موضع گیری توأم با دشمنی سیاستمداران غربی: شناخت دشمن و علت دشمنی‌های او و حتی برای دیرباورترین افراد / روشن شدن صف‌بندی و دعوای اصلی جبهه حق و باطل بر محور اصل اسلام و وجود مقدس خاتم الانبیاء (ص)

مطالبه ملت‌ها از سران نظام‌های استکباری: اثبات عملی دست نداشتن در این جرم بزرگ و جلوگیری از تجاوزها

بهانه سران استکبار برای جلوگیری نکردن از توهین به مقدسات: احترام به آزادی بیان و دموکراسی

برخی از مثال‌های نقض آزادی بیان در غرب: ممکن نبودن زیر سوال بردن واقعه‌ی مجهول‌الحال هولوکاست/ نبود امکان انتشار نقد علیه همجنس‌بازی با تکیه به مبانی روان‌شناسی و جامعه شناسی در آمریکا

علت حرکت اعتراض آمیز مردم به سمت مراکز سیاسی اجتماعی وابسته به آمریکا: پربودن دل ملت‌ها از سیاست‌های آمریکایی و صهیونیستی و بروز آن در زمان پیدا شدن منفذی مانند قضیه اخیر

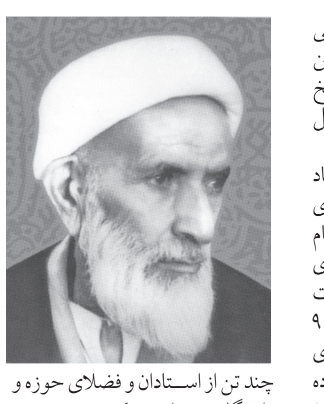
پیام خروش عظیم امت اسلامی: نمایش ظرفیت دنیای اسلام برای ایجاد تحرک در میان مسلمانان و حتی برخی غیر مسلمانان درکشورهای غربی/ تأکید بر ملتقا، محور و قطب بودن پیامبر اکرم (ص) برای تمام مذاهب و نحله‌های اسلامی/ ایجاد زمینه برای تقویت وحدت

توطئه دشمن برای نجات خود از خشم امت اسلامی: دامن زدن به اختلاف‌های عقیدتی میان مسلمانان و تلاش برای برگرداندن این خشم به درون امت اسلامی

وظیفه امت اسلامی در مقابل توطئه اختلاف افکنی: تمرکز بر مبانی و اصول به ویژه حول شخصیت پیامبر اکرم (ص) به‌جای برجسته سازی اختلافات

پیش بینی آینده‌ی رویارویی اسلام با مستکبران: بدون شک با پیروزی خورشید تابان اسلام به پایان خواهد رسید.

بزرگداشت آیت الله العظمی شیخ محمدتقی آملی در آمل



همایش «سلوک اخلاقی فیلسوف» بمناسبت چهلمین سالگرد رحلت علامه حاج شیخ محمدتقی آملی (ره) فردا درآمل برگزار می‌شود.

این همایش به همّت بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء وشورای فرهنگ عمومی شهرستان آمل و با پیام حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی همزمان با ایام ولادت حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) از ساعت ۹ صبح تا ۱۸ عصر در سالن همایش‌های دانشگاه شمال واقع در دوراهی امامزاده عبدالله(ع) آمل برگزار می‌شود و در آن چند تن از استادان و فضلای حوزه و دانشگاه سخنرانی می‌کنند.

اخضر ابراهیمی به زودی به تهران می‌آید

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور سوریه در دیدار با وزیر خارجه ایران اعلام کرد که به زودی به تهران سفر خواهد کرد.

به گزارش فارس، دکتر صالحی هم در این دیدار با اشاره به سفر اخیر خود به مصر و سوریه، اظهار داشت: معتقدیم که حل مسأله سوریه از طریق ایجاد هماهنگی بین تلاش‌های اطراف مختلف امکانپذیر است.

وزیر امور خارجه با اشاره به سوابق فعالیت‌های اخضر ابراهیمی در افغانستان و عراق، حمایت جمهوری اسلامی ایران از مأموریت وی را خاطرنشان کرد.

اخضر ابراهیمی هم در این دیدار با مهم و سازنده خواندن سفر اخیر صالحی به قاهره و دمشق، ضرورت حل مسأله سوریه را مورد اشاره قرار داد و تصریح کرد که تشدید بحران در سوریه بر کل منطقه تاثیرگذار خواهد بود. همچنین در دیدار وزرای امور خارجه ایران و نروژ روابط دوجانبه تهران ـ اسلو، روابط ایران و اتحادیه اروپا و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اوضاع در سوریه و افغانستان و گفت‌وگوهای حقوق بشری و هسته‌ای مورد بحث و تبادل‌نظر قرار گرفت.

جلیلی: راه حل مسائل سوریه صرفاً داخلی است

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت گفت: ملت سوریه قادر به حل و فصل مشکلات خود هستند، از همین رو بارها اعلام کرده‌ایم که راه‌حل مسائل سوریه داخلی است و کسی حق مداخله در امور این کشور را ندارد.

به گزارش دبیرخانه شورای امنیت ملی، سعید جلیلی در دیدار «محمد صبحی ابوالشامات» رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس سوریه که در راس هیاتی پارلمانی به ایران سفر کرده است، افزود: ایران از همه ابتکارها برای شکل گیری و تقویت گفت‌وگوهای ملی در سوریه حمایت می‌کند. وی با اشاره به پیشینه فرهنگی و ظرفیت‌های سوریه افزود: جریان‌های حامی تروریسم و خون ریزی در سوریه نمی‌توانند مدافع حقوق ملت و دموکراسی در سوریه باشند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی در این دیدار با اشاره به جایگاه سوریه در تحولات سه دهه اخیر منطقه و یادآوری تلاش دشمنان برای انتقامگیری از محور مقاومت گفت: دولت و مردم سوریه با پایداری خود اقتدار مقاومت را نمایش دادند.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی با تاکید بر این که مقاومت امروز ملت سوریه در برابر دشمنان خارجی و تروریسم داخلی به دلیل اقتدار ناشی از سه دهه مقاومت دولت و مردم این کشور مقابل رژیم صهیونیستی است، افزود: سوریه با عبور از این بحران به طور قطع مقتدرتر از گذشته خواهد شد.

رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس سوریه هم در این دیدار با اشاره به نقش مهم ایران به عنوان یک کشور قوی در حل بحران‌های منطقه‌ای گفت: ایران و سوریه با حمایت از مقاومت عامل ثبات و امنیت منطقه به شمار می‌روند. مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری هم گفت: اتهام اصلی بشار اسد این است که در برابر صهیونیست‌ها ایستاده و متحد ایران به عنوان محور مقاومت است.

به گزارش فارس، دکتر علی اکبر ولایتی دبیرکل دبیرخانه بیداری اسلامی در نشست خبری که دیروز با حضور هیأت پارلمانی سوریه در محل دبیرخانه برگزار شد، با بیان این که معتقدیم دولت و مردم سوریه در یک سال و نیم گذشته در معرض آزمایش مهمی قرار گرفته‌اند، گفت: آنهایی که به غرب، صهیونیسم و ارتجاع عرب وابستگی ندارند و مردمی مسلمان و اصیل هستند، به تدریج به اشتباهات خود در مورد دولت سوریه پی برده و به هیچ وجه قبول ندارند که علیه حکومت سوریه با غرب و صهیونیست‌ها متحد شوند. ولایتی با حمایت از اصلاحات صورت گرفته در سوریه توسط بشار اسد و ابراز امیدواری نسبت به ادامه این روند، گفت: هیچ کشوری حق دخالت در امور داخلی سوریه را ندارد و هیچ دولت مسلمان و غیرمسلمان، عربی و غیرعربی و منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای حق ندارند به بهانه حمایت از مردم سوریه در امور این کشور دخالت کنند. چه برسد به این که برای مردم آن تعیین تکلیف کند.

حدیث روز

امام علی علیه‌السلام:

شُکْرُ النِّعَمِ یُضاعِفُها وَ یَزَیدُها

سپاس، نعمت‌ها را بسیار و افزون گرداند

آغاز مجموعه برنامه‌های فرهنگی-هنری «راه خورشید» از فردا در «اکو»

سرویس فرهنگی- هنری: نخستین مرحله از مجموعه برنامه‌های فرهنگی- هنری«راه خورشید» که به مناسبت زادروز مولانا جلال الدین برگزار می‌شود از فردا پنج‌شنبه ٦ مهر درمؤسسه فرهنگی اکو آغاز شده و تا یکشنبه ۹ مهر ادامه خواهد داشت.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست خبری که به همین منظور دیروز در موسسه فرهنگی اکو برگزار شده بود حجت‌الله ایوبی مدیر این مؤسسه به تشریح مجموعه برنامه‌های فرهنگی- هنری «راه خورشید» پرداخت. وی نخست دربارهٔ مؤسسه اکو توضیح داد:

درمؤسسه اکو ۱۰ کشور منطقه شامل ایران، ترکیه، افغانستان، پاکستان، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قرقیزستان عضو هستند. مشخصه اصلی این کشورها که در سازمان اقتصادی- فرهنگی اکو گردهم آمده‌اند اشتراکات و ارتباطاتی است که این کشورها از نظر حوزه جغرافیایی و به لحاظ فرهنگی و تاریخی دارند و تاریخ و فرهنگ این کشورها اغلب با تاریخ و فرهنگ ایران گره خورده است. هدف این سازمان یادآوری به ٤٠٠ میلیون تن از ساکنان منطقه اکو است که دارای پیشینه فرهنگی یکسانی هستند و هدف آن ایجاد همگرایی میان ملتهای منطقه است.

ایوبی،فعالیت‌های فرهنگی این موسسه‌راشامل برگزاری جشنواره‌های هنرهای تجسمی، برجسته کردن مناسب‌های فرهنگی مانند نوروز و برجسته‌کردن برخی شخصیت‌هایی که در حکم نماد فرهنگی هستند، بیان کرد و در ادامه گفت: مولانا جلال‌الدین بلخی یکی از شخصیت‌های فرهنگی است که نماد فرهنگی اکو تلقی می‌شوند چون پنج کشور از کشورهای عضو اکو شامل تاجیکستان، ترکیه، افغانستان و اخیراً پاکستان مدعی اصلی مولانا هستند و حلقه وصل این کشورها مولانا است و آنها را گردهم آورد پس از این رو توجه و تمرکزمان را روی مولانا بیشتر از دیگر شخصیت‌های نمادین فرهنگی قرار دادیم همانگونه که در هنرهای تجسمی خط و خوشنویسی فارسی را مهمتر از دیگر شاخصه‌های این هنر در نظر گرفته‌ایم و به آن می‌پردازیم و در این بخش استاد محمد حیدری دبیری شورای خوشنویسی اکو را به عهده دارند و استاد امیر خانی عهده‌دار دبیری شورای سیاستگذاری آن هستند.

ایوبی سپس به برنامه‌های«راه خورشید» پرداخت و گفت: مهمترین بخش برنامه«راه خورشید» چند روز مانده به روز تولد مولانا برگزار می‌شود و تاریخ برگزاری آن با توافق با کشورهای ترکیه و افغانستان تعیین شده است.

وی افزود: در این بخش برنامه، کاروان«راه خورشید» مرکب از اهالی فرهنگ و هنر از ایران آغاز به حرکت می‌کنند و با گذر از بلخ و هرات در افغانستان در شهرهای استانبول و لارنده ترکیه نیز توقف کوتاهی خواهند داشت و در نهایت، این برنامه در روز اوروس در قونیه که مراسم سماع معروف در آنجا و این روز اتفاق می‌افتد، به پایان می‌رسد. البته این برنامه در تبریز که زادگاه شمس تبریزی و خوی که آرامگاه وی در آنجاست نیز برگزار می‌شود.

مدیرمؤسسه فرهنگی اکو از برگزاری کارگاه‌های هنری در مرحله تست برنامه«راه خورشید» در تهران خبرداد و گفت: آغاز این کارگاه‌ها از بعدازظهر پنج‌شنبه٦ مهر خواهد بود و تا ۷ مهر ادامه دارد و شامل کارگاه‌های خوشنویسی با هنرمندی محمدحیدری، نقاشی با اجرای حبیب‌الله صمدیان است. هدف از برگزاری این کارگاه‌ها تولیدآثاری فاخر برای تقدیم به مولانا است و این آثار پس از پایان در کاروان«راه خورشید» قرار می‌گیرند تا در دیگر کشور را هم به نمایش در آیند.

ایوبی با اشاره به برگزاری برنامه ماه گفتارهای اکو دوشنبه‌های اول هر ماه درباره مولانا برگزار می‌شود ، گفت:

بقیه درصفحه ١٤

«یک حبه قند» در اسکار شرکت نمی‌کند

سرویس شهرستانها ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: سینماگران ایرانی در محکومیت توهین به پیامبر اکرم(ص) در ساخت فیلم موهن و به نشانه اعتراض به این اقدام؛ امسال در جشنواره فیلم اسکار شرکت نمی‌کنند.

به گزارش ایرنا؛ سید محمد حسینی در آیین گشایش دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت در تالار وحدت دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ افزود: همه دلسوزان و افراد متعهد به نوعی اعتراض خود را به ساخت این فیلم موهن اعلام کردند و امروز نیز درخواستی از سوی رئیس



سازمان امور سینمایی در رابطه با حضور نیافتن در جشنواره فیلم اسکار مطرح شد.

وی ادامه داد: با مسئولان حوزه هنری گفت و گوهایی را انجام دادیم و تصمیم گرفتیم که در صورت راغب بودن عوامل فیلم «یک حبه قند» که قرار بود امسال این فیلم از ایران در اسکار شرکت کند؛ یک واکنش جدی را با شرکت نکردن در اسکار در قبال این اقدام توهین آمیز انجام دهیم.

حسینی، گفت: امسال از حضور در اسکار ممانعت می‌کنیم و امیدواریم فیلم‌های در رابطه با تاریخ اسلام و سیره و سنت پیامبر اعظم(ص) در داخل و خارج کشور ساخته شود.وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛همچنین با اشاره به برگزاری جشنواره فیلم مقاومت در کرمان از استاندار و سایر دست‌اندرکاران این جشنواره قدردانی کرد و گفت: همین که برخی رسانه‌های خارجی در رابطه با برگزاری این جشنواره واکنش نشان داده‌اند نشان از تاثیر گذاری آن است.

وی اظهار داشت: این جشنواره در ١٦ استان کشور و ٨٠ نقطه مرزی برگزار می‌شود که از همه تلاشگران در این رابطه قدردانی می‌کنیم.

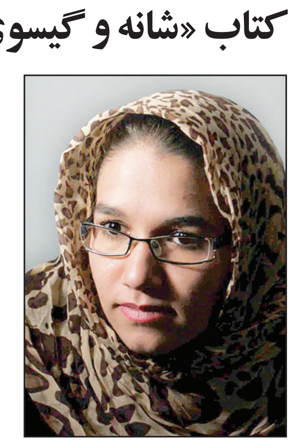
دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت سوم تا هفتم مهر ماه در کرمان برگزار می‌شود.

رونمایی از کتاب «شانه و گیسوی غزل» در فرهنگسرای رسانه

مراسم رونمایی از کتاب «شانه و گیسوی غزل» سروده فرشته خدابنده، ظهر دوشنبه ۳ مهر با حضور جلال رفیع، ناصر فیض، رضا رفیع، مهران رجبی و سراینده اثر در فرهنگسرای رسانه برگزار شد.

جلال رفیع در ابتدای این برنامه گفت: این کتاب توسط انتشارات اطلاعات چاپ شده است. فرشته خدابنده اهل تربت حیدریه است و تربت،مفاخر و مشاهیر زیادی را در طول تاریخ به خود دیده است.باید ببخشید که از شهر خودمان تعریف می‌کنم و از این شهر صحبت می‌کنم. خیلی‌ها نمی‌دانند که عنوان تربت حیدریه، از اسم یکی از مشایخ عرفا در قرن ششم گرفته شده است. او قطب‌الدین حیدر بوده است که اصلاً اهل بخارا و فرزند یکی از سلاطین و امرا بوده است. اما ناگهان به زندگی سلطنتی پشت پا می‌زند و به حلقه شاگردان شیخ ابوالقاسم گورکانی می‌پیوندد.وی افزود: در تاریخ (بنا به قول برخی) گفته شده است که عطار نیشابوری که به نوعی استاد مولانا بوده است، در حلقه درس شیخ قطب‌الدین حیدر شرکت داشته است. بنای شهر تربت حیدریه با مفاهیم عرفانی گذاشته شده است. یک نکته مهم این است که بار قوی‌ترین متون عرفانی ما را شعر به دوش کشیده است و به قول استاد شفیعی کدکنی، عرفان چه در زمان قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، هرگز صدایی بلندتر از صدای مولانا نداشته است. عمدتاً آن‌چه را که می‌توان عرفان خالص نامید، در متون ما بر بال شعر آمده است. خواستم اشاره کنم که خانم خدابنده از چنین شهری سر برآورده است. در کنار مقبره قطب‌الدین حیدر، مسجدی از زمان صفویان وجود داشت که هنوز ایوان آن باقی‌مانده است ولی متأسفانه اوایل انقلاب خواستند مراسم نماز جمعه را از مسجد شهر به آن منتقل کنند و به همین دلیل دیوارهایش را تخریب کردند.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت ادامه داد: خدابنده‌ها از فامیل‌های معروف



تربت حیدریه هستند و خانم خدابنده و پدرش در تربت به دنیا آمده‌اند ولی اصالتشان از روستایی از توابع تربت به نام «بایگ» است. جاده ابریشم از مقابل مزارقطب‌الدین می‌گذرد.خانم‌خدابنده هم علی‌رغم این که سن زیادی ندارد و متولد سال ٦٨ است، همان ابریشمی را که در بایگ تولید می‌شود، به عالم لغات و کلمات آورده است و شعرهایش به نوعی ابریشمی است.

رفیع گفت: قصد اغراق ندارم و در اشعار هر شاعری هم ایراد و اشکال وجود دارد، اما اولین بار که اشعار خدابنده را خواندم به وجودش افتخار کردم. رضا براهنی کتابی دارد به نام «تاریخ مذکر» و در آن اشاره می‌کند که اکثر تاریخ ما با تأثیربخشی مذکرها همراه بوده است. در شهر تربت حیدریه شاعران زیادی داریم اما سختی کار خانم خدابنده در این است که ایشان مذکر نیست و خانم است. بسیاری از تصاویر عرفانی و عاشقانه را حافظ به راحتی در شعرش می‌سازد و می‌تواند بگوید اما وقتی یک خانم پا به میدان شعر می‌گذارد و حتی می‌خواهد شعر عارفانه بگوید، شما خودتان حدیث مفصل بخوانید از این مجمل.

این طنزپرداز گفت: بسیاری، همین روزها در شهرهای کشور به شاعران زن ایراد می‌گیرند و اگر شعر عاشقانه یا عارفانه بگویند، صدای این افراد بلند می‌شود که یعنی چه؟ زن که نباید از این حرف‌ها بزنند! بنابراین من



معتقدم که خانم خدابنده با چاپ این کتاب به عنوان تجربه اولش، شجاعت زیادی به خرج داده است و سعی کرده است به راه حافظ برود. بسیاری از شاعران بزرگ معاصر هم قدم در راه حافظ گذاشتند و از شاگردان اویند. بنابراین خانم خدابنده دارد در این راه تاتی تاتی می‌کند تا در راه حافظ و شعرای بزرگ شعر ما پیش برود.

وی ادامه داد: من نه قصد دارم خدابنده را تا عرش بالا ببرم و نه می‌خواهم او را بیشتر از سطح خودش پایین ببرم. اما با خواندن شعرش متوجه شدم که بر چینش کلمات سلطه دارد. شاعر هم مانند نقاش است و اگر ابزار نقاش رنگ‌ها هستند، ابزار شاعر کلمات و واژه‌ها هستند. خدابنده توانسته مانند یک نقاش قدرت تصویرسازی و تخیل خود را در شعر به ظهور برساند؛ البته در سطح و حد توانایی‌های خودش. امیدوارم ایشان مغرور نشود و خود را متواضعانه شاگرد شاعران برجسته شعر ایران بداند. ایشان باید دو هزار گوش برای شنیدن و دو هزار چشم برای دیدن و خواندن داشته باشد و باز هم امیدوارم روزی نه در تربت حیدریه بلکه در تمام سطح کشور مطرح شود و فروغ فرخزاد، پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی، طاهره صفارزاده یا سپیده کاشانی دیگری شود. چون اشعار اولیه آنها هم به قدرت اشعار کنونی شان نبوده و آنها هم روزی مانند فرشته خدابنده بودند.

در ادامه این مراسم ناصر فیض گفت: فرشته خدابنده دو مشکل عمده دارد. یکی این که زن است و دوم این که شهرستانی و ساکن شهرستان است. امروز بسیاری هستند که با اندک‌مایه‌ای به واسطه مسائلی دیگر، شناخته شده‌تر از او هستند. یک بار دوستی به من می‌گفت ما ایرانی‌ها عبوس هستیم. در پاسخ به او گفتم عبوس نیستیم ولی سخت می‌شود ما را خنداند. چون همه اصطلاح‌ها و ضرب‌المثل‌هایمان به نوعی حاوی طنز هستند و دیگر برایمان معمولی شده‌اند.این شاعر در بخشی از سخنانش درباره کتاب «شانه و گیسوی غزل» گفت: هرچند شعر شاعر در این کتاب، آشفتگی‌هایی هم دارد ولی اشعار نشان می‌دهند که خدابنده طنز را می‌شناسد. اما در جایی که شعر جدی دارد، گاهی وارد طنز شده و در جایی که شعر طنز دارد، گاهی وارد حیطه جدی شده است. این کتاب طنزی جدید دارد چون طنز ما یا مشخصا بگوییم طنز مطبوعاتی ما در چند کلمه مانند کوپن، مساعده، گرانی یا مسائل اداری خلاصه می‌شود. اما دغدغه طنزهای این کتاب، چیز دیگری به غیر از این مسائل است.

فیض همچنین گفت: شعرهای طنز خدابنده، دغدغه زبان دارند. یعنی شعرش فقط روایت یک موضوع طنز نیست. من کارهای جدی او را در جشنواره‌ها دیده بودم. یک بار به او گفتیم چرا کار طنز انجام نمی‌دهی؟ چون این روزها خیلی‌ها به سراغ طنز می‌روند. سؤالی که در این برنامه مطرح می‌کنم این است که چرا فرشته خدابنده، یک طاهره صفارزاده دیگر نشود؟ مگر اشعار اولیه چنان شاعرانی چگونه بوده است؟

وی در پایان گفت: من در پایان به فرشته خدابنده به دلیل جسارتش تبریک می‌گویم. همین اندازه برای شروع کار بسیار خوب است. اما او نباید خودش را گم کند.

در پایان این مراسم، کتاب «شانه و گیسوی غزل» توسط جلال رفیع و ناصر فیض رونمایی شد.

جشن خانه موسیقی در برج میلاد تهران برگزار می‌شود

سرویس فرهنگی- هنری: سیزدهمین جشن خانه موسیقی ایران ۱۷ مهرماه در سالن همایش‌های برج میلاد تهران برگزار خواهد شد

به گزارش خبرنگار ما، برنامه سیزدهمین جشن خانه موسیقی ایران دیروز با حضور حمیدرضا نوربخش ـ مدیر عامل خانه موسیقی ـ و حمیدرضا عاطفی ـ مدیر اجرایی خانه ـ تشریح شد.

در ابتدای این نشست نوربخش در سخنانی مطرح کرد: تلاشمان بر این بود که امسال نیز مثل سال‌های گذشته جشن خانه موسیقی در چند شب برگزار شود اما از آنجا که برج میلاد روزهای دیگر فضای خالی نداشت، مجبور شدیم امسال به همین یک شب بسنده کنیم، اما روال جشن مانند هر سال خواهد بود.

البته از مسئولان برج کمال قدردانی را داریم چرا که آنها برای یک شب سالن را به صورت رایگان در اختیار ما قرار داده‌اند.

وی اظهار کرد: امسال برای اولین بار یک گروه موسیقی پاپ در جشن خانه موسیقی اجرا خواهد کرد.

او درباره تقدیرهای سیزدهمین جشن خانه موسیقی توضیح داد: امسال از یک صدابردار، سازنده ساز، خواننده و آهنگساز که همگی از پیشکسوتان موسیقی هستند، تقدیر خواهیم کرد و بانوان پیشکسوت موسیقی نیز طبق روال گذشته تقدیر خواهند شد.

نوربخش با بیان اینکه انتخاب کتاب و آلبوم برگزیده سال به صورت دوسالانه برگزار می‌شود، عنوان کرد: امسال نوبت کتاب برگزیده است که به عنوان کتاب برتر سال در سه بخش پژوهش، تالیف و ترجمه معرفی خواهد شد.

در بخش دیگری از این جلسه عاطفی درباره آثار واصل شده به دبیرخانه و هیات داوران گفت: امسال ۱۱۵ جلد کتاب برای داوری به دبیرخانه رسیده است

به گفته او هیات داوران را مصطفی کمال پورتراب، محمدرضا فیاضی و هومان اسعدی تشکیل می‌دهند.

بنابر این گزارش، مدیرعامل خانه موسیقی در پاسخ به پرسشی که چرا جشن خانه موسیقی ایران با وجود وعده‌ها امسال هم بین‌المللی نشد، گفت: مصوبه هیات مدیره اینگونه بود که جشن امسال بین‌المللی شود اما بنا به دلایلی این اتفاق رخ نداد.

در پایان این نشست حمیدرضا عاطفی از برگزاری دومین نمایشگاه آثار شنیداری همزمان با جشن خانه موسیقی ایران خبر داد و افزود: امسال این نمایشگاه در محوطه پارک خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود و از ۱۵ تا ۲۲ مهرماه برپا خواهد بود.

هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی از ۷مهر در مریوان برگزار شد

سرویس فرهنگی، هنری: هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی از هفتم تا یازدهم مهر در شهر مریوان استان کردستان برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، قادر آشنا، مدیر مرکز هنرهای نمایشی، روز گذشته ضمن اعلام این خبر در جمع خبرنگاران گفت: «تئاتر خیابانی بر خلاف تئاتر صحنه‌ای به دل مردم می‌رود، همه‌جا قابل اجراست و مردم به راحتی می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند.»

وی افزود: جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی، امروزه به عنوان یک جشنواره شناخته شده در نقطه صفر مرزی برگزار می‌شود و این نشان از امنیت بالای مرزهای ما در ایران است.

آشنا در پایان صحبت‌های خود خبر داد «امسال بنابر قولی که سال گذشته داده بودیم، دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان نیز در این شهر افتتاح می‌شود.»

قباد میمنت آبادی، مدیرکل ارشاد استان کردستان و دبیر هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان، نیز در این مراسم گفت: «این جشنواره با هدف تثبیت تئاتر حرفه‌ای خیابانی در کشور، تنوع در ارائه گونه‌های مختلف نمایش خیابانی و تعامل تکنیکی و اجرایی با گروه‌های خارجی برگزار می‌شود.»

وی در ادامه صحبت‌های خود متذکر شد: «امسال هنرمندانی از آلمان، فرانسه، لهستان و عراق میهمان جشنواره تئاتر خیابانی مریوان هستند که ضمن اجرای آثار خود به برگزاری کارگاه‌های آموزشی نیز می‌پردازند».

هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی مریوان به دبیری قباد میمنت آبادی از هفتم تا یازدهم مهر سال جاری در شهر مریوان برگزار می‌شود.

در آستانه سفر حج (۷)

حج و تاریخ

سیدرضا اکرمی



۱ ـ ماه ذی‌قعده، در کنار آماده شدن برای سفر به مدینه و مکه معظم و برگزاری مراسم شکوهمند بین‌الملل حج، رویدادهای ارزشمند چون ولادت «کریمه اهل بیت» و ولادت حضرت رضا علیه‌السلام را دارد که باید بر طراوت و شادابی این سفر بیفزاید؛ زیرا حضرت معصومه علیهاالسلام بانویی دانشمند و هوشمند و اندیشمند بود و با حضرت رضا، خواهر و برادر تنی بودند و نام مادر هر دو «نجمه» بود که بانوئی با شجاعت و درایت و سیاست بود.

حضرت معصومه ۲۸ سال در این جهان زیست و حضرت رضا ۵۵ سال. هر دو در غربت یعنی دور از «مدینه‌النبی»، یکی در «قم» و دیگری در «مشهد» آرمیدند و هر دو مرکزیت «فقاهت و زیارت» یافته‌اند و هر دو قربانی سیاست پلید عباسیان و مأمون گشتند. حرم هر دو بزرگوار محلّ عبادت و توسّل و دیانت و توبه و استغفار و نیایش و در یک کلمه «زیارتگاه» می‌باشد.

۲ ـ مراسم زیارت و اعمال عمره و حج، مراسمی خشک و بدون حکمت و مصلحت نیست، با خود حکمت‌های ارزنده‌ای دارد و به اعمال عمره و حج همراه با حوادث تاریخی (ولادت و شهادت اهل بیت، رویدادهای ملّی و سیاسی) جلوه دیگری می‌دهد. حضرت معصومه کمتر از یک سال از سفر اجباری برادر خود از مدینه به مرو را سپری کرد که با کاروانی از برادران عازم دیدارش شد. این سفر به طور حتم حالت سیاسی به خود گرفت و با استقبال مردم شهرها مواجه شد؛ به طوری که در ساوه با کاروان درگیر گشتند و عده‌ای به شهادت رسیدند و حضرت معصومه داغدار و غصّه‌دار، خود را به قم رساند و پس از ۱۷ روز اقامت در آن شهر از دنیا رفت. این برادران و خواهر به زیارت امام هشتم نرسیدند و امام نیز عزادار گشت؛ ولی چه می‌توان کرد که نتوانست کاری انجام دهد و در تاریخ علّت این درگیری به وضوح مکتوب نشده و از امام هشتم نیز عکس‌العملی ثبت نشده است.

۳ ـ ولادت امام هشتم ۱٦ روز پس از شهادت امام ششم (یازدهم ذی‌قعده سال ۱٤۸ق) رخ داد. امام صادق(ع) به فرزندشان ـ حضرت موسی‌بن جعفر ـ فرموده بود: «**انّ عالم آل محمد لفی صلبک و لیتنی ادرکته کانه سُمّی امیرالمؤمنین**: دانشمند اهل بیت در صلب توست و ای کاش من وی را می‌دیدم. او همنام امیر مؤمنان است.» حضرت رضا در امپراتوری گسترده و مقتدر عباسی «هارون‌الرشید» به امامت رسید و روزگار چنان نبود که حضرت بتواند فعالیت آشکاری انجام دهد، با این همه برخی از یاران احساس ترس می‌نمودند و به امام هشدار دادند که فرمود: «اگر ابوجهل توانست مویی از سر پیامبر جدا کند ، هارون نیز می‌تواند صدمه‌ای بر من وارد آورد.»

در حقیقت هارون پس از به شهادت رساندن امام هفتم، آن هم در زندان، مورد حمله و اعتراض مردم و سیاسیّون قرار گرفت و نمی‌توانست به امام هشتم نیز خدشه‌ای وارد سازد.

٤ ـ امام هشتم قبل از عزیمت به مرو و دیدار با «مأمون» به سفر عمره رفت و در این سفر رفتار ویژه داشت، تا آنجا که جوادالائمه در حجر اسماعیل «بست» نشست و آنجا را ترک نمی‌گفت. امام هشتم به سراغش رفت و از او خواست حجر را ترک گوید. جوادالائمه گفت: «چگونه خانه خدا را ترک گویم، در حالی که شما با خانه خدا تودیع کردی و گویا ماهها و سالهای آخر را سپری می‌نمایید؟» حضرت جوادالائمه از گفتار و رفتار پدر، بوی جدائی را می‌یافت و این گونه شد که پدر و پسر برای همیشه از یکدیگر جدا شدند، یکی در مدینه ماند و جای پدر را گرفت و به وظائف اجتماعی و سیاسی پدر به درستی عمل نمود و دیگری به مرو رفت و کمتر از سه سال در آنجا اقامت گزید که حالت «زندان مرفه» داشت: خادم داشت، رفت و آمد داشت، مناظره و مباحثه داشت؛ ولی همه چیز زیر نظر بود و امام علیه‌السلام در حبس و حصر به سر می‌برد و در پایان، کار به مسمومیت امام به دست مأمون کشید و حضرت شهید شد.

٥ ـ در اسلام عزیز و تاریخ دینی ما، اصول دین و فروع دین و اخلاق و سیاست همراهند و تحلیل و توضیح همراه دارد. می‌خواهیم به سفر حج برویم و جمعیت و جماعت آمده از کشورهای اسلامی را مشاهده می‌کنیم. شایسته است به تقویم مراجعه کنیم و بنگریم در ماه «ذی‌قعده» چه خبر است.

بقیه درصفحه ٤

بانک مرکزی: ارز مردم را به نرخ روز می‌خریم

معاون ارزی بانک مرکزی اعلام کرد که هفته آینده درباره ارز مسافرتی و دانشجویی تصمیمات جدیدی اتخاذ خواهد شد.

مینو کیانی راد در گفتگو با ایسنا در پاسخ به این سؤال که آیا قرار است ارز مسافرتی و دانشجویی در بورس ارز مبادله شود یا خیر؟ گفت: نه چنین چیزی نیست اما قرار است هفته‌آینده درباره این موضوع تصمیم‌گیری شود.

وی درباره نحوه تأمین ارز مرکز مبادله دارندگان و متقاضیان ارز توضیحاتی ارائه کرد و با اشاره به این‌که در پایان هر هفته وزارت نفت مبلغ، نوع ارز و میزان عرضه ارز را به بانک مرکزی اعلام می‌کند، افزود: بانک مرکزی این اطلاعات را به علاوه ارزی که خودش آن را تأمین می‌کند در اختیار بانک قرار می‌دهد و مشتری‌ها هم برای دریافت ارز به وزارت صنعت، معدن و تجارت مراجعه می‌کنند.

نامبرده افزود: این نرخ هر روز، اول صبح توسط بانک مرکزی به بانک‌های عامل حاضر در این مرکز اعلام می‌شود.

به گفته وی پس از فرآیند ثبت سفارش مرحله صدور گواهی ثبت آماری انجام می‌شود و اطلاعات آن از طریق پورتال به بانک مرکزی ارائه می‌شود. پس از انجام کنترل‌های لازم، بانک مرکزی نسبت به تخصیص کد ارزی اقدام می‌کند و پس از آن معادل ریالی ارز از مشتری دریافت و انتقال وجه صورت می‌گیرد.

معاون بانک مرکزی گفت: پس از این اقدام، با واریز معادل ریالی ارز به حساب بانک مرکزی، ارز به فروشنده پرداخت می‌شود.

به گفته وی، مشتریان ارز در تهران می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند، اما متقاضیان شهرستانی باید به شعب مرکزی بانک‌های ملت یا کشاورزی مراجعه کنند.

این مقام مسئول با اعلام نرخ دلار به قیمت ۲۳۶۲/۲ تومان و یورو ۳۰۵۵/۹ تومان در مرکز مبادلات ارزی در روز سه‌شنبه (دیروز) گفت: اولویت چهار و پنج هم می‌توانند ارز با نرخ ۲ درصد زیرقیمت بازار بگیرند. وی همچنین در گفت‌وگو با مهر با اعلام قیمت انواع ارز در اتاق مبادلات ارزی در روز سه شنبه (دیروز) گفت: بر اساس نرخ گذاری دیروز بانک مرکزی، همچنین قیمت درهم ۶۴۳/۱ تومان، لیر ۱۳۱۴/۷ تومان، روبل ۷۵/۸ تومان، روپیه ۴۲۲ تومان، یوآن ۳۷۴/۸ تومان و ین ۳۰۴ تومان است.

کیان‌راد به منظور رسیدگی به وضع مرکز مبادلات ارزی در این مرکز حضور یافته بود، افزود: اولویت چهار و پنج هم می‌توانند از تسهیلات این مرکز استفاده کنند اما همچنان اولویت اصلی با گروه سه کالایی خواهد بود و سایر اولویت‌ها در صورت نبود متقاضی ارز دریافت می‌کنند.

سخنگوی مرکز مبادلات ارزی هم از ابلاغ دستورالعملی از سوی بانک مرکزی در روزهای آینده خبر داد که براساس آن، افرادی که به عنوان سرمایه‌گذاری اقدام به خرید ارز کرده‌اند، بتوانند ارز در اختیار خود را به قیمت روز به بانک مرکزی بفروشند.

صمد کریمی در گفت‌وگو با مهر گفت: بانک مرکزی ظرف روزهای آینده دستورالعملی را ابلاغ خواهد کرد که براساس آن، افرادی که ارز را به عنوان سرمایه‌گذاری خریداری و در منزل نگهداری می‌کنند، بتوانند ارز در اختیار خود را به نرخ روز به بانک مرکزی بفروشند.

وی افزود: همچنین این دستورالعمل برای صادرکنندگان کاربرد خواهد داشت، ضمن اینکه آنها می‌توانند در شرایطی که بانک مرکزی برای آنها فراهم می‌کند، ارز در اختیار خود را بدون نقل و انتقال به داخل کشور به متقاضیان واردات به فروش برسانند.

نامبرده تصریح کرد: صندوق توسعه ملی هم ظرف روزهای آینده به جرگه عرضه‌کنندگان ارز در اتاق مبادلات ارزی خواهد پیوست.

طبق این گزارش، مرکز مبادلات ارزی از ساعات آغازین صبح دیروز پذیرای واردکنندگان کالا با اولویت‌های ۳، ۴ و ۵ متقاضی دریافت ارز بوده است. متقاضیان ارز با اولویت‌های یاد شده می‌بایست با دردست داشتن فرم ثبت سفارش به مرکز مبادلات ارزی مراجعه کنند.

در این اتاق سفارش واردکنندگان پس از ثبت سفارش کالا، در کارگروهی مورد بررسی قرار گرفته و وزارت صنعت، معدن و تجارت بر اساس اولویت‌های کالایی آنها را برای دریافت ارز به بانک‌های عامل هدایت می‌کند.

پس از این‌که خریدار درخواست ارزی خود را ارائه کرد، بانک عامل معادل ریالی آن را از خریدار دریافت کرده و پس از کسر معادل ارزی آن از حساب شرکت نفت یا صندوق توسعه ملی، ارز درخواست شده برداشت شده و معادل ارزی درخواست شده از سوی خریدار را به حساب بانک خارجی کارگزار او واریز می‌کند.

همچنین مقرر شده است بخشنامه‌ای ابلاغ شود که بر اساس آن امکان فروش ارز توسط مردم در شعب برخی بانک‌ها فراهم شود.

به گفته برخی کارشناسان، این احتمال وجود دارد که قیمت ارز در بازار غیر رسمی کاهش یابد.

همچنین معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در این زمینه گفت: به محض این‌که مطمئن شویم ثبت سفارش اولویت‌های گروه یک تا پنج با هماهنگی سازمان توسعه تجارت، بانک‌های عامل و بانک مرکزی طبق روال انجام می‌شود، گروه‌های بعدی را برای گرفتن ارز اعلام خواهیم کرد.

حمید صافدل اظهار کرد: در حال حاضر ارتباط کاری بین ما و ارباب رجوع و بانک‌های عامل در حال تعریف شدن و تبدیل شدن به یک روال است. بر همین اساس با توافقاتی که داشتیم، دیروز ثبت سفارش برای گروه‌های چهار و پنج هم انجام دادیم و به محض این که مطمئن شویم این روال به خوبی انجام می‌شود، گروه‌های شش تا ۱۰ را به ترتیب اعلام خواهیم کرد.

وی خاطرنشان کرد: گروه‌های یک و دو کماکان ارز مرجع دریافت می‌کنند و پس از ثبت سفارش به بانک‌های عامل معرفی خواهند شد تا ارز مرجع را دریافت کنند.

نامبرده درباره تغییر برخی از کالاها و گروه‌های آن‌ها گفت: در حال حاضر اولویت‌بندی کالاها و گروه‌ها مانند قبل است. البته ممکن است بعضی اولویت‌ها براساس نظر دستگاه‌های تخصصی تغییرات مختصری داشته باشد و ترجیحشان آن باشد که عرضه یک کالا از گروه بالاتر به گروه پایین‌تر یا برعکس انجام شود.

وی گفت: این پیشنهاد یکی دو دستگاه بوده است و اگر هم انجام شود، بسیار محدود خواهد بود و در حال حاضر هم نهایی نشده است، چرا که برای این تغییرات باید گروه‌های مختلفی نظر بدهند و هرگونه تغییر باید براساس دستورالعمل باشد.

رئیس کل سازمان توسعه و تجارت همچنین گفت: ۴ میلیون دلار ارز دیروز در اختیار متقاضیان مرکز مبادلات ارزی قرار گرفت.

وی در گفت‌وگو با فارس، گفت: دیروز اولین گروه کالاهای مرکز مبادلات ارزی موفق به ثبت سفارش و دریافت ارز مورد نیاز شدند. مجموعه کالاهایی که دیروز ارز دریافت کرده‌اند مربوط به اولویت‌های، ۳، ۴ و ۵ است.

صافدل ترکیب کالاهایی را که موفق به دریافت ارز از مرکز مبادلات ارزی شده‌اند، قطعات و شیرآلات صنعتی، ورق ملامین، تجهیزات پزشکی، سموم کشاورزی و محصولات فولادی ذکر کرد و گفت: گشایش نقل و انتقال ارز به ارزش ۴ میلیون دلار دیروز توسط اولین گروه متقاضیان ارز در مرکز مبادلات ارزی صورت گرفت.

مبادله ۱۰ میلیون دلاری در اتاق ارزی

میزان تبادلات در مرکز مبادلات ارزی طی دیروز بالغ بر ۱۰ میلیون دلار گردید.

روابط عمومی بانک مرکزی ضمن اعلام مطلب فوق، افزود: این میزان فراتر از انتظار دست‌اندرکاران این طرح بود و با توجه به استقبال قابل توجه تولید کنندگان و واردکنندگان کالاهای اولویت ۳، ۴ و ۵ پیش بینی می‌شود در روزهای آتی رقم فوق به مراتب افزایش یابد.

گفتنی است در حال حاضر بانک‌های ملت و کشاورزی به عنوان بانک عامل در این زمینه فعالیت دارند و با توجه به علاقه‌مندی سایر بانکها برای ورود به این طرح، بانک مرکزی تمهیداتی اندیشیده است تا در روزهای آینده و در صورت تمایل، نمایندگان سایر بانکهاهم در مرکز حضور یابند.

رونمایی از سومین فرش دستباف بزرگ دنیا در تهران



سومین فرش دستباف بزرگ دنیا پس فردا (جمعه) همزمان با میلاد امام رضا (ع) در بیست و یکمین نمایشگاه فرش دستباف ایران گسترانده می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، قرار است این فرش بزرگ که بیش از یک میلیارد گره دارد، پس از رونمایی، حدود دو هفته دیگر برای نصب در مسجد محمد الامین شهر مسقط (پایتخت عمان) ارسال شود.

علی خلیلی مدیرعامل شرکت سهامی فرش دستباف گره در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: متراژ سومین فرش دستباف بزرگ جهان ۲۴۰۰ مترمربع بوده که در سه تکه و برای بخش مردانه مسجد محمد الامین بافته شده است.

این فرش که به همت هنرمندان نیشابوری بافته شده است، ۱۲ تن وزن دارد و نقشه آن افشان ترنج طره دار است. همچنین در بافت این فرش که چله و پود آن پنبه‌ای است و رج شمار ۴۰ دارد، ترکیبی از مرغوب‌ترین پشم‌های ایرانی و خارجی با ۲۵ فام رنگ مصرف شده است.

وی گفت: فرش جداگانه‌ای هم برای بخش بانوان این مسجد به متراژ ۵۰۰ مترمربع بافته شده است.

خلیلی میزان ارزآوری فرش مسجد الامین عمان را ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار بیان کرد و درباره هزینه و سود بدست آمده گفت: پس از نصب فرش در عمان می‌توان آمار دقیقی در باره کل هزینه و سودها داشت.

وی کل زمان پروژه بافت فرش را دو سال عنوان کرد و گفت: ۸۰۰ نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در تولید این فرش دستباف نقش داشتند که از این تعداد ۴۰۰ بافنده به طور تمام وقت مشغول کار شدند.

خلیلی با بیان اینکه مدت زمان بافت سومین فرش بزرگ دستباف جهان ۱۶ ماه بوده است گفت: این پروژه چهل رجی بوده و یکی از نفیس‌ترین فرش‌های بزرگ پارچه جهان محسوب می‌شود.

وی گفت: سومین فرش بزرگ دستباف جهان نخستین پروژه‌ای است که از طراحی تا نصب به طور کامل توسط بخش خصوصی اجرا شده و دست اندرکاران آن هیچ تسهیلاتی از دولت دریافت نکرده‌اند در عین حال که سازمان توسعه تجارت درانعقاد قرارداد شرایط را برای آنها تسهیل کرده است.

خلیلی افزود: شرکت سهامی فرش دستباف گره بزودی سفارش‌هایی را در قالب قرارداد جدید عملیاتی می‌کند که پس از قطعی شدن آن، متراژ فرش و کشور متقاضی مشخص خواهد شد.

خلیلی تاکید کرد که ایران به توانایی کامل بافت فرش بزرگ دستباف رسیده، ولی رقابت منفی تولیدکنندگان دولتی مانع از صادرات و ارزآوری این هنر به خارج است.

رکورد ۴۶ ساله بورس تهران شکسته شد

بازار سهام ۴۶ ساله کشور دیروز ارمغان تازه‌ای آورد و با افزایش ۳۵۹ واحدی شاخص، این متغیر با ۲۷ هزار و ۴۴۰ واحد در فراز بالاترین رقم ممکن ایستاد و رکورد دیگری را به ثبت رساند.

به گزارش فارس، در روزهایی که اذهان اکثر مسئولان و مدیران و مردم متوجه ارز و سکه و راه اندازی اتاق معاملات ارز است، بورس اوراق بهادار کانون توجه ویژه تعدادی زیادی از سرمایه گذاران شده و تحت تاثیر اوضاع بازار ارز، همچنان به روند صعودی و ثبت رکوردهای تازه ادامه می‌دهد.

براساس این گزارش، تا همین اوایل مرداد که قیمت سهام اکثر شرکت‌های بورسی روز به روز کاهش می‌یافت و شاخص بورس به ارقام ۲۳ هزار واحدی نزول کرده بود، بسیاری از کارشناسان و سهامداران امیدی به بهبود شرایط نداشتند و گروه کثیری از سهامداران حقیقی هم با ضرر و زیان، پول‌های بجامانده را راهی سایر بازارها کردند. اما از ۲۱ مرداد به این سو نشانه‌هایی از رونق نسبی بازار مشاهده شد.

این روند با رشد روزانه سهام شرکت‌های بزرگ و بازپس گیری کانال‌های ۲۴ تا ۲۶ هزار واحدی در شهریور و ثبت رکوردهایی ادامه یافت و تشدید شد تا اینکه در روز دوم مهر شاخص بورس موفق به بازپس گیری کانال ۲۷ هزار تایی شد که در ۲۷ فروردین سالجاری آن را فتح اما بعد از چند روز دست داده بود. ورود شاخص به این کانال هر چند در سوم خرداد اتفاق افتاد اما شرایط آن روزهای بازار سهام به گونه‌ای بود که توان ادامه حضور شاخص در این ارقام وجود نداشت.

با این حال عطش به خرید سهام و رشد ۴درصدی تقریباهمه شرکت‌های بزرگ و تشکیل صف‌های خرید (البته به جز بزرگترین شرکت بورس یعنی مخابرات) علاوه براینکه یادآور روزهای طوفانی بورس در دو ماه اول سال و در نهایت منجر به ثبت رکورد تازه دیگری برای شاخص بورس شد.

به این ترتیب که تا پیش از این بیشترین رقم این متغیر مهم بازار مربوط به ۲۷ فروردین سال جاری با ۲۷ هزار و ۲۸۱ واحد بود اما دیروز با افزایش ۳۵۹ واحدی شاخص، دماسنج بازار سهام در فراز بالاترین رقم ممکن یعنی ۲۷ هزار و ۴۴۰ واحدی ایستاد تا بازار سهام ۴۶ ساله کشور ارمغان دیگری برای فعالان و البته مسئولان داشته باشد.

علاوه براین، ارزش روز بازار سهام هم که رکورد ۱۳۵ هزار میلیارد تومانی را ثبت کرده به بیش از ۱۲۴ هزار میلیارد تومان رسید.

در این رشد و ثبت روز تاریخی بورس، شرکت‌های فولاد خوزستان، سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی، چادرملو، پالایشگاه بندرعباس، ملی مس، فولاد مبارکه، گل گهر، توسعه معادن و فلزات، مپنا، نفت و گاز پارسیان و ایران خودرو با ۱۱ تا ۳۴ واحد بیشترین نقش را داشتند.

این درحالی است که برخی کارشناسان اعتقاد دارند شاخص بورس در روزهای آینده به روند صعودی خود ادامه خواهد داد و در صورت نبود اخباری منفی از مرز ۲۸ هزار واحد هم عبور می‌کند. اما دسته دیگری از لزوم استراحت شاخص و آرام شدن قیمت سهام سخن گفته و معتقدند بهتر است روند شاخص و قیمت همراه با افت و خیز طبیعی باشد نه سیر صعودی مداوم که در آن صورت تبعات خاص خود را به همراه خواهد داشت.

برپایه این گزارش، آمار پایانی معاملات سهام هم نشان می‌دهد بیش از ۳۰۷ میلیون سهم به ارزش ۹۵/۶ میلیارد تومان داد و ستد شده که در آن سه شرکت سایپا، نفت و گاز پارسیان و توسعه معادن و فلزات با ۹/۶، ۷/۸ و ۷/۱ میلیارد تومان دارای بیشترین ارزش بودند.

اجرای ۵ نوع بیمه نامه جدید زندگی

سرویس اقتصادی ـ پنج نوع بیمه‌نامه در قالب طرح جدیدی از بیمه‌های عمر با نام «پیش‌آهنگ زندگی» به مرحله اجرا درآمد.

به گزارش خبرنگار اقتصادی اطلاعات مهندس قدرت‌الله اسدی مدیرعامل بیمه توسعه در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به جزییات طرح جدید بیمه پیش‌آهنگ زندگی گفت: بیمه عمر شامل ۲۱ نوع بیمه نامه است که پنج نوع آن در قالب بیمه پیش‌آهنگ زندگی از مهر امسال اجرایی می‌شود.

وی افزود: این بیمه‌نامه جدید به نوعی تامین کننده آتیه فرزندان خانواده‌ها است که با هزینه اندکی می‌توان آن را اجرایی کرد.

به گفته نامبره این پنج بیمه نامه زندگی شامل کمک‌هزینه‌های دوران سربازی، دوران تحصیلات دانشگاهی، تامین هزینه ازدواج، تامین هزینه دوران بیکاری و تهیه ابزارکار است. وی حداقل هزینه بیمه نامه را ۱۸ هزار تومان در ماه و بهترین حالت آن را انعقاد قرار داد از کلاس اول ابتدایی بیان کرد و گفت: از امروز این طرح در تمامی شعب این بیمه در سراسر کشور قابل اجرا است و خانواده‌ها می‌توانند هر کدام از این بیمه‌نامه‌ها را خریداری کنند.

مهندسی فرزین‌زاده مدیر بیمه‌های اشخاص هم گفت: خانوادهایی که از دو تا پنج بیمه‌نامه پیش‌آهنگ زندگی را خریداری کنند، از تخفیف ۵ تا ۲۰ درصدی در خرید بیمه‌های مختلف شخص ثالث، آتش‌سوزی و ساختمان برخوردار خواهند شد.

در همین زمینه مهندس اسدی همچنین به ایجاد شعبه جدید بیمه توسعه در عراق اشاره کرد و گفت: برای ایجاد شعبه در ارمنستان، کویت و ترکیه در حال مذاکره و بررسی هستیم.

وی گفت: برای اجرای بیمه پیش‌آهنگ زندگی، حدود دو سال صرف شد تا یک بیمه‌نامه نوین و قابل اجرا برای مردم شهر و روستا باشد.

به گفته این مقام مسئول، برای دو سال سربازی و چهار سال دانشگاه کمک هزینه مناسبی در این طرح پیش‌بینی شده و فرد بیمه شده در دوران بیکاری پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی کمک هزینه خوبی دریافت خواهد کرد.

وی یادآور شد: در بیمه ابزار کار هم سرمایه اولیه برای ایجاد یک شغل مناسب، به بیمه شده پرداخت می‌شود.

ضمن آنکه برای تامین هزینه ازدواج که نام آن را طلوع زندگی گذاشته‌ایم، تا ۵۰ میلیون تومان پرداخت می‌شود.

اسدی افزود: در مجموع خانواده‌ها برای فرزندان خود از ۱۵ هزار تومان هزینه بیمه‌نامه می‌توانند شروع کرده و طبق جدول مربوطه از مزایای آن استفاده کنند.

وی تاکید کرد: به عنوان مثال برای زمان سربازی با ۱۵ هزار تومان قرارداد اولیه، ماهانه ۲۶۱ هزار تومان کمک هزینه پرداخت خواهد شد.

چنانچه رقم فوق ۱۸ هزار تومان باشد، کمک هزینه به ماهانه ۳۱۶ هزار تومان افزایش می‌یابد و با رقم ۲۹ هزار تومان قرارداد اولیه، میزان کمک هزینه پرداختی به ماهانه بالای ۵۰۰ هزار تومان خواهد رسید.

نامبرده یادآور شد: برای دوران چهارساله دانشگاهی، با ۲۷ هزار تومان قرارداد، می‌توان از کمک هزینه ماهانه ۲۵۶ هزار تومان یا با ۲۹ هزار تومان قرارداد اولیه، می‌توان از کمک هزینه ماهانه ۵۱۱ هزار تومان استفاده کرد.

به گفته وی برای تامین ابزار کار هم که از ۱۲ سال شروع می‌شود با ۲۶ هزار تومان قرارداد اولیه، ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به عنوان سرمایه به بیمه شده تعلق می‌گیرد. یا با ۵۲ هزار تومان قرارداد اولیه می‌توان از ۳۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان سرمایه استفاده کرد.

مهندس اسدی میزان قرارداد بیمه ازدواج را ارقام بسیار کمی بیان کرد که در هنگام ازدواج از ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان به بیمه شده پرداخت می‌شود.

بارش باران و کاهش ۱۰ درجه‌ای دما در کشور

مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی نسبت به بارش باران و رعد و برق در حداقل ۱۵ استان و کاهش تا ۱۰ درجه‌ای دما در کشور هشدار داد.

مهندس عبدالرضا امیدوار شهری در گفت‌وگو با ایسنا، افزود: بررسی نقشه‌های پیش‌یابی نشان می‌دهد که یک سامانه جوی از روز پنجشنبه از شمال غرب و شمال به ایران نزدیک می‌شود و تا روز شنبه به ترتیب از شمال غرب تا شمال شرق کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

وی با اشاره به صدور هشدار سازمان هواشناسی در این خصوص افزود: بر این اساس از بعدازظهر پنجشنبه و روز جمعه ابتدا در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل و سپس گیلان، مازندران، گلستان و دامنه‌های جنوبی البرز در استان‌های زنجان، قزوین، البرز، تهران و سمنان بارش باران با رعد و برق و وزش باد رخ خواهد داد که این شرایط از اواخر جمعه و روز شنبه، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی را دربر می‌گیرد. از سوی دیگر پیش‌بینی می‌شود که روز جمعه در استان‌های اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان بارش از شدت بیشتری برخوردار بوده و دریای خزر هم در این مدت مواج باشد.

مدیرکل پیش‌بینی و هشدار سریع سازمان هواشناسی گفت: همچنین تا پایان هفته در برخی نقاط استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان رگبار باران گاهی با رعد و برق و وزش باد پیش‌بینی می‌شود.

وی با اشاره به این که دمای هوا در روز جمعه در نیمه شمالی کشور ۵ تا ۱۰ درجه کاهش خواهد یافت، تأکید کرد: درعین حال انتظار می‌رود در روز شنبه در سایر نقاط کشور دمای هوا ۳ تا ۵ درجه کاهش یابد.

علی محمدرضایی مدیرکل روابط عمومی سازمان هواشناسی کشور هم ضمن انتقاد از توجه نکردن لازم متولیان بحران به هشدارهای هواشناسی گفت: علی‌رغم اخطاریه‌های صادره در خصوص وقوع سیلاب در استان‌های شمالی باز هم شاهد بروز خسارت بودیم.

وی افزود: متاسفانه متولیان بحران کشور آن گونه که باید به هشدارهای هواشناسی توجه نمی‌کنند.

نرخ مالیات ارزش افزوده پیمانکاران ۲ درصد کاهش یافت

معاون سازمان امور مالیاتی گفت: نرخ مالیات بر ارزش افزوده پیمانکاران از ۵ درصد به ۳ درصد کاهش یافت.

علیرضا طاری‌بخش در گفتگو با فارس، در مورد گلایه انجمن کارفرمایان مبنی براینکه قبل از دریافت دستمزد باید مالیات ارزش افزوده بپردازند، تأکید کرد: براساس ماده ۹ قانون استفاده حداکثری از خدمات تولیدی و صنعتی کشور دستگاههای اجرایی مکلف شدند، ظرف یک ماه مطالبات پیمانکاران را بپردازند و اگر پیمانکاران برگه انجام کار ارائه کردند و دستگاه اجرایی پرداخت نکرد، خود دستگاه دولتی باید مالیات و جرایم دیرکرد پیمانکار را بپردازد.

معاون مالیات بر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی افزود: بنابراین دستگاه‌های اجرایی مؤظف هستند، ظرف یک ماه وضعیت انجام کار پیمانکاران را بررسی و دستمزد آنها را پرداخت کنند.

طاری‌بخش تأکید کرد: قانون استفاده حداکثری از توان تولیدی و خدماتی کشور در جهت تقویت صادرات در ماده ۹ اذعان دارد کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۴ قانون محاسبات عمومی شامل وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات عمومی غیر دولتی، صنایع و شرکت‌های دولتی مکلف هستند، ظرف یک ماه حقوق پیمانکاران را پرداخت نمایند و اگر پیمانکاران که صورت وضعیت ارائه می‌کنند و کارفرمای دولتی پول آنها را نداد، دستگاه‌دولتی باید مالیات، عوارض و جریمه را به جای پیمانکار بپردازد.

وی گفت: گلایه انجمن کارفرمایان مبنی براینکه کارفرمایان قبل از دریافت دستمزد، باید مالیات بپردازند، وارد است.

معاون مالیات بر ارزش افزوده سازمان امور مالیاتی تأکید کرد: براساس ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم مالیات کارفرمایان که قبلاً ۵ درصد بود، هم‌اکنون به ۳ درصد کاهش پیدا کرده که این یک گشایشی در کار پیمانکاران محسوب می‌شود.

معاون مالیات‌های مستقیم سازمان امور مالیاتی هم با بیان این که در اصلاحیه قانون مالیات‌ها روش تشخیص علی الراس حذف شده است، گفت: در راستای به روز شدن دستگاه نظام مالیاتی فرم‌های اظهارنامه مالیاتی صاحبان مشاغل بندهای الف، ب، ج، خودرو و املاک بازنگری می‌شود.

حسین وکیلی در گفتگو با ایسنا با اشاره به حذف روش تشخیص علی الراس در اصلاحیه قانون مالیات‌ها اظهار کرد: در سال‌های اخیر سعی بر دریافت مالیات از مشاغل بر اساس توافق با اتحادیه یا خود اظهاری بود.

وی افزود: در قانون فعلی سه گروه مشاغل الف، ب، ج داریم که طبق قانون هر سه گروه باید اظهارنامه بدهند تا بتوانند از شرایط توافق و خود اظهاری استفاده کنند اما اشکال اساسی در تشخیص علی الراس در عدم انجام تکالیف قانونی توسط مودیان مالیاتی در تسلیم به موقع اظهارنامه، دفاتر و صورت‌های مالی است.

معاون مالیات‌های مستقیم سازمان امور مالیاتی در ادامه گفت: با پیاده سازی نظام جدید طرح جامع مالیاتی کشور که یک نظام اطلاعات محور است این مشکلات برطرف می‌شود.

وکیلی در ادامه با بیان این که در راستای به روز شدن دستگاه نظام مالیاتی ارتقا سطح دانش، مهارت و توانمندسازی سرمایه انسانی از طریق اصلاح روش‌های پرداخت مالیات دنبال می‌شود افزود: در این رابطه پروژه پرداخت الکترونیک مالیات، وصول چک‌های مالیات تکلیفی، نصب و راه اندازی تعداد ۷۲۰ دستگاه pc-pos در ادارات امور مالیاتی، ساماندهی اداره‌های حسابداری، واحد درآمد، سیستم قبض بانک در دستور کار قرار دارد.

وی به بازنگری فرم‌های اظهارنامه مالیاتی، تشویق خوداظهاری و توسعه اظهارنامه الکترونیک اشاره و اضافه کرد: اصلاح و اضافه نمودن جدول فهرست صادرات و مابه ازا دریافتی در فرم اظهارنامه مالیاتی اشخاص حقوقی، با هدف امکان رهگیری گردش ارزی مودی در صادرات و واردات از دیگر برنامه‌های مورد نظر برای به روز رسانی دستگاه نظام مالیاتی است.

معاون مالیات‌های مستقیم سازمان امور مالیاتی در پایان به بازنگری فرم‌های اظهارنامه مالیاتی صاحبان مشاغل بندهای الف، ب، ج، خودرو و املاک اشاره و اظهار کرد: این اقدام با هدف انطباق فرم‌ها با استانداردهای حسابرسی و سهولت کامل‌تر و مناسب‌تر شدن اطلاعات هویتی و شغل مودی در اظهارنامه‌های اشخاص حقیقی و حقوقی جدید در تکمیل اظهارنامه برای مودیان مالیاتی، فراهم شدن بستر الکترونیک برای دریافت اظهارنامه‌های مالیاتی مودیان از طریق اینترنت و پورتال سازمان انجام می‌شود.

حج و تاریخ

بقیه از صفحه ۳

روز نخست این ماه، ولادت حضرت معصومه است، آن بانوی دانشمند و اندیشمند و هوشمند و در یازدهم ماه، ولادت امام هشتم و معصوم دهم را داریم. حضرت رضا علیه‌السلام سومین امامی است که «علی» نام دارد و ۵۵ سال در این جهان زیست و از خلفای عباسی، با هارون و مأمون زیست که حالت امپراتوری داشتند و قدرت سیاسی و مالی و نظامی فراوان یافتند و هر کدام به شیوه خاصی با امام عصرشان (موسی بن جعفر و علی‌بن موسی) عمل کردند.

۶ـ در پایان ماه ذی‌قعده شهادت امام نهم را داریم. این ماه به خاندان امام هشتم اختصاص می‌یابد: «خواهر، برادر، فرزند امام» و ماه را «نورٌعلی‌نور» می‌سازد. زندگینامه اهل بیت سرشار از نور، علم، عقل، عرفان، عمل صالح، اخلاق، درایت، کیاست، ذکاوت، مساوات و مواسات و عدالت، قاطعیت و صراحت و صلابت و صداقت است. اهل بیت پرچمداران هدایت به دستورات خداوند بودند: «و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا» و خود نماد شایستگی و بایستگی و فرهیختگی، معرفی شده‌اند. بر ماست که خود را با آنان منطبق سازیم و به آنان اقتدا کنیم: «فبهداهم اقتده».

دیدگاه

اتاق معاملات ارزی در بوته نقد

برای قضاوت درباره اتاق معاملات ارزی باید منتظر چند روز آینده ماند تا ابهام‌ها و انتظارات مشخص‌تر شود؛ به‌ویژه اینکه سؤال اصلی این است که تأمین کنندگان یا عرضه کنندگان ارز تا چه میزان شفاف عمل خواهند کرد؟

مهم این است که منابع اصلی که ارز مورد تقاضا را پوشش دهند، چه رفتاری از خود بروز خواهند داد؟ فراموش نکنیم بخش خصوصی ملزم به عرضه ارز در اتاق معاملات ارزی نخواهد بود و بخش خصوصی از حق انتخاب برای عرضه یا عرضه نکردن ارز برخوردار است. به همین سبب ارزهای نفتی یا ارزهای صندوق توسعه ملی یا ارز صادراتی شرکت‌های وابسته به دولت به‌صورت محدودتر قابل دسترس است و این ارزها با تأخیر زمانی حاصل خواهد شد و قابل عرضه است.

بنابراین بسیار مهم خواهد بود که در اتاق معاملات ارزی روشن و شفاف اعلام شود که این ارزها چه زمانی و به‌دست چه افرادی خواهد رسید و خریداران ارز باید نسبت به قیمت و زمان دریافت ارز آگاهی کافی داشته باشند. سؤال دیگر این است که آیا ارز ناشی از فروش نفت خام با توجه به هزینه‌های مبادلاتی آن با قیمت بالاتری در اتاق معاملات ارزی عرضه خواهد شد یا اینکه نرخ گذاری در این اتاق به‌نحوی است که ارز صادراتی بخش خصوصی با قیمت پایین‌تر از انتظار، مورد خرید و فروش قرار گیرد. بنابراین پایداری و عملیاتی شدن مبنای تعیین نرخ بسیار در موفقیت یا نبود موفقیت اتاق معاملات ارزی تعیین کننده خواهد بود.

نکته مبهم دیگر به زمان تخصیص ارز به خریداران برمی‌گردد؛ به این معنا که چه زمانی طول خواهد کشید تا ارز فروخته شده به‌دست خریداران برسد و چه زمانی باید صبر کرد تا وجه ریالی به‌دست فروشندگان ارز برسد؟ پاسخ به این ابهام‌ها برای فعالان بخش خصوصی مهم است. مسأله مهم‌تر اینکه اعلام شده اولویت تخصیص ارز در اتاق معاملات ارزی با کالاهایی است که در اولویت سوم واردات قرار دارند و مواداولیه واحدهای تولیدی با این مکانیسم در گام نخست پوشش داده خواهد شد. چنین سیاستی باعث خواهد شد تا در بازار آزاد شاهد افزایش نرخ ارز باشیم که از قضا همین اتفاق هم رخ داده است؛ چرا که کالاهای دارای اولویت چهارم تا دهم بدون پاسخ مانده است و نه به این گروه کالایی ارز مرجع اختصاص داده می‌شود و نه ارزی در اتاق معاملات خرید و فروش می‌شود. به همین دلیل واردکنندگان کالاهای دارای اولویت‌های چهارم تا دهم باید برای تأمین ارز به بازار آزاد مراجعه کنند که به‌طور طبیعی قیمت بازار آزاد را افزایش خواهد داد.

علت روی خوش نشان‌ندادن بازار آزاد به راه‌اندازی اتاق معاملات ارزی هم ناشی از بی‌پاسخ ماندن سایر تقاضاهای ارزی است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود مسئولان شفاف اعلام کنند که چه تقاضاهایی در قالب اتاق معاملات ارزی پاسخ داده می‌شود که این شفافیت روی قضاوت فعالان بازار اثر گذار خواهد بود، در غیراین صورت هیجان به بازار ارز برخواهد گشت.

ابهام جدی‌تر این است که مکانیسم کشف قیمت ارز چگونه است و بانک مرکزی بر چه مبنایی قیمت را برای روز بعد اعلام می‌کند؟ آیا قیمت اعلام‌شده به‌عنوان مبنای فعالیت اتاق معاملات ارزی، براساس قیمت ابتدایی روز گذشته بازار آزاد یا آخرین قیمت بازار یا میانگین قیمت کشف شده است؟ اگر هر روز قیمت در بازار آزاد افزایشی بود، باید روز بعد شاهد افزایش قیمت ارز در اتاق معاملات ارزی باشیم یا نه؟ چرا که قرار بود قیمت در اتاق معاملات ارزی دو درصد کمتر از نرخ بازار آزاد باشد اما قیمت ۲۴۰۴ تومان برای روز نخست این ابهام را پدید آورد که مبنا چه بوده است؟ بنابراین سؤال بزرگ این است که سازوکار کشف قیمت چیست؟ به یقین باقی ماندن این ابهام‌ها باعث نوسان قیمت در بازار و تشدید نااطمینانی‌ها خواهد شد.

دکتر پدرام سلطانی (نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران)

عشق و دیگر هیچ!

بقیه از صفحه۲

«به اتفاق حاج حسین شکری سراغ اسیری که روز قبل به عضویت سازمان منافقین درآمده بود، رفتیم. کنارش نشستیم. فکر نمی‌کردم به همین راحتی فریب بخورد. در کمپ ملحق [اردوگاه اسرای ایرانی] که بودم بیشتر اوقات می‌آمد و با من درد دل می‌کرد.»

کافی است نگاه حسینی‌پور، نگاهی غیراخلاقی و مغرضانه باشد؛ طبیعی است که در این‌صورت ماجرا را این‌گونه پی نمی‌گرفت و با شنیدن پیوستن این اسیر به منافقین، او را طرد می‌کرد و نگاهی همراه با نفرت به او می‌انداخت. اما «کینه» جای خود را به «محبت» می‌دهد:

«پسر دوست داشتنی و ساده‌دلی بود. دلم می‌خواست انگیزه‌اش را از این کارش بدانم. اهل نماز بود. حاج حسین از او پرسید: چرا این کارو کردی؟ احساس کردم از این کارش خجالت می‌کشد. خیلی از دوستان حزب‌اللهی‌اش با او قطع رابطه کرده بودند. می‌گفت: به خدا قسم چشم دیدن آدم‌های وطن‌فروش رو ندارم، فکر می‌کردم با این کارم از شر اسارت خلاص می‌شم. حاج حسین گفت: می‌خوای از چاله دربیای بیفتی تو چاه!... روزهای بعد اظهار پشیمانی کرد.»

نگاه اخلاقی، نتیجه دیگری هم دارد و این که از افرادی چون حسینی‌پور، شخصیت‌هایی مقاوم می‌سازد. او که پایش تیر خورده و با همان پا اسیر و به اردوگاه برده می‌شود روزهای سختی را پشت سر می‌گذارد. زخمش درمان نمی‌شود و وقتی زمان می‌گذرد، زخم پر می‌شود از کرم:

«از شب قبل کرم‌های عفونی بدنم زیاد شده بود. تمام بدن و لباس‌هایم کرم بود. پاشنه پایم مرده بود. حتی زخم ماهیچه‌ی پای چپم هم کرم زده بود. کلافه بودم. شب قبل، خواب درستی نداشتم. چرت که می‌زدم با حرکت کرم‌ها روی صورت و بدنم، بیدار می‌شدم. از سر و صورتم کرم بالا و پایین می‌شد و داخل گوش‌هایم می‌رفت. با فشار دادن گودی پایین گوشم به طرف داخل، کرم‌ها را داخل گوش‌هایم له می‌کردم. کرم‌هایی که از زخم بدنم تولید و تکثیر شده بود، بلای جانم بودند، این کرم‌ها زرد رنگ و کوچک بودند... بیشتر شب‌ها که کرم‌ها به بینی، دهان و گوشم فرومی‌رفتند، توی گوش‌هایم پارچه می‌چپاندم.»

حسینی‌پور جوان، همه این‌ها را تحمل می‌کند در حالی که اگر رفتاری مطابق با میل بعثی‌ها داشت، می‌توانست بسیار راحت باشد:

«گروهبان عبید که سعی داشت با حرف‌ها و کنایه‌هایش تحقیرم کند، گفت: ببین چطور کرم زدی و بوی تعفن گرفتی!... بهش گفتم: «اشکالی نداره؛ می‌گن حضرت ایوب هم کرم زد، ما که خاک پای حضرت ایوب هم نمی‌شیم.» حسین اسکندری که شاهد صحبت‌های من و گروهبان عبید بود گفت:... محکم باش. یه وقت خدای نکرده سستی به خودت راه ندی. مطمئن باش خدا دوستت داشته که داره امتحانت می‌کنه. نباید با حرفای اینا فریب بخوری و تو دلت اظهار پشیمونی کنی! حرف‌های حسین بهم آرامش می‌داد. خودش در بدترین وضعیت قرار داشت. با آن بدن سوخته و تاول زده کمتر از من درد نمی‌کشید...»

حسینی‌پور با همین پای زخمی، در اردوگاه‌ها می‌ماند. او که در تاریخ ۷ تیر ۱۳۶۷ با پایی تیرخورده و زخمی اسیر شده است بالاخره پایش را قطع می‌کنند و پایش در عراق جا می‌ماند. اما بعد از پذیرش قطعنامه آزاد نمی‌شود و به اردوگاه اسرای مفقودالاثر منتقل می‌شود. این در حالی است که خانواده‌اش پس از ناامید شدن از برگشتش برای او مراسم ترحیم و بزرگداشت هم می‌گیرند. عاقبت او آخرین روز اسارتش را در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۳۶۹ یعنی بیش از دو سال پس از پذیرش قطعنامه، می‌گذراند و به ایران باز می‌گردد.

حسینی‌پور در ابتدای اثرش، کتاب را به یکی از بازجوهایش که سخت‌ترین برخوردها را با او داشته، تقدیم می‌کند؛ این تقدیم‌نامه نشانه همه آن‌چیزی است که گفته شد:

«تقدیم به:

گروهبان عراقی، ولید فرجان، سرنگهبان اردوگاه ۱۶ تکریت.

نمی‌دانم شاید در جنگ اول خلیج‌فارس توسط بوش پدر کشته شده باشد.

شاید هم در جنگ دوم خلیج‌فارس توسط بوش پسر کشته شده باشد.

شاید هم زنده باشد.

مردی که اعمال حاکمانش باعث نفرین ابدی سرزمینش شد.

مردی که مرا سال‌ها در همسایگی حرم مطهر جدم، شکنجه کرد.

مردی که هر وقت اذیتم می‌کرد، علی جارالله نگهبان شیعه عراقی در گوشه‌ای می‌نگریست و می‌گریست.

شاید اکنون شرمنده باشد؛

با عشق فراوان این کتاب را به او تقدیم می‌کنم.

به خاطر آن همه زیبایی‌هایی که با اعمالش آفرید.

و آن چه بر من گذشت،

جز زیبایی نبود.

و ما رأیت الا جمیلا»

تا ز میخانه و می‌نام و نشان خواهد بود
سر ما خاک ره پیر مغان خواهد بود
حلقه پیر مغان از ازلم در گوش است
بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود
بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود
برو ای زاهد خودبین که زچشم من و تو
راز این پرده نهان است و نهان خواهد بود
ترک عاشق‌کش من مست برون رفت امروز
تا دگر خون که از دیده روان خواهد بود
چشمم آن دم که ز شوق تو نهد سر به لحد
تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود
بخت حافظ گر از این گونه مدد فرماید
زلف معشوقه به دست دگران خواهد بود

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۲/۹۴ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۱/۵۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۷۷۴/۹ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۴۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۴۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۲۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۶۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۴۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۶۴۰۰ تومان
هر گرم نقره خام	۲۷۵۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۲۶۳۰ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۸۶/۵ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۳۳۷۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۸۹/۹ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۴۲۵۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

ثبت نام ۱۸۷۵ نفر برای مسکن ویژه تهران

مدیرکل مسکن و شهرسازی استان تهران گفت: از زمان آغاز ثبت‌نام مسکن ویژه تهران تا عصر روز دوشنبه هفته جاری ۴۵ نفر از افرادی که افتتاح حساب کرده بودند، فرآیند ثبت‌نام را به طور کامل انجام داده‌اند.

تقی رضایی در گفت‌وگو با فارس افزود: از ۲۵ شهریور امسال مراحل افتتاح حساب مسکن ویژه تهران در شعب مختلف بانک مسکن انجام شد که تا عصر روز دوشنبه هفته جاری ۱۸۷۵ نفر با واریز کردن ۲۰ میلیون تومان عملیات افتتاح حساب را انجام دادند.

همچنین از این ۱۸۷۵ نفر هم ۴۵ نفر فرآیند کامل ثبت‌نام را با ارسال تمامی مدارک انجام داده‌اند.

رضایی گفت: زمین‌های مختلفی در سطح شهر تهران شناسایی شده است که به محض اینکه به مرحله فونداسیون برسد، اطلاع‌رسانی در خصوص آن انجام خواهد شد.

فروش ۵۲۸ میلیارد ریال اموال منقول و غیر منقول

قائم مقام سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی از فروش ۵۲۸ میلیارد ریال اموال منقول و غیر منقول در شش ماهه نخست سال جاری خبرداد.

به گزارش روابط عمومی سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، حبیب‌الله رشیدی با اعلام این خبر افزود: در شش ماهه نخست سال جاری ۱۰۷ میلیارد ریال اموال غیرمنقول و ۴۳۱ میلیارد ریال اموال منقول توسط این سازمان در سطح کشور به فروش رسیده است که در مجموع به نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۸ درصد رشد را نشان می‌دهد.

عضو هیات مدیره سازمان اموال تملیکی در ادامه افزود: در فروش اموال منقول ۳۶ درصد و اموال غیرمنقول ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد داشته‌ایم.

آغاز احداث تصفیه‌خانه فاضلاب مسکن مهر پرند، بزودی

نماینده تام‌الاختیار وزیر نیرو در مسکن مهر با اعلام آغاز احداث تصفیه خانه فاضلاب مسکن مهر پرند در آینده نزدیک، گفت: کارآبرسانی تمامی واحدهای مسکن مهر بهره برداری شده، انجام شد.

ستار محمودی در گفت‌وگو با مهر با اعلام اینکه در صورت تزریق منابع مالی مناسب، تصفیه خانه مسکن مهر پرند حدود ۳ سال دیگر به بهره برداری می‌رسد، گفت: عملیات اجرایی تصفیه خانه فاضلاب مسکن مهر پرند در آینده نزدیک آغاز می‌شود. نماینده تام‌الاختیار وزیر نیرو در مسکن مهر اظهار داشت: وزارت راه و شهرسازی برای سال ۹۱ برنامه‌هایی را به وزارت نیرو داده که مشخص است در طول هر فصل چه طرح‌هایی به بهره برداری می‌رسد. با این حال، مجموع طرح‌هایی که قرار است تا پایان امسال به بهره برداری برسد، یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد است.

ساخت نیروگاه‌خورشیدی داخلی سازی شد

اولین نیروگاه حرارتی خورشیدی در شیراز را کاملاً ساخت داخل کردیم و سه کارخانه پنل‌های فتوولتاییک را هم در کشور ساخت داخل می‌کنیم.

یوسف آرمودلی رئیس سازمان انرژی‌های نو در گفت‌وگو با ایسنا، با تاکید بر ظرفیت‌های خوب منطقه ایران برای استفاده از انرژی خورشیدی گفت: به طور متوسط در ایران ۳۰۰ روز از سال آفتابی است و هر روز پنج کیلووات ساعت بر مترمربع ظرفیت تولید انرژی خورشیدی وجود دارد و با توجه به فاصله شهرها، منطقه وسیعی برای نصب نیروگاه خورشیدی در اختیار است.

آرمودلی با اشاره به معایب نیروگاه خورشیدی تاکید کرد: نیروگاه خورشیدی یک اشکال دارد و آن این است که در شب این نیروگاه کار نمی‌کند و باید جایگزین داشته باشد، بنابراین احداث نیروگاه امکان‌پذیر است، اما قیمت تمام‌شده آن بالا است و نمی‌توانیم این کار را در کشورمان انجام دهیم.

افزایش ۳۰ درصدی تولید زعفران در امسال

رئیس شورای ملی زعفران با بیان اینکه کشورهای چین، هند و افغانستان رقبای تازه ایران در تولید زعفران هستند، پیش بینی کرد میزان تولید محصول زعفران امسال نسبت به پارسال حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کند.

غلامحسین شافعی درگفتگو با مهر درخصوص وضع تولید زعفران در کشور اظهارداشت: درحال حاضر علاوه بر رقبای قدیمی در تولید زعفران مانند کشور اسپانیا، رقبای تازه‌ای هم مثل کشورهای چین، هندوستان و افغانستان پیدا کرده‌ایم که مترصد گرفتن جای ایران در تولید زعفران در بازارهای بین المللی هستند. این در حالی است که راندمان تولید زعفران در کشورمان بسیار پائین است به‌طوری‌که در حال حاضر میزان برداشت اصل زعفران از هر هکتار در حدود ۳/۵ کیلوگرم است درحالیکه می‌توان با فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب این رقم را به میزان قابل توجهی افزایش داد.

رشد ۳۲درصدی منابع بانک قرض‌الحسنه

منابع بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در پایان شهریور سالجاری با رشد ۳۲ درصدی نسبت به پایان پارسال به حدود ۱۵ هزار میلیارد ریال رسید.

روابط عمومی این بانک با اعلام خبر مذکور افزود: بر این اساس در زمینه اعطای تسهیلات به هموطنان، بانک قرض‌الحسنه مهر ایران با اعطای تسهیلاتی بالغ بر ۱۲ هزار میلیارد ریال رشد ۳۲ درصدی را در بخش‌های مختلف قرض‌الحسنه از قبیل اشتغال، وام ازدواج، درمان بیماری، ودیعه مسکن، تعمیرات مسکن، تحصیل و... در مقایسه با پایان پارسال داشته است.

امکان واردات مصنوعات طلا با مجوز بانک مرکزی

واردات مصنوعات طلا با مجوز بانک مرکزی و ثبت سفارش در وزارت صنعت، معدن و تجارت امکان‌پذیر است.

عباس معمارنژاد رئیس کل گمرک ایران در گفت‌وگو با ایرنا؛ افزود: حقوق ورودی واردات مصنوعات طلا ۱۰ درصد تعیین شده است، ضمن آنکه ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده دریافت می‌شود. وی از واردات شمش طلا به میزان مناسب خبر داد و گفت: نگرانی در مورد میزان شمش در کشور وجود ندارد.

فرونشست زمین در برخی نقاط تهران به دلیل حفاری‌های مترو است

رئیس مرکز مدیریت بحران آب و فاضلاب استان تهران با اشاره بروز حوادث شبکه‌های آب‌رسانی و فرونشست پی‌درپی زمین در برخی نقاط تهران، این اتفاق را به دلیل حفاری‌های بدون ضابطه پیمانکاران مترو دانست و در این رابطه خواستار ایجاد تعامل و هماهنگی متولیان مترو با سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان شهری شد.

محمدرضا احمدنسب گفت: در ماه‌های اخیر در بعضی نقاط شهر تهران از جمله حوالی میدان منیریه یا خیابان مولوی شاهد بودیم که دستگاه حفاری TBM شرکت مترو در عمق‌های حفاری ۲۰ تا ۲۵ متری با عبور از مسیر شرق به غرب ضمن تخریب قنات‌های موجود در بستر محل که در مسیرهای مورد حفاری قرار دارد، باعث سست‌شدن بستر لوله‌های آب‌رسانی شده و این موضوع در نقاطی از محل‌های اطراف حفاری نهایتاً موجب فرو نشست زمین و متعاقب آن شکستگی شبکه توزیع آب آشامیدنی منطقه شد.

قائم مقام مدیرعامل آبفای استان تهران در ستاد بحران افزود: متاسفانه در این اتفاق‌ها اولین متهم، شرکت آب و فاضلاب معرفی شد و سهواً یا عمداً ساده‌ترین مسیر گزارش‌دهی که همان «لوله آب‌رسانی شکسته است» از سوی مسئولان مترو در رسانه‌ها اعلام شد. این در حالی است که خسارات وارده به تأسیسات آب‌رسانی شرکت آب و فاضلاب بارها با فراخوان مسئولان شرکت مترو گوشزد شده و این موضوع که شکستگی و خسارت به شبکه‌های آب‌رسانی، به دلیل حفاری‌های بدون ضابطه پیمانکاران مترو بوده، مورد تأیید کارشناسان رسمی دادگستری قرار گرفته است.

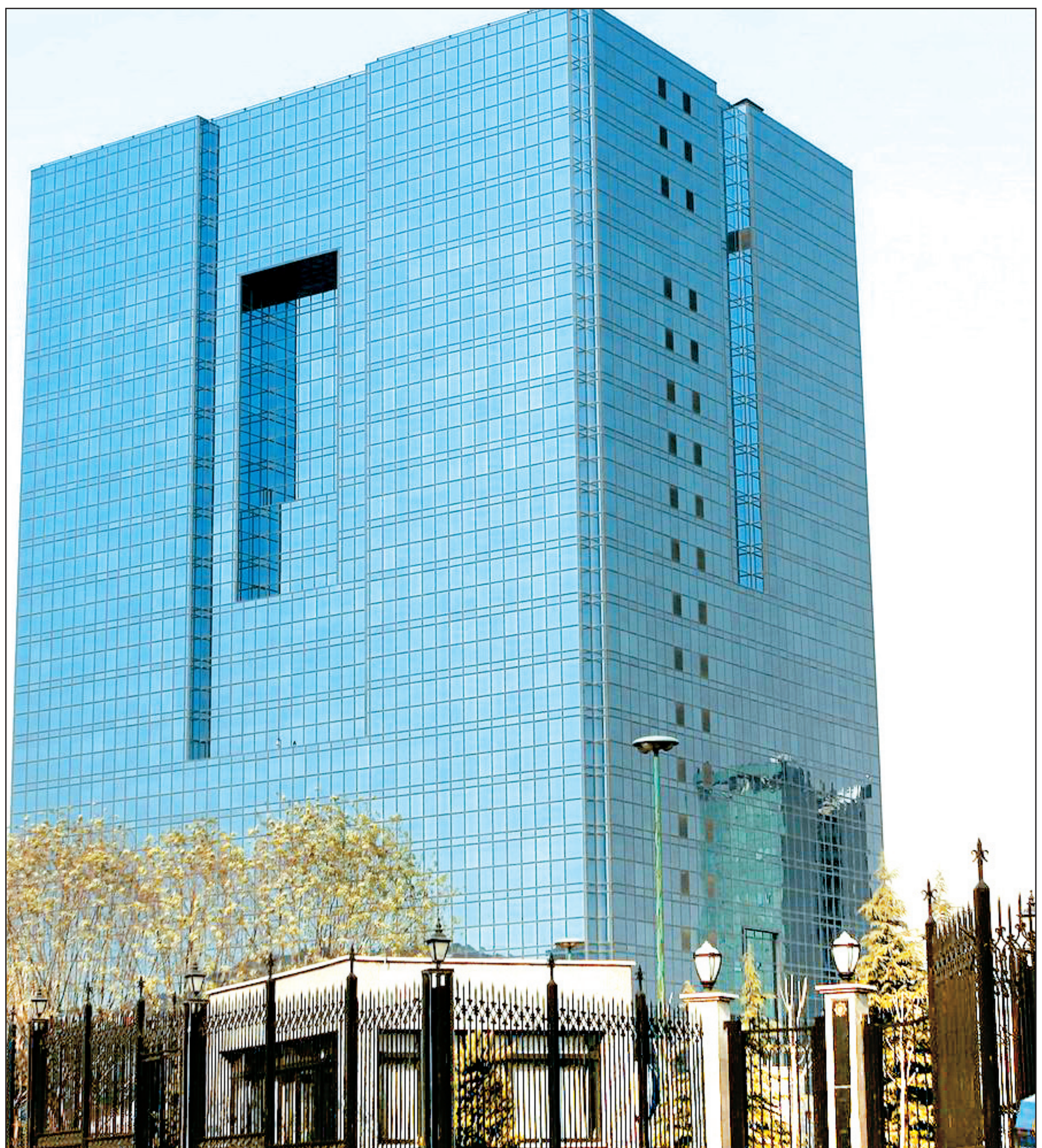
احمدنسب اضافه کرد: شرکت آب و فاضلاب استان تهران ضمن احترام برای مسئولان دست‌اندرکار قطار شهری، اعتقاد دارد که نا هماهنگی با سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان، می‌تواند از کیفیت کارهای ارزشمند آن‌ها بکاهد و ضرر و زیان‌های فراوانی را به شهروندان تهرانی که در اصل مالکان اصلی شهر هستند، وارد سازد.

وی افزود: انتظار این است که متولیان امر زحمات چندین و چندساله خود را فدای کاهش غیرمنطقی زمان نکنند و تلاش‌های شبانه‌روزی سایر دستگاه‌های خدمات‌رسان از جمله آب و فاضلاب را بی‌جهت در افکار عمومی زیر سؤال نبرند.

طرح تحول بانکی در بوته آزمون

***هاشمی - کارشناس مسائل بانکی: امیدواریم اصلاح ساختار بانکی بتواند مشکلات بانک‌ها را برطرف کند و از هر لحاظ بر اقتصاد کشور اثرگذار باشد**

***غلامرضا تاجگردون - نایب رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس: تدوین لایحه تحول نظام بانکی به عمر دولت دهم نمی‌رسد، زیرا تیمی که رئیس جمهوری برای تدوین لایحه اصلاح نظام بانکی تعیین کرده بود، نتوانست در موعد مقرر به وظایفش عمل کند، که البته در تدوین چنین لایحه مهمی نباید عجله کرد**



در بهمن ماه سال ۱۳۸۶ که رئیس‌جمهوری از طرح تحول اقتصادی برای تغییر ساختار اقتصاد ایران در هفت محور اساسی خبر داد، هدفمندی یارانه‌ها، طرح تحول نظام بانکی، تحول نظام گمرکی کشور، تحول نظام مالیاتی از این دسته بودند.

این طرح در زمستان ۱۳۸۸ با تعدیل‌هایی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و البته نخستین و مهم‌ترین محور آن، یعنی هدفمندی یارانه‌ها زمان بندی شده با دیرکردی یک ساله در نیمه دوم سال ۱۳۸۹ به اجرا درآمد و همچنان در حال تکمیل مراحل چند ساله زمان‌بندی خود ـ با انتقادها و نواقص اجرایی است؛ اما کسی نیست انکار کند این طرح مفید و موفق نبوده است. البته بخش نخست آن، یعنی حذف یارانه حامل‌های انرژی مورد تحسین صندوق جهانی پول و بانک جهانی نیز قرار گرفت، ولی دولت که در اجرای جراحی اقتصادی خود، کوچکترین تعللی ندارد، در نیمه راه، بند نخست طرح تحول اقتصادی، اجرای بندهای دیگر را نیز کلید زده و این بار قرعه به نام نظام بانکی کشور افتاده که این روزها نقل محافل رسانه‌ای و کارشناسان اقتصادی شده است.

لایحه طرح تحول بانکی روزنه امیدی بود بر اجرای بانک‌داری اسلامی بعد از گذشت ۳۰ سال، اما سوء استفاده بزرگ بانکی سال گذشته موجب شد که این لایحه به بایگانی دولت و وزارت اقتصاد منتقل شود و بانک مرکزی تنها یک لایحه مستقل از طرح تحول بانکی مبنی بر قانون بانک‌داری را تقدیم دولت کند.

طرح تحول بانکی بعد از گذشت ۵ سال هنوز اجرایی نشده است و سخنگوی کارگروه طرح تحول اقتصادی از جمع‌بندی اولیه این طرح و ارائه آن به کارگروه طرح تحول اقتصادی خبر می‌دهد. همانطور که سخنگوی کارگروه طرح تحول اقتصادی اذعان می‌کند، از سال ۱۳۸۴ که طرح تحول بانکی در دستور کار دولت قرار گرفت، هفت سال می‌گذرد و بعد از این همه مدت طرح تحول بانکی جمع‌بندی اولیه شده است.

هیچ استدلالی قابل توجیه نیست

البته اینکه کار کارشناسی زیادی بر روی طرح تحول بانکی شده و بالاخره به جمع‌بندی رسیده قابل تقدیر است اما انتظار از دولت اجرای سریع‌تر این طرح بود و ۵ سال برای تدوین این طرح وقت صرف کردن، با هیچ استدلالی قابل توجیه نیست.

طی چند سال گذشته بارها مسئولان دولت از اجرای قریب‌الوقوع طرح تحول بانکی خبر دادند، ولی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که این طرح هنوز شکل اجرایی به خود نگرفته است. در ابتدا کارگروه تحول رفتاری بانک‌ها و بعد از آن کارگروه تحول ساختاری تشکیل شد و یک سال بعد طرح تحول اقتصادی مطرح وبرای هر محور آن، کارگروه جداگانه ایجاد شد.

از آغاز به کار آن کارگروه هم ۳ سال گذشته است. به گفته فرزین- رئیس ستادهدفمندسازی یارانه‌ها، بررسی‌ها و مطالعات کارگروه طرح تحول بانکی به اتمام رسیده و طرح به کارگروه اصلی طرح تحول ارائه شده است. البته اردیبهشت ماه امسال این طرح به کارگروه رفته بود، بنابراین ۴,۵ ماه است که طرح در کارگروه طرح تحول مانده است. برخلاف تاکیدات دولت و وعده‌های متعدد، ظاهراً عدم توجه به طرح تحول بانکی از پیگیری‌های مسئولان مربوطه کاملا مشخص است. باید توجه داشت که بر روی کاغذ طرح تحول در حال نهایی شدن است اما در اجرا چقدر پیشرفت داشته است، هنوز درهاله‌ای از ابهام قراردارد.

نیاز به ساختار مدیریتی کارآمد

محمدهاشمی ـ کارشناس مسائل بانکی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: ایده طرح تحول بانکی از چندین سال پیش مطرح بود و در آن زمان کارگروهی از کارشناسان و فقها تشکیل شد و در حال حاضر نیز بانک مرکزی این طرح را در دست بررسی داردو باید توجه داشت که این ایده جدیدی نیست و لازم است در طرح تحول بانکی دنبال طراحی محصولات جدید بود.

وی با بیان اینکه این طرح نمی‌تواند در کار بانک‌ها تاثیر خیلی مهمی بگذارد، می‌افزاید: سیستم بانکی کشور نیاز به یک ساختار مالی و مدیریتی کارآمد داردو این چند سال اتفاقاتی که برای سیستم بانکی کشور افتاده، در اجرا باعث شده است که نقدینگی به سمت وصول کمتر حرکت کندو البته مقداری از نقدینگی‌هایی که وصول شده است، با محدودیت‌هایی مواجه بوده که در اراده و اختیار مسئولان بانکی نبوده است بخشی از این محدودیت‌ها مربوط به تحریم‌های بانکی از سوی غربی‌ها است که سیستم بانکی را با مشکلات عدیده‌ای روبه رو کرده است.

این کارشناس مسایل بانکی با تاکید براینکه بانک‌های کشور مشکل ساختاری دارند، با ذکر مثالی ادامه می‌دهد: مطالبات معوقه بانک‌ها در دنیا کمتر از ۳ درصد است، اما متاسفانه در کشور ما به ۲۰ درصد می‌رسد.

بانک‌ها وصولی ندارند

هاشمی می‌افزاید: از سوی دیگر بازپرداخت تسهیلات به درستی وصول نمی‌شودو، بلکه فقط تمدید می‌شود و سود آن را افزایش می‌دهند و در واقع بانک‌ها وصولی ندارند ومنابع آزاد نمی‌شود.

وی با اشاره به اینکه حجم امتیازات بین المللی که در اختیار بانک‌ها قرارداشت و رقم آن در سال ۱۳۸۴ نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار بود، می گوید: با توجه به شرایطی که در این چند سال براقتصاد کشور حاکم است، ابزارهای فاینانس که و یوزانس که در اختیار بانک‌ها با نرخ خوب بود، ازبین رفته و در حال حاضر در کشور فشار بر روی نقدینگی است.

این کارشناس حوزه بانکی تصریح می‌کند: امکانات فعلی بانک‌ها جوابگوی نیازهاو تقاضاها نیست و باید توجه داشت که سیستم بانکی درحال حاضر بانک محوراست و درآن فرهنگ مشارکت وجود ندارد.

هاشمی برحفظ وضعیت فعلی بانک‌ها تاکید می‌کند و می‌افزاید: باید توجه داشت در حال حاضر در بانک‌ها بحث مدیریتی مساله خودرا داردو در سیاست گذاری‌ها نیز دخالت‌های ابزاری شده است و طرح اصلاح ساختار بانکی یک مانور است که دولت می‌خواهد آرامشی را به وجود آورد تا کمی از التهابات بکاهد.

وی با تاکید براینکه سیستم بانکی مشکل ساختاری دارد، می گوید: سیستم بانکی نیازمند معماری ساختاری است نه شکلی و از اینرو، باید بانک‌ها، تعداد و میزان سرمایه در گردش، ساختار مالی و مدیریت آن‌ها را حل کرد.

هاشمی ادامه می‌دهد: اگر طرح تحول بانکی به صورت شکلی قرارباشد اجرا شود، یک اتفاق عجیب نمی‌تواند باشد و امیدوارهستیم که اصلاح ساختار بانکی بتواند مشکلات بانک‌هارا برطرف کند و از هر لحاظ بر اقتصاد کشور اثر تاثیر گذار باشد.

طرح تحول، سیاسی است تا اقتصادی

علی قنبری- کارشناس مسائل اقتصادی نیز در زمینه طرح اصلاح سیستم بانکی به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: طرح تحول بانکی از آن دست طرح‌هایی است که بیشتر از اینکه طرح حمایتی در چارچوب اقتصادی باشد، یک طرح سیاسی است.

وی با بیان اینکه بعید می‌دانم اجرای این طرح به عمر دولت دهم برسد، می‌افزاید: طول عمر دولت کمتر از یک سال است و بعید می‌دانم در طول این مدت کوتاه دولت بتواند این طرح را تصویب و اجرا کند.

وی ادامه می‌دهد: اگر اراده در مسئولان وجودداشته باشد و طرح تحول بانکی به صورت کارشناسی صورت گیرد و این طرح مطابق با شرایط اقتصاد ایران و مناسب با اوضاع جهان تهیه شده باشد، می‌تواند بر اقتصاد کشور بگذارد.

این کارشناس مسائل اقتصادی تصریح می‌کند: به نظر می‌رسد در این مقطع زمانی دولت مانند گذشته در خصوص این طرح شعار می‌دهد، و بی توجه به نظرات کارشناسی است و برای تصویب و اجرای آن، زمینه سازی‌های لازم صورت نمی‌گیرد.

ارائه طرح تحول بانکی ضروری است

محمدرضا تابش- عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ارائه سریعتر طرح تحول نظام بانکی ضروری است می گوید: قرارنبود طرح تحول نظام بانکی فقط به طرح هدفمندی یارانه‌ها موکول شود، بلکه قراربود اصلاحات نظام بانکی، بیمه‌ای و مالیاتی و گمرکی هم انجام گیرد.

وی به ایرادات نظام بانکی اشاره می‌کند و به گزارشگر روزنامه اطلاعات می گوید: خلأهایی درنظام بانکی وجود دارد که سبب می‌شود قانون گریزی رواج پیدا کند و تسهیلات طبق فرآیند مصوب به بخش‌های اقتصادی اختصاص نمی‌یابد، و از اینرو باید با این طرح راه قانون گریزی دربانک‌ها بسته شود.

نماینده مردم اردکان در مجلس بابیان اینکه با تصویب و اجرای این طرح نظام مدیریتی حاکم بربانکها و رابطه بانک‌ها با بانک مرکزی وبانک‌ها بامشتریان باید شفاف و ضابطه‌مند شود، تصریح می‌کند: جذب سرمایه گذاری و نحوه تخصیص سرمایه دربانک‌ها باید تابع قانون باشد.

دگرگونی سیستم بانکی

غلامرضا اسدالهی- دبیر کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس بابیان اینکه طرح تحول نظام بانکی هنوز به مجلس نیامده است می گوید: اعلام شده است که این طرح به زودی به مجلس ارایه خواهد شد و از این‌رو انتظار می‌رود طرحی که ارایه می‌شود، نظام بانکی را به سمت کارآمد شدن ببرد.

وی ادامه می‌دهد: طرح تحول نظام بانکی باید درجهت اسلامی شدن عقود بانکی باشد، چرا که برخی مراجع هم نسبت به اسلامی بودن عقود بانکی شک و شبهه دارند، حال اگر عقود بانکی اسلامی باشد، مردم به سیستم بانکی اعتماد بیشتری خواهند کرد.

این نماینده مجلس نهم به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: سیستم بانکی نیازمند تحول است و باید برای ایجاد این تحول، کار کارشناسی قوی صورت بگیرد و تاثیرات اقتصادی تصمیمات به دقت بررسی شود.

ابراهیم نکو- عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز با بیان اینکه طرح تحول بانکی باید اصولی و تاثیرگذار و درجهت دگرگونی سیستم نیمه بیمار بانکی باشد می‌گوید: متاسفانه عملکرد بانک‌ها به نحوی است که این ذهنیت را برای مردم ایجاد کرده است که دستورات مافوق خود را اجرا نمی‌کنند.

نماینده مردم رباط کریم وبهارستان درمجلس شورای اسلامی در گفت و گو با خبرگزاری خانه ملت می‌افزاید: زمانی که دستورالعمل پرداخت تسهیلات به واحدهای بزرگ تولیدی اجرا نمی‌شود وبرخی تولیدکنندگان از دریافت تسهیلات محروم هستند، این شایبه ایجاد می‌شود که سیستم بانکی یا براساس رابطه کار می‌کند، یا اختیاراستفاده از قانون رانداردکه این امر به سیستم بانکی کشور لطمه وارد می‌سازد.

نباید عجله کرد

غلامرضا تاجگردون- نایب رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه دولت قول داده بود همزمان با اجرای قانون هدفمند کردن لایحه اصلاح نظام بانکی را هم اجرایی کند و به همین دلیل علت تدوین نشدن لایحه اصلاح نظام بانکی مشخص نیست می گوید: همزمان شدن تدوین لایحه اصلاح نظام بانکی با خصوصی‌سازی وسیع بانک‌ها. یکی از علت‌های اجرا نشدن لایحه اصلاح نظام بانکی است و به همین دلیل که تدوین لایحه کار سنگین بود دولتمردان نتوانستند این طرح را جمع و تنظیم کنند.

وی با یادآوری اینکه تیمی از دولت توسط رئیس‌جمهوری برای تدوین لایحه طرح تحول نظام بانکی تعیین شده بود، ادامه می‌دهد: این تیم هم‌زمان با تصویب طرح تحول اقتصادی از متخصصان بانکداری اسلامی و بانکداری تخصصی تشکیل شده بود که البته نتوانستند لایحه اصلاح نظام بانکی را تنظیم کنند و به مجلس ارائه دهند.

این نماینده مردم در مجلس نهم تصریح می‌کند: تدوین لایحه تحول نظام بانکی به عمر دولت دهم نمی‌رسد ودر واقع تیمی که رئیس‌جمهوری برای تدوین لایحه اصلاح نظام بانکی تعیین کرده بود، نتوانستند در موعد مقرر خود به وظایفش عمل کند، البته نباید در تدوین چنین لایحه مهمی عجله کرد، چراکه تدوین نادرست و ناقص چنین لوایحی اثرات بسیار مخربی بر ساختار اقتصادی کشور خواهد داشت.

تاجگردون به گزارشگر روزنامه اطلاعات همچنین می‌گوید: ماهیت لایحه اصلاح نظام بانکی تنظیم مقررات بر اساس رفتارهای اسلامی، رعایت حد و حدود ورود دولت در مسائل بانک‌ها، شرعی کردن نرخ‌ها و استفاده درست از ابزارهای مالی است؛ به طور مثال در اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی عدم استفاده صحیح از ابزارهای بانکی موجب بروز فساد شد که از ضعف سیستم بانکی حکایت دارد.

نایب رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات، مجلس همچنین تأکید می‌کند: در صورتی که لایحه طرح تحول نظام بانکی به مجلس بیاید، مجلس در خصوص جایگاه بانک مرکزی و چگونگی رابطه آن با دولت، حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت.

طرح تحول بانکی روی کاغذ

همانطور که رئیس‌جمهوری هم گفته است، محورهای طرح تحول اقتصادی باید به طور هم‌زمان اجرایی شود، اما از این محورها تنها ۲ محور هدفمندی یارانه‌ها و طرح تحول گمرک اجرایی شده است.

به نظر می‌رسد طرح تحول اقتصادی که هدف از اجرای آن دستیابی به اهداف بسیار کلان و بزرگی عنوان می‌شد، در همان اوایل کار عقیم مانده که علت آن هم اطاله بررسی طرح‌ها و لوایح است. طرح تحول اقتصادی در محورهای هدفمندی یارانه‌ها، تحول نظام بانکی، ارزش گذاری پول ملی، اصلاح نظام مالیاتی و اصلاح نظام گمرکی مطرح شد، اما هدفمندی یارانه‌ها در اجرا تنها یک گام اجرا شده است،.بنابراین هدفمندی یارانه‌ها هنوز به نیمه راه در اجرا نرسیده است، طرح تحول مالیاتی که شامل اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، طرح جامع مالیاتی و اصلاح قانون مالیات‌ها است هنوز شکل عملیاتی کاملی به خود نگرفته و مهمترین بخش اصلاح نظام مالیاتی نیز که اصلاح قانون مالیات‌ها است، نهایی نشده و به مجلس نرفته است.

ارزش گذاری پول ملی هم علی‌رغم تشکیل کارگروه و نهایی شدن مطالعات، به دلایل نامعلومی فعلا اجرا نمی‌شود. و تنها طرح تحول نظام گمرکی نهایی و اجرا شده است. یعنی هم اصلاحات قانونی مورد نیاز در مجلس تصویب شده و هم اصلاحات نرم‌افزاری و فرایندی گمرک. طرح تحول بانکی هم همانطور که گفته شد، هنوز نهایی و اجرایی نشده است.

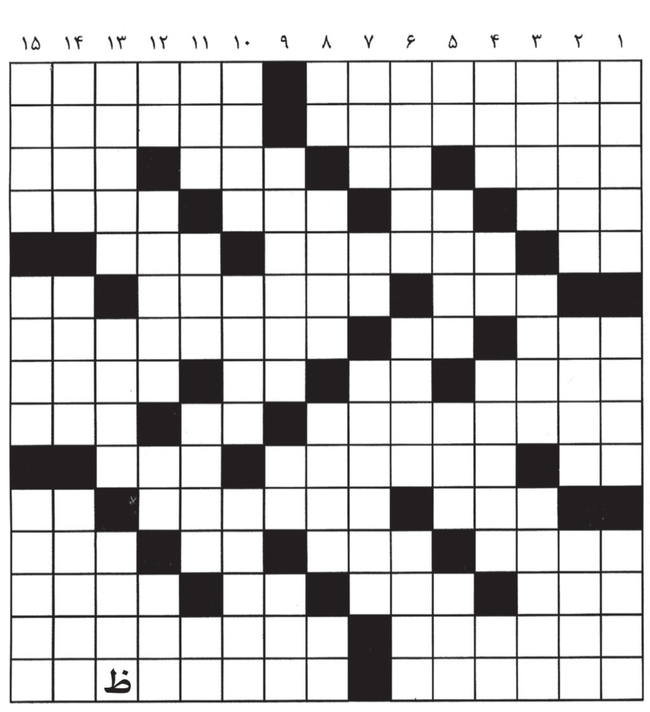
در واقع می‌توان گفت که طرح تحول‌اقتصادی آنگونه‌که‌بایدعملیاتی نشده و اغلب بخش‌های آن روی کاغذ به سرانجام رسیده است. از سایر محورهای طرح تحول اقتصادی که بگذریم، در کنار هدفمندی یارانه‌ها مهمترین بخش اقتصادی کشور که نیازمند اصلاحات جدی است و اتفاقات سال گذشته و مشکلات دیگری که فعالان اقتصادی همواره با آن درگیر هستند، اصلاح نظام بانکی را جزء اولویت‌ها قرار می‌دهد. به هر ترتیب فرصت زیادی تا پایان عمر دولت دهم باقی نمانده و هنوز لایحه طرح تحول نظام بانکی از دولت بیرون نرفته‌است.

در حالی که رئیس‌جمهوری قبل از انتخابات سال ۱۳۸۸ اعلام کرده بود که بزودی طرح را به مجلس می‌فرستیم. بعد از تشکیل دولت دهم هم رئیس دولت طوری صحبت می‌کرد که همه تصور می‌کردند عنقریب لایحه به مجلس می‌رود. اما آنقدر حاشیه‌ها به وجود آمد که طرح تحول بانکی در میان آن‌ها به فراموشی سپرده شد.

مهنازشوقی

جدول ۲۱۸۰۷

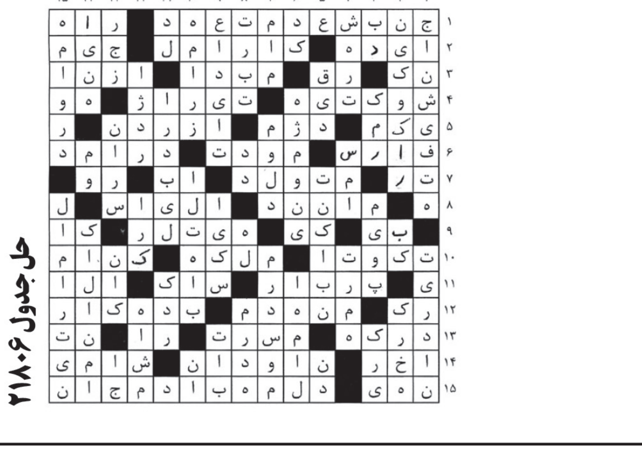
طراح: غلامحسین باغبان



افقی:
۱ـ مناسبت پنجشنبه ۶ مهر، روز جهانی..... ـ بی‌لیاقت
۲ـ نقاش فرانسوی تابلوی «آرایش مو» (۱۸۳٤ـ۱۹۱۷م.) ـ شهرستان جنوب خراسان رضوی
۳ـ دوا ـ مساوی عامیانه ـ مدور ـ لطیف و ملایم
٤ـ کلام سؤالی ـ نت چهارم ـ بانگ جانوران درنده ـ واحد پول میانمار
٥ـ لخت و برهنه ـ هلاکت ـ علف خشک
٦ـ شیمی کربن ـ ماشین باری بزرگ ـ تکان
۷ـ مخفف گوهر ـ سیلی ـ عصب کشی دندان
۸ـ احتمالاً ـ ضمیر مؤنث انگلیسی ـ شهر رازی ـ کشوری با مرکز «طرابلس»
۹ـ اثری از «جک لندن» ـ صابون خیاطی ـ رنگ خزان
۱۰ـ خطاب نزدیک ـ نوعی حشره شکارچی و دوزیست ـ منفرد
۱۱ـ سپاس شیرین! ـ یأس ـ فلز هادی
۱۲ـ فیلسوف آلمانی «نقد خردناب» ـ یافتنی در معدن ـ پرحرفی ـ دیگر و سایر
۱۳ـ دوستی و محبت ـ گل ته‌نشین شده در آب ـ خسیس ـ تور بزرگ کاه‌کشی
۱٤ـ کتابی از «سیمین دانشور» ـ تابلویی از داوینچی با نام دیگر «لبخند ژوکوند»
۱٥ـ کج ـ کتابی از «اسماعیل فصیح» داستان‌نویس و مترجم معاصر

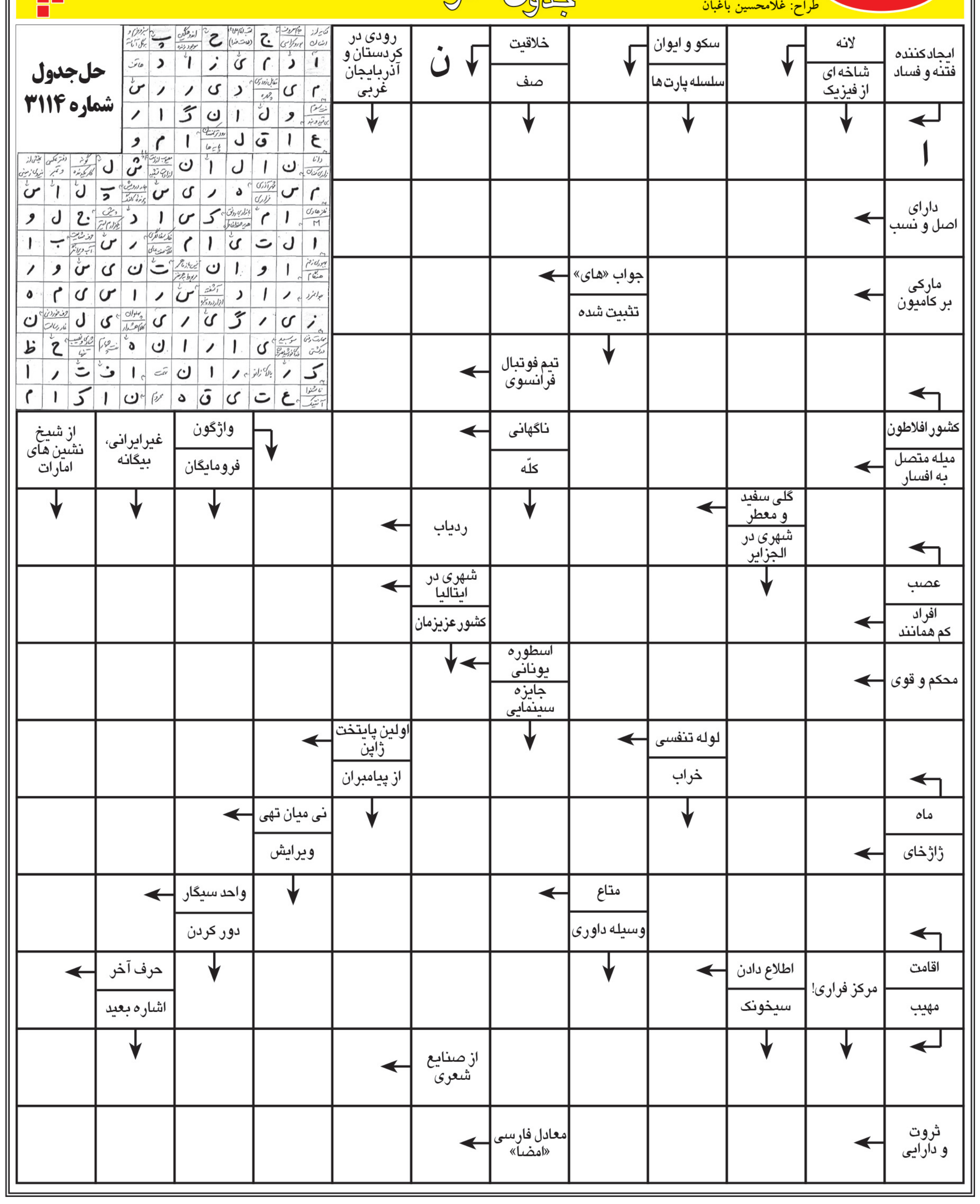
عمودی:
۱ـ فراخ و وسیع ـ گرسنه خودمانی ـ بالش کوچک
۲ـ راهنمایی ـ لقب امام دهم(ع) ـ صمغ صبر زرد
۳ـ شهر تاج‌محل در هندوستان ـ نژاد ایرانیان ـ حرکت کننده بر روی آب
٤ـ کشتی جنگی ـ برج داستانی فرانسه ـ وسیله ذخیره اطلاعات در رایانه ـ هنوز شاخ نشده!
٥ـ مخفف اگر ـ محفظه نگهداری پرونده‌ها ـ کاشف واکسن آبله ـ از خودراضی
٦ـ رادار ـ از علائم بیماری صرع ـ حق ویژه سیاسی و اقتصادی
۷ـ دیگر شاعرانه ـ قورباغه درختی ـ وحدانیت
۸ـ حرف گزینش ـ مکار و پیمان‌شکن ـ فلج عصبی صورت ـ سلیقه
۹ـ آرایشگر سینمایی ـ ناچیز و اندک ـ پرنمک
۱۰ـ نظر ـ پدر از دست داده ـ از حواریون حضرت عیسی(ع)
۱۱ـ قطب مثبت باطری ـ دوخت درشت و موقت ـ رهبر حزب ـ اشاره به دور
۱۲ـ نت میانی! ـ ترعه ـ چه وقت ـ وسیله و ابزار
۱۳ـ ساختمان‌ها ـ جنگ افزار پرتابی قدیمی ـ مقابل رقیق
۱٤ـ توانایی و نیرو ـ رشته‌ای در ورزش شمشیربازی ـ اثری از بزرگ علوی
۱٥ـ کهنگی و دیرینگی ـ همکار قفل ـ رئیس لشکر

حل جدول ۲۱۸۰۶



جدول شرح در متن شماره ۳۱۱۵

طراح: غلامحسین باغبان



اخلاق و عرفان و ادب

دکتر مجتبی مطهری ـ عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی ـ بخش چهارم



اخلاق عرفانی

این نوع اخلاق از نظر معرفت‌شناسی شهودگراست و عارف برخلاف فیلسوف، معرفت شهودی و قلبی را کمال معرفت می‌شناسد، نه معرفت عقلانی. ادراک حقیقی در نظر عارف مافوق ادراک عقلانی است و شیوه او رشد و شکوفایی تعالی روحی و درک شهودی انسان است، بدین معنی که انسان برای تکامل جان خود باید دست به یک سفر روحانی بزند؛ اما نه در آفاق کیهانی، که درعوالم انفسی خویش. در این سفر، سائر با مسیر و با مبدأ و مقصد پیوند و اتحاد ذاتی دارد؛ یعنی سیر و سلوک انسانی و منازل و مواقف آن از سالک بیرون نیست.

ظهور نفس قدسی در عمق باطن و مرتبه عالی نفس و شکوفایی آن با توجه به استفاده از همه ظرفیتها و سعه وجود انسان صورت می گیرد. به هرحال انسان از دیدگاه عرفانی دارای دو نسخه است و ظاهری و باطنی دارد. نسخه ظاهر آن همانند موجودیت انسان در این عالم است و نسخه باطن آن، حضرت خداوندی است (آیینه زلال تمام‌نمای جمال و کمال خداوندی است). از دیدگاه جهان‌شناسی عرفانی نیز عالم هستی عوالم گوناگون دارد: ظاهری دارد و باطنی: عالم ملکوت (مثال) باطن عالم ناسوت (طبیعت) و عالم جبروت (تجرد تام)، باطن عالم مثال (ملکوت) است و عالم لاهوت باطن عالم جبروت که همان عالم اسماء و صفات الهی است. (رسائل توحیدی علامه طباطبایی، ترجمه و تحقیق علی شیروانی، ص ۱۴۳، تهران، نشر الزهراء، ۱۳۷۰)

البته اخلاق عرفانی به خاطر ویژگی خاص خویش به مراتب بیش از اخلاق فلسفی بر طبع لطیف و فطرت پاک انسان سایه افکنده است. این تأثیر به خاطر نقش عاطفی آن در روح انسان و نقش شعر و ادب عرفانی و نیز قالبهای زیبای ادبی و آرایه‌های بدیع در شعر عرفانی به ویژه غزل و نیز بهره‌گیری از ظرفیت داستان و تشبیه و تمثیل در اخلاق عرفانی و نفوذ آن بر جان مخاطب است. البته برخی دانشوران با استفاده از همین روش در انتقال اخلاق حکمی به توده مردم کوشیده‌اند. نمونه‌ای از این تلاشها را در کتاب «اخلاق محتشمی» مشاهده می کنیم.

از نمونه‌های اخلاق عرفانی کتاب «اللمع فی التصوف» تألیف ابونصر سراج (ملقب به طاووس‌الفقرا) است که از بزرگان عرفا و صوفیه در قرن چهارم هجری است. دیگری کتاب «قوت‌القلوب» تألیف ابوطالب مکی ـ از عارفان مشهور قرن چهارم هجری ـ است. نمونه دیگر کتاب «رساله قشیریه» اثر ابوالقاسم قشیری نیشابوری است که از بزرگان علما و عرفا و ادبا در قرن پنجم است. این کتاب با تصحیح استاد بدیع‌الزمان فروزانفر منتشر شده و از متون نفیس در اخلاق عرفانی است. و نیز کتاب «منازل‌السائرین» تألیف خواجه عبدالله انصاری (ملقب به شیخ لاسلام)، معروف به پیر هرات از مشاهیر عرفای قرن پنجم هجری است که نسبش به ابوایوب انصاری از اصحاب رسول اکرم(ص) می رسد. این کتاب با شرح شیخ عبدالرزاق کاشانی از متون درسی حوزه‌های علمیه بوده است. بر این کتاب شرحهای زیادی نوشته شده که بهترینش شرح استاد محسن بینا و شرح استاد حجت‌الاسلام دکتر شیخ‌الاسلامی به فارسی و شرح شیخ محمود فرکاری است.

شرح شیخ محمود فرکاری از نخبگان و عارفان قرن هشتم و نیز شرح عبدالرزاق کاشانی به عربی از عرفای همین دوره است. نقص عمده این کتاب این است که بعد از تبیین و تفسیر مباحث اخلاقی و ذکر آیاتی از قرآن کریم، از سخنان نبوی و اهل بیت(ع) به ویژه سخنان امام علی(ع) ذکری به میان نیاورده است.

اخلاق نقلی

عنوان اخلاق نقلی (روایی) بر مجموعه‌ای از تألیفات و نوشته‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که روایات اخلاقی را در موضوعات مختلف دسته‌بندی و جمع‌آوری نموده‌اند. از نمونه‌های آن کتاب «بحارالانوار» (مجلدات ۷۶ـ۶۴) تألیف علامه محمدباقر مجلسی در قرن دهم است و کتاب «اصول کافی» (ج ۲)، تدوین شیخ ابوجعفر محمد بن اسحاق ملقب به شیخ کلینی رازی (از علمای قرن چهارم) و نیز کتاب «مکارم‌الاخلاق» شیخ طبرسی از بزرگان و دانشمندان قرن ششم هجری است. اثر دیگر «محاسن» برقی تألیف ابوجعفر احمد فرزند محمد بن خالد معروف به برقی از علمای والامقام شیعه است که از نفیس‌ترین آثار در اخلاق روایی است. البته از این اثر گرانبها، تنها حدود یک سومش موجود است.

کتاب «غررالحکم و دررالکلم» تألیف ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد آمدی تمیمی از بزرگان و علما و محدثان قرن ششم هجری است. این کتاب به خاطر تنوع موضوعات و کوتاهی روایات و ذوق ادبی و استفاده از صنایع ادبی، مورد توجه محققان قرار گرفته است. این اثر با تحقیق استاد سیدجلال‌الدین محدث ارموی، از طرف دانشگاه تهران منتشر شده است. نمونه دیگر «تنبیه‌الخواطر و نزهه‌النواظر» معروف به «مجموعه ورام» تألیف ابوالحسین ورام بن ابی فراس نخعی، جد مادری سید طاووس است.

نمونه دیگر کتاب «مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه» است. مؤلف این کتاب معلوم نیست، دارای صد باب است که همگی نقل قول از امام جعفر صادق(ع) شده است. این کتاب در عین حال یک کتاب روایی ـ عرفانی است، هرچند بابهایی از آن درباره آداب و سنت است. این کتاب مورد اعتماد بزرگانی مانند سید رضی‌الدین علی بن طاووس و ملامحسن فیض کاشانی و شهید ثانی قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد اکثر آثار اخلاقی در زمینهٔ اخلاق نقلی در ردیف صرفا یک کتاب حدیثی هستند و مؤلفان این کتب درصدد تألیف اثری حدیثی بوده‌اند و به قالب شکل روایت توجه داشته‌اند تا به شناخت دقیق متن حدیث یا محتوی و بطن حدیث و تأمل در آن. علاوه بر آن وجود روایات مکرر متعارض یا متداخل ذیل سرفصلها و حل نکردن تعارض و ترجیح آنها و عدم جمع‌بندی در روایات و یا ارائه نظریه نهایی نکته‌ای است که در برخی از آثار اخلاقی حدیثی یا روایی دیده می‌شود. و نیز عدم توجه توجه به اقسام احادیث عام، خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و غیره و نیز نقد و بررسی و روایات توسط مؤلفان آثار اخلاقی نقلی را از یک سیستم نظام‌مند و یا قاعده‌مند و علمی گاه دور می‌سازد. (ر.ک: کتاب‌شناخت اخلاق اسلامی، تألیف جمعی از نویسندگان مبحث اخلاق نقلی، تهران نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ش)

اخلاق تلفیقی

در اخلاق تلفیقی مؤلفان از ظرفیت ممتاز سه مکتب فلسفی ـ عرفانی ـ نقلی بهره گرفته‌اند؛ بنابراین هر اثری که مشتمل بر ترکیبی از ویژگیهای مکاتب مختلف باشد، اثری تلفیقی به شمار می رود. البته عنوان تلفیق طیف متنوعی از آثار اخلاقی را شامل می‌شود که پاره‌ای مانند معراج‌السعاده به رویکرد (عقلانی) و بعضی مانند احیاءالعلوم‌الدین به رویکرد عرفانی و دینی و برخی مانند الذریعه راغب اصفهانی به اخلاق نقلی نزدیکترند. در عین حال در این کتابها در هر موضوع مواعظ و نصایح، اندرزها، روایات تاریخی و قصص نیز وجود دارد. نکتهٔ مهم این است که عالمان اخلاق حتی پیش از پدید آمدن حکمت متعالیه و تبیین صدرائی، اختلاف برجسته‌ای میان نقل (قرآن و حدیث) و عرفان و برهان نمی‌دیدند؛ بدین معنی که رهاورد عقل و وحی و شهود را سازگار و هماهنگ تلقی می کردند لذا آموزه‌های وحیانی و عرفانی و فلسفی را کوشیده‌اند تا به مدد یکدیگر تفسیر نمایند و نظام اخلاقی جامعی ارائه دهند.

اعتبار کتاب «مصباح‌الشریعه» از طرف علمای شیعه مانند شهید ثانی در «اسرارالصلوب» و سیدرضی‌الدین بن طاووس در «امان‌الاخطار» و ملامحسن فیض کاشانی در «محجه‌البیضا» تأیید شده است. هرچند به خاطر سبک صوفیانه احادیثش از طرف برخی علما مانند شیخ حر عاملی از درجه اعتبار ساقط است. (کتابشناخت اخلاق اسلامی، ص ۲۸۵)

انیس‌الوحده

باب «عقل و حکمت» باب یازدهم کتاب انیس‌الوحده و جلیس‌الوحده با باب پنجم و ششم کتاب نصیحه‌الملوک غزالی با تصحیح و پاورقی استاد علامه همائی، تحت عنوان حکمت حکیمان و ذکر حکمت و خرد و خردمندان قابل تطبیق است.

در عین حال حسن این باب در کتاب گلستانه یکی استفاده و بهره‌برداری دقیق از آیات قرآن کریم و کلمات نبی اکرم(ص) و امام علی(ع) استفاده و اشعار عرب و فارسی و قصص و داستان و کلمات بلغا و فصحاست، هرچند استفاده از کلمات و بزرگان و ادیبان بزرگان حکمت در باب حکمت نصیحه‌الملوک غزالی به مراتب گسترده از اثر گلستانه است در هر حال حسن اثر این است که مؤلف معنی حکمت و خرد را در قالب زیبایی ادبی و روائی در ذهن مخاطب تجلی بخشیده است.

امتیاز برجسته این کتاب نسبت به آثار اخلاقی متعارف فصلی است که مؤلف در مسئله زیبایی و عشق مجازی و شوق و وصال، درد و هجران، ذکر معشوش و حکایات عشاق در کتاب خویش باز کرده است. از نظر این جانب این فصل الهام از دو نکته اساسی دارد: نخست اینکه تهذیب اخلاق از طریق عرفان (طریقت عشق) میسر است؛ به همین لحاظ دیوان حافظ، مولانا، محی‌الدین عربی و کلمات غزالی دفتر عشق است و پر از جلوه‌های عشق.

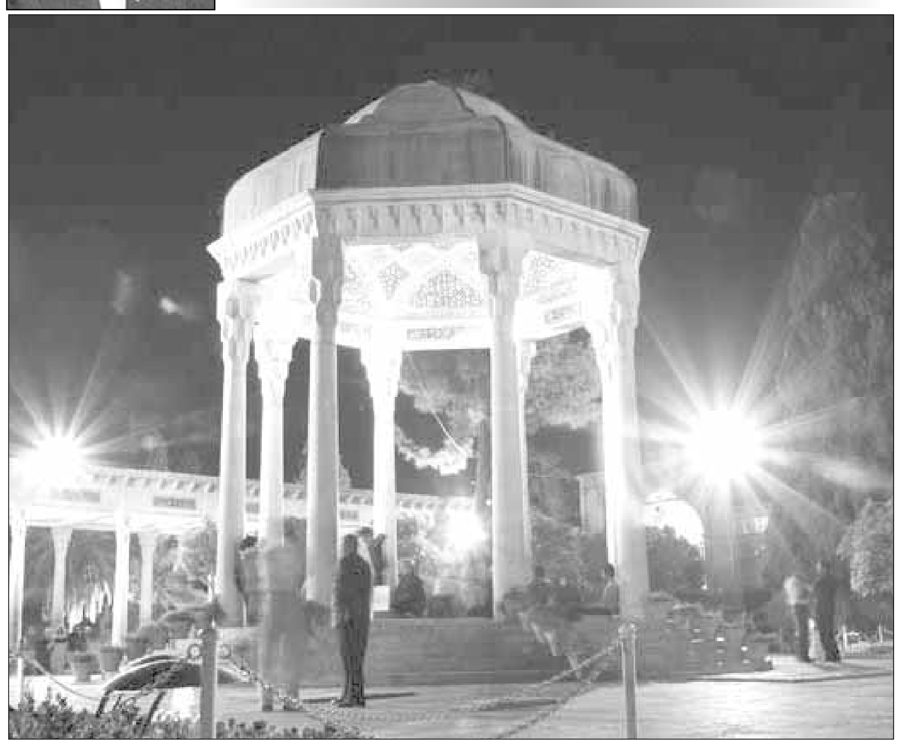
ادامه دارد

در خلوت انس با حافظ

دکتر سیدحسین محیی‌الدین الهی قمشه‌ای

بخش نخست





اشاره: استاد الهی قمشه‌ای ضمن تصحیح دیوان حافظ، مقدمه عرفانی راهگشایی بر آن نوشته‌اند که به کار همه حافظ‌پژوهان و بلکه فرهنگ دوستان می‌آید. متن زیر از پایگاه اینترنتی ایشان بر گرفته شده است.

دوستان عیب نظربازی حافظ مکنید
که من او را ز محبان خدا می‌بینم

حافظ از محبان خداست و به مصداق سخن مولانا که گفت:

هرکه عاشق دیدی‌اش معشوق دان
کو به نسبت هست هم این وهم آن
دلبران بر بیدلان فتنه به جان
جمله معشوقان شکار عاشقان
(مثنوی)

خودنیز از محبوبان حضرت حق و از مستوران خیمه عزتّ اوست که چون سخنش درآن درگاه مهرقبول یافت، مقبول طبع مردم صاحب نظر گردید و مهرش در دل عارف و عامی بنشست:

دلنشین شدسخنم تا توقبولش کردی
آری آری سخن عشق نشان دارد
(حافظ)

سرّ محبوبیت سعدی و مولانا و همه شاعران و هنرمندانی که به جاذبه حسن و کرشمه و دلبری ملک دلها راتصرف کرده اند،همین است که ازنقش و نغمه ایشان بوی خوش آشنایی به مشام می‌رسد و چون عطارآفاق جهان را به بوی آن یار که پنهان وآشکار محبوب جمله جهان است عطرآگین کرده‌اند.

کردی ای عطاربرعالم نثار
نافه مشک هرزمانی صدهزار
ازتوپرعطراست آفاق جهان
وزتودرشورزعشاق جهان
(منطق‌الطیرعطار)

شمس تا ملک ولایت به تصرف آورد
سخنش درهمه آفاق روان می‌بینم
(دیوان شمس)

هر کجا بوی خدا می‌آید
خلق بین بی سر و پا می‌آید
چون به عهد جوانی از در تو
به درکس نرفتم از بر تو
همه را بر درم فرستادی
من نمی‌خواستم، تو می‌دادی
(هفت‌پیکر نظامی)

حسن تونادراست‌دراین‌عهدوشعرمن
من چشم بر تو و همگان گوش بر منند
(سعدی)

مردمان عاشق گفتار من ای قبله خوبان
چون نباشد که من عاشق دیدار تو باشم
(سعدی)

این خسروخوبان و محبوب عالمیان که:

عین پیدایی است و بس پنهان
سّر پنهانی است و بس پیدا
(الهی قمشه‌ای)

همان شاخ نبات و شمع شب‌افروز و غزال رعنا و سرو بلندبالای حافظ است که جمله عاشقان به داغ او مرده‌اند و جمله عاشقان به داغ او زنده‌اند.

زنده کدام است بر هوشیار؟
آن که بمیرد به سرکوی یار
(سعدی)

و دیوان حافظ خود شرح جمال همان ساقی است که هشت جنّت یک فروغ روی او و هفت دوزخ شمّه‌ای از درد فراق اوست:

حدیث‌هول‌قیامت‌که‌گفت‌واعظ‌شهر
کنایتی‌است‌که‌ازروزگارهجران‌گفت
(حافظ)

هشت جنت شمّه‌ای از وصف تمثال جمالش
هفت دوزخ مجملی از شرح آه آتشینم
(الهی قمشه‌ای)

درک سخن حافظ نیازمند سنخیّت است و بیش از شرح، به سینهٔ شرحه شرحه و بیش از هوش، حیرت و بیهوشی می‌خواهد و اگر باز در پرده ابهام باشد، بهترین شارح، کلام سعدی و مولانا و شبستری است

و هم عالم نامنتهای کثرت شرح تطاول جعد مشکین اوست که عین پریشانی است و درعین پریشانی، مایه جمعیّت است و در عین جمع مجموعان عالم را پریشان خودکرده و مجنون‌وار سر به کوه و بیابان داده است:

تا سر زلف پریشان تو در جمع آمد
هیچ‌مجموع‌ندانم‌که‌پریشان‌تونیست
(سعدی)

زلف‌آشفته‌اوموجب‌جمعیّت‌ماست
چون‌چنین‌است،پس‌آشفته‌ترش‌بایدکرد
(حافظ)

این ساقی سرمست که اول بارشراب هستی را درجام تعیّنات وماهیّات ریخت و به تعبیر حافظ جرعه‌ای برخاک فشاند و عوالم بی نهایت را مست و شیدای خود کرد، هرچند در مقام ذات از نام ونشان و تجلیّ و صورت مبرّاست و در پس پرده غیب ازلاً و ابداً از اندیشه عقول و دیده ناظران پنهان است؛ اما حافظ او را به هزار نام و نشان بر پردهٔ غزلیّات خویش نقش کرده و به مصداق سخن محیی‌الدین که گفت: «خداوند دوست دارد که او را در همه صورتها عبادت کنند»، او نیز معبودِ خویش را در جلوه های گوناگون «از صنم تا صمد» و از شاهد هرجایی تا عزیز و مهیمن ستوده است:

گفتم:صنم‌پرست‌مشو،باصمدنشین
گفتا:به‌کوی‌عشق‌هم‌این‌وهم‌آن‌کنند
(حافظ)

راهِ‌توبه‌هرروش‌که‌پویند،خوش‌است
وصلِ‌توبه‌هرجهت‌که‌جویند،خوش‌است
روی تو به هردیده که بینند، نکوست
نام‌توبه‌هرزبان‌که‌گویند،خوش‌است
(منسوب به ابوسعید)

وهرچند گاه و بی‌گاه پرده اسراربرکشیده و حضرت دوست رابا کلمات آشنایی چون خدا ویزدان وایزد و رحمن و عزیز و رحیم یاد کرده، اما بیشترسخن را در پرده تخیّلات شاعرانه ازچشم اغیار پنهان داشته و در پیش خرقه‌پوشانِ ریاکار،سرپیاله را پوشانده است؛ چنان که در ابیات زیر از یک معشوق به نامهای گوناگون و درجات مختلف از روشنی و ابهام یاد کرده است:

هردوعالم یک فروغ روی اوست
گفتمت پیدا و پنهان نیز هم
این‌همه‌عکس‌خوش‌ونقش‌مخالف‌که‌نمود
یک‌فروغ‌رخ«ساقی»است‌که‌درجام‌افتاد
هرچند که هجران ثمر وصل براورد
«دهقان ازل» کاش که این تخم نکشتی
درنهانخانه عشرت،«صنمی»خوش‌دارم
کز سر زلف و رخش نعل در آتش دارم
خیز تابر کلکِ آن «نقاش» جان افشان کنم
کاین‌همه‌نقش‌عجب‌درگردش‌پرگارداشت
اگرآن«ترک»شیرازی‌به‌دست‌آرددل‌مارا
به‌خال‌هندویش‌بخشم‌سمرقندوبخارارا
ز رقیب دیوسیرت به خدای خود پناهم
مگر آن«شهاب ثاقب» مددی دهد سها را
تا ابد معمور باد این خانه کز خاک درش
هر زمان با بوی «رحمان» می وزد باد یمن
من از دیارحبیبم، نه از بلاد غریب
«مهیمنا»، به رفیقان خود رسان بازم
دامن دوست به‌دست‌آر و ز دشمن بگسل
مرد «یزدان» شو و فارغ گذر از اهرمنان
(حافظ)

زلیخا نیز به روایت مولانا از بیم نامحرمان، نام یوسف را در نامها پنهان کرده بود، سخنان پراکنده می گفت، اما دل با یکی جمع داشت:

آن زلیخا ازسپندان تا به عود
نامِ جمله چیز یوسف کرده بود
نام او در نامها مکتوم کرد
محرمان را سرّ آن معلوم کرد
گر بگفتی: موم ز آتش نرم شد،
این بُدی کان یار با ما گرم شد
گر بگفتی: مه برآمد، بنگرید
ور بگفتی: سبزشد آن شاخ بید
ور بگفتی: چه همایون است بخت!
ور بگفتی که: برافشانید رخت
ور بگفتی: هست نانها بی نمک
ور بگفتی: عکس می گردد فلک
صدهزاران نام اگربرهم زدی
قصد او و خواهِ او یوسف بدی

سرّ محبوبیت هنرمندانی که ملک دلها را تصرف کرده‌اند، این است که از نقش و نغمه ایشان بوی خوش آشنایی به مشام می‌رسد و آفاق جهان را به بوی آن یار که محبوب جهان است، عطرآگین کرده‌اند

توان گفت که حتی کلمات آشنا چون ایزد و رحمن نیزپرده‌ای است تا بیگانگان گمان برند او درهمان سوداها وخیالات ایشان است؛ چنان که حافظ مصریان، ابن فارض درقصیده معروف تائیه کبری فرمود:

فاوهمت صبحی ان شراب شرابهم
به سرسّری فی انتشایی بنظرتی
(قصیده تائیه کبری)

پس یاران خویش رابه گمان انداختم/که وجد ونشاط و شور و مستی من که ازنظاره معشوق است / نیز ازهمان شراب باشد که ایشان نوشیده‌اند!

و بی گمان در میان آن «الله» که گدای نان‌طلب بر زبان می‌آورد و آن «الله» که سّر جان و نور دل حافظ است، جز اشتراک لفظ چیزی نیست.

مؤمن و کافر«خدا» گویند، لیک
درمیان هردو فرقی هست نیک
آن گدا گوید خدا، از بهر نان
متّقی گوید خدا، ازعین جان
سالها گوید خدا آن نان خواه
همچوخر، مصحف کشد از بهر کاه
(مولانا)

ازاین روست که مولانا با یاران می گوید:

همی گوی آنچه می‌دانم من و تو
ولی پنهان کنش در ذکر الله

ابن فارض در بیتی از همان قصیدهٔ شکر می گوید وجود جوانانی راکه به سبب مشابهت ظاهربا وضع ایشان توانسته است عشق خویش را پنهان کند.

وفی حان سکری حان شکری لفتیه
به تمّ لی کتم الهوی مع شهرتی

پس درهنگام مستی زمان آن رسید/ که شکر و سپاس خویش رااز جوانانی بیان کنم/ که به سبب ایشان توانستم کار پنهان کردن عشق را/ علی‌رغم شهرت و درخشش به اتمام رسانم.

حافظ نیز مکرر اشاره کرده است که در باطن کلام او سرّ نهانی هست که ظاهربینان را به آن راه نیست.

من‌این‌حروف‌نوشتم‌چنان‌که‌غیرندانست
توهم‌زروی‌کرامت‌چنان‌بخوان‌که‌تودانی
(حافظ)

مدعی گولغز و نکته به حافظ مفروش
کلک ما نیز زبانیّ و بیانی دارد
(حافظ)

درعین حال حافظ هر کجا ازمعشوق یا تجلیّات جمال وجلال او به مجاز و استعاره و رمز و راز یاد کرده، اغلب برای محرمان قرینه صارفه نیزآورده است تا ذهن را از معنی ظاهر منصرف کرده و به معنای حقیقی سوق دهد؛ برای مثال آنجا که می فرماید:

یارب، به که بتوان گفت این نکته که درعالم
رخساره به کس ننموده آن «شاهد هرجایی»

عبارت «رخساره به کس ننمود»، «شاهد هرجایی» به روشنی حکایت ازآن دارد که شاهد هرجایی همان حقیقت یکتایی است که فرمود: «هر کجا روکنید، آنجا خداست.» (قرآن)

درعشق خانقاه و خرابات فرق نیست
هرجاکه‌هست،پرتوروی‌حبیب‌هست

و نیز فرمود: چشمها هرگزاورانمی بینند.(قرآن)

به صورت از نظر ما اگر چه محجوب است
همیشه در نظر خاطر مرفه ماست
(حافظ)

روی تو کس ندید و هزارت رقیب هست
درغنچه‌ای هنوز و صدت عندلیب هست
(حافظ)

در بیت اخیر سخن ازمعشوقی است که هرچند هیچ کس روی او ندیده وهمچنان درمقام «غیب‌الغیوب» چون غنچه اسرار خویش را پنهان کرده و از معمّای ذات خویش لب فرو بسته وازاین رو به گفته عطار:

گفت را چون بر دهانش ره نبود
از دهانش هر که گفت، آگه نبود
(منطق‌الطیر)

اما به مقتضای تجّلی اوصاف از پشت هزار پرده، صدهزار بلبل بیدل را چون داوود به زبورخوانی برانگیخته و دلهای سخت و سنگین غافلان را نیز به ناله داوودی چون موم نرم کرده و به شور و نوا آورده است.

به جهان گر اثر ناله عشاق نبود
زیرصد پرده جهانی به تومشتاق نبود
زیرصد پرده نهان است وعیان است رخت
گر نهان بود، چنین شهره آفاق نبود
(الهی قمشه‌ای)

قرینه صارفه را حافظ اغلب درخود بیت درج کرده؛ اما گاه نیز باید برای درک معنا از ابیات دیگر آن غزل یا غزلیّات دیگرمدد گرفت؛ چنان که درباره قرآن گفته‌اند بعضی آیات مفسر آیات دیگر است، و اگر باز سخن در پرده ابهام باشد، بهترین شارح دیوان حافظ، کلام سعدی ومولانا وشیخ محمودشبستری است که آنها سخنشان اغلب به دلالت ظاهر نزدیکتر است، از جمله در همان بیت «روی تو کس ندید...» اگرهمچنان بعضی شبهه کنند که مقصود از «غنچه» جوان نورسته‌ای است که شاید هنوز به کمال نرسیده و آفتاب رویش از خط مشکین سایه نینداخته است، غزل زیراز سعدی که شاید منبع الهام حافظ درغزل فوق بوده، پرده ابهام را بر می‌گیرد وآن غنچه ناشکفته را که هیچ کس ندیده، با تعبیراتی نزدیک به زبان عطّار معرفی می‌کند:

آستین برروی و نقشی درمیان افکنده‌ای
خویشتن پنهان و شوری درجهان افکنده‌ای
همچنان‌در«غنچه‌ای»وآشوب‌استیلای‌عشق
در نهاد بلبل فریادخوان افکنده‌ای
هر یکی نادیده از رویت نشانی می‌دهد
پرده بردار، ای که خلقی درگمان افکنده‌ای
هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد
وآن که دید،ازحیرتش کلک ازبنان افکنده‌ای
این‌دریغم‌می‌کشدکافکنده‌ای‌اوصاف‌خویش
در زبان عام وخاصان را ز زبان افکنده‌ای

و بازهمین معنا را مولانا به زبان دیگر درغزلی بیان کرده است:

عاشقان پیدا و دلبر ناپدید
درهمه عالم چنین عشقی که دید؟

همچنین نظامی در صفت شیرین که مرزی از معشوق ازلی است، می گوید:

هزارآغوش را پرکرده ازخار
نچیده از گلشن یک خار، دیّار

پیشرو مولانا، عطار نیشابور، نیز در قصیده بلندی با مطلع زیرازهمین شاهد غیبی که بر سر هر کوی و برزن معرکه جمال اوست، سخن گفته است:

ای روی درکشیده به بازار آمده
خلقی بدین طلسم گرفتار آمده
برخودجهان‌فروخته‌ازروی‌خویشتن
خود را به زیر پرده خریدارآمده

با این همه، درک سخن حافظ همچون سعدی و مولانا، نیازمند سنخیّت است و بیش از شرح، به سینه شرحه شرحه و بیش ازهوش و زیرکی، حیرت و بیهوشی می خواهد.

دل‌چون‌شمع‌می‌بایدکه‌برجانم‌ببخشاید
که‌جزوی‌کس‌نمی‌بینم‌که‌می‌سوزد‌به‌بالینم
(حافظ)

هر که شد محرم دل، درحرم یاربماند
وآن که‌این‌کارندانست،درانکاربماند
(حافظ)

محرم این هوش، جز بیهوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
(مثنوی)

ما را به توسرّی است که کس محرم آن نیست
گر سر برود، سرّ تو با کس نگشاییم
(دیوان شمس)

رفیقان، چشم ازاین ظاهر بدوزید
که ما را درمیان سرّی است مکتوم
همه عالم گراین صورت ببینند
کس این معنی نخواهد کرد معلوم
چنان سوزم که خامانم نبینند
نداند تندرست احوال محموم
(سعدی)

باری، خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی که چون خورشید غریب و تنها وبی کس درجهان زیست، معشوقش همان شمس حقیقه‌الوجود است که آفرینش سایه لطف او و بر آفتاب جمال اوست که عارفان به خط و خال تعبیرکرده‌اند:

خطّ و خالی برکشید از کائنات
شد مرید خطّ و خال خویشتن
(دیوان شمس)

نازم آن حسن کز آن بر رخ عالم خالی است
عکس هر ذرّه آن، مهر بلند اقبالی است
(الهی قمشه‌ای)

آن ماهرو که عالم خالی است بررخ او
کفر شکنج زلفش، ایمان ماست امشب
(مولانا)

ای که بر ماه ازخط مشکین نقاب انداختی
لطف کردی، سایه‌ای بر آفتاب انداختی
(حافظ)

در التجا به درگاه حضرت علی‌بن‌موسی الرضا(ع)

شمیم طوس



آیت الله علی کاظمی اردبیلی

شمیم باغ بهشت آید از نواحی طوس
منور است جهان از فروغ شمس شموس
نیازمند عنایات او سلیمان است
غلام درگه او کیقباد و کیکاووس
ظهور جلوهٔ حق است جلوه رخ او
شکوه ذات ازل از جلالتش محسوس
بسای جبهه به خاک درش که در آنجا
نهاده‌اند به در، سر، رئیس یا مرئوس
بخواه حاجت از آن پادشاه کون و مکان
که ازکرم، احدی را نمی کند مأیوس
به حلقهٔ در او بسته‌اند جان مرا
دل رمیده به عشق رُخش بود مأنوس
گرفته است فروغش جهان غیب و شهود
گر آن جمال نبینی، تو را هزار افسوس
به بارگاه جلالش سر ادب بگذار
غبار درگه او را هزار بار ببوس
رضای آل محمد بود که در اینجا
فراز مسند توحید برنموده جلوس
هزار شکر که شد خوشه‌چین خرمن او
ز فضل حضرت حق صدهزار جالینوس
ز یُمن این نفَس پاک کیمیاپرور
برند بهره به هر لحظه صدهزار نفوس
تمام اهل کرم پیش خوانِ مکرمتش
مثال قطره بود در میان اقیانوس
پناه اهل محبت، حریم درگه اوست
که هست جملهٔ عالم ز لطف او محروس
نهاده «کاظمی» خسته، دل بدین درگاه
به فضل آل محمد همی زند ناقوس



هشت سال دفاع قهرمانانه از دین و آب و خاک مردم این دیار، با همه سختی‌ها و تلخ و شیرینی‌هایش، برگ درخشان و افتخارآفرینی از تاریخ ماست که هر کس به گونه‌ای باید در حفظ و انتقال فرهنگ برآمده از آن بکوشد. بازماندگان و راویان آن حماسه‌ها به نوعی، مورخان و پژوهندگان به نوعی دیگر، و هنرمندان و شاعران و ادیبان به صورتی دیگر. به این ترتیب شاخه پربار و تأثیرگذاری در ادبیات فارسی به وجود آمده که محورش مقاومت و پایداری و ایثار و یادمان رزم‌آوران مخلص انقلاب و جنگ تحمیلی است. ادبیاتی که از خاطرات پرشور نبرد و شهادت تا روزهای شکنجه و مقاومت در اردوگاههای عراق یا زخمهای پیدا و ناپیدای تن و جان، و چشمهای منتظر نیامدگان حکایت می‌کند. آنچه در پی می‌آید، گزیده‌ای از شعر این عرصهَ است، در قالبهای سنتی و نو.

قصه جنگ

دکتر قیصر امین‌پور

موسیقی شهر بانگ رودارود است
خنیاگری آتش و رقص دود است
بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ
از چشم عروسکی که خون‌آلود است

درباره بهشت

مهدی رحیمی

هی دست می‌رود به کمرها یکی یکی
وقتی که می‌رسند خبرها یکی یکی
خم گشته است قد پدرها دوتا دوتا
وقتی که می‌رسند پسرها یکی یکی
باب نیاز، باب شهادت، در بهشت
روی تو باز شد همه درها یکی یکی
سردارا! بی سر آمده‌ای تا که خم شوند
از روی دارها همه سرها یکی یکی
رفتی که وا شوند پس از تو به چشم ما
مشت پُر قضا و قدرها یکی یکی
رفتی که بین مردم دنیا عوَض شود
در بارهٔ بهشت نظرها یکی یکی
در آسمان دهیم به هم ما نشانشان
آنان که گم شدند سحرها یکی یکی
آنان که تا سحر به تماشای یادشان
قد راست می‌کنند پدرها یکی یکی

ادبیات پایداری

سعید بیابانکی

دور تا دور حوض خانه ما	**پوکه‌های گلوله گل داده‌ست**
پوکه‌های گلوله را آری	**پدر از آسمان فرستاده‌ست**
عید آن سال، حوض خانه ما	**گل نداد و گلوله‌باران شد**
پدرم رفت و بعد هشت بهار	**پوکه‌های گلوله گلدان شد**
پدرم تکه‌تکه هر چه که داشت	**رفت همراه با عصاهایش**
سال پنجاه و هفت چشمانش	**سال هفتاد و پنج پاهایش**
پدرم کنج جانماز خودش	**بی نیاز از تمام خواهشها**
سندی بود و بایگانی شد	**کنج بنیاد حفظ ارزشها**
روی این تخت رنگ و رو رفته	**پدرم کوه بردباری بود**
پدرِ مرد من به تنهایی	**ادبیات پایداری بود**

خوبتر

عبدالحسین انصاری

در دلم هر غروب می‌ریزم، غصه‌های تمام عالم را
زیر و رو می‌کنند پنداری، در درونم هزار و یک بم را
سال پنجاه و چند خورشیدی، مردی آمد غریب و خاکی‌پوش
پشت هم هی مثال می‌آورد، زینب و کوفه و محرم را
مادرم گریه کرد و فهمیدم، گریه یعنی پدر نمی‌آید
بچه بودم پدر، نفهمیدم، واژه‌ای مثل جنگ مبهم را
با همان دست کوچکم رفتم، پاک کردم نگاه خیسش را
قول دادم که خوبتر باشم، برندارم مداد مریم را
بعد از آن هی سپیدتر می‌شد، موی مادر و قصه‌هایش، آه!
اینکه بیژن به چاه افتاده‌ست، اینکه دیوی سیاه رستم را...
در همین کوچه‌ها قدم می‌زد، مادرم با پدر که باران بود
آه! شاید هنوز یادش هست، کوچه آن خاطرات نم‌نم را

کلافه

عباس احمدی

خواب دیدی شبی که جلادان، فرش دارالخلافه‌ات کردند
گردنت را زدند با ساطور، به شهیدان اضافه‌ات کردند
می‌خروشیدی: این که می‌بینید شیمیایی است، مومیایی نیست
نه! ابوالهول‌ها نفهمیدند، متهم به خرافه‌ات کردند
چارده سال می‌شود، یا نه چارده قرن، سخت می‌گذرد
بی‌قراری مکن، خبر دارم، سرفه‌ها هم کلافه‌ات کردند
زخمها، ماسکهای اکسیژن، چه می‌آید به صورتت مؤمن!
تو بدانی اگر که تاولها چقدر خوش‌قیافه‌ات کردند
شهرها برج مست می‌سازند، برجها بت‌پرست می‌سازند
شرقِ ما حیف، غرب وحشی شد، محو در دودِ کافه‌ات کردند
فکر بال تو را نمی‌کردند، روح ترخیص می‌شد از بدنت
و تو بالای تخت می‌دیدی، کفنت را ملافه‌ات کردند
جا ندارند در هبوط خزه، سروها ـ جمله‌های معترضه ـ
زود رفتی به حاشیه، ای متن! زود حرف اضافه‌ات کردند

پر از زخم

محمد مهدی سیار

هنوز ماتم زنهای خون‌جگر شده را
هنوز داغ پدرهای بی پسر شده را
کسی نبرده ز خاطر، کسی نخواهد برد
ز یاد، خاطرهٔ باغ شعله‌ور شده را
کسی نبرده ز خاطر، نه صبح رفتن را
نه عصرهای به دلواپسی به سر شده را
نه آهِ مانده بر آیینه‌های کهنهٔ شهر
نه داغهای هرآیینه تازه‌تر شده را
جنازه‌ها که می‌آمد، هنوز یادم هست
جنازه‌های جوان، کوچه‌های تر شده را...
نه، این درخت پر از زخم، خم نخواهد شد
خبر برید دو سه شاخهٔ تبر شده را

نخل ایثار

دکتر سیدحسن حسینی

دلا دیدی آن عاشقان را؟
جهانی رهایی در آوازشان بود
و در بند حتی
قفس شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود:
پیام‌آورانی که در قتلگاه ترنم
سرودن ـ علی رغم زنجیر ـ
اعجازشان بود!
به سرسبزی نخل ایثار
به این آیه‌های تناور
دلا گر نه‌ای سنگ،
ایمان بیاور!

با زخم

سیدحسن حسینی

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت
با زخم نشان سرفرازی نگرفت
زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت
حیثیت مرگ را به بازی نگرفت

مفقودالاثر

جلیل صفربیگی

برادرا! بی تو داغم تازه‌تر شد	**تو رفتی، سوز اشکم بیشتر شد**
به دنبال سرت سنگر به سنگر	**دل من نیز مفقودالاثر شد**

شعر طولانی فریاد

سعید بیابانکی

جاده مانده‌ست و من و این سر باقی مانده
رمقی نیست در این پیکر باقی مانده
نخلها بی سر و شط از گل و باران خالی
هیچ کس نیست در این سنگر باقی مانده
تویی آن آتش سوزندهٔ خاموش شده
منم این سردی خاکستر باقی مانده
گرچه دست و دل و چشمم همه آوارشده‌ست
باز شرمنده‌ام از این سر باقی مانده
روز و شب گرم عزاداری شب‌بوهاییم
من و این باغچهٔ پرپر باقی مانده
شعر طولانی فریاد تو کوتاه شده‌ست
در همین اسب و همین خنجر باقی مانده
پیشکش باد به یکرنگی‌ات ای پاکترین
آخرین بیت در این دفتر باقی مانده
تا ابد مردترین باش و علمدار بمان
با توام ای یل نام‌آور باقی مانده

شهر ما

اصغر عظیمی مهر

مردان غیور قصه‌ها! برگردید	**یک بار دگر به شهر ما برگردید**
دیروز به خاطر خدا می‌رفتید	**امروز به خاطر خدا برگردید**

برگزاری جشن‌های دهه کرامت در سراسر کشور

دهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) و ششمین جشنواره کریمه اهل بیت(ع) (۲۸ شهریور) همزمان با دهه کرامت با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) آغاز به کار کرد.

در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی امام جمعه مشهد، حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی تولیت آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه(س)، استاندار قم و جمعی از مسئولان استان‌های قم، فارس و خراسان رضوی حضور داشتند.

جشن‌های دهه کرامت علاوه بر کشورمان در ۴۸ کشور جهان برگزار می‌شود که تا شب میلاد حضرت علی ابن موسی الرضا(ع) ادامه خواهد داشت.

در این مراسم آیین خطبه خوانی خادمان و کارکنان آستان مقدس حرم حضرت فاطمه معصومه(س) نیز برگزار و در پایان نیز ضریح مطهر این بانوی بزرگوار گلباران شد. در حاشیه برگزاری این جشن، نمایشگاه کرامت حضرت فاطمه معصومه(س) نیز توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح شد.

آیت‌الله نوری همدانی: مناظره‌ها و اقدامات فرهنگی امام رضا(ع) به صورت شایسته تبیین شود



آیت‌الله نوری همدانی با تاکید بر تبیین شایسته مناظره‌ها و اقدامات فرهنگی حضرت امام رضا(ع) گفت: آن حضرت با دلیل و برهان شبهات را پاسخ می‌گفتند و امروز نیز باید کسانی باشند که شبهات سیاسی، عقیدتی و مذهبی را پاسخ دهند.

به گزارش دبیرخانه شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی، اعضای این شورا دوشنبه گذشته با آیت‌الله نوری همدانی، از مراجع عظام تقلید دیدار کردند که این مرجع تقلید با اشاره به داستان ورود امام رضا(ع) به ایران بیان داشت: باید مردم را با فرهنگ اهل بیت(ع) آشنا ساخت و در این زمینه می‌توان از قرآن کریم بهره برد.

وی افزود: در میان ائمه معصوم(ع)، امام رضا(ع) با توجه به موقعیت خاصی که داشت بیش از همه به مناظره با علما و بزرگان سایر ادیان پرداخت؛ بنابراین باید این مسئله را نیز به خوبی برای مردم این عصر و زمان تبیین کرد.

این مراجع تقلید، تکریم، تجلیل و گرامی‌داشت اهل بیت(ع) را اقدامی ارزنده خواند و گفت: در این راستا از هر جهت تلاش شود تا مردم با فرهنگ و مکتب اهل بیت(ع) آشنا شوند لازم، بجا و شایسته است؛ از این رو خدمات شما نیز مقدس و مهم است.

آیت‌الله نوری‌همدانی در ادامه به سیر تاریخی مسئله امامت و ولایت اشاره و تصریح کرد: بیان مطالب تاریخی بدون تجزیه و تحلیل چندان مفید نخواهد بود، متاسفانه در تاریخ ائمه این مسئله به صورت کامل انجام نشده است که افرادی شایسته و ذی‌صلاح این کار را انجام دهند.

این مرجع تقلید هجرت پیامبر(ص)، سفر امام حسین(ع) به کربلا و مسافرت حضرت امام رضا(ع) به طوس را دارای ابعاد بسیار و مهم دانست و تاکید کرد: سفر ایشان مسئله‌ای ساده نبود، بلکه پیام‌ها و محتوای بسیاری داشت.

آیت‌الله نوری همدانی با تاکید بر هوشیاری در مقابل نقشه‌های دشمنان و مخالفان، حضرت امام رضا(ع) را در این خصوص الگویی کامل دانست و همگان را به الگوگیری از ایشان توصیه و تاکید کرد: باید به نحو شایسته مناظرات امام رضا(ع) و کارهایی فرهنگی که ایشان انجام دادند تبیین شود، چراکه فیلمی که در این جهت ساخته و پخش شده، نتوانسته بود عظمت و ابعاد مختلف خدمات ایشان را به تصویر بکشد.

این مرجع تقلید با بیان این‌که هیچ یک از ائمه به اندازه امام رضا(ع) مناظره نداشتند، ابراز داشت: آن حضرت با دلیل و برهان شبهات را پاسخ می‌گفتند و امروز نیز باید کسانی باشند که شبهات سیاسی، عقیدتی و مذهبی را پاسخ دهند.

آیت‌الله علوی گرگانی: جشن‌های دهه کرامت باید به سراسر دنیا ابلاغ شود

یکی از مراجع عظام تقلید قم با اشاره به آغاز دهه کرامت، تاکید

گزارشی از دیدار اعضای شورای هماهنگی جشن‌های دهه کرامت با آیات عظام و علما در قم

کرد: باید تلاش شود تا جشن‌های دهه کرامت به سراسر دنیا ابلاغ شده و بعد بین‌المللی پیدا کند.

آیت‌الله سیدمحمد علوی گرگانی در دیدار با اعضای شورای هماهنگی جشن‌های دهه کرامت گفت: اهل بیت(ع) خانواده عظیمی هستند و ما نمی‌توانیم در شان آنها صحبت کنیم. البته باید شخصیت این بزرگواران را شناخته و در تبیین آن تلاش کنیم و از سوی دیگر بکوشیم تا آنها الگوی ما شوند. وی با اشاره به حضور حضرت معصومه(س) در قم اذعان داشت: این بانوی بزرگوار ابتدا در ساوه حضور یافتند و وقتی متوجه شدند که تا قم فاصله زیادی نیست، از ساوه به قم آمدند و در یک فاصله کوتاهی در این شهر ماندند تا از دنیا رحلت کردند.



این مرجع تقلید با بیان این‌که حضرت فاطمه معصومه(س) دارای جایگاه بسیار ارزشمندی هستند عنوان کرد: در شان این بانوی با کرامت فرموده‌اند؛ هر کس که قبر حضرت فاطمه معصومه(س) را «عارفاً به حقه» زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود و موضوع «عارفا به حقه» نشان‌دهنده عظمت و جایگاه حضرت معصومه(س) است.

وی با اشاره به اینکه نام‌گذاری دهه کرامت اقدامی ارزشمند و ارزنده بوده و باید حق این دهه گرامی داشته شود، تاکید کرد: قم خانه اهل بیت(ع) است و امام صادق(ع) این شهر را حرم خود نامیدند.

آیت‌الله علوی‌گرگانی با اشاره به کریمه خواندن حضرت فاطمه معصومه(س) گفت: مدتی بود که مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی به حضرت زهرا(س) متوسل می‌شدند و از حضرت می‌خواستند تا قبرشان را به وی نشان دهد. از این راز و نیازها مدتی گذشت تا اینکه شبی حضرت زهرا(س) به خواب این عالم بزگوار آمدند و فرمودند؛ پسرم از ما این موضوع را درخواست نکن و اگر می‌خواهی مرا زیارت کنی به حرم کریمه اهل بیت(ع) در قم برو، در آن لحظه آیت‌الله مرعشی از حضرت زهرا(س) می‌پرسد که کریمه اهل بیت(ع) چه کسی است که آن حضرت پاسخ می‌دهند حضرت معصومه(س) است. این مرجع تقلید با اشاره به اینکه در میان فرزندان امام موسی بن جعفر(ع)، حضرت فاطمه معصومه(س) شاخص قرار گرفته است، افزود: ایشان دارای مقام بسیار رفیعی هستند و سه امام معصوم درباره این بانو سخن گفته‌اند.

آیت‌الله علوی‌گرگانی با اشاره به فعالیت شورای هماهنگی جشن‌های دهه کرامت اذعان داشت: باید تلاش کنید تا جشن‌های دهه کرامت به سراسر دنیا ابلاغ شده و بعد بین‌المللی پیدا کند.

آیت‌الله یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: اقدامات موهن، نشانه جاهلیت دشمنان است

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با محکوم کردن اهانت به مقدسات و پیامبر(ص)، این‌گونه اقدامات را نشانه جاهلیت دشمنان ارزیابی کرد و گفت: توهین به اسلام دلیل عظمت اسلام است و نمی‌توان نور اسلام را با این‌گونه اقدامات خاموش کرد.

به گزارش دبیرخانه شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی، اعضای این شورا با حضور در دبیرخانه مجلس خبرگان با آیت‌الله یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دیدار کردند.

آیت‌الله یزدی در این دیدار بیان داشت: مقام معظم رهبری در یکی از صحبت‌های خود تاکید کرده‌اند که امامزادگان باید به قطب‌های فرهنگی کشور تبدیل شوند و این بدان معناست که مکان‌های زیارتی و سیاحتی باید رنگ فرهنگ به خود بگیرند.

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم همچنین به توهین اخیر صهیونیست‌ها به ساحت پیامبر اکرم(ص) اشاره کرد و افزود: دلیل این توهین‌ها عظمت اسلام و ترس آنها از این بزرگی است، زیرا هرگاه مشاهده شود که بد کسی گفته می‌شود باید دانست که آن شخص موثر بوده است؛ بنابراین امیدواریم بتوانیم از همه امکانات در راستای دفاع از اسلام و پیامبر(ص) استفاده کنیم.

وی ادامه داد: باید به قرآن و عترت اهل بیت(ع) در کنار هم توجه شود و پیامبر مکرم اسلام(ص) نیز بر این نکته تاکید داشته‌اند. همچنین تاریخ نشان می‌دهد که اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بیشترین حمایت را از اسلام و قرآن داشته‌اند و از جان و دل به این موضوع می‌پرداختند که باید ما نیز به آن توجه داشته و آنان را الگوی خویش قرار دهیم و اگر برخی به دنبال قرآن باشند و عترت را فراموش کنند و یا عده‌ای فقط به دنبال سنت باشند، گمراه خواهند شد.





رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ادامه داد: یکی از معضلات توجه به قرآن، دوری از احادیث و بیانات گهربار ائمه(ع) است که در دوره‌ای از تاریخ با آن مواجه بودیم که جعل احادیث را به دنبال داشت.

دبیر مجلس خبرگان با بیان این‌که امام علی(ع) در زمان خانه‌نشینی مجاهدت و برای حفظ اسلام و مسلمین مصلحت پیشه کردند، گفت: ایشان در دوران امامت خود از نصب الهی استفاده کردند، نه از قدرت مردمی. ایشان سال‌ها کنار نشستند تا به اسلام ضربه وارد نشود و البته در جاهایی نیز که لازم بود نکات اساسی را مطرح می‌کردند تا اسلام پا برجا بماند.

آیت‌الله یزدی اذعان داشت: شجاعت حضرت علی(ع) در زمان سکوت ایشان بیشتر از زمانی بود که در میدان جنگ حضور می‌یافتند که البته باید با در نظر گرفتن این موضوع، شجاعت را به درستی تعریف کنیم.

وی تصریح کرد: بعد از دوران حضرت علی(ع) و در دوران امام حسن(ع)، معاویه به وعده خود عمل نکرد و در دوران امام حسین(ع) نیز آن واقعه به وجود آمد که اسلام را از سقوط نجات داد و افشاگری‌های حضرت زینب(س) نیز در حفاظت از اسلام بسیار موثر بود.

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بیان داشت: بعد از دوران امام حسین(ع) فضا به وجود آمد تا ائمه(ع) به تصحیح روایات جعلی بپردازند و در ادامه در زمان غیبت صغری امام زمان(عج) نیز مطالب ایشان از طریق نواب خاص برای مومنان ارسال می‌شد.

آیت‌الله یزدی با اشاره به دوران غیبت کبری امام مهدی(عج) بیان داشت: حضرت مهدی(عج) امام عصر هستند و باید توجه کنیم که ایشان امام زمان و حی بوده و از طریق نواب عام خود یعنی فقها و مراجع و نماینده خود یعنی ولی‌فقیه مطالب مورد نیاز مسلمانان را بیان می‌کنند. وی گفت: باید همیشه مراقب باشیم تا خدشه‌ای به اسلام وارد نشود؛ زیرا دفاع این نیست که یکی حمله کند و ما دفاع کنیم، بلکه باید به گونه‌ای باشد که کسی جرئت حمله را نیز نداشته باشد.

وی در ادامه اقدامات فرهنگی را از مقدس‌ترین کارها دانست و خطاب به اعضای شورای هماهنگی بزرگداشت دهه کرامت، ابراز داشت: در این مراسم سعی کنید جدای از مراسم جشن برای ائمه(ع)، به بعد فرهنگی و ترویج آن در میان مردم نیز توجه کنید و بدانید مجلسی که برای اهل بیت(ع) و به یاد آنها برپا شود از بهترین مجلس‌ها است.

آیت‌الله حسینی بوشهری: دهه کرامت باید در سطح جهانی گسترش یابد

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور خواستار معرفی دهه کرامت در عرصه بین‌المللی شد و تصریح کرد: موضوع بین‌المللی شدن این جشن‌ها کار بسیار ارزشمندی است و متولیان امر باید به آن بپردازند.

به گزارش دبیرخانه شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی، آیت‌الله سیدهاشم حسینی‌بوشهری، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور در دیدار با اعضای شورای هماهنگی جشن‌های دهه کرامت گفت: این موضوع که ۲۷ دستگاه چه حوزوی و چه غیرحوزوی با یکدیگر متحد شده و در راستای احیای فرهنگ اهل بیت(ع) تلاش می‌کنند کار بسیار عظیم و شایسته‌ای است.

وی نام‌گذاری فاصله زمانی بین ولادت حضرت معصومه(س) و حضرت امام رضا(ع) به عنوان دهه کرامت را ستایش کرد و افزود: حقیقت اهل‌بیت(ع) بر ما ناشناخته است؛ البته گاهی نسبت به برخی از زاوایای آن آگاهی پیدا می‌کنیم اما در بسیاری از مواقع کوتاهی هم کرده‌ایم.

وی با اشاره به توهین آمریکا نسبت به پیامبر اکرم(ص) تاکید کرد: وظیفه فرد شیعه نصرت اهل‌بیت(ع) است و اگر امروز در جهانی که زندگی می‌کنیم سراسر آن را بداخلاقی و بدرفتاری گرفته است و به پیامبر(ص) توهین می‌شود، به دلیل ناآگاهی از فرهنگ اهل بیت(ع) است که باید در برابر آن مقاومت و این فرهنگ را در جامعه تشریح کنیم.

وی اذعان داشت: موضوع دهه کرامت و این ایام فرصت بسیار مناسبی است تا فرهنگ و معارف اهل بیت(ع) را در جامعه معرفی کرده و اگر کسی نسبت به آن بی‌اطلاع است، وی را مطلع کنیم. مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور تأکید کرد: دهه کرامت و پرداختن به آن نیز باید در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد و بین‌المللی شدن این جشن‌ها نیز کار بسیار ارزشمندی است که این شورا باید به آن بپردازد.

آیت‌الله حسینی‌بوشهری گفت: اگر دهه کرامت را به صورت بین‌المللی معرفی و در آن فرهنگ اهل بیت(ع) را احیا کنیم، قطعاً تمامی قدرت دشمنان از بین خواهد رفت و موضع اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی هیچ جایگاهی نخواهد داشت.

وی بیان داشت: فرهنگ اهل بیت(ع) به قدری زیبا و امیدبخش است که صحبت‌های پوچ دشمنان علیه اسلام را از بین می‌برد و به قدری جذابیت دارد که حتی نسل جوان را نیز شیفته خود می‌کند.



مدیر حوزه‌های علمیه کشور تبیین فرهنگ اهل‌بیت(ع) را مسئله‌ای ضروری برای برگزارکنندگان جشن‌های دهه کرامت خواند و گفت: بر اساس فرهنگ اهل‌بیت(ع) می‌توان به جنگ حرف‌های پوچ و بی‌منطق دشمنان رفت و در حدیثی داریم که می‌فرماید «خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند و اگر مردم زیبایی‌های کلام ما اهل‌بیت(ع) را شیفته و شیدای ما خواهند شد.»

وی گفت: با وجود حرم مطهر امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) ظرفیت‌های بالایی برای تبلیغ فضایل اهل‌بیت(ع) در ایران وجود دارد و باید از این ظرفیت استفاده کرد.

آیت‌الله حسینی بوشهری با اشاره به نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ اهل بیت(ع)، گفت: رسانه‌ها باید در این راستا با تمام توان حرکت کرده و به این امر مهم بپردازند و رسانه ملی ما نیز باید در دهه کرامت در تمامی شبکه‌های خود بخشی را به معرفی مکتب اهل بیت(ع) اختصاص دهد.

وی گفت: باید در سطح دانش‌آموزان، دانشگاهیان و حوزویان نیز فراخوان‌هایی را اعلام کرد تا آنها نیز ضمن ارایه مقاله خود با فرهنگ اهل بیت(ع) آشنا شوند.

تولیت آستان حضرت معصومه(س): برگزاری جشن‌های مذهبی، نشان‌دهنده ماهیت و تفکر شیعی در سطح بین‌المللی است

اعضای شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی با حضور در قم با علما، مراجع عظام تقلید، تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه(س)، استادان بنام حوزوی و شخصیت‌های فرهنگی استان دیدار و گفت‌وگو کردند.

زیارت آستان مقدس کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه(س) نخستین برنامه این گروه در قم بود و پس از آن اعضای شورا چهاردهمین جلسه شورای هماهنگی را در دفتر معاونت فرهنگی حرم مطهر برگزار کردند.

در ادامه دیدار با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد سعیدی، امام جمعه قم و تولیت آستان مقدس حضرت معصومه(س) صورت گرفت که در این دیدار امام جمعه قم با بیان این‌که امور مختلفی در زمینه برگزاری مراسم اعیاد و میلاد اهل بیت(ع) در نظر گرفته شده است، با تاکید بر رعایت برخی امور در برگزاری جشن‌ها عنوان داشت: رعایت این مسایل نشان‌دهنده ماهیت و تفکر شیعی در سطح بین‌المللی است؛ در ضمن محتوای مراسم باید متناسب با مقام صاحبان آن ایام بوده و رنگ و جلوه مذهب اهل بیت(ع) در آنها وجود داشته باشد، زیرا این نوع مراسم‌ها با جشن‌های عادی و سنتی تفاوت‌های زیادی دارند.

حجت‌الاسلام محمد سالار، معاون امور بین‌الملل مجمع جهانی اهل بیت(ع) نیز در این دیدار با اشاره به فعالیت‌های گسترده این مرکز در راستای ترویج سیره رضوی(ع) اظهار کرد: در جشنواره‌ای که در مشهد مقدس برگزار خواهد شد بیش از ۴۰ نفر از خادمان رضوی از کشورهای آذربایجان، نیوزیلند، آلمان، استرالیا و فلسطین مورد تجلیل و قدردانی قرار می‌گیرند.

وی افزود: در رابطه با سیره امام رضا(ع) نیز ترجمه‌ای از آن به پنج زبان زنده دنیا تهیه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد؛ ضمن اینکه ترجمه سیره حضرت معصومه(س) نیز در دستور کار قرار دارد.

گفتنی است؛ بیش از ۲۷ دستگاه و نهاد عضو شورای هماهنگی جشن‌های رضوی که به عنوان مسئول برنامه‌های جشن‌های مردمی دهه کرامت، این مراسم را برنامه‌ریزی، هدایت و ساماندهی می‌کند و در راستای هر چه باشکوه‌تر برگزار شدن این جشن‌ها به صورت مستمر با حضور نمایندگان دستگاه‌های عضو شورا تشکیل جلسه می‌دهد.

اول تا یازدهم ذی‌القعده (مشتمل بر اول ذی‌القعده، ولادت حضرت فاطمه معصومه(س)، ششم ذی‌القعده، روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ(ع) و یازدهم ذی‌القعده، سالروز ولادت امام رضا(ع)) که به نام «دهه کرامت» نام‌گذاری شده و بهانه‌ای برای نشان دادن ارادت، ذوق و استعداد ایرانی برای پرواز با بال اندیشه‌های معنوی و روحانی به سوی خوبی‌ها است.

رئیس ستاد عالی کانونهای فرهنگی هنری مساجد: ارادت ملت ایران به قرآن و اهل بیت(ع)، عامل ناکامی دشمنان است

چهاردهمین جلسه شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی، در آستانه دهه کرامت با حضور اعضای این شورا در دفتر تولیت آستانه مقدسه حضرت معصومه(س) برگزار شد.

به گزارش دبیرخانه شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی، در چهاردهمین جلسه این شورا اعضای این شورا گزارشی از برنامه‌ها و اقدامات خود در دهه کرامت را ارایه دادند، سپس حجت‌الاسلام حمیدرضا سلیمانی، دبیر ستاد عالی کانون‌های فرهنگی‌هنری مساجد کشور و مسئول شورای هماهنگی جشن‌های رضوی در این جلسه گفت: در برگزاری جشن‌های دهه کرامت باید با نهایت دقت عمل کرده و تمامی وقایع ثبت شود؛ زیرا دهه کرامت فرصت مناسبی است تا با معرفی معارف اهل بیت(ع) نسبت به نشر این معارف اقدامات لازم صورت گیرد.

وی ارادت ملت ایران به اهل بیت(ع) و قرآن کریم را سرمنشاء دشمنی‌های استکبار دانست و استقامت در این مسیر را مهم‌ترین عامل کنار زدن مشکلات و ناکامی دشمنان عنوان کرد و افزود: هر قدمی که برای اهل بیت(ع) برمی‌داریم، خیلی زود پاسخ آن را دریافت می‌کنیم و باید بدانیم که این گام‌ها بسیار موثر است.

وی با اشاره به ساخت فیلم موهن علیه اسلام و پیامبر(ص) خاطرنشان کرد: دهه کرامت بهترین فرصت برای معرفی معارف اسلامی است و می‌توانیم در ضمن این فعالیت‌ها تو دهنی محکمی به دشمنان بزنیم.

دبیر شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی با اشاره به شخصیت والای حضرت معصومه(س) ادامه داد: ایشان یکی از نمونه‌های فاخر جهان تشیع هستند و الگوی مقام شامخ زن در جامعه به حساب می‌آیند؛ از این رو باید شخصیت این بانوی بزرگوار برای همگان تشریح شود تا همه مردم از زندگی ایشان الگو بگیرند.

حجت‌الاسلام سلیمانی افزود: حوزه علمیه قم با این جایگاه عظیم و رفیع و همچنین با در برداشتن شخصیت‌های بنام، حول محور حضرت معصومه(س) در حرکت و جریان است و باید قدر این موهبت عظیم را بدانیم.

وی با اشاره به دشمنی‌های استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: سرمنشاء اصلی این دشمنی‌ها ارادت جمهوری اسلامی ایران و مردم آن به قرآن و اهل بیت(ع) است و اگر این ارادت ادامه داشته باشد، مسیر هموارتر خواهد شد و دشمنی‌ها از بین می‌رود.

اعضای شورای هماهنگی جشن‌های مردمی رضوی در سفر خود به قم با آیت‌الله نوری‌همدانی و آیت‌الله علوی‌گرگانی، از مراجع عظام تقلید قم، حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی، امام جمعه قم و تولیت حرم مطهر حضرت معصومه(س)، آیت‌الله یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و آیت‌الله حسینی‌بوشهری، رئیس مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه سراسر کشور نیز دیدار کردند.

طرح آمایش آموزش عالی به زودی رونمایی می‌شود

تبریز- خبرنگار اطلاعات: نشست روسای دانشگاه‌های آذربایجان شرقی با اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در دانشگاه تبریز برگزار شد.

مشاور وزیر و مدیرکل دفتر وزارتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در این نشست با اشاره به اهمیت مقوله تحقیقات کاربردی گفت: برابر برنامه پنجم باید ۵۰ درصد پژوهش‌های استادان، کارفرما محور و برای رفع نیازهای کشور باشد که تا سال ۹۴ عملیاتی خواهد شد.

دکتر رسول ملک‌فر همچنین توجه به رشته‌های بین رشته‌ای را از اولویت‌های این وزارتخانه خواند و با اشاره به طرح آمایش آموزش عالی، گفت: این طرح در آینده نزدیک رونمایی خواهد شد و با تمهیداتی که در وزارتخانه اندیشیده شده است می توانیم برای مطابقت با استانداردها در زمینه جذب هیات علمی و سایر موارد اقدام کنیم.وی موضوع همسان‌سازی حقوق استادان را از دغدغه‌های دولت دانست و گفت: تلاش می‌شود این طرح تا پایان دولت دهم شکل عملیاتی به خود بگیرد.

نماینده رزن و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست در سخنانی با اشاره به دغدغه‌های مقام معظم رهبری درخصوص علوم انسانی گفت: ما در علوم انسانی نیازمند علوم با فرهنگ بومی و ملی هستیم اما متاسفانه دراین زمینه غفلت شده است.

در ادامه رئیس دانشگاه تبریز توجه به مسایل آموزش عالی را کلید رفع مشکلات کشور دانست و گفت: در کنار علوم فنی مهندسی پرداختن به موضوع علوم انسانی نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

دکتر پرویزآژیده با تاکید بر یکپارچه سازی آموزش، افزود: ریشه توسعه آموزش علوم انسانی به آموزش و پرورش بر می گردد.

*** ۵۰ درصد پژوهش‌های استادان دانشگاه‌ها باید برای رفع نیازهای کشور باشد**

رئیس دانشگاه پیام نور آذربایجان شرقی نیز یکی از مشکلات این دانشگاه را فضای محدودآموزشی واحد تبریز اعلام کردو گفت: مرکز تبریز با ۱۶ هزار دانشجو تنها۳۲ کلاس درسی دارد لذا باید از پروژه‌های عمرانی این دانشگاه حمایت شود.

دکتر عبادیان همچنین با اشاره به خرید ٤ میلیارد تومان تجهیزات آزمایشگاهی خواستار حمایت کمیسیون آموزش و تحقیقات از توسعه رشته‌های فنی در دانشگاه پیام نور استان شد و گفت: شهریه‌ای که دانشجویان در دانشگاه پیام نور می‌پردازند حتی کمتر از مهدهای کودک است و با توجه به نقش آن در آموزش عالی باید از این دانشگاه حمایت شود.

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی تبریز نیز در این نشست گفت: باید بین دانشگاهی که دارای امکانات گسترده‌ای است با دانشگاه بدون امکانات تفاوتی در نظر داشت.

نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی نیز در پایان این نشست گفت: بحث و تبادل نظر نزدیک با روسا و مسئولان دانشگاه‌ها سبب می‌شود تا مشکلات را بی‌پرده بشنویم وکمیسیون در نظر دارد چنین نشست‌هایی را در دیگر استان‌ها نیز داشته باشد.

دکتر جواد هروی با اشاره به این که آموزش عالی کشور از هدف تعیین شده سند چشم‌انداز توسعه عبور کرده است، گفت: اکنون ۱۰ سال بیشتر فرصت داریم تا به بحث کیفی سازی در آموزش عالی توجه کنیم.

وی افزود: اکنون کشور به مرحله‌ای رسیده است که بایدعلم و عالم به دنیا صادر کند و رویکرد ما باید به این سمت باشد.

او نگرانی‌های روسای دانشگاه‌های آذربایجان شرقی در زمینه آموزش عالی را مهم خواند و گفت: مسایل مطرح شده را به کمیسیون آموزش وتحقیقات انتقال داده و آنها را پیگیری خواهیم کرد.

پیشرفت مرحله نخست طرح تأمین آب آشامیدنی بجستان

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار بجستان گفت: مرحله نخست طرح جداسازی آب آشامیدنی بجستان از سایر مصارف خانگی پیشرفت ۹۰ درصدی دارد.

محمد صولتی با اشاره به آغاز این پروژه در اردیبهشت ۹۰، افزود: هزینه اجرای این طرح ۵ میلیارد ریال برآورد شده است که از طریق بخش دولتی و خصوصی تامین خواهد شد.

وی ادامه داد: در مرحله نخست این طرح شبکه اختصاصی، ساخت یک مخزن ۵۰۰ متر مکعبی و ۲۰ جایگاه برداشت آب لحاظ شده بود



که با اعتبارات آبفای خراسان رضوی اجرا شده است.وی ادامه داد: مرحله دوم پروژه تامین آب آشامیدنی بجستان شامل تهیه و نصب آب شیرین‌کن و دستگاه‌های الکترونیکی برداشت آب است که باید طبق سیاست‌های وزارت نیرو و از طریق عقد قرارداد با بخش خصوصی اجرا شود.

فرماندار بجستان ابراز امیدواری کرد: سیاست‌های تشویقی وزارت نیرو و آبفای خراسان رضوی موجب افزایش رغبت بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این طرح و تسریع در تکمیل آن شد.

بادبادک‌ها در پیشوا به پرواز در آمدند

پیشوا ـ خبرنگار اطلاعات: به همت اداره ورزش و جوانان پیشوا و برای سومین سال متوالی جشنواره پرواز بادبادک‌ها برگزارشد.

به گفته محسن خادمی رئیس اداره ورزش و جوانان پیشوا: حضور خانواده‌ها و افراد بزرگسال و میانسال در جمع کودکان و نوجوانان از جمله نکاتی بود که می‌توان اشاره کرد و خانواده‌ها برای ورزش کردن و سپری کردن اوقات فراغت به صورت دستجمعی تمایل بیشتری دارند و اشتیاق نشان می‌دهند

وی در ادامه گفت: حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر از شهروندان شهر پیشوا، بخش جلیل‌آباد و مرکزی و شهرهای اطراف و همچنین شرکت ۱۳۰ نفر در مسابقه‌هاکی از اشتیاق و تمایل ورزشکاران و شهروندان به این قبیل جشنواره‌های همگانی خانوادگی است که امیدواریم در سال آتی با رفع برخی مشکلات مکانی و رفاهی بتوانیم شاهد برپایی هر چه با شکوهتر این مراسم درشهرپیشواباشیم.

در پایان این دوره جشنواره خانوادگی پرواز بادبادک‌ها، کیارش امیرحسینی، حسین کاملی و مجتبی جنیدی مقام‌های اول تا سوم را در بخش‌های بالاترین اوج و زیباترین ساخت را از آن خود کردند .

کیفیت؛ حلقه مفقوده نظام آموزشی

طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش از امسال اجرایی خواهد شد؛ بنابراین سال جدید تحصیلی برای دانش آموزان و همچنین برای معلمان متفاوت‌تر از پارسال خواهد بود.

بر اساس این طرح که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، نظام آموزشی به شش سال ابتدایی، سه سال راهنمایی و سه سال متوسطه تغییر می کند.

البته در چند سال گذشته نظام آموزشی متوسطه دچار تغییراتی شد و نظام جدید جایگزین آن شد و قرار است که از امسال تمام مقاطع تحصیلی به یکباره متحول شود.

در این چند سال مقطع متوسطه همواره با تحولات مختلف و آزمون و خطاهایی روبه‌رو بوده است و همچنان هم مشخص نیست نظام جدید آموزشی که برای این مقطع تحصیلی اجرایی شد، براستی ثمربخش بوده و اشکالات آن پس از حدود ۱۸ سال که از زمان اجرای آن سپری می‌شود رفع شده است؟ و آیا نظام جدید آموزش متوسطه توانست به اهدافش برسد و سؤال‌هایی از این دست.

ولی آنچه مشهود است این است که تمام اقدام‌هایی که در چند سال اخیر در راستای تحول نظام آموزش و پرورش انجام شده و می‌شود، اقداماتی است کمّی که در حوزه نرم‌افزاری انجام شده است، در حالیکه مباحث کیفی نیز در این حوزه حائز اهمیت است و نباید از آن غافل ماند؛ چرا که غفلت از آن می‌تواند سبب ترویج رفتارهایی شود که برای اصلاح آنها ضمن درگیر کردن سازمان‌های متعدد، مبالغ هنگفتی را هم باید هزینه کرد که در نهایت مشخص نیست این هزینه‌ها موجب اصلاح آن رفتارها بشود یا نه؟

در حالیکه می‌توان با کمترین هزینه و با آموزش و تربیت‌های موثر، رفتارهای فرهنگی صحیحی را در جامعه نهادینه کرد.

وقتی صاحبنظران و کارشناسان از کاهش فرهنگ مطالعه، بیزاری نسل جوان از خواندن و نوشتن، کمرنگ شدن فرهنگ کار و همچنین کاهش سن ابتلا به انجام بزه‌های اجتماعی و دیگر مشکلاتی از این قبیل که گاه به معضل مبدل شده است، سخن می گویند، وجود آنها را یا باید در خانواده جستجو کرد یا در دوران تحصیل وبرای رفع آنها چاره اندیشی کرد که البته نقش آموزش و پرورش به عنوان متولی امر تعلیم و تربیت بیشتر حائز اهمیت است؛ لذا می‌طلبد آموزش و پرورش به اینگونه مسائل که به موضوع کیفیت در آموزش و تربیت برمی‌گردد نیز نگرش عمیقی داشته باشد.

از طرفی در این راستا نهادهای دیگر فرهنگی نیز باید به دور از جزیره‌ای عمل کردن و صرفنظر از موازی کاری‌ها با آموزش و پرورش در تعامل و همگام باشند چرا که صرفاً با برنامه‌هایی متحول گرا که آموزش و پرورش در پیش گرفته است و بیشتر جنبه کمّی دارد، جامعه پویایی نخواهیم داشت چون بر این اساس نسلی پرورش می‌یابند که دایره سواد آنها فقط به داشتن مدرک تحصیلی محدود می‌شود.

اخبار کوتاه شهرستان

امانت کتاب به نابینایان کرمانی پستی شد

کرمان – خبرنگار اطلاعات: نابینایان کرمانی می‌توانند کتاب‌های مورد علاقه خود را از طریق پست به امانت بگیرند.

مدیرکل بهزیستی استان کرمان با اعلام این خبر، گفت: کتابخانه الکترونیکی مرکز آموزش نابینایان رودکی کرمان دارای ۳۰ هزار فایل صوتی با ۱۹۰ عنوان کتاب است.

رضا عباسی افزود: این کتابخانه در سه بخش بریل، گویا و الکترونیک آنلاین فعال است و درحال حاضر در بخش بریل با ۳۴۰ عنوان کتاب به ۲۲۰ عضو نابینا خدمات می‌دهد.

وی با اشاره به این کتابخانه نابینایان رودکی برای ارائه خدمات به اعضا برنامه‌ها و تمهیداتی اندیشیده است، اعلام کرد: افرادی که تمایل به حضور در کتابخانه یا دریافت کتاب به صورت حضوری را ندارند می‌توانند کتاب‌های مورد علاقه خود را به صورت پستی دریافت کنند. به گفته عباسی استفاده از تولیدات دیگر استان‌ها و تولیدات استودیو ضبط کرمان از دیگر امکاناتی است که برای رفاه حال نابینایان پیش بینی شده است.

وی با تأکید بر این که امکانات موجود جوابگوی نیازهای تمام نابینایان و کم بینایان نیست، یادآور شد: تمام عزیزان نابینا و کم بینای استان کرمان می‌توانند از امکانات موجود استفاده کنند.

اعزام کاروان سلامت به پشتکوه فریدونشهر

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان کاروان نیکوکاری و سلامت خود را به مناطق محروم پشتکوه فریدونشهر اعزام می‌کند.

علیرضا سلیمی معاون داوطلبان جمعیت هلااحمر استان اصفهان با بیان این مطلب افزود: این کاروان در قالب گروه‌های درمانی، عمرانی، فرهنگی مذهبی، توانبخشی، آموزشی و دامپزشکی به روستاهای محروم پشتکوه شهرستان فریدونشهر اعزام و به مدت سه روز در این منطقه خدمت‌رسانی می‌کنند. به گفته او همه اعضای تیم‌های اعزامی از داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان اصفهان هستند.

برگزاری جشنواره زوج‌های جوان در اصفهان

* مجتمع فرهنگی ورزشی امام خمینی(ره) وابسته به سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان با همکاری شرکت مهر سبز جشنواره زوج‌های جوان (عهد سپید) را برگزار کرد.

مسئول اجرای جشنواره عهد سپید با بیان این که جشنواره برای دومین بار برگزار می‌شود افزود: دومین جشنواره عهد سپید با حضور ۸۰ زوج جوان برگزار شد.

مجتبی بشیری با اشاره به اینکه این جشنواره ویژه زوج‌های جوانی است که در دوران عقد یا اوایل زندگی‌شان به سر می‌برند افزود: این جشنواره با هدف بهبود سبک زندگی زوج‌های جوان و افزایش سطح آگاهی خانواده‌ها وهمچنین یک شروع خوب و هدفمند و آگاهانه برگزار می‌شود.

وی با اشاره به اینکه این جشنواره با برنامه‌های متنوع در بخش فرهنگی و تفریحی برگزار می‌شود، مشاوره فردی و گروهی، پاتوق گفتگو، پرسش و پاسخ، برگزاری جنگ شادی و اجرای مسابقه و سرگرمی‌های خانوادگی به همراه بخش اهدای جوایز و یادبود و همچنین اهدای کارت‌های خرید و تخفیف را از برنامه‌های جشنواره عهد سپید برشمرد.

حمایت از یتیمان زلزله‌زده آذربایجان شرقی

تبریز- خبرنگار اطلاعات: هیات‌های حسینی اردبیلی‌های مقیم تهران در یک اقدام خداپسندانه حمایت از تمام یتیمان زلزله استان آذربایجان شرقی را بر عهده گرفتند.

حسین دشتی، مدیرکل کمیته امداد آذربایجان‌شرقی گفت: این هیات‌ها تمام هزینه‌های معیشتی مانند خوراک، پوشاک و تحصیل کودکانی را که در زلزله اخیر استان مادر و پدر خود را از دست داده‌اند، تقبل کردند.

به گفته وی این حمایت‌ها به صورت کامل تا پایان دوره تحصیلات عالی کودکان بی‌سرپرست زلزله‌زده ادامه خواهد داشت. دشتی اعلام کرد: ۸۵۰۰ خانوار مددجو در مناطق زلزله‌زده آذربایجان شرقی تحت حمایت‌های تک خدمتی و چندخدمتی کمیته امداد هستند.

افزایش سطح روابط اقتصادی ژاپن و خراسان رضوی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار خراسان رضوی بر افزایش سطح تعاملات و روابط اقتصادی ژاپن و این استان تأکید کرد.

محمود صلاحی در دیدار با سفیر ژاپن که با هدف شناسایی ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری به خراسان رضوی سفر کرده بود، افزود: این استان یکی از استان‌های صنعتی و معدنی محسوب می‌شود که بیش از ۶۰۰۰ واحد صنعتی و معدنی را در خود جا داده است.

وی افزود: وجود معادن غنی در این استان مزیتی منحصربه‌فرد است که می‌تواند ژاپن را در تأمین مواد اولیه معدنی کمک کند.

وی گفت: ظرفیت‌های قابل توجهی نیز در بخش کشاورزی استان وجود دارد که تولید سالانه حدود ۸ میلیون تن انواع محصولات کشاورزی و دامی مؤید آن است.صلاحی از خراسان رضوی به عنوان دروازه ورود به آسیای مرکزی و قفقاز یاد کرد و افزود: فعالیت‌های تجاری با ژاپن می‌تواند مقدمه‌ای بر حضور فعال در این عرصه پهناور باشد.

وی از آمادگی ایران برای جذب هیأت‌های سرمایه‌گذاری در استان خبر داد و گفت: برای سرمایه‌گذاری در ژاپن نیز هیأت‌هایی را اعزام خواهیم کرد.«کن ایچی کومانو» سفیر ژاپن در ایران با اشاره به قدمت هزار ساله روابط ایران و کشورش، از توسعه مناسبات اقتصادی دو کشور استقبال کرد و گفت: باید با روش‌هایی مانند برگزاری هفته‌های فرهنگی، به مناسبات فرهنگی نیز توسعه بخشید.وی به موضوع توسعه روابط در زمینه کشاورزی نیز اشاره کرد و گفت: زعفران یکی از محصولات استراتژیک خراسان رضوی است که در ژاپن محبوبیت خاصی دارد و طرف ایرانی می‌تواند برای صادرات آن به ژاپن برنامه‌ریزی کند.

گشایش محل دائمی عرضه محصولات صنایع دستی زندانیان استان قزوین

قزوین – خبرنگاراطلاعات: به منظور حمایت از زندانیان آموزش دیده در حوزه صنایع دستی، محل دائمی فروش محصولات هنری زندانیان درقزوین راه اندازی شد.

حمیدرضا قاسمی معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین با اعلام این خبر گفت: آموزش صنایع دستی و هنرهای سنتی با همکاری اداره کل زندان‌ها در ندامتگاه‌های استان صورت می‌پذیرد و رشته‌های معرق کاری، زیورآلات سنتی و گلیم بافی توسط مرکز آموزش صنایع دستی، میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان برگزار و به افراد علاقه‌مند در زندان آموزش‌های لازم داده می‌شود.

وی یادآور شد: واحد توسعه صنایع دستی استان تاکنون در بهبود زندگی خانواده‌های زندانیان نقش بسیار مهمی داشته است و برای بازگشت آنها به زندگی عادی نیز از حمایت‌های مادی و معنوی دریغ نکرده و برای این امر مکانی مناسب و دائمی برای عرضه محصولات صنایع دستی در اختیار آنان قرار داده است که به افزایش تولید، عرضه در این بازارچه و سود منتج خواهد شد.

قاسمی اضافه کرد: از برنامه‌های دیگر صنایع دستی، ایجاد کارگاه‌ها و مشارکت در نمایشگاه‌های صنایع دستی برای زندانیانی است که دوران حبس خود را به پایان رسانده‌اند که امیدواریم با کمک و همراهی آنها بتوانیم زمینه‌ای برای ایجاد اشتغال و درآمد فراهم کنیم.

پیشگیری از شیوع بیماری فلج اطفال در شهری

شهری ـ خبرنگار اطلاعات: به دنبال شیوع بیماری فلج اطفال در کشور تاجیکستان و به منظور پیشگیری از گسترش این بیماری در کشور، شبکه بهداشت و درمان شهرستان ری اقدام‌های موثری در پایگاه مراقبت‌های مرزی فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) انجام داده است.

به گزارش روابط عمومی شبکه بهداشت و درمان شهرستان ری، با توجه به همسایگی کشور تاجیکستان و به منظور پیشگیری از شیوع بیماری فلج اطفال در کشور و از آنجا که حفظ دستاوردهای برنامه ریشه‌کنی فلج اطفال از جمله وظایف همگان است، این شبکه اقدام‌های مختلفی را در دست اجرا دارد.

واکسیناسیون تکمیلی فلج اطفال تمام افراد زیر ۱۵ سال پروازهای ورودی از کشورهای تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان بدون توجه به سابقه واکسیناسیون از مهمترین فعالیت‌های پایگاه مراقبت‌های مرزی این شبکه مستقر در فرودگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) است.

کوتاه از چهار گوشه کشور

اهدای ۵۰۰۰ جفت کفش به مددجویان کمیته امداد

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: یک خانواده خیر آشتیانی ۵۰۰۰ جفت کفش به مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) اهدا کرد.

محمدرضا بهمنی مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) آشتیان با بیان این مطلب افزود: این خانواده خیر هر سال کمک‌های خوبی به محرومین می کند.

بهمنی نهادینه کردن مشارکت مردم در امور خیر و انفاق را ضروری دانست و گفت: هر چه مشارکت‌های مردم در امور خیر و انفاق بیشتر باشد، توزیع ثروت بین مردم و جامعه با عدالت بیشتری همراه خواهد بود.

برگزاری آزمون ورود به حرفه مهندسان و کاردان‌های فنی در استان مرکزی

* ۱۳۰۰ نفر از مهندسان استان مرکزی برای دریافت پروانه اشتغال به کار، در آزمون ورود به حرفه مهندسان و کاردان‌های فنی شرکت کردند.

غلامرضا صالحی مدیر روابط عمومی راه و شهرسازی استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: این آزمون زیر نظر سازمان سنجش آموزش کشور و به صورت سراسری برگزار شد. وی گفت: در این آزمون ۵۱۷ نفر مهندس ناظر و ۱۶۴ کاردان فنی، ۵۷۶ مهندس محاسب، ۳۲ نفر طراح و ۳۴ نفر معمار تجربی از استان مرکزی شرکت کردند.

او با بیان اینکه از بین شرکت کنندگان ۳۴ نفر زن و بقیه مرد هستند، اضافه کرد: به قبول‌شدگان در این آزمون پروانه اشتغال به کار در سازمان نظام مهندسی ساختمان و کانون کاردان‌های فنی داده می‌شود و معماران تجربی نیز برای انجام کارهای ساختمانی تعیین صلاحیت می‌شوند.

مردم کمیجان از آب آشامیدنی بهداشتی برخوردار شدند

* مردم کمیجان از آب آشامیدنی سالم و بهداشتی برخوردار شدند و پروژه‌های بخش فاضلاب این شهر نیز با سرعت در حال اجرا است.

مهندس اکبری فرماندار کمیجان با بیان مطلب بالا، افزود: کمیجان یکی از محروم‌ترین شهرستان‌های استان مرکزی به شمار می‌رود که با همت مسئولان در حال پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه‌های مختلف از جمله بخش خدمات آب و فاضلاب است.

مهندس خلیلی مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی نیز، اجرای طرح فاضلاب کمیجان را یکی از ضروری‌ترین پروژه‌های این شهر دانست و گفت: مردم کمیجان به زودی از خدمات دفع بهداشتی فاضلاب برخوردار خواهند شد. وی گفت: برای بهره‌برداری از ساختمان اداری امور آب و فاضلاب شهر کمیجان ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال هزینه شد.

اهدای اعضای بدن خواهر ۳ شهید به بیماران نیازمند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: اعضای بدن خدیجه رحیمی اسکندری پنجاه و پنج ساله که خواهر سه شهید بود، پس از خونریزی مغزی و اعلام مرگ مغزی به نیازمندان عضو، اهدا شد.

به گزارش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، پس از اخذ رضایت از خانواده این زن نیکوکار عمل برداشت اعضا در مرکز درمانی الزهرا(س) انجام شد. کبد این فرد بلافاصله به بیمار نیازمند پیوند شد.

برگزاری جشنواره غذا در گلدشت کلاردشت

سرویس شهرستان‌ها ـ جشنواره غذا از سوی دانشگاه علمی ـ کاربردی گلدشت در شهرستان کلاردشت برگزار شد.

در این جشنواره انواع غذاهای اقوام و طوایف مختلف ایرانی که نمایانگر آداب، سنت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون مردم استان‌ها است. در معرض تماشای بازدیدکنندگان قرار گرفت.

این جشنواره که با مساعی مهندس ادیب مقدم رئیس دانشگاه، مدیر و کارمندان دایره آموزش تشکیل شده بود، مورد استقبال مردم قرار گرفت.

برتری کشتی‌گیران نوکنده

نوکنده ـ خبرنگار اطلاعات: کشتی گیران نوکنده، کاپ قهرمانی کشتی آزاد نونهالان و جوانان استان گلستان را تصاحب کردند.

مسابقات کشتی آزاد قهرمانی استان گلستان در رده نونهالان با شرکت ۱۱ تیم از شهرهای استان گلستان با حضور ۲۷۰ کشتی گیر به میزبانی رامیان برگزار شد. در پایان دیدارهای برگزار شده، تیم کشتی نونهالان شهر نوکنده موفق شد با کسب ۷۱ امتیاز در صدر قرار بگیرد و تیم‌های گرگان و رامیان به ترتیب عنوان‌های دوم و سوم را کسب کردند.

در رده جوانان مسابقات کشتی قهرمانی انتخابی استان گلستان به میزبانی روستای یساقی از توابع شهرستان کردکوی در سالن ورزشی این روستا با شرکت ۹۴ کشتی گیر و ۱۰۷ کشتی برگزار شد، باز هم تیم کشتی جوانان شهر نوکنده توانست با کسب ۶۹ امتیاز بر سکوی قهرمانی قرار بگیرد و تیم‌های گرگان و بندرگز با کسب ۵۱ و ۴۴ امتیاز در مکان‌های بعدی بایستند.

اجرای ۴۲ پروژه عمران شهری در قم



قم ـ خبرنگار اطلاعات: ۴۲ پروژه عمران شهری با اعتبار ۱۵۶ میلیارد ریال توسط شهرداری قم در سال ۹۰ اجرا شد.

محمد دلبری، شهردار قم با اعلام این خبر افزود: با توجه به حمایت‌های مادی و معنوی دولت بویژه استانداری قم از شهرداری در زمینه تامین بخشی از منابع مالی مورد نیاز اجرای پروژه‌های عمرانی، ترافیکی، خدماتی و فرهنگی پارسال مبلغ ۲۱۲ میلیارد ریال اعتبار به شهرداری قم اختصاص یافت که در مجموع ۱۵۶ میلیارد ریال اعتبار در اختیار شهرداری قم قرار گرفت.

وی گفت: این اعتبارات به منظور ساخت و تکمیل بوستان در سطح شهر نصب پل عابر پیاده، بهبود عبور و مرور شهری، احیای بافت‌های فرسوده، ساخت سوله مدیریت بحران، خرید ست لوازم ورزشی و کانال جمع‌آوری آب‌های سطحی بوده است.

او ضمن اشاره به حمایت‌های خوب دولت از شهرداری قم در اجرای پروژه‌های عمرانی گفت: قم به دلیل وجود بارگاه نورانی کریمه اهل بیت(ع) حضرت فاطمه معصومه(س)، مسجد مقدس جمکران، وجود علما و فضا، حوزهٔ علمیه و شاهراه ارتباطی ۱۷ استان، تبدیل به یک شهر فراملی شده و اعتبارات شهرداری قم پاسخگوی تمام نیازها نیست و می‌طلبد که دولت و مجلس نگاه ویژه‌ای به این شهر داشته باشند که این نگاه هم در دولت و هم در مجلس وجود دارد. وی درباره اختصاص بودجه برای توسعه و افزایش سرانه فضای سبز یادآور شد: پارسال ساماندهی حریم دکل برق شهرک فاطمیه و تبدیل آن به یک فضای سبز شهری، ایجاد کمربند سبز بولوار امام علی(ع)، تکمیل بوستان شهریار، تکمیل بوستان‌های محله‌ای شیخ‌آباد، نصب ست لوازم ورزشی در بوستان‌های محله شیخ‌آباد، بوستان گلها، بهسازی بوستان شهید رجایی، اصلاح روشنایی بوستان جنب تالار شهر از محل اعتبارات استانی انجام شده است.

دلبری با اشاره به تهیه اطلس جامع مدیریت شهری مبتنی بر GIS گفت: تهیه این اطلس با ۱۱۲ میلیون ریال اعتبار و تهیه طرح تفصیلی شهر با ۳ میلیارد ریال اعتبار از ردیف بودجه استانی در حال انجام است.

وی افزود: اعتبار تکمیل سوله مدیریت بحران، ساخت پل عابر پیاده در سطح شهر مانند پل عابر پیاده شهید کلانتری در سه راهی خرمشهر، احیای بافت فرسوده محله چهل اختران، بهسازی ۹ معبر شهری، ساماندهی مجموعه فرهنگی و تاریخی بقعه شیخ اباصلت، بهسازی محوطه ترمینال مسافربری مرکزی قم، ساخت تقاطع سه سطحه پل نهم دی، نصب تابلو و علائم راهنمایی و رانندگی، تکمیل بولوار توحید و برخی از پروژه‌های عمرانی دیگر از محل اعتبارات استانی تامین شده است.

شهردار قم در پایان با اشاره به تامین اعتبار لازم دربارهٔ تملک املاک در مسیر میدان بزرگ امام خمینی(ره) و خیابان ۱۷ متری شهید فهیمی گفت: تملک ملک‌های واقع شده در مسیر میدان بزرگ امام خمینی(ره) و خیابان ۱۷ متری شهیدفهیمی گفت: تملک ملک‌های واقع شده در مسیر میدان بزرگ امام خمینی(ره) به پایان رسیده و بازگشایی و تخریب املاک در مسیر خیابان شهید فهیمی در حال انجام است.

برترین‌های جشنواره سراسری نامه‌ای به امام رضا(ع) معرفی شدند

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم پایانی هفتمین جشنواره سراسری نامه‌ای به امام رضا(ع) با معرفی نفرات برتر در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران برگزار شد.

در این مراسم که مسئولان ارشاد استانی و تنی چند از مهمانان خارجی حضور داشتند، به نفرات برتر پنج گروه سنی نشان رضوی اهدا شد. نفرات برتر گروه سنی ۷ تا ۱۰ سال محمد حسام حیدرپور، آلا فتاحی، آرین محسنی، کیانا مربی هروی، یاسمن تقی‌پور، حدیث جعفری و شایان رحیمی بودند.

در گروه سنی ۱۰ تا ۱۵ سال، سعیده محمدی، فاطمه چلداوی، سیده ماه جهان طالبیان، حدیثه ذوالقدری، مریم قمی پیشه، غزل سپیدنامه و زهرا سپهریان برتر شدند.

در گروه سنی ۱۶ تا ۲۰ سال، فاطمه زمانی، آزاده خدادادی، سیده فاطمه حسینی، رضوانه بلاسی، شکوفه سلطانی، سیده فاطمه شجاعی و میرمیلاد مهدیزاده حائز رتبه‌های برتر شدند.

نفرات برتر در گروه سنی ۲۱ تا ۳۱ سال، زهرا امیدوار، هاجر غلام نظری، فاطمه خزاعی، مرتضی کهنسال، سیده راضیه واحدیان، شکوفه فتاحی و الهه رهنما بودند.

در گروه سنی بالاتر از ۳۱ سال نیز مریم بنازاده، زهرا بیات، آرش نعمتی رحیم‌آبادی، نرگس غفاریان، سید رحیم ربیعی، سولماز صادقی‌زاده و فرزانه ایران‌نژاد برتر بودند.

اهدای اعضای بدن ۳ بیمار مرگ مغزی در استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: اعضای بدن سه بیمار مرگ مغزی در استان کرمان ماه گذشته به بیماران نیازمند اهدا شد.

هماهنگ‌کننده پیوند اعضای دانشگاه علوم پزشکی کرمان گفت: در نخستین مورد خانواده بیمار مرگ مغزی سه عضو عزیز خود شامل دو کلیه و کبد وی را به بیماران نیازمند اهدا کرد. مجید گیلانی افزود: در مورد بعد دو کلیه یک بیمار مرگ مغزی ۳۷ ساله به دو بیمار نیازمند اهدا شد و در سومین مورد دو عضو یک بیمار مرگ مغزی ۲۷ ساله به بیماران نیازمند اهدا شد.

وی با اشاره به این که تاکنون ۱۲۶ مورد پیوند عضو در استان کرمان انجام شده است، افزود: از این تعداد ۱۰۷ مورد پیوند کلیه و ۱۹ مورد پیوند کبد بوده است. به گفته گیلانی جلب رضایت خانواده بیماران مرگ مغزی در بیمارستان شهید باهنر و پیوند عضو در مرکز آموزشی درمانی افضلی‌پور کرمان انجام می‌گیرد و خانواده بیماران مرگ مغزی اعضای عزیز خود را برای رضای خداوند متعال اهدا می‌کنند. وی افزود: پیوند عضو به بیماران نیازمند نیز به صورت رایگان انجام می‌شود و این بیماران هیچ هزینه‌ای برای عمل پیوند به دانشگاه نمی‌پردازند.

گیلانی افزایش آمار اهدای عضو در استان کرمان را نشانه افزایش آگاهی‌های مردم در زمینه اهدای عضو دانست.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

منتظر دریافت کمک‌هزینه ازدواج هستم

نزدیک یک سال است که برای دریافت کمک‌هزینه ازدواج فرزندم، تقاضایم را به آموزش و پرورش منطقه ۸ تهران ارائه داده‌ام، اما هنوز پرداخت نشده است، آیا پرداخت ۴۵۰هزار تومان کمک‌هزینه ازدواج به یک فرهنگی، این همه معطلی دارد؟

یک فرهنگی

دلمه بادمجان را با برگ‌مو نمی‌پزند!

پاسخ برخی سؤال‌های جدول‌های روزنامه، نادرست و حتی عجیب و غریب است. مانند این که جواب «غذایی که با برگ مو درست می‌شود»، دلمه بادمجان در آمده است، حال آن که در دلمه‌بادمجان اصولاً از برگ مو استفاده نمی‌شود!

خانم دبیر بازنشسته

جشنواره‌ها چه دردی از مردم دوا می‌کند؟

در شرایطی که گوشت ایرانی یخزده گوساله در دزفول کیلویی ۱۷هزار و ۵۰۰ تومان و لوبیا چیتی ۵هزار تومان شده است، برگزاری همه روزه انواع سمینارها و جشنواره چه فایده‌ای برای مردم دارد؟ قدیم‌ها می گفتند اگر خانواده‌ای پول ندارد گوشت بخرد و بخورد، به جایش حبوبات مصرف کند، که خرید آن هم این روزها به دلیل گرانی، مشکل شده است.

دزفول ـ یک شهروند

ضرورت دوخطه کردن راه‌آهن دورود ـ اندیمشک

گهگاه خارج شدن قطارهای باری از خط آهن دورود ـ اندیمشک مشکلاتی ایجاد می کند و موجب اختلال در رفت و آمد مسافران چند استان همجوار می‌شود. از شرکت راه آهن تقاضا می‌شود با دوخطه کردن مسیر یادشده، از وقوع حوادث قطار در این مسیر پیشگیری کند.

حکیم‌زاده

غرفه گلفروشی‌ام را تعطیل کرده‌اند

سال‌ها در مجموعه کاخ ـ موزه سعدآباد غرفه‌ای را اجاره کرده بودم و به فروش بنفشه افریقایی، که اولین‌بار در ایران پرورش داده‌ام، می‌پرداختم. اما علیرغم پرداخت به موقع کرایه محل، گل‌فروشی مرا تعطیل کرده‌اند که موجب خشک شدن و نابودی حدود ۵هزار شاخه گل بنفشه افریقایی شده است. از مسئولان کاخ ـ موزه سعدآباد تقاضای تجدیدنظر در تعطیلی غرفه‌ام را دارم.

خانم پرورش‌دهنده گل

استفاده از روش گلتافتن در مناطق زلزله‌زده

خواننده‌ای در مورد اهمیت اجرای روش «گلتافتن» با استفاده از عناصر آب و خاک و باد و آتش برای ساختمان‌سازی در مناطق زلزله‌زده نکاتی را متذکر شده بود که ضمن تأیید مزایای آن و از جمله ارزانی، سرعت نصب و مقاومت بالا و این که تمامی عناصر آن در کشور وجود دارد، ضروری است مطالعات لازم برای اجرای روش یادشده در مناطق زلزله‌زده در اسرع وقت آغاز شود تا منازل مناسبی در اختیار هموطنان آسیب‌دیده قرار گیرد.

تلفن به خط ارتباطی

حق اولاد را بی‌جهت قطع کرده‌اند

دخترم حدود ۳ سال قبل در شرکتی استخدام شد و بابت آن از حقوق‌اش حق بیمه کسر کردند. در این مدت من نیز همراه با حقوق کارمندی صنعت نفت، حق اولاد هم دریافت می کردم که یکباره پرداخت آن را قطع و تمامی حق‌اولادی را که در ۳ سال گذشته به من پرداخته بودند، یکجا از حقوقم کسر کردند که رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. در گذشته به یک دختر تا هنگامی که ازدواج نکرده بود و در منزل پدرش زندگی می‌کرد، حق‌اولاد تعلق می‌گرفت. زیرا تصویب‌کنندگان این قانون می‌دانستند که یک پدر ایرانی اگر دخترش کارمند اداره‌ای شود و حق بیمه هم بپردازد، بابت مخارج خورد و خوراکش از او بخشی از حقوق‌اش را طلب نمی‌کند و تأمین هزینه‌های فرزندش را وظیفه خود می‌داند. اما متاسفانه به این موضوع فرهنگی و عاطفی امروز توجه نمی‌شود و در شرایطی که یک پدر با جان و دل هزینه فرزندانش را قبل از ازدواج می‌پردازد، حق‌اولاد آنان را قطع می کنند تا شاید بر مشکلات مالی زندگی‌شان بیفزایند!

از کارکنان صنعت نفت

نیازهای یک روستای آشتیان

روستای «انانه جق» از توابع شهرستان آشتیان (استان مرکزی) به فضای سبز و نصب مخازن جمع‌آوری زباله نیاز دارد و در ضمن معابر عمومی این روستا باید جدول‌کشی و مشکل بیکاری جوانانش حل شود.

آشتیان ـ تلفن به خط ارتباطی

تسویه‌حساب با اعضای تعاونی گفتار

فروشگاه شرکت تعاونی مصرف گفتار وابسته به شرکت مخابرات ایران قبل از خصوصی‌سازی این شرکت حدود ۲۳هزار نفر عضو داشت که ضرورت دارد با آنان تسویه‌حساب کنند تا از تضییع حقوق اعضای تعاونی جلوگیری به عمل آید.

کرج ـ سمیعی

هذیان بزرگ کیسینجر!

در مورد مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ بزرگ کیسینجر» که در روزنامه اطلاعات چاپ شد، بهتر است نام «هذیان بزرگ کیسینجر» را برای آن انتخاب می کردید، زیرا عقاید و نوشته‌های این سیاستمدار کهنسال آمریکایی، بیشتر به هذیان شبیه است تا واقعیت!

خواننده روزنامه اطلاعات

شهرداری خرمدره نظرخواهی کند

گویا قرار است شهرداری خرمدره زنجان در چهارراه قائم این شهر، طرحی را به اجرا بگذارد که پیشنهاد می‌شود تصویر مجازی این طرح را برای مردم نمایش دهند تا بتوانند نظرها و پیشنهادهایشان را به شهرداری ارائه کنند.

خرمدره ـ عبداللهی

مصاحبه خیالی بود نه واقعی!

در صفحه آخر روزنامه اطلاعات ۲۷ شهریور ۹۱ اطلاعات، مصاحبه خیالی با «کیسینجر» سیاستمدار آمریکایی چاپ شده بود که متأسفانه آن را با یک مصاحبه واقعی اشتباه گرفته بودند. ایکاش شما هم مانند برخی از دیگر روزنامه‌ها، توضیح می‌دادید که مصاحبه یاد شده، خیالی بوده است.

خواننده روزنامه اطلاعات

نقاشان و صافکاران اتومبیل سلب آسایش کرده‌اند

میدان سبلان و خیابان مجیدیه جنوبی همچنان محل فعالیت صافکاران و نقاشان خودرو است و سروصدای آن‌ها آرامش اهالی محل را برهم زده است. به شهرداری منطقه ۸ هم شکایت می کنیم، می گویند استشهاد محلی تهیه کنید، تا به موضوع رسیدگی شود. حال آن‌که مزاحمت‌های صافکاران و نقاشان اتومبیل آنقدر زیاد است که مسئولان شهرداری می توانند به راحتی آن را ببینند و مقابله کنند.

درخشش

اقدام نیک دانشگاه علمی کاربردی کلاردشت

برگزاری فستیوال غذا در دانشگاه علمی کاربردی کلاردشت برای دانشجویان و بازدیدکنندگان بسیار آموزنده بود، چون با انواع غذاهای استانی کشورمان آشنا شدند.

از ریاست دانشگاه، مدیر و گروه آموزش دانشگاه که با تلاش بسیار موفق به برگزاری این فستیوال آموزنده شدند، سپاسگزاریم.

از سوی جمعی از دانشجویان

اخبار کوتاه شهرستان

ترویج فرهنگ رضوی؛ سدی برای مصونیت جوانان از تهاجم فرهنگی

باشت ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره رضوی موجب تقویت روحیه مذهبی، اشاعه فرهنگ اصیل ولایی و مصونیت جوانان در مقابل تهاجم فرهنگی می‌شود. سید زمان علی پور رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گچساران با بیان مطلب بالا افزود: وجود مرقد امام رضا(ع) در کشور همواره سبب افزایش برکات معنوی شده است.

او با تأکید بر ضرورت شناخت و تبیین ابعاد شخصیتی امام رضا(ع)، تاکید کرد: باید همه قشرهای جامعه به ویژه نسل جوان نسبت به شناخت شخصیت امام رضا(ع) در ابعاد مختلف تلاش کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گچساران گرامیداشت تولیدکنندگان و پدیدآورندگان آثار برتر فرهنگی و هنری در زمینه سیره، شخصیت و معارف امام رضا(ع) و کمک به انتشار گسترده این آثار را از اهداف برگزاری جشنواره رضوی اعلام کرد.

برگزاری یادواره شهدا در بیستون

بیستون ـ خبرنگار اطلاعات: یادواره شهدای پایگاه مقاومت روستای گرگوند بیستون با حضور جمعی از مسئولان محلی برگزار شد. در این مراسم بخشدار بیستون در مورد ارزش شهدا در جامعه سخنرانی کرد.

اهدای جوایز به رسم یادبود به خانواده شهدا از دیگر برنامه یادواره بود.

شناسایی توانمندی‌های رویشگاه کویر دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: معاون پژوهشی مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان سمنان از اجرای طرح شناسایی توانمندی‌های رویشگاه کویر حاج علیقلی دامغان خبر داد داریوش تابنان گفت: جمع‌آوری آمار هواشناسی، مطالعات مربوط به منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی ـ زمین‌شناسی، پوشش گیاهی و خاک در این کویر انجام شده است.

او با بیان این‌که این کویر حدود ۲٤٦٦ کیلومتر مربع وسعت دارد، افزود: ۸۱۳ کیلومتر مربع این کویر را منطقهٔ مرطوب تشکیل می‌دهد و پوشش گیاهی منطقه دارای شرایط متفاوتی است و تحت تأثیر آب زیرزمینی قرار دارد که مهمترین تیپ‌های گیاهی مستقر در حاشیهٔ مرطوب کویر شامل تیپ درمنه‌اشنان، تیپ شورشرقی، تیپ‌هالکتوم و تیپ تاغ‌اشنان شناسایی شده است.

بیمارستان ۱٦۰ تختخوابی دامغان آماده بهره‌برداری است

* معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی سمنان از به بهره‌برداری رسیدن بیمارستان ۱٦۰ تختخوابی ولایت دامغان در آیندهٔ نزدیک خبر داد.

غلامرضا محمدی افزود: این بیمارستان با هزینهٔ ۷۰ میلیارد ریال تجهیز شده است و بزودی همزمان با سفر اعضای هیأت دولت به بهره‌برداری می‌رسد.

احیای قنات پس از ۲۵ سال

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی سبزوار از احیاء و بازگشایی قنات دستجرد از توابع بخش مرکزی شهرستان پس از ۲۵ سال مسدودی خبر داد.

محمدجواد ایزدیان گفت: اعتبار طرح بالغ بر ٤۰۰ میلیون ریال است که ۸۵ درصد آن از محل اعتبارات دولتی و بقیه از محل مشارکت مردی تأمین شده است.

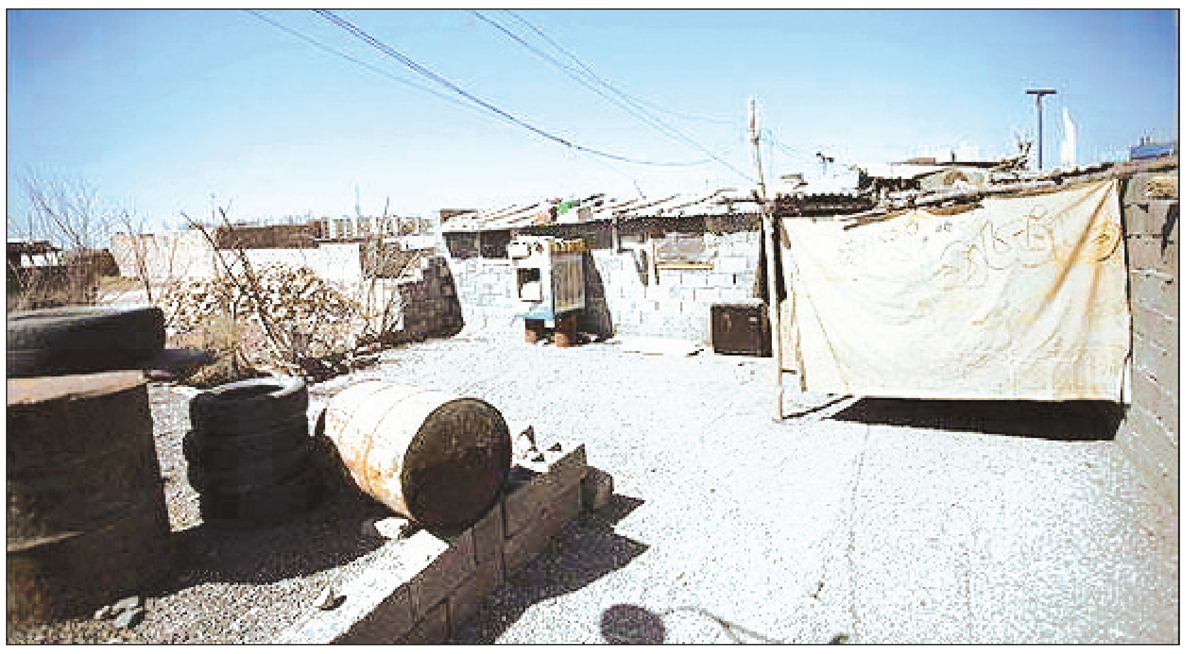
مسئول جهادکشاورزی بخش مرکزی نیز زمان اجرای پروژه را یکسال و عملیات احیای قنات را شامل ریزش‌برداری یک میل چاه به عمق ۲۱۰ متر و باربرداری گالری قنات به حجم ۵۰ مترمکعب اعلام کرد. علیرضا دلبری افزود: با اجرای این عملیات، آبدهی قنات از یک لیتر به ۱۵ لیتر در ثانیه رسیده است که در صورت تأمین اعتبار پیش‌بینی می‌شود میزان دبی آن به ۵۰ لیتر در ثانیه هم برسد.

برگزاری جشنواره نقاشی خیابانی در ساری

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره نقاشی خیابانی با موضوع اعتیاد و موادمخدر در حاشیه نمایشگاه هفته ناجا در مصلای ساری برگزار می‌شود.

این جشنواره با هدف اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی از عواقب سوء مصرف مواد مخدر در جامعه و هشدار به جوانان برگزار می‌شود که به نفرات برتر هدایایی به رسم یادبود اهدا خواهد شد.

شناسایی ۷۰۰ سکونتگاه غیررسمی در کشور



کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ۷۰۰ سکونتگاه غیررسمی در کشور شناسایی و کارهای مطالعاتی ساماندهی آنها انجام شده است.

این خبر را قائم مقام وزیر کشور در نشست کارگروه اجتماعی و فرهنگی استان کرمان اعلام کرد و گفت: ۵ میلیون نفر در حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی کشور ساکن هستند.

به گفته علیرضا افشار مطالعات خوبی در زمینه ساماندهی این اماکن انجام شده و اعتبارات زیادی نیز هزینه شده است اما با این وجود روند ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور بسیار کند است.

وی در تعریف سکونتگاه‌های غیررسمی گفت: این سکونتگاه‌ها به مناطقی اطلاق می‌شود که در طرح جامع شهری قرار نگرفته و افرادی بدون مجوز در این مناطق ساکن شده‌اند. افشار با اشاره به این که ۷۰ درصد سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در داخل محدوده شهری قرار دارند، افزود: ۳۰ درصد دیگر در خارج محدوده شهری است که به عنوان حاشیه‌نشینی نامیده می‌شوند.

رئیس مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور درباره راهکارهای جلوگیری از ایجاد سکونتگاه‌های غیرمجاز، گفت: در این راستا طرح ایجاد مرکز ملی مطالعات و کنترل مهاجرت تهیه شده است و بزودی تقدیم شورای اجتماعی کشور می‌شود. وی همچنین از به روز کردن کد پستی روی کارت‌های ملی به عنوان راهکار اصولی دیگر یاد کرد و افزود: با این اقدام آخرین موقعیت محل اقامت افراد به روز می‌شود و با آن می‌توان مهاجرت را در لحظه نخست رصد و سپس علت‌یابی و بعد از آن به صورت نسبی کنترل کرد.

افشار با اعلام این که بودجه مستقلی برای خدمات‌رسانی به سکونتگاه‌های غیررسمی تصویب نشده است، گفت: مسئولان موظف هستند به افرادی که در این مکان‌ها ساکن هستند حداقل خدمات اجتماعی مانند خدمات بهداشتی، فرهنگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی را ارائه دهند.

وی خراسان رضوی، تهران، کردستان، البرز و هرمزگان را در شمار استان‌هایی که بیشترین سکونتگاه‌های غیر سمی را دارند معرفی کرد و افزود: در استان کرمان شهرستان‌های کرمان، رفسنجان و سیرجان بیشترین سکونتگاه غیررسمی را دارند.

تخلفات بخش بهداشت و درمان بناب به فرمانداری گزارش نمی‌شود

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانداری بناب از نحوه بازرسی و نظارت بر بخش بهداشت و درمان شهرستان اطلاعی ندارد.

فرماندار بناب در نشست تعزیرات حکومتی شهرستان گفت: در شهرستان بناب نظارت بر تعرفه‌های پزشکی، فروش اقلام درمانی و داروخانه‌ها ضعیف بوده و به فرمانداری گزارش نمی‌شود.

سعید برقی با تاکید بر لزوم تقویت نظارت و بازرسی بر بخش بهداشت و درمان، افزود: تخلفات بخش دارو و درمان باید به صورت هفتگی به فرمانداری و اداره تعزیرات حکومتی گزارش شود.

وی همچنین ضرورت مقابله جدی با تخلفات بازار را مورد تاکید قرار داد و گفت: برخی سودجویان موجب اخلال در نظم بازار می‌شوند که از آن جمله می‌توان به افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و فروش مواد تاریخ گذشته اشاره کرد. او از اداره صنعت، معدن و تجارت خواست با افزایش شمار بازرسان افتخاری و غیرمحسوس و تشدید میزان نظارت و بازرسی بر اصناف، این مشکلات را در اسرع وقت برطرف کند.

فرماندار بناب همچنین با اشاره به تخلفات جایگاه‌های سوخت سی‌ان‌جی گفت: جایگاه‌هایی که به تخلفات خود ادامه دهند، تعطیل خواهند شد.

سرپرست اداره صنعت، معدن و تجارت بناب نیز در این نشست از تشکیل ۳۳۵ فقره پرونده تخلفات اصناف و انجام ۸۵ مورد بازرسی مشترک با ادارات ذیربط از بازار در نیمه نخست امسال خبر داد و گفت: براساس وظایف محوله هر روز قیمت کالا و خدمات در سطح شهرستان کنترل می‌شود.

به گفته احد نجفیان ۲۸ بازرس افتخاری و چهار بازرس رسمی بر کار بازار بناب نظارت دارند. وی همچنین از کمبود سیمان سفید و گوگرد در بازار بناب خبر داد و گفت: بازار سیاه گوگرد در بناب با عرضه مستقیم این کالا از تنها کارخانه تولیدکننده‌اش برطرف شد.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به زنبورداری در استان سمنان

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی از وجود ۳۱ هزار و ۸۷۰ کلنی مدرن زنبورعسل در این استان خبر داد.

مصطفی شاه‌حسینی گفت: ٤۰۰ زنبوردار در استان به امر زنبورداری مشغول هستند که سالانه بیش از ۱۹۱ تن عسل برداشت می‌کنند. وی افزود: بارندگی مناسب و به موقع و اثرات آن بر مراتع، حمل و نقل و استقرار کلنی‌ها در مناطق شهدخیز، مدیریت مطلوب زنبورستان از عوامل تأثیرگذار افزایش میانگین برداشت عسل در زنبورستان‌ها است و برآورد می‌شود امسال ۸ تا ۱۰ کیلوگرم عسل از هر کلنی به دست آید.

وی گفت: زنبورداران استان در قالب یک اتحادیه و پنج شرکت تعاونی زنبورداری در استان فعالیت می‌کنند.

او افزود: بین زنبورداران استان افرادی هم در پرورش ملکه بارور به صورت انبوه فعالیت دارند که در مقایسه با سایر استان‌ها چشمگیر است و امسال ۷۰۰۰ ملکه بارور تولیدی آنان بین زنبورداران استان و سایر استان‌ها توزیع شده است.

معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی گفت: تسهیلات بانکی از محل طرح توسعه بخش کشاورزی برای این امر پیش‌بینی شده است و زنبورداران برای توسعه فعالیت خود می‌توانند از این تسهیلات ارزان استفاده کنند.

همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی نحوه مصرف داروی مبارزه با کنه با همکاری اداره کل دامپزشکی و توزیع داروی رایگان، در کنترل آلودگی زنبورستان‌ها نقش مهمی داشته است.

شاه‌حسینی گفت: امسال آمارگیری کلنی‌های زنبورعسل در استان همزمان با سراسر کشور از اول مهر شروع شده است و تا ششم مهر به اتمام می‌رسد که همه اطلاعات مربوط به امر زنبورداری در استان جمع‌آوری خواهد شد.

وی تأکید کرد: نبود کارخانه‌های بسته‌بندی عسل و مشکل فروش عسل تولیدی، وجود عسل‌های تقلبی و با کیفیت پایین در بازار، نبود نقدینگی مناسب برای خدمت‌رسانی، مشکلات استقرار کلنی‌ها در مجاورت باغ‌ها و مزارع، مهاجرت شماری زنبوردار از استان‌های مجاور به سمنان از عمده مشکلات زنبورداران است.

برگزاری جشنواره گردو درمرکز ضیاءآباد تاکستان

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: به منظور معرفی توانمندی‌های بخش صنایع دستی، کشاورزی و باغداری به ویژه گردوی ضیاءآباد ـ شهرستان تاکستان ـ استان قزوین اولین جشنواره گردو در این شهر برگزار شد.

در این جشنواره هنرمندان مرکز صنایع دستی بخش ضیاءآباد با برگزاری غرفه‌های صنایع دستی و هنرهای سنتی، موسیقی سنتی، معرفی گردو برای گردشگران و برنامه‌های ویژه دیگر شادی و نشاط را در این شهر ایجاد کردند.

مرکز آموزش صنایع دستی ضیاءآباد با اختصاص دو غرفه آثار تولیدی و فعالیت‌های مرکز صنایع دستی و نماهایی از خانه‌های قدیمی ضیاءآباد را برای میهمانان به نمایش گذاشت.

گردو یکی از محصولات مهم و مشهور شهر ضیاءآباد بوده و میانگین برداشت گردو در این شهر در هر هکتار ۱۰ تن است.

رشد تعاونی‌های بانوان استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: شرکت‌های تعاونی بانوان استان اصفهان از آغاز فعالیت دولت نهم نسبت به گذشته ٤۲۰ درصد رشد داشته است. مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان، تعاونی‌های بانوان ثبت شده استان را ۷۰۱ تعاونی اعلام کرد و گفت: فرهنگ سازی در بخش تعاون، ایجاد خودباوری و اعتماد به نفس در بانوان برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی، توانمندسازی آنان از طریق آموزش و رشد بالای فارغ‌التحصیلان دختران از دلایل رشد شرکت‌های تعاونی بانوان استان اصفهان است.

غلامعلی قادری، اولویت پرداخت تسهیلات به تعاونی‌های بانوان و تخصیص اعتبارات خاص به تعاونی‌های بانوان را از دیگر دلایل رشد این تعاونی‌ها دانست.

وی با اشاره به افتتاح ۹ طرح تعاونی بانوان استان در هفته تعاون گفت: این شرکت‌های تعاونی با سرمایه ثبتی بیش از ۱۷۰ میلیون ریال و ٦۳ نفر عضو در زمینه‌های خدمات آموزشی، ورزشی، تولید پوشاک، تولید انواع گاز استریل و باند، حسابداری، صنایع دستی و تولید نان خانگی فعالیت می‌کنند.

ثبت غار قلعه‌کرد و تپه شیزر قزوین در فهرست ملی

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: در پنجمین همایش ملی ثبت، یک اثر از میراث طبیعی و یک اثر تاریخی استان قزوین در فهرست ملی میراث طبیعی و تاریخی کشور ثبت شد.

اسدالله بیرانوند مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان قزوین با اعلام این خبر گفت: استان قزوین سرشار از مواهب طبیعی و محوطه‌های تاریخی است و باتوجه به شرایط اقلیمی تنوع زیستی، پوشش گیاهی، جانوری و طبیعی مختلفی که دارد می‌توان چهار فصل را در آن به زیبایی مشاهده کرد.

او افزود: قزوین به لحاظ پیشینه و قدمت تاریخی که دارد از محوطه‌های باستانی بسیاری برخوردار است که تپه شیزر نمونه‌ای از آن است که در فهرست آثار تاریخی به ثبت رسید.

بیرانوند ضمن خرسندی از ثبت ۱۲ اثر صنایع دستی و میراث معنوی ناملموس، ۵ اثر تاریخی، باستانی استان اظهار داشت: استان قزوین توانست از بین ۳۱ استان کشور ۱۲ اثر صنایع دستی و میراث معنوی ناملموس و ٤ اثر تاریخی، باستانی و یک اثر طبیعی را به ثبت برساند و بیشترین رقم ثبت را به خود اختصاص بدهد.

غبار محرومیت از روستاهای بخش جنگل زدوده می‌شود

رشتخوار ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده حوزه مقاومت سلمان فارسی بخش جنگل گفت: با همت بسیجیان این حوزه و سپاه رشتخوار، در ۱۰ روستای این بخش با کمک به ساخت و ساز و بهسازی مناطق فرسوده و ساخت حمام غبار محرومیت ازروستاهای بخش جنگل زدوده می‌شود.

حمید زنگنه در سفر به دو چاهی جنگل، گفت: این طرح برای هویت بخشیدن و شخصیت دادن به جوانان و مشارکت آنان در عرصه‌های عمران و توسعه مناطق محروم روستایی، کمک به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و فراهم کردن زمینه‌های پایداری و توسعه منابع ملی و همکاری ادارات خدمات‌رسان برای فعالیت نیروهای داوطلب به خصوص جوانان بسیجی اجرا می‌شود. وی همچنین از ساخت خانه بهداشت، مسجد و غسالخانه و همچنین اعزام گروه پزشکی و درمانی و ایجاد پایگاه‌های بسیج روستایی در بخش جنگل خبر داد.

۳۲۰ هکتار از اراضی کشاورزی رشتخوار تجمیع شد

*مدیر جهاد کشاورزی رشتخوار گفت: در پنج نقطه از روستاهای باسفر، کریم‌آباد و سعادت‌آباد طرح تجمیع اراضی کشاورزی در سطح ۳۲۰ هکتار طراحی شد.

مهندس محمد رستمی با تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی برای تجمیع اراضی کشاورزی رشتخوار، افزود: از آنجا که این شهرستان نیازمند فواید حاصل از اجرای این طرح از جمله کاهش مصرف منابع آب و افزایش بهره‌وری تولید محصولات کشاورزی است، این طرح باید هر چه سریع‌تر در سایر روستاها نیز اجرا شود.

وی با اشاره به تجربه موفق طرح تجمیع اراضی کشاورزی در روستای کریم‌آباد، تاکید کرد: در تغییر الگوهای کشت کنونی و تعریف الگوهای جدید در شهرستان باید وضع آب و هوای رشتخوار و نیز کمبود منابع آب لحاظ شود.

وی توسعه باغ‌ها و گلخانه‌ها مطابق با فناوری‌های نوین را ضروری دانست و ادامه داد: در مکان‌یابی مجتمع‌های گلخانه‌ای از سوی مدیریت جهاد کشاورزی مواردی چون توسعه شبکه گاز و گازرسانی به این واحدها مدنظر است.

وی با اشاره به نیاز کشاورزان به تشویق و حمایت دولت در خصوص اجرای طرح‌های یکجا کاشتی، گفت: دولت و مجلس برای جلوگیری از ضرر به کشاورزان باید با ارائه یک طرح قانونمند این اقدام را برای کشاورزان ضروری کنند.

وی با اشاره به اینکه در رشتخوار ۹۳ درصد بهره‌برداران جمعیتی کشاورز هستند که از بیمه تامین اجتماعی برخوردار نیستند، گفت: دولت برای فراهم کردن زیرساخت‌ها و ارائه خدمات به قشر کشاورز باید تلاش جدی داشته باشد.

ناگفته‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دفاع مقدس

آیت الله‌هاشمی رفسنجانی در بیان خاطره‌ای از جنگ تحمیلی به سفر یاسر عرفات به ایران برای میانجیگری جهت ختم جنگ اشاره کرد و افزود: یاسر عرفات در یک جلسه صمیمی به من از نقشه‌ای در اطاق جنگ صدام گفت که یک فلش به سوی مسجد سلیمان و یک فلش به سوی بهبهان در آن دیده بود.

به گزارش مهر آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، در سی و دومین سالگرد آغاز ۸ سال جنگ تحمیلی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران ناگفته‌هایی از شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی کشور در آن ایام را در پایگاه اینترنتی اطلاع رسانی خود منتشر کرد.

متن منتشر شده به این شرح است:

* در آغاز جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی، قدرتهای غربی و شرقی به نوعی اشتراک منافع علیه ما رسیدند. به عبارت بهتر آمریکا و شوروی در آن مقطع تاریخی هر دو نگران آینده و گسترش انقلاب اسلامی شده بودند.

ولی از نگاه من، آمریکایی‌ها منافع بیشتری را در آغاز جنگ تحمیلی برای خود متصور بودند، چرا که عراق آن روز در زمره کشورهای بلوک شرق دنیا بود و درگیر شدن آن در جنگ با انقلاب تازه پیروز شده ایران می‌توانست بازی کاملاً برد-برد برای آمریکایی‌ها باشد چرا که هر ضرر و زیانی در این جنگ یا متوجه جمهوری اسلامی می‌شد یا متوجه یک کشور عربی عضو بلوک شرق و هر دوی این‌ها برای منافع آمریکایی‌ها خوب بود!

* طرح موضوع آگاهی ما از آغاز جنگ موضوع درستی نیست، ما می‌توانیم بگوئیم در آن زمان «حدس سیاسی» برای آغاز جنگ، زده می‌شد ولی آگاهی کامل از این موضوع منتفی بود. چرا که در مقابل وجود شواهدی از احتمال حمله صدام، قرائنی هم در داخل عراق وجود داشت که احتمال آغاز جنگ را از سوی صدام کمرنگ می‌کرد ولی قطعاً احتمال خائف بودن صدام از انقلاب اسلامی بر همه این‌ها چربید که جنگ را آغاز کرد.

* اطلاع واثق با «حدس قریب به واقع» در محاورات سیاسی تفاوت دارد. مثلاً در سال ۵۸، آقای کیانوری یکبار به دفتر امام گفت باید امام را جهت اطلاع از خبری خیلی مهم ببیند که امام نپذیرفتند و به من ارجاع دادند و یا بعد از آن سفیر وقت شوروی هم همین درخواست را کردند که باز هم حضرت امام موضوع را به من ارجاع دادند.

هر دوی این‌ها خبر می‌دادند که نیروهای شاه دوست در ترکیه سازماندهی شده‌اند برای حمله به ایران.

بعداً معلوم شد آن‌ها اطلاع واثق نداشتند و حامل یک «حدس سیاسی» بودند.

* صدام اگر مشکلات داخلی با شیعیان و کردها نداشت زیر بار حمله به ما نمی‌رفت ولی با پیروزی انقلاب اسلامی و شدت ترس از گسترش آن به داخل عراق، تنها چاره پنهان کردن مشکلات داخلی خود را در حمله به ایران دید.

* ما هم روزهای پر از مشکلات سیاسی را در آن روزها سپری می‌کردیم که مهم‌ترین آن نوپایی نظام و حضور رئیس‌جمهوری با سه شاخص «قانون شکنی، فرافکنی و اختلاف‌افکنی» بود که کار ما را بسیار سخت کرده بود و قطعاً دشمنان هم برای سوءاستفاده از شرایطی که وی ایجاد کرده بود برنامه‌های مفصلی داشتند. ارتش در حال بازسازی و تصفیه بود و سپاه هنوز در حد یک نهاد امنیتی بود.

* یکی از سوالاتی که همیشه از ما می‌شود این است که چرا در آن شرایط جنگی با قانون شکنی‌ها و فرافکنی‌های رئیس جمهور قانونی کشور مدارا نشد و کار به عزل بنی‌صدر کشید، من باید بگویم که همان ماه‌های ابتدایی جنگ هم که با قانون شکنی‌ها و اختلاف افکنی‌های بنی‌صدر مدارا شد ما در واقع در مقابله با دشمن عقب افتادیم، مدارا با تفرقه‌افکنی‌ها و قانون‌شکنی آن‌هم از بالاترین جایگاه اجرایی کشور چه پیام مناسبی می‌توانست برای داخل و خارج کشور داشته باشد؟

* خیلی از دوستان به مشکلات بعد از عزل بنی‌صدر خائف بودند و البته موضوع اولویت «جنگ» را هم در این رابطه بهانه قرار می‌دادند ولی تجربه بنی‌صدر به خوبی نشان داد که حق با ما بود و مدارا با بنی‌صدر ضرورتی نداشت.

* بنی‌صدر خائن نبود، حتی از مبارزین بود، البته مبارزان دور، آیت‌الله زاده بود، من حتی در سفری به فرانسه واسطه آشتی بنی‌صدر و قطب‌زاده و یزدی شدم. اختلافی که بین نهضت آزادی و جبهه ملی خیلی بالا گرفته بود. مهم‌ترین مشکل بنی‌صدر از آن روزهایی شروع شد که تفکر به جان هم انداختن نیروهای انقلاب و چند قطبی کردن مردم و نظام را به خود راه داد. تفکری که امروز هم می‌توان نشانه‌های آن را در برخی‌ها دید.

* اولین روز آغاز جنگ را به خوبی به یاد دارم، من در مجلس بودم که صدای پرواز هواپیماها و انفجار را شنیدم. واقعاً غافلگیر شدیم.

امّا وقتی محضر امام(ره) رسیدیم، ایشان آنچنان مثل همیشه استوار و محکم بودند که گویی اتفاق مهمی نیفتاده است.

* اولین اطاق جنگ را در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک ارتش تشکیل دادیم. در زیرزمین ستاد کل.

اولین باری بود که در جلسه نظامیان با این ترکیب شرکت می‌کردم. جلسه‌ای با حضور شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید رجایی، بنی‌صدر و فرماندهان نظامی. در آغاز، دفاع از آنجا شروع شد.

* خاطره‌ای که از اول جنگ همیشه در خاطرم هست، واکنش جالب فرماندهان نیروی هوایی بود که خواهش می‌کردند آتش بسی در کار نباشد تا آنها انتقام تجاوز هوایی عراق را به شهرهای کشور بگیرند، آبروی ارتش و نیروی هوایی جمهوری اسلامی خیلی برایشان مهم بود و بعد رفتند آن ۱۵۰ سورتی پرواز تاریخی را در جبران حمله هوایی به عراق انجام دادند.



* شهید رجایی درست در نقطه مقابل بنی‌صدر، همه هم و غم خود را در پرهیز از دعواهای سیاسی، سخنرانی‌های شعاری و وعده‌ای پوچ و توخالی قرار داده‌بود در مقابل تهمت‌ها سکوت پیشه می‌کرد تا به کار اصلی پشتیبانی جنگ بپردازد.

* صدام نقشه‌های وسیعی برای جنگ در سر داشت، یاسر عرفات در سفری که برای میانجیگری جهت ختم جنگ به ایران آمده بود-که دوستی من با وی به سال‌های دور برمی‌گشت- در یک جلسه صمیمی به من از نقشه‌ای در اطاق جنگ صدام گفت که یک فلش به سوی مسجد سلیمان و یک فلش به سوی بهبهان در آن دیده بود.

* امام(ره) در موضوع فرماندهی جنگ از نظر من برای اداره جنگ مطلع بودند حتی قبل از عملیات خیبر که برای خداحافظی محضرشان رسیدم گفتم انشاءالله می‌روم که با یک پیروزی خوب، که قطعه‌ای استراتژیک از خاک عراق را تصرف و جنگ را تمام کنیم. که ایشان با لبخندی مرا بدرقه کردند.

* روش فرماندهی من در جنگ، روش اقناعی بود.

ساعت‌ها مذاکره و مباحثه برای رسیدن به یک تصمیم جمعی با حداکثر اقناع، فرماندهان ارشد نظامی آن دوران قطعاً اولین حضور و حرف‌های مرا در قرارگاه قبل از عملیات خیبر به یاد دارند.

استدلال من هم ساده بود و هم جامع و مانع.

* ما قطعاً نمی‌توانستیم عراق را اشغال کنیم. چون اصلاً زبان ما زبان اشغال نبود. نتیجه اشغال عراق چیزی می‌شد شبیه باتلاق امروز اشغالگران. پس زبان ما زبان دفاع بود.

یعنی باید خوب دفاع می‌کردیم و خوب تمام می‌کردیم. که این کار را هم انجام دادیم. هدف پیشنهاد این بود که با تصرف منطقه استراتژیک مثل قطع رابطه بصره با مرکز عراق و یا قطع راه عراق به دریا را در اختیار داشته باشیم و تدارکات ختم جنگ را موکول به خواسته‌های ایران نمائیم.

* کشف مصلحت کار سختی است و عمل به مصلحت کاری دشوارتر. و این هر دو کار عظیم توسط امام بزرگوارمان به بزرگی و عظمتی تاریخی چنان انجام گرفت که تمام حرف‌هایی که به خاطر آن وارد دفاع مقدس تحقق یافت تمام اصولی که شهدا و جانبازان و ایثارگران در پی آن بودند: بدترین مکافات برای صدام و احقاق حقانیت جمهوری اسلامی در بالاترین مجامع بین‌المللی.

* ما در پایان دفاع مقدس چه چیزی می‌خواستیم که به آن نرسیدیم؟

ذره‌ای از خاک خود را از دست ندادیم، صدام می‌خواست با جنگ ما را سیبل دنیا کند در پایان خودش گرفتار شد، حرف حق را در بالاترین مجمع جهانی ثبت کردیم و رسماً شورای امنیت، عراق را آغازگر جنگ معرفی کرد و از تمام گردنه‌های خطرناک تدارک دیده در خلیج‌فارس هم با حفظ عزّت عبور کردیم. اگر کسی از دفاع مقدس انتظاربیشتری داشته حتماً ما و امام(ره) خبر نداشتیم.

* یکی از مهم‌ترین تصمیمات ما در زمان تجاوز صدام به کویت اتخاذ شد. تصمیم «بی‌طرفی» در جنگ آمریکا و عراق کار ساده‌ای نبود آن هم در شرایطی که صدام هواپیماهای خود را به کشور ما می‌فرستاد! این که چرا هواپیماهای عراقی به سمت ما فرستاده شدند هم فقط در یک جمله قابل خلاصه است که صدام به حرف ما اعتماد کرد و می‌دانست که ما از پشت خنجر نمی‌زنیم.

* یک شبهه بزرگ و غیر منصفانه‌ای هم راجع به بحث پشتیبانی جنگ می‌کنند که واقعاً جای تعجب دارد.

مگر دولت دفاع مقدس چه چیزی در چنته داشت که آن را خرج جنگ نکرد؟ مگر مردم جز با کوپن و حداقل معاش با چه چیزی به زندگی خود ادامه می‌دادند؟

من به عنوان رئیس مجلس آن دوران باید شهادت بدهم که هر چه بود در طبق اخلاص بود و با کمترین درآمدهای نفتی و با همدلی موفق به اداره همزمان جنگ و کشور در طی ۸ سال شدیم و این گونه شبهه‌افکنی‌ها غیر منصفانه و غیر عالمانه است و شاید درآمدهای نفتی سرشار این سال‌ها عده‌ای را به توهم پراکنی واداشته است.

* تاریخ دفاع مقدس با وجود تمام اختلاف سلیقه‌ها و نظرها، تاریخ بسیار مشعشعی است سرشار و آکنده از همدلی و ایثار متقابل ملت و نظام و امروز بعد از گذشت سال‌ها از آن روزگار نورانی می‌توان به خوبی دریافت که جام زهر امام چگونه کاسه شهد ملتش شد و تمامی آنچه که دشمن برای ما تدارک دیده بودند به نفس گرم رهبری که مصالح مردم را از آبروی خویش گرامی‌تر می‌داشت چگونه برخود آنها بازگشت و این مهم‌ترین درسی بود که از امام(ره) آموختیم تا در بزنگاه‌های تاریخی هراسی از آبروی خویش در پای مصالح مردم نیابیم. قضاوت در این باره سخت نیست، امروز وضع صدام، حزب بعث، ارتش عراق، قدرت نظامی در عراق، امنیت و عمران عراق، وضع منافقین و... را با وضع ایران پس از جنگ مقایسه کنید تا تحقق وعده نصر الهی و صحت تدبیر و تصمیم‌ها را ببینید.

جنگ زرهی؛ اطمینان از نتیجه نبرد

نقش یگان‌های زرهی در تعیین سرنوشت جنگ‌ها، به سبب بر دوش داشتن بار مانور و تحرک سایر نیروها، بسیار حیاتی است، به نحوی که تحرک زرهی را باید مزیت اصلی آن نسبت به توپخانه و حجم آتش مانور و استحکام ادوات آن را در برابر سلاح‌های سبک مزیتش به نیروهای پیاده دانست. روزهای آغازین دفاع مقدس و محدودیت‌های موجود، از جمله کاهش مدت خدمت سربازی به یک سال و خروج شماری از نیروهای ارتش برای جذب در سایر نهادهای انقلابی و غائله ضدانقلاب در برخی مناطق کشور و اعزام نیروهای ارتش برای سرکوب دشمنان مردم، یگان‌های زرهی لشکر ۹۲ و لشکر ۸۱ را در نبردی نابرابر در برابر هجوم لشکرهای زرهی، مکانیزه و پیاده مجهز و تقویت شده عراق قرار داد. اگر چه این تقابل نابرابر بسیاری از بهترین فرزندان این کشور از دست رفتند و تجهیزات زرهی این یگان‌ها به کلی نابود شد، اما این مقاومت جانانه و شهادت‌ها باعث زمین گیری دشمن شد، به نحوی که هفت روز آغاز جنگ تحمیلی را باید سرنوشت‌سازترین روزهای هشت سال دفاع مقدس دانست که نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت جنگ داشته است. روزهایی که بلافاصله صدام را متوجه محاسبات غلطش کرد و پیشنهاد صلح را ارائه داد. اما در این میان نقش یگان‌های زرهی، شامل گردان‌هایی از لشکرهای ۹۲ زرهی اهواز، ۸۱ زرهی کرمانشاه، تیپ ۳۷ زرهی شیراز در کنار پشتیبانی‌های و همکاری یگان‌های ژاندارمری، هوانیروز و نیروی هوایی ارتش پررنگ‌تر از سایر یگانهاست. اصولاً در نبردهای کلاسیک نقش یگان‌های زرهی، تعیین کننده و بسیار حیاتی است، ولی شنیدن این مطلب از زبان فرماندهان سایر رسته‌ها شنیدنی‌تر است.

امیر آبادان، امیر سرتیپ کهتری از فرماندهان لشکر ۷۷ پیروز و حماسه عملیات ثامن الائمه(ع) ضمن بر شمردن سه ویژگی عمده جنگ‌افزارهای زرهی، یعنی سرعت، جثه و آتش در این باره می‌گوید: «تجربه نشان داده است که در هر عملیاتی که تانک انجام داده است، بی تردید نتیجه مؤثرتری به دست آمده است و در این میان نقش خدمه این جنگ‌افزار پرارزش، بسیار حیاتی است، شجاعت، بی‌باکی، خونسردی و تصمیم صحیح در کوتاه‌ترین لحظات، از ویژگی‌های یک خدمه تانک است، زیرا سوار بودن بر یک انبار متحرک مهمات، حقیقتاً جسارت می‌خواهد و در دوران دفاع مقدس، همین خدمه دلاور و شجاع توانستند صحنه‌های غرورآفرین و تعیین کننده‌ای را رقم زنند. در عملیات ثامن الائمه(ع) که در پنجم مهرماه سال ۱۳۶۰ در ساعت ۳ بامداد اجرا شد، با آگاهی و شناختی که در مدت یک‌سال حضور در جبهه آبادان، به‌عنوان فرمانده قرارگاه عملیاتی آبادان، نسبت به همه امکانات دشمن و راه‌های نفوذش یافته بودم، بهترین وسیله را برای آغاز تک عملیات به کارگیری تانک و ادوات زرهی دیدم. با وجود این که در عملیات شبانه، تک بایستی در کمال غافل گیری انجام شود، ولی این اصل را دلیلی برای عدم استفاده از امکانات و قدرت خودی ندانستم، و بحمدالله حماسه‌آفرینی‌های خدمه غیور ۵ گردان تانک شرکت کننده از لشکرهای زرهی ۹۲ و ۱۶ قزوین و تیپ ۳۷ شیراز، نخستین و مهم‌ترین گام را در اجرای تک شبانه و موفقیت کل عملیات رقم زد.» امیر سرتیپ دوم سعیدپورداراب، از همرزمان شهید سپهبد صیادشیرازی و از فرماندهان دوران دفاع مقدس و نظریه‌پردازان و پژوهشگران دوران دفاع مقدس در تحلیلی کوتاه در مورد نقش یگان‌های زرهی در کنار یگان‌های پیاده می‌گوید: اساساً تانک سلاحی کارآمد و موثر در نبردهاست و شاید گرانبهاترین جنگ‌افزار پیچیده زمینی میدان‌های نبرد است و تحرک و قدرت آتش و ضربت خردکننده و مخابرات عالی تانک می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند و ترکیب تانک و پیاده با عنوان گروه رزمی ترکیبی مناسب برای پیروزی در هر جنگی است. گروه رزمی پیاده، شامل یک گردان پیاده و یک گروهان تانک یا گروه رزمی زرهی، شامل یک گردان تانک و یک گروهان پیاده، کارآیی افزون‌تری می‌یابند. این ترکیب مستحکم در جنگ تحمیلی بارها مورد استفاده قرار گرفت، و وجود تانک در یگان‌های پیاده سبب افزایش روحی و دلگرمی رزمندگان می‌شد و به حق می‌توان گفت که ارزش تانک در صورتی که به صورت انبوه و به درستی و با فرماندهی قوی و با شجاعت از آن استفاده شود، بسیار بالاست و یک گردان که باید ۵۳ دستگاه تانک داشته باشد، قادر است حتی با آتش خود، در عرض چند ساعت شهری را نابود کند. در شهریور ماه ۵۹ که احساس خطر شد ممکن است عراق حملات سنگینی انجام دهد از لشکر ۲۱ گروه رزمی پیاده ۱۳۸ و چند روز پس از جنگ، گروه رزمی ۱۴۱ به غرب دزفول و کرخه اعزام شد که با کمک گروه رزمی زرهی شیراز، در نبرد خود با دشمن، حماسه‌های به یادماندنی در فکه و چنانه و سلک به یادگار گذاشتند و نگذاشتند دشمن به اهداف خود در این محور که رسیدن به شوش و شوشتر بود، دست یابد. امیر سرتیپ دوم علی رزمی، از فرماندهان لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهداء(ع) در دوران دفاع مقدس، یگان زرهی را مشت محکمی بر سر دشمن در رویارویی، و مبارزه می‌داند و می‌گوید: در جنگ هشت‌ساله زمانی را که یگان زرهی از یگان پیاده حمایت می‌کرد، رزمندگان با پشت گرمی بسیار به ادامه مبارزه می‌پرداختند و در تمامی عملیات سربلند و پیروز از میدان خارج می‌شدند. یگان زرهی از دیدگاه اکثر کارشناسان نظامی در مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور در واقع همان قدرت جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس بوده و هست. انعکاس صدای چرخ‌های تانک و ادوات زرهی در منطقه جنگی اندام دشمن را به لرزه درآورده و دشمن را وادار می‌کند تا همه نقشه‌هایی را که برای آن جنگ یا مبارزه که از قبل طرح‌ریزی کرده است، نقش بر آب کند.

سرتیپ دوم علی عبدی بسطامی، از فرماندهان و پیشکسوتان دفاع مقدس در نظری مشابه چنین می‌گوید: «یکی از یگانهای مهم و تاثیر گذار در جنگ هشت ساله، یگان زرهی نیروهای مسلح، به ویژه در ابتدای جنگ یگان زرهی ارتش بوده است. حضور یک تانک در کنار رزمندگان اسلام در هر عملیاتی اعم از کوچک و بزرگ، نوید پیروزی را به ارمغان می‌آورد. باید این جمله را اذعان داشت یگان‌های زرهی ما، در شروع جنگ تحمیلی از نظر تجهیزات و استعداد در مقابل یگان زرهی مستحکم دشمن که جدیدترین ادوات نظامی را با حمایت‌های شرق و غرب و کشورهای عربی خریداری کرده بود، بسیار ضعیف بودند، ولی حضور رزمندگان شجاع و دلاور این رسته و به کارگیری دقیق این تجهیزات محکم، پیروزی‌های چشمگیری را برای ما به ارمغان آورد و در طول جنگ بارها و بارها مشاهده کردیم که حتی حضور یک تانک معیوب در میان نیروهای آفندی یا پدافندی سبب می‌شد که دشمن برنامه‌ریزی دیگری را برای آن عملیات طرح‌ریزی کند». امیر سرتیپ دوم کریم عبادت، از پیشکسوتان جنگ و فاتحان عملیات فتح‌المبین می‌گوید: «من خودم افسر پیاده هستم، اما خاطره‌های خوبی از رسته مظلوم زرهی دارم. قدرت ضربت زرهی بسیار عظیم است و در سه عملیات به چشم دیدم. نخست عملیات الله اکبر بود. در آن عملیات زیر امر لشکر ۱۶ و مسئول تیپ ۵۵ هوابرد، می‌خواستیم به سوسنگرد حمله کرده و آن را بازپس بگیریم. نفرات تیپ پیاده من، با قایق از وسط رود مالکیه حرکت کردند و با دشمن درگیر شدند؛ صدای تیراندازی و درگیری وسیعی به گوش می‌رسید و من برای سرنوشت گردانم دلهره شدیدی داشتم. جناب سرهنگ فردوس در ازای درخواست کمک‌های من، یک گردان تانک از لشکر ۱۶ زرهی به کمک من فرستاد و من دستور دادم از پلی که زدیم سریع عبور کند، البته آنان استدلال می‌کردند، باید نیروهای پیاده هدف را بگیرند، ولی با آغاز حرکت و غرش تانک‌ها و لرزش زمین، نیروهای دشمن بلافاصله وحشت‌زده شده، دست‌هایشان را بالا برده و تسلیم شدند. در عملیات فتح‌المبین هم زیر امر لشکر ۹۲ زرهی بودم و به عنوان فتح ۲، مسئول تصرف و تأمین تنگ رقابیه بودم. ۵ گردان داشتیم که از نیروهای مردمی و سپاه پاسداران ادغام شده بودند، به خاطر وسعت منطقه من هر ۵ گردان را به کار بردم، وقتی با ۵ گردان رفتم، ساعت ۱۲:۳۰ نیمه شب، ساعت «تک» بود و باید این نیروها زیر سنگرهای دشمن می‌رسیدند که من دستور تک بدهم. ساعت یک شد، گفتند: ما از دشمن چیزی ندیدیم، ساعت ۲ و ۳ و ٤ شد و یک لرزه و تشویش عجیبی بر دل من افتاد که اگر هوا روشن شود و همه این‌ها شهید شوند!! و چون اکثر پرسنل و سربازان تیپ اهل استان فارس و شهرستان شیراز و همشهری من بودند، فردا چه جوابی به مردم دارم... نزدیک روشن شدن هوا بود که برای این که آرامش پیدا کنم، دو رکعت نماز خواندم، و بدون کوچکترین ریایی بگویم، در نماز به من الهام شد که ما در این عملیات یک تیپ زرهی به فرماندهی سرهنگ بهرامی‌پور داریم، که قرار بود در ادامه تک، حرکت کرده و از ما عبور کرده و به سمت دشمن پیشروی کند، به همراه فرمانده نیروهای سپاه به کنار تیپ آمدیم و به جناب سرهنگ بهرامی‌پور گفتیم تانک‌ها را حرکت بده. ولی ایشان گفتند که حرکت تانک‌ها مرحله بعد عملیات است، ولی به ایشان گفتم این یک دستور است و باید حرکت کنید... به هر باری، به مدد غرش تانک‌ها و حرکت ادوات زرهی، بلافاصله نفرات دشمن تسلیم شدند و بنابر گزارش فرماندهان گردان‌ها، ۲۵۰۰ نفر رزمنده، با یاری تانک‌های زرهی، ٤۵۰۰ نفر اسیر از دشمن گرفتند. سومین باری هم که نقش تعیین کننده زرهی را دیدم، در عملیات بیت‌المقدس بود که به عنوان فتح ٤ زیر امر لشکر ۹۲ بودم و تیپ ۳۷ زرهی به اصطلاح در کنترل عملیات من بود.

پس از این که در منطقه حسینیه وارد رودخانه کارون شدیم، بلافاصله با دشمن مواجه و درگیر شدیم، ولی من بر اساس تجربه‌هایی که داشتم به مجید صارمی (امیر سرتیپ دوم، مجید صارمی فرمانده تیپ ۳۷ زرهی در دوران دفاع مقدس) دستور دادم تا با چراغ روشن از پل عبور کند، و تانک‌ها را با چراغ روشن به سمت خرمشهر حرکت دادیم و تیپ ۳۷ اولین واحدی بود که توانست در عملیات بیت‌المقدس جاده اهواز خرمشهر را با تانک و نفربر بگیرد و مرحله اول عملیات را با موفقیت اجرا نماید».

در پایان به جمله‌ای از جناب سرهنگ جعفری، رئیس سازمان ایثارگران نزاجا و از جانبازان و آزادگان سرافراز دوران دفاع مقدس در مصاحبه با خبرنگاران بسنده می‌کنیم که در این خصوص می‌گوید: «وقتی که تانک در جبهه کنار ما قرار داشت، احساس می‌کردیم در پناه یک کوه قرار داریم و ترس به دل‌های‌مان راه نمی‌دادیم.»

معاونت تبلیغات و روابط عمومی
نیروی زمینی ارتش

جاسوسان دربرابر نبرد بزرگ



■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۳۷

«بن گوریون» و مقامات بلند پایه دولتی امیدی به قبول شدن پیشنهاد «شیلواه» نداشتند، اما فکر می کردند که ارزش سعی کردن دارد. وقتی «ژنرال بدل اسمیت» و «دالس» با خرسندی بر پیشنهاد «شیلواه» صحه گذاشتند، «بن گوریون» نخست وزیر اسرائیل شگفت زده شد. این اولین ملاقات ژنرال آمریکا با «پیرمرد» نبود. آنها بلافاصله بعد از جنگ دوم جهانی وقتی «بن گوریون» در اردوگاه‌های آلمان با بازماندگان هولوکاست و افراد بی خانمان دیدار می کرد، با یکدیگر ملاقات کرده بودند. «بدل اسمیت» که در آن موقع یک افسر ارشد در فرماندهی نیروهای متفقین بود، رهبر صهیونیست‌ها را در این بازدید همراهی کرده بود.

به هلاکت رسانیدن ٦ میلیون یهودی در هولوکاست و دیدن صدها هزار نفر پناهنده که از جنگ جان سالم به در برده بودند تأثیری انکارناپذیر روی سربازان امریکایی که در دوران جنگ در اروپا خدمت می کردند باقی گذاشت.

اسرائیل هم به سهم خودش خوب می‌دانست که وقتی سوءاستفاده از احساسات دیگران ضروری باشد، چگونه خاطرات هولوکاست را دردناک جلوه دهد. وقتی دولت اسرائیل تقاضای کمک سیاسی و مالی می کرد، همدردی و احساس گناه برخی از رهبران غربی می توانست مفید باشد.

دیپلمات‌های اسرائیلی مکرراً تاکید می کردند که ضرورت دارد کشورشان قوی باشد تا هولوکاست دیگری اتفاق نیفتد. توأم کردن آن تاریخ هولناک با تقاضاهایی برای کمک نظامی یا کمک‌های مشابه دیگر، نوعی بهره گیری در آن جنایات ناگفتنی دوران جنگ و وقایع وحشتناکی بود که در تاریخ بشریت بی نظیر بودند. «بدل اسمیت» و «دالس» در شمار کسانی بودند که مجاب شده بودند باید به اسرائیل کمک کرد. «بن گوریون» در واشنگتن با رؤسای «سیا» به این تفاهم رسید که گفتگوها را برای حرکت به سوی همکاری فوراً آغاز کنند. قبل از این دیدار و زمانی که دولت اسرائیل تازه متولد شده بود، تشکیلات امنیتی امریکا علاقمند به نظر نمی‌رسید.

«مُوبرگ»[۹] یک بازیکن بازنشسته بیس‌بال که غالباً در تیم «شیکاگو وایت ساکس»[۱۰] بازی می کرد، یهودی بود و در «دفتر خدمات ویژه» که قبل از «سیا» امور امنیتی را عهده‌دار بود کار می کرد. «برگ» پیشنهاد کرد که او را به اسرائیل بفرستند تا فعالیت‌های جاسوسی را پایه گذاری و در ضمن به عنوان رابط خدمت کند. او استدلال می کرد که هویت مذهبی‌اش جلب اعتماد اسرائیل را تسهیل خواهد کرد. هر چند رؤسای او این فکر را رد کردند. در واقع «برگ» بعداً به اسرائیل احساس تعلق بیشتری کرد و ترتیبی داد که بعد از مرگش در سال ۱۹۷۲، خاکسترش را بر فراز «مونت اسکوپوس»[۱۱] در اورشلیم بپاشند. حتی بدون آنکه «برگ» به نفع اسرائیلی‌ها وارد معرکه شود، گفتگوهایی که «بن گوریون» با «سیا» ترتیب داد در ژوئن ۱۹۵۱ نتیجه‌بخش شد. «شیلواه» به واشنگتن اعزام شد تا درباره جزئیات این تفاهم محرمانه با مقامات «سیا» به توفیق برسد. او با «بدل اسمیت»، «دالس» و به ویژه با «جیمز جسوس انگلتون»[۱۲] ملاقات‌های طولانی داشت. انگلتون آدم عجیب و غریبی بود، ولی از مدیرانی در «سیا» بود که آینده خوبی داشت. او که مسیحی بود، شدیداً تحت تاثیر هولوکاست قرار گرفته بود. او از آن قبیل آدم‌هایی بود که موضوعات مورد علاقه‌اش را سرسختانه پی گیری و تعقیب می کرد. با آن که وظایف محوله به او عمدتاً مربوط به عملیات ضدجاسوسی بود ـ از جمله دستگیری جاسوسان خارجی در ایالات متحده امریکا ـ شیفته هر چیز اسرائیلی بود.

ادامه دارد

9- MOE BERG
10- CHICAGO WHITE SOX
11- MOUNT SCOPUS
12- JAMES JESUS ANGLETON

بحران خودکشی در ارتش آمریکا

سیستم ناکارآمد درمان

■ منبع: تایم ■ ترجمه: منوچهر بیگدلی ■ بخش چهارم و پایانی

*** اشاره:**

ادامه روند خودکشی در میان نظامیان، به واقع مسئولان ارتش آمریکا را نگران کرده است. مقام‌های رده بالا، بعضاً حتی از این وضع ابراز حیرت می کنند، اما آنان که از نزدیک به مطالعه شرایط ومکانیسم درمان نیروهای دارای مشکل در ارتش آمریکا پرداخته‌اند، بروز چنین شرایطی را عجیب نمی‌دانند. متخصصان و ناظران بی‌طرف براین باورند که نارسایی سیستم درمان مشکلات روانی در ارتش آمریکا به حدی است که آمارهای موجود را کاملا قابل پذیرش می کند. بخش پایانی مقاله به این موضوع اختصاص دارد.

****

ارتش فقط ۸۰ درصد روانپزشکان و ۸۸ درصد مددکاران اجتماعی و پرستاران رفتار ـ سلامت توصیه شده را در اختیار دارد. جا به جا شدن‌های مکرر بدین معنی است که مداواکنندگان سربازان، غالباً عوض می‌شوند ـ به شرطی که اصولاً بتوانند درمانگری پیدا کنند. گزارش‌های سلامت روانی هم همیشه به محل جدید بیمار ارسال نمی‌شود.

دست‌اندرکاران سلامت روانی ارتش شاکی‌اند که ظاهراً ارتش بعد از بازنشستگی «کیارلی» مبارزه‌کننده با خودکشی در ماه ژانویه، تلاش برای جلوگیری از خودکشی را به تعویق افکنده است. ربکا می گوید: «شوهرم نمی‌خواست بمیرد. یان سعی کرد کمک بگیرد ـ شش دفعه ... به آن‌همه آدمی فکر کنید که حتی سعی نکردند برای اختلال استرس بعد از ضربه، استمداد کنند. یان به قدری از اختلال دور بود که به آن اهمیتی نمی‌داد. او فقط می خواست سالم باشد.»

*** نقطهٔ گسست**

در پانزدهم مارس، مک‌کارن به ماساچوست تلفن زد تا با فرزندانش صحبت کند و آخرین ایمیل خود را برای لسلی ارسال کرد. متأسف بود که شوهر و پدر موفقی نبوده است. او از لسلی خواهش کرد: «به بچه‌ها نگو من چطور مردم. لسلی ایمیل را با وحشت خواند: «بدان که دوستت دارم و بزرگترین پشیمانی‌ام این است که آن را ابراز نکردم.» لسلی می گوید: «در پس ذهنم به خودم می گویم که او سرکار است ـ سالم است. اصلاً به ذهنم خطور نمی کرد آن کار را بکند.» امّا بلافاصله به مرکز مخابرات بیمارستان تلفن زد که همین الآن از شوهرش یک یادداشت خودکشی دریافت کرده است. به دکتری که جواب می‌داد گفت: «فوراً باید او را پیدا کنند.» کارکنان بیمارستان از همه طرف پخش شدند.

چند دقیقه بعد یک قابله، تلفنی به لسلی گفت: «یک عده را به پشت‌بام، زیرزمین و خانه شما فرستاده‌اند، داریم همه جا را می گردیم.» در حین این مکالمه، لسلی ناگهان از پشت خط صدای فریاد و گریه شنید. بعد شنید که یک اصطلاح رمزی به کار بردند. «مایک» را در یک اتاق مکالمه، حلق‌آویز یافته بودند. از ساعتی که مک‌کارن آخرین ایمیل را برای زنش فرستاده بود، کمتر از سی دقیقه می گذشت. لسلی فکر کرد که بین صداهای مختلف، صدای فرمانده مک‌کارن را شنیده است که می گفت حالا به نظر او [لسلی] این قضیه خانوادگی نیست، چون انگار که جلوی چشمش اتفاق افتاده است.

۱۵ دقیقه طول کشید تا دستگاه شوک برقی را بیاورند. تا آن موقع، بدن، خیلی طولانی بدون اکسیژن مانده بود. لسلی به هوایی پرواز کرد و آخر وقت روز سه‌شنبه دستگاه‌های امداد تنفس را از مک‌کارن باز کردند. بیستم مارس بود. اول صبح روز بعد، مرگ او اعلام شد.

همان روز، چهارشنبه، ۲۱ مارس، موریسون به یک پزشک دیگر ارتش مراجعه کرد که در یک نشست ۲۰ دقیقه‌ای بیماری او را افسردگی بالینی تشخیص داد. نسخه تجویزی، داروی ضد افسردگی و دوای ضد تشویش بود، اما وقتی به همسرش زنگ زد، از هیچ کدام نخورده بود. ربکا او را تشویق کرد که در مرکز بازتوانی محل خدمتش بماند تا شاید آنجا از مشاورهٔ درمان روانی برخوردار شود. کمی پیش از ظهر، موریسون متنی برای ربکار فرستاد و ابراز امیدواری کرد. زن می‌خواست بداند به او چه گفته‌اند. او جواب داد: «باید برگردم. دو ساعت باید صبر کنم.» لازم بود که به دفترش باز گردد.

ربکا هنوز نگران بود. در حدود ساعت چهاربعداز ظهر از شوهرش خواست به یک خط داغ نظامی که لاف از «کمک فوری ۲۴/۷ ـ هم‌اکنون با یک مشاوره تماس بگیرید» می‌زنند، تلفن کند. او قول داد این کار را بکند. ربکا می گوید: «گفتم عالی است. تو زنگ بزن و من بعداً با تو صحبت می کنم. ظاهراً که همه چیز روبه راه است. خداحافظ.»

این آخرین گفت‌وگوی آنها بود. واپسین ارتباطشان یک ایمیل دیگر، ٤٥ دقیقه بعد بود. یان نوشت: «هنوز پشت خطم.» ربکا جواب فرستاد؛ نمی‌توانم بگویم که تو سعی نمی‌کنی.»

ساعت ۷ و ٤ دقیقه بعدازظهر موریسون به تلفن همراه ربکا زنگ زد، امّا او یک جلسهٔ گروه درمانی را برگزار می‌کرد و تماس را از دست داد. شوهرش پیامی نگذاشته بود.

دو ساعت و نیم بعد ربکا به خانه آمد. وارد اتاق نشیمن شد و کتاب‌هایش را انداخت و اسم شوهرش را صدا زد. جوابی نشنید. پوتین‌های او را دم در دید. نامه‌های واصله آنجا بود، پس باید به خانه آمده باشد.

«من به اتاق خوابمان رفتم، او کف اتاق دراز کشیده و سرش را روی بالش در طرفی که من می‌خوابیدم گذاشته بود. هنوز یونیفورم تنش بود.»

ربکا با لکنت حرف می‌زند و بین آه و ناله‌ها، ملایم و به کندی می‌گوید: «به گردن خودش تیرزده بود. یادداشتی، چیزی هم نبود. لباس کامل تنش بود، من دویدم بالای سرش و نبضش را گرفتم... نبضش نمی‌زد. در حالیکه داد می‌زدم: [زنگ بزنید به ۹۱۱!] از خانه دویدم بیرون و دویدم طرف همسایه‌ها.»

***وظیفه بعدی**

در ماه ژوئن، «پانتا» در یک کنفرانس جلوگیری از خودکشی، رهنمودی مطرح کرد: «ما باید هرکاری که می‌توانیم انجام دهیم تا اطمینان حاصل کنیم که خود این سیستم برای کمک به سربازان کارآمد است. نه این مساله را پنهان کنیم و نه راجع به این موضوع قضاوت غلط داشته باشیم، بلکه باید با واقعیت‌ها مواجه شویم و پیشاپیش با مسائل مقابله کنیم و مطمئن شویم که تشخیص صحیح داده‌ایم و این نوع تشخیص‌ها را پیگیری کنیم.»

امّا چیزی که جلوگیری از خودکشی را چنین گیج‌کننده کرده، این است که حتی درمان، غالباً ناموفق است. کیارلی می گوید: «در چهارسالی که من معاون [ستاد ارتش] بودم بیش از ۵۰ درصد سربازانی که خودکشی کردند، نزد یک متخصص سلامت ـ رفتاری رفته بودند. شنیدن اینکه کسی خودکشی کرده که پیش متخصص سلامت ـ رفتاری رفته ولی ۲٤، ٤۸ یا ۷۲ ساعت بعد مرده، چیزی معمولی است، اما اینکه بشنویم که متخصص بعد از تشخیص گفته است که [این فرد نه برای خودش خطر دارد، نه برای دیگری]، آن وقت است که می‌فهمیم اشکالی در میان است.»

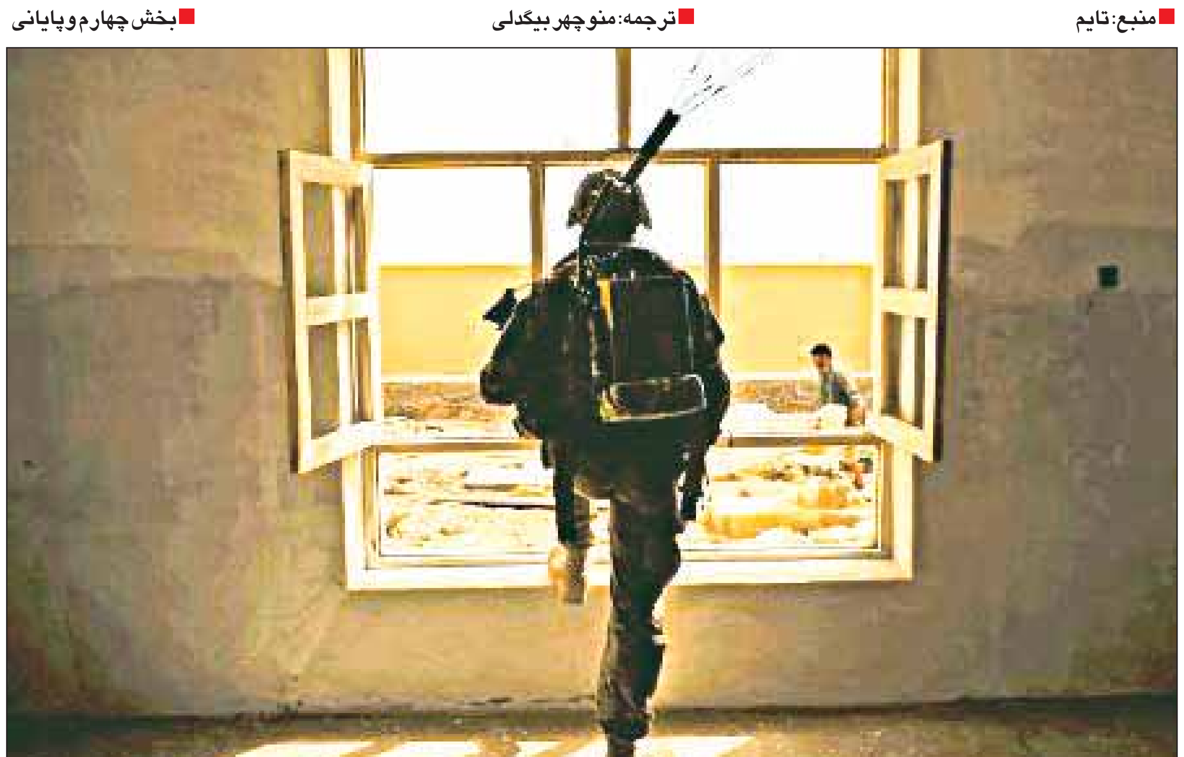
هزینهٔ انسانی وحشتناک است، همین‌طور هزینهٔ مالی به معنای واقعی کلمه. آموزش مک کارن و موریسون برای مالیات دهندگان نزدیک به ۲ میلیون دلار تمام شده بود. ربکا می گوید: «اگر ارتش نتواند جنبهٔ عاطفی قضیه را درک کند ـ که من شوهرم را از دست داده‌ام ـ خوب، آنها ٤۰۰ هزار دلار خرج آموزش در وست‌پوینت و خدا می‌داند چقدر خرج مدرسهٔ خلبانی او کرده‌اند.» ارتش می گوید برای تعلیم خلبانی موریسون ۷۰۰ هزار دلار صرف کرده است. لسلی می‌افزاید: «آنها صدها هزار دلار برای سرمایه انسانی خودشان صرف کرده‌اند. حداقل چرا سرمایهٔ خودشان را حفظ نکردند؟»

سروان مک‌کارن با تشریفات کامل نظامی روز سوم آوریل در «گلاستر» ماساچوست به خاک سپرده شد.

دو افسر برای این مراسم از هوایی به محل سفر کردند و به دلیل از خودگذشتگی و خدمت عالی «مک کارن» مدال فرماندهی ارتش به خانواده‌اش تقدیم شد. ضمناً پرچمی را که تابوت او را پوشانده بود، به لسلی و بچه‌هایش دادند و گارد افتخار، سه گلولهٔ توپ شلیک کرد. خانواده در روز پدر به مزار او رفتند و بچه‌ها هر کدام گل و کارتی به یادگار روی قبر گذاشتند. سرطان خون پسر بزرگترشان بعد از دو سال شیمی درمانی، تخفیف گرفته است.

کاپیتان موریسون در ۳۱ مارس در تکزاس مرکزی دفن شد. ارتش چندین نشان، از جمله مدال جنگ عراق با ستاره جنگ به او اعطا کرده است.

مراسم افتخار نظامی بر سر خاکش برگزار شد و یک شیپورچی، شیپور خاموشی نواخت و به درخواست همسرش گلوله‌ای شلیک نشد.»



*** معاون پیشین ستاد ارتش آمریکا با تأکید بر نا موفق بودن روند درمان خودکشی در بین نظامیان می‌گوید: اینکه فردی چند روز پس از مراجعه به متخصص سلامت رفتاری خودکشی کند، امری معمولی است، اما اینکه متخصص پس از تشخیص بگوید این فرد نه برای خودش و نه برای دیگران خطری دارد، نشاندهنده وجود اشکال است**

آمریکا، فوق سری

TOP SECRET AMERICA

THE RISE OF THE NEW AMERICAN SECURITY STATE

■ نوشته: دانا پریست - ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور | ۱۴

به سراغ یکی از تحلیلگران پیشین سیا رفتم تا توضیحات بیشتری بشنوم. او گفت، آن شخصی که برای ناهار مهمانش کرده بودم، احتمالاً به نوعی توجیه و «تحویل دادن‌ها»[۵۹] اشاره داشته است. «تحویل دادن‌ها» از زمان بیل کلینتون شروع شد و بسیار سودمند بوده است. این توجیه‌های ظاهری به این ترتیب بود که مظنون‌ها، تروریست‌ها، یا فراریانی را که در یک کشور توسط سیا دستگیر می‌شدند، به صورت پنهانی به کشورهای اصلی‌شان منتقل می کردند و بعد در آنجا از سوی دادگاه‌ها یا سازمان‌های اطلاعات داخلی فراخوانده می شدند. سیا این افراد را به مراجع قانونی تحویل می‌داد، حتی اگر این مراجع و دادگاه‌ها در کشورهای ثالث مثل عربستان سعودی یا مصر قرار داشتند، که در آن‌ها محاکمه افراد مظنون به تروریسم به ندرت عادلانه بود و شکنجه نیز مرسوم بود.

فردی دیگر به من گفت «تحویل دادن‌ها» با بررسی‌های حقوقی زیادی همراه بود. کشور ثالث معمولاً به یک مجوز کتبی برای توقیف فرد مورد نظر نیاز داشت. در دولت کلینتون، بسیاری از تحویل دادن‌ها به این ترتیب بود که مثلاً اعضای برخی گروه‌های اسلامی مثل اخوان‌المسلمین یا جهاد اسلامی را به کشوری مانند مصر تحویل می‌دادند که از قبل این دو گروه را غیرقانونی اعلام کرده بود. جهاد اسلامی مصر همان سازمانی بود که انورسادات رئیس جمهوری مصر را ترور کرد و در زمره اعضای آن فردی بود که بعدها شخص دوم القاعده شد یعنی ایمن‌الظواهری. گزارش‌ها حاکی از این بود که دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی مصر بسیاری از این زندانیان از جمله الظواهری را در جریان بازجویی‌ها شکنجه می کردند.

منبعی دیگر نیز که تجاربی گسترده در دنیای محرمانه داشت برایم بسیار مفید افتاد. در رستورانی تاریک، ضمن صرف کاسه‌ای سوپ سبزیجات و کراکرهای شورمزه، از او پرسیدم آیا رسوم کنونی تحویل دادن‌ها شبیه آن چه که در دوره کلینتون معمول بود، است؟

ـ «نه دقیقاً».

ـ «به چه معنایی نه دقیقاً؟»

آن شخص پاسخ داد: «تحویل دادن‌هایی فوق‌العاده» وجود دارد. «سیا نیازمند کسب اطلاعات از آن افراد است که کاملاً و صددرصد قانونی است. جنگی در جریان است. EITS[۶۰] (فنون تشدید شده بازجویی ـ کوته نوشت جدید دیگری که تا آن زمان هرگز نشنیده بودم) را حقوقدان‌های برجسته تأیید کرده‌اند.»

وقتی از او خواستم نمونه‌هایی از این فنون را برایم شرح دهد پاسخ گفت، «دقیق نمی توانم بگویم» و مسیر صحبت‌مان تغییر کرد.

چند هفته بعد، دیدم روی یکی از نیمکت‌های شکسته پارکی در یکی از مناطق فقیرنشین واشنگتن نشسته‌ام، در کنار منبعی دیگر. از او پرسیدم «این فنون تشدید شده بازجویی‌ها چیستند؟»

ـ «می‌دونی، نمی‌تونم برات بگم. طبقه‌بندی شده‌اند. من هیچ چیزی راجع به طبقه‌بندی‌شده‌ها نمی گم.»

ـ «اوکی».

منبع گفت: «همه چیز از نظر پزشکی کنترل می‌شه.»

گفتم: «از طرف پزشک‌ها؟ در این صورت منطقی است.»

ـ «آره».

پرسیدم: «از طرف پزشکان سازمان؟»

ـ «از طرف OMS».

هر دو زمزمه‌کنان صحبت می کردیم.

گفتم: «باید برای اونا سخت باشه.»

ـ «اونا از لحاظ روان‌شناختی تأیید شده‌اند.»

ـ «منطقی به نظر می‌رسه.»

ـ «تو نمی‌تونی چیزایی رو که من شنیده‌ام باور کنی ... سوزاندن دست‌ها با سیگار آدمو یاد آلمان نازی میندازه.»

ـ «چه کسی از سیگار استفاده می کنه؟»

ـ «بهت که گفتم، هیچ چیزی راجع به طبقه‌بندی شده‌ها برات نمی‌گم.»

ادامه دارد

59. ''renditions''
60. enhanced introgation techniques (EITS)

اخبار کوتاه

رونمایی از ۱۵ هزار جلد کتاب اهدایی آیت‌الله گلپایگانی

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی اصفهان از رونمایی ۱۵ هزار جلد کتاب اهدایی آیت‌الله محمدی گلپایگانی به کتابخانه مرکزی گلپایگان همزمان با میلاد امام رضا(ع) و با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خبر داد.

به گزارش ایرنا به نقل از روابط عمومی کتابخانه‌های عمومی اصفهان؛ غلامرضا یاوری افزود: ارزش ریالی کتاب‌های اهدایی که از مجموعه شخصی آیت‌الله محمدی گلپایگانی است حدود ۲۰۰ میلیون تومان برآورد شده است.

وی اضافه کرد: کتابخانه مرکزی گلپایگان اکنون ۳۷۰۰ نفر عضو و ۱۲ هزار نسخه کتاب دارد که با این ۱۵ هزار جلد اهدایی مجموع کتاب‌های آن به بیش از ۲۷ هزار نسخه می‌رسد.

بوستان ویژه جانبازان و معلولان در غرب پایتخت ساخته می‌شود

بوستان ویژه جانبازان و معلولان به مساحت بیش از ۱۲ هزار متر مربع در غرب تهران به بهره‌برداری می‌رسد.

به گزارش تهران سما، این مطلب را سعید طلوعی شهردار منطقه ۵ اعلام کرد و با اشاره به اهمیت توجه به مشکلات جانبازان و معلولان افزود: عملیات ساخت و بازسازی بوستانی در فضایی به مساحت بیش از ۱۲ هزار متر مربع با امکانات و تجهیزات متناسب با وضع جانبازان و معلولان در دستور کار قرار دارد. به گفته او رمپ ورودی این بوستان برای تردد معلولان و جانبازان و نصب مجموعه وسایل بدنسازی جانبازان و معلولان مناسب‌سازی شده است.

تخریب غیراصولی ساختمان یک قربانی گرفت



سرویس حوادث: گودبرداری غیراصولی منجر به ریزش ساختمانی سه طبقه و مرگ یک زن شد.

این حادثه براثر رعایت نکردن اصول ایمنی هنگام گودبرداری در ملک مجاور خیابان سی متری جی، خیابان فتح آبادی اتفاق افتاد و آتش نشانان ایستگاه های ۳۳، ۸۵ و ۳۸ به دنبال اطلاع از ریزش ساختمان و محبوس شدن یک شهروند زیر آوار به محل رفتند.

مهدی داوری مدیر منطقه ٤ عملیات آتش نشانی تهران گفت: این ساختمان سه طبقه مسکونی به علت رعایت نکردن اصول ایمنی و بی توجهی به توصیه های ایمنی هنگام گودبرداری ملک مجاور کاملا ویران شده و یک زن میانسال در زیر آوار مانده بودکه آتش نشانان پس از جستجوی زیاد جسد او را از زیر آوار خارج کردند.

اخبار کوتاه حوادث

توقیف ٤۰ فروند شناور ویژه قاچاق سوخت در بندر کلاهی

بندرعباس: چهل فروند شناور سبک و سنگین ویژه قاچاق سوخت در عملیاتی گسترده و ضربتی در بندرکلاهی میناب توقیف شد.

جانشین فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: ماموران در این عملیات ۱۸ مخزن بزرگ و کوچک، ۹ دستگاه خودرو و ۱٦ دستگاه موتورسیکلت بدون پلاک و پلاک مخدوش را توقیف و ۳۵ هزار لیتر سوخت قاچاق کشف کردند.

سرهنگ دادستانی افزود: از قاچاقچیان مقادیری حشیش و هروئین، وسایل استعمال آن و ۹۵۰ عدد قرص روان گردان بدست آمد.

او گفت: در این رابطه چهارنفر دستگیر و بقیه عوامل قاچاق هم شناسایی شدند که عملیات برای دستگیری آنان ادامه دارد.

محکوم به قصاص در ارومیه از طناب دار رهایی یافت

ارومیه ـ با تلاش شورای حل اختلاف ارومیه؛ یک محکوم به قصاص با اعلام رضایت اولیای دم از مجازات طناب دار نجات یافت.

معاون قضایی رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی در امور شوراهای حل اختلاف در گفت و گو با خبرنگاران با اعلام این خبر افزود: با وساطت اعضای شورای حل اختلاف بخش نازلوی ارومیه؛ پرونده متهم قتل عمد پس از تحمّل پنج سال حبس و با اعلام رضایت اولیای دم مقتول با صلح و سازش مختومه اعلام شد. علیرضا اکبری گفت: این مددجوی محکوم به قصاص با تلاش مستمر و برگزاری جلسات متعدد توسط اعضای این شورا و بهره گیری از افراد متنفذ و بزرگان طرفین بخصوص روحانیت و اخذ رضایت از اولیای دم مقتول به آغوش خانواده بازگشت.

۳ کشته در سانحه رانندگی بخش رحیم‌آباد رودسر

رودسر ـ فرمانده انتظامی رودسر از کشته شدن سه نفر بر اثر وقوع سانحه رانندگی در حومه بخش رحیم‌آباد این شهرستان خبر داد.

سرهنگ پاسدار مهدی ترکی گفت: این حادثه دلخراش بر اثر برخورد یک دستگاه خودرو تویوتا سواری و خودرو جرثقیل بنز در منطقه سفیدآب رحیم‌آباد به وقوع پیوست و خودرو تویوتا سواری با ۱۰ سرنشین به داخل دره سقوط کرد. وی افزود: بر اثر این حادثه دو زن ۷۰ و ۸۰ ساله در محل حادثه جان باختند و یک زن ۵۰ ساله دیگر نیز هنگام انتقال به بیمارستان به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد. فرمانده انتظامی رودسر اضافه کرد: بقیه مجروحان این حادثه توسط اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان شهید انصاری رودسر انتقال یافتند. علت حادثه در دست بررسی است.

اعدام قاچاقچی مواد مخدر در سمنان

سمنان ـ حکم اعدام یک قاچاقچی مواد مخدر دیروز در سمنان اجرا شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری کل استان سمنان، این مجرم به نام (ح ـ ج) اهل ایرانشهر؛ به جرم حمل ۳٤۰۰ گرم مواد مخدر از نوع کراک محکوم به اعدام شده بود.

حکم وی توسط دادگاه انقلاب اسلامی سمنان صادر و مجرم پس از تشریفات قانونی و تایید دردادستانی کل کشور و نیز موافقت ریاست قوه قضائیه؛ صبح دیروز در زندان مرکزی سمنان به دار مجازات آویخته شد.

روابط عمومی دادگستری استان سمنان افزود: تقاضای عفو این مجرم در دو مرحله مطرح شده بود که پس از انجام بررسی‌های لازم و احراز نشدن شرایط؛ توسط کمیسیون مرکزی عفو و بخشودگی رد شد.

ریزش ساختمان در غرب هند ۱۱ قربانی گرفت

هند: بر اثر فروریختن یک ساختمان در دست ساخت در غرب هند ۱۱ نفر جان خود را از دست دادند.

بنا بر اعلام پلیس هند، این حادثه در شهر پونه روی داد و ۱۰ نفر از زیر آوار زنده بیرون کشیده شدند. پلیس هند با اشاره به اینکه دستور تحقیق درباره این حادثه صادر شده است، افزود: افرادی که جان خود را از دست دادند کارگر بودند. اداره شهرداری پونه اعلام کرد ساخت این ساختمان غیرقانونی بوده و به مالکان آن پیشتر هشدار داده شده بود.

سیل کامبوج، ۵ کشته داشت

کامبوج: سیل در شمال غرب کامبوج پنج قربانی گرفت و زندگی ۱۵ هزار و ۵۱۰ نفر را تحت تاثیر قرار داد.

کمیته ملی مدیریت بلایای طبیعی کامبوج اعلام کرد: حدود ۱٤ هزار و ۳۰۰ واحد مسکونی و ۲۹ هزار و ۱۲۰ هکتار از زمین‌های برنجکاری زیر آب فرو رفت. هون سن نخست وزیر کامبوج گفت: بیش از ۵۰۰۰ خانواده به مناطق مرتفع منتقل شده‌اند. نخست وزیر کامبوج همچنین با اشاره به پیش بینی‌هایی درباره وقوع سیل از مردم خواست مراقب باشند.

انفجار ساختمان بانک برای سرقت خودپرداز

آلمان: چند سارق در آلمان با استفاده از موادمنفجره اقدام به حمله به یک بانک کردند و دستگاه خودپرداز آن را دزدیدند.

پلیس آلمان با اعلام این که این سارقان به دلیل منفجر کردن موادآتش‌زا ساختمان بانک را به طور کامل تخریب کردند، اضافه کرد: آنان پس از سرقت دستگاه خودپرداز توانستند فرار کنند. پلیس گفت: مقدار این مواد منفجره به حدی بود که انفجار مهیبی را شکل داد و سبب شد به دو ساختمان مجاور بانک خسارت وارد شود. هنوز از میزان پول موجود در این دستگاه خودپرداز خبری منتشر نشده است، اما برآوردهای اولیه نشان می دهد صدها هزار یورو به ساختمان بانک خسارت وارد شده است. در جریان این سرقت به هیچ یک از ساکنان ساختمان‌های اطراف بانک آسیبی وارد نشد.

برخورد ۲ واگن در معدنی در چین با ۲۰ کشته

چین: برخورد دو واگن در تونل معدنی در استان گنسوی چین ۲۰ کشته بر جا گذاشت.

حادثه زمانی رخ داد که کابل مربوط به واگن‌های حامل ۳٤ نفر از کارگران معدن که بطور غیر قانونی فعالیت می کردند پاره شد و ۲۰ نفر از سرنشینان آن بر اثر برخورد با واگنی دیگر جان باختند.

گروه‌های امداد ونجات تمامی ۳٤ نفر کارگر را از اعماق زمین بیرون کشیدند و ۱٤ مصدوم حادثه در بیمارستان بستری شدند.

با تشکیل یگان موتورسواران آتش‌نشان

زمان حضور آتش‌نشانان در محل حادثه کمتر می‌شود

سرویس خبر: سازمان آتش نشانی تهران با تشکیل یگان موتورسواران خود با موتورسیکلت‌های ۲۵۰ و ۷۵۰ سی سی زمان رسیدن ماموران آتش‌نشان به محل‌های حادثه را به کمترین زمان ممکن می‌رساند.

دکتر سیدرضا خوشزاد مدیرعامل سازمان آتش نشانی تهران درآستانه روز ایمنی و آتش نشانی درجمع خبرنگاران بااعلام این مطلب افزود: استاندارد حضور در صحنه حوادث ۵ دقیقه است که ماموران ما در تهران میانگین حضور را به کمتر از ۵ دقیقه رسانده‌اند و در حال حاضر برای حوادث حریق آتش‌نشانان در کمتر از ٤ دقیقه و ٤۳ ثانیه در محل حاضر می‌شوند. در عملیات امداد و نجات نیز میانگین حضور ۵ دقیقه و یک ثانیه است.

وی با اشاره به ایجاد شش ایستگاه جدید آتش نشانی درهفته آینده افزود: با افتتاح این ایستگاه‌ها تعداد ایستگاه‌ها به ۱۰۰ می‌رسد و تا پایان امسال نیز هفت ایستگاه دیگراضافه خواهد شد و براساس برنامه‌های پیش بینی شده تا پایان سال آینده به ۱۲۰ ایستگاه فعال می‌رسیم.

*** بازار، ایمنی لازم را ندارد**

خوشزاد با اشاره به اینکه بازار تهران ایمنی لازم را ندارد، گفت: ایمنی بازار تهران موضوعی است که در چند سال اخیر به آن بسیار پرداخته شده است. باید در این زمینه نهادهای مختلف وارد عمل شوند و طرحی را برای افزایش ایمنی بازار تهران تهیه و اجرا کنند. جامعه اصناف نیز باید همکاری بیشتری کند تا سطح ایمنی در بازار ارتقاء یابد.

وی بااشاره به اینکه انتقال انبار مواد شیمیایی از بازار ناصرخسرو با همکاری شرکت ساماندهی مشاغل عملیاتی شده است افزود: بازاریان باید کمک کنند تا انبارهای خود دربازار را به محل دیگری منتقل کنند. راه پله‌های بازار هم اکنون به انبار تبدیل شده است. بحث ساماندهی برق بازار هم یکی از مهمترین موضوعات قابل بحث در افزایش ایمنی بازار است.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی درباره ایمنی ساختمان‌های زیر شش طبقه نیز اظهار داشت: دستورالعملی در این زمینه ابلاغ شده است و تا پایان مهر عملیاتی خواهد شد. پیش از این ساختمان‌های در حال ساخت بیش از شش طبقه نیاز تاییدیه ایمنی بودند که با ابلاغ این آیین نامه تمام ساختمان‌ها بایددر زمان ساخت گواهینامه ایمنی بگیرند. بخشی از این کار را به ایستگاه‌ها سپرده و بخش دیگر را در اختیار دفاتر خدماتی قرار داده‌ایم.

***آتش نشان راشهید محسوب نکردند**

وی بااعلام اینکه ۳۷ آتش‌نشان شهید داریم که ۲۰ نفر از آنها در عملیات سازمان آتش نشانی به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و ۱۷ آتش نشان دیگر در دوران دفاع مقدس به شهادت رسیدندو ۱۲۰ جانباز را تقدیم نظام جمهوری اسلامی ایران کرده‌ایم، با انتقاد از بنیاد شهید در مورد تایید نکردن عنوان شهید برای شهدای سازمان آتش نشانی اظهار داشت: عنوان شهید برای آتش نشانانی که در جریان عملیات جان خود را از دست می‌دهند از سوی بنیاد شهید یکی از مواردی است که در چند سال اخیر مورد انتقاد سازمان آتش نشانی بوده است.

در این رابطه لایحه شهدا توسط سازمان تهیه شده و در اواخر مهر به شورای اسلامی شهر تهران فرستاده می‌شود.

*** نصب کپسول در خودروها**

مدیرعامل سازمان آتش نشانی درباره‌الزام‌شرکت‌های‌خودروسازی به نصب کپسول آتش‌نشانی در خودروها گفت: زور ما به شرکت‌های خودروسازی نمی‌رسد. سیاست ما این است خاموش کننده‌های رایگان در بین شهروندان توزیع کنیم، اما خاموش کننده‌های یک کیلوگرمی در برابر آتش سوزی جوابگو نیست وشهروندان باید از خاموش‌کننده‌های ٤ کیلوگرمی در خودروهای خود استفاده کنند یکی دیگر از مشکلات ما موانع قانونی برای بازدید از مراکز پرخطر است ما حتی برای بازدید رایگان ونصب خاموش‌کننده در ساختمان‌های تجاری نیز با مقاومت مالکان آنجا روبرو می‌شویم.

وی درباره آمادگی سازمان آتش نشانی در برابر زلزله احتمالی تهران گفت: بحث وقوع زلزله و اشاره به آن مردم را از نظر روانی دچار مشکل کرده است. سازمان آتش‌نشانی نیز در کنار دیگر سازمان‌های امدادی در صورت وقوع زمین لرزه احتمالی آمادگی دارد.

خوشزاد درباره فعالیت آتش‌نشانان داوطلب نیز با بیان اینکه این اقدام آتش‌نشانی سبب بالارفتن ضریب ایمنی و آمادگی شهروندان در مواجهه با حوادث می‌شود، افزود: یک آتش‌نشان داوطلب که آموزش‌های لازم را دیده است، می‌تواند با حضور به موقع در جمع خانواده یا نزدیکان هنگام حوادث به آنان امدادرسانی کند.

او از گذراندن دوره‌های آموزشی ۷۰۰۰ نفر از آتش‌نشانان داوطلب در سال گذشته خبرداد و گفت: ۵۰۰۰ تن از این افراد زن بودند.

خوشزاد افزود: تجدیدمیثاق با آرمان‌های امام(ره) و شهدای آتش نشانی، تجهیز و ایمن سازی ۱۲۵ مدرسه، ۱۲۵ مسجد و ۱۲۵ مجتمع مسکونی، افتتاح ٦ ایستگاه آتش نشانی، افتتاح دو مجموعه ورزشی، راه اندازی ناوگان موتورسیکلت سواران آتش‌نشان با ۱٤۰ دستگاه موتورسیکلت، توزیع ۱۰هزار خاموش کننده رایگان در بین شهروندان و تجلیل از آتش‌نشانان فداکار و شهروندانی که به یاری دیگران در زمان بروز حوادث رفته‌اند از مهمترین برنامه‌های سازمان آتش نشانی در هفته ایمنی و آتش نشان است.

*** فرونشست زمین تلفاتی نداشت**

معاون عملیات سازمان آتش نشانی نیز دراین نشست گفت: حوادث فرونشستن زمین در خیابان ولیعصر تاکنون تلفات جانی و خسارات مالی در پی نداشته است.

تیموری اظهار داشت: تعداد حوادث فرونشستن زمین در تهران پایین است. پایتخت به لحاظ قدمتی که دارد و وجود چاههای قدیمی با حوادثی مانند فرونشست روبرو است. در خیابان ولیعصر(عج) نیز به دلیل بافت فرسوده و قدیمی آن به خصوص در ولیعصر جنوبی شاهد این دست حوادث هستیم. حوادث فرونشست زمین با توجه به بافت خیابان ولیعصر و انجام پروژه عظیم مترو در آن یک موضوع قابل پیش بینی است و با اقدامات صورت گرفته تاکنون این حوادث تلفاتی نداشته است.

*** علت اصلی حوادث گازگرفتگی**

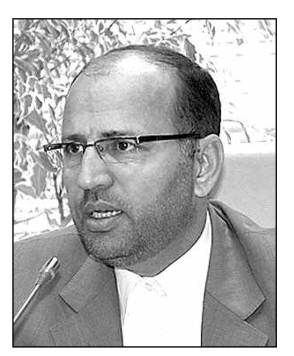
معاون پیشگیری سازمان آتش نشانی تهران گفت: ۷۰ درصد حوادث گازگرفتگی مربوط به نصب غلط دودکش و لوله‌های بخاری است.

مهندس غدیری با اشاره به اینکه برای پیشگیری از حوادث گازگرفتگی با خلاءهای قانونی روبرو هستیم. در کشورهای دیگر آتش نشانان می‌توانند برای بررسی ایمنی ساختمان‌ها به صورت سرزده به آنجا سرکشی کنند، اما در ایران ما فقط می‌توانیم به ساختمان‌های در حال ساخت سرکشی کرده و نکات ایمنی را بررسی کنیم.

وی افزود: ۷۰ درصد حوادث گازگرفتگی ناشی از نصب غلط دودکش و لوله بخاری است. امسال الزام شد ساختمان‌هایی که از سوخت فسیلی استفاده می‌کنند از سنسورهای مونوکسیدکربن در داخل ساختمان استفاده کنند.



همایش «جایگاه سند رسمی در نظم حقوقی» برگزار می‌شود



سرویس خبر: نخستین همایش «نقش و جایگاه سند رسمی در نظم حقوقی» ششم دی توسط کانون سردفتران و دفترياران با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برگزار می‌شود.

محمد رضا دشتی اردکانی رئیس کانون سردفتران و دفترياران با اعلام این خبر در جمع خبرنگاران، گفت: با توجه به جایگاه قانونی کانون سردفتران و دفترياران به عنوان نماینده یکی از بزرگترین مجموعه‌های حقوقی فعال در حوزه تنظیم سند رسمی، این نهاد در راستای انجام وظایف قانونی خود درخصوص سندرسمی با رویکرد توسعه ثبت رسمی و ارتقای نظم حقوقی در نظر دارد نخستین همایش «نقش و جایگاه سندرسمی در نظم حقوقی» را ششم دی با تاکید بر نقش موثر سندرسمی در بهداشت قضایی، قضازدایی و کاهش دعاوی محاکم قضایی و نظام بخشی تعاملات اجتماعی و صیانت از حقوق مردم با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و تعدادی از مراکز علمی و پژوهشی برگزار کند.

وی در ادامه از تلاش به منظور بسترسازی برای تبادل تجربیات و پژوهش‌های علمی و کاربردی محققان و پژوهشگران، حقوقدانان، سردفتران، وکلا، قضات و بطور کلی جامعه فقهی و حقوقی کشور با محوریت بررسی و تبیین جایگاه و نقش سندرسمی در نظم حقوقی؛ نگاهی به سیر تطور و تکامل تاریخی سندرسمی؛ بررسی قابلیت‌ها، چالش‌ها، کاستی‌ها و نقایص موجود؛ موانع شکوفایی توانمندی‌های سندرسمی؛ تدوین اولویت‌ها، ضرورت‌ها و نیازها با رویکرد بسترسازی مناسب در زمینه فعال سازی ظرفیتهای قانونی مسکوت گذارده شده حوزه سند رسمی و نگاهی دوباره به مشکلات پیش روی آن در عرصه تقنین، اجرا و نظارت با هدف پیشگیری از تضییع حقوق عامه ناشی از نقایص مورد اشاره، ناآگاهی عامه و سهل انگاری برخی نهادها با تلاش برای بهینه سازی شرایط جهت به فعلیت رساندن حداکثری ظرفیت‌های قانونی موجود سندرسمی؛ و ضرورت بازنگری قوانین فعلی به عنوان اهداف برگزاری این همایش یاد کرد.

دشتی اردکانی گفت: تمامی اعضای خانواده حقوقی کشور می توانند ضمن ارائه مقالات راهبردی و کاربردی مؤثر خود، یاریگر مجموعه برگزارکننده و یاریگر سندرسمی در بازشناساندن موقعیت ویژه آن در بین جامعه حقوقدانان و عامه مردم جامعه باشند.

اطلاعات بیشتر درخصوص همایش، در پرتال کانون سردفتران و دفترياران به نشانی www.notary.ir/hamayesh6dey قابل دسترسی است.

امدادگران برای حضور در صحنه زلزله آذربایجان شرقی رکورد زدند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: میانگین زمان حضور نیروهای هلال‌احمر در صحنه حادثه در واقعه زلزله آذربایجان شرقی ۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه بوده است.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، محمد مظفر، رئیس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر با اعلام این مطلب در جمع خبرنگاران و با اشاره به این‌که عملیات جستجو ظرف ۱۲ ساعت و عملیات اسکان حادثه دیدگان ظرف ۲٤ ساعت به پایان رسید، گفت: این تلاش‌ها در امدادرسانی به عنوان یک رکورد بین‌المللی به ثبت رسیده است.

وی با اشاره به این که تجهیزات سازمان هلال‌احمر در مقایسه با سال گذشته رشد ۵۷ درصدی داشته است، گفت: در طرح امداد و جات تابستانی امسال، یک هزار و ۲٦ پایگاه و پست موقت و سیار در بخش‌های جاده‌ای، کوهستانی، ساحلی، دریایی و شهری فعالیت داشته‌اند.

مظفر با اعلام این که در این ایام ۸ هزار و ٤۲٤ نفر دچار حادثه شده‌اند، گفت: عملیات ارزیابی، جستجو و امداد و نجات هم به همین تعداد انجام گرفته است و ده هزار ٦۱۸ نفر از مرگ حتمی نجات یافته‌اند.

رئیس سازمان امداد و نجات به دو زلزله در استان‌های ایلام و آذربایجان شرقی و آبگرفتگی گلستان به عنوان مهم‌ترین حوادث تابستان امسال اشاره کرد و درباره طرح ملی کاهش غریق دریای خزر گفت: بیشترین عملیات امدادی و مراجعات مردمی به هلال‌احمر با ۵۰۸ مورد در سواحل نوشهر اتفاق افتاده و هیچ حادثه فوتی و غرقی در این شهر رخ نداده است.

وی ساحل رامسر را با ۲۲ مورد دارای بیشترین شمار غریق در تابستان امسال معرفی کرد.

مظفر درباره امدادرسانی به زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی گفت: کار ساخت سرویس‌های بهداشتی در منطقه تکمیل شده و پکیج یک ماهه مواد غذایی در ۲۱۱ روستا توزیع شده است.

وی همچنین از توزیع لباس گرم، پتو، چراغ والور و هیتر در میان زلزله‌زدگان خبر داد و گفت: بیشترین نگرانی فعلی برای مسأله مسکن دائمی و مشکل تجهیز زیرساخت‌های برق‌کشی و همچنین ایجاد سرپناه برای دام‌هاست.

محمد جعفریان، رئیس سازمان جوانان هلال‌احمر هم در این جلسه با اشاره به فقر فرهنگی موجود در جامعه و تاثیر آن در وقوع غرق‌شدگی در سواحل خزر، تعداد مراجعات مردمی به پست‌های امدادی تابستانی در سواحل خزر را ۳ میلیون و ۹۳۷ هزار مورد خواند که نسبت به گذشته ۵۵ درصد رشد داشته است. وی با اشاره به تشکیل گروه فکری برای طراحی شعارهای تبلیغاتی برای پیشگیری از غرق‌شدگی و توزیع جلیقه‌های امانی میان مردم در تابستان امسال گفت: نزدیک به ٤ هزار نفر از جوانان جمعیت هلال‌احمر در طرح ملی کاهش غریق دریای خزر فعالیت داشتند که ۵۲ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند.

جعفریان افزود: تفاهمنامه‌ای با فدراسیون نجات غریق برای آموزش ۲ هزار جوان به امضا رسیده است.

رئیس سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر در پاسخ به پرسشی درباره افزایش آمار حوادث در جاده‌ها گفت: درباره این مسأله باید افزایش تعداد خودرو و افزایش مسافرت‌های تابستانی را هم در نظر گرفت و توجه داشت که میزان حوادث رخ داده در مقایسه با شمار مسافرت‌ها، رشد کمتری داشته است.

پویا حاجیان، مدیر روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر هم با اشاره به پنجاه و چهارمین روز ربوده شدن امدادگران هلال‌احمر ایران در لیبی گفت: از طریق سفارتخانه کشورمان در لیبی پیگیر وضع همکارانمان هستیم.

وی اعلام کرد که امدادگران ربوده شده تاکنون دوبار با خانواده‌هایشان تماس تلفنی داشته‌اند و از سلامتی‌شان مطلع هستیم.

روش جدید جراحی بیماران صرعی مقاوم به درمان در ایران

مدیر بیمارستان خاتم‌الانبیاء(ص) از انجام روش جدید جراحی بر روی بیماران صرعی مقاوم به درمان برای اولین در کشور خبر داد و گفت: این روش توسط تیم مشترک ایرانی و آلمانی در بیمارستان خاتم‌الانبیاء انجام شده است.

به گزارش مهر، پیرحسین کولیوند دیروز در نشست خبری که در مرکز تحقیقات علوم و اعصاب بیمارستان خاتم‌الانبیاء برگزار شد، اظهار داشت: این روش جراحی توسط تیم مشترک ایرانی و آلمانی، برای کنترل بیماری مبتلایان به تشنج انجام می‌شود که درمان بیمار توسط دیگر روش‌های دارویی جواب نمی‌دهد.

وی با اشاره به وجود بخش مجهز بیماران دچار تشنج در این بیمارستان، افزود: این روش برای کاهش آسیب‌های تشنج، بر روی آن دسته از بیماران صورت می‌گیرد که تشخیص داده می‌شوند امکان کنترل بیماری آنها با روش‌های دارویی وجود ندارد. وی با اعلام این‌که هیچ پزشکی در کشور حاضر نیست مسئولیت این بیماران را پس از عمل جراحی در خارج از کشور بپذیرد، گفت: وقتی یک بیمار در داخل جراحی می‌شود، تمامی مسئولیت بر روند درمان او توسط تیم پزشکی صورت می‌گیرد و از این بابت جای نگرانی برای بیمار وجود دارد. در ادامه دکتر سیدطاهری معاون درمان مرکز تحقیقات علوم و اعصاب بیمارستان خاتم‌الانبیاء به تشریح جزئیات این روش جراحی پرداخت.

وی، هدف از این روش جراحی را کاهش شدت تشنج در بیماران اعلام کرد و افزود: کاهش داروی مصرفی، برگرداندن بیمار به زندگی طبیعی، کاهش اختلالات روحی و روانی و... از اهداف این جراحی است.

برگزاری دومین کنگره کشوری «اندومتریوز» در زمستان امسال

پژوهشگاه ابن‌سینا طی روزهای ۲۷ و ۲۸ دی ماه امسال دومین کنگره کشوری «اندومتریوز» را برگزار خواهد کرد. مدیر روابط عمومی پژوهشگاه فناوری‌های نوین علوم زیستی جهاد دانشگاهی ابن‌سینا با اعلام این خبر افزود: در این کنگره، دانشمندان و دانش پژوهان رشته‌های مختلف زنان، بیولوژی، پاتولوژی، ژنتیک، ایمونولوژی، انکولوژی، اپیدمیولوژی، سم شناسی، عفونی، روانشناسی و حقوق و اخلاق زیستی و.... گردهم خواهند آمد تا نسبت به آسیب شناسی و علت شناسی آندومتریوز، تشخیص و درمان پزشکی و جراحی آندومتریوز، تأثیر عوامل محیطی بر آندومتریوز، آندومتریوز و ناباروری، مباحث اخلاقی و کیفیت زندگی مبتلایان به آندومتریوز و... به بحث و تبادل نظر بپردازند.

با شیوع تقریبی ۱۷٦ میلیون زن مبتلا در جهان و بار مالی حدود ۱۱۰ میلیارد دلار در سال، اندومتریوز یکی از شایعترین و پر هزینه‌ترین بیماری‌های زنان و مامایی بوده و با عوارض متعددی نظیر ناباروری، افزایش شانس ابتلا به سرطان تخمدان، دردهای شدید قاعدگی، کیفیت نامناسب زندگی خانوادگی و اجتماعی و اختلالات روانی همراه است.

کشف ۲۲۱ تن موادمخدر در ٦ ماه اول امسال



سرویس حوادث: رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا از دستگیری ۱۳۲ هزار قاچاقچی و انهدام ۱۱۰۰ شبکه موادمخدر در کشور درنیمه نخست امسال خبرداد.

سردار علی مؤیدی درجمع خبرنگاران یکی از خواسته‌های مهم مردم را مبارزه جدی با موادمخدر دانست و گفت: امروز مردم موادمخدر را تهدیدی جدی برای جان خویش و آیندگان می‌دانند و اگر پلیس در این راه شبانه‌روز ایثارگری می کند، صرفا در راستای پاسخگویی به مطالبات مردم است، چرا که سرمایه اجتماعی اساس اقتدار است.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا بااشاره به کشف حدود ۲۲۱ تن انواع موادمخدر گفت: تریاک با کشف ۱٦۵ تن در صدر بیشترین کشفیات موادمخدر قرار دارد.

وی با بیان این‌که امسال ۸۰۰ عملیات در نقاط مختلف کشور درعرصه مبارزه با موادمخدر اجرا شد، گفت: نزدیک به ۱۰۰ مورد این عملیات منجر به درگیری مسلحانه با قاچاقچیان و تقدیم چهار شهید به نظام شد.

مؤیدی با بیان اینکه در این عملیات ٤۵ قاچاقچی مسلح توسط ماموران پلیس به هلاکت رسیدند، گفت: ۸۰ درصد این عملیات در مرز و حاشیه مرزهای کشور بوده است.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با بیان این که استان‌های غیرمرزی و مرکزی ایران تلاش زیادی در امر مبارزه با موادمخدر داشته‌اند، گفت: به گونه‌ای که کشفیات در استان‌های غیر مرزی ۳۰ درصد افزایش داشته است.

به گفته وی، هرمزگان با ۱۷ درصد از کشفیات و مرزبانی ناجا با ۱٦ درصد کشفیات در راس استان‌ها و رده‌های انتظامی دارای بیشترین کشفیات بوده‌اند.

***اولویت‌های پلیس مبارزه با موادمخدر**

مؤیدی با بیان این‌که پلیس توانسته است با اتخاذ تمهیدات مفید و هدفمند در مرز خشکی به توفیقات زیادی در امر کاهش ورود موادمخدر دست یابد، گفت: آمارها نشان می‌دهد در مرز افغانستان توانسته‌ایم با ایجاد سدی محکم و غیر قابل نفوذ در مقابل قاچاقچیان موادمخدر بایستیم، اما باید پذیرفت که با مسدودشدن مسیر خشکی مافیا ناخودآگاه به سمت جنوب و آب‌های آزاد حرکت کرده که ناجا در راستای تدابیر فرماندهی در شرق و جنوب شرق برنامه‌های زیادی را در نظر گرفته است.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با اشاره به اینکه در مرز خشکی با افغانستان شاهد کمترین ورود موادمخدر به کشور هستیم، گفت: این مسیر به سمت پاکستان و آب‌های آزاد کشیده شده است و امروزه شاهد تغییر مسیر موادمخدر هستیم.

وی گفت: کمتر از ۳۰ درصد از مواد مخدر از سمت افغانستان وارد کشور می‌شود و ۷۰ درصد بقیه از طریق پاکستان و آب‌های آزاد وارد می‌شود.

***اعدام ۲۰ سرشبکه موادمخدر**

مؤیدی به انهدام ۱۰۰ کارگاه تولید مواد مخدر صنعتی در کشور اشاره کرد و گفت: امسال اولویت برخورد پلیس با موادمخدر صنعتی است وباتوجه به قانون مبارزه با موادمخدر صنعتی، برای نخستین بار امسال قانون در بحث احکام قضایی به اجرا درآمد و ۲۰ سرشبکه تولید و توزیع موادمخدر صنعتی اعدام شدند.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا گفت: پلیس سعی دارد با تکیه بر قانون جدید عرصه را برای قاچاقچیان و فعالان این حوزه تنگ کند.

وی با بیان این‌که در بحث مبارزه با موادمخدر در شش ماهه نخست امسال، ۱۱۰ هزار پرونده تشکیل شده است، گفت: ۱۱۰۰ شبکه شناسایی و منهدم شدند که این رقم درمقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳ درصد افزایش داشته است.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با بیان این‌که ۱۳۲ هزار تن در این مدت دستگیر شده‌اند، گفت: این رقم درمقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳ درصد کاهش داشته است که این کاهش به دلیل تمرکز پلیس روی دستگیری عناصر اصلی بود. مؤیدی درباره وضعیت کشت موادمخدر در کشورهای همسایه ایران، گفت: بر اساس اطلاعاتی که از سوی سازمان ملل در اختیار ما قرار گرفته است، مشخص شده که با تشویق، ترغیب و حمایت ناتو کشت موادمخدر در کشور افغانستان رو به افزایش است و این مسئله بخصوص در استان‌های همجوار با کشور ما شدت گرفته است.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا گفت: کشاورزان افغان، سربازان پیاده نظام ناتو در بحث ترویج موادمخدر هستند، به گونه‌ای که کشورهای خارجی ابزار لازم برای فعالیت آنان را در اختیارشان قرار می‌دهند.

***تمهیدات چند لایه پلیس برای کنترل حجاج**

وی درباره تمهیدات پلیس مبارزه با موادمخدر برای کنترل حجاج در حج تمتع امسال گفت: در دو سه سال اخیر با اقدامات صورت گرفته از سوی ناجا، توانسته‌ایم توفیقات مهمی در این زمینه کسب کنیم.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با بیان این‌که اقدامات ناجا برای کنترل حجاج در لایه‌های مختلف و با شیوه‌های متعدد طراحی شده است، گفت: در شروع حج و اعزام زائران، فیلترها و حلقه‌های کنترلی ناجا سخت‌تر می‌شود و از همین جا از حجاج اعزامی خواهش می‌کنم که اگر مبتلا به این بیماری هستند تا فرصت باقی مانده است خود را آماده کنند، چرا که پلیس کنترلی در لایه‌های مختلف و گیت‌های مختلف طراحی کرده است، به گونه‌ای که هیچ فردی نتواند نسبت به انجام این عمل اقدام کند.

وی با بیان این‌که بیشتر شبکه‌های منهدم شده در کشور در حوزه موادمخدر، عمدتا بین‌المللی هستند، گفت: این شبکه‌ها قصد داشتند موادمخدر را از راه ایران به غرب انتقال دهند که با اشرافیت قاطع پلیس این گروه‌هامنهدم شدند.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا با بیان این‌که عمده مصرف موادمخدرهای کشف شده، مصرف خارج از کشور داشته است، گفت: سیاست برخورد با باندهای بین‌المللی از آرمان‌های نظام و رهبری است.

***فرودگاه و گمرک برای قاچاقچیان ناامن است**

مؤیدی در باره انتقال موادمخدر صنعتی از ایران به کشورهای مالزی و تایلند، گفت: با سخت گیری‌های انجام شده در فرودگاه و گمرک این مسیر برای قاچاقچیان ناامن شده و عناصر اصلی آنان نیز دستگیر شده‌اند.

وی با بیان اینکه طرح تشدید برخورد با خرده‌فروشان و پاک‌سازی محلات در شش ماهه دوم امسال در دستور کار پلیس مبارزه با مواد قرار دارد، از مردم خواست تا اطلاعات خود را از طریق پلیس ۱۱۰ در اختیار پلیس قرار دهند تا پلیس با استفاده از اطلاعات مردمی ضمن شناسایی خرده‌فروشان و معتادان، نسبت به پاکسازی محلات اقدام کند.

بازداشت خریدار کارت‌های عابربانک سرقتی

سرویس حوادث: پلیس آگاهی تهران با دستگیری دزدانی که باهمدستی یک خریدار کارت‌های عابربانک سرقتی اقدام به برداشت وجوه شهروندان از حساب‌های آنها می‌کردند، از مردم خواست درصورت سرقت عابر بانک‌های خود حتما اقدام به ابطال آن کنند.

خانمی درشکایتی در مرداد امسال در شعبه پنجم دادیاری دادسرای جنایی تهران و پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران گفت: در حال تردد با خودرو شخصی خود بودم، اماوقتی پشت چراغ قرمز متوقف شدم دو سرنشین یک دستگاه هوندا ۱۲۵ قرمز رنگ که پیش از آن متوجه تعقیب خودروام توسط آنها شده بودم با باز کردن درب صندوق عقب اتومبیلم، کیف دستی ام حاوی مبلغ ۵۰۰ هزار تومان وجه نقد و تعداد چهار کارت عابر بانک (به همراه رمز درج شده بر روی کارت‌ها) را دزدیدند.

کارآگاهان باردیابی‌های خود درخصوص جابجایی پول‌ها از حساب‌بانکی سرقتی شاکی به مردی رسیدندکه با سرقت عابربانک‌های خواهر و خواهرزاده‌اش خود اقدام به فروختن این کارت‌ها به فردی به نام محمد کرده بود. با دستگیری محمد، اوعلاوه بر اعتراف به چندین فقره سرقت به شیوه کیف‌قاپی، دو همدست خود به اسامی داود و محمدرا نیز به عنوان متهمان اصلی معرفی و در بازجویی گفت: کارت‌های عابربانک متعلق به افراد غیر را به آنها می‌فروختم وسارقان کیف قاپ نیز پس از سرقت عابر بانک‌هاو در صورت امکان برداشت وجوه نقد داخل عابر بانک‌ها، با مراجعه به من اقدام به خرید کارت عابربانک‌های متعلق به افراد غیر کرده و با استفاده از این عابر بانک‌ها و در چندین نوبت وجوه نقد داخل عابر بانک‌ها را برداشت و حساب‌ها را خالی می‌کردند.

درادامه با دستگیری داود و محمد که به تازگی از زندان آزاد شده بودند، آنها نیز پس از شناسایی از سوی شاکی به دهها فقره سرقت به شیوه کیف قاپی بویژه در پشت چراغ قرمز و همچنین آویزان بری از مالباختگان زن اعتراف کردند.

سرهنگ اشراقی، رئیس پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اشاره به محل فعالیت متهمان در شرق و جنوب شرق تهران به‌ویژه در مناطق پیروزی، نیروی هوایی و خیابان محلاتی گفت: از همه شهروندانی که در طول چند ماه گذشته به شیوه فوق توسط سرنشینان موتورسیکلت‌های هوندا ۱۲۵ قرمز رنگ، پولسار آبی و یا مشکی رنگ، مورد کیف قاپی و سرقت اموال قرار گرفته‌اند می‌خواهیم برای اعلام شکایت به پایگاه ششم آگاهی مراجعه کنند.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲٦۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیام‌ها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یك پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیام‌ها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

حق به حق‌دار نمی‌رسد!

متأسفانه هر سال شاهدیم سؤالات امتحانات پذیرش دستیاران تخصص، امتحان ارتقای دستیاران متخصص و امتحانات دانشنامه تخصصی و فوق تخصصی رشته‌های مختلف پزشکی پر از اشتباهات علمی و ساختاری است و در واقع قبولی و مردودی شرکت‌کنندگان و به دنبال آن سرنوشت متقاضیان براساس امتحاناتی نادرست تعیین می‌شود و گاهی حق به حق‌دار نمی‌رسد، که جا دارد موضوع بررسی شود.

پزشک فوق تخصص

تشکر برای ایجاد دفاتر مشاوره آگاهی

روزنامه اطلاعات ۲٦ شهریور ۹۱ از قول رئیس پلیس آگاهی خبری چاپ کرد مبنی بر راه‌اندازی دفاتر مشاوره آگاهی برای حل مشکلات افراد و دادن مشاوره به آنان. طرح بسیار خوبی است و امیدوارم تعداد این دفاتر در سطح شهرستان‌ها و استان‌های کشور افزایش یابد.

یغمایی از همکاران روزنامه اطلاعات

احداث پارکینگ در عمق زمین

در برخی کشورها برای بهتر شدن وضع ترافیک و رفع مشکل پارکینگ از عمق سه متری زیر خیابان‌ها و پارک‌ها به عنوان پارکینگ استفاده می‌شود که بهتر است ایران هم الگوبرداری کند.

معلم‌زاده

پله‌برقی کار نمی‌کند

مدتی است که پله‌برقی پل عابر جنب میدان میوه و تره‌بار خیابان کرمان کار نمی‌کند. برخی می‌گویند خانمی پایش لای پله‌ها گیر کرده است و از آن پس مسئولان تصمیم به خاموش کردن پله برقی گرفته‌اند که دلیل قانع کننده‌ای نیست. افراد مسن و میانسال چگونه از پل عابر رفت و آمد کنند؟

از ساکنان خیابان کرمان

نهار و ناهار به معنای غذای ظهر است

یکی از علاقه‌مندان به حل جدول‌های روزنامه اظهار داشته بود کلمه «نهار» به معنای روز است و نباید آن را مترادف غذای ظهر دانست، حال آنکه به استناد فرهنگ روز سخن از دکتر حسن انوری، نهار و ناهار هر دو را می‌توان به معنای غذای ظهر به حساب آورد.

باغبان ـ طراح جدول

سبد کالای رمضان پرداخت نشده است!

سبد کالای رمضان کارکنان بیمارستان کودکان مفید هنوز پرداخت نشده است، چرا هیچ مسئولی به این موضوع رسیدگی نمی‌کند؟

از کارکنان بیمارستان مفید

طریقه پرداخت بهای گاز اعلام شود

از اداره گاز تهران درخواست می‌شود در اطلاعیه‌ای، طریقه پرداخت بهای گاز ساختمان‌هایی را که همه واحدهایش از یک کنتور بهره می‌برند، اعلام کند تا از این نظر اختلافی بین همسایگان به وجود نیاید.

یک مجتمع‌نشین

جلوگیری از رفت و آمد موتورها از پیاده‌ها

ضروری است مسئولان راهور نیروی انتظامی به وسیله دوربین و یا اعزام مأموران خود، از رفت و آمد بی‌رویه موتورسواران در پیاده‌رو شرقی خیابان ولیعصر(عج) حدفاصل خیابان جام‌جم تا چهارراه پارک‌وی جلوگیری کنند تا حق عبور و مرور عابران ضایع نشود.

تلفن به خط ارتباطی

انتظار برای گرفتن شماره تلفن از ۱۱۸ بروجرد

برای گرفتن شماره تلفن از سامانه ۱۱۸ بروجرد باید حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه معطل شد، حال آنکه ممکن است برخی افراد کار ضروری داشته باشند. معمولاً شهروندان حدود پنج دقیقه به اجبار آهنگ گوش می‌دهند و سپس تلفن گویا اعلام می‌کند که «از ارتباط شما با ۱۱۸ بروجرد تشکر می‌کنیم، لطفاً منتظر بمانید»! دوباره به انتظار می‌نشینیم و در آخر گاهی می‌گوید: «همشهری عزیز لطفاً دوباره تماس بگیرید!»، که این فرایند نیز چند بار تکرار می‌شود!

بروجرد ـ یک شهروند

با آل محمد(ص) هر که درافتاد، ور افتاد!

با توهین به ساحت مقدس پیامبر اعظم(ص)، دست اسرائیل و آمریکا برای همه دنیا رو شد. دشمنان اسلام باید بدانند با محمد(ص) و آل محمد هر که در افتاد، ور افتاد.

شهرضا (اصفهان) ـ محمدرضا میرزایی

روزی به نام قرآن نامگذاری شود

در صفحه ورزشی روزنامه اطلاعات ۲۷ شهریور ۹۱ خواندم که ۱٦ مهرماه «روز کاراته» نام گرفته است. در عجبم چرا در جامعه ما که اسلامی است، روزی به نام قرآن ـ عترت و اهل بیت(ع) نامیده نمی‌شود؟

حافظ کل قرآن مجید و نهج‌البلاغه

حباب سکه و طلا هر روز بزرگ‌تر می‌شود

مسئولان اقتصادی هرروز اعلام می‌کنند حباب سکه و طلا ترکید، حال آنکه شاهدیم این حباب هر روز بزرگ‌تر می‌شود، چرا مسئولان اجازه می‌دهند گرانی و تورم بی محابا پیش رود؟

تبریز ـ تلفن به خط ارتباطی

توجهی به خواست‌های بازنشستگان نمی‌شود

هر روز درخواست بازنشستگان کشوری از مسئولان برای پرداخت مطالباتشان را در روزنامه می‌خوانیم، حال آنکه هیچ ترتیب اثری داده نمی‌شود.

اگر قرار است هیچ مسئولی به سخنانمان توجه نکند بهتر است آرا و نظرات هم در خط ارتباطی منعکس نشود.

محمد رفیع‌زاده

درخواست از شهرداری

مدتی است رفت و آمد ازدحام کوچه‌های منتهی به خیابان اصلی یوسف‌آباد به دلیل وجود بانک‌ها و ادارات، زیاد شده است، حال آنکه در ضلع شمالی غربی میدان فرهنگ، ساختمان نیمه‌کاره‌ای رها شده است که شهرداری می‌تواند از آن به عنوان پارکینگ استفاده و مشکل جای پارک رانندگان را حل کند.

از اهالی

اجاره خانه‌ها افزایش یافته است

قرار بود فقط ۱۵ درصد بر اجاره‌بها منازل افزوده شود، اما صاحبخانه ما خانه‌ای را که پارسال ۲۸ میلیون تومان رهن کرده بودیم، امسال ٤۰ میلیون تومان اجاره می‌دهد. حال حساب کنید اجاره بها چند درصد اضافه شده است؟

یک مستأجر

از رزمندگان ارتش هم یاد شود

گلایه‌ام به عنوان یک نظامی بازنشسته این است که چرا در خاطراتی که از دوران دفاع مقدس از تلویزیون پخش می‌شود، بیشتر از عزیزان بسیج و پاسدار نام می‌برند و از رزمندگان ارتش و ژاندارمری آن زمان و حتی سپاه پاسداران که بنا به دلایلی در مرز حضور نداشتند، اما زحمت زیادی کشیده‌اند نام برده نمی‌شود؟ من بیش از ٦۰ ماه در مناطق عملیاتی حضور داشتم، امیدوارم در برنامه‌های تلویزیونی از ارتش و ژاندارمری هم نامی برده شود.

تبریز ـ موسوی

لزوم نظارت بیشتر بر بانک‌های خصوصی

چند ماه قبل تحت تأثیر تبلیغات یکی از بانک‌های خصوصی به شعبه مرکزی آن در خیابان فرشته مراجعه کردم. رئیس شعبه ادعا کرد که به حساب‌های کوتاه مدت سرمایه‌گذاری ۱۸ درصد سود تعلق می‌گیرد، اما پس از چند ماه متوجه شدم که فقط ۷ درصد سود سپرده محاسبه کرده‌اند.

چرا بانک مرکزی اجازه می‌دهد برخی بانک‌های خصوصی با تبلیغات غیرواقعی، مردم را برای سپرده‌گذاری جلب کنند؟

علیرضا احمدی

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

گلریزان به مناسبت میلاد با سعادت امام رضا(ع)

آیین معنوی گلریزان به مناسبت ولادت با سعادت امام رضا(ع) جمعه این هفته در زورخانه زارع (شهری) برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون پهلوانی و زورخانه‌ای کشور، این آیین، مصادف با ولادت هشتمین امام مهربان شیعیان از ساعت ۱۶ تا ۱۸ به همت فدراسیون پهلوانی و زورخانه‌ای کشور و همکاری شبکه رادیویی ورزش و کمیته امداد امام خمینی(ره) با هدف کمک به مستمندان و نیازمندان در زورخانه زارع(شهری) برگزار خواهد شد.

برگزاری جشن ولادت امام رضا(ع) در کانون نخبگان و قهرمانان کشتی

جشن باشکوه ولادت حضرت ثامن الائمه، امام رضا(ع) جمعه این هفته از سوی کانون نخبگان و قهرمانان کشتی سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ در حسینیه دوکوهه برگزار می‌شود.

مسئول کانون نخبگان و قهرمانان کشتی تهران با اعلام این خبر، گفت: سرلشگر پاسدار دکتر محسن رضایی در نخستین جلسه هیأت مذهبی بسیج کشتی تهران با نام هیئت ورزشکاران و عاشقان امام علی(ع) تشکیل شده به ایراد سخنرانی خواهد پرداخت.

رضا صفری افزود: این آیین همزمان با جشن ولادت امام رضا(ع) و به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس از ساعت ۱۰ صبح جمعه این هفته در حسینیه دوکوهه، واقع در میدان شهدا، خیابان فدائیان اسلام، خیابان عظیم زادگان برگزار می‌شود و علاوه بر اعضاء کانون قهرمانان، جمعی از مربیان، ملی‌پوشان، کشتی گیران و عنواندارن جهانی در این آیین حضور خواهند داشت.

برگزاری مسابقات کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی کشور؛ بهمن

دبیر فدراسیون کشتی، از به تعویق افتادن زمان برگزاری مسابقه‌های کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی بزرگسالان ایران در سال جاری خبر داد و اعلام کرد، این مسابقه‌ها، بهمن برگزار خواهد شد.

عارف ربطی، در این باره تصریح کرد: مسابقه‌های کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی بزرگسالان ایران هر سال به رسم معمول، پس از پایان پیکارهای کشتی قهرمانی بزرگسالان جهان در فصل پاییز و در یکی از ماه‌های مهر، آبان و آذر برگزار می‌شد.

ربطی تصریح کرد: اما فدراسیون کشتی، امسال به دلایل مختلف، زمان برگزاری مسابقه‌های کشتی آزاد و فرنگی قهرمانی بزرگسالان ایران را تغییر داد و این مسابقه‌ها در فصل زمستان و در بهمن با فاصله یک تا دو هفته در دو شهر مختلف برگزار خواهد شد.

برنامه روز پنجم مسابقات فوتبال قهرمانی نوجوانان آسیا

برنامه روز پنجم و پایانی مرحله گروهی مسابقات فوتبال قهرمانی نوجوانان آسیا ـ که امروز برگزار می‌شود ـ اعلام شد.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، امروز تیم ملی فوتبال نوجوانان ایران که صعودش به مرحله بعدی قطعی شده است به مصاف کویت می‌رود. ایران و کویت در حالی به مصاف هم می‌روند که ایران با یک تساوی به عنوان تیم اول گروه به مرحله بعد می‌رود تا در بازی حساس پلی آف یک چهارم به مصاف تیم دوم گروه دوم که عراق یا استرالیاست، برود.

در گروه دوم، دیدار عراق و استرالیا برای سرگروهی است و دیدار دو تیم دیگر گروه یعنی تایلند و عمان، تشریفاتی خواهد بود. ایران فقط در صورت شکست، تیم دوم گروه می‌شود.

اعلام فهرست ۲۵ نفره تیم ملی فوتسال برای جام جهانی

سرمربی تیم ملی فوتسال ایران اسامی ۲۵ بازیکن را برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۲ اعلام کرد که در آن نام شمسایی دیده نمی‌شود.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، امیرحسین پورمحمد، مدیر رسانه‌ای تیم ملی فوتسال، اسامی بازیکنان را به این شرح اعلام کرد: مجتبی نصیری‌نیا، محمود لطفی، سجاد بندی سعدی، محمد کشاورز، حمید احمدی، جواد اصغری مقدم، علی اصغر حسن زاده، مصطفی طیبی، مسعود دانشور، محمد طاهری، مهدی جاوید، مصطفی نظری، احمد اسماعیل پور، علی رهنما، حسین طیبی، قدرت بهادری، افشین کاظمی، فرهاد فخیم، سعید کیایی، علیرضا صمیمی، فرید نمازی، سپهر محمدی، حمید یوسفی، مجید تیکدری‌نژاد و محمد کوهستانی قبل از عزیمت تیم ملی فوتسال به تایلند برای شرکت در جام جهانی ۲۰۱۲ از بین این بازیکنان ۱۴ نفر برای حضور در رقابت‌های مذکور انتخاب خواهند شد.

مسابقات فوتسال جام جهانی ۲۰۱۲ از ۱۱ تا ۲۸ آبان در تایلند برگزار می‌شود.

نکته مهم در فهرست تیم ملی فوتسال، بازگشت مصطفی نظری به تیم ملی و دعوت نکردن دوباره از وحید شمسایی است.

بازی‌های مهیج و دیدنی هفته دهم لیگ برتر فوتبال؛ امروز و فردا



لغو بازی راه‌آهن با مس، امضای حکم اخراج کاستا یا ادامه مشکلات آبی‌ها، رویارویی مربیان موفق لیگ یازدهم، دیدار صدرنشین با تیم بدون سرمربی و تفکر یاوری برای شکست سومین مربی پرتغالی از اتفاقات جالب روز نخست از هفته دهم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور است.

هفته دهم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور، گرامیداشت عملیات ثامن الائمه(ع) و شکست محاصره آبادان توسط رزمندگان اسلام در حالی امروز با برگزاری چهاردیدار آغاز می‌شود که طبق تصمیم سازمان لیگ، بازی مس کرمان ـ راه‌آهن در این روز لغو شد.

در این بازی‌ها، نفت برای ادامه صدرنشینی مقابل تیم بدون سرمربی به میدان می‌رود، دیدار پیکان با فولاد، نبرد مربیان موفق لیگ یازدهم است، یاوری در اندیشه شکست سومین تیم لیگ برتری است که یک مربی پرتغالی آن را هدایت می‌کند و استقلال در آبادان یا حکم اخراج کاستا را امضا می‌کند و یا بحران خود را بیشتر خواهد کرد.

تداوم صدرنشینی

صدرنشین لیگ به مصاف تنها تیم بدون سرمربی لیگ دوازدهم می‌رود، تیمی که پس از جدایی مهدی تارتار و شکست سنگین در تبریز، پرحاشیه‌ترین تیم لقب گرفت. در این شرایط به نظر می‌رسد، شاگردان ابراهیم‌زاده کار ساده‌ای برای پیروزی در این بازی خارج از خانه و حفظ صدرنشینی دارند، مگر اینکه گهری‌ها مقابل تماشاگرانشان شگفتی‌ساز شده و از حریف صدرنشین خود امتیاز بگیرند.

مصاف شگفتی سازان

نخستین مسابقه پیکان با مدیرعامل جدید، امروز در حالی در ورزشگاه تختی انجام می‌شود که این بازی را می‌توان نبرد موفقترین مربیان فصل گذشته لیگ دانست؛ ویسی به همراه بازیکنان گمنام صبا آسیایی شد و نفت تهران با هدایت فرکی، یکی از شگفتی‌سازان لیگ یازدهم بود. البته پیکان پس از چهار پیروزی متوالی، هفته پیش مقابل سایپا تن به شکست داد و در این مسابقه به فکر جبران آن باخت در شهرآورد خودروسازان است. شاگردان اهوازی فرکی هم پس از پنج هفته ناکامی، در بازی پیشین خود ملوان را شکست دادند و تا حدودی از بحران خارج شدند، ولی برای سروسامان دادن به وضع خود به کسب ۳ امتیاز از ورزشگاه تختی نیاز دارند.

ثبت رکوردی جالب

سومین نبرد یاوری که به سرهنگ فوتبال ایران شهره است، با مربیان پرتغالی در بازی فجر ـ تراکتورسازی رقم می‌خورد. پیرترین مربی ایرانی لیگ که در دو تقابل گذشته‌اش با مربیان پرتغالی لیگ صددرصد موفق بود؛ (پیروزی ۳ بر ۲ بر پرسپولیس با هدایت مانوئل ژوزه و برتری ۲ بر صفر مقابل صنعت نفت آبادان با هدایت خوزه کاستا) امروز در اندیشه غلبه بر سومین مربی پرتغالی لیگ است تا با ثبت رکوردی جالب برای خود، به جمع چهار تیم بالای جدول باز گردد.

در این بین، تراکتورسازان که در این فصل انتظارات هوادارانشان را برآورده نکردند، پس از پیروزی پرگل هفته پیش مقابل گهر دورود، نمی‌خواهند بدون امتیاز شیراز را ترک کنند.

آخرین فرصت کاستا

آیا بازی با استقلال آخرین فرصت برای کاستای پرتغالی است؟ این مربی که در هفته‌های گذشته تیغ تیز برکناری را بالای سر خودش می‌دید، در صورت شکست دادن استقلال با قلعه‌نویی، جایگاهش را روی نیمکت داغ آبادانی‌ها حفظ می‌کند، ولی در صورت باخت، شاید وداع تلخی با لیگ داشته باشد.

در نقطه مقابل، استقلالی‌ها هم شرایط خوبی ندارند و برای نجات از بحران روزهای اخیر و شعارهای اعتراض‌آمیز «مجیدی ـ مجیدی» دل به پیروزی در آبادان دوخته‌اند. باید دید آبی‌پوشان تهرانی که یکی از ضعیف‌ترین خط حمله‌های لیگ دوازدهم را در اختیار دارند، مقابل یکی از ضعیف‌ترین خط دفاع‌های لیگ موفق می‌شوند و حکم اخراج کاستا را امضا می‌کنند و یا باز هم با ناکامی در آبادان، روزهای آینده خود را تلخ‌تر خواهند کرد.

بازی‌های امروز

گهر زاگرس ـ نفت تهران، ساعت ۱۷:۱۵، ورزشگاه انقلاب کرج

مس کرمان ـ راه‌آهن، (لغو شد)

پیکان تهران ـ فولاد خوزستان، ساعت ۱۷:۱۵، ورزشگاه تختی تهران

فجرسپاسی شیراز ـ تراکتورسازی تبریز، ساعت ۱۷:۱۵، ورزشگاه دستغیب شیراز

صنعت نفت آبادان ـ استقلال تهران، ساعت ۱۸:۳۰، ورزشگاه تختی آبادان

بازی‌های فردا

ذوب‌آهن اصفهان ـ سایپای البرز، ساعت ۱۷:۱۵، ورزشگاه فولادشهر اصفهان

صبای قم ـ داماش گیلان، ساعت ۱۷:۱۵، ورزشگاه یادگار امام(ره) قم

ملوان بندرانزلی ـ سپاهان اصفهان، ساعت ۱۷:۲۵، ورزشگاه تختی بندرانزلی

پرسپولیس ـ آلومینیوم هرمزگان، ساعت ۱۸:۳۰، ورزشگاه آزادی تهران

بدون تماشاگر سرخپوش

رای کمیته استیناف در باره تخلفات تماشاگران تیم فوتبال پرسپولیس مقابل صبای قم اعلام شد.

به گزارش سایت فدراسیون فوتبال، با توجه به آرای صادره توسط کمیته‌های استیناف و انضباطی در خصوص محکومیت باشگاه پرسپولیس و قطعیت این رای، رای تعلیقی این باشگاه در خصوص انجام بازی بدون تماشاگر اجرا خواهد شد و تیم پرسپولیس در نخستین بازی که به عنوان میزبان به میدان خواهد رفت، بدون تماشاگر خواهد بود و رای تعلیقی قبلی، قطعی و اجرا خواهد شد.

بر همین اساس، دیدار دو تیم پرسپولیس و آلومینیوم هرمزگان که فردا در هفته دهم، برگزار خواهد شد، بدون حضور تماشاگر است.

لغو بازی راه‌آهن ـ مس کرمان

دیدار تیم‌های فوتبال راه‌آهن و مس کرمان از هفته دهم رقابت‌های فوتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور لغو شد.

به گزارش سایت باشگاه راه‌آهن، این بازی قرار بود، امروز در کرمان برگزار شود، ولی سازمان لیگ اعلام کرد که این بازی لغو شده است.

البته طبق برنامه اولیه، این بازی باید در تهران و به میزبانی راه آهن برگزار می‌شد، ولی به دلیل برگزاری مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا در زمین اکباتان، ورزشگاه اختصاصی راه‌آهن، توافقاتی مبنی بر جابه‌جایی میزبان بازی در دور رفت و برگشت با فدراسیون فوتبال و باشگاه مس کرمان انجام شده بود.

طبق این توافق قرار بود، بازی امروز در کرمان برگزار شود، ولی مدیریت جدید باشگاه مس با تصمیم مذکور مخالفت کرد به همین دلیل سازمان لیگ فوتبال، دیروز با ارسال نامه‌ای به دو باشگاه و همچنین هیات فوتبال کرمان، از لغو بازی خبر داد.

در نامه سازمان لیگ تاکید شده که بازی بعد از مسابقات قهرمانی نوجوانان آسیا برگزار خواهد شد، ولی زمان آن هنوز مشخص و اعلام نشده است.

آغاز شانزدهمین دوره مسابقات والیبال جوانان آسیا؛ فردا در ارومیه

شانزدهمین دوره مسابقات والیبال جوانان آسیا ـ انتخابی جام جهانی با حضور ۱۳ تیم از ۶ تا ۱۴ مهر در سالن شش هزار نفری الغدیر ارومیه و ۳ هزار نفری شهید آهندوست برگزار می‌شود.

با توجه به انصراف قطر، پاکستان و کویت از شرکت در این دوره از مسابقات، کشورهای ایران، چین، کره جنوبی، قزاقستان، تاجیکستان، چین تایپه، استرالیا، ازبکستان، ژاپن، تایلند، سریلانکا، هندوستان و افغانستان ۱۳ تیم شرکت کننده در این رقابتها را تشکیل می‌دهند که سه تیم برتر جواز حضور در مسابقات جهانی را کسب می‌کنند.

شهر ارومیه به عنوان مهد والیبال آسیا، پیش از این در سال ۸۹ میزبان مسابقات والیبال مردان آسیا و مسابقات والیبال دانش آموزان آسیا در سال ۹۰ بوده و اکنون به واسطه ایجاد زیرساختهای ورزشی و رفاهی لازم، آماده میزبانی از شانزدهیمن دوره مسابقات والیبال قهرمانی آسیا ـ انتخابی جام جهانی است.

ساعات برگزاری مسابقات، توسط میزبان برنامه ریزی شده و یک بازی ساعت ۱۰ صبح و سه بازی در نوبت بعد از ظهر و در ساعا ت ۱۴، ۱۶ و ۱۸ برگزار می‌شود که بعد از پایان دور مقدماتی، دو روز مسابقات پلی اف برگزار می‌شود.

تیمهای اول و دوم هر گروه به عنوان تیم‌های برتر، برای کسب عنوانهای اول تا هشتم و تیم‌های دوم و سوم هر گروه، برای کسب عناوین نهم تا شانزدهم رقابت می‌کنند.

پس از مرحله مقدماتی، تیمها از یکشنبه هفته آینده در مرحله بعد به صورت ضربدری به مصاف هم خواهند رفت، بطوری که تیم‌های برتر گروه‌های اول و دوم با یکدیگر و تیم‌های حاضر در گروه‌های سوم و چهارم به صورت ضربدری به مصاف هم می‌روند. سه‌شنبه هفته آینده همه تیم‌ها استراحت خواهند داشت و بازی‌های فینال، جمعه برگزار می‌شود.

بازیکنان تیم ملی جوانان

سرمربی تیم ملی والیبال جوانان ایران اسامی ۱۲ ملی پوش ایران حاضر در شانزدهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی جوانان آسیا به میزبانی ارومیه را اعلام کرد.

فرهاد نفر زاده، نفرات اعزامی به ارومیه برای شرکت در شانزدهمین دوره بازیهای قهرمانی جوانان آسیا ـ انتخابی جام جهانی ۲۰۱۳ به میزبانی ارومیه را اعلام کرد.

صابر کامروامنش، میلاد عبادی پور، آرش تقوی، علیرضا نصر اصفهانی، جواد حسین آبادی (کاپیتان)، محمد فلاح، شهاب احمدی، علی رشیدی، امیرعلی محمد فتحعلی، رسول شهسواری، رضا رزاقی و محمد امیرمحمد اعضای تیم ایران هستند.

تیم والیبال جوانان کشورمان آخرین تمرین خود را در سالن والیبال تهران برگزار کرده و پریروز همراه تیم‌های ژاپن، کره و استرالیا وارد ارومیه شدند تا سه روز قبل از آغاز شانزدهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی جوانان آسیا در این شهر مستقر شود.

علی ستوده روان، فرهاد نفرزاده، محمدخمسه، فرشاد سعیدی، حمیدجعفرزاده، علیرضا طلوع کیان، سعید ضیغمی و امیر حاجی مقدم بعنوان اعضای کادر فنی تیم ایران معرفی شده اند.

تیم والیبال جوانان ایران با تیم‌های قطر، استرالیا و ترکمنستان همگروه است که قطر از حضور در این مسابقات انصراف داده است.

تیم ملی ایران در روز نخست بازی‌ها به دلیل انصراف قطر استراحت کرده و جمعه در روز دوم مرحله مقدماتی، ساعت ۱۸ به مصاف استرالیا و روز سوم با والیبالیست‌های ترکمنستان در همین ساعت بازی می‌کند.

چهار تیم برتر شانزدهمین دوره مسابقات والیبال قهرمانی جوانان آسیا، جواز حضور در مسابقات جهانی سال ۲۰۱۳ را به دست می‌آورند.

رقبای اصلی ایران

رئیس فدراسیون والیبال، تیم‌های ملی جوانان کره جنوبی، ژاپن و استرالیا را رقبای اصلی ایران در شانزدهین دوره مسابقات والیبال جوانان آسیا دانست.

محمدرضا داورزنی با بیان اینکه در این دوره از مسابقات، تیم‌های یاد شده به عنوان رقیب ایران، برای قهرمانی آمده‌اند و کار تیم ایران با توجه به میزبانی بسیار سخت و دشوار است، افزود: امیدواریم با حمایت تماشاگران در بازیهای مختلف و ایجاد روحیه برای بازیکنان، قهرمانی تیم ملی والیبال جوانان ایران به والیبال دوستان ارومیه‌ای تقدیم شود.

وی با ابراز خرسندی از موفقیتهای اخیر والیبال ایران در عرصه‌های آسیایی، بین‌المللی و جهانی، گفت: پس از موفقیت بی نظیر ایران در رسیدن به لیگ جهانی، امروز مردم ایران در همه مسابقات رشته والیبال، از جوانان ایرانی قهرمانی می‌خواهند که این امر، کار ما را در تورنمنت‌ها سخت‌تر کرده است.

خسروی وفا: نباید به مدال‌های پارالمپیک لندن قانع باشیم



رئیس کمیته ملی پارالمپیک گفت: امیدوارم به مدال‌هایی که در پارالمپیک کسب کرده‌ایم، قانع نباشیم و برای آینده برنامه‌ریزی کنیم، چرا که با تلاش بیشتر به نتایج بهتری می‌رسیم.

محمود خسروی‌وفا در آیین تجلیل از ورزشکاران پارالمپیکی که در سالن شهید رجایی استانداری خوزستان برگزار شد، با بیان مطلب بالا، افزود: خدا را شکر می‌کنم که کشورمان در همه عرصه‌ها به موفقیت دست یافته است و افتخار می‌کنیم که در المپیک دل مردم شاد شد و به دنبال آن کاروان پارالمپیک، افتخارآفرینی کرد.

وی افزود: کاروان پارالمپیکی کشورمان با ۷۹ ورزشکار در ۱۳ رشته ورزشی به نام شهید رئیسعلی دلواری که ۱۰۷ سال قبل با فداکاری‌هایش، جلوی قشون انگلیسی را گرفت و نام بزرگ ایران را ماندگار کرد، با شعار توکل، تلاش و میثاق با شهدا راهی این رقابت‌ها شد.

رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان با بیان اینکه این هفتمین پارالمپیکی بود که کشورمان در آن حضور یافت، گفت: در ۱۸ روزی که کاروان ایران در این پیکارها حضور داشت، هر روز را به نام یک شهید نامگذاری کردیم.

وی تصریح کرد: در دوره قبل بازی های پارالمپیک، بین ۱۴۰ کشور مقام بیست و دوم را کسب کردیم، ولی امسال بین ۱۶۰ کشور مکان یازدهم را به دست آوردیم که از لحاظ رتبه‌ای و همچنین مدال، بهترین دوران را داشته‌ایم. از نظر کیفی نیز در این دوره صد درصد، رشد داشته‌ایم.

خسروی‌وفا افزود: نخستین مدال طلای بانوان در این دوره از مسابقات به دست آمد. در این رقابت‌ها بارها و بارها شاهد رکوردشکنی ورزشکاران ایرانی بودیم و ما منهای کشور چین در آسیا اول شدیم و حتی کشورهای اروپایی مانند فرانسه و ایتالیا که ۱۰۰ ورزشکار از تیم ایران بیشتر داشتند، در رده‌های پایین‌تری از ما قرار گرفتند.

وی تاکید کرد: این موفقیت حاصل نشد، جز با اراده جوان مسلمان ایرانی که با شعار توکل، تلاش و میثاق با شهدا به این رقابت‌ها اعزام شد و توانست در لندن موفقیت کسب کند. ما مفتخر شدیم که رهبر معظم انقلاب در پیامی به کاروان پارالمپیک تاکید کردند که باید به صورت ویژه از این کاروان تجلیل شود.

رئیس کمیته ملی پارالمپیک با قدردانی از استاندار خوزستان، گفت: از وی که برای ورزشکاران خوزستان زحمت می‌کشد و وقت خود را به ورزش اختصاص می‌دهد و از قهرمانان تجلیل می‌کند قدردانی می‌کنم و خوشحالم که این افتخار نصیب من شده است که در هفته دفاع مقدس در این جا حضور داشته باشم.

وی گفت: قبل از انقلاب اسلامی، امکانات ورزشی در کشور برای معلولان وجود نداشت، ولی بعد از انقلاب این امکانات شکل گرفته و تاکنون ۱۰۰ مجموعه ورزشی اختصاصی برای جانبازان و معلولان در کشور ساخته شده است.

خسروی‌وفا با بیان این‌که حضور در بازیهای پارالمپیک و المپیک افتخار است، گفت: بازیکنان نابینا و کم‌بینای ما نیز در این رقابت‌ها حضور داشتند و اگرچه موفق به کسب مدال نشدند، ولی حضورشان جای افتخار دارد، چرا که آن‌ها نیز زحمت کشیدند.

وی افزود: در بین ۱۱هزار نفری که در این رقابت‌ها شرکت کردند، فقط ۳۰۰ مدال طلا بین ورزشکاران تقسیم شد که این موضوع باعث شد همه ورزشکاران با مدال به کشورهای خود برنگردند؛ پس سهمیه گرفتن برای حضور در این پیکارها مهم است.

رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان تصریح کرد: این موضوع که توانسته‌ایم در این دوره از رقابت‌ها به رتبه بهتری نسبت به دوره قبل دست پیدا کنیم، اهمیت دارد. یکی از موفقیت‌های ما در این مسابقات این بود که تیم گلبال‌مان جایگاه نهمی دوره قبلی را به ششمی ارتقا داد.

وی افزود: هنگامی که جوکار، مدال نقره را کسب کرد گریه می‌کرد و می‌گفت که «من نتوانستم به وظیفه‌ام عمل کنم.» همچنین زمانی که حردانی می‌خواست به میدان برود به او گفتم «کار تمام است؟ و خیال‌مان از کسب مدال راحت باشد؟» که او گفت «من همه کاری کرده‌ام و فقط خواست خدا مانده است» که این برای ما اهمیت دارد؛ پس هنگامی که فضای معنوی بر ورزشکار ایرانی حاکم شود، طبیعی است که نتیجه می‌گیرد.

با حضور رئیس‌مجلس و شهردار تهران

باغ موزه دفاع مقدس گشایش یافت



سرویس سیاسی و اجتماعی: باغ موزه دفاع مقدس به همت شهرداری تهران دیروز در اراضی عباس‌آباد با حضور مسئولان لشگری و کشوری به بهره‌برداری رسید.

به گزارش خبرنگار اطلاعات دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در این مراسم گفت: از ۲۰ سال پیش تاکنون وعده ساخت باغ موزه دفاع مقدس داده شده بود که به لطف خدا امروز این اتفاق را دیدیم و امیدواریم بر این اساس مصلی تهران هم به صورت کامل به بهره‌برداری برسد.

او ادامه داد: زنده بودن و تحرک به عنصر جهاد وابسته است که موزه دفاع مقدس این ویژگی را دارد و فقط قرائتی از تاریخ نیست زیرا با دیدن آن حیاتی مجدد در انسان جاری می‌شود. در ادامه این مراسم، دکتر محمدباقر قالیباف شهردار تهران ساخت باغ موزه دفاع مقدس را براساس منویات مقام معظم رهبری دانست و تاکید کرد: مظلومیت جنگ ما در این است که نتوانسته‌ایم فلسفه دفاع را به درستی به جامعه معرفی کنیم و بر این اساس باغ موزه دفاع مقدس به معرفی ابعاد باطنی جنگ می‌پردازد. شهردار پایتخت ادامه داد: بازدیدکنندگان باغ موزه دفاع مقدس گردشگر نیستند بلکه زائر هستند، زیرا نباید جنگ را فقط در حد یک زمان محدود ارزیابی کرد.

قالیباف همچنین اظهار داشت: امروز تصمیم گیری‌ها در بزنگاه‌ها مهم است اگر مبنای مواجهه ما با انقلاب نگاه وسوسه غنیمت باشد سرنوشتمان بهتر از جنگ احد نخواهد بود. او ادامه داد: برخی به فرماندهان جنگ انتقاد می‌کنند که چرا از مرزهای کشور عبور کردند، باید بگوئیم که ما اگر از مرزها عبور نمی‌کردیم هم انتقاد می‌شدیم. قالیباف تاکید کرد: باغ موزه دفاع مقدس نه به شهرداری و نه به سپاه و ارتش تعلق دارد، بلکه به رزمندگان دفاع مقدس و فرهنگ جهاد اختصاص یافته است.

از سوی دیگر لاریجانی درحاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران درباره ساخت باغ موزه دفاع مقدس گفت: در این مجموعه از تکنولوژی‌های جدید استفاده و حوادث موثر در مسیر جنگ از ابتدای آن برای کسانی که در کوران جنگ حضور نداشتند به نمایش گذاشته شد.

رئیس مجلس ادامه داد: از آن جاکه افراد حاضر در جبهه و جنگ در ساخت این باغ موزه نظارت داشتند این مجموعه از دقت و ظرافت خوبی برخوردار است ودقت محتوایی آن هم مناسب بوده است. جا دارد از دکتر قالیباف که خود از فرماندهان جنگ است به دلیل ساخت این باغ موزه قدردانی کنیم. لاریجانی در پاسخ به پرسشی درباره ارزیابی عملکرد شهردار تهران اظهار داشت: سیمای شهر تهران تغییرکرده وکارهای ارزشمندی در شمال و جنوب شهر در حال اجراست.

دکتر قالیباف: در توسعه کالبدی تهران به خانواده محوری توجه شد

شهردار تهران تاکید کرد: در توسعه کالبدی تهران به موضوع خانواده محوری توجه شد و سعی کردیم اولویت را به خانواده‌هایی دهیم که یک بانو مسئولیت خانواده را بر عهده دارد.

به گزارش تهران سما دکتر محمدباقر قالیباف در اختتامیه نخستین جشنواره زنان و تولید ملی افزود: جا دارد در این جمع از بانوان شهیده دفاع مقدس یاد کنیم، چه کسانی که در میدان جنگ به شهادت رسیدند و چه آنانی که در موشک باران‌ها و بمب باران‌ها در نقاط مختلف کشور به دیدار حق شتافتند. همچنین باید یاد کنیم از مادران شهیدی که با صبر و استقامتشان فرزندان خود را به جنگ فرستادند و با دست خودشان جوانانشان را دفن کردند و هرگز در مقابل دشمنان خم به ابرو نیاوردند و حتی خود را غمناک هم نشان ندادند.

او تاکید کرد: هرکس با هر سلیقه‌ای اگر ذره‌ای انصاف در وجودش باشد در مقابل خانواده شهدا و خون شهدا سر تعظیم فرود می‌آورد چرا که همه ما زندگی مادی و معنوی خود را مدیون شهدا و خانواده‌های آنان هستیم.

شهردار پایتخت افزود: انصافا ما مسئولین وظیفه داریم که ارزش‌گذاری ویژه‌ای به بانوان، مادران و دختران جامعه داشته باشیم چرا که بر این باوریم که ارزش گذاشتن برای مقام زن ارزش‌گذاری خوبی‌های جامعه است.

قالیباف همچنین اظهار داشت: ما بر این باوریم که بانوان جامعه در همه عرصه‌ها می‌توانند تاثیر گذار باشند و در همه خوبی‌ها و نقصان‌های جامعه نقش زنان تاثیرگذار است؛ در تلاشیم که این نگاه را در ماموریت‌های شهرداری مورد توجه قرار دهیم و در جامعه آن را عملی کنیم و این را از وظایف اساسی و جدی خود می‌دانیم.

قالیباف با اشاره به تاکید بر تبدیل شهرداری تهران از سازمانی خدماتی به نهادی اجتماعی افزود: امروز مردم شریف و نجیب و منصف شهرمان این نگاه را در مجموعه شهرداری می‌بینند البته حتما نقص‌هایی در کار وجود دارد که با کمک مردم رفع می‌شود.

او ادامه داد: امروز خانواده‌هایی که هم مرد خانواده و هم مادر خانواده با هم در کار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلاش می‌کنند دچار مشکلات جدی هستند، حال خانواده‌هایی که همه بار مسئولیت‌ها بردوش مادر خانواده است این فشار و مشکلات چند برابر می‌شود.

قالیباف تاکید کرد: از این منظر است که توجه به زنان سرپرست خانوار در اولویت قرار گرفته است و بر این باوریم که اگر به این خانواده‌ها توجه لازم نشود به مراتب شکنندگی در ابعاد مختلف بیشتر از خانواده‌های دیگر خواهد بود، لذا توجه زنان سرپرست خانوار را پیش از آنکه وظیفه‌ای اداری بدانیم وظیفه‌ای انسانی و اسلامی می‌دانیم.

او با تاکید بر فعالیت دایمی جشنواره زنان افزود: اگر نمایشگاهی بخواهد برپا شود می‌تواند از طریق اتحادیه و اصناف مجوزهای لازم را در مدت کوتاهی دریافت کند ولی برای برپایی این نمایشگاه تلاش فراوانی صورت گرفت، زیرا قصد ما فقط برگزار کردن نمایشگاهی اقتصادی نبود و این جشنواره جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را با هم دارا است و در حوزه اجتماعی و فرهنگی شهروندان نقش بسزایی را ایفا می‌کند، اگر به مباحث فرهنگی و تربیتی توجه نشود خطرساز خواهد شد ولی با برنامه ریزی می‌توانیم فرصت‌های خوبی را در جنبه‌های تولیدی در اختیار این بانوان قرار داد.

قالیباف تاکید کرد: این جشنواره در برنامه سالانه پارک گفت‌وگو قرار خواهد گرفت و مانند نمایشگاه‌های گل و گیاه می‌توانیم این نمایشگاه را چند بار در سال به صورت هفت تا ده روزه برای بانوان برپا کنیم. همچنین در اسفند ماه دومین دوره این نمایشگاه برپا خواهد شد. او ادامه داد: از مجموعه کوثرهای مناطق بیست و دو گانه، زنان سرپرست خانوار و بانوان کارآفرین که با برنامه ریزی مدون و دقیق این کار را شروع کردند، تشکر می‌کنم و از آنان می‌خواهم که برای نمایشگاه‌های بعدی البته با تاکید بر کیفیت، زیبایی کار و قیمت مناسب و موضوع عفاف و حجاب تلاش کنند.

مسجدجامعی: حفظ بافت‌های معماری اسلامی در بناهای تهران ضروری است

حفظ بافت‌هایی با معماری اسلامی در بناهای تهران ضرورت دارد و صرفاً مجوز میراث فرهنگی برای برخی ساخت و سازها آنها را توجیه نمی‌کند.

به گزارش تهران سما، این مطلب را احمد مسجد جامعی عضو کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر دیروز در جلسه علنی اعلام کرد و افزود: در جوار دبیرستان البرز ساخت و ساز وسیعی در حال انجام و لازم است شهرداری تهران همچون ماجرای خانه پروین اعتصامی در آن ورود پیدا کند تا این آثار ثبت شده در میراث فرهنگی حفظ شوند.

او با اشاره به گودبرداری در جوار دانشگاه امیرکبیر که در حریم دبیرستان البرز قرار دارد ادامه داد: ساختمان دبیرستان البرز دارای معماری اسلامی، ایرانی است و قابلیت الگوبرداری دارد اما با ساخت و سازهای وسیعی که در جوار آن در حال انجام است، این بنا تخریب می‌شود.

خسرو دانشجو سخنگوی شورای شهر هم تاکید کرد: این ساختمان‌ها فرهنگ شهر ما را تشکیل می‌دهند و امکان ساخت دوباره آنها وجود ندارد و بناهایی تکرار نشدنی هستند. وی افزود: جسته و گریخته در طراحی بناهای عمومی و واجد اهمیتی که به چشم می‌آیند چیزی از معماری اسلامی ایرانی دیده نمی‌شود و حتی متضادآن است. عضو کمیسیون توسعه و عمران شورای شهر ادامه داد: فرهنگ ایرانی اسلامی و همچنین معماری تهرانی دارد به فراموشی سپرده می‌شود و ردپایی از این فرهنگ در بناها دیده نمی‌شود و لازم است با اجرای طرح الزام شهرداری به رعایت اصول معماری اسلامی، ایرانی از این آشفتگی خارج شویم. همچنین حسن بیادی که به دلیل حضور مهدی چمران در جلسه امروز شورای عالی ترافیک، ریاست جلسه را به عهده گرفته بود، اظهار داشت: از شهرداری تهران به دلیل به اهتزاز درآوردن پرچم جمهوری اسلامی ایران در باغ موزه دفاع مقدس تشکر می‌کنیم.

آغاز مجموعه برنامه‌های فرهنگی - هنری «راه خورشید» از فردا در «اکو»

بقیه از صفحه ۳

در ادامه مرحله اول« راه خورشید» شنبه ۸ مهر استاد موحد در زاد روز مولانا سخنرانی خواهد کرد و در بخش دوم و در مرحله ماه گفتارها به مبحث«کلید فهم شمس و مولانا» می‌پردازد.

او ادامه داد: مقالات علمی و سخنرانی‌های این ماه گفتارها در فصلنامه«شمس تبریزی و مولانا» به چاپ خواهد رسید و طی یک ماه آینده اولین شماره آن منتشر می‌شود. محمدعلی موحد، دکتر محقق، دکتردادبه، کریم زمانی، دکتر پور جوادی و دو مولانا پژوه‌خارجی اعضای هیات تحریریه این نشریه را تشکیل می‌دهند.

ایوبی با اشاره به اینکه مثنوی معنوی برگرفته از مقالات شمس است گفت: کار بزرگ استاد موحد جمع آوری این مقالات است و ما را برای اینکه توجه‌ها را به این مقالات بیشتر جلب کنیم از قطعات خوشنویسی شده جملاتی از مقالات شمس که توسط استادان حیدری، کابلی و امیرخانی خلق شده‌اند رونمایی خواهد شد. او سپس از نگارش اپرای«شمس و مولانا» در هفت پرده توسط استاد چکناواریان خبرداد و اظهار امیدواری کرد که تا قبل از ولادت مولانا در سال آینده اجرای آن نهایی شود. ایوبی در ادامه به ترجمه مثنوی معنوی از سوی«بنیاد شمس و مولانا» به زبان روسی آغاز ترجمه این اثر به زبان گرجی اشاره کرد و از پایان مسابقه معماری مقبره شمس در خوی خبرداد و گفت: این مسابقه با همکاری بنیاد میر میران و بنیاد شمس و مولانا سال گذشته برگزار شده بود که حدود ۱۵۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند و از این میان ۲۴۰ ماکت به نمایش درآمده‌اند و روز اول آنان هیات داوران که از کشورهای دیگر هم هستند اثر منتخب را برای ساخت مقبره انتخاب خواهند کرد.

مدیر موسسه فرهنگی اکو در توضیح بیشتر درباره کاروان«راه خورشید» گفت: در هر شهری که این کاروان به آن وارد می‌شود خوشنویسان آن شهر به کاروان اضافه خواهند شد و در هر شهر تعدادی از اساتید درباره مولانا به سخنرانی خواهند پرداخت که علاوه بر اساتید ایرانی سه مولانا پژوه ترک و یک افغانی یافته‌هایشان را در این سخنرانی‌ها عرضه می‌کنند. همچنین در این کاروان برنامه‌های موسیقی نیز اجرا می‌شود و گروه نمایشی«رستاخیز عشق» بامسئولیت مسافر آستانه به اجرای نمایش خواهند پرداخت.

محمدحیدری استاد خوشنویسی و دبیر بخش خوشنویسی موسسه اکو نیز در این نشست گفت: در مرحله نخست برنامه« راه خورشید» از دو تن از اساتید خوشنویسی شامل استاد بختیاری و استاد فلسفی دعوت شده است تا کارگاه‌های آموزشی درباره خط نستعلیق و نقاشی‌ـ خط برگزار کنند و خود نیز برگزاری یکی از این کارگاه‌هارا عهده‌دار خواهم بود.

وی ادامه داد: در پایان دو روز برگزاری کارگاهها در روز جمعه ۷ مهر از ساعت ۱۶و ۳۰ دقیقه تا ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه نشستی تخصصی با حضور اساتید هنرهای تجسمی و استاد امیرخانی برگزار می‌شود. حیدری به نمایشگاه آثاری که قرار است در آن خوشنویسی اشعار مولانا و مقالات شمس تبریزی به نمایش درآید اشاره کرد و گفت: در این نمایشگاه ۷ اثر از استاد امیرخانی و ۱۵ اثر از خودم قطعات خوشنویسی شده از مقالات شمس تبریزی و ۱۵ اثر از استاد کابلی و ۷ اثر از استاد فلسفی از اشعار مولانا به نمایش در خواهد آمد.

رئیس کانون عالی بازنشستگان در گفتگو با اطلاعات:

بازنشستگان تامین اجتماعی تا ۱۰ میلیون تومان هزینه درمان می‌گیرند

سرویس سیاسی – اجتماعی: «قرارداد جدید بیمه تکمیلی بازنشستگان تامین اجتماعی با بیمه دی بسته شده است و بر این اساس از اول آبان ۱۰ هزار و ۴۵۰ تومان حق بیمه از بازنشستگان کسر می‌شود.

این مطلب را علی‌اکبر خبازها رئیس هیات مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیر سازمان تامین اجتماعی در گفت‌وگو با اطلاعات اعلام کرد و توضیح داد: برای بستن قرارداد جدید، با ۲۰ بیمه مذاکره داشتیم و از ۱۴ مرداد که در نشریات آگهی داده بودیم تا دو روز پیش، برای متقاعد کردن بیمه‌های مختلف به منظور کسر حق بیمه کمتر ده‌ها نوبت جلسه برگزار کردیم و بیمه‌ها حتی مبلغی حدود ۳۵ هزارتومان را برای حق بیمه درخواست می‌کردند.

او ادامه داد: مثلاً بیمه توسعه سه پیشنهاد داشت که درآنها حق بیمه‌های ۱۸هزارو ۷۰۰، ۲۳هزارو ۳۰۰ و ۲۵هزار و ۹۰۰ تومان گنجانده شده بود و در کنار این‌ها فرانشیز ۳۰درصدی و مالیات برارزش افزوده و همچنین مبلغ ۳۰۰۰ تومان حق بیمه عمر و حوادث به صورت جداگانه لحاظ می‌شد که به نفع بازنشستگان نبود.

خبازها تاکید کرد: بیمه‌های دانا، البرز و معلم هم در میان این ۲۰ بیمه، هر کدام مبالغ بیشتر از توان مالی بازنشستگان را برای حق بیمه پیشنهاد دادند و تمامی آنها به پرداخت ۳۰ درصد فرانشیز اصرار داشتند، اما هدف ما حذف فرانشیز بود که در این زمینه با بیمه دی به توافق رسیدیم و اکنون بازنشستگان دیگر مجبور به پرداخت هیچ مبلغی برای فرانشیز نیستند.

خبازها تاکید کرد: از سوی دیگر، بنابر دریافت شکایت‌های متعدد از بازنشستگان در طول این یک سال اجرای بیمه تکمیلی مبنی بر تأخیر در پرداخت‌های هزینه درمان توسط بیمه دی، در ۲ تبصره قرارداد، این شرکت را متعهد کردیم که هزینه‌های زیر یک میلیون تومان را حداکثر ظرف دو ساعت و هزینه‌های بالای یک میلیون تومان را حداکثر ظرف یک هفته به بیمه‌شدگان پرداخت کند.

رئیس کانون عالی بازنشستگان افزود: در این یکسال به یقین کم و کاستی‌هایی در اجرای بیمه تکمیلی بود که قسمتی از آن به کانون‌ها و قسمتی هم به بیمه‌دی بر می‌گردد اما با بررسی دقیق مشکلات و شکایت بیمه‌شدگان و پس از طی دوران آزمون و خطا، اکنون دو طرف اصلی این طرح یکدیگر را شناخته‌اند و نواقص بر طرف شده است.

به گفته او علت اصلی تاخیر در پرداخت هزینه‌های درمان به بازنشستگان، به رغم تلاش‌های شرکت کمک رسان ایران(S.O.S)، تاخیر در پرداخت‌ها توسط بیمه دی بود که در قرارداد جدید با تعهدات زمانی مناسب، این مشکل بر طرف می‌شود.

وی سپس نوع و سقف تعهدات را به این شرح اعلام کرد:

ردیف	نوع تعهدات	سقف تعهدات (ب)
۱	اعمال جراحی و بستری در بیمارستان و درمان طبی، دیسک ستون فقرات، لیزر تراپی چشم(سرپایی یا بستری) آنژیوگرافی عروق کرونر، سنگ شکن و تزریق آمپول آواستین و غیره	۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	اعمال جراحی قلب، مغز و اعصاب، پیوند کلیه، کبد، ریه، مغز استخوان، جراحی ستون فقرات(غیر از دیسک ستون فقرات)	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	بیماری‌های خاص(تالاسمی هموفیلی و دیالیزی)MS، انواع سرطان، شیمی درمانی(جراحی طبی، شیمی درمانی بیماران پری لوسی و رادیوتراپی)، داروهای تخصصیMS(از محل بند۱)	۵۰/۰۰۰/۰۰۰
٤	پاراکلینیکی(۱) شامل: انواع سونوگرافی، انواع ماموگرافی، انواع رادیولوژی، انواع اسکن، انواع‌سی‌تی اسکن، انواع آندوسکوپی، انواعMRI، انواع اکوکاردیوگرافی، انواع رادیوتراپی، سیتوسکوپی، کلونوسکوپی، دانسیومتری، تست تراکم استخوان خدمات مکمل بر اقداماتن تشخیص پزشکی هسته‌ای FNA(تیروئید و سینه) اندوسونوگرافی، اندوآنال سونوگرافی، هولترومانیتورینگRF-GDX نقاط مختلف بدن پاکیمتری-IOLM-aster مانومتری توپوگرافی، پلتیسموگرافی، پنتاکم،-OCT-HRT ICG- تزریق IVIOG- نوار چشم-(ERGGEO) فیزیوتراپی، رکتوسکوپی، رینوسکوپی و غیره	۵/۰۰۰/۰۰۰
۵	پاراکلینیکی(۲) شامل تست ورزش، نوار عضله، نوار عصب، نوار مغز، آنژیوگرافی چشم، تست اوردینامیک- اودیوتراپی، تعیین میدان بینایی(پریمتری) بررسی عصب بینایی، بررسی عصب شنوایی، تمپانومتری، اسپیرومتری- ایزومتری، نوارچشم، نوار قلب و نوار مثانه و غیره	۳/۰۰۰/۰۰۰
٦	پاراکلینیکی(۳) شامل: شکستگیها، در رفتگی‌ها، آتل گذاری، انواع گچ گیری، بیرون آوردن جسم خارجی از نسج نرم و گوش و بینی، برداشتنی میخچه، جراحی ناخن، خونریزی بینی، شالازیون ناخنک چشم و بیرون آوردن تومورهای سطحی خوش خیم، بخیه، کرایوتراپی، اکسیژیون لیپوم- تخلیه کیست و لیزر درمانی(به استثنای رفع عیوب چشمی) وغیره	۳/۰۰۰/۰۰۰
۷	رفع عیوب انکساری هردو چشم(هرچشم بیش از ٤ دیوپتر باشد)	۸/۰۰۰/۰۰۰
۸	کلیه آزمایشات	۳/۰۰۰/۰۰۰
۹	هزینه آمبولانس داخل شهری	۵۰۰/۰۰۰
	هزینه آمبولانس خارج شهری	۱/۰۰۰/۰۰۰

۱- خسارت بیمه عمر تا سقف سنی ۸۰ سال ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- خسارت بیمه حوادث تا سقف سنی ۸۵ سال ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۳- پرداخت هزینه‌های زیر ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال حداکثر ظرف مدت ۲ ساعت

٤- پرداخت هزینه‌های بالای ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال حداکثر ظرف مدت ۱ هفته

انصراف از طرح بیمه تکمیلی

خبازها در پاسخ به این پرسش، که بازنشستگان برای انصراف از شمول بیمه تکمیلی چه اقدامی باید انجام دهند، توضیح داد: این اشخاص باید به کانون‌های بازنشستگان در شهر خود مراجعه و فرم‌های انصراف را هر چه سریع‌تر پر کنند. پس از سه ماه نام آنان از فهرست بیمه تکمیلی حذف و مبلغ کسر شده در این سه ماه به آنان عودت داده می‌شود.

او همچنین تأکید کرد: در عین حال افرادی هم تمایل دارند که پدر، مادر یا فرزند تحت تکفل خود را به فهرست این بیمه بیفزایند، باید هرچه سریع‌تر در کانون‌ها حضور یابند و فرم‌های مربوط به این کار را پر کنند.

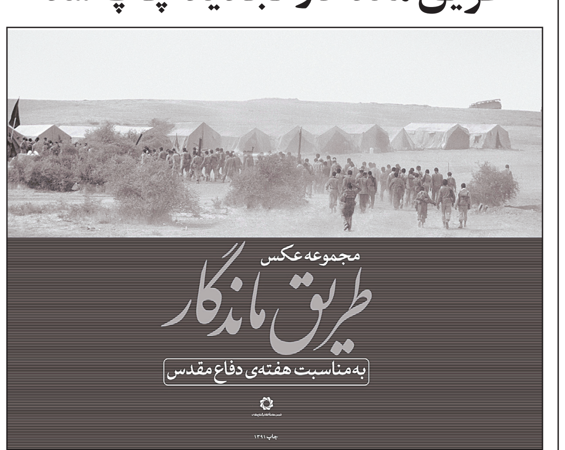
درخواست کمک از تامین اجتماعی

خبازها درباره درآمد و مستمری حداقلی بازنشستگان اظهار داشت: بیشتر همکاران ما کمترین دریافتی را دارند که شاید رقم ۱۰ هزارو ٤۵۰ تومان هم برای آنان قابل توجه باشد. لذا از مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی درخواست می‌کنیم برای به عهده گرفتن بخشی از این مبلغ مساعدت کند تا دعای خیر بازنشستگان نصیبش شود.

به گفته خبازها اگر سال‌ها پیش قانون الزام در تامین اجتماعی اجرا می‌شد، اکنون نیازی به بیمه تکمیلی نبود، اما در شرایط کنونی این طرح بهترین راه ممکن برای کمک به بازنشستگان و تامین هزینه‌های درمانی آنان در نظر گرفته شده است.

براساس این گزارش، مبلغ حق بیمه در قرارداد گذشته که تا اول آبان همچنان اجرا می‌شود، ٦۷۰۰ تومان و حداکثر سقف تعهدات، ٦ میلیون تومان بوده است.

مجموعه عکس‌های نمایشگاهی طریق ماندگار تجدید چاپ شد



در آستانه هفته دفاع مقدس، مجموعه تصاویر نمایشگاهی دوران جنگ تحمیلی با عنوان طریق ماندگار با ویرایش جدید به چاپ مجدد رسید.

به گزارش روابط عمومی انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس این مجموعه که در پی استقبال گسترده مراکز فرهنگی، مذهبی و پایگاه‌های بسیج در آستانه سی و دومین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی به چاپ رسید، حاصل تلاش ۲۱ تن از عکاسان دفاع مقدس از شکار لحظات ناب و ماندگار دوران دفاع مقدس است.

این مجموعه شامل ۳۰ قطعه عکس سیاه وسفید در قطع ۵۰×۳۵ است که در تیراژ ۵۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۰۰۰۰۰ ریال به چاپ رسیده است.

همچنین از این مجموعه عکس نمایشگاهی، تعداد۱۲ تصویر انتخاب و به صورت کارت پستال در یک بسته ۱۲ تایی و تیراژ ۵۰۰۰ نسخه با قیمت ۱۸۰۰۰ ریال در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

لازم به ذکر است عکاسان زیر، آثارشان در مجموعه نمایشگاهی طریق ماندگار به چاپ رسیده است:

ساسان مویدی، جاسم غضبانپور، اباصلت بیات، محمدرضا شرف‌الدین، علیرضا عابدی، قدیر چین جو، بهرام محمدی‌فرد، منوچهر قلمچی، خسرو ورکانی، سعید صادقی، حمیدرضا نجف‌زاده، علی فریدونی، محمدحسین حیدری، بهزاد پروین قدس، علی عبیری، محمود بدرفر، سعید جانبزرگی، مجید کریمیان، مهدی جانی پور، علیرضا جلیلی فر، محمود ظهیرالدینی.

ترحیم

با قلبی آکنده از غم و اندوه درگذشت مرحومه خانم **زهرا سلطان شریفی آذر زنوز** همسر مکرمه سیدکاظم هاشمی زنوز را به اطلاع می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ختمی روز جمعه ۹۱/۷/۷ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد ولیعصر(عج) واقع در خیابان آذربایجان منعقد می‌گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: شریفی آذر زنوز ـ هاشمی زنوز و کلیه دوستان و وابستگان

بازگشت همه به سوی اوست

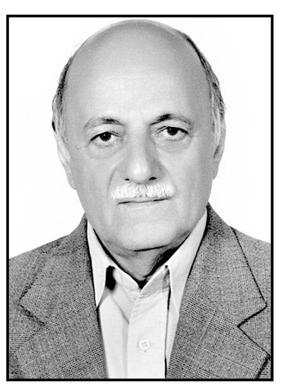
بااندوه فراوان درگذشت **دکتر خلیل طاهرزاده** عضو قدیمی و فعال جامعه و انجمن را به اطلاع همکاران می‌رساند.
خدمات علمی و آموزشی آن شادروان آثار جاودانی در حرفه دندانپزشکی به جای گذاشته است.
مراتب تسلیت انجمن را به همسر و فرزند برومندش جناب آقای دکتر امید طاهرزاده و بستگان نسبی و سببی اعلام می‌داریم.
به همین مناسبت مجلس بزرگداشتی روز پنجشنبه ۹۱/۷/۶ از ساعت ۴ تا ۸ بعدازظهر در منزل شخصی آن مرحوم برگزار می‌گردد.
یادش گرامی باد.
هیئت مدیره انجمن دندانپزشکی ایران

بازگشت همه به سوی اوست



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت نابهنگام خانم **دکتر نوشین آقاجانی چوبر** عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و قهرمان سابق تیم ملی رشته دو و میدانی بانوان و داور بین‌المللی دو و میدانی کشور را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان، آشنایان و همکاران محترم می‌رساند.
مراسم خاکسپاری برابر وصیت آن مرحومه روز چهارشنبه در محل امام زاده آستارا (۵کیلومتری شهرستان آستارا) و مجلس ترحیم در ساعت ۳ الی ۵ بعداز ظهر روز جمعه مورخ ۱۳۹۱/۷/۷ در مسجد جامع بالامحله چوبر و مراسم شب هفت آن مرحومه از ساعت ۴:۱۵ الی ۵:۴۵ بعدازظهر روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۰ در مسجد الرضا(ع) واقع در تهران خیابان خرمشهر میدان نیلوفر منعقد می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی در مجالس مربوطه موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: آقاجانی، هدی، هژبری، رحمانی، فریدی، صمدیان، مبشر، صدر، انکشافی، مرتضی زاده، نصیری کلاهدوز، درشناس، صادقی، خسروی، معین، هنرور شجاعی، ساعتی، محبوبی، احتشامی، انواری، رادسرشت، عارف و سایر منسوبین و وابستگان

هوالباقی



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و همسری دلسوز مرحوم مغفور شادروان **حسین دولتی** «بزرگ خاندان» صاحب منصب بازنشسته وزارت کشور، ازموسسان وعضو هیأت مدیره انجمن تالشان مقیم تهران (خانه تالش) را به اطلاع می‌رسانیم.
مراسم یادبود آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۱/۷/۷ (ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰) در مسجد جامع‌الرسول (ص) واقع در سعادت‌آباد میدان کاج برگزار می‌گردد.
همسر: منیژه اسلامی الکامی
فرزندان: هومن ـ هوتن ـ هاله
عروس: سعیده سادات فراهانی
داماد: وحید تسلیمی
خانواده‌های: دولتی ـ اسلامی الکامی و وابستگان

بازگشت همه بسوی اوست

با اندوهی بسیار درگذشت شادروان **مهندس سیاوش امیرشاهی** را در خارج از کشور به آگاهی می‌رسانند.
میترا بشارت. رامین، تینا، ملک سیروس، لطیفه، اردشیر، سیامک، فرشته، اردوان، منوچهر امیرشاهی، فرامرز ایزدی، مهشید صدری
وخانواده‌های: توکلیان، کیقبادی، هاشمی، هومن، پزشکیان، قریب، فصیحی، ایزدی.

با اندوه بسیار، درگذشت همکار عزیز و یار دیرین، **مهندس سیاوش امیرشاهی** را در خارج از کشور به آگاهی دوستان می‌رسانم.
یادش گرامی‌باد و روانش شاد.
مهندس فرامرز ایزدی نجف آبادی (شرکت اتاپ)

«بنام خدا»

با نهایت تأسف و اندوه بار غم از دست دادن خاله جان عزیزمان **«خانم دکتر اشرف‌الملوک مصاحب»** را با خاطرات شیرین و فراموش نشدنی‌اش التیام می‌بخشیم.
وی اولین بانوی پزشک و جراح در ایران بود که نه تنها دستان ظریف و ماهرش دردهای جسمانی را شفا می‌بخشید، بلکه لطف طبع و عمق و حقیقت محبت و صمیمیت واقعی او دلهای خسته و آزرده را می‌نواخت و مرهم می‌نهاد.

عجب نباشد اگر اشرف آمدی برما
که بر ملوک هم اشرف شدی به آسانی
تویی مصاحب جان و عزیزه دیده و دل
که هرچه گویمت آنی نکوتر از آنی

زیبا شکیبی (پیروزنیا) ـ نغمه پیروزنیا (سروی)
ریچارد سروی ـ شاهوار پیروزنیا ـ شاهکام پیروزنیا

«بنام خدا»

خیال روی تو در هر طریق رهبر ما است
نسیم زلف تو پیوند جان آگه ما است

بانهایت افسوس درگذشت خاله جان عزیزمان خانم **دکتر اشرف‌الملوک مصاحب** را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم. خاطرات فراوان و فراموش نشدنی‌اش را همواره ارج می‌نهیم.
روح بلندش شادباد.
صهبا شکیبی (هانبک) ـ ادگار هانبک ـ آریان هانبک

«بنام خدا»

کجا روی زدل و دیده ای خجسته خصال
که گشت جان و دل از رنج و درد مالامال

بادلی افسرده از غم از دست دادن خاله جان بسیار عزیزمان خانم **دکتر اشرف‌الملوک مصاحب**، همواره بیاد خاطرات گرانبها و فراموش نشدنی‌اش دل را آرام میداریم.
روح بلندش قرین رحمت و آرامش باد.
نغمه پیروزنیا (سروی) ـ ریچارد سروی ـ لیلا سروی ـ آمینا سروی

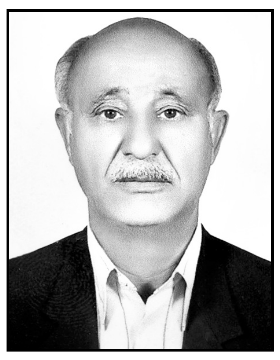
انا لله و انا الیه راجعون

از شمار دو چشم یک تن کم
وزشمار خرد هزاران بیش

بانهایت تأسف و تألم درگذشت عمه عزیزمان خانم **دکتر اشرف‌الملوک مصاحب** از «پیشکسوتان جامعه بانوان جراح ایران» را در خارج از کشور به اطلاع دوستان، خویشاوندان و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم یادبود آن عزیز از دست رفته متعاقباً اعلام می‌گردد.
رستا مصاحب، ترانه مصاحب، دکتر شاهکار مصاحب و دکتر نامدار مصاحب

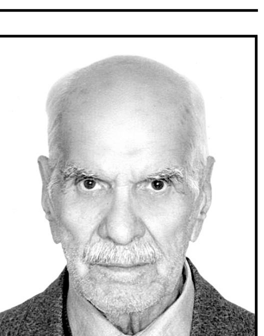
به یاد بود خاله‌جان عزیزتر از جانم شادروان سرکارخانم **دکتر اشرف‌الملوک مصاحب** که همواره عاشق ایران وطن عزیزش بود، در غربت و دور از وطن از دنیا رفت.
درود به روان پاکش
آلمان: بریگتیه و مهندس پرویز شکیبی

بازگشت همه بسوی اوست



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت آقای **علی قلی پارسا** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس تذکری روز پنجشنبه ۹۱/۷/۶ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: پارسا ـ کتانی ـ لیمویی ـ ناهید و هیأت مدیره جمعیت خیریه شبستری‌های مقیم مرکز

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت جناب آقای **مسعود شریفی** پدر فداکار و مهربانمان را در خارج از ایران به حضور اقوام و آشنایان می‌رسانیم.
مراسم بزرگداشت آن عزیز از دست رفته متعاقباً اعلام خواهد گردید.
فرزندان: فرید شریفی – رامین شریفی
خانواده‌های: شریفی – جهانسوز



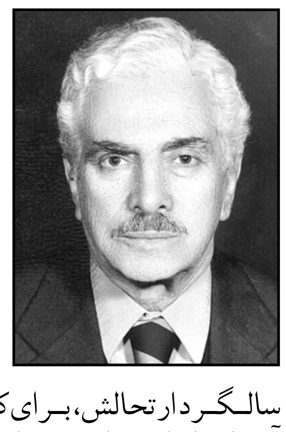
با کمال تأسف درگذشت شادروان **حاج موسی شیخ‌زادگان (تبریزی)** تلاشگر دیرپای آزادیخواه ایران فرزند شایسته آذربایجان ـ یاور دیرین نهضت ملی شدن نفت، مرجع امین و مؤتمن بازاریان تهران را به اطلاع می‌رساند: مجلس آمرزش خواهی (ترحیم) از ساعت ۱۶/۱۵ الی ۱۷/۴۵ روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۷/۵ در مسجد الرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار خواهد شد.
خانواده‌ها و دوستان و بستگان **حاج موسی شیخ‌زادگان** چشم براه حضور ارزشمندتان خواهند بود.
خانواده‌های: شیخ‌زادگان ـ حسنین ـ اعرج خدائی ـ عصری ـ شکوهی ـ عابدین ـ لواسانی ـ فلسفی ـ لاریجانی ـ سنائی ـ ریسمان‌چی
دوستان: حسین شاه‌حسینی ـ هادی موتمنی ـ علی‌اصغر تهرانچی ـ محسن نجیمی ـ عبدالله شیخ مهدی ـ حسین سکاکی ـ دکتر برات علی ـ دکتر کاکوان ـ حمزه ساجدی ـ حسین امیدوار

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و مادری فداکار مرحومه **خانم ناهید موسوی براب** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی روز پنجشنبه ۹۱/۷/۶ از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبستری‌ها واقع در میدان دکتر فاطمی، اول خیابان یکم برگزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: زکی زاده ـ موسوی ـ یحیی پور ـ بهرامی ـ سیدحسینی ـ سلجوقی ـ حبیبی ـ فیضی‌زاده ـ رئیسی ـ زرگر شبستری ـ گلشنی ـ خلقتی ـ دستوری ـ معینی ـ حاج احمدی ـ مورتابی علوی ـ وزیر زاده ـ فرشی ـ احمدیان و سایر خانواده‌های وابسته.

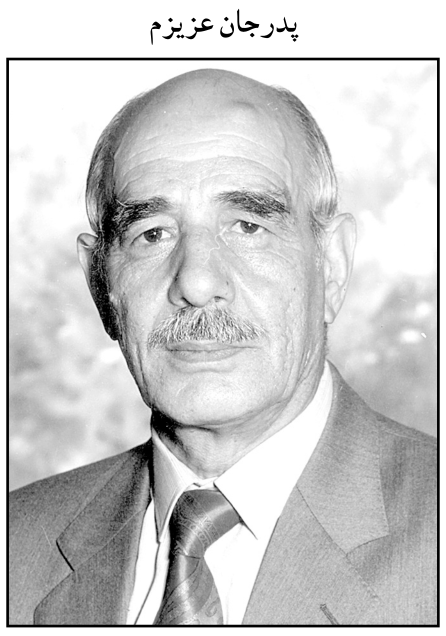
یادبود

آن یار کزو خانه ما جای پری بود
سرتا قدمش چون پری از عیب بری بود



ششم مهرماه سال گذشته، مراد و مرشدمان، پدرمان، شادروان **عیسی سالار بهزادی**، دارفانی را واگذاشت و به دیارباقی شتافت.
اینک به پیروی از نیات خیرخواهانه آن عزیز بزرگوار، هزینه‌های برگزاری مراسم اولین سالگرد ارتحالش، برای کمک به هموطنان زلزله‌زده آذربایجان اختصاص می‌یابد.
فرزندان و نوه‌ها

ماشاءالله جهانفر
پدرجان عزیزم



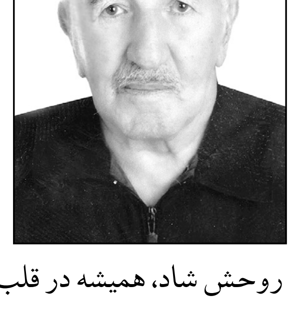
۱۰ سال است که گرمای وجود سرشار از عشقت درکنارم نیست، ولی من همچنان با تو و مهرت زندگی می‌کنم.
هزینه سالگرد طبق خواسته خودت صرف امور خیریه می‌شود.
دختر: فاطمه جهانفر

یادت کنم ار شاد و اگر غمگینم
نامت برم ار خیزم اگر بنشینم
با یاد تو خو کرده‌ام ای دوست چنانک
در هرچه نظر می کنم ترا می‌بینم



نه سال روزگار تلخ با یادگارهای
همسر و مادر مهربانمان
نوشین خواجه نوری
که سرشار از وفا، مهر، محبت، انسانیت و
ازخودگذشتگی بود گذران شد.
با دوستانت در تاریخ ۹۱/۷/۵ از ساعت ۱۶ الی ۱۸ بر مزارت در باغ فیض امامزاده حلیمه خاتون و جعفر به سوگ خواهیم نشست و یادت را گرامی می‌داریم.
دکتر فرزین – جانان – اندیشه – بابک و آرش برزویه
خانواده خواجه نوری

یادبود



پنجم مهرماه ۱۳۹۱ مقارن است با چهارمین سالگرد درگذشت همسر و پدری مهربان شادروان **سرهنگ بازنشسته میرشمس‌الدین پاکزادی** (بزرگ خاندان) یاد و خاطرش را همواره گرامی میداریم.
روحش شاد، همیشه در قلب مایی
همسر و فرزندان

«اوست پایدار»

با دلی آکنده از غم و اندوه چهلمین روز درگذشت همسر، خواهر و مادر عزیز و مهربانمان مرحومه مغفوره **سیده طیبه ساعی زنوزی** را به اطلاع می‌رسانیم.
در این روزهای تلخ فقط یاد خدا آرامبخش دلهای ما بود و سر تعظیم بر درگاه خداوند فرو می‌آوریم.
به همین مناسبت روز پنجشنبه ۱۳۹۱/۷/۶ ساعت ۱۴/۳۰ بر سر مزارش واقع در بهشت‌زهرا(س) ـ قطعه ۳۱۷ ردیف ۱۱۸ شماره ۴۳ گرد هم می‌آییم و یاد و خاطراتش را گرامی می‌داریم. روحش شاد.
هزینه مراسم چهلم جهت شادی روح آن مرحومه صرف امور خیریه خواهد شد.
همسر: علی امانی زنوز
برادر: حاج سیدرضا ساعی زنوزی
پسر: محمدعلی امانی زنوز
خواهرها ـ دخترها ـ دامادها ـ عروس‌ها ـ نوه‌ها و خانواده‌های ساعی زنوزی ـ امانی زنوز

تسلیت

بازگشت همه به سوی اوست
خانواده محترم آقاجانی



درنهایت تأسف درگذشت نابهنگام سرکارخانم **دکتر نوشین آقاجانی** را تسلیت عرض نموده و از خداوند برای شما طلب صبر و سلامتی داریم ما را در غم خود شریک بدانید.
خانواده حکیم‌پور

جناب آقای کسائیان
رئیس اتاق بازرگانی اصفهان

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه طلب مغفرت و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.
هیات مدیره اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین
اسدا...عسگراولادی

جناب آقای مهندس صورت

ما را در غم عظیم خود شریک بدانید.
مهندسان مشاور طرح و آمایش

دوست و همکار عزیز جناب آقای دکتر احمدی دهج

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و بقای عمر و سلامتی جنابعالی و خانواده محترم را آرزومندیم.
دکتر جواد امینی ـ دکتر حسین امینی ـ دکتر عبدالحسین خان سعیدی

جناب آقای حمید نوید

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم آمرزش و مغفرت و برای شما و سایر بازماندگان محترم صبر و شکیبائی مسئلت می‌نمائیم.
گروه تولیدی پارس ـ پنجه شاهی

جناب آقای عبدالله طالبی

درگذشت مادر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت الهی و برای بازماندگان صبر مسئلت می‌نماید.
کیهان کلانتری و محمدرضا شمشیری

منزلی در دوردستی هست، بی‌شک هر مسافر را
چنین دانسته بودیم، وین چنین دانم!

درگذشت **احمد برزیده** مدیرکل سابق اداره کل آموزش و پرورش گرگان راکه نمونه والای خدمت به منطقه بود، صمیمانه تسلیت می گوییم.
سلامت همسر بزرگوارشان و آرامش ابدی درجوار رحمت حق را، برایشان آرزو داریم.
کانون بازنشستگان آموزش و پرورش گرگان

خاندان محترم برزیده و وزیری

با اندوه و تأسف فراوان درگذشت مرحوم مغفور **احمد برزیده** را تسلیت عرض نموده، در این سوگ با شما همدردیم.
گرگان: میرحسین میرکاظمی ـ حجت‌الله شریعتی ـ محمدحاجی قاسمی ـ حجت‌الله جباری ـ رحمت الهم جباری و سیدمحمود میرکریمی

جناب آقای مهندس محمود مقدم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
مهندسین مشاور طازند

درگذشت شادروان **دکتر سیدمحمد کتابی** را به فامیل محترم و معظم کتابی و سایر وابستگان تسلیت عرض نموده، سلامتی و بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال آرزو داریم.
خانواده کیانوش و میریان
آلمان و ایران

جناب آقای دکتر اسدی
مدیرعامل محترم بیمارستان پارسیان

با کمال تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و خود را درغم شما شریک می‌دانیم.
هیئت مدیره بیمارستان ایرانمهر

نماینده فروش نشریات اطلاعات در هفت تپه
جناب آقای سیدمحمود موسوی

با غم و اندوه فراوان درگذشت مادر همسر جنابعالی را از صمیم قلب به شما و آن خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت می‌نماییم.
امور توزیع و فروش ـ سازمان شهرستانها ـ تهران و حومه ـ امور مشترکین ـ آبونمان ـ شبکه اطلاع‌رسانی ـ امور توزیع و فروش کتاب ـ ساعت کنترل ـ انبار کتاب ـ انتظامات ـ آتش‌نشانی ـ حمل و نقل ـ تعمیرگاه ـ سازمان پخش ـ انبار برگشتی

جناب آقای احمدسید کلال وکیل محترم دادگستری

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده، درگذشت خواهر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم.
هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز

همکار عزیز جناب آقای احمد سید کلال

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمایم.
بهروز یغمائی وکیل دادگستری

بسمه تعالی
جناب آقای سراجیان مدیر محترم بیمارستان آریا

مصیبت وارده درگذشت پدر همسر محترمتان را تسلیت گفته و بقای عمر خانواده جنابعالی را مسئلت می‌نماییم.
هیئت مدیره، پزشکان و کارکنان بیمارستان آریا

بسمه تعالی
جناب آقای سراجیان مدیر محترم بیمارستان آریا

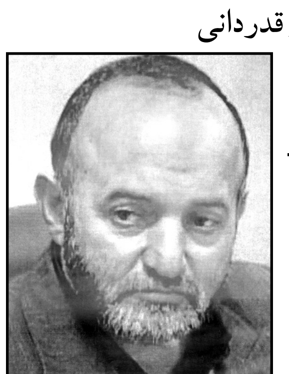
مصیبت وارده را تسلیت گفته و صبر جمیل برای بازماندگان خواستاریم.
مدیرعامل بیمارستان آریا دکتر احمد لنکرانی

بسمه تعالی
جناب آقای سراجیان مدیر محترم بیمارستان آریا

درگذشت پدر همسر محترمتان را تسلیت عرض می‌نمایم.
دکتر احمد عسگری‌افشار

سپاسگزاری

تشکر و قدردانی



بدینوسیله از کلیه عزیزان و سروران گرامی بالاخص امام جمعه محترم اردبیل ـ استاندار و نمایندگان محترم اردبیل در مجلس شورای اسلامی ـ فرماندهی محترم سپاه اردبیل ـ فرماندار ـ نهادها ـ ادارات کل تربیت‌بدنی ـ بهداشت‌درمان و دانشگاه علوم پزشکی و بنیاد جانبازان ـ فدراسیون‌های کوه‌نوردی و قایقرانی ـ بازاریان و اصناف که در مراسم تدفین و مجلس بزرگداشت شادروان **سیدمحمود (یعسوب) موسوی** در اردبیل و تهران شرکت نموده و با ابراز همدردی موجب تسلی خاطر بازماندگان شده‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌گردد.
از خداوند متعال برای تمام عزیزان سلامتی و توفیق روزافزون مسئلت داریم.
خانواده‌های: موسوی ـ سیدمنصور ـ سیدمحمد و سیدعلی موسوی

بدینوسیله از کلیه بستگان و نزدیکان و همچنین سروران عالیقدر ارتشی که در فقدان همسر و پدر عزیزمان **سرهنگ بازنشسته عسگر مجتهدزاده** همدردی نموده و در مراسم ترحیم حضور یافته و تسلی بخش ما بوده‌اند، قدردانی می‌نماییم.
شمسی حشمتی ـ مریم ـ مسیح ـ مینا مجتهدزاده

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات
چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۱
۹ ذی القعده ۱۴۳۳ ـ ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۱ و ۵۶ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۵۵ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۱۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۱۴ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۳۳ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۶ دقیقه

خاورمیانه و رخدادها

ایران؛ موضوع اختلاف اوباما - نتانیاهو

سید محی‌الدین ساجدی

آیا میان فیلمی که برای اهانت به ساحت پیامبر اسلام(ص) در آمریکا ساخته شده، با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران ارتباطی وجود دارد؟ البته هنوز در این مورد که چنین حمله‌ای صورت گیرد، بحث‌های زیادی جریان دارد. کسان زیادی در خود رژیم صهیونیستی معتقدند که این حمله انجام نمی‌شود [illegible]

[illegible]

حمله به ایران، دیگر سنگ را روی سنگ بند نمی‌گذارد و باید منتظر عواقب وخیم آن بود.

یکی از عواقب وخیمی که آمریکایی‌ها هشدار آن را به اسرائیل می‌دهند، این است که حمله به ایران سبب می‌شود دو پیمان صلح نیمبندی که مصر و اردن با اسرائیل دارند، لغو شود و از میان برود، چون در خاورمیانه کنونی، این مردم‌اند که دولت‌ها را هدایت می‌کنند، نه برعکس.

بان کی‌مون: حاکمیت قانون، حمایت از صلح و احترام به حقوق بشر است



سخنرانی بان کی مون در مراسم گشایش شصت و هفتمین مجمع عمومی سازمان ملل

سرویس خارجی: بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل در نشست گشایش مجمع عمومی سازمان ملل با موضوع «حاکمیت قانون» اعلام کرد، اجرای قانون و حاکمیت آن در حقیقت حمایت از سه اصل منشور ملل متحد یعنی صلح، توسعه و احترام به حقوق بشر است.

شصت و هفتمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل با موضوع و دستور کار حاکمیت قانون آغاز به کار کرد. هیأت‌های بلندپایه‌ای از ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل در این نشست حضور دارند.

رهبران شرکت‌کننده در نشست حاکمیت قانون سازمان ملل به نقش قانون به عنوان عاملی بنیادین برای جلوگیری از جنگ تأکید کردند و نقش جهان شمولی قوانین انسانی و اهمیت دادگاه بین‌المللی جرائم را مهم دانستند.

بان کی‌مون دبیرکل سازمان ملل در سخنرانی افتتاحیه از سران کشورهای شرکت‌کننده خواست تا در اجرای برابری قانونی در سطوح ملی و بین‌المللی بکوشند. بان کی‌مون از رهبران کشورها خواست تا در تمامی زمان‌ها بالاترین سطح قانون‌مداری را در کشور خود و در تمامی موارد تصمیم‌گیری سیاسی اجرا کنند.

دبیرکل سازمان ملل همچنین از سران شرکت‌کننده و بلندپایگان مجمع عمومی خواست تا به قضاوت‌های دادگاه بین‌المللی جرائم احترام بگذارند. بان کی‌مون همچنین در نشست «افزایش دسترسی زنان به عدالت» در نیویورک گفت که زنان نماد عدالت در جوامع بشری هستند.

دبیرکل سازمان ملل متحد در این نشست که در حاشیه اجلاس عالی «حاکمیت قانون» در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار شد، طی سخنانی با اشاره به موارد خشونت علیه زنان، توانمندسازی و افزایش مشارکت این قشر را در جهت رشد کلیت یک جامعه دانست و خواستار قانون‌گذاری در جهت کاستن از بی‌عدالتی و ظلم نسبت به زنان شد. «میشل باشلی»، نماینده دبیرکل سازمان ملل در امور زنان نیز گفت: بیش از ۱۰۰ کشور مانند هند و گواتمالا در دنیا هستند که قوانین محدودکننده‌ای برای زنان وضع می‌کنند. در این حال، سازمان ملل اعلام کرد، پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای و الزام‌آور کردن آن یکی از محورهای دیدار سران و رهبران جهان در مقر سازمان ملل متحد خواهد بود. «تیبور توه»، دبیر اجرایی پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای اعلام کرد که پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای که ۱۶ سال پیش طرح شده، قرار است یکی از محورهای مهم مذاکرات سران و مقامات جهان باشد. وی تصریح کرد: با الزام‌آور شدن این پیمان، جهان عملاً غول انفجار هسته‌ای را مهار خواهد کرد. این پیمان دارای یکی نظام هشدار بین‌المللی خاص است که هرگونه آزمایش هسته‌ای را می‌تواند در سطح جهان رصد و گزارش کند. بر اساس این پیمان، هرگونه آزمایش هسته‌ای توسط تمامی کشورهای جهان ممنوع خواهد شد.

اظهارات اوباما

رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با دخالت مجدد در امور داخلی سوریه، اعلام کرد قانون اساسی آمریکا، آزادی بیان را تصریح کرده و به همین سبب مانع تولید فیلم توهین‌کننده به اسلام نشدیم. باراک اوباما در سخنانی در نشست شصت و هفتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تکرار ادعاهای خود مبنی بر حمایت از حقوق بشر و دموکراسی پرداخت. اوباما با بیان اینکه من فیلم موهن به اسلام را محکوم می‌کنم، در عین حال در اشاره به اعتراضات گسترده مسلمانان در جهان به این فیلم آمریکایی - صهیونیستی، آن را خشونتی خواند که به گفته وی غیر قابل توجیه است. رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد هر کس حق دارد نظرات و اعتقادات خود را بیان کند. وی ادعا کرد فیلم توهین‌آمیز، بیانگر نظرات و دیدگاههای آمریکایی‌ها نیست. رئیس جمهوری آمریکا در ادامه با گرفتن ژست طرفداری از ملتهای جهان مدعی شد از تلاشهای ملتها برای تحول دموکراتیک حمایت می‌کنیم. وی ادعا کرد حمایت ما از دموکراسی، ما را در کنار ملتها قرار می‌دهد و رهبران باید از آرزوها و خواسته‌های دموکراتیک ملتها حمایت کنند. اوباما در ادامه اظهارات فریبکارانه خود گفت: دموکراسی این است که ملت حکومت کند، نه دیکتاتورها.

رئیس جمهوری آمریکا تاکید کرد: افرادی که در حمله به سفارت آمریکا در لیبی دست داشتند و سفیر آمریکا را در لیبی به قتل رساندند، تعقیب و مجازات می‌شوند. اوباما افزود: یک فیلم منزجر کننده که به مسلمانان توهین کرده است، نمی‌تواند بهانه برای دست زدن به خشونت باشد. اوباما در سخنرانی خود خطاب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد افزود: حملات به شهروندان غیر نظامی ما در بنغازی حمله به آمریکا به شمار می‌رود.

در حاشیه اجلاس

*نماینده آمریکا در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل بر اهمیت حاکمیت قانون در سطح ملی و بین‌المللی تأکید کرد و از رهبران جهان خواست متعهد به قانون باشند. «اریک هولد»، دادستان کل آمریکا به عنوان نماینده این کشور در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت: در روزهای اخیر دریافتیم که حاکمیت قانون تاچه حد برای تداوم آزادی، صلح و عدالت ضرورت دارد.

من اینجا هستم که نه تنها پایبندی آمریکا را به این اصول بلکه حمایت خود را از تلاش‌های جدی سازمان ملل جهت تقویت حاکمیت قانون در سراسر جهان اعلام کنم.

*«یانگ جیچی»، وزیر امور خارجه چین به‌طور جداگانه با بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل و «ووک یرمیچ»، رئیس دوره‌ای مجمع عمومی سازمان ملل دیدار کرد و وعده همکاری نزدیک‌تر با سازمان ملل را داد. در این دیدارها، یانگ اعلام کرد، تحت اوضاع فعلی جهان، جامعه بین‌المللی باید اهمیت بیشتری برای نقش سازمان ملل قائل باشد. وزیر خارجه چین افزود، کشورش به حمایت از نقش بیشتر سازمان ملل برای حفظ صلح بین‌المللی، ترویج توسعه مشترک و توسعه پایدار و حرکت به سمت اهداف توسعه هزاره، ادامه خواهد داد.

*فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه در نیویورک با بان کی‌مون دبیرکل سازمان ملل درباره احتمال انتصاب فرستاده سازمان ملل در کشور مالی مذاکره کرد. هیأت فرانسوی اعزامی به نیویورک ضمن اعلام این مطلب افزود، پیشنهاد انتصاب فرستاده دبیرکل سازمان ملل به کشور مالی در ضیافت شمالی مطرح شده که بان کی‌مون در محل اقامت فرانسوا اولاند در منهتن نیویورک برگزار کرده بود. اولاند نخستین سخنرانی خود را در مجمع عمومی سازمان ملل ایراد کرد. به گفته همراهان رئیس جمهوری فرانسه، پاریس امیدوار است کنفرانس بین‌المللی مربوط به منطقه ساحل که امروز در حاشیه شصت و هفتمین نشست مجموع عمومی سازمان ملل برگزار می‌شود، بتواند نقطه عطفی در پرونده کشورهای منطقه جنوب صحرای آفریقا باشد.

*«ژاکوب زوما»، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی با غیر دمکراتیک خواندن ماهیت شورای امنیت سازمان ملل، خواستار اصلاح این نهاد جهانی شد.

زوما در سخنانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل تصریح کرد که غیر دمکراتیک و غیر انتخابی بودن طبیعت شورای امنیت سازمان ملل سبب شده که تصمیمات این شورا از سوی بسیاری از منتقدان آن، فاقد مشروعیت باشد. به گفته رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، این باور مشترک وجود دارد که ساختار و ماهیت این شورا عادلانه نیست.

حمله موشکی به کنسولگری آمریکا در «کرکوک»

سرویس خارجی: پلیس کرکوک عراق از شلیک دو فروند موشک کاتیوشا به سوی کنسولگری آمریکا در این شهر خبر داد. یک منبع آگاه در پلیس استان کرکوک اعلام کرد: کنسولگری آمریکا در این استان، مورد هدف موشک کاتیوشا قرار گرفت. این منبع افزود: دو فروند کاتیوشا، فرودگاه کرکوک در جنوب این استان را که اکنون کنسولگری آمریکا در آن قرار دارد، هدف قرار داد، اما هنوز درباره میزان خسارات مالی و جانی خبری در دست نیست. از سویی، مقامات امنیتی عراق اعلام کردند، در پی چندین مورد حمله مردان مسلح به نیروهای امنیتی در داخل بغداد و نواحی اطراف آن شش پلیس و سرباز کشته شدند.

یک مقام وزارت کشور عراق و یک منبع پزشکی این کشور اعلام کردند، مردان مسلح در «طارمیه» واقع در شمال بغداد با استفاده از بمب، نارنجک انداز و سلاح کلاشینکوف به یک پاسگاه پلیس حمله کردند که طی آن یک پلیس کشته و سه نفر مجروح شدند. بر اساس این گزارش در منطقه «الامیریه» در غرب بغداد نیز مردان مسلح «صالح حسن فیضه»، سرتیپ ارتش عراق را از پای درآوردند و چند تن دیگر از مردان مسلح نیز با حمله به یک ایست بازرسی در جنوب پایتخت دو سرباز را کشته و سه تن دیگر را مجروح کردند. خبر دیگر اینکه، برخی مراجع تقلید عراق خرید و فروش اسلحه در این کشور را حرام اعلام کردند.

شکست دور دوم گفتگوهای رؤسای جمهوری دوسودان

سرویس خارجی: روز دوم از مذاکرات رؤسای جمهوری سودان و سودان جنوبی بدون دستیابی به توافق در هیچ موضوعی به پایان رسید.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری فرانسه، روز دوم مذاکرات «عمرالبشیر» و «سلواکر میاردیت» رؤسای جمهوری دو سودان دیروز بدون دستیابی به توافقی به پایان رسید.

این مذاکرات که در حضور «هایلا ماریام دسالگن» نخست‌وزیر اتیوپی و «تابو امبکی»، رئیس جمهوری سابق آفریقای جنوبی و میانجی اتحادیه آفریقا برگزار شد دوشنبه شب به حال تعلیق درآمد تا سه‌شنبه بار دیگر از سر گرفته شود. «دینق الور»، مذاکره کننده ارشد سودان جنوبی نیز به خبرنگاران گفت: نشست بعدی نیز همچنان به بررسی مسائل مورد اختلاف خواهد پرداخت.

هیئت‌های مذاکره‌کننده دو سودان نیز درباره دستیابی سران دو کشور به توافق جامع خوشبین نیستند.

از سوی دیگر «العبید مروح»، سخنگوی رسمی وزارت خارجه سودان تاکید کرد که در موضوع مناطق مورد مناقشه و موسوم به ۱۴ میل در مرز بین دو کشور پیشرفت‌هایی حاصل شده اما هنوز به توافقی نرسیده است.

در عین حال مروح در اظهاراتی خبری در آدیس آبابا گفت: احتمال می‌رود رؤسای جمهوری دو سودان در نشست سه‌شنبه خود به نتایج مثبتی دست یابند.

برنامه جهانی غذا: یک و نیم میلیون سوری با خطر گرسنگی مواجه‌اند

سرویس خارجی: مدیر برنامه جهانی غذا اعلام کرد شمار سوری‌هایی که با خطر گرسنگی مواجه هستند به یک و نیم میلیون نفر می‌رسد.

«اثرن کیزن» گفت تعداد کسانی که در سوریه نیاز به کمک‌های غذایی دارند، در چند ماه گذشته پنج برابر شده است.

وی افزود: برنامه جهانی غذا فقط به نیمی از این تعداد می‌تواند کمک‌رسانی کند.

خبر دیگر اینکه منابع رسمی اردنی اعلام کردند ۴۰۰۰ پناهجوی سوری مقیم اردن بنا به درخواست خود به کشورشان بازگشتند.

این در حالی است که دوشنبه‌شب درگیری‌هایی میان پناهندگان سوری ساکن اردوگاه الزعتری اردن و نیروهای امنیتی اردن روی داد.

نشست شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل برای بحث و بررسی آخرین تحولات سوریه جلسه‌ای با حضور اخضر ابراهیمی نماینده ویژه سازمان ملل برگزار کرد.

اعضای شورای امنیت در این جلسه که در حاشیه حضور سران کشورهای جهان برای گشایش شصت و هفتمین دوره مجمع عمومی سازمان ملل برگزار شد؛ در جریان گزارش اخضر ابراهیمی درباره تحولات سوریه و نتایج دیدارهایش از چند کشور خاورمیانه قرار گرفتند.

در این جلسه نبیل العربی رئیس اتحادیه عرب و برخی مقامات بین‌المللی حضور داشتند.

اخضر ابراهیمی نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در پایان نشست شورای امنیت درباره سوریه گفت: وضعیت این کشور خطرناک بوده و راه‌حل فوری برای پایان دادن به بحران سوریه وجود ندارد. وی گفت: وضعیت سوریه خطرناک بوده و تهدیدی برای ثبات منطقه و جهان به شمار می‌رود.

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در سوریه گفت: بنا به گزارش‌های دولت سوریه بیش از ۵۰۰۰ جنگجوی خارجی در خاک این کشور حضور دارند.

ابراهیمی همچنین اعلام کرد قصد دارد بزودی برای گفت‌وگو با مقامات مسکو و پکن به منظور یافتن راه حلی برای بحران سوریه به روسیه و چین سفر کند.

واکنش به مداخله خارجی

محمد مرسی رییس جمهوری مصر گفت مخالف هرگونه مداخله نظامی خارجی در بحران سوریه است.

وی در مصاحبه با تلویزیون بی‌بی‌اس پیش از نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک؛ گفت کمیته چهارجانبه متشکل از مصر؛ ایران؛ عربستان سعودی و ترکیه می‌تواند به درگیری ۱۸ ماهه در سوریه پایان دهد.

پادشاه اردن نیز در سخنانی ضمن هشدار نسبت به وضعیت پیچیده انسانی در سوریه بر اهمیت هماهنگ کردن تلاش‌های بین‌المللی جهت ایجاد راهکاری فوری در خصوص وضعیت این کشور تأکید کرد.

معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان نیز تأکید کرد این حق مردم سوریه است که در حکومت خود در چارچوب قانون تغییراتی ایجاد کنند و این مسئله‌ای است که ما حمایت و تائید می‌کنیم. چیزی که ما به آن اعتراض داریم دخالت خارجی است که اعتراضات را نظامی کرد و موجب جنایات در سوریه شد حل این بحران با ابزار نظامی امکان ندارد و تنها گفت‌وگو راه حل این بحران است.

پیام سوریه

معاون وزیر امور خارجه سوریه در مصاحبه‌ای ضمن متهم کردن ترکیه و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به حمایت‌های تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی تأکید کرد: دولت سوریه زمینه را برای گفت‌وگو با مخالفان فراهم می‌کند. فیصل المقداد اعلام کرد: دولت سوریه هرگز از لفظ انتقال قدرت استفاده نکرده بلکه هدف ما برگزاری کنفرانس ملی گسترده با حضور همه گروه‌های سوری با نظارت رهبران و مسئولان سوریه است کنفرانسی که از سوی همه ملت سوریه حمایت شود. وی خاطرنشان کرد: سوریه زمینه را برای گفت‌وگو با گروه‌های مخالف فراهم خواهد کرد. مقداد گفت: پیام سوریه در اجلاس امسال مجمع عمومی سازمان ملل متحد «پیام صلح و آشتی ملی» است.

وزیر اطلاع‌رسانی سوریه نیز حضور فرستادگان بین‌المللی در میز گفت‌وگوهای داخلی برای حل بحران این کشور را ممکن دانست ولی در عین حال گفت حضور نمایندگان کشورهای ترکیه؛ قطر؛ عربستان و اسراییل در میز گفت‌وگوها را امری خطرناک و ممنوع می‌دانیم.

انفجار در دمشق

انفجار دو بمب در ساختمان مدرسه‌ای نزدیک دمشق هفت زخمی برجاگذاشت. انفجار در این محل موجب آتش‌سوزی شد و برخی افراد به علت آتش‌سوزی دچار جراحت شدند.

از سویی منابع خبری لبنان خبر می‌دهند که عناصر مسلح سوریه در نزدیکی شهر حمص؛ با حمله به منطقه ربله در مرز با لبنان؛ ۲۰۰ شهروند این کشور را ربودند.

در تحولی دیگر خبرگزاری فرانسه اعلام کرد ارتش رژیم صهیونیستی از شلیک چندین خمپاره از خاک سوریه به سوی بلندی‌های جولان که تحت اشغال این رژیم است خبر داد.

از سرگیری درگیری‌ها در شمال لبنان

سرویس خارجی: درگیری بین دو منطقه باب‌التبانه و جبل محسن از منطقه طرابلس در شمال لبنان با دخالت فوری ارتش لبنان متوقف شد.

منابع مطبوعاتی در طرابلس اعلام کردند ساکنان باب‌التبانه و جبل محسن بار دیگر با شلیک گلوله با هم درگیر شدند. در پی این اتفاق یگان‌های ارتش لبنان بلافاصله در منطقه مستقر شده و گشتی‌های زرهی را در مناطق محل درگیری به راه انداختند. ارتش همچنین موانعی را در این مناطق ایجاد کرده و برای این که کنترل اوضاع از دستش خارج نشود مسیر الریفا تا جبل محسن را مسدود کرده است.

ساکنان دو منطقه باب‌التبانه و جبل مسحن از بیش از یک دهه پیش درگیری‌های شدید و خونینی با هم دارند و تنها با دخالت ارتش است که این درگیری‌ها متوقف می‌شود.

خبر دیگر این که نجیب میقاتی نخست‌وزیر لبنان در مورد نگرانی احتمال حمله اسرائیل علیه ایران و حزب‌الله گفت: برخورد حزب‌الله با مسائل جاری لبنان در روزهای اخیر از روی آگاهی و بصیرت بوده است.

وی که در نیویورک به سر می‌برد، گفت: حزب‌الله خود از طرفداران و حامیان بیانیه کاخ بعبدا است که در آن نسبت به چالش نکشاندن لبنان در بحران‌های منطقه‌ای و دور نگه داشتن آن از پیامدهای محورهای منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید شده است.

میقاتی همچنین در تماسی تلفنی با میشل عون از نیویورک تأکید کرد که تحقیقات گسترده برای شناسایی عاملان ترور ناکام وی ادامه دارد.

به گزارش فارس به نقل از المنار، دستگاه‌های امنیتی لبنان تحقیقات خود را در مورد ترور ناکام میشل عون رئیس فراکسیون تغییر و اصلاح در پارلمان لبنان و رئیس جریان ملی آزاد این کشور که شنبه گذشته در مسیر بازگشت وی از دیدار از منطقه جزین روی داده بود، ادامه می‌دهند.

از سویی معاون دبیرکل حزب‌الله با حمایت از دولت نجیب میقاتی تصریح کرد این دولت بهترین گزینه در شرایط کنونی است، چراکه توانست ثبات سیاسی را محقق کند و اجازه ورود لبنان به جریان دشمنی با سوریه را نداد. وی گفت این حکومت دارای موفقیت‌هایی بوده است ولی باید در زمینه خدمات اجتماعی بیشتر کار کند.

ترور نظامیان ارتش لیبی توسط افراد مسلح

سرویس خارجی: ارتش لیبی از کشته شدن شش نظامی این کشور در شهر بنغازی به دست افراد مسلح خبر داد.

به گزارش فارس، فرماندهی ستاد مشترک ارتش لیبی اعلام کرد: شش نفر از نظامیان لشکر یکم پیاده‌نظام در بنغازی ترور شدند و اجساد آنان در یکی از مناطق اطراف شهر بنغازی پیدا شده است.

فرماندهی ستاد مشترک لیبی همچنین تأکید کرد: به منظور برقراری امنیت در بنغازی و به درخواست مردم این شهر یک فرماندهی جدید نظامی با دو گردان نیرو در این شهر تشکیل خواهد داد.

مردم بنغازی خواستار انحلال همه گروه‌های شبه‌نظامی در این شهر و همچنین قوی‌تر و زیادتر شدن نیروهای ارتش و پلیس در این شهر هستند.

از سویی سازمان عفو بین‌الملل موارد نقض حقوق بشر در لیبی شامل عملیات آدم‌ربایی، شکنجه و اعدام را محکوم و از مسئولان این کشور خواست برای جلوگیری از ارتکاب این جنایت‌ها تدابیر فوری اتخاذ کنند.

در این حال هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا ضمن پیشنهاد کمک بیشتر به لیبی برای مهار گروه‌های شبه‌نظامی تأکید کرد؛ واشنگتن به رغم حمله مرگبار ماه جاری به کنسولگری آمریکا در بنغازی به عنوان یک متحد قوی در کنار طرابلس باقی خواهد ماند.

کلینتون با محمد مقریف که در ماه اوت به عنوان رئیس مجمع ملی حاکم بر لیبی انتخاب شد، ملاقات کرد و عذرخواهی شخصی وی را بابت حمله‌ای که به کشته شدن کریس استیونز سفیر و سه آمریکایی دیگر انجامید، دریافت کرد.

مقریف در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک به کلینتون گفت: آنچه در مورد این شهروندان آمریکا اتفاق افتاد به هیچ وجه در وجدان مردم لیبی نسبت به مردم آمریکا نمی‌گنجد.

اعتراض دهها هزار کویتی به قانون انتخابات



سرویس خارجی: دهها هزار کویتی در اعتراض به اصلاحیه دولت بر قانون انتخاباتی این کشور، در نزدیکی مجلس امت تجمع کردند.

به گزارش الجزیره، هزاران نفر از مردم کویت بنا به دعوت احزاب مخالف کویتی در نزدیکی مجلس امت این کشور تجمع کردند و خواستار اصلاح قانون انتخابات ارائه شده از سوی دولت این کشور شدند.

این تجمع پس از صدور حکم دادگاه قانونگذاری این کشور در زمینه تقسیم‌بندی‌های جدید حوزه‌های انتخاباتی است که مخالفان دولت آن را رد می‌کنند.

«عبدالله کابد» خبرنگار الجزیره در کویت اعلام کرد که تجمع بالغ بر ۱۰ هزار نفری که مخالفان دولتی کویت در میدان «الاراده» این شهر برگزار کردند، پیام‌های متعددی به صباح‌الاحمد الصباح، امیر کویت داد. «خالد الطاحوس»، نماینده دیگر پارلمان نیز گفت که دولت نمی‌تواند تصمیم خود را بگیرد و نماینده مانیست.

***عربستان**

خبرگزاری فرانسه از دستگیری یک روحانی شیعه سعودی در منطقه «الشرقیه» خبر داد.

این گزارش می‌افزاید: فعالان حقوق بشر و منابع حقوقی اعلام کردند که نیروهای امنیتی عربستان در منطقه الشرقیه «حسین الراضی»، روحانی شیعه را بدون هیچ دلیلی بازداشت کردند.

این منابع گفتند که نیروهای امنیتی به منزل الراضی در شهر «العمران» در استان «الاحساء» رفته و وی را بازداشت و به مرکز پلیس بردند و به نظر می‌رسد که دلیل بازداشت وی شرکت در تظاهرات محکوم کردن فیلم ضداسلامی که هفته گذشته برگزار شد، باشد.

منابع حقوقی گفتند که الراضی بیمار است و از مشکل قلبی رنج می‌برد و بهار گذشته نیز تحت عمل جراحی قرار گرفته بود.

در چنین شرایطی، ۵۰ تن از قضات عربستانی در اعتراض به اعمال فشار از سوی مقامات دولتی این کشور استعفای خود را تقدیم کردند.

در اعتراض به افزایش فشارها از سوی دولت عربستان بر مقامات قضایی این کشور، ۵۰ تن از قضات عربستانی استعفا دادند.

این قضات در اظهارات خود اعلام کردند که نظام آل‌سعود آن‌ها را وادار می‌کند تا حکم‌های مستبدانه و ظالمانه‌ای را علیه فعالان سیاسی که در تظاهرات مسالمت‌آمیز عربستان و در اعتراض به وضعیت حقوق‌بشر شرکت داشته‌اند، صادر کنند.

جوانان در قطیف عربستان نیز با برگزاری تظاهرات خواستار پایان تبعیض‌ها در این منطقه علیه شیعیان شدند. معترضان همچنین، آزادی زندانیان سیاسی از جمله جوانانی که در اعتراضات ماه‌های اخیر بازداشت شده‌اند را خواستار شدند.

جوانان شهرهای شرق عربستان از جمله قطیف، العوامیه و الشرقیه پس از دستگیری آیت‌الله نمر باقر النمر تظاهرات کردند که نیروهای امنیتی، شمار زیادی از معترضان را دستگیر کردند.

***بحرین**

بحرینی‌ها در اعتراض به سرکوب‌های رژیم آل‌خلیفه تظاهرات مسالمت‌آمیز برگزار کردند.

بحرین شاهد اعتراضات مردمی به رژیم آل‌خلیفه بود و معترضان با سر دادن شعارهایی خواستار توقف سرکوب‌ها شدند. این تظاهرات با عنوان «برای آبروی خود می‌میریم» و در راستای پیگیری اهداف انقلاب این کشور برگزار شد.

این تظاهرات با دخالت نیروهای امنیتی آل‌خلیفه به خشونت کشیده شد و نیروهای رژیم با پرتاب گازهای سمی معترضان را متفرق کردند.

*** یمن**

منابع خبری از ترور یک مقام ارشد سرویس اطلاعاتی یمن در پایتخت این کشور به دست افراد ناشناس خبر دادند.

رئیس منطقه هشت سرویس اطلاعات یمن در صنعا، پایتخت این کشور با شلیک یک فرد مسلح ناشناس به قتل رسید.

یک منبع امنیتی یمنی در این باره گفت: یک فرد مسلح که به نظر می‌رسد، از اعضای سازمان القاعده باشد، در حالی که سوار بر موتور بود، افسر «عبدالله الاشول» را در منطقه «الصافیه»، مرکز صنعا هدف قرار داد و فرار کرد.

ترور الاشول چهارمین ترور از ژوئیه گذشته در یمن به شمار می‌آید که کارمندان سرویس اطلاعاتی یمن را هدف گرفته است.

خبر دیگر این که، مقامات یمنی از وقوع دو انفجار در خطوط انتقال نفت و گاز که میادین نفتی را در مرکز این کشور به خلیج عدن وصل می‌کند، خبر دادند.

دستگیری گسترده هواداران «پ.ک.ک» در ترکیه

ایرنا: پلیس ترکیه در یک عملیات همزمان در شش استان این کشور ۳۵ تن از هواداران «پ.ک.ک» را دستگیر کرد.

این عملیات در استان‌های «مرسین، دیاربکر»، «ادانا»، «باتمان»، «نونجعلی» و «ماردین» آغاز شده است. این افراد متهم به عضویت در عملیات های شاخه شهری «گ.ج.گ» گروه غیر قانونی «پ.ک.ک» هستند. برخی از روشنفکران ترکیه معتقدند که «گ.ج.گ» به عنوان یک سازمان سیاسی با هدف فعالیت علنی پس از پایان یافتن فعالیت‌های مسلحانه «پ.ک.ک» تشکیل شده است.

طرح امنیتی سفارتخانه‌های روسیه ارائه شد

ایرنا: وزارت خارجه روسیه پیش‌نویس طرحی برای افزایش ضریب امنیتی سفارتخانه‌ها و اتباع روسی خارج از کشور را ارائه کرد.

این طرح شامل خرید زمین در کشورهایی است که با بحران‌های سیاسی و اجتماعی و امنیتی مواجهند تا ساختمان‌های جدید سفارتخانه ساخته شود. همچنین در این تدابیر؛ استفاده از خودروهای زرهی برای کارمندان سفارتخانه‌ها و کمک گرفتن از شرکت‌های محلی تامین امنیت در نظر گرفته شده است.

«الشباب» نمایندگان مجلس سومالی را تهدید به قتل کرد

ایرنا: گروه الشباب وابسته به القاعده تهدید کرد که تمامی نمایندگان جدید پارلمان سومالی را خواهد کشت. یک مسئول این گروه خاطرنشان کرد: یکی از نمایندگان مجلس سومالی به دست شبه نظامیان کشته شد و آنها به کشتن سایر نمایندگان متعهد هستند و ۲۷۴ نماینده باقی مانده نیز در لیست قرار دارند مگر اینکه پارلمان را رها کنند، پارلمان جدید سومالی در ماه اوت آغاز به کار کرد.

لوکاشنکو: فشارهای غرب بر بلاروس را نمی‌پذیریم

ایرنا: (الکساندر لوکاشنکو) رئیس جمهوری بلاروس با اشاره به اعمال فشار غرب بر کشورش برای تغییر سیاست‌های دولت گفت: فشارهای غرب بر بلاروس را به هیچ وجه نمی‌پذیریم و با آن مقابله می‌کنیم. لوکاشنکو در جمع خبرنگاران گفت: اگر غرب ایرادهای منطقی به برگزاری انتخابات در بلاروس دارد، آماده هستیم تا به آن توجه کرده و نتیجه‌گیری کنیم اما تنها چیزی را که نمی‌پذیریم، اعمال فشار است. وی تاکید کرد که قانون اساسی بالاتر از همه چیز است و باید در ارزیابی انتخابات ملاک سنجش قرار داد.

هزاران دانشجو در خیابان‌های تفلیس تظاهرات کردند

فارس: دانشجویان خشمگین دانشگاه‌های تفلیس در پایتخت گرجستان تظاهرات گسترده اعتراض‌آمیزی نسبت به اعمال شکنجه و رفتارهای توهین‌آمیز با زندانیان در این کشور، به راه انداختند. وزارت کشور گرجستان هفته گذشته از شایعاتی در خصوص برخوردهای خشن با زندانیان در زندان «گلدانسکی» تفلیس خبر داد. بر اساس این اطلاعات مقامات این زندان رفتارهای غیر انسانی با زندانیان داشته و از آن فیلم تهیه کردند که صحنه‌هایی از آن در یکی از شبکه‌های تلویزیونی گرجستان نیز پخش شد. برخی سازمان‌های مدافع حقوق بشر، نقض آشکار حقوق زندانیان در گرجستان را محکوم کردند. وزیر کشور و وزیر اجرای مجازات‌ها در گرجستان در پی این حادثه مجبور به استعفاء شدند. «میخائیل ساآکاشویلی» رئیس جمهوری گرجستان اعلام کرد که قصد دارد مقاماتی که در این قضیه دست داشتند را به‌شدت مجازات کند. دانشجویان گرجی وعده دادند که همچنان به اعتراضات گسترده خود ادامه خواهند داد.

درگیری در قفقاز روسیه ٤ کشته داشت

ایرنا: چهار جنگجوی مسلح در جریان درگیری با نیروهای امنیتی در جمهوری «داغستان» در منطقه قفقاز روسیه کشته شدند. این درگیری در جاده «آکسایف» در منطقه «خاساویورت» رخ داد و ماموران امنیتی خودرو حامل جنگجویان را پس از تیراندازی از داخل آن به سوی واحدهای دولتی به رگبار بستند.

درخواست از سازمان ملل برای مداخله نظامی در «مالی»

ایرنا: دولت مالی با ارسال نامه‌ای برای سازمان ملل رسماً خواستار اجازه یافتن یک نیروی نظامی تحت رهبری آفریقای غربی برای کمک به بازپس گیری اراضی تحت تصرف شورشیان شد. «لوران فابیوس» وزیر امور خارجه فرانسه که پیشنهاد پشتیبانی تدارکاتی از یک مداخله منطقه‌ای را داده است وجود این نامه را در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل تایید کرد. فابیوس ابراز امیدواری کرد که این درخواست سریعاً به یک رأی گیری در شورای امنیت در مورد مداخله یا عدم مداخله نیروهای منطقه‌ای آفریقای غربی (اکوواس) در مالی منجر شود.

یک فرمانده سابق جهادی در شرق افغانستان کشته شد

ایرنا: سخنگوی استاندار «لغمان» افغانستان اعلام کرد که یکی از فرماندهان سابق جهادی این کشور عضو گروه حزب اسلامی «گلبدین حکمتیار» به همراه سه نفر از محافظان خود در این استان کشته شدند.

«سرحدی زواک» به رسانه‌ها گفت: «آدم‌خان» و همراهانش در مسیر منزل خود هدف تیراندازی افراد ناشناس قرار گرفته و کشته شدند. همچنین انفجار یک نارنجک در منطقه سیزدهم شهر کابل، سه نفر مجروح برجای گذاشت.

تلاش برای ترمیم روابط آمریکا و پاکستان

ایسنا: هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا روز دوشنبه در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل با رئیس جمهوری پاکستان دیدار کرد.

به نقل از خبرگزاری فرانسه، یکی از مقام‌های ارشد وزارت امور خارجه آمریکا در پاسخ به این سوال که روابط میان واشنگتن و اسلام‌آباد پس از مذاکرات میان مقام‌های بلندپایه دو کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید، گفت: خوشبختانه باید بگوییم که روابط میان دو کشور در مسیر مثبت و خوبی قرار گرفته است. البته نمی‌توانم درباره اینکه چه اتفاقی می‌افتد قضاوت کنم. این مقام مسئول افزود: فکر می‌کنم که ما در موقعیت و شرایطی سخت و جدی پس از ۱۸ ماه کشمکش میان دو دولت بر سر یکسری مسائل مناقشه برانگیز قرار گرفته‌ایم. ما سخت فعالیت می‌کنیم تا اوضاع را به حالت اول بازگردانیم. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در دیدار خود با آصف علی زرداری، وی را «دوست من» خطاب کرده و با معرفی «ریچارد اولسون» سفیر جدید آمریکا در پاکستان اعلام کرد که این سفیر جدید می‌تواند در مذاکرات میان دو کشور شرکت کند.

خالد مشعل از ریاست حماس کنار می‌رود

سرویس خارجی: «خالد مشعل» رییس دفتر سیاسی جنبش حماس می‌گوید قصد دارد از سمت خود کناره‌گیری کند. آسوشیتدپرس به نقل از مقامات حماس گزارش داد مشعل در نشست اخیر رهبران این گروه در قاهره گفته است دیگر نمی‌خواهد داوطلب احراز مقام ریاست دفتر سیاسی شود.

رئیس دفتر سیاسی، بالاترین مقام رهبری در گروه حماس است و خالد مشعل از ۱۵ سال پیش این سمت را برعهده دارد.

خبر دیگر اینکه شورای حقوق بشر سازمان ملل در گزارشی با استناد به یافته‌های کمیته حقیقت یاب سال ۲۰۰۹ این سازمان؛ رژیم صهیونیستی را به نقض حقوق بشر در اراضی فلسطین متهم کرد. «کیانگ واکانگ» معاون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در نشست شورای حقوق بشر این سازمان در ژنو؛ گفت: باید با جدیت بیشتری موارد نقض حقوق بشر و قوانین انسانی بین‌المللی دنبال شود. در کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل آمده که این موارد را در گزارش خود مستندسازی کرده است. در تحولی دیگر ارتش رژیم صهیونیستی اعلام کرد مرز خود با اردن را به مدت ۴۸ ساعت در ایام تعطیلات «یوم کیپور» خواهد بست. بیانیه ارتش می‌افزاید: فلسطینیان اجازه ندارند در این مدت وارد اسرائیل شوند مگر به دلایل بشردوستانه یا کسانی که نیاز به مداوای پزشکی دارند.

مذاکرات ناامید کننده چین و ژاپن در مورد مناقشات ارضی

سرویس خارجی: اخبار منتشر شده از نتیجه مذاکرات نمایندگان دولت‌های چین و ژاپن بر سر مناقشه ارضی امیدوارکننده نیست. معاون وزیر امور خارجه چین گفته است که کشورش نقض حق حاکمیت خود را از سوی ژاپن تحمل نخواهد کرد. منابع رسمی چین گفتند؛ «جانگ جیجون» در ملاقات با «چیکاکو کاوای» همتای ژاپنی‌اش در پکن این مطلب را عنوان کرده است. از این مقام چینی نقد شده که تحرکات یکجانبه ژاپن علیه تمامیت ارضی چین به روابط آسیب می‌رساند و قابل تحمل نیست. وی از توکیو خواست ضمن توقف تحرکات و اصلاح اشتباه‌های گذشته، راه مذاکره را در پیش بگیرد. مقام چینی تصمیم دولت ژاپن برای خرید این جزایر را دارای آثار بسیار منفی دانست.

وی گفت که توکیو با این کار حقایق تاریخی و حقوق بین‌المللی را نقض کرده است.

معاون وزیر امور خارجه ژاپن پس از دو هفته تنش شدید بین دو کشور و تظاهرات مردمی، در پکن با مقامات چین گفتگو کرد.

از سویی، گزارش‌ها حاکی است در پی عزیمت دهها قایق ماهیگیری و کشتی گشتی تایوان به سمت آب‌های حوالی جزایر تحت کنترل ژاپن در دریای شرقی چین، کشتی‌های گارد ساحلی ژاپن اقدام به شلیک آب با توپ‌های آبی به سوی آنان کردند.

شبکه تلویزیونی «ان.اچ.کی» ژاپن تصاویری را نشان داد که در آن گارد ساحلی ژاپن قایق‌ها و کشتی‌های تایوانی را با توپ‌های آبی مخصوص هدف قرار می‌داد و کشتی‌های گشتی تایوانی نیز در واکنش به این اقدام با شیلنگ به روی کشتی‌های ژاپنی آب می‌پاشیدند. بر اساس این گزارش «اوسامو فوجیمورا» معاون رئیس کابینه ژاپن در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که هشت کشتی گارد ساحلی و ۴۰ قایق ماهیگیری تایوان وارد آب‌های ژاپن شدند.

وی گفت ما پس از تماس با مسئولین تایوانی به آنها تذکر دادیم که نمی‌توانند وارد آب‌های تحت تملک ما بشوند.

یک سخنگوی گارد ساحلی تایوان نیز تاکید کرد که حدود ۶۰ قایق و کشتی تایوانی با ورود به آب‌های ژاپن به جزایر مورد مناقشه نزدیک شدند.

از طرفی، رسانه‌های محلی ژاپن از مخالفت کره جنوبی با پهلو گرفتن ناو جنگی ژاپن در یکی از بنادر این کشور در طول مانور مشترک دریایی طراحی شده از سوی آمریکا خبر دادند.

مخالفت سئول با پهلو گرفتن ناو جنگی ژاپن در بندر جنوبی «بوسان» کره جنوبی در حالی انجام می‌گیرد که روابط دو کشور به دلیل اختلافات بر سر جزایر مورد مناقشه همچنان پرتنش است.

«ایهود باراک»: مصر خطر حقیقی برای اسرائیل است

سرویس خارجی: وزیر جنگ رژیم صهیونیستی با اشاره به نگرانی شدید مقامات این رژیم از تحولات به وجود آمده در مرز مصر تأکید کرد که مصر خطر حقیقی برای اسرائیل است.

«ایهود باراک» گفت که اسرائیل نسبت به جبهه مصر که به فعال‌ترین جبهه‌ها تبدیل شده است، احساس نگرانی دارد.

وی افزود: نمی‌دانم درست است این سخن را بگویم یا خیر و آن این که مصری‌ها اقدام قابل توجهی انجام نمی‌دهند در حالی که در مدت زمان کوتاه ۱۶ سرباز خود را از دست دادند، اما تنها به اعزام تعدادی نیرو و تخریب برخی تونل‌ها اکتفا کردند.

باراک اظهار داشت که ما از مصری‌ها انتظار داریم که اقدامات بیشتری انجام دهند و نیروهای بیشتری اعزام کنند و کنترل بر قبایل منطقه را به دست گیرند و اگر می‌شد این کار را بدون ورود نیروها انجام داد بهتر بود، اما این امر محال است. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی درباره روابط با دولت جدید مصر نیز تأکید کرد که اوضاع در مصر شبیه به گذشته نیست و افزود: ما سفیر جدیدی در مصر داریم که یک دیپلمات عالیرتبه است و ما تماس‌هایی با سطوح نظامی داریم اما با این حال تحولاتی که در داخل ملت مصر رخ می‌دهد تحولات بسیار بزرگی است. از سویی، مشاور محمد مرسی ضمن تأکید بر این که قاهره اقدامات ضروری برای برقراری امنیت مصر را مشخص می‌کند نه تل‌آویو، از رژیم صهیونیستی خواست تا به دقت معاهده کمپ‌دیوید را بازنگری کند.

به نوشته روزنامه اماراتی البیان، در واکنش به اظهارات آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی مبنی بر این که هیچ امیدی برای موافقت تل‌آویو با اعمال اصلاحات در معاهده کمپ‌دیوید وجود ندارد، «محمد عصمت سیف‌الدوله»، مشاور محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر اظهار داشت: مصری‌ها اقدامات لازم را برای برقراری امنیت ملی کشور مشخص می‌کنند نه اسرائیل.

سیف‌الدوله تصریح کرد: تداوم خلاء امنیتی در شبه‌جزیره سینا بر اساس ماده چهارم معاهده کمپ دیوید و ضمیمه امنیتی آن مورد قبول نبود و این مسأله به نفع اسرائیل هم نیست.

وی در ادامه افزود: اسرائیلی‌ها باید با دقت متن معاهده توافقنامه را بازنگری کنند چرا که این معاهده برحق هر طرف به منظور بازنگری در ساختارهای امنیتی تأکید دارد. از طرفی، شیخ نعیم قاسم رابطه حزب‌الله و اخوان‌المسلمین مصر را عالی و ممتاز توصیف کرد و افزود: اخوان در هرجا با توجه به تصمیمات سیاسی داخلی متفاوت است و اخوان در سوریه مواضع متفاوتی با مصر و پاکستان یا کشورهای دیگر دارد. ما درباره اختلافات موجود موضعی نداریم و ما با هر جنبش اسلامی که بتوانیم همکاری خواهیم کرد. در این حال، وزیر امور خارجه آمریکا در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک به رئیس جمهوری مصر وعده داد که واشنگتن در قبال تأمین کمک‌های نظامی و اقتصادی به قاهره متعهد است.



«هیلاری کلینتون» در دیدار خود با محمد مرسی بر تعهد آمریکا در قبال تأمین کمک‌های نظامی و اقتصادی به مصر تأکید کرد. مقامات آمریکا اوایل ماه جاری میلادی اعلام کرده بودند که به توافق در خصوص بخشش یک میلیارد دلار از بدهی قاهره به واشنگتن نزدیک شده‌اند تا به این وسیله مصر بتواند اقتصاد بیمار خود را ترمیم کند.

*** تونس**

وزارت کشور تونس اعلام کرد: یک عضو بلندپایه گروه سلفی تندروی تونس به نام «انصار الشریعه» در ارتباط با حمله به سفارتخانه آمریکا در ماه جاری بازداشت شد.

«خالد طروج» سخنگوی وزارت کشور اعلام کرد «حسن بریک» که تحت بازجویی و تحقیقات پلیس قرار دارد در ارتباط با تحقیقات درباره حمله به سفارتخانه آمریکا در تونس بازداشت شده است.

تظاهرات علیه فیلم ضداسلامی ادامه دارد

سرویس خارجی: شهرهای مختلف پاکستان شاهد برگزاری تظاهرات ضداهانت‌های اخیر به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) بود.

در این اجتماعات که در شهرهای بزرگ پاکستان از جمله اسلام‌آباد برگزار شد حاضران با در دست داشتن پلاکارد، سر دادن شعار و آتش زدن پرچم‌های آمریکا و انگلیس اعتراض خود را به انتشار فیلم موهن به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) در آمریکا و انتشار کاریکاتورهای اهانت‌آمیز در یک نشریه فرانسوی ابراز داشتند.

همچنین در ادامه تظاهرات کشورهای اسلامی در اعتراض به انتشار فیلم موهن به پیامبر اکرم(ص) مردم کشورهای نیجریه و فیلیپین با برگزاری تظاهراتی مخالفت خود را با این اقدام اعلام کردند.

شمار زیادی از مسلمانان نیجریه با برگزاری تظاهراتی در شهک کاتسینا در این کشور مخالفت خود را با تولید و انتشار فیلم آمریکایی موهن به پیامبر اکرم(ص) اعلام کردند.

شرکت‌کنندگان در این تظاهرات با سر دادن شعارهایی ضمن محکوم کردن این اقدام مجازات عاملان فیلم آمریکایی مذکور را خواستار شدند.

شرکت‌کنندگان همچنین پرچم‌های آمریکا، فرانسه و اسرائیل را به نشانه اعتراض به آتش کشیده و اعلام کردند تا زمان محاکمه و مجازات عاملان تولید فیلم موهن به پیامبر(ص) و نیز عاملان چاپ تصاویر کاریکاتوری موهن به آن حضرت در یکی از مجلات فرانسوی به تظاهرات خود ادامه خواهند داد.

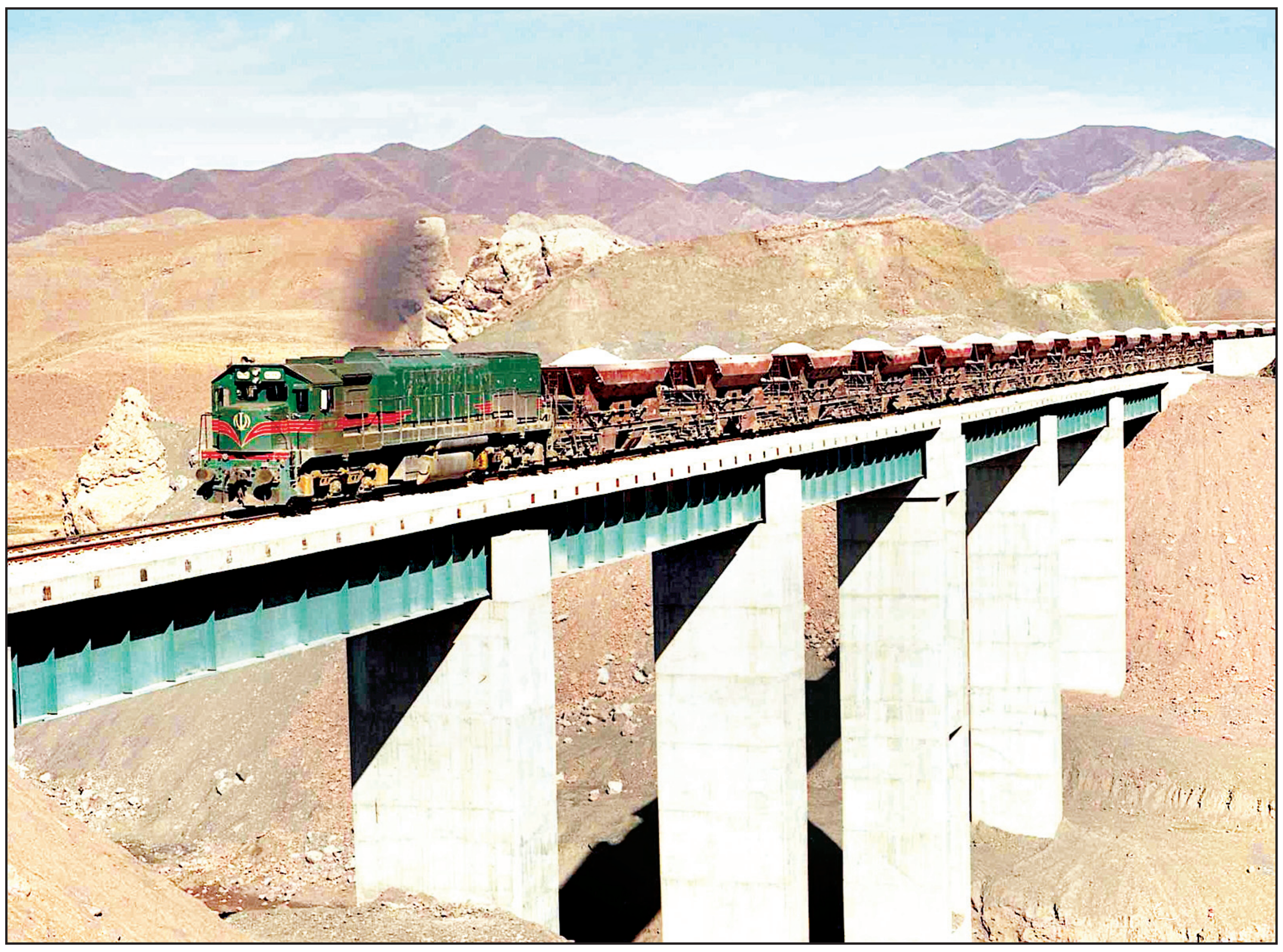
در فیلیپین نیز شمار زیادی از مسلمانان با برگزاری تظاهراتی مخالفت خود را با انتشار فیلم آمریکایی مذکور اعلام کردند. در همین راستا در ترکیه نیز حدود ۲۰۰ تن با برگزاری تظاهراتی ضمن به آتش کشیدن پرچم آمریکا و اسرائیل اعلام کردند در صورت ادامه چنین اقداماتی دست عاملان هتک حرمت پیامبر اکرم(ص) را کوتاه خواهند کرد.

در افغانستان نیز مردم مسلمان این کشور با برگزاری تظاهرات در خیابان‌های منطقه بدخشان ضمن سر دادن شعارهایی علیه آمریکا و فرانسه قطع روابط دیپلماتیک با این دو کشور را خواستار شدند.

زنان وابسته به گروه الحوثی یمن نیز در اعتراض به فیلم اهانت‌آمیز علیه پیامبر اسلام(ص) تجمعی برگزار کردند.

تجمع زنان حوثی مراسم پایانی هفته اعتراض به فیلم اهانت‌آمیز علیه پیامبر اکرم(ص) را در صعده در شمال یمن برگزار کرد. شرکت‌کنندگان در این مراسم خواستار اخراج سفیر آمریکا از یمن و قطع روابط با کشورهایی شدند که اهانت‌کنندگان به مقدسات مسلمانان را مورد بازخواست قرار نمی‌دهند.

گام‌های احیای جاده ابریشم



* همکاری مشترک ایران، ترکمنستان و قزاقستان در پروژه احداث راه‌آهن گرگان ـ اینچه‌برون ـ اترک ـ برکت ـ اوزن در واقع نقش عمده‌ای در رشد مبادلات تجاری این کشورها خواهد داشت. براساس برنامه زمان‌بندی شده این پروژه تا شهریور ۹۱ به بهره‌برداری می‌رسد و بدین ترتیب ایران در مسیر حمل کالاهای ترانزیتی قزاقستان و ترکمنستان قرار می‌گیرد

* اتصال خطوط ریلی ایران به کاشگارچین از طریق افغانستان و تاجیکستان طرحی است که هم‌اکنون در آسیای مرکزی دنبال می‌شود و ۳ دولت ایران، تاجیکستان و افغانستان برای اجرای این طرح توافق کرده و آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند

* توجه جدی به ایجاد کریدور ترانزیتی جاده‌ای و ریلی ایران، افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان و چین به عنوان یک راهکار بلندمدت درنظر گرفته شده باعث افزایش امنیت تردد محصولات و نبود وابستگی به یک مسیر می‌شود

یکی از شاخصه‌های توسعه یافتگی، توسعه صنعت حمل‌ونقل است. در این میان گسترش خط آهن، آن هم میان سه کشور فارسی زبان می‌تواند علاوه بر رهاوردهای اقتصادی، رهاوردهای هویتی و فرهنگی هم در پی داشته باشد. توسعه خط آهن میان سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان باعث شده تا کارشناسان از آن به احیای یکی از قدیمی‌ترین مسیرهای جهان یعنی جاده ابریشم یاد کنند. مسیری که به سیاق گذشته می‌تواند آثار برجسته‌ای را برای این سه کشور و فراتر از آن در آسیای مرکزی به ارمغان آورد. بخش حمل و نقل یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی و از جمله پایه‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود و کارشناسان معتقدند حمل و نقل می‌تواند توسعه اقتصادی را برای هر کشوری به ارمغان آورد. در این میان ایجاد خط آهن اولویت خاصی است که همواره مورد توجه دولت‌ها قرار دارد چرا که این امکان موجب افزایش مبادلات تجاری، رونق گردشگری، توسعه اقتصادی خواهد شد.

اتصال خطوط ریلی ایران به کاشگار چین از طریق افغانستان و تاجیکستان طرحی است که هم اکنون در آسیای مرکزی دنبال می‌شود و سه دولت ایران، تاجیکستان و افغانستان برای اجرای این طرح توافق کرده‌اند و آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه اینترنتی آسیا پالس، در دیداری که توسط محمود احمدی‌نژاد و امامعلی رحمان رئیسان جمهوری ایران و تاجیکستان و حامد کرزای رئیس‌جمهوری افغانستان حاصل شد، با امضای توافق نامه‌ای سه کشور موافقت خود را با احداث خط راه آهن ایران- تاجیکستان که از افغانستان عبور می‌کند و به چین می‌رسد، اعلام کردند.

وزیر راه و شهرسازی ایران در دیدار با وزیر حمل و نقل و ارتباطات تاجیکستان در تهران، هم از اتصال خطوط ریلی ایران به کاشگار چین از طریق افغانستان و تاجیکستان استقبال کرد. در دیدار علی نیکزاد با نظام حکیم‌اف نتایج انجام مطالعات امکان‌سنجی و توجیه اقتصادی این خط آهن که توافقنامه مربوط به مطالعات امکان‌سنجی آن در اکتبر سال ۲۰۱۰ به امضای طرف‌های قرارداد رسیده است پیگیری شد.

طرف ایرانی موظف شد که مطالعات مربوط به امکان‌سنجی این پروژه ریلی را در مدت هشت ماه به اتمام برساند، ایران حدود یک میلیون دلار به عنوان کمک مالی برای انجام مطالعات امکان سنجی احداث این خط آهن در کشور تاجیکستان اختصاص است این پروژه شامل احداث ۱۶کیلومتر تونل و ۴۷ پل بوده و پیچیده‌ترین بخش از این خط ریلی که از شهر وحدت تا شهر کرمیک (در مرز قرقیزستان) ادامه دارد، ۲۷۰ کیلومتر است.

برای احداث هر یک کیلومتر از این بخش از خط آهن حدود ۸ تا ۱۰ میلیون دلار اعتبار مورد نیاز است. طول مسیر خطوط راه آهنی که قرار است میان ایران، افغانستان و تاجیکستان احداث و از این طریق با راه‌آهن قرقیزستان و چین متصل شود، ۲۲۶۰ کیلومتر بوده و بر اساس محاسبات مقدماتی، هزینه احداث آن ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برآورد شده که نشان دهنده عظمت این پروژه است. موضوعی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که تحقق اجرای این پروژه بزرگ تا چه حد ضرورت دارد و امکان‌پذیر است، چه تحولی در اقتصاد و روابط کشورهای منطقه ایجاد می‌کند؟ و آیا اجرای آن از لحاظ سیاسی قابل تامل است یا خیر؟

در سالهای اخیر چندین طرح خط آهن برای ترانزیت بار و کالا بین کشورهای آسیای مرکزی از جمله ایران به اجرا درآمده و نتایج قابل محسوسی در منطقه به جای گذاشته است یکی از این طرح‌ها، راه‌آهن ایران بود که در سال ۱۳۷۵ در منطقه سرخس به ترکمنستان و از آنجا به آسیای میانه وصل و موجب شد ایران بتواند نبض حمل و نقل زمینی آسیای مرکزی را به راه اندازد.همچنین با افتتاح راه‌آهن بافق به مشهد به طول حدود هزار کیلومتر در سال ۱۳۸۴، موجب شد در عمل آسیای میانه ۸۰۰ کیلومتر به خلیج فارس نزدیکتر شود. این خط آهن برای اقتصادی کردن مسیر ۲۴۴۰ کیلومتری خط آهن بندرعباس – تهران – سرخس به آسیای میانه نقش کلیدی داشت و افزایش امکان ارتباط نزدیک با جمهوری‌های آسیای میانه با آبهای آزاد و کاهش هزینه حمل و نقل را فراهم ساخت خطوط ریلی میان ایران – ترکمنستان و قزاقستان هم از پروژه‌های مهم راه‌آهن سه کشور مذکور محسوب می‌شود که امکان اتصال آسیای میانه به آبهای گرم خلیج فارس را فراهم می‌سازد.

همکاری مشترک ایران، ترکمنستان و قزاقستان در پروژه احداث راه آهن گرگان- اینچه برون- اترک- برکت- اوزن در واقع نقش عمده‌ای در رشد مبادلات تجاری این کشورها خواهد داشت، براساس برنامه زمان‌بندی شده، این پروژه تا شهریور ۱۳۹۱ به بهره‌برداری می‌رسد و موجب می‌شود جمهوری اسلامی ایران در مسیر حمل کالاهای ترانزیتی قزاقستان و ترکمنستان قرار گیرد.

همچنین از آنجا که ایران از طریق راه آهن رشت – انزلی – آستارا به جمهوری آذربایجان و از طریق راه‌آهن خواف–هرات به افغانستان متصل می‌شود، موقعیت مناسبی از لحاظ ارتباط با کشورهای منطقه از طریق خطوط ریلی دارد اما لزوم اجرای طرح دیگر به نظر می‌رسد از لحاظ اقتصادی و سیاسی برای ایران و از جمله کشورهای منطقه مزیتی دیگری در پی داشته باشد.

در این میان به نظر می‌رسد تلاش جهت اجرای طرح اتصال راه‌آهن ایران به چین از مسیر افغانستان و تاجیکستان برای کاهش مشکلات صادرکنندگان ایرانی، کاهش ریسک تجاری صادرات کالاهای ایرانی به کشورهای آسیای مرکزی، افزایش حجم ترانزیت کشور و رهایی از انحصار ترانزیت در منطقه آسیای مرکزی است بر این اساس وزارت راه و شهرسازی ایران برای ترانزیت محمولاتی که از تاجیکستان ترانزیت می‌شود تخفیف ۳۶ درصدی از طریق راه‌آهن و تخفیف ۵۰ درصدی در بنادر ایران در نظر گرفته است.

کوتاهی مسیر اتصال خطوط ریلی ایران به کاشگار چین از طریق افغانستان و تاجیکستان مزیت دیگری است که به واسطه آن برای حمل ونقل منابع نفت و گاز و معادن موجود در تاجیکستان می‌توان از این خط ریلی استفاده و این منابع را فعال کرد.

بقیه در صفحه ۱۸

۹ فاز پارس جنوبی در انتظار حمایت دولت

علیرغم اینکه توسعه ۹ فاز پارس جنوبی در قالب طرح‌های مهر ماندگار قرار گرفته‌اند، ولی توسعه این فازها برای تولید زودهنگام در سال جاری به کندی پیش می‌رود و انتظار حمایت بیشتری از جانب دولت می‌رود.

به گزارش فارس، هم اکنون در کشور نزدیک به ۷۰۰ میلیون متر مکعب گاز در هر روز تامین می‌شود که ۲۸۰ میلیون متر مکعب از این مقدار در پارس جنوبی و مابقی توسط شرکت نفت مناطق مرکزی تولید و بخشی هم از طریق واردات تامین می‌شود.

آنچه که موضوع این گزارش است آخرین وضع توسعه فازهای پارس جنوبی است که انتظار می‌رود با قرار گرفتن بخشی از این فازها در طرح‌های موسوم به مهر ماندگار زودتر از موعد مقرر به تولید برسند که به تبع آن موجب شود تا تولید گاز از میدان مشترک پارس جنوبی شتاب بگیرد.

در صورت تحقق برنامه‌های تولید زودهنگام از این فازها که شامل فازهای ۱۲، ۱۳،۱۵، ۱۶، ۱۷و ۱۸، ۲۲ تا ۲۴ است تا خرداد سال ۹۲ پیش‌بینی می‌شود حجم تولید گاز کشور حدود ۱۰۰ میلیون متر مکعب دیگر هم افزایش یابد.

اگر چه این فازها در قالب طرح مهر ماندگار قرار گرفته‌اند، اما با مشکلاتی مواجه هستند که توسعه آنها را در مدت مشخص شده کمی سخت‌تر کرده است و انتظار می‌رود دولت حمایت بیشتری از این طرح‌ها داشته باشد.

عملیات توسعه فاز ۱۲ پارس جنوبی که معادل سه فاز این میدان مشترک است، با هدف تولید روزانه ۷۸ میلیون متر مکعب گاز برای تحویل به شبکه سراسری در سه بخش خشکی، دریا و خطوط لوله در سال ۸۴ آغاز و بر اساس برنامه زمان بندی شده باید بخش اول این فاز با ظرفیت تولید ۲۵میلیون متر مکعب در روز در مهر ۱۳۹۱ وارد مرحله تولید شود، اما به دلیل وجود برخی از مشکلات ممکن است تولید زودهنگام با کمی تاخیر آغاز شود و حتی ممکن است تا اسفند سال جاری هم طول کشد.

به هر حال با بهره برداری از فاز ۱۲، روزانه ۷۸ میلیون مترمکعب گاز طبیعی، ۱۱۰ هزار بشکه میعانات گازی و ۶۰۰تن گوگرد تولید خواهد شد.

تولید زودهنگام روزانه ۲۵ میلیون مترمکعب گاز از فاز ۱۳ پارس جنوبی هم قرار است در خرداد سال ۹۲ آغاز شود. این فاز هم اکنون با حدود ۵۰درصد پیشرفت در دست ساخت است. با بهره‌برداری از این فاز تولید روزانه گاز طبیعی ۵۰میلیون مترمکعب، میعانات گازی۷۷ هزار بشکه و گوگرد ۴۰۰ تن خواهد بود و سالانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن ال‌پی‌جی و یک میلیون تن اتان از این فاز تولید خواهد شد، همچنین این فاز، دارای ۲ سکو و ۳۸ حلقه چاه خواهد بود.

همچنین تولید زودهنگام از فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی که قرار بود در نیمه اول سال جاری آغاز شود از دیگر طرح‌های مهر ماندگار است، به طوری که هم اکنون با پیشرفت ۸۵درصدی نتوانسته به تولید زود هنگام برسد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود تولید از این فاز هم به سال ۹۲ موکول شود.

با بهره برداری از این فازها روزانه ۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی، ۸۰ هزار بشکه میعانات گازی، ۴۰۰ تن گوگرد و سالانه ۱/۰۵میلیون تن ال پی جی و یک میلیون تن اتان تولید خواهد شد.

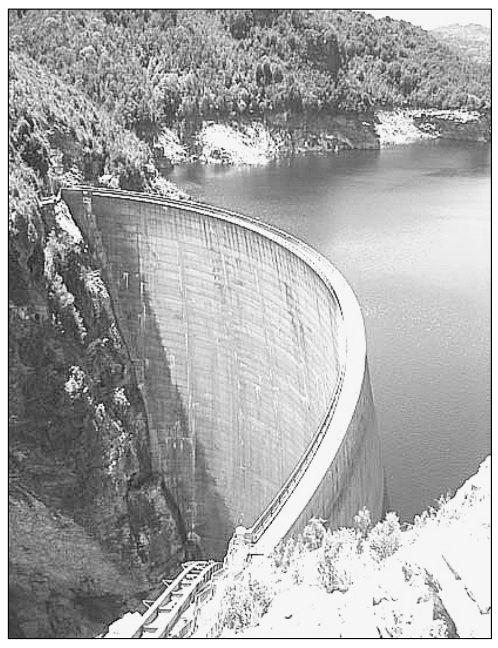
تولید زودهنگام از فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی، یکی دیگر از طرح‌هایی است که در قالب طرح‌های مهر ماندگار در دست اجرا است. پس از تولید از این فازها می‌توان گفت روزانه ۵۰میلیون مترمکعب گاز طبیعی، ۸۰ هزار بشکه میعانات گاز و تولید گوگرد ۴۰۰ تن افزایش می‌یابد.

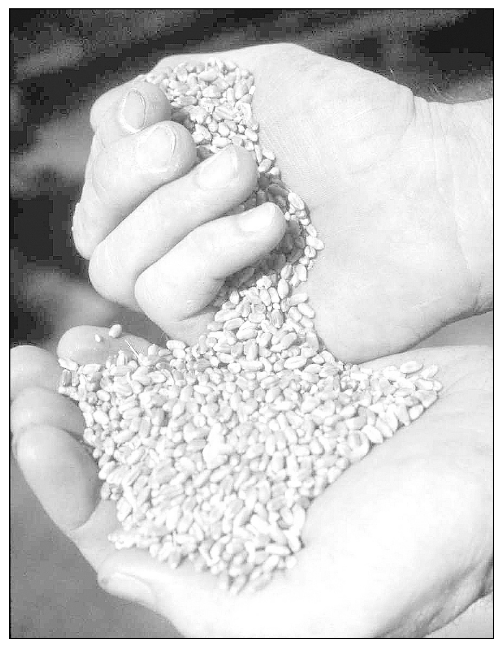
اگر چه چندی پیش سکوی فاز ۱۷ بارگیری و به آب انداخته شد که نشان از پیشرفت این فاز در قسمت دریا است، اما متاسفانه در قسمت خشکی و ساخت پالایشگاه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای ندارد که این امر منجر به تغییر مدیران برخی از شرکت‌های حاضر در کنسرسیوم ساخت پالایشگاه شد.

از دیگر طرح‌های پارس جنوبی در قالب طرح ماندگار، توسعه فازهای ۲۲ تا ۲۴ پارس جنوبی با هدف تولید زودهنگام است. با بهره برداری از این فازها، تولید روزانه گاز طبیعی آنها به ۵۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید، همچنین روزانه ۷۷هزار بشکه میعانات گازی و روزانه ۴۰۰ تن گوگرد، سالانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن ال پی جی و یک میلیون تن اتان از این فازها تولید خواهد شد.



نگاهی به تلاش‌های اقتصادی دولت







دولت تلاش می‌کند با ارزیابی اقدامات سال‌های اخیر براجرای سیاست‌های اصل ٤٤ همت گمارده و با توجه به پیگیری فرایند کاهش تصدی گری، پیشگام پیاده سازی اقتصاد عدالت محور، حل مشکلات مردم و کاهش فشارهای تورمی شود.

به گزارش ایرنا، تامل در رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار اعضای دولت‌های نهم و دهم، نشان می‌دهد که توصیه‌ها بویژه در زمینه اقتصادی می‌تواند بر جهت‌گیری و سیاست‌های اقتصادی دولت دهم سرنوشت ساز باشد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در توصیه‌های ۱۰ گانه خود، در چهار مورد به طور مشخص، از دولت خواستند تا در عرصه اقتصادی با تامل و تدبر بیشتری اقدام کند.

بنابراین، شایسته است، دولت به یک آسیب شناسی در باب رویکرد دولت نهم در اجرای سیاست‌های اصل ٤٤ همت گمارد و به دلیل حجم بالای تصدی گری، پیشگام حل مشکلات اقتصادی مردم و کاستن از فشار تورم و همچنین اشتغال زایی باشد.

دولت در حوزه اقتصاد، با راهبردهای فراوانی نظیر خوداتکایی در تولید، فعال کردن ظرفیت‌های اقتصادی، تولید برای صادرات، توزیع عادلانه ثروت، اشتغال‌زایی، محرومیت زدایی، رفع تبعیض، ارتقاء قدرت خرید مردم، کاهش مخارج دولت، تخصیص درآمد نفت به سرمایه‌گذاری و اتمام طرح‌های عمرانی نیمه تمام، شروع به کار کرد.

طرح بنگاه‌های زود بازده، واگذاری طرح‌ها بدون انجام مناقصه به شرکت‌های متعلق به سپاه، ایجاد صندوق مهر رضا، طرح مسکن مهر و انحلال شورای برنامه‌ریزی، از جمله اقدامات دولت بود.

براساس آمار بانک جهانی، دولت نهم در سال‌های ۲۰۰۶و ۲۰۰۷ میلادی توانست با افزایش نرخ رشد اقتصادی، افزایش سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی، رشد نرخ تشکیل سرمایه به تولید ناخالص داخلی، رشد صادرات، افزایش سهم صادرات صنعتی ایران از کل صادرات، رشد جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و رشد سرانه درآمد ملی بر اساس قدرت خرید، موفقیت‌هایی را کسب کند، اما در سال گذشته به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد جهانی این موفقیت‌ها با چالش‌هایی روبرو شد.

عملکرد اقتصادی دولت دهم در ادامه فعالیت‌های دولت نهم صورت گرفته است بنابراین می‌بایست عملکرد دولت را در حوزه‌های مختلفی نظیر هدفمند کردن یارانه‌ها، اجرای سیاست‌های قانون اصل ٤٤، اصلاح نظام بانکی و... مورد توجه قرار داد.

«طرح تحول اقتصادی» و قانون هدفمندی یارانه‌ها مهمترین برنامه اقتصادی دولت‌های نهم و دهم است که با هدف حمایت از طبقات متوسط و پایین جامعه و نظام‌مند کردن تخصیص یارانه‌ها اجرایی شد.

رئیس‌جمهوری از این طرح به عنوان «جراحی بزرگ اقتصادی ایران» یاد کرد. طرح «تحول اقتصادی» در سال آخر فعالیت دولت احمدی نژاد، ابتدا در پیام نوروزی وی مطرح شد، پس از سه ماه دولت جزییات بیشتری از طرح را ارائه کرد و مبالغ عظیمی از بودجه کشور را به پرداخت یارانه اختصاص داد. هدفمند کردن یارانه‌ها از اهداف مهم طرح تحول اقتصادی است.

منتقدان این طرح معتقد بودند که اجرای این طرح به تورم ۱۴۰ درصدی می‌انجامد، اما این درحالی است که این اتفاق رخ نداد.

این قانون مشتمل بر ۱٦ ماده و ۱٦ تبصره است که پس از کش و قوس‌های فراوان در نهایت ۱۵ دی ۱۳۸۸ به تصویب مجلس و به تایید شورای نگهبان رسید.

هدفمندی یارانه‌ها دارای سرفصل‌های اصلاح قیمت حامل‌های انرژی، مدیریت تبعات اقتصادی، افزایش قیمت آب، برق و گاز، حذف یارانه‌های مربوط به کالاهای اساسی، پرداخت درآمدها به صندوق ویژه، اختصاص درآمدهای حاصله به پنج دهک ضعیف جامعه و افزایش دستمزد کارکنان دولت طبق آیین‌نامه خدمات کشوری است.

اصلاح نظام یارانه‌ها که از سال ۱۹۸۰ در جهان شروع شد، تاکنون با اجرا شدن در کشورهایی نظیر چین، ترکیه، لهستان، بلغارستان، اندونزی، مصر، تونس و یمن موجب تحول اقتصادی در این کشورها شده است.

اگر چه برخی صنایع کشور در حال حاضر با مشکل رشد هزینه‌های تولید مواجهند، اما ظرفیت سازی، سرمایه گذاری، صادرات، سهم صنعت از کل اقتصاد، تولید و صادرات بسیاری از کالاهای صنعتی مانند خودرو، سیمان، فولاد، مس، آلومینیوم و غیره در دولت نهم و دهم تقریبا دو برابر شده است.

بر این اساس، بررسی عملکرد وزارتخانه‌های دولت دهم و نگاهی به فعالیت‌های دولت نهم به واکاوی عملکرد دستگاه‌ها ی اجرایی کمک می‌کند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند؛ افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و به خصوص سرمایه گذاری در بخش صنعت، عامل اصلی جهش رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال، صادرات و رشد درآمد و تولید سرانه است و حتی ایجاد شغل در بخش خدمات هم متکی به سرمایه‌گذاری‌های صنعتی است.

و از آنجا که یک سوم سرمایه گذاری‌ها و مخارج مصرفی کشور متعلق به دولت است، نشان دهنده نقش عمده دولت در سرمایه گذاری‌ها است و برای آنکه بخش خصوصی تشویق شود، دولت باید با نظارت و تدبیر خود محیط کسب و کار و فضای کلان اقتصاد را آماده کند تا سرمایه گذاری صنعتی و بخش خصوصی افزایش یابد و دوره بهره برداری و تکمیل واحدهای تولیدی و سرمایه‌گذاری هم کاهش یابد.

نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که سهم دولت در سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یافته و سهم صنایع و معادن در تولید ناخالص داخلی از حدود ۱۰ درصد در ۳۰ سال گذشته به بیش از ۲۰ درصد در سال‌های اخیر افزایش یافته و دو برابر شده است.

عواملی چون افزایش درآمد نفت، رشد پس انداز، واردات کالاهای سرمایه ای، ایجاد حساب ذخیره ارزی در برنامه سوم، اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی، توجه به کاهش تنش‌های سیاسی و بین‌المللی و بهبود فضای کسب و کار، کاهش ریسک‌های اقتصادی و بهبود رتبه ایران در فضای بین‌المللی از نظر کسب و کار و ریسک و شفافیت بازارهای کالا، کار، سرمایه و پول، تحرک در بورس اوراق بهادار واز این جمله عواملی بوده‌اند که باعث رشد سرمایه گذاری در برنامه‌های دوم و سوم و چهارم شده‌اند.

کارشناسان اقتصادی، بهترین سال‌های رشد و ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری صنعتی را سالهای برنامه سوم ارزیابی کرده‌اند زیرا تحت تاثیر کاهش تنش‌های سیاسی در شرایط بین‌المللی و افزایش سرمایه گذاری‌ها و خطوط اعتباری برای صنعتگران، رشد صنعت به طور متوسط حدود ۱۰ درصد بالا بوده است.

سیاست‌های انبساطی دولت، افزایش اعتبارات بانک‌ها، افزایش شدید درآمد نفت و تبدیل آن به ریال، رشد شدید حجم بودجه دولت، تاکید دولت بر پرداخت وام بانکی به بخش مسکن، بنگاههای زودبازده و غیره هم عامل رشد نقدینگی در ۵ سال اخیر بوده است.

گام‌های احیای جاده ابریشم

بقیه از صفحه ۱۷

در هر صورت اتصال راه‌آهن ایران به چین از مسیر افغانستان و تاجیکستان موجب دسترسی تاجیکستان و قرقیزستان با مسافت کمتر (نسبت به مسیر سرخس) به سمت ایران، خلیج فارس و خاورمیانه می‌گردد و اجرای این طرح موجب می‌شود به مسیر داخلی کشور ازبکستان نیازی نباشد چرا که بخاطر اختلافات مستمر سیاسی بین ازبکستان با کشورهای آسیای مرکزی، این کشور گاهی اوقات مانع از ارسال کالاهایی شده، که توسط ایران برای تجهیزات مورد نیاز پروژه احداث سد و نیروگاه برقابی ۲۲۰ مگاواتی (سنگ‌توده دو) فرستاده می‌شد و به ناچار تجهیزات مورد نیاز از مسیر هوایی انتقال داده می‌شدند.بنابراین بروز برخی مشکلات سیاسی بین کشورهای آسیای مرکزی، بر بخش بازرگانی خارجی کشورها بخصوص ایران و تاجیکستان تاثیر داشته است بطوری که فقدان پذیرش هیات‌های تجاری، توقف طولانی مدت و گاها توقیف و مصادره کالاهای صادراتی ایران به مقصد کشورهای آسیای مرکزی از مسیر ترکمنستان و ازبکستان (ازبکستان با تاجیکستان و قرقیزستان دارای اختلاف سیاسی است)، و همکاری نکردن جهت افزایش فهرست کالاهای مشمول ترجیحات، تاثیر منفی بر افزایش حجم مبادلات بازرگانی دو کشور داشته است.بر این اساس توجه جدی به ایجاد کریدور ترانزیتی جاده‌ای و ریلی ایران، افغانستان، تاجیکستان، قرقیزستان و چین به عنوان راه‌کار بلندمدت در نظر گرفته شده که باعث افزایش امنیت تردد محمولات و نبود وابستگی به یک مسیر می‌شود. مهم‌تر از همه، این طرح باعث ترانزیت بار کشورهای ذکر شده علاوه به آب‌های آزاد جنوب کشور، به سمت کشورهای همسایه بویژه ترکیه و عراق و اتصال به کریدور ترانزیت بین‌المللی شرقی- غربی می‌شود. اجرای این طرح توسط کشورهای ذینفع، افزایش حجم ترانزیت و تقویت مناسبات اقتصادی و موقعیت سیاسی ایران همچنین باعث رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه و شهرهای واقع در مسیر و افزایش امنیت در منطقه و خارج شدن کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان از انزوا خواهدشد. اجرای این پروژه برای ایران و کشورهای منطقه هزینه سنگینی در بر دارد که مستلزم حمایت سازمان‌های بین‌المللی است و از حد بودجه کشورها خارج است.

به نظر می‌رسد احداث این خط راه آهن که ایران، افغانستان و تاجیکستان را به هم متصل می‌کند و همچنین از طریق تاجیکستان با راه‌آهن قرقیزستان و چین متصل می‌شود، بخشی از برنامه‌های منطقه‌ای سازمان شانگهای است. بنابراین سازمان شانگهای، بانک توسعه اسلامی و دیگر نهادهای بین‌المللی از برنامه احداث این خط راه‌آهن حمایت می‌کنند.

بانک توسعه آسیا هم برای اجرای مرحله مطالعاتی این طرح در قسمت افغانستان که طولانی‌ترین مسیر این خط راه‌آهن در آن واقع است، یک میلیون و ۲۵۰هزار دلار اختصاص داده است. جمهوری تاجیکستان هم برای اجرایی شدن این برنامه ۳ طرح سرمایه‌گذاری را برای ساخت قطعه راه‌آهن دوشنبه – قرغان تپه، مرکز ناحیه «رومی» - «پنج پایان» واقع در مرز با افغانستان، همچنین از ناحیه «وحدت» در ۲۵ کیلومتری شرق پایتخت تاجیکستان تا «کرامیک» (مرز قرقیزستان) را تهیه و برای اجرایی کردن آن تدابیر لازم اندیشیده است.مقامات کشورمان هم علاقمندی خود به توسعه راه‌آهن خواف- هرات تا میمنه و از آنجا تا جمهوری تاجیکستان را اعلام کرده‌اند.

کشورهای ذینفع تنها به سرمایه‌گذاری سازمان‌های بین‌المللی اتکا نخواهند کرد و بخش‌هایی از این پروژه را در قلمرو کشورهای خود با استفاده از سرمایه و ظرفیت‌های محلی می‌سازند در این خصوص مبلغ یک میلیون دلار از سوی جمهوری اسلامی ایران برای تهیه گزارش فنی و مالی این طرح اختصاص داده شده است و متخصصان ایرانی در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. هرچند ایجاد خط آهن تاجیکستان، افغانستان، قرقیزستان، چین و ایران به نوعی در واقع احیای جاده ابریشم است اما ایالات متحده آمریکا اندیشه خود را به نام «جاده ابریشم جدید» فعالانه تبلیغ می‌کند که ویژگی اصلی آن بر این استوار که یک راه جدید حمل و نقل از آسیای مرکزی به آسیای جنوبی به استثنای «کشور ایران» ساخته شود به این معنی که ایران باید از این سیستم آن حذف شود. مخالفت رابرت بلیک، معاون وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا در امور آسیای مرکزی و جنوبی، با اجرای طرحهای ساخت خط راه‌آهن از کاشغر (چین) به هرات (افغانستان) و به ایران دلیل این ادعا است. همچنین علاوه بر وجود نگرانی از نقش پررنگ ایران در اجرای این پروژه بین‌المللی و افزایش مبادلات اقتصادی میان ایران و کشورهای همسایه، ارتباط ایران با کشور چین و نفوذ هر چه بیشتر روسیه بر کشورهای آسیای جنوبی، آمریکا را به هراس انداخته است بر این اساس به دنبال ترور رئیس کمیته امنیت استان بدخشان تاجیکستان و شورش دراین منطقه، بعضی از کارشناسان آن را بهانه‌ای برای ایجاد اختلال در پروژه خط راه‌آهن می‌دانند. یک کارشناس سیاسی ازبکستان وجود منافع آمریکا را پشت پرده حوادث منطقه بدخشان تاجیکستان دانسته که به منظور ایجاد اختلال در پروژه خط آهن «چین–تاجیکستان–افغانستان–ایران» این شورش برنامه‌ریزی شده است.

بختیار ارگش اف در این رابطه گفته است در ۲ سال اخیر رسانه‌های گروهی در مورد ساخت راه آهن «چین–تاجیکستان–افغانستان–ایران» سرو صداهای زیادی به پا کردند که بخش تاجیکی این مسیر از قلمرو استان بدخشان این کشور می‌گذرد. این کارشناس سیاسی ازبک در ادامه می‌گوید: آمریکا نمی‌تواند اجازه دهد تا ۲ رقیب سرسخت وی، یعنی چین و ایران از طریق این راه آهن بهم متصل شوند. بنابراین در پشت این حوادث، منافع آمریکا قرار دارد چرا که بدخشان بی‌ثبات می‌تواند روی پروژه ساخت راه آهن چین–ایران از طریق تاجیکستان خط بطلان کشد.

نتیجه‌گیری

همان طور که گفته شد این خط آهن که یکی از اولویت‌های اقتصادی منطقه برای حمل کالا و حامل‌های انرژی است، در حقیقت به نوعی احیای جاده ابریشم موجود در تاریخ است که از طریق مرزهای شرقی و شمال شرق، ایران را به کشورهای آسیای مرکزی و کشورهای منطقه را به ایران و از آنجا به آبهای گرم خلیج فارس وصل می‌کند.

بدون شک کشور ایران با توانمندی‌های مختلف در حمل و نقل ریلی و جاده‌ای، شبکه‌ای ایمن و بسیار مطمئن برای ترانزیت کالاها است که تقویت زیرساخت‌ها و رفع موانع موجود برای توسعه آن ضروری است. لذا برای تبدیل شدن ایران به شاهراه ترانزیتی منطقه علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، بایستی به افزایش قدرت نفوذ سیاسی و تاثیرگذاری بر منطقه توجه داشته و این امر بدون ایجاد گزینه اتصال جاده‌ای و راه‌آهن ایران به چین از مسیر افغانستان و تاجیکستان و اتصال آسیای مرکزی به خلیج فارس امکان‌پذیر نیست لذا با توجه به ضعف در اجرای قوانین و مقررات حقوقی و مسایل و مشکلات ترانزیتی بوجود آمده در دو دهه گذشته با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، در کنار احداث راه‌آهن، بررسی دقیق و ذکر جزئیات امر،ضروری است.

مهدیه جعفری
موسسه مطالعات ایران اوراسیا (ایراس)

اخبار کوتاه اقتصادی

دپوی کالاهای اساسی در انبارهای گمرک شایعه است

رئیس کل گمرک تاکید کرد که ماندن کالاهای اساسی در انبارهای گمرک شایعه‌ای بیش نیست.

عباس معمارنژاد در گفت‌وگو با ایسنا با تاکید بر این‌که هم‌اکنون کالاهای اساسی باقی‌مانده در گمرک که عامل آن گمرک باشد وجود ندارد، افزود: وقتی کالایی در گمرک است که این کالا به گمرک اظهار شده باشد. وی ادامه داد: ما شیفت شبانه روزی در گمرک‌های اصلی مانند بندر امام(ره) و شهید رجایی قرار داده‌ایم تا کالاهای اساسی به شکل شبانه روزی ترخیص شوند. رئیس کل گمرک ایران با بیان این‌که ممکن است کالا به منطقه ویژه رسیده باشد، اما به گمرک اظهار نشده باشد، گفت: مناطق ویژه خارج از قلمرو کشور است و تا زمانی که کالا به گمرک اظهار نشده باشد، ما به آن کاری نداریم.

معمارنژاد افزود: ممکن است کالا به منطقه ویژه وارد شود و از آنجا دوباره صادر شود، بنابراین درچنین مواردی گمرک بی اختیار است؛ اما کالایی که به گمرک اظهار شود مخصوصا کالاهای اساسی، اگر مجوزهای آن آماده باشد حمل یکسره می‌شود؛ یعنی از روی کشتی به طور مستقیم در کامیون‌ها سوار می‌شود.

رئیس کل گمرک ایران تاکید کرد که هم اکنون هیچ کالای اساسی باقی مانده در گمرک که عامل آن گمرک باشد، وجود ندارد.

نظام توزیع کشور به بلوغ رسیده است

عملکرد نظام توزیع کشور در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا و سایر برنامه‌های تنظیم بازار نشان دهنده بلوغ آن است. سرپرست بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان مطلب بالا گفت:بخش خصوصی آمادگی لازم برای ساماندهی نظام توزیع را دارد، چراکه تعداد تقاضاهای رسیده برای راه‌اندازی فروشگاه‌های زنجیره‌ای و همچنین فروشگاه‌های افتتاح شده نشان‌دهنده جذابیت این حوزه و علاقه سرمایه‌گذاران برای ورود به آن است. حسن رادمرد با بیان این که باتوجه به مطالعات صورت گرفته در معاونت‌های مختلف وزارت بازرگانی سابق، ضرورت واگذاری برخی از تصمیم‌گیری‌ها به تشکل‌ها، اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی بیش از پیش احساس شد، ادامه داد:بر همین اساس همزمان با اجرای آغاز هدفمندی یارانه‌ها برخی از امور تنظیم بازار ازجمله ذخیره‌سازی و توزیع به اصناف واگذار شد.

وی ادامه داد:البته نباید این نکته را فراموش کرد که منظور از بخش خصوصی در این واگذاری‌ها، تشکل‌هایی است که سازمان یافته بوده و توانایی جبران خسارت و پاسخگویی در مقابل اختیارات واگذارشده به ذی‌نفعان در بخش تجاری را داشته باشند.

افزایش تولید فولاد خراسان در ٦ ماه

شرکت فولاد خراسان درشش ماهه نخست امسال، تولید خود را در آهن اسفنجی و فولاد سازی افزایش داد.

احمدی مدیرعامل فولاد خراسان با بیان این مطلب اظهار داشت: این شرکت از ابتدای فروردین تا پایان شهریور، ۳٦۳ هزار و ۲۰۱ تن شمش فولاد تولید کرد. این در حالی است که تولید شرکت مذکور در مدت مشابه پارسال ۳٤۷ هزار و ۹۰۲ تن شمش بود.وی ادامه داد: مجتمع فولاد خراسان در شش ماهه نخست امسال، با ۸ درصد افزایش تولید در بخش آهن اسفنجی، تولید خود را به ۳۹۵ هزار و ۹۰۳ تن آهن اسفنجی رساند.نامبرده خاطرنشان کرد: این مجتمع در شش ماهه نخست امسال، ۳۳۰ هزار و ۳۰۱ تن محصولات نورد تولید کرد.



یورو تا چه زمانی می‌تواند زنده بماند؟

یک کارشناس مسائل اروپا در ژاپن با تاکید بر اینکه تصمیمات بانک مرکزی اروپا مبنی بر خرید بدهیهای کشورهای بحران زده تاثیر موقتی در بهبود اوضاع داشته و نمی‌تواند تغییرات اساسی ایجاد کند، از راه طولانی و دشوار کشورهای اروپایی در غلبه بر بحران خبر داد.

به گزارش مهر، «یاکوئس کایلوکس» Jacques Cailloux رئیس بخش اقتصاد اروپایی بانک ژاپنی «نومورا» در گفتگو با روزنامه «فاینشنال تایمز» آلمان در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه‌های بانک مرکزی اروپایی برای خرید بدهیهای کشورهای بحران زده موفقیتی در روند حل بحران یورو خواهد بود اظهار داشت: خیر، در حال حاضر و بعد از موافقت با این تصمیم بانک مرکزی در بازارها این احساس حکمفرما شده است که می‌توان بعد از تشدید بحران در ژوئن و جولای گذشته حداقل دوباره زمانی برای نفس کشیدن به دست آورد.

اما راه حل این بحران باید در دلایل اقتصادی و سیاسی آن جستجو شود. بانک مرکزی اروپایی تنها یک کمک است و نمی‌تواند شرایط را اساسا تغییر دهد.

از طرفی مشخص نیست که دولتهایی که بدهی‌های آنها توسط بانک مرکزی خریداری می‌شود آیا شرایط لازم را برآورده خواهند کرد.

وی در ادامه با تاکید بر اینکه کمکهای بانک مرکزی می‌تواند به صورت موقت آثار بحران را کاهش دهد همچنین اظهار داشت: اگر این بانک به اقدام خود در خرید بدهی‌های کشورهای بحران زده پایان دهد بار دیگر اعتماد به سیستم اروپایی از بین می‌رود.

این کارشناس اقتصادی در ادامه در پاسخ به این پرسش که بزرگترین چالش‌های کشورهای اروپایی در حال حاضر چیست گفت: شاید بتوان گفت کشورهایی مانند ایرلند و پرتغال که به موقع زیر چتر برنامه‌های حمایتی اروپا قرار گرفتند شاید هنوز دو سال دیگر از بهبود و رشد اقتصادی خود فاصله داشته باشند.

برای اسپانیا و ایتالیا احتمالا حداقل پنج سال زمان برای رسیدن به وضع رشد اقتصادی زمان لازم باشد.

وی افزود: بزرگترین چالش این کشورهای بحران زده اروپایی این است که راهی پیدا کنند که آنها را به اقتصاد دولتی سالمی رسانده و همزمان رشد اقتصاد آنها را هم متوقف نکند. این یک برقراری تعادل بسیار دشوار است.

کایلوکس در ادامه خاطر نشان کرد: برنامه‌های ریاضتی اسپانیا بسیار جاه طلبانه است. آسیب‌های اقتصادی که به واسطه این تصمیمات در کوتاه مدت ایجاد می‌شود دقیقا هدفی عکس بازگرداندن اعتماد به بازارها را رقم خواهد زد.

این کارشناس ژاپنی در بخش دیگری از این گفتگو خاطرنشان کرد که اروپا هنوز برای تبدیل شدن به یک اتحادیه با سیاستهای مشترک اقتصادی جوان است.هنوز آمادگی برای قرار گرفتن در این مسیر وجود ندارد.

بحث‌های اخیر درباره تشکیل اتحادیه بانکی مشترک اروپایی نشان داد که یافتن راه حل سریع به ندرت در این اتحادیه قابل تصور است. به اعتقاد من ما احتمالا به ۱۰ سال زمان نیاز داریم تا بتوانیم به یک اتحادیه مشترک اقتصادی تبدیل شویم.

بدون تصمیم گیری‌ها در سطح ملی در همه کشورهای یورو چنین اتحادیه با منافع مشترک اقتصادی ایجاد نخواهد شد. عملی کردن چنین طرحی به ویژه در فرانسه مسئله‌ساز است. مردم فرانسه این احساس را ندارند که از یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی مشترک اروپایی سود می‌برند.

وی در بخش پایانی این گفتگو تصریح کرد: بانکهای مرکزی اروپا نمی‌توانند از در هم شکستن یورو جلوگیری کنند. یورو تنها زمانی می‌تواند زنده بماند که شهروندان اروپایی و سیاستمداران کمک کنند. این اقدام همواره دشوارتر می‌شود زمانی که در بسیاری از کشورهای اروپایی بیکاری همچنان بالا می‌رود.

در پنج سال آینده بزرگترین خطر برای اتحادیه ارز مشترک وقتی به وجود می‌آید که رشد اقتصادی کشورها بهبود نیافته و بیکاری در کشورهای یورو همچنان بالا بماند.

نیاز بانک‌های اسپانیا به تزریق پول

آزمون‌های جدید ثبات در بانک‌های اسپانیا نشان داد، این بانک‌ها به تامین مجدد سرمایه به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو نیاز دارند.

به گزارش به نقل از دیلی تلگراف، بر اساس نتایج آزمون‌های خطرپذیری رسمی، بانک‌های اسپانیایی ممکن است به تزریق پول به ارزش بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو نیاز داشته باشند و این امر فشار مالی بیشتری بر بحران کنونی مادرید افزوده است.

بر اساس این گزارش، بر اساس آزمون میزان ثبات که بانک به بانک در اسپانیا انجام شده است، بانک‌های اسپانیایی به طرز خطرناکی با بار سنگینی از بدهی‌ها مواجه هستند و به تامین سرمایه، بازسازی و یا تعطیلی نیاز دارند.

انتظار می‌رود این آزمون وضع بدتری نسبت به آزمون‌های گذشته که در ابتدای تابستان انجام شد، نشان دهد؛ آزمون‌های پیشین تزریق ۶۰ میلیارد یورویی را پیشنهاده کرده بودند.

کوچ بیکاران اروپایی به شمال

بحران اقتصادی و ادامه سیاست ریاضت اقتصادی در اروپا باعث کاهش سطح دستمزد نیروهای شاغل در کشورهای اروپایی به ویژه کارگران بخش عمومی شده و قراردادهای بخش دولتی به پاره وقت و کار معین تبدیل شد.

به گزارش مهر، بروز بحران‌های مالی و اقتصادی در اروپا در یکی دو سال اخیر باعث بروز مسائل فراوان در این قاره شده است به نحوی که مردم برخی از کشورها مانند یونان، اسپانیا و پرتغال در جنوب اروپا شاهد گسترش نارضایتی مردم از وضع اقتصادی و اشتغال خود هستند.

بر پایه این گزارش، در پیش گرفتن سیاست ریاضت اقتصادی در بخش‌هایی از اروپا، باعث ضربه خوردن مردم و تلاش آنها برای حرکت به کشورهای شمالی اروپا به منظور جستجوی شغل مناسب و معقول شده است، که در این جریان کارگران بخش دولتی هم مستثنی نیستند.

بحران مالی شمشیری بر زخمهای کهنه اروپا

با بروز بحران در اتحادیه اروپا بسیاری از مشکلات و زخمهای قدیمی قاره سبز بار دیگر سر باز می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به شدت گرفتن تلاشهای جدایی طلبان و تروریستی راست افراطی در قاره سبز اشاره کرد و این طور گفت که بحران اروپا همچون شمشیری به جان زخمهای کهنه اروپا افتاده است.

این روزها ادامه بحران در قاره سبز و آثار و پیامدهای وخیم آن بر وضع اقتصادی کشورهای عضو از یک طرف و عواقب اجتماعی شدت گرفتن این بحران از طرف دیگر مشکلات و چالشهای جدی را برای قاره سبز ایجاد کرده و سران اروپایی را به شدت درگیر کرده است.

شدت گرفتن بحران یورو و سیاست‌های ریاضتی که سیاستمداران اروپایی اعمال می‌کنند به شدت شهروندان اروپایی را تحت فشار قرار داده و اعتراضات وسیع و گسترده‌ای را در کشورهای مختلف اروپایی از جمله در اسپانیا،یونان و ایتالیا به راه انداخته است.

اما مسئله فقط به این جا ختم نمی‌شود و با توجه به گزارش‌هایی که اخیرا در نشریات مختلف غربی به چاپ رسیده است می‌توان گفت بحران اروپا زمینه مساعدی را برای گروههای مختلف مشکوک و دشمن با اروپا از جمله جدایی طلبان و تروریست‌های راست افراطی ایجاد کرده است.

در خبرها آمده بود که صدها هزار نفر از مردم ایالت کاتالونیا به نشانه حمایت از استقلال این ایالت از مادرید به خیابانهای شهر بارسلونا آمده و از عملکرد دولت به دلیل بحران اقتصادی انتقاد کردند.

به نوشته «ای بی سی» افزایش بیکاری و اوضاع نابسامان اقتصادی باعث شده تا مردم ایالت کاتالونیا خواستار جدایی این ایالت شده و شعار «کاتالونیا یک کشور جدید اروپایی» را سر دهند.

روزنامه اتریشی «استاندارد» در مطلبی در این باره نوشته بود که در دوران بحران در اروپا نه فقط درخواستها برای هماهنگی‌های بیشتر اروپایی بلند شده است، بلکه فریادهای برخی از مناطق و کانونهای جدایی طلب اروپایی برای استقلال و غیروابستگی از دولت مرکزی نیز بلندتر شده است.

این روزنامه اتریشی به اعتراضات میلیونی مردم ایالت کاتالونیای اسپانیا اشاره کرده و نوشت: بر اساس یک نظر سنجی که نشریه «El Periodico» اخیرا انجام داده است حدود ٤٦،٦ درصد مردم ایالت کاتالونیا در صورت یک همه پرسی به استقلال این ایالت از دولت مرکزی رای خواهند داد.

استاندارد در ادامه گزارش خود درباره شدت گرفتن جنبش‌های جدایی طلبان اروپا در سایه بحران اقتصادی نوشت: بر خلاف اعتراضات جدایی طلبان کاتالونیا تلاشهای جدایی طلبانه ایالت باسک در اسپانیا که منطقه‌ای در شمال اسپانیا و جنوب غربی فرانسه است، کمتر به صورت صلح‌آمیز انجام می‌شود.

سازمان «اتا» ETA که مخفف عبارت(Euskadi Ta Askatasuna) است مبارزه با فرانکیسم را از ابتدا به عنوان هدف خود برگزیده است. از زمان مرگ فرانکو، ایالت باسک تبدیل به ایالتی خودمختار شده است، اما این خودمختاری برای آرام کردن مبارزان و جدایی طلبان باسک‌ها کافی نبوده است و در جریان مبارزات جدایی طلبانه این ایالت، بیش از ۸۰۰ نفر کشته شده اند.

در اسپانیا حدود دو میلیون باسکی وجود دارد که در سه استان منطقه‌ای موسوم به ایالت باسک ساکن هستند. این منطقه از حقوق و قوانینی متفاوت نسبت به سایر مناطق اسپانیا برخوردار است و سطح زندگی مردم آن از متوسط زندگی در اسپانیا بالاتر است. همچنین زبان مورد استفاده در این منطقه زبانی رسمی و متعلق به ایالت باسک است.

با این حال طرفداران جدایی باسک از اسپانیا و پیوستن این منطقه به ایالت باسک فرانسه مطالباتی مهمتر از اینها را مطرح می‌کنند.

سیاست به کار گرفته شده توسط فرانسیسکو فرانکو، نگارش کتاب، روزنامه و آموزش به زبان «اوسکارا»، زبان باسک و همچنین نامگذاری کودکان با نام‌های باسکی و برافراشتن پرچم باسک‌ها را ممنوع کرده بود.

کاتالان که ایالتی خودمختار در شمال شرقی اسپانیاست و زبان (کاتالان) و فرهنگ خاص خود را دارد مشکلات دیگری را برای مادرید پدید آورده است.کاتالان‌ها همواره بر تفاوت خود نسبت به سایر مناطق اسپانیا تأکید داشته اند. این استان دارای خودمختاری وسیعی از دولت مرکزی اسپانیاست و قانون اساسی خود را دارد. روابط این ایالت با دولت مادرید تابع منشور ویژه‌ای است. در سال ۲۰۰۵ در نسخه جدید این منشور قید شد که کاتالان‌ها ملتی جدا نسبت به مردم اسپانیا به شمار می‌روند. با این حال دهها حزب و سازمان اجتماعی این منطقه که اکثراً از چپ گرایان هستند خواستار برگزاری همه پرسی برای استقلال کاتالان در سال ۲۰۱٤ هستند.

فرانسه هم کشوری است که درگیر مبارزه با جدایی طلبان و افراط گرایان است که از جمله این مناطق جدایی طلب جزیره کرس در دریای مدیترانه است. گروه‌های ناسیونالیست کرس در اواسط سال‌های ۱۹۷۰ علیه واحدهای ارتش فرانسه مبارزاتی را شروع کردند. با نفوذترین این گروه‌ها ائتلافی از ملی گرایان کرس و جنبشی است که با شعار در اختیار گرفتن سرنوشت خود مبارزه می‌کنند و هر یک شاخه‌های مبارز خاص خود را دارند.

براساس گزارش نشریه گاردین در شمال ایرلند سه تا از چهار گروه انشعابی باقی مانده از جبهه جدایی طلب آزادی بخش ایرلند(IRA) به هم ملحق شده و گروه جدیدی را تشکیل داده اند.

به گزارش گاردین، از بعد از بسته شدن معاهده صلح بین پروتستانها و شین فین(شاخه سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند) در سال ۱۹۹۸این اولین الحاق و اتحاد چند سازمان انشعابی از این گروه است. مبارزات این گروه تا به حال به قیمت از دست رفتن جان ۳۵۰۰ نفر تمام شده است.

در انگلستان کانون جدایی طلبان به اولستر در اسکاتلند رسیده است. از سال ۲۰۱۱ در اسکاتلند جدایی طلبان از اکثریت در پارلمان برخوردارند. به گفته آلکس سالموند نخست وزیر اسکاتلند باید در سال ۲۰۱٤ درباره خروج و جدایی این منطقه رای گیری شود. وی تایید کرده است که ظرف ۱۰ سال اسکاتلند می‌تواند به استقلال برسد.

یکی دیگر از نمونه فعالیتهای جدایی طلبان در اروپا می‌توان به جزایر قبرس اشاره کرد که از سال ۱۹۷٤ به یک قسمت شمال ترک زبان و جنوب یونانی زبان تقسیم شد. بخش جنوبی آن در سال ۲۰۰٤ عضو اتحادیه اروپا شد و در اوایل جولای ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده گرفت.

در ایتالیا گرایش‌های جدایی طلبانه در مناطق صنعتی شده شمال این کشور شدت بیشتری دارد. در حال حاضر «اتحادیه شمال» از جدا شدن صرف نظر کرده است و فقط بر تبدیل شدن ایتالیا به کشوری فدراتیو اصرار می‌ورزد. طرفداران اتحاد مجدد با اتریش در مناطق تیرول جنوبی که پس از جنگ جهانی اول به ایتالیا ملحق شد مطالبات خاص خود را دارند.

همچنین این احتمال وجود دارد که بلژیک به فلاندر شمالی (که ساکنان آن به زبان هلندی صحبت می‌کنند و خواستار الحاق به هلند هستند) و والونیای جنوبی (که به زبان فرانسه صحبت می‌کنند) تقسیم شود.

تحرکات ضد استعماری در «ساردنی» ایتالیا و مناطق فدرال اتریش (Styrie) و به ویژه کارینتی (Carinthie) که اکثر ساکنان آن را کرواتها و اسلونیایی‌ها تشکیل می‌دهند بسیار افزایش یافته است. یونانی‌های جنوب آلبانی و ساکنان Acores در پرتغال با شدتی بیش از گذشته خواستار خودمختاری هستند.

در رأس همه کانون‌های فعال ونیمه فعال جدایی طلبی اروپا، نیروهای گریز از مرکز بالکان نشسته است، کوزوو که اکنون خود را درآستانه یک استقلال تاریخی می‌بیند با دورخیزی به سوی جدایی، خون تازه‌ای در کالبد جریان‌های استقلال طلب این منطقه جاری ساخته است و عجیب‌تر این است که همانند دهه خونین ۹۰ این بار جامعه بین المللی اراده و آمادگی قاطع برای رویارویی با این مناقشات را نشان نمی‌دهد.

به این ترتیب در چنین شرایط بحرانی در اروپا که هر کس به نوبه خود به دنبال راه فراری می‌گردد جدایی طلبان اروپایی دست به کار شده و زمینه را برای تحقق خواسته‌های افراطی و جدایی طلبانه خود مساعد دیده‌اند و به گفته کارشناسان، اروپا در شرایط فعلی شاهد فرآیندهای تازه ادغام و جدایی است.

تشدیدتروریست‌راست‌افراطی در اروپا در سایه بحران مالی: یکی دیگر از جریانهایی که بحران مالی بستر مناسبی برای رشد و پیشرفت آن فراهم آورده است گروههای راست افراطی و تمایل و استقبال بی سابقه به این گروههاست.برخی ناظران بر این اعتقادند که بحرانهای اقتصادی همواره زمینه ساز بروز و ظهور جریانها و گروههای افراطی بوده‌اند و امروز بیش از هر زمان دیگری که اروپا با بحران اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند و دولتمردان هر روز قوانین ریاضتی تازه‌ای را بر گردهٔ شهروندان می‌گذارند، جریانها و احزاب افراطی در حال رشد و نمو هستند. شمار و وضع آنها در پارلمانهای اروپا هم چندان بد نیست.

به گفته کارشناسان با تشدید بحران مالی در اروپا، موج نژادپرستی و مهاجرستیزی در اروپا شدت گرفته و زمینه ساز شدت گرفتن فعالیت‌های تروریستی راست افراطی درکشورهای اروپایی از جمله آلمان شده است.

اداره جنایی دولت فدرال آلمان چندی پیش با ارائه اسنادی یک سال بعد از کشف یک گروه تروریستی راست افراطی در آلمان موسوم به سوسیالیست‌های ملی زیرزمینی(NSU) همچنان خطر تروریست راست افراطی را در سطح بالا ارزیابی کرد.



شرایط بهبود رقابت پذیری در منطقه یورو

برخی نمایندگان و کارشناسان اروپایی می‌گویند به جای طرح پیشنهاد یکپارچگی سیاسی بیشتر، بهتر آن است که به موضوعات مهم‌تر دیگری مانند بهبود اصل رقابت پذیری در اقتصاد کشورهای عضو،کمک به رشد اقتصادی قوی و پایدار و خلاص شدن از قوانین دست و پاگیر که رشد اقتصادی را کند می‌کند، پرداخته شود.

به گزارش شبکه خبری یورو نیوز، وزیران امور خارجه یازده کشور اروپایی در گزارشی پیشنهادهایی مطرح کردند مبنی بر اینکه اتحادیه اروپا ارتشی واحد، وزارت امور خارجه واحد و حتی یک کرسی در سازمان ملل داشته باشد ودر توجیه این پیشنهادهای خود نیز تاکید کردند این امر اعتماد را در اتحادیه اروپا بالا می‌برد. اما این پیشنهادها نتوانست اجماع نمایندگان را به دست آورد.

الکساندر گراف لامبسدروف نماینده لیبرال آلمان در پارلمان اروپا در این باره می‌گوید این گزارش بسیار مهم است. زیرا اروپا را فراتر ازبحران منطقه یورو می‌بیند و به خودی خود چیز مهمی است.

زیرا وجود پارلمانی قدرتمندتر، با مشروعیت بیشتر دموکراتیک و هماهنگی بیشتر بین منطقه یورو و کشورهای عضو اتحادیه اروپا مسائلی هستند که ما باید درباره آنها گفتگو کنیم.

جئوفرس فان اوردن نماینده محافظه انگلیس در پارلمان اروپا نظر دیگری در این باره دارد و می‌گوید برای این کار باید تلاش‌های بیشتری انجام گیرد.

وی می‌گوید پیشنهاددهندگان این اندیشه خواستار تشکیل اتحادیه بانکی،کنترل بیشتر امور اقتصادی همه کشورهای اروپایی هستند و اکنون می‌گویند اروپا باید یک وزارت امور خارجه، یک ارتش داشته باشد.در واقع آنها به دنبال کشوری به نام اروپا هستند.

من فکر نمی‌کنم بیشتر شهروندان اروپایی با این پیشنهادها موافق باشند. حداقل می‌دانم شهروندان انگلیس با آن موافق نخواهند بود.

الکساندر گراف لامبسدورف هم در این می‌گوید ممکن نیست اتحادیه اروپا را با یک جمهوری فدرال مانند جمهوری فدرال آلمان مقایسه کرد.اتحادیه اروپا هرگز شبیه آلمان نخواهد شد.

در نتیجه من فکر می‌کنم دست کم در انگلیس با این طرح موافقت نخواهد شد.تازه اگر این طرح تحقق پذیرد آنگاه نوبت به بررسی این موضوع می‌رسد که نقش انگلیس در این اتحادیه اروپای جدید چه خواهد بود.

جئوفری فان اوردن می‌گوید اتحادیه اروپا در شرایط کنونی اولویت‌های متفاوتی دارد و بهتر است به موضوعاتی بپردازد که اهمیت بیشتری دارند. مانند بهبود اصل رقابت پذیری در اقتصاد کشورهای عضو،کمک به رشد اقتصادی قوی و پایدار و خلاص شدن از قوانین دست و پاگیر که رشد اقتصادی را کند می‌کند.

وی افزود فعلا مهم است که ما به یکپارچگی سیاسی گسترده در اتحادیه اروپا فکر نکنیم.

از سوی دیگر در حالی که اختلاف نظر بین کشورهای عضو منطقه یورو درباره چگونگی حل بحران مالی این منطقه بالا گرفته است، بیشتر مردم فرانسه معتقدند اتحادیه اروپا در حل بحران این منطقه ناتوان است.

به گزارش شبکه خبری فرانس بیست و چهار،براساس نتایج سنجی که توسط موسسه ایفوپ انجام گرفته است شصت و چهار درصد مردم فرانسه می‌گویند اگر در مقطع زمانی کنونی پیمان ماستریخت(پیمانی که به موجب آن اتحادیه اروپا و منطقه یورو شکل گرفت) به رای گذاشته شود به آن رای منفی خواهند داد.

هفتاد و شش درصد معتقدند اتحادیه اروپا در مقابله با بحران مالی و اقتصادی حاکم بر منطقه یورو ناتوان است.

درباره منطقه یورو، شصت و پنج درصد فرانسوی‌ها خواستار حفظ این حوزه پولی و ماندن کشورشان در آن هستند.

حال آنکه همین میزان درصد در آلمان یعنی شصت و پنج درصد آلمانی می‌گویند بهتر بود کشورشان به پول ملی(مارک آلمان) بر می‌گشت.

آگهی تأسیس شرکت فرآورده‌های پروتئینی گیلانه طلایی بهاران سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۷ تحت شماره ۴۲۴۰۲۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۶۲۸۵۷ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۷ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:انجماد و تهیه و توزیع و بسته‌بندی خمیر انواع فرآورده‌های گوشتی تولید فرآورده‌های گوشتی تولید فرآورده‌های گوشتی و خرید و فروش کلیه فرآورده‌های گوشتی مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ وام و اعتبار از بانکها و موسسات مالی و اعتباری بخشهای دولتی و خصوصی اخذ و اعطای نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی شرکت در مناقصات و مزایدات بخشهای دولتی و خصوصی صادرات و واردات کلیه اقلام مجاز بازرگانی بطور کلی شرکت می‌تواند علاوه بر موضوعات فوق اقدام به تاسیس واحدهای تولیدی و تجاری نموده و به هرگونه فعالیت مجازی که مفید یا نافع بوده یا بطور مستقیم یا غیرمستقیم با موضوعات مذکور در فوق مربوط باشد مبادرت ورزد.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت: استان تهران ـ شهر تهران خ آپادانا ـ خ نیلوفر ـ خ سیزدهم ـ پ ۲۳ واحد ۲ ـ کد پستی ۱۵۳۳۹۹۶۵۱۵
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یک میلیون سهم ۱/۰۰۰ ریالی که تعداد یک میلیون سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۱ نزد بانک ملی شعبه عباس آباد غربی کد ۸۰۳ پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت: ۱ـ۵ـ آقای جواد اصغرزاده توسه کله به شماره ملی ۲۶۶۹۰۲۷۹۰۳ به سمت رئیس هیئت مدیره.۲ـ۵ـ خانم فاطمه گفتاری سیاورودی به شماره ملی ۲۶۶۹۰۴۵۶۹۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره. ۳ـ۵ـ آقای مجید اصغرزاده به شماره ملی ۲۶۶۹۰۱۸۴۴۰ به سمت عضو هیئت مدیره.۴ـ۵ـ خانم مریم عباسی عینی به شماره ملی ۴۹۱۱۵۶۱۰۰۹ به سمت عضو هیئت مدیره.۵ـ۵ـ آقای مجید اصغرزاده به شماره ملی ۲۶۶۹۰۱۸۴۴۰ به سمت مدیر عامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات قراردادها و عقود اسلامی با امضای مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر است و امضا اوراق عادی و اداری با امضا مدیرعامل بتنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل: ۱ـ۸ـ خانم مریم فراتی به شماره ملی ۰۰۷۴۷۵۸۴۷۰ به عنوان بازرس اصلی ۲ـ۸ـ آقای سیدعباس موسوی به شماره ملی ۰۰۶۸۸۷۲۴۳۷ به عنوان بازرس علی‌البدل

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
کد: ۱۶۳۵۳۵۰

****

آگهی تأسیس شرکت آدان طب سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۹ تحت شماره ۴۲۴۳۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۶۴۰۸۴ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۹ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:واردات و صادرات دستگاه‌ها و لوازم و تجهیزات پزشکی، آزمایشگاهی، تحقیقاتی، بهداشتی، آرایشی، دارویی پس از اخذ مجوزهای لازم و هرگونه فعالیت بازرگانی و خدمات تعمیر و پشتیبانی فنی دستگاه و تجهیزات پزشکی و آزمایشگاهی.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت: استان تهران ـ شهر تهران تجریش خیابان دربند، خیابان اسداللهی ، کوچه میری، پلاک ۲۸ ـ کد پستی ۱۹۷۳۸۱۳۱۶۱
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به پنج هزار سهم ۱/۰۰۰ ریالی که تعداد پنج هزار سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۱۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۱۲۷۹۱۲۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۳ نزد بانک اقتصاد نوین شعبه دکتر بهشتی کد ۱۲۷ پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت: ۱ـ۵ـ آقای عبدالرضا حبیبی به شماره ملی ۰۴۵۳۲۵۰۳۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره.۲ـ۵ـ خانم شقایق عبدالملکی به شماره ملی ۰۴۵۳۲۸۲۱۹۹ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره.۳ـ۵ـ آقای ولی چشم‌پیش به شماره ملی ۰۵۳۴۹۹۳۱۴۲۳ به سمت عضو هیئت مدیره.۴ـ۵ـ آقای ولی چشم‌پیش به شماره ملی ۰۵۳۴۹۹۳۱۴۲۳ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت به امضای مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای هر یک از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل: ۱ـ۸ـ خانم سمیرا قاضی وکیلی به شماره ملی ۱۳۷۸۴۱۶۳۹۲ به عنوان بازرس اصلی ۲ـ۸ـ آقای آرمان پشاآبادی به شماره ملی ۳۸۳۰۰۹۱۷۶۱ به عنوان بازرس علی‌البدل

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۶۱۸۶۹۰

آگهی تصمیمات شرکت سرمایه گذاری ایرانگردی و جهانگردی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۶۲۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۸۷۹۶۲

طبق صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱/۲۹ حمیدرضا جباری امیری به کد ملی ۴۹۹۹۲۸۰۶۷۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۵۴۴۳۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، اقبال افلاکی آغبلاغ به کد ملی ۲۹۴۹۰۳۲۴۳۵ به نمایندگی از صندوق بازنشستگی کشوری به سمت عضو هیئت مدیره و حمید نخستین به کد ملی ۱۴۶۴۹۷۵۷۲۸ به نمایندگی از شرکت عمران و ساختمان تراز پی‌ریز به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۹۷۶۸۷ به سمت رئیس هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره تعیین گردیدند. کلیه چکها بروات و سفته‌ها با امضای مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت مدیره و در غیاب ایشان با امضا دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و مکاتبات عادی و سایر اوراق با امضا مدیرعامل معتبر می‌باشد. هیئت مدیره اختیارات خود را به موجب بندهای ۱ـ۲ـ۳ـ۴ـ۵ـ۶ـ۷ـ۸ـ۹ـ۱۰ـ۱۱ـ۱۲ـ۱۳ـ۱۴ (باستثناء تحصیل اعتبار از سیستم غیربانکی) ۱۶ـ۱۵ از ماده ۴۲ اساسنامه به مدیرعامل تفویض نمود.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۲۹۴۷

****

آگهی تصمیمات شرکت ئی پی کو سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۹۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۰۴۵۹۱

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۱/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۱/۳۰ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. مجید شیخ به کد ملی ۰۰۹۳۹۳۰۱۵۵۵ به سمت بازرس اصلی و حمید فروزان به کد ملی ۰۰۴۰۴۴۴۵۷۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: علیرضا فولادی اول به کد ملی ۰۹۳۸۴۴۱۰۹۴ و بهروز فولاد اول به کد ملی ۰۹۳۸۳۰۵۵۰۶ و ابوالفتح حسینخانی به کد ملی ۰۴۵۱۸۴۳۰۴۵ ـ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱/۲۶ بهروز فولاد اول به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، ابوالفتح حسینخانی به سمت رئیس هیئت مدیره، علیرضا فولاداول به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء مدیرعامل باتفاق یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۲۹۰۴

****

آگهی تصمیمات شرکت پرندک طیور تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۶۹۵۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۰۷۷۵

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۹۰/۸/۳۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۷ واصل گردید: بتول توسلیان به کد ملی ۶۱۸۹۸۳۶۵۲۳ به سمت بازرس اصلی و احمد فرزانه به کد ملی ۶۱۸۹۳۶۵۸۸۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: مریم فراهانی به کد ملی ۰۰۶۴۰۷۳۹۳۹ و احمد حق‌پژوه به کد ملی ۴۹۸۹۴۰۱۲۰۴ ـ بموجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۹/۱۶ مریم فراهانی به سمت رئیس هیئت مدیره، احمد حق پژوه به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور با امضاء مشترک مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۲۶۹۰

****

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای مسکن آریا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۹۲۶۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:شرکت مدیریت سرمایه‌گذاری بانک مسکن سهامی خاص با نمایندگی آقای اصغر عارفی به سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت عمرانی مسکن گستر سهامی خاص با نمایندگی آقای حمید خالقی مقدم به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و شرکت سرمایه‌گذاری مسکن سهامی خاص با نمایندگی آقای محمدرضا علی نوری به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت سرمایه‌گذاری اندیشه گستر فردا سهامی خاص با نمایندگی آقای محمدرضا کیارستمی به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت لیزینگ گستر آریا سهامی خاص با نمایندگی آقای مسعود محمود زاده احمدی‌نژاد به سمت عضو هیئت مدیره و آقای محمود قهاری به شماره ملی ۰۰۴۲۶۹۵۷۴۰ (خارج از اعضاء هیئت مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۱/۰۶/۱۴. در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۶۳۱۶۹۸

آگهی تغییرات شرکت سامانه‌های ارتباطی صابران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۲۷۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۹۸۵۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
آقای یوسف قره‌گوزلی به شماره ملی ۰۰۳۵۱۰۰۱۶۸ به سمت عضو هیئت مدیره و شرکت تعاونی کارکنان ایز ایران با نمایندگی آقای جواد آدینه ضامنجانی به سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت تعاونی خدماتی پشتیبانی اداری و امور عمومی تکصما با نمایندگی آقای محمدتقی یامی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای الیاس طالبی به شماره ملی ۰۰۴۴۳۹۸۰۰۱ (خارج از اعضاء هیئت مدیره) به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۱.
۲ـ کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک و سفته و بروات و قراردادها و امثالهم با امضاء ثابت مدیرعامل و احدی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و سایر مکاتبات اداری با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد بود.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۵۹۹۷۷

****

آگهی تغییرات شرکت سامانه‌های ارتباطی صابران سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۲۷۶۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۹۸۵۵۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:آقای یوسف قره‌گوزلی به شماره ملی ۰۰۳۵۱۰۰۱۶۸ و شرکت تعاونی خدماتی پشتیبانی اداری و امور عمومی تکصما به شماره ثبت ۲۴۰۰۰۸ با نمایندگی آقای محمدتقی یامی و شرکت تعاونی کارکنان ایز ایران به شماره ثبت ۲۴۰۰۰۸ با نمایندگی اقای جواد آدینه ضامنجانی تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۱.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۵۹۹۷۵

****

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور راز هنر ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۸۵۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۳۵۷۷۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:خانم پگاه محرابی به شماره ملی ۰۰۶۳۴۱۷۶۸۵ به سمت رئیس هیئت مدیره و خانم کبری محرابی به شماره ملی ۰۰۵۰۳۹۷۳۳۸ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای علیرضا آریانی‌نژاد به شماره ملی ۰۰۷۳۴۶۹۱۵۷ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای علیرضا آریانی نژاد به شماره ملی ۰۰۷۳۴۶۹۱۵۷ به سمت مدیرعامل. ۲ـ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت و در غیاب ایشان رئیس هیئت مدیره منفردا همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۸۹۰۲۰

****

آگهی تغییرات شرکت پترو گستر زند هرمز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۰۹۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۲۹۵۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خیابان شریعتی کوچه داد پلاک ۴ واحد ۴ کد پستی ۱۹۳۱۶۶۳۱۷۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۶۲۳۹۳۵

****

آگهی تغییرات شرکت پترو گستر زند هرمز سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۰۹۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۲۹۵۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۴ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:شرکت افق تجارت نوین زند سهامی خاص با نمایندگی خانم مرضیه گل رنگی و شرکت تجارت گستر دهیهم نیکان سهامی خاص با نمایندگی آقای محمدسجاد زین‌الدینی و شرکت توسعه تجارت سرمایه‌گذاری مهراد نامور سهامی خاص با نمایندگی آقای امین چاروسه تا تایخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۴.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۴ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۶۲۳۹۳۳

آگهی تغییرات شرکت صنعتی تولیدی سنبله سبز غلات سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۱۱۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۹۰۴۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ـ آقای کیوان سلطانیه به شماره ملی ۰۰۶۴۲۶۲۶۲۶ به‌عنوان بازرس اصلی، آقای مهران سلطانیه به شماره ملی ۰۴۲۱۰۸۳۱۳۱ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۲ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۰ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: فهیمه مدیری نیا به شماره ملی ۰۴۲۱۲۸۲۱۴۲ و آقای امیرحسین تاجیک به شماره ملی ۰۴۱۰۰۸۱۵۶۶ و آقای عبدالرضا تاجیک به شماره ملی ۰۴۲۱۲۷۱۹۵۷ تا تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۰ در تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۲۳ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران
کد: ۱۵۹۷۷۴۱

****

آگهی تصمیمات موسسه اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران و کانادا به شماره ثبت ۷۸۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۴۴۷۱۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۱۲/۸ موسسه مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۲/۲۱ واصل گردید: شاهرخ ظهیری به کدملی ۰۰۳۸۱۹۱۶۴۴ به سمت بازرس اصلی و علی حمزه نژاد به کدملی ۲۹۹۱۲۰۲۲۱۱ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های اتاق تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت سه سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. علاءالدین میرمحمد صادقی به کدملی ۱۲۸۰۷۶۷۳۹۱ و شاهین شیشی به‌کدملی ۱۸۱۶۶۲۷۲۷۵ و ایرج حسابی به کدملی ۰۰۴۰۴۹۸۴۳۳ و محسن خلیلی به‌کدملی ۰۰۳۷۶۷۴۴۰۴ و اسدا.. عسگراولادی به‌کدملی ۰۰۳۸۳۲۱۳۱۹ و فریبرز حقیقت طلب به کدملی ۰۳۸۶۸۱۷۱۴ و محمد قناویزی به‌کدملی ۰۹۴۰۳۲۲۳۴۱ و سید نوید هدایتی به‌کدملی ۰۰۴۰۸۲۲۴۱۹ به‌عنوان اعضاء اصلی و مهرداد الیاسی بختیاری به‌کدملی ۴۶۹۷۶۲۷۶۷ و نادر عمادی مهابادی به‌کدملی ۱۲۹۱۱۵۸۲۴۳ به‌عنوان اعضاء علی‌البدل – به‌موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۱۲/۱۳ علاءالدین میرمحمد صادقی به‌سمت رئیس هیئت مدیره و اسدا.. عسگر اولادی و شاهین شیشی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محسن خلیلی عراقی به‌سمت خزانه دار تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء علاءالدین میرمحمد صادقی (رئیس) یا یکی از نواب رئیس آقایان اسدا.. عسگراولادی و شاهین شیشی و خزانه دار محسن خلیلی عراقی همراه با مهر اتاق معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۱۲۶

****

آگهی تصمیمات شرکت ابر بسپار آرمان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۳۴۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۵۸۴۴۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱/۲۸ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۲/۹ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: عباس منشی به‌کدملی ۰۰۴۳۳۸۴۱۰۲ و حبیب صدریا به کدملی ۰۰۴۳۲۷۸۶۹۸ و حمید منشئی به‌کدملی ۰۰۵۴۰۴۲۶۷۴ – به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۱/۲۹ عباس منشی به‌سمت رئیس هیئت مدیره، حبیب‌صدریا به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، حمید منشئی به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضا دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۱۲۵

****

آگهی تصمیمات شرکت چرم مروارید سهامی خاص به‌شماره ثبت ۱۰۹۱۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۲۸۸۲۷

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۱۲/۱۷ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۲/۹ واصل گردید: حسن مسلمی کفاشی به‌کدملی ۰۰۴۴۰۵۵۲۵۰ به‌سمت بازرس اصلی و محبوبه فرح بیجاری به کدملی ۰۰۵۵۹۷۳۳۷۱ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به‌مدت دو سال به‌قرار ذیل: صدیقه بابوئی نژاد به‌کدملی ۰۳۸۱۱۹۰۰۷۲ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و محمد چرمچی به کدملی ۰۰۵۹۱۱۷۴۷۷۳ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره ومینا چرمچی به کد ملی ۰۰۷۵۹۷۸۶۱۱ به سمت عضو هیئت مدیره تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک‌ها و سفته و برات و هرگونه اسناد تعهدآور با امضاء صدیقه بابوئی نژاد و در غیاب وی محمد چرمچی و مینا چرمچی همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۱۴۸

آگهی تصمیمات شرکت آژند تامین کالای ساختمان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۳۱۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۷۰۴۱۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۱۱/۱ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۰/۱۱/۸ واصل گردید:
حسین خادمی به‌کدملی ۳۸۷۳۸۴۴۵۰۸ به‌سمت بازرس اصلی و منوچهر شیرازی به‌کدملی ۴۹۸۹۳۲۵۵۲۴ به‌سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
وحید صباغی به کدملی ۰۰۴۴۳۶۰۶۸۱ و صغری شعبانی به کدملی ۴۳۲۳۲۶۶۱۹۷ و کاوه صباغی به کدملی ۰۰۸۰۳۶۴۳۷۳ – به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۱۱/۱ صغری‌شعبانی به‌سمت رئیس هیئت مدیره، کاوه صباغی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره، وحید صباغی به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضاء ثابت مدیرعامل و یکی از دو امضا همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۳۱۶۱

****

آگهی تصمیمات شرکت بین الملل ساختمان و صنعت ملی سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۴۴۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۵۸۵۲۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹۰/۱۱/۱۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۲/۴ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
شرکت سرمایه‌گذاری گروه توسعه ملی به شناسنامه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۹۵۵۰ به نمایندگی محمد بیگدلی به کدملی ۰۰۴۷۰۴۷۶۰۷ – شرکت خدمات مدیریت سرمایه مدار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۰۱۶۱۰ به نمایندگی شهاب الدین عزیزی خادم به کد ملی ۴۸۵۰۱۶۶۰۲۴ – شرکت ملی شیمی کشاورز به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۶۰۷۴۸ به نمایندگی مجید احمدپور به‌کدملی ۲۰۶۲۹۶۴۶۶۸ – شرکت ملی ریسباف به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۶۵۹۹۱ به‌نمایندگی اسفندیار برومند به کدملی ۲۱۶۰۱۲۸۹۶۱ – شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه صنایع سیمان به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۹۳۴۵۹ به نمایندگی خیراله خادمی به کدملی ۴۰۷۱۳۶۶۸۰- به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۲/۲ خیراله خادمی به‌سمت رئیس هیئت مدیره و مجید احمدپور به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و شهاب‌الدین عزیزی خادم به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند.
امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها با امضاء مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیات مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضای مشترک دو نفر از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. مکاتبات اداری و اوراق مرتبط با امورجاری با امضا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است. هیات مدیره بخشی از اختیارات خود را در ۲۲ بند به شرح مندرج در صورتجلسه به مدیرعامل تفویض نمود.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۲۶۹۵

****

آگهی تصمیمات شرکت نفت پاسار گاد سهامی عام به شماره ثبت ۲۰۵۵۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۷۲۱۴۱

به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۰/۱۲/۱ غلامرضا زمانی فرد به کدملی ۴۲۶۹۷۲۴۷۳۰ به‌جای محمد حسین کاکوئی نژاد به نمایندگی از طرف شرکت نفت ایرانول به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۷۳۵۱۱ به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب و در نتیجه اسامی اعضاء هیئت مدیره و سمت آنان به شرح ذیل برای بقیه مدت تصدی تعیین گردید:
بهروز مرادی به کدملی ۳۲۵۷۳۸۹۹۱ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و علی حضرتی به کدملی ۳۸۰۱۰۷۷۵۷۸ به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و فرید صباحی به کدملی ۶۱۵۹۴۵۲۲۵۸ به‌سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و مرتضی تمدن به کد ملی ۴۶۲۱۳۸۷۰۵۷ و غلامرضا زمانی فرد به‌سمت اعضاء هیئت مدیره انتخاب گردیدند و هیئت مدیره قسمتی از اختیارات خود را در ماده ۳۷ اساسنامه به شرح مندرج درصورتجلسه به مدیرعامل تفویض نمود. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور از جمله چک و سفته و برات با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء متفق دو تن از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر و اوراق و اسناد عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۲۹۸۹

دومین شفاف‌سازی پالایشگاه بندرعباس

مدیرعامل پالایشگاه بندرعباس بـرای دومین مرتبه در مورد شایعات و وضع سود آوری این شرکت مشمول اصل ٤٤ شفاف سازی کرد تا سهام آن باکاهش ٤درصدی و صف فروش سنگین همراه شود.

به گزارش فارس، سهام پالایشگاه بندرعباس که در روزهای پیش یکی از گزینه‌های اصلی سهامداران برای خرید بوده و طی ۳۱ روز حضور در بورس بالغ بر ۹۰ درصد بازدهی به همراه داشته، به دلیل شفاف سازی دوباره و تاکید بر تغییر نکردن سود هر سهم، با تغییر جهت ۱۸۰ درجه‌ای و کاهش ٤ درصدی قیمت و تشکیل صف فروش حدود ۳۰ میلیون سهمی مواجه شد.براساس این گزارش،هاشم نامور مدیرعامل این شرکت مشمول اصل ٤٤ درحالی ۲۱ شهریور درباره آخرین وضع پیش بینی درآمد هر سهم مالی ۹۱ شفاف سازی و تاکید بر تغییر نکردن سود کرده بود که به علت رشد بهای سهام این شرکت در روزهای پیش، برای دومین مرتبه در ۱۲ روز اقدام به شفاف سازی کرد.وی با ارسال نامه‌ای به سازمان بورس اعلام کرد: فروش محصولات این شرکت اعم از داخلی و صادراتی، حسب مورد توسط شرکت پخش فراورده‌های نفتی در امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران انجام می‌شود و مطابق قانون بودجه کل کشور درآمدهای ریالی و ارزی حاصل از فروش داخلی و صادرات فرآورده‌ها به حساب‌های متمرکز خزانه‌داری کل واریز و پس از کسر بهای خرید نفت خام و کسورات قانونی ازجمله ۲۳ درصد سهم صندوق توسعه ملی، بخشی از درآمدها به صورت ریالی در اختیار این شرکت قرار داده می‌شود.وی خاطرنشان کرد: مضافا موضوع تسری نیافتن سهم صندوق توسعه ملی به این شرکت،توسط مسئولین این شرکت و شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران درحال پیگیری بوده ولی تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است.

نامور تاکید کرد: بنابراین با عنایت به موارد فوق درحال حاضر هیچ گونه تغییری در وضع مالی این شرکت به وجود نیامده و پیش‌بینی سه ماهه اول سال ۹۱ همچنان مورد تایید است. پالایشگاه بندرعباس با سرمایه ۱۳۸۰ میلیارد تومانی، سود هر سهم سال مالی را ۱٤۲ ریال پیش بینی کرده که طی سه ماه اول سال ۲۷ درصد از این رقم محقق شده شده است.

این شرکت با کشف قیمت ۱۱٤ تومانی در تیر سال جاری وارد بورس شده و با شایعاتی مانند احتمال برگشت ۹۰۰ میلیارد تومان مابه تفاوت یارانه‌ها و سهم ۲۳ درصدی دولت از درآمد صادراتی مواجه است.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۲۷٤٤۰/۱	۲۷٤٤۰/۱	۲۷۱۰۲	۳۵۹/٤	۱/۳۳
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۱٥٤۸/۲	۱٥٤۸/۲	۱٥۲۸/٤	۲۰/۸	۱/۳٦
شاخص آزادشناور	۳٤۱۹٤/٦	۳٤۱۹٤/٦	۳۳۷۷۳	٤۳٦/۸	۱/۲۹
شاخص بازاراول	۲۲۳۷۱/٥	۲۲۳۷۱/٥	۲۲۱۰۱/۹	۲۹۲/٤	۱/۳۲
شاخص بازاردوم	٤۰۳٥٤/٥	٤۰۳٥۷/٥	۳۹۸۱٥/٤	٥۳۲	۱/۳٤
شاخص صنعت	۲۲۳۸۷/۳	۲۲۳۸۷/۳	۲۲۰۷۷/۳	۳۳۱/٥	۱/٥

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه۹۱/۷/۴)

مجموع حجم معاملات	۳۰۷ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۸٤۹/۷۷٤ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۲۳۱۱۸ معامله
ارزش بازار	۱/۲٤۱/٥۹۱میلیارد ریال

سپرده گذاری مرکزی در مجمع نهادهای آسیا

شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) عضو مجمع نهادهای ثبت، سپرده گذاری و تسویه و پایاپای آسیا – اقیانوسیه (ACG) شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، عضویت سمات در ACG با حضور حامد سلطانی نژاد مدیر عامل این شرکت در شانزدهمین اجلاس سالانه این مجمع در اندونزی و پس از آن تصویب شد که مدیر عامل سپرده گذاری گزارشی از توانمندی‌های بازار سرمایه ایران و شرکت سپرده گذاری مرکزی به حاضران ارائه کرد.

عضویت در ACG به رأی بیش از دو سوم اعضا نیاز داشت که در نهایت در این اجلاس شرکت سپرده گذاری مرکزی به عنوان بیستمین کشور، عضو این مجمع شد.

ACG با عضویت بیش از ۳۰ نهاد ثبتی و تسویه و پایاپای از کشورهای چین، کره جنوبی، استرالیا، نیوزلند، ژاپن، اندونزی، مالزی، هند، بنگلادش، هنگ کنگ، قزاقستان، مالدیو، مغولستان، سنگاپور، فیلیپین، سریلانکا، تایوان، تایلند، ازبکستان و ایران تشکیل شده است و از معتبرترین سندیکاهای بین المللی در این حوزه به شمار می‌رود.همفکری و تبادل تجربه در حوزه‌های تخصصی ثبت، سپرده گذاری و تسویه و پایاپای، از اهداف تشکیل این مجمع است.

نماد معاملاتی شرکت‌های سیمانی بسته نمی‌شود



معاون سازمان بورس گفت: نماد معاملاتی شرکت‌های سیمانی فعلاً بسته نمی‌شوند؛ اما از همه آنها خواسته شده اطلاعات با اهمیت و اثر افزایش ۲۲ درصدی قیمت سیمان بر سودآوری را اعلام کنند.

به گزارش فارس، در پی افزایش ۲۲ درصدی قیمت سیمان که توسط انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان به همه شرکت‌های سیمانی ابلاغ شد، فعالان بازار سهام انتظار توقف نماد همه ۳۱ شرکت یا تعدادی از آنها را داشتند تا چند و چون آثار این افزایش مشخص شود.

این درحالی است که با توجه به مسائلی مانند دریافت تسهیلات ارزی برای تجهیز خطوط تولید، جایگزین شدن مازوت به جای گاز آن هم بدون نهایی شدن قیمت، افزایش هزینه‌ها و دستمزد، معلوم نیست افزایش ۲۲ درصدی قیمت سیمان تا چند درصد و چگونه بر سود آوری شرکت‌های سیمانی اثر گذار خواهد بود.

بر پایه این گزارش، در شروع معاملات بورس که با عبور شاخص از خط مقاومت ۲۷ هزار تایی همراه بود، قیمت همه شرکت‌های سیمانی حاضر در تابلوی معاملات ضمن تشکیل صف خرید، ٤ درصد رشد کرد. در میان ۳۱ شرکت سیمانی، وضع سهام سیمان فارس و خوزستان (که از آن به عنوان مادر شرکت‌های سیمانی یاد می‌شود) متفاوت بود. چرا که سهام این شرکت به دلیل مشمول دستور العمل رفع گره معاملاتی شدن، بیش از ۱۲ درصد افزایش یافت و با صف خرید ۳۳,۸ میلیون سهمی مواجه شد و ۱۳ واحد هم بر شاخص بورس اثر مثبت گذاشت.

با این همه سید علی حسینی معاون نظارت بر بورس‌ها و ناشران سازمان بورس، در گفتگو با فارس از توقف نماندن نماد معاملاتی شرکت‌های سیمانی در شرایط کنونی خبر داد.

وی گفت: طبق تصویب کمیته ماده یک طرح جامع سیمان مبنی بر تفویض قیمت گذاری و مسئولیت بازار به انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان و به استناد مصوبه ۲۹ شهریور ۹۱ هیأت مدیره، مقرر شده قیمت انواع سیمان ۲۲ درصد افزایش یابد. این مصوبه را یکی از شرکت‌های سیمانی دریافت کرد و بر روی سایت کدال گذاشته شد.

وی ادامه داد: در این رابطه از همه شرکت‌های سیمانی خواسته‌ایم تا تغییرات با اهمیت بر سود را به سازمان بورس و سهامداران اعلام کنند.

به محض دریافت این اطلاعات، اطلاع‌رسانی انجام می‌شود. بنابراین با توجه به متفاوت بودن آثار افزایش نرخ سیمان بر سود آوری شرکت‌ها، فعلاً نماد شرکت‌های سیمانی بسته نمی‌شود.

این مقام مسئول در رابطه با موضوع ارزبری و لزوم تسویه تسهیلات ارزی دریافتی با نرخ آزاد یا مرجع و همچنین بحث جایگزین شدن سوخت مازوت به جای گاز توضیح داد: با توجه به استراتژیک بودن صنعت سیمان،دولت همواره حمایت‌های لازم از این صنعت را مدنظر داشته و در مورد قیمت سوخت مازوت هم تصمیم درستی می‌گیرد.

حسینی گفت: افزایش ۲۲ درصدی قیمت سیمان به بهبود وضع مالی و سود آوری شرکت‌های سیمانی کمک خواهد کرد.

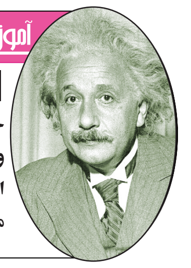
آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۲,۱۹۰	(۲۲)	تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۳۳۰	(۲۳۸)	قند لرستان	۲۶,۵۸۲	۱,۰۲۲
بیمه البرز	۳,۴۱۱	۱۳۱	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۴۶۸	(۳۷)	قند مرودشت	۲۰,۰۲۴	۷۷۰
کابل البرز	۱,۰۰۸	۲۳	مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۱,۸۲۰	۷۰	قندنقش‌جهان	۱۳,۱۹۸	۵۰۷
ایران ترانسفو	۲,۰۷۱	۷۹	کارت اعتباری ایران کیش	۹,۲۹۰	(۱۹۱)	قند نیشابور	۱۴,۲۴۴	۵۴۷
پارس‌سویچ	۲,۱۵۴	(۹۸)	کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۳,۰۰۰	۸,۸۳۸	قندهکمتان	۲۲,۹۳۳	۸۸۲
لامپ پارس شهاب	۲,۷۹۷	۹۷	سیمان داراب	۴,۸۱۵	۱۸۵	آبسال	۷۲۲	۲۷
موتوژن	۳,۲۵۸	۱۲۵	سیمان بجنورد	۲,۴۳۸	۹۳	گروه‌صنعتی‌بوتان	۱,۵۷۰	(۵۳)
نیروترانس	۴,۳۵۰	(۱۸۱)	سیمان‌سپاهان	۱,۱۹۰	۴۵	پارس خزر	۱,۳۱۶	۵۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۳,۰۰۰	۱۰۵	سیمان تهران	۲,۱۶۶	۸۳	سرما آفرین	۱,۲۴۰	۱۱
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۶۳۶	۵۱	سیمان‌خاش	۲,۴۸۷	۹۵	داده‌پردازی‌ایران	۱,۹۲۶	(۱۴)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۶,۹۰۰	۸۱	سیمان دورود	۳,۸۹۷	۱۴۹	ایران‌ارقام	۲,۵۱۴	(۱۰۴)
بیمه پارسیان	۲,۱۲۲	۸۱	سیمان شرق	۹۴۳	۳۶	بیمه ملت	۱,۱۹۷	۲۶
ایران‌یاساتایرورابر	۴,۱۳۰	۴۸	سیمان‌غرب	۴,۲۳۴	۱۶۲	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۳۰	(۶)
درخشان تهران	۱,۲۵۹	۰	سیمان فارس و خوزستان	۱,۳۷۰	۵۲	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۵۶۰	(۲)
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۸۰	۵	سیمان فارس نو	۲,۹۴۹	۱۱۳	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۲,۹۴۳	(۱۵)
صنایع لاستیکی سهند	۲,۰۶۶	(۴۹)	سیمان سفیدنی‌ریز	۴,۸۳۱	۱۸۵	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴,۲۵۱	۷۴
گروه صنعتی بارز	۱,۹۴۶	۷۴	سیمان‌هگمتان	۲,۳۲۹	۸۹	بانک انصار	۲,۰۹۴	۳
تراکتورسازی‌ایران	۱,۷۷۹	(۷۴)	سیمان ایلام	۲,۸۸۰	۱۱۰	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۹۸۲	۱۱۴
پمپ سازی ایران	۲,۷۱۴	۱۰۴	پتروشیمی شازند	۶,۵۶۷	(۲۷۳)	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۲,۱۲۵	۸۱
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۱۶۶	۴۳	پالایش نفت تبریز	۴,۳۶۵	۱۶۷	بانک صادرات ایران	۱,۰۴۲	۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۲,۸۷۹	(۱۱۹)	پالایش نفت بندرعباس	۲,۱۶۱	۸۳	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۷۹۷	۳۰
تکنوتار	۱,۴۵۶	۵۶	نفت بهران	۸,۵۰۹	۳۲۷	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۲۸	(۴۶)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۴۸	۳۳	بین المللی محصولات پارس	۱,۶۰۰	۶۰	بانک‌پارسیان	۲,۱۲۲	۸۱
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۶۹۰	(۱۶)	پاکسان	۲,۶۳۰	۳۲	بانک پاسارگاد	۱,۴۰۴	(۴)
سامان گستراصفهان	۱,۳۶۹	۱۰	پتروشیمی پردیس	۳۵,۶۰۰	(۲۴۴)	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۷۱۷	۷
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۷۰	۳۵	پلی‌اکریل	۵۷۴	(۲۱)	داروپخش (هلدینگ	۶,۸۲۹	(۲۵۷)
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۱۷	۶۶	پارس پامچال	۶,۲۱۷	(۲۵۷)	بانک تجارت	۱,۳۹۰	۴۷
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۶۹۴	۱۴۲	تهران شیمی	۶,۹۶۶	(۲۹۰)	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۸۶۵	(۷۷)
فیبر ایران	۴,۵۷۹	۱۷۶	پتروشیمی خارک	۱۵,۰۱۰	۲۸۷	ح . توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۵۵۵	(۴۵)
کارتن ایران	۱,۴۱۴	۵۴	دوده صنعتی پارس	۱,۸۱۰	۶۹	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۵۳۰	۰
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۴,۳۵۰	۱۶۷	تولید سموم علف کش	۲,۲۶۰	۳۳	سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۸۴۲	۷۰
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۸۷۱	(۴۱)	صنایع شیمیایی فارس	۲,۸۱۰	(۷۲)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۵۱۵	۵۸
تایدواترخاورمیانه	۲,۵۷۴	(۶۳)	پتروشیمی فناوران	۱۱,۴۹۸	۴۳۳	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۳۵۴	(۲۲)
حمل‌ونقل‌توکا	۴,۵۶۱	۱۷۵	گلتاش	۵,۶۸۳	(۲۳۶)	سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۱۳۴	۴۳
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۸۹۸	۲۸	لعابیران	۴,۰۵۵	۷۲	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۵۹۶	۶۱
حفاری شمال	۱,۹۹۶	۴۹	نفت پارس	۴,۱۲۰	۱۱	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۳۳۵	۲۸
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۹۰۳	(۳۲)	پتروشیمی‌شیراز	۳,۹۲۰	(۷۱)	بانک سینا	۱,۳۹۰	۵۳
ساپاآذین	۵۱۷	۱۴	کربن ایران	۸۵۵	۶	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۴۳۰	(۵۳)
ایران خودرودیزل	۱,۱۳۵	۴۳	نیروکلر	۸,۹۳۰	۳۴۱	ح . گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۴۹۶	۳۶
گروه‌بهمن	۱,۴۰۵	۵۴	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۰۳۸	۱۵۵	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۹۸۳	۲۱۷
پارس خودرو	۷۱۹	۲۷	لبنیات‌کالبر	۲,۷۳۸	۱۰۵	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۱۱۰	۵
قطعات اتومبیل ایران	۱,۹۹۰	(۵۸)	صنعتی بهشهر	۱۱,۰۵۱	۴۲۵	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۸۵۰	۴۰
چرخشگر	۱,۷۸۴	۶۸	پارس مینو	۱,۸۴۶	۷۱	لیزینگ رایان سایپا	۱,۹۸۲	۵۴
رینگ‌سازی‌مشهد	۹۵۰	۳۳	کشت و صنعت چین چین	۳,۰۲۹	۱۱۶	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۶۱	۰
زامیاد	۷۵۲	۲۸	خوراک دام پارس	۷,۲۹۷	۲۸۰	لیزینگ‌خودروغدیر	۵۲۰	(۵)
سایپا	۱,۲۷۴	۴۹	دشت مرغاب	۱,۸۴۴	(۷۵)	لیزینگ‌ایران	۱,۹۷۹	(۳۰)
الکتریک خودرو شرق	۶۷۶	۲۶	سالمین	۵,۲۰۴	۲۰۰	توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۴۴۱	۱۳۲
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۵۴۵	۳۵	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۷۷۴	۲۹	سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۵۴	(۱)
فنرسازی‌خاور	۷۶۰	(۲۹)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲,۳۱۵	۸۹	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۱۰۶	(۲۷)
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱,۴۲۴	۵۴	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲,۰۶۲	۷۹	بانک‌اقتصادنوین	۲,۳۹۸	(۱۹)
لنت ترمزایران	۱,۴۶۳	(۶۰)	شهد ایران	۱,۵۰۱	۵۷	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۵۰	۱
نیرو محرکه	۱,۶۰۷	۶۱	مارگارین	۳,۳۴۲	۱۲۸	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۴۴۴	۳
تولیدمحورخودرو	۱,۳۷۴	۵۲	صنایع آذرآب	۱,۹۷۶	۷۶	بانک کارآفرین	۱,۴۲۷	۵۴
مهرکام‌پارس	۵۰۷	(۲۱)	ماشین سازی اراک	۱,۴۸۰	۱۲	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۹۶۵	۴
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۹۹۹	(۲۵)	صنعتی آما	۲,۸۷۵	۱۱۰	کاشی اصفهان	۱,۶۶۹	۳
ایران خودرو	۱,۶۷۰	۶۴	آلومینیوم‌ایران	۲۳,۶۴۹	۹۰۹	معادن بافق	۱۵,۳۷۰	۵۹۱
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۷۷	۱	مس شهیدباهنر	۱,۰۶۵	۳۵	کاشی پارس	۱,۱۱۶	(۴۶)
کاربراتورایران	۱,۲۴۸	۴۸	فولاد امیرکبیرکاشان	۱,۷۹۴	۶۹	پشم‌شیشه‌ایران	۱,۴۴۷	۵۵
سایپا دیزل	۵۹۰	۹	فولاد خراسان	۵,۶۶۲	۲۱۷	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۰۶۸	۴۱
داروسازی ابوریحان	۷,۴۴۰	(۳۰۹)	فولاد خوزستان	۱۸,۸۲۶	۷۲۴	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۷,۰۱۵	۲۶۹
داروسازی امین	۲,۲۹۴	(۹۵)	فروسیلیس ایران	۳,۸۷۶	۱۴۹	چینی ایران	۲,۹۰۹	۱۱۱
بیمه دانا	۵,۲۲۱	۱۰۱	گروه‌صنعتی‌سپاهان	۳,۶۵۰	(۴۶)	کاشی وسرامیک حافظ	۱,۴۳۰	۵۵
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۷,۱۸۲	۲۷۶	لامیران	۲,۱۹۵	۰	معدنی دماوند	۷,۰۰۰	(۱۲۱)
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۷۳۱	۸۱	ملی صنایع مس ایران	۴,۹۸۰	۱۰۶	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۵,۵۲۸	۲۰
داملران	۷,۷۰۰	۲۵	نوردوقطعات فولادی	۲,۰۴۴	۷۸	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۳,۲۴۳	۱۲۴
دارویی رازک	۹,۴۰۰	۳۰۲	فولاد مبارکه اصفهان	۲,۶۹۱	۴۳	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۹,۹۱۰	۳۸۱
داروسازی روزدارو	۲,۰۵۰	(۱۵)	فولاد آلیاژی ایران	۳,۲۴۳	۱۲۴	کاشی سعدی	۱,۹۳۰	۷۴
گروه دارویی سبحان	۳,۴۵۸	۱۲۹	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۲,۲۶۴	۴۷۱	ذغال‌سنگ نگین طبس	۳,۲۶۶	(۷۲)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۶,۲۲۰	(۱۱۴)	قند ثابت خراسان	۴,۷۵۳	۱۸۲	فراورده های نسوزایران	۲,۶۷۰	۱۶
داروسازی فارابی	۹,۲۹۰	۳۳۸	کارخانجات قند قزوین	۱۱,۰۳۸	۴۲۴	معدنی و صنعتی گل گهر	۷,۰۰۱	۱۵۱
داروسازی اکسیر	۶,۱۵۰	(۵۱)	قند شیرین خراسان	۴,۲۵۱	۱۶۳	کاشی الوند	۱,۲۷۰	۱۴
دارویی لقمان	۳,۸۵۹	۱۴۸	شهد	۲۲,۴۴۸	۸۶۳	معادن‌منگنزایران	۱۹,۷۶۱	۷۶۰
داروسازی کوثر	۱,۶۹۸	۳۲	شکرشاهرود	۷,۵۷۴	۲۹۱	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۱,۱۹۱	۴۵
کیمیدارو	۱,۷۱۶	۶۶	ح . شکرشاهرود	۶,۵۳۰	۴۸۳	شیشه همدان	۱,۶۹۰	۲۴
خدمات‌انفورماتیک	۱۱,۴۰۰	(۹)	قنداصفهان	۳۷,۰۰۸	۱,۴۲۳			

فرهنگی ۹۹

• چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۱
• شماره ۲۵۴۱۵ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
• ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه



آلبرت انیشتین:

جهان برای زندگی بس خطرناک است و دلیلش انسانهای شرور نیست بلکه انسانهایی است که به شروران کمک می‌کنند و آزادشان می‌گذارند.

سرسخن

کریم فیضی

سنجش هست و نیست

یکی از راه‌های کنترل یک ساختمان، افزودن به تعداد نگهبانی‌ها و نگهبانهاست و دادن یک دفتر و خودکار به دست آنها تا هر چه روی می‌دهد، به دست آنها نوشته شود و ضبط و ثبت شود. تا آنجا که می‌دانیم، تا این اواخر همین اتفاق‌ها به همین صورت روی می‌دادند و دفاتر بزرگ مکتوب برای همین امر درنظر گرفته می‌شدند اما امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که این روشها را منطقی بشمارد.

گذشته از عدم دقت و خطاهایی که در این روش به دلیل سهل‌انگاری و احتمالاً بی‌سوادی و نیز انواع و اقسام دسیسه‌هایی که از طرف عده‌ای «حرفه‌ای» ممکن است به دفاتر راه پیدا کند، سؤال این است که: این دفاتر را چه کسی باید بخواند؟ چه کسی باید راست و دروغ آنها را معلوم کند و در نهایت چه کسی و در کجا باید آنها را بایگانی کند تا در صورت لزوم به آنها مراجعه شود؟ جاگیربودن این نوع مکتوبات و بخصوص در معرض خرابی و آسیب‌بودن آنها، قولی است که جملگی برآنند. نمونه‌های فراوانی را دیده‌ایم و شنیده‌ایم که مسجل می‌دارد گاه دفتری از بیخ گم شده و سندی مفقود گردیده یا از بین رفته است.

همه کسانی که در آموزش و پرورش ۳۰ سال قبل ایران درس خوانده‌اند و درس داده‌اند، لابد شیوهٔ ارزیابی و صدور کارنامه آن روزگار را به خاطر دارند و می‌دانند که یک برگ کارنامه اصل بود، دو برگ هم با «کاربن» نوشته می‌شد، گاه کاربن با کج و راست‌شدن خودش نمرهٔ املا را نمرهٔ انشاء می‌کرد و به همین منوال! وانگهی مگر می‌توان جریانهای علمی و آموزشی یک کشور را با این روند موردملاحظه و مطالعه قرار داد؟ اگر قرار باشد شخصی در مقام مسئول، سیر یک مجموعه را درنظر بگیرد، آیا می‌توان با این شیوه‌ها به جایی رسید؟ «آمار» در صورت صحّت و در صورتی که خطا به آن راه پیدا نکند، شیوه‌ای است که در درازمدت و پس از پایان کار، راه را برای ملاحظه هموار می‌کند ولی پیش از پایان، نمی‌توان آمار گرفت. بماند که از آمار چندین حیث، نارسایی‌های خود را دارد که یکی از آنها به مورد و موضوع آمار برمی‌گردد و دیگری به آمارگیرنده. اگر آمارگیرنده شخص قابل و توانایی نباشد، نمی‌توان حاصل استقراء او را قابل اعتماد دانست.

بماند که همیشه ملاحظات دیگری هم ممکن است وجود داشته باشد. به همین دلیل و دلایل پیش گفته، از مدتها قبل مانیتورینگ راهی است که می‌توان براساس آن چند غرض و مقصود را یکجا در اختیار داشت. یکی از حاصل‌های مانیتورینگ در اختیارداشتن شرایط فعلی یک مجموعه به لحاظ کلی و مجموعی است. در چنین شرایطی نمی‌توان بخشی را که مطلوب و دلخواه است برجسته کرد، بخشی را که به هر دلیل فاقد مطلوبیت است، پنهان کرد. به عنوان مثال اگر انبارهای یک شرکت تولیدی پر از جنس باشد ولی فروش آن پایین باشد یا فروشش خوب باشد ولی حقوق پرسنل عقب‌افتاده باشد، نمی‌توان در مانیتورینگ انبار را نشان داد ولی حقوق‌های معوقه را ذکر نکرد.

بدین ترتیب، یکی از ویژگی‌های مانیتورینگ یک مجموعه ـ هر مجموعه‌ای ـ این است که همه چیز را با هم و یکجا و جداجدا نشان می‌دهد. از سوی دیگر مانیتورینگ اگر کامل باشد، با امکان ذخیره‌سازی خویش، کاربر یا ناظر را با قبل و بعد هم موردتماس قرار می‌دهد و می‌توان با جداول و منحنی‌هایی دریافت که مسیر از چه قرار است: رو به افول است یا رو به صعود و تصاعد دارد؟ در مانیتورینگ می‌توان جایگاه یک مجموعه را با لحاظ‌ها و قیاس‌های متعدد موردارزیابی قرار داد و نسبت به افزایش و کاهش شاخص‌ها اقدام کرد یا اطلاع حاصل کرد. از آن رو که مانیتورینگ امری است متّکی به عدد و رقم و جنبهٔ نمودار و محسوس دارد، منطقاً نمی‌تواند دروغ بگوید. اگر شما برای حفاظت از یک مجموعه و تأمین امنیت یک محوطه وسیع از دوربین‌های متعددی که همه فضا را پوشش می‌دهد، استفاده کنید، در صورتی که دوربین‌ها فعال باشند و دستکاری در هیچ دستگاهی روی نداده باشد، هیچ چیزی نمی‌تواند از نگاه و دیدرس شما بیرون باشد چرا که قاعده به ما می‌گوید: دوربین دروغ نمی‌گوید. دوربین‌ها آنچه را که می‌بینند، گزارش می‌کنند مگر اینکه از کار افتاده باشند. اما تصاویر متعدد شما از دوربین‌های مختلف در یک صفحه مرکزی قابل مشاهده است که مانیتورینگ شما را تشکیل می‌دهد.

در صورتی که دوربین‌ها درست نصب شده باشند و درست کار کنند، شما می‌توانید مانیتورینگ خودتان را بی‌عیب و نقص و قابل اعتماد تشخیص بدهید و براساس آن عمل کنید و برنامه‌ریزی کنید یا تصمیم‌های دیگری بگیرید. در صورتی که مانیتورینگ شما برای نشان‌دادن واقعیت‌های یک مجموعه، منطقی، ملاکمند و دارای معیار باشد، شما هر لحظه می‌توانید به ارزیابی بپردازید و بدانید که در مجموعه تحت نظر شما چه می‌گذرد: چه چیزی ساخته می‌شود، چه چیزی سوخت می‌شود، چه دارید، چه ندارید؟ چه چیزی کم است و چه زیاد و به همین ترتیب، به سهولت می‌توانید هست و نیست مجموعه را بسنجید و نسبت به آن اعمال مدیریت کنید. در حقیقت، مانیتورینگ به ما علاوه بر امکان علم و آگاهی، امکان مدیریت می‌دهد و براساس آنچه نشان می‌دهد، ما را به تصمیمی فرامی‌خواند که برای بهترشدن یا جلوگیری از بدترشدن ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. شما این امکان را مقایسه کنید با نقیض آن: مجموعه‌ای که از اجزاء و اعضای آن اطلاعی ندارید. اصولاً نمی‌دانید که میان بندبند آن ارتباطی وجود دارد یا نه؟

ادامه دارد



با یاد دکتر منوچهر مرتضوی

مردی که به غربت نباخت

اگر بگوییم: به مدت سه دهه، فرهیختگان اصیل و واقعی ایران، «تبریز» کهن را با نام دکتر منوچهر مرتضوی شناخته‌اند، اغراق نکرده‌ام و همین در فضیلت و بخردی او بس.

واقع این است که سخن گفتن در باب زنده‌یاد دکتر مرتضوی عاری از دشواری نیست. این دشواری از آنجا برمی‌خیزد که در جمال او، با مردی خاص روبروییم که آشکارا متفاوت است. در وجود او، با هویت انسانی مواجه می‌شویم که آسان نمی‌توان درخصوص او سخن گفت. چندان سهل‌الوصول به نظر نمی‌رسد و مصداق این مصراع جاودانی زبان و ادب فارسی است که: عنقا شکار کس نشود، دام بازچین!

اجازه بدهید سخن را از جایی آغاز کنم که دکتر مرتضوی بزرگ از آنجا شروع می‌شود: غربت. مرحوم دکتر منوچهر مرتضوی سه دههٔ پایانی عمر خویش را در زادگاه خویش، در نهایت غربت زیست. این چیزی است که خاص و عام، کوچک و بزرگ و عالم و عامی از آن مطلعند و می‌دانند که این مرد شریف چگونه کوله‌باری از دانش و فضیلت و آگاهی و دانایی را بر پشت خویش نهاد و از دانشگاه به خانه‌اش کوچید و عزم کرد که تا جان در بدن دارد، در خانه خویش را به روی دانشگاه نگشاید.

عده‌ای از این موضوع به «قهر کردن» و «انزوا» تعبیر کرده‌اند و عده‌ای دیگر به دل‌آزردگی، اما اگر درست بنگریم موضوع نه قهر و انزوا بود، نه دل‌آزردگی، بلکه نوعی انتخاب راه و طریق بود برای اثبات حقانیت. دکتر مرتضوی به حکم پایه والای دانشی که داشت، و به گواه تجربه طولانی در آموزش و آموختن و سابقهٔ طولانی تدریس، به درستی، دانشگاه تبریز را خانه خود می‌دانست و این البته حق بود و جای انکار نداشت، اما وقتی به هر دلیل مجبور شد خانه خویش را ترک کند، دو راه بیشتر نداشت: یا می‌باید بر سنّت جاری عوام‌الناس عمل می‌کرد که به هر شکل ممکن اعتراض می‌کنند، تا داد خود بستانند و در این راه، از هیچ امری فروگذار نیستند: از تندی و خشونت و بدگویی و گلایه و شکایت تا کینه ورزی و هر آنچه که رنج ستم را برایشان قابل تحمل سازد و تشفی خاطرشان را فراهم آورد و شگفتا که در داستان انقلاب و دانشگاه، حتی بسیاری از خواص، در چهره و کسوت استاد و شخصیت‌های ملی هم چنین کردند و در حقیقت راه و طریق عوام را پیمودند که نمونه‌هایش بسیار است و می‌دانید و می‌دانیم که برخی از آنها، هنوز هم بر راه عوامانه خویش اصرار دارند و حق تضییع شده و بر بادرفته را پایه‌ای قرار داده‌اند برای خروج از حریم اخلاق و تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی کار را به مخالفت با ایران و ایرانی و فرهنگ ایران و اسلام هم کشانده‌اند!

اما راه دیگری که در آن مصاف مردافکن، پیش پای دکتر مرتضوی بود، این بود که از راه عوام و طریق و طریقهٔشان فاصله بگیرد و راه حکمت بپوید و طریق عقلانیت پیشه کند و او به واقع چنین کرد. امروز که بیش از سی سال از آن روزگار گذشته است و گردها و خاک‌ها فرونشسته‌اند و حق و باطل تا حدودی از هم تفکیک شده‌اند و نقاب از بسیاری از چهره‌ها فروافتاده و ادعاها، ملاک و میزان خود را نشان داده‌اند، با درنگ در اعمال و رفتار کسانی که خواسته و ناخواسته از متن و حاشیه آن گرداب عجیب گذر کردند، به وضوح می‌نگریم که چند کس، پیشامد عظیم زندگی و حیات را به زیبایی مدیریت کردند و با انتخاب راه حکمت و اخلاق و عقل، در حقیقت، مجالی یافتند تا در ناباورانه‌ترین شرایط، به زیباترین وجه ممکن عمل کنند و در دشوارترین حالت ممکن، بسامان‌ترین شیوه را از خود بروز دهند و در یک کلام، نشان دهند و هویدا کنند که هستند و خودشان هم هستند.

اگر بخواهیم، از این دسته سه تن را نام ببریم، یکی از آنها دکتر مرتضوی است و دیگری دوست دیرین او دکتر محمدامین ریاحی و یکی دیگر دکتر ناصر کاتوزیان و شگفت آنکه، دست آخر، هر سه بر زمان و هجوم و حمله آن غالب شدند و آنچه را که از دسایس و فتنه‌ها و جهل و امثال آن به سوی آنها روی‌آور شده بود، شکست دادند و بر قله ایستادند: قلهٔ زمان و دانش و خردمندی و این نه سخن من بنده که سخن تمام کسانی است که آنها را می‌شناسند و نه تلقی شخصی من که مشهود تمام کسانی است که از دور یا نزدیک، آنچه را که بر آنها گذشت و در ادامه تغییر محتوا و ماهیت یافت، دیدند و دیدند که چگونه موج نامردی و نامردمی در دست آنها شکست و چگونه آهن سرد ناجوانمردی، در دست شان موم شد ...

ادامه در صفحه ۶

از رفتن دهقان بنال

در بزرگداشت زنده‌یاد علی دهقان، مرزبان فرهنگ

مردم تبریز، گو از رفتن دهقان بنال!

«شهریار»

سه‌شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۷۶: جناب آقای دکتر شکوهی

استاد محترم تاریخ دانشگاه تبریز

با عرض ارادت و سلام خواستم بدین وسیله از اینکه مدتی وقت گرانبهای خود را صرف خواندن «تاریخ یک ساله آذربایجان» در زمان سلطه پیشه‌وری به این استان نموده و آن را قابل انتشار در دانشگاه تبریز تشخیص داده و چاپ آن را در دانشگاه تأیید فرموده‌اید، سپاسگزاری و تشکر نمایم. از خداوند متعال خواهانم در انجام خدمات فرهنگی همیشه موفق و کامروا باشید.

ارادتمند علی دهقان
۷۶/۳/۱۳

دکتر برادران شکوهی: سال‌های وانفسایی بود. به قول بزرگ علوی: شهر خفقان گرفته بود. هیچ کس نفسش درنمی‌آمد، همه از هم می‌ترسیدند، بچه‌ها از معلمین‌شان، معلمین از فراش‌ها و فراش‌ها از سلمانی و دلاک، آدمی از سایه‌اش باک داشت. خیابان‌های شهر را آفتاب سوزانی غیرقابل تحمل کرده‌بود. باغ‌ها تخریب و مأمورین شهرداری تیشه به دست درختان کهنسال کنار کوچه، پس کوچه‌ها را می‌انداختند. گرمای سوزان محلات دامنه کوه سرخاب شدت مضاعفی داشت. در چنین فضایی در سال تحصیلی ۱۳۳۲ ـ ۱۳۳۱ دبیرستان ما افتتاح می‌شد. از تمام خاطرات گذشته خود که از این گورستان و محل‌های مخروبه حول و حوش آن داشتم وداع می‌گفتم.

سال‌های سال وقتی بچه‌های کوی «مجلل»، «قی ماقی مچیدی، مسجد قایم مقام»، «دره ایچی، داخل دره» سرخاب با بچه‌های «دوه‌چی، شتربان» دعوای فلاخن‌اندازی می‌کردیم اغلب آن‌ها و گاهی ما، آن‌ها را از دامنه‌های «مصلای سرخاب»، رانده تا قبرستان محله خودشان که همین حدودها بود و زمین‌های «شمال گرو» و «حاج، آبّا» دنبال می‌کردیم و بعد از کوچه، پس کوچه‌های خودمان...

بقیه در صفحه ۷

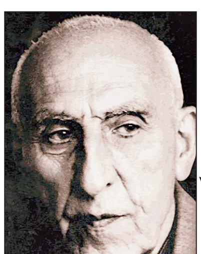
دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی

مراجعت به ایران

مستوفی که تا قدری فکر نمی‌کرد، حرفی نمی‌زد گفت: بسیار خوب، امروز موضوع را در هیئت وزیران مطرح می‌کنم و نتیجه را اعلام می‌نمایم که نتیجه این شد هیئت وزیران تصویب کنند کمیسیونی مرکب از پنج نفر از این اشخاص: محمد علی فروغی ذکاء الملک رئیس دیوان تمیز، میرزا احمدخان اشتری، میرزا داوودخان علی آبادی، میرزااحمد قمی و یک نفر دیگر – که خاطرم نیست و در زندان برای تحقیق وسیله ندارم – تشکیل شود و به اتهاماتی که نسبت به امضاکنندگان صورت مجلس داده شده بود، رسیدگی نمایند و چون متهمین گفته بودند در وزارت مالیه حاضر نمی‌شوند کمیسیون اطاق نظام را که اکنون محل قسمتی از دادگستری است برای کار خود انتخاب کرد که باز حاضر نشدند و گفتند: ما هم نسبت به معاون وزارت مالیه اعتراضاتی داریم که باید او هم محاکمه شود که باز ناچار شدم با رئیس دولت مذاکره کنم. این مرتبه گفت: شما نخواستید حرف مرا قبول کنید و بعد به مشکلاتی برخوردید که منجر به صدور تصویبنامه و تعیین هیئتی برای دادرسی گردید و اکنون دچار یک مشکل بزرگتری شده‌اید که می‌خواهند شما را هم محاکمه کنند. پس قبول کنید نظریات من صائب بود و حالا نمی‌دانم چه می‌خواهید نکنید که آبروی خودتان را حفظ نکنید و از دست بدهید.

گفتم: آبروی من وقتی از بین می‌رود که نتوانم گفته‌های خود را ثابت کنم. تصویب‌نامهٔ دیگری صادر کنید که آنها هم اعتراضات خود را بکنند و در فکر آبروی من نباشید. این تصویب‌نامه هم صادر شد و محاکمه شروع گردید و در این وقت بود که بعضی از جرائد مزدور شروع به‌فحاشی نمودند. من در اطاق خود مشغول کار بودم که روزنامه فروشی مقابل بنای وزارت مالیه فریاد می‌زد و می گفت «تکفیر معاون». روزنامه را که یک نشریهٔ هفتگی بود و فکاهی و مدتی هم منتشر نمی‌شد، شکوه الملک به من ارائه نمود و موضوع تکفیر این بود که در مقدمه تز دکترای خود راجع به تاریخ و مدارک حقوق اسلامی، مطالبی نوشته‌ام، من جمله «محمد(ص) در سن چهل سالگی اعلان پیغمبری داد» که در ترجمه آن را تحریف کرده بودند

بقیه در صفحات ٤و٥



دکتر محمد مصدق

کاروان



با یاد مرحوم نصرالله مردانی

شاعر الماس آبی

صفحه ٦

پرده داران



مردان سینمای ایران

فرخ غفاری

صفحه ۲

روایت



عالم و آدم به روایت یغمایی

صفحه ۲

علم



پدر به روایت دختر

سختگیری‌های ریاضیدان

صفحه ۲

راه



گاندی به روایت گاندی

بر گُردهٔ مسیح

صفحه ۳

فکر



مسلمین و اقتصاد، به روایت یک محقق غربی

اسپانیا؛ سقوط دردناک

صفحه ۳

ایران



عمارت‌های دولتی

صفحات ٤و٥

علم

پروانه مصاحب



پدر به روایت دختر/۴

سختگیری های ریاضیدان

پدرم در مورد کار کردن فرزندان خود جدی و سختگیر بود. من چون در زمان دانشجویی کار هم می‌کردم لذا هنگام امتحانات مرخصی می‌گرفتم تا به دروسم بپردازم. به خاطر می‌آورم که پدرم همیشه به این کار اعتراض می‌کرد و می‌گفت این چه طرز کار کردن است و این چه اداره‌ای است که این قدر به تو مرخصی می‌دهد. یک بار نزد ایشان شکایت کردم که در اداره به همه اضافه کار می‌دهند ولی به من نمی‌دهند. ایشان در جواب گفت: «تو با علم به اینکه این مقدار حقوق می‌گیری این مسئولیت را قبول کردی، حالا یا با همین حقوق بساز و غُرغُر نکن و یا دیگر کار نکن و در خانه بمان.» هرگاه به مسافرت خارج از کشور می‌رفتم و از پدرم سؤال می‌کردم چه سوغاتی برای ایشان بیاورم، می‌گفتند: «فقط یک بسته پاکت و اگر چیزی بیشتر از یک بسته پاکت بیاوری از تو می‌رنجم.» ایشان پاکت را هم فقط به این دلیل می‌خواست که پاکت‌های ساخت ایران، چسب نداشت. وی تحت هیچ شرایطی حاضر به عمل خلاف نبود. برادر کوچکم تعریف می‌کرد که وقتی پدرم برای اولین بار او را برای ادامه تحصیل به انگلستان می‌برد در فرودگاه مسئول وزن کردن چمدان آهسته به پدرم گفت: «آقا شما اضافه بار دارید ولی می‌شود این موضوع را حل کرد.» پدرم خیلی جدی به آن مأمور گفت: «آقا شما کار خودتان را بکنید، اضافه بار مرا تعیین کنید تا پول آن را بپردازم.»

پدرم در کارهای علمی از فعالیت‌های آمیخته به تبلیغ و گزافه‌گویی و فعالیت‌های نمایشی پرهیز داشت. در این باره به گفته‌ای از ایشان استناد می‌کنم. بعد از آنکه محصلان اولین دوره مدرسی در سال تحصیلی ۴۷-۴۸ فارغ‌التحصیل شدند پدرم در گزارشی راجع به مؤسسه ریاضیات چنین می‌نویسد: «مؤسسه ریاضیات با پرداختن به معنی و بی‌اعتنایی به ظواهر و آمارسازی که مانند حباب صابون آب و رنگی زیبا و درونی تهی دارند به کار خود ادامه داده است.» این مطلب نشان‌دهنده اندیشه و روحیه علمی قابل تحسین ایشان است که در تمام تألیفات و تحقیقات‌شان به چشم می‌خورد. پدرم از لحاظ دقت و نظم در کارها بی‌نظیر بود. وقتی بعد از فوت ایشان به کاغذها و نامه‌هایشان رسیدگی می‌کردم از آن همه دقت و نظم در کار حیران و مبهوت می‌شدم.

سختگیری پدرم گاهی موجب رنجش بعضی از همکاران ایشان می‌شد ولی بعد از گذشت زمان و به ثمر رسیدن زحمات پدرم، آنها متوجه شدند که سختگیری پدرم به این دلیل بوده که ایشان با آن دقت و موشکافی و بینش علمی که داشت تلاش می‌کرد کارها با روش علمی و اصول صحیح و در کمال صحت و دقت انجام پذیرد و هر نوع قصور و کوتاهی را خلاف وجدان و روش علمی می‌داند.

پدرم آقای دکتر غلامحسین مصاحب در ۶۹ سال عمر پربرکتش نامی نیک، خدماتی برجسته و آثاری گرانبها از خود به جای گذاشت و نامش در تاریخ علم و فرهنگ این سرزمین زنده و جاوید خواهد ماند. «خدا رحمتشان کند که نمونه صادق شیفتگی به علم و دانش، و جست‌وجوگرِ راستین حقیقت بودند.»

شخصیتی دست‌نیافتنی

عین‌اله پاشا

درست چهل سال پیش (مهرماه ۱۳۵۰) جوان ترکهٔ ۲۲ ساله‌ای بودم که سر کلاس‌های دورهٔ مدرسی مؤسسهٔ ریاضیات دانشسرای عالی نشستَم. نمی‌خواهم خاطِراتم را مرورَ کنم و بگویم چگونه با مؤسسهٔ ریاضیات و نام مصاحب آشنا شدم، همین قدر اضافه می‌کنم که دی‌ماه سال ۴۹ بود که به طور کاملاً تصادفی با این دو نام آشنا شدم. نتیجه آن که در اردیبهشت سال ۵۰ ما ۶۳ نفر داوطلب تحصیل در دورهٔ مدرسی ریاضی منتظر امتحان شفاهی مصاحب در مؤسسهٔ ریاضیات بودیم. از این تعداد ۱۰ نفر برای دورهٔ تابستانی انتخاب شدند. دوره‌های تابستانی توسط فارغ‌التحصیلان پیشین مؤسسه تدریس می‌شد. آن سال که نوبت دورهٔ ما بود، مرحوم دکتر فرزان درس می‌داد.

در شهریور همان سال، مصاحب امتحان کتبی گرفت و ۷ نفر را پذیرفت. مهرماه ۵۰ هنوز تمام نشده بود که یکی از پذیرفته‌شدگان گفت چون در اینجا باید سخت کار کنیم و کم بخوابیم و بخشی از ریه‌های من را برداشته‌اند، نمی‌توانم خستگی و کار سنگین اینجا را تحمل کنم و رفت. خلاصه آنکه در شهریور سال ۱۳۵۲ پس از گذشتن از ورطه‌های هولناک ابطال، از ما شش نفر فقط ۳ نفر فارغ‌التحصیل شدند. (۵ درصد از داوطلبان دوره و ۵۰ درصد پذیرفته‌شدگان). این چند سطر قلمی شد تا نشان دهم عیار شاگردی در نزد مصاحب چقدر پایین است.

برای توصیف کارهای مصاحب کافی است صفت «مصاحبی» را به آنچه که او انجام می‌دهد، اضافه کنیم. این صفت خود گویای همه چیز است: انتخاب مصاحبی، تدریس مصاحبی، امتحان مصاحبی و غیره.

در امتحان‌ها به قدری دقیق و سخت عمل می‌کرد تا آنکه بیرونی است بگریزد. و این چنین بود که درس خواندن نزد مصاحب و کار کردن با او (نویسندگان، ویراستاران، دست‌اندرکاران چاپ، شاگردان و غیره) چون زندگی بر لبهٔ تیغ بود.

اگر قرار است فردی دربارهٔ مصاحب چیزی بنویسد و او را معرفی کند، لازم است چندین هنر والا را یکجا داشته باشد، از جمله آنکه چند زبان زندهٔ دنیا را به خوبی بداند، بر عربی و فارسی تسلط داشته باشد، علوم قدیمه و سنتی را در حد کمال بداند، بر فلسفه و منطق چیره باشد، در امور دینی و درس‌های حوزوی تا حد اجتهاد پیش رفته باشد، در ریاضیات قدیم و جدید، تاریخ علم، بالاخص در تاریخ ریاضیات غور کرده باشد و سرانجام در نوشتن، ذوقی وافر داشته باشد. در این صورت است که معرفی مصاحب ممکن می‌شود. آنچه تاکنون دربارهٔ مصاحب گفته شده یا نوشته شده است، بیانگر تمام ابعاد شخصیتی و علمی او نیست و هرکس از ظن خود مطالبی گفته یا نوشته است. مسلم است این نگارنده این همه هنر ندارد، ولی مانند آن پیرزنی که با گلوله‌ای نخ در صف خریداران یوسف ایستاد، می‌خواهد به این کار اقدام کند.

نگاه مصاحب از پس عینک با عدسی‌های ضخیم دو کانونی، غبارآلود می‌نمود و تقریباً همیشه لبخندی مأیوسانه بر لب داشت. این مجموعه نشان می‌دهد که او از آنچه که در پیرامونش رخ می‌دهد و می‌گذرد، راضی نیست، اگر شاگردی را پذیرفته، یا به کاری در نهایت رضایت داده است، این رضایت‌ها و پذیرفتن‌ها، باطنی و از ته قلب نبوده، بلکه طرداً للباب با آنها کنار آمده است. مصاحب ایده‌های بسیار بلند و دور داشته و با توان عظیم و پشتکار فراوان و هوش بی‌نظیر خود، درصد قابل ملاحظه‌ای از آن ایده‌ها را شکار کرده و به زیر آورده، ولی باز در دل راضی نبود.

این روزها هرکس که آشنایی اندکی با رایانه دارد به مدد اینترنت، نرم‌افزارهای نوشتاری، و فتوشاپ می‌تواند کتابی زیبا بنویسد و چاپ کند، و این رویداد مایهٔ تأسف بسیار است، زیرا در حضور الگوهایی عالی از کتاب و کتاب‌نویسی و مثال‌های ارزنده‌ای از کتاب‌های تألیف شده به وسیله مصاحب، این نهایت بی‌ذوقی و بدسلیقگی است که کتابی با ظاهر خوب ولی بدون محتوا چاپ شود. به نظر می‌رسد این روزها اگر کتابی عرضه می‌شود، هدفی جز چند امتیاز برای ترفیع و ارتقاء ندارد. پس از برآورده شدن این مقصود، تاریخ مصرف کتاب نیز به سر می‌آید. اما هدف مصاحب از نوشتن، به سختی در اندیشهٔ حسابگر ما جای می‌گیرد. او می‌نوشت و از نوشتن دو هدف عالی داشت، یکی آنکه بخشی از معرفت ناب را در اختیار جویندگان راستین قرار دهد، دوم آنکه او می‌نوشت تا نوشتن بیاموزد. او با کارهایش سرمشق می‌داد و البته گاه نیز به تبع آن حاصل می‌آمد.

مصاحب خانواده‌ای اصیل، بافرهنگ و دوستدار علم را نمایندگی می‌کرد. در کارهای مصاحب اصالت خانوادگی او به اوج می‌رسد. آنچه که در سالیان دراز در خاطرهٔ تاریخی دو رمان وی متبلور شده است یکجا در مصاحب ظهور می‌کند. مصاحب سنتی فرهنگی، علمی و اخلاقی را از دودمان خود به ارث برده است. تولد شخصیتی با این ابعاد کار یک نسل و دو نسل نیست، بلکه سال‌ها باید تا سنگ از تابش خورشید در بدخشان لعل گردد. وظیفه ماست تا از چنین الگویی اگر حتی نتوانیم تمام آن را دریابیم، هم به قدر تشنگی از آن بهره بریم. نوشتن و برپا داشتن بزرگداشت برای مصاحب، فردپرستی نیست، بلکه قرار دادن سنگ نشانه‌ای استوار برای آیندگان است. هرگاه که در کارهای خود گمان می‌کردیم به مویی یا ابرویی رسیده‌ایم و گوهر مقصود را برده‌ایم، بی‌درنگ خود را با معیار مصاحب محک می‌زنیم و می‌بینیم که هنوز یک گام از او عقب‌تریم. زیرا او از مو و ابرو گذشته، به پیچش‌ها و اشارت‌ها رسیده است. در چنین مواقعی است که معنای آن لبخندهای مأیوسانه را کمی بهتر درک می‌کنیم. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، شاگردان مصاحب با وسواس و دقت فراوان از بین داوطلبان زیادی انتخاب می‌شدند. این شاگردان افرادی بودند که به ریاضیات دلبسته بودند و از این رو سختی‌ها و ورطه‌های هولناک ابطال بر ایشان چون پرنیان بود، اما لبخند مصاحب هنوز مأیوسانه بود، زیرا او دل‌سپرده نمی‌خواست، او سرسپرده می‌خواست.

عالم و آدم به روایت یغمایی



■ کریم سنجابی

دکتر کریم سنجابی: مقاله‌ای از او در مجلهٔ یغماست. او کرد است و در وزارت فرهنگش دکتر مکری را به ریاست کارگزینی فرهنگ انتخاب کرد. چون او هم کرد است. دکتر مکری نیز از نویسندگان و مؤلفین و از همکاران مجله بوده است. در روابط با او جداگانه باید سخن راند. اکنون سفیر جمهوری اسلامی ایران در شوروی است.



■ رضوی کرمانی

مهندس سیداحمد رضوی کرمانی: از اعضاء مؤثر جبههٔ ملی است. من با او در دارالمعلمین عالی همدرس بودم. در زمان دکتر مصدق نایب رئیس مجلس شوری بود. مقالاتی در مجله دارد کتابی نیز از او چاپ کرده‌ام. دربارهٔ او بحثی جداگانه است.



■ دکتر فاطمی

دکتر حسین فاطمی: با آن مرحوم دوستی و آمیزش نداشتم و چند بار او را در مجالس دیدم. پرشور و پرجنبش بود.



■ بقایی کرمانی

دکتر مظفر بقایی کرمانی: در آغاز ورود در سیاست وکیل کِرمان شد و بعد از اعضاء جبههٔ ملی شد و از آن پس با دکتر مصدق شدیداً مخالفت کرد. در آغاز مدیر کلی من به فرهنگ کرمان، او و مهندس سید احمد رضوی که هر دوشان وکیل کرمان بودند مرا به شهر خودشان رساندند و جریان این مسافرت و کدورت این دو هم‌سفر مبحثی طولانی است و ارزش بازگفتن را ندارد. دکتر بقایی مردی است امین و درست و بی‌طمع و بی‌چیز. در سیاست بسیار تند و خشن و منتقم.

پرده‌داران

احمد بهارلو

مردان سینمای ایران/۹

فرخ غفاری



فرخ غفاری در یازده‌سالگی همراه پدرش حسنعلی غفاری (معاون‌الدوله)، که وزیر مختار ایران در بلژیک شده بود، به اروپا سفر کرد و تحصیلاتش را در فرنگ ادامه داد. نخستین کتاب تاریخ سینما را در چهارده سالگی خواند، و در پانزده سالگی به دیدن فیلم‌های کلاسیک علاقه نشان داد. در سال‌های ۱۳۲۰ در دانشگاه گرونوبل فرانسه تحصیل کرد، ابتدا حقوق خواند و بعد تغییر رشته داد و ادبیات را دنبال کرد.

در نمایش‌های دانشجویی بازی کرد، و در همان سال‌ها با هانری لانگلوا آشنا شد که «سینماتک پاریس» را در ۱۹۳۶ بنیان نهاده بود. غفاری آیین برگزاری جلسات «کانون فیلم» را از لانگلوا آموخت، و در سال ۱۳۲۸ به پیشنهاد لانگلوا به ایران بازگشت تا مقدمات تأسیس «کانون ملی فیلم» را تدارک ببیند. وقتی غفاری به ایران رسید که دکتراسماعیل کوشان دورهٔ فترت سینمای ایران را شکسته و فیلم‌های طوفان زندگی (علی دریابیگی، ۱۳۲۷)، زندانی امیر (اسماعیل کوشان، ۱۳۲۷) و واریتهٔ بهار (پرویز خطیبی، ۱۳۲۸) را عرضه کرده بود. غفاری و اسماعیل کوشان هابیل و قابیل سینمای ایران لقب گرفته‌اند.

غفاری به عنوان دبیرکل «کانون ملی فیلم ایران» نخستین جلسهٔ نمایش «کانون» را در آذر ۱۳۲۸ برگزار کرد. او در این دوره نه‌فقط به هیچ دستگاه دولتی وابستگی نداشت، بلکه به‌دلیل گرایش‌های سیاسی در نشریه‌های «چپ» (کبوتر صلح و ستارهٔ صلح) با امضای م.مبارک و آذرگون قلم می‌زد. او در مرداد ۱۳۲۹ جشنواره‌ای از فیلم‌های انگلیسی در انجمن بریتانیا (واقع در خیابان هدایت) برگزار کرد. این جلسات تا خرداد ۱۳۳۰ دوام یافت. غفاری پس از بیست ماه بار سفر بست و به فرانسه بازگشت. او چند سال بعد با افزودن به تجربه‌های خود به ایران بازگشت و کار «کانون فیلم»، نوشتن نقد فیلم و فیلم‌سازی را توأمان دنبال کرد. غفاری از همین سال‌ها به عنوان یکی از بنیان‌گذاران سینمای ملی و روشن‌فکری ایران شناخته شد. او هم‌چنین از همین سال‌ها تحقیق پردامنه‌ای را دربارهٔ تاریخ سینمای ایران آغاز کرد و بخش‌هایی از آن را در مجلهٔ عالم هنر (مهر ۱۳۳۰)، که به همت دکتر کوشان منتشر می‌شد، درج کرد. (بخشی از تحقیقات غفاری در جزوهٔ تاریخ سینمای ایران/ ۱۳۵٤ به زبان فرانسه منتشر شده است. جمال امید هم توسعه‌یافتهٔ تحقیقاتِ غفاری را در کتاب تاریخ سینمای ایران درج کرده است.)

غفاری در سال ۱۳۳۷ در استودیو «ایران‌نما» جنوب‌شهر را ساخت، که فیلمی واقع‌گرا و با مایه‌های اجتماعی بود، و به همین‌دلیل پس از چند روز نمایش در محاق توقیف قرار گرفت. توقیف جنوب‌شهر غفاری و شریکش امیرعماد را دچار بحران مالی کرد، تا این‌که غفاری برای جبران شکست تجاری جنوب‌شهر دست به کار تهیهٔ عروس کدومه؟ (۱۳۳۸) شد که در عنوان‌بندی فیلم نه اسم خودش را گذاشت و نه اسم فیلم‌بردارش را. عروس کدومه؟، که یک کمدی سبک بود، غفاری را از بحران مالی نجات نداد و او، به ناچار، یک مجموعه قرار داد با شرکت نفت و وزارت اقتصاد بست و با همکاری نعمت حقیقی فیلم‌های مستند ـ داستانی دربارهٔ نفت و کیفیت وام‌های صنعتی ساخت. شماری از فیلم‌های مستند غفاری از این قرار است: قالی‌شورها (۱۳۲۹)، جزیرهٔ فارسی (۱۳۳۹)، رگ‌های سیاه (۱۳٤۰)، زندگی نفت (۱۳٤۱)، نور زمان (۱۳٤۲)، گیلکی (۱۳٤۲)، مخابرات نفتی (۱۳٤۲)، وام‌های صنعتی (۱۳٤۳)، سپاه بهداشت (۱۳٤۳) و سیمای تهران (۱۳٤۳).

غفاری سپس با استفاده از «مانده‌های» جنوب شهر فیلم رقابت در شهر (۱۳٤۱) و پس از آن شب قوزی (۱۳٤۳) را ساخت. منتقدان جدی، که به دلیل ابتذال «فیلمفارسی» با محصولات وطنی عناد داشتند، با نمایش شب قوزی با شور و شعف اعلام کردند که «سینمای ایران شروع شد».

زندگی

آرش تبریزی

خانه خاله لیلا

مادرم به پدرم گفت: تو که بلدی بزنی! چرا مرا نمی‌زنی! پدرم هر دو دستش را بلند کرد، تا مادرم را بزند که یکدفعه دیدم زن عمویم از نردبان خانه‌ما در حال پایین آمدن است، تا پدرم برگردد ببیند این جن چطور در حال فرود آمدن از آسمان است تا بشنود که مادرم چگونه جانش را کف دستش گرفته و می‌گوید: مردباش بزن اگر کار دیگری غیر از کتک‌کاری بلدی روکن، و تا پدرم نخستین ضربه مشت و لگد را حواله مادرم کند، نمی‌دانم چطور و چگونه در آن شرایط پر از گرد و غبار و جیغ و داد و سر و صدا و گریه و آه و ناله، از جایم بلند شدم و نمی‌دانم چگونه درست در برابر نگاه‌های پدرم به حیاط پریدم و نمی‌دانم چگونه پشتی در را با عجله رها کردم و چگونه شستی در را کشیدم و افتادم به کوچه و در رفتم. همهٔ این اتفاق‌ها شاید در کمتر از ۱۰ثانیه روی داد و من از مخمصه در رفتم و پدرم هم به دنبالم. داد می‌زد: وایسا حرامزاده، مگه با تو نیستم من با تمام وجود می‌گریختم. به کجا؟ نمی‌دانم؟ فقط شنیدم که مادرم گفت: برو به خانهٔ خاله لیلا و تا نگفته‌ام برنگرد!

■

اولین بار بود که در جایی غیر از خانه خودمان می‌خوابیدم. وقتی به خانهٔ خاله‌ام رسیدم، هوا تاریک شده بود. خاله‌ام از دیدنم تعجب کرد.

عیسی خان گفت: ها! دِ همینو بگو! این پسرخاله‌ات با مردودیه امروزش، این سومین دفعه است که گل می‌زنه. بهبود هم نه گذاشت، نه برداشت، گفت: من که خوبم! مصطفی داره میره سربازی هنوز ۹ تموم نکرده!

پرسید: ناصر! اینجا چه کار می‌کنی؟ نتوانستم جواب بدهم. بغض گلویم را می‌فشرد. شوهرخاله‌ام آقاعیسی گفت: زن! چه کار داری؟ دلش برای شوهرخاله‌اش تنگ شده بود، آمده سری بهش بزنه!

ـ مرد! چرا جفنگ می‌گویی! شب است. بچه این وقت شب که سرخود از خانه بیرون نمی‌یاد.

گفتم: سرخود نیامده‌ام.

این را که گفتم، رفتم کنار پسرخاله‌ام بهبود. بهبود که پسر خوبی بود، بغلم کرد. این کار باعث شد گریه‌ام بگیرد. خاله‌ام ترسید که: خدا مرگم بده، چی شده؟ کسی مرده؟ اتفاقی افتاده؟ مادرت طوری‌اش شده؟ پدرت طوری‌اش شده؟ سیر که گریه کردم، گفتم: معلم و مدیر عوضی‌مون مردودم کرده‌اند، بابام عوض اینکه پدر پدر سوختهٔ اونا را در بیاره افتاده به جون من و مامانم. عیسی‌خان زد زیر خنده: مردود شدی؟ اولش فکر کردم مسخره‌ام می‌کند و طعنه می‌زند ولی وقتی بقیه حرفش را شنیدم، دیدم قصد مسخره و طعنه ندارد. او گفت: آخه، مرد هم به خاطر مردود شدن بچه جماعت اوقات خودش را تلخ می‌کند؟ مگه قبول می‌شدی چی کار می‌کردی که حالا که مردود شدی، اون کار رو نکنی؟ بعد در حالی که فندکش را زیر سیگار اشنوش می‌گرفت گفت: ای بابا! دل بابات الحق که خوشه! خاله‌ام گفت: خوش بود که خوب بود. دل اسدآقا دل نیست که، یه بشکه قیره. عیسی خان حرف خاله‌ام را تکمیل کرد: قیرداغ! فقط می‌سوزونه!... پکی به سیگارش زد، دود سیگار را تو هوا رها کرد و گفت: پدر در میاره. چشمهایش را بست. سیگار را گذاشت طرف چپ لب و لوچه‌اش و محکم ادامه داد: پوست می‌کنه. از قدیم همینطور بود پدر آمرزیده.

خاله‌ام گفت: هرچی سنش می‌ره بالاتر، عوض اینکه نرم‌تر بشه، سگ‌تر میشه! نگاهی به من انداخت، آمد طرف من، صورتم را بوسید و گفت: کتکت زد؟ سرم را انداختم پایین. خاله‌ام حرفی زد که تلخ و شیرین بود: قربونت برم. غصه نداره. حالا با بهبود میشین همکلاس!

عیسی خان گفت: ها! دِ همینو بگو! این پسرخاله‌ات با مردودیه امروزش، این سومین دفعه است که گل می‌زنه. بهبود هم نه گذاشت، نه برداشت، گفت: من که خوبم! مصطفی داره میره سربازی هنوز ۹ تموم نکرده! خاله‌ام نگاهی کرد به چپ و راست خودش: مصطفی کو؟ هاجر ـ دختر خاله‌ام ـ داد زد: دوچرخه را برداشت با دوستش رفت گردش!

عیسی خان گفت: آخ قربون دختر گلم برم! همینه! زندگی همینه! دود سیگار رفت توی گلویش. چند سرفه پی‌درپی و خشک کرد و رو کرد به من: از صبح تا شب جون می‌کنم، می‌یارم می‌ریزم زیر دست و پای این زن! خاله‌ام چشم غره رفت: عیسی خان! عیسی خان ادامه داد: حرف بدی نمی‌خوام بزنم. می‌ریزم زیر دست و بال خاله‌ات، اونم مستقیم و بی کم و زیاد می‌ریزه تو شکم بچه‌هاش: همین بهبود و هاجر و زهرا و مصطفی و ابوالفضل! اونام درس می‌خونن، نمی‌خونن! اصلاً نخونن! بخونن چی میشه، نخونن چی میشه؟ شوهرخاله‌ام عیسی از جایش بلند شد، پسر کوچکش ابوالفضل را از جا کند، گرفت روی شانه‌هایش!

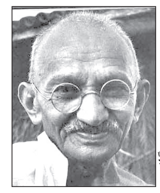
خاله‌ام گفت: یواش عیسی خان! بچه‌ام قولونج میشه! عیسی خان گفت: این بچه‌ای نیست که قولونج بشه! مقصود دارم! همین ابولی رو می‌بینی! نگاهش کردم. گفت: می‌بینی یا نه!؟ گفتم: بله. گفت: حالا شد! همین ابولی که کلاس چهارمه، اگه گفتی چند تا تجدید آورده؟ خاله‌ام سرش را انداخت پایین که مثلاً خجالت می‌کشد. بهبود و هاجر زدند زیر خنده. عیسی خان در حالی که ته سیگارش در گوشه لبش بود، گفت: دِ بگو دیگه لامسب! نترس! یه عددی بگو! ابوالفضل بالای سر پدر می‌خندید و کرکر می‌کرد. بعد از مدتها خنده آمد روی لبم. خاله‌ام گفت: نمیری ایشاالله. نفهمیدم که با من بود یا با ابولی.

ادامه دارد

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۱۸

بر گُردهٔ مسیح



■ گاندی

در سال ۱۸۹۳ خیلی از این نوع کتاب‌ها خواندم. اسم تمام را به یاد ندارم. ولی اسامی بعضی‌ها که هنوز از خاطره‌ام محو نشده است عبارتست از: تفسیر بر معبد شهر بقلم دکتر «پارکر» چند دلیل لغزش‌ناپذیر تألیف «پیرسون» قیاس اثر «بتلر» بعضی از قسمت‌های این کتب برای من روشن نبود، برخی از قسمت‌های دیگر را دوست داشتم. حال آن که از بقیه خوشم نمی‌آمد. «چند دلیل لغزش‌ناپذیر» کتابی بود که نویسنده به عقیده خود ادله‌ای در پشتیبانی از دین مسیح در آن گنجانده بود، ولی اثری در من نکرد. کتاب تفسیر تا حدی محرک بود. اما برای کسی که به معتقدات مسیحیان ایمان نداشت نمی‌توانست مفید فایده باشد. از کتاب قیاس چنین استنباط کردم که خیلی بغرنج و مشکل است، بدین معنی که انسان برای پی بردن به آن باید لااقل چهار پنج مرتبه قرائتش می‌کرد. بنظر من منظور اصلی مؤلف آن بود که منکرین ذات حق را مردمی خداپرست و موحد سازد. قسمت‌های مربوط به وجود خداوند برای من غیر لازم می‌نمود. زیرا تا آن موقع از مرحله بی‌اعتقادی نسبت به وجود باری تعالی گذشته بودم. و قسمت‌های مربوط به اثبات این که عیسی مسیح یگانه مظهر الهی به صورت انسان و واسط بین خداوند و نوع بشر می‌باشد در من اثر نکرد.

اما آقای کوتس هم کسی نبود که به این زودی‌ها به شکست خود اذعان کند. به من علاقه مفرط داشت. روزی گردن‌بند دانه‌های تولاسی را که نزد هندوهای ویشنوا مقدس است دور گردنم دید فکر کرد آویختن این بند از گردن یک نوع خرافات است. به همین جهت کمی ناراحت شد و گفت «این نوع خرافات‌پرستی به تو نمی‌آید. اجازه بده آن را پاره کنم.» جواب دادم «نه. چنین نکنید. این تحفه مقدسی است از مادرم.»

ـ ولی آیا به آن عقیده هم دارید؟ از خاصیت سری آن اطلاعی ندارم، و گمان نمی‌کنم که اگر روزی آن را از گردن باز کنم صدمه‌ای به من رسد. در عین حال بدون وجود دلایل کافی نمی‌توانم چیزی را که مادرم صرفاً از روی عشق و علاقه دور گردنم بسته و فکر می‌کرده سبب سعادت و سلامت من خواهد بود، باز کنم. روزی که نخ آن بر اثر گذشت ایام به‌پوسد و پاره شود نخ دیگری از گردن نمی‌آویزم. قدر مسلم آن که دلم نمی‌خواهد پاره‌اش کنم.»

آقای کوتس توجهی به دین من نداشت نمی‌توانست این حرف‌ها را بفهمد. امیدوار بود مرا از ورطه جهالت رهایی بخشد. می‌خواست مرا معتقد و مؤمن به این نکته سازد

چون آقای کوتس توجهی به دین من نداشت نمی‌توانست این حرف‌ها را بفهمد. امیدوار بود مرا از ورطه جهالت رهایی بخشد. می‌خواست مرا معتقد و مؤمن به این نکته سازد که صرف‌نظر از وجود حقیقت در سایر ادیان رستگاری من روزی حتمی است که مسیحیت را پذیرم. زیرا به عقیده او فقط مسیحیت نماینده و مؤید راستی است و معاصر من را شفاعت عیسی مسیح خواهد شست. و هرگاه مسیحی نشوم هر قدر کار خوب زیاد کنم، فایده نخواهد داشت.

او همان‌طور که کتبی در اختیارم می‌گذاشت تا بخوانم مرا با عدهٔ از دوستان خود که مسیحی کامل عیار بودند آشنا ساخت. یکی از این آشنایان خانواده‌ای بود: متعلق به «برادران پلیموت» که باید آن‌ها را یکی از انشعاب‌های مسیحیت دانست. بسیاری از تماس‌هائی که با معرفی آقای کوتس به عمل می‌آمد خوب بود. از اکثر آشنایان چنین می‌فهمیدم که خیلی خداترسند.

در ملاقاتی، یکی از افراد این جماعت بحثی پیش کشید که من خود را برای آن حاضر نکرده بودم. او گفت: «شما نمی‌توانید به زیبائی دین ما پی ببرید. از آن‌چه می‌گوئید چنین استنباط می‌شود که در تمام لحظات حیات نسبت به تخلف و تخطی از اوامر مذهبی نگران هستید و با این التهاب دست به گریبانید. به این معنی که می‌خواهید به رفع معایب پردازید و برای تخطی خود کفاره دهید. چنین وضع دورانی را راهی برای استخلاص و نجات نیست. هرگز آرامش و راحت نخواهید داشت. تصدیق می‌کنید که ما عموماً گناهکار هستیم. در این صورت به تکامل معتقدات ما پی برید. مساعی ما برای بهبود و کفاره خواستن فایدهٔ ندارد. معذلک باید به نحوی از انحاء رهائی یابیم. چگونه می‌توانیم فشار بار معصیت را بر دوش تحمل کنیم؟ چاره‌اش این است که فشار را بر گرده عیسی مسیح گذاریم. زیرا او یگانه فرزند پاک و بی گناه خداست. خود او میفرماید که مؤمنین به وی، حیاتی جاودانی خواهند داشت. رحم لایزال و بی‌انتهای خدا در همین نهفته است. و چون به رهائی عیسی مسیح معتقدیم گناهان ما برای خودمان مشکل به شمار نمی‌رود. به عبارت ساده‌تر برای ما دست و پاگیر محسوب نمی‌شود. بشر جایزالخطاست کسی نیست که بتواند بدون ارتکاب معصیت به حیات خود ادامه دهد به همین جهت مسیح رنج معاصی نوع بشر را بر خود هموار ساخت. فقط کسی که به نجات او گردن نهد آرامش دائم خواهد یافت. فکر کنید که شما چه زندگی ناراحتی دارید. و ما صاحب چه وعده بزرگی برای آرامش و راحت.»

ادعای او به هیچ‌وجه اثری در من نکرد و با فروتنی جواب دادم: «اگر همه مسیحیان مسیحیت را این‌طور میدانند و آن را این گونه تعبیر می‌کنند باید بگویم که توانائی قبول این دین در من وجود ندارد. من هرگز در صدد آن نیستم که از نتایج حاصله از معاصی خود رهائی یابم. بلکه در جستجوی آنم که از گناه خود و ارتکاب به معصیت دور باشم، یا اگر بتوانم قدم بالاتر نهم.

ادامه دارد

دیویدلندز

فکر

اشاره: «مسلمین و اقتصاد» حاصل تحقیقات یک استاد غربی است که چاپ آن به معنای تایید یا همسویی با آن نیست.

مسلمین و اقتصاد، به روایت یک محقق غربی

اسپانیا؛ سقوط دردناک

با قبول تمام بدکرداری‌های سرمایه‌داری و امپریالیسم، و تمام ریاکاری‌های بهره‌کشان اروپایی، این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که مسائل مصرف ژرف‌تر از اینها بود؛ بسیار ژرف‌تر از آن که حتی یک آلبانیایی تبار پرشور و حرارتی مانند محمدعلی بتواند آن را حل کند.

حتی امروز هم تلاش‌های صنعتی مصرف، به دلایلی نه چندان متفاوت از دلایل موجود در زمان محمدعلی، لِنگ می‌زند. تکنولوژی‌ها تحول یافته‌اند، و آخرین مدل‌های اقتصادی به ما می‌گویند که تازه واردها باید فرصت‌ها و محرک‌های لازم را در اختیار داشته باشند تا بتوانند آنها را یاد بگیرند و به چنگ بیاورند.

ولی جامعه و فرهنگ مصر در این زمینه‌های بنیادین چندان تغییری نیافته است تا بتواند دستاوردهای قابل توجهی داشته باشد. باری، در آن زمان مصر آمادگی نداشت. امروز چطور؟

دیگر جامعه‌های خاورمیانه نیز وضعی بهتر از مصر ندارند. بیشترین درآمد را در میان کشورهای عربی البته باید در سرزمین‌هایی یافت که تولیدکننده و صادر کنندهٔ نفت هستند. آنهای دیگر «به جایی نرسیده‌اند». حتی در میان اعضای کارتل نفتی اوپک نیز سیل پول و ثروت به تحول پیشرفت اقتصادی اصیلی نینجامیده است. در سال ۱۹۶۰، بانک جهانی در بررسی وضع اقتصادی این گونه کشورها با عنوان امیدوارانه‌ای چون «مدعیان آینده» اعلام می‌کرد که هفت کشور پیشرو عربی به درآمد متوسط سالانه‌ای در حدود ۱/۵۲۱ دلار دست یافته‌اند که بالاتر از درآمد متوسط سالانهٔ هفت کشور آسیایی تازه به حرکت درآمده است: تایوان، کرهٔ جنوبی، هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایلند، مالزی و اندونزی. در سال ۱۹۹۱، کشورهای عربی باز هم عقب افتادند: با درآمد سالانهٔ ۳/۴۳۲ دلار در برابر ۸/۰۰۰ دلار. امروزه، خاورمیانهٔ عربی ۳ درصد از کل سرمایه‌گذاری جهانی را به خود جلب می‌کند؛ و کشورهای آسیای شرقی، ۵۸ درصد.

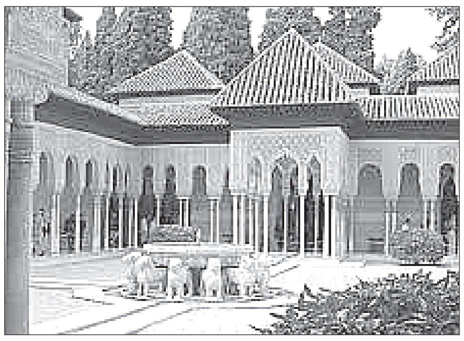
اما، آیا واقعاً این کشورهای خاورمیانه‌ای احتیاج به سرمایهٔ خارجی دارند؟ مقایسهٔ این کشورها با اسپانیای قرن‌های شانزدهم و هفدهم بسیار آموزنده است، زیرا در همان زمان بود که اسپانیا به آفت بی‌امان ثروت‌های بادآورده و سقوط در راه بی‌بازگشت ولنگاری و تن‌پروری پایان‌ناپذیر دچار آمد. ثروتمندان نفتی امروز هم به همین راه در غلتیده‌اند. آنها طلای سیاه را به پول تبدیل می‌کنند و پول را به همان کشورهایی برمی‌گردانند که آن را پرداخته‌اند. آنها سهام ریز و درشت بنگاه‌ها و مؤسسه‌های کشورهای صنعتی پیشرفته را خریده‌اند. البته، خانه‌های مجلل، هتل‌های باشکوه و قصرهای اعجاب‌انگیز هم ساخته‌اند. اتومبیل‌های عظیم و پرمصرف هم خریده‌اند. در خارج از کشور املاک و ساختمان‌های شخصی سنگین قیمتی هم خریده‌اند، چون پول‌های بادآوردهٔ خود را می‌توانند در آن کشورها ذخیره کنند و، علاوه بر این، به خود اجازه دهند که از لباس‌ها و رفتارهایی استفاده کنند که در کشور خود نمی‌توانند آنها را به رخ بکشند. عربستان سعودی پول‌های غیرقابل باوری خرج کرده است تا از استرالیا برای تمام صحراهای بی‌آب و علف خود ماسه‌های نرم ساحلی وارد کند. غیرمولدترین و بیهوده‌ترین هزینه‌های این گونه کشورها سرمایه‌گذاری در تسلیحات است، از جمله خریدن سلاح‌هایی که به موجب قوانین و قراردادهای بین‌المللی ممنوع و غیرقابل استفاده شناخته شده‌اند. بسیاری از این گونه خریدها در حقیقت برای کسب و جلب دوستی تولیدکنندگان این گونه بازیچه‌های مرگبار است.

کوتاه سخن، هیچ یک از این کشورها یک اقتصاد توسعه یافته و پیشرفته ایجاد نکرده‌اند. آنها نیز همچون اسپانیای سال‌های دور، به جای یاد گرفتن روش‌های کار و تولید، عادت کرده‌اند که مهارت‌ها، تخصص‌ها و خدمات دیگران را به ضرب پول‌های گزاف بخرند. یکی از بانکداران خلیج‌فارس می‌پرسد، «ثروت چیست؟» و خود پاسخ می‌دهد:

«ثروت عبارت است از آموزش... مهارت و تخصص... کاردانی... تکنولوژی. ثروت یعنی دانش. بله، ما پول داریم. ولی ثروت نداریم. ما مثل کودکی هستیم که از پدری که هرگز او را نشناخته است پول فراوانی به ارث برده باشد. هیچ‌کس به این بچه یاد نداده است که پول را چگونه خرج کند. او فقط مقداری پول در دست خود می‌بیند، ولی نمی‌داند که با این پول چه کار می‌تواند انجام دهد. اگر شما ندانید که پول را چگونه باید خرج کرد، شما ثروتمند نیستید. به همین دلیل، ما هم ثروتمند نیستیم.

بدون این دانش و این قدرت درک، ما هیچ هستیم. ما همه چیز را وارد می‌کنیم. آجرهای لازم برای ساختن خانه را وارد می‌کنیم. آدم‌های لازم برای به کار بردن آنها را وارد می‌کنیم. بروید سری به بازار بزنید. چه چیزی را پیدا می‌کنید که عرب‌ها آن را ساخته باشند؟ هیچ چیز. هرچه آنجا است، یا چینی است، یا فرانسوی، یا امریکایی... به هرحال عربی نیست. آیا کشوری را که نتواند یک آجر، یک اتومبیل، یا یک کتاب بسازد می‌توان ثروتمند دانست؟ به نظر من، نه چنین کشوری ثروتمند نیست.»

همهٔ این حرف‌ها درست است، ولی چرا؟ آمار درآمد سرانه در بعضی از کشورهای عرب حاکی از سطح بسیار بالای زندگی است ـ و، در پاره‌ای از موارد، حتی بالاتر از سطح زندگی کشورهای صنعتی پیشرفته. ولی این درآمد نفتی جاودانه نیست و سرانجام روزی به ته می‌کشد. دلیل اول آن هم این است که نفت دارایی فناناپذیری نیست (زیرا تا ابد باقی نمی‌ماند)؛ دوم آنکه، ثروتِ ناپایدار و آسیب‌پذیر الزاماً فرصت‌طلبان و غارتگران، خصوصی یا عمومی، را به سوی خود می‌کشاند. چنین است که تبانی کارتل‌ها را به چشم می‌بینیم. و، همچنین، بالا و پایین رفتن‌های بی‌رویهٔ قیمت‌ها را. و نیز، گردآمدن لاشخورهای آزمند و سیری‌ناپذیر را ـ بویژه خویشاوندان خانوادهٔ حاکم که شربت سیاه نفت را سر می‌کشند و در بریز



و بپاش‌های زندگی‌های افسانه‌ای خویش به باد فنا می‌دهند. یا به ماجراجویی‌های پرهزینه و بدفرجامی دست می‌زنند، مانند تصاحب سرزمین‌های عریان و بیابانی دیگران ـ از نوع ماجرایی که عراق در کویت به راه انداخت. (البته، کویت فقط نخستین پله به سوی امارات خلیج‌فارس و، اندکی دورتر، منابع عظیم نفت عربستان سعودی بود.)

علاوه بر این، همهٔ کشورهای خاورمیانه نفت ندارند. این کشورها، برحسب آن که نفت داشته باشند یا نه و، همچنین برحسب آن که جمعیت‌شان زیاد باشد یا کم، ثروتمند هستند یا فقیر. ثروتمندترین این کشورها آنهایی هستند که نفت زیاد و جمعیت کم دارند (عربستان سعودی، کویت). فقیرترین آنها دارای نفت اندک و جمعیت زیادند (مصر) و، در میان این دو نوع کشور، آنهایی قرار گرفته‌اند که نفت دارند، ولی جمعیت‌شان هم زیاد است (عراق، ایران). کشورهای فقیر منطقه خواستار همبستگی و همسویی هستند، ولی کشورهای ثروتمند منطقه سرشان به گرفتاری‌های دیگری گرم است. آنها احساس عدم امنیت می‌کنند، زیرا ثروت خواب خوشی در بستر فقر نخواهد داشت. بدین ترتیب، آنها می‌کوشند تا امنیت‌شان را با پول رساندن به یاغیان یا دشمنان احتمالی خود تأمین کنند. به همین منظور است که آنها پرهزینه‌ترین سلاح‌های ممکن را به کشورهای صنعتی پیشرفته سفارش می‌دهند تا از این راه حمایت آنها را بخرند. (هرچه باشد، هیچ فروشنده‌ای میل ندارد که مشتریان خوب خود را از دست بدهد.) در این میان، کشورهای فقیر منطقه (مانند پاکستان) بچه درست می‌کنند و،

اسپانیا به آفت بی‌امان ثروت‌های بادآورده و سقوط در راه بی‌بازگشت ولنگاری و تن‌پروری پایان‌ناپذیر دچار آمد

در صورت امکان، آنها را صادر می‌کنند؛ یا آنها را به همکیشان ثروتمندتر خود می‌فروشند ـ به عنوان خدمتکار، کارگر ساده، یا عملهٔ طرب.

راه حلی هم در کار نیست؛ یا فقط چیرهایی در حد کمک‌های اولیه و مدیریت بحران. این گونه کشورها، ثروتمند یا فقیر، بدون استثنا در خودکامگی به سر می‌برند: زمامداران به هیچ وجه مسئول نیستند، کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیش‌بینی ناپذیر است، اعتماد و وفاداری نوعی شگرد یا سراب تبلیغاتی است، و همه چیز، از جمله اقتصاد، تابعی از سیاست است و با یک رویداد زیر و زبر می‌شود. فرمانروایان عرب، به جای کسب مشروعیت از طریق بهبود بخشیدن به شرایط زندگی مردم، به اعتبار پیروزی بر استعمار و صهیونیسم روزگار می‌گذرانند و وعده می‌دهند که روند تاریخ را تغییر خواهند داد.

این حال و هوا همچنان ادامه دارد، زیرا بیماری بسی گسترده‌تر و ژرف‌تر از مسائل جاری ـ حتی کشمکش‌های اعراب و صهیونیست‌ها ـ است. و، حتی اگر «فرایند صلح» هم با موفقیت روبه‌رو شود، باز هم وضع و حال کنونی کشورهای عربی خاورمیانه ادامه خواهد یافت و حداکثر بعضی گشایش‌های محلی پدید خواهد آمد.

در ادامهٔ مطلب من توضیح خواهم داد که علت اصلی وضع کنونی کشورهای عربی را باید در فرهنگ حاکم بر این کشورها جست و جو کرد ـ فرهنگی که: ۱. به ایجاد یک نیروی انسانی اگاه و کاردان نمی‌انجامد؛ ۲. به تکنیک‌ها و اندیشه‌های تازه‌ای که از سوی دشمن (غرب مسیحی) می‌آید بدبین است یا نفرت می‌ورزد و آنها را بدعت و فریبکاری می‌شمارد؛ و ۳. احترامی برای این گونه دانش‌ها قائل نیست، حتی اگر اعضای این جوامع آن دانش‌ها را در داخل کشورشان فرا گرفته باشند یا با تحصیل در خارج به دست آورده باشند. در بیشتر این کشورها سطح بیسوادی به طرز مفتضحانه‌ای بالا است، و در مورد زنان این وضع بدتر از مردان است. همین امر به تنهایی نشان از جامعه‌ای دارد که زنان را در موضعی پست‌تر از مردان می‌نشاند و این طرز نگرش را همچون سنتی تغییر ناپذیر مورد تکریم قرار می‌دهد.

و اما چند هشدار احتیاط‌آمیز: بسیاری از متخصصان خاورمیانه، با نیت دفاع از فرهنگ حاکم بر کشورهای عربی در برابر بدگویی‌ها یا فروتنی‌های حساب شدهٔ غربیان، بر این امر اصرار می‌ورزند که نوع روابط موجود بین دو جنس مذکر و مؤنث در فرهنگ اعراب، با آنکه در متون مذهبی شکل گرفته، تا حد زیادی مستقل از این متون است. و، در میان احتجاج‌های آنان: این مقررات و رفتارها ریشه در دوران‌های پیش از اسلام دارند، یا از اقوام غیرعرب تقلید شده است، یا مرتبط با درآمد و موقعیت اجتماعی بوده است (زنانی که شوهران ثروتمند داشته‌اند احتیاجی به کارکردن یا خرید کردن در کوی و برزن نداشته‌اند)، یا، در واقع، واکنشی در برابر تهدیدهای زندگی شهری بوده است و سپر محافظتی در برابر اهانت‌های احتمالی به حیثیت شخصی یا خانوادگی زنان محسوب می‌شده است. حاصل کلام این گونه مفسران و متخصصان آن است که، «اگر فردا هیچ گونه اعتقاد مذهبی هم در کار نباشد، مردان عرب باز هم با همان چشمی به زنان می‌نگرند که امروز دیده می‌شود». برخی دیگر از پژوهندگان غربی، و گاه همان‌هایی که گفتیم، برانگیزه‌های به اصطلاح خصومت‌آمیز محققان غربی تاکید می‌ورزند: بدخواهی و تفرعن «شرق شناسان»، نادانی و دیوانگی «اصول‌بازان». کاربرد این گونه سخنان تحقیرآمیز را باید نادیده گرفت، چون حتی مردود شمردن آنها هم کاری عبث خواهد بود.

به هر حال، گفته می‌شود که این عادات و رسوم مربوط به زمان‌های گذشته‌اند، و پس از آن که به متون مقدس راه یافتند، از اقتدار و صلابت بیشتری برخوردار شدند. ولی حتی متون مقدس هم تعبیر و تفسیر پذیرند. و به راستی هم وضع و حال زنان در سرزمین‌های عربی در طول زمان فراز و فرودهایی داشته است. در ادبیات عرب، سخن از بعضی چهره‌های استثنایی به میان آمده است: ملکه‌ها و امیرزادگان مؤنثی که به سلطنت رسیده‌اند، یا حتی در عصر جدید به ریاست دولت و حکومت دست یافته‌اند (یا رهبرانی سیاسی همچون بی‌نظیر بوتو در پاکستان، خالده ضیاء در بنگلادش، و تانسو چیلر در ترکیه)، یا زنان آزادمنشی که در غرب زیسته‌اند و بعد روش‌ها و رفتارهای تازه‌ای را به سرزمین مادری خود برده‌اند که اغلب موجب حیرت هموطنان سنت‌گرای آنها شده است. حتی از درون حرمسراها هم صداهایی به گوش رسیده است که اربابان و سروران عالی‌مقام خود را به باد سخره و مضحکه گرفته‌اند (پس محیط بسته و کاملاً خصوصی حرمسراها به چه دردی می‌خورد؟)؛ و چه بسا زندگینامه‌های پرفروش که از سوی زنان محبوس در حرمسراها در مورد سوءاستفاده‌های ناشی از تسلط مردان نوشته شده و به بازار آمده است؛ نوشته‌هایی که در حقیقت نوعی فریاد استمداد و مدرسه‌ای برای تعلیم رسوایی‌ها بوده است.

به عنوان نمونه، برنارد لوییس، تاریخ‌نگار، می‌گوید: «پیشروی مداوم زنان کشورهای اسلامی در عرصه‌های عمومی به عنوان بازیگران عمده در اقتصاد و به میزان فزاینده‌ای در سیاست... برگشت ناپذیر است و مفهوم عمیقی در بر دارد.» اکنون زنان در ترکیه، مصر و ایران حق رأی دارند و حتی شخصیتی نظیر آیت‌الله خمینی هم هرگز اشارتی دال بر محروم ساختن زنان از حق رأی نداشته است.

با این حال، در کشورهای عربی، وضع چندان روشن نیست. من نمی‌دانم :بازیگران مهم» چگونه به وجود می‌آیند به همین طریق، نمی‌توانم پیش‌بینی کنم که به زودی تغییرات ساختاری ژرفی در زمینهٔ جداسازی دو جنس مذکر و مؤنث به عمل آید. حلیم برکت، جامعه‌شناس و نویسندهٔ عرب، در همان حال که موقعیت اجتماعی دست دوم زنان در سرزمین‌های عربی را مورد تایید قرار می‌دهد، به ما می‌گوید که «هرگونه تغییر اساسی در وضع و حال اجتماعی زنان باید با تغییراتی در ساختارهای اجتماعی ـ اقتصادی موجود شروع شود تا هرگونه بهره‌کشی و سلطه‌جویی از میان برداشته شود.» (اگر این حرف درست باشد، ما باید هزار سال دیگر صبر کنیم.) در مورد حق رأی هم من چندان امیدوار نیستم: برای سیاست‌پیشگان عرب، بویژه محافظه‌کارترین آنها، رأی زنان حربهٔ انتخاباتی سودمندی است. رأی، آری، قدرت، نه.

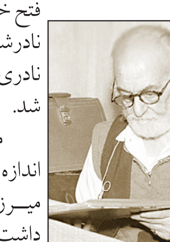
استنباط من این است که مردان کشورهای عربی چندان اهمیتی برای این مقاومت‌های محدود و نوآوری‌های کوچک قائل نبوده‌اند. خاصه آنکه، این رویدادهای محدود و موضعی همواره در برابر آمادگی بسیاری از (یا بیشتر؟) زنان کشورهای عربی برای پذیرش و دفاع از راه و روش‌های سنتی، کمرنگ و بی‌اهمیت مانده است. این نکته را هم باید در نظر گرفت که در بسیاری از سرزمین‌های عربی امتیازات جنسیتی را نه «گرفتنی» بلکه «دادنی» می‌دانند، زیرا در این گسترهٔ فرهنگی همواره عقیده و رفتار مردان ملاک عمل بوده است و هنوز هم همین‌طور است (مردان صحنه‌گردان تمام رویدادها و تحولات‌اند)، و احساس تقریباً همگانی برتری آنها در برابر چالش‌طلبی‌های گاه‌به‌گاه هواداران آزادی زنان به هیچ‌وجه متزلزل نشده است. مردان بیروت تحت تأثیر دامن‌های کوتاه پاره‌ای از زنان متوحش نشده‌اند و تغییر عقیده نداده‌اند؛ آنها فقط احساس شرمساری می‌کنند و اعتقادات مبتنی بر شوم و شیطانی‌بودن پیکر در ذهن آنها بیشتر جا می‌افتد.

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک

در اسارت

هنگامی که حاج محمدکاظم در خراسان بود و مدتها در آنجا اقامت گزید از معاشرین وی حاج سیدعبدالله متولی مسجد گوهرشاد بود که نسبت این میرزاعبدالله به میرزامهدی بن هدایت‌ا... معروف به شهید ثالث (۱۱۵۲ـ۱۲۱۸) می‌رسد. وی در اوائل حکومت فتحعلی‌شاه زمانی که محمدحسین خان سردار، مأمور فتح خراسان گردید، توسط نادرشاه افشار (پسر شاهرخ نادری) در شهر مشهد کشته شد.



حاج حسین ملک

محضر ملک‌التجار نیز به اندازه لازم برای جذب امثال میرزا عبدالله متولی جاذبه داشت و طرفین از مصاحبت همدیگر نه تنها لذت می‌بردند که برای حل مشکلات محلی به تبادل نظر می‌پرداختند. در این نشست و برخاست‌ها که اهل بیت هر دو طرف نیز با هم می‌رفتند و می‌آمدند، اندیشه وصلت بین حاج حسین آقا ملک با دختر میرزا عبدالله متولی به ذهن‌ها رسوخ یافت. اما متولی مسجد در آن زمان دختری دم‌بخت نداشت جز دختری به سن یازده یا دوازده ساله که عرفاً هنوز مستعد برای شوهر کردن نبود.

حاج حسین‌آقا ملک که مأمور سرپرستی املاک پدر در خراسان شد، ارادتی فارغ از گفت‌وگوی ازدواج به متولی مسجد پیدا کرده و در هر فرصتی به سراغ او می‌رفت و از راهنمایی‌های وی در امور زندگی شغلی و اجتماعی خویش بهره می‌گرفت. شبی به روال خود به باغ متولی در مزرعه امین‌آباد (که اکنون تأسیسات و ایستگاه راه‌آهن و گمرک مشهد در اراضی آن ملک استقرار گرفته‌اند) سری می‌زند تا تجدید دیداری کرده باشد. اسب و مهتر خود را مرخص می‌کند و شب را استثنا در امین‌آباد می‌گذراند. صبح که به خانه خود برمی‌گردد. پاکتی از نامه‌های تازه پدر را که از طریق پست رسیده بود، می‌گشاید و در آن میان نامه‌ای را می‌خواند که ملک‌التجار بعد از مقدمات به او نوشته بود که «...وظیفه پدر داماد کردن پسر است و من برای انجام این وظیفه مدت‌ها مطالعه و با میرزا عبدالله متولی مکاتبه کردم تا موافقت او و خانواده‌اش را گرفتم که شما با دختر ایشان ازدواج کنید. به زودی گروهی از اعضای خانواده به مشهد خواهند آمد تا ترتیب این کار را بدهند...»

مرحوم ملک می‌گوید: در یکی از گفت‌وگوها بین خواستگاران و پدر عروس آینده، متولی مسجد جواب رد می‌دهد و می‌گوید: «شما اهل کلاهید و ما اهل امامه (عمامه)...» اما بعداً «حاج آغا شازده» همسر حاج میرزاعبدالله در آن جوان خواستگار تمام لطائف و ظرائف شاهزادگی را که خود از آن سلسله بود، می‌بیند و او را می‌پسندد. «حاج آغاشازده» یا ربابه، دختر سهام‌الملک و نوه فتحعلی‌شاه بود که از جانب او حاکم خراسان گشته بود و به عقد میرزا عبدالله درآمده بود.

اقوام

حاج حسین‌آقا ملک در خاطراتش از اقوام مادرش چنین یاد کرده است. مادرم یک دایی داشت به نام «مفتاح‌الملک» و دو خاله به نام‌های «زهرا، زن کمال‌الملک نقاش معروف که فرزندان این خاله همه در جوانی درگذشتند و دیگری: صغری همسر حاجی نائب بود که از او فرزندی به نام عبدالحسین خاتمی باقیمانده و این خاله زاده مادرم نزد من است و کارهایی را برای من به عهده دارد و مادرم یک پسر عمه داشت به نام میرزا علی آقاخان مجدالسلطان که فراش خلوت ناصرالدین شاه بود و مجدالسلطان خواهری داشت که نه خودش و نه خواهرش ازدواج نکردند و فامیل ما در زمان طفولیت من، همه و همه عبارت از نام‌بردگان بودند و لیکن امروز جمعیت ما، ذکور و اناث، بیش از هزار و هزار و پانصد نفرند.

در اسارت مجاهدین

اندکی پس از ازدواج حاج حسین‌آقا ملک با خاندان میرزا عبدالله متولی مسجد گوهرشاد، تندروهای دموکرات، که از آنها به عنوان مجاهدین یاد می‌شود، در مشهد تشکیلاتی به هم زده بودند و بگیر و ببندی داشتند. سردسته این گروه‌ها نانوایی بود به نام «سیدآقا کوچک». کمبود غله در بازار و عرضه نشدن گندم از سوی عمده مالکین خراسان نانوایی‌ها را با ازدحامی چشمگیر روبرو ساخته و شاطرها و نان‌فروش‌ها را دچار زحمت کرده و متقابلاً به آنها قدرتی با پشتیبانی مردمی داده بود که برای تامین نان شهر دست به هر کاری بزنند و از سنگر سیاسی مشروطه‌خواهی و دموکرات منشی به کارهای انقلابی بپردازند.

ادامه دارد

آیینه

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

مصدق به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی

مراجعت به ایران

ادامه از صفحه اول

و قریب به این مضمون درآمده بود: محمد(ص) در سن چهل سالگی خود را نمایندهٔ خدا پنداشت! سپس آنچه در اثبات بی‌دینی لازم بود در آن شماره نوشته شده بود. در دادگاه نظامی هم که در سلطنت‌آباد برای مطالب دیگری تشکیل شده بود، باز موضوع این تز و تکفیر به میان آمد که چون متن فرانسه آن در ۲۸ مرداد به غارت رفته بود، ترجمه آن را که به فارسی نسخ بسیار داشت تهیه کردم و تسلیم دادگاه نمودم.

من کار ندارم که این نسبت‌ها به‌جا بود یا نبود. می‌خواهم این را تذکر بدهم که هر قدر جرائد مغرض و مزدور از این قبیل مطالب نوشتند، بر وزن من در جامعه افزود و ظاهراً دو علت بیشتر نبود: یا حرف‌های مخالفین را مغرضانه و بی‌اصل می‌دانستند و یا اعمالم را در خیر مملکت تشخیص داده و می‌خواستند به من بیشتر اظهار اعتماد کنند تا از کار مأیوس نگردم و خود را در حمایت جامعه بدانم و غیر از این نمی‌توان برای آن همه احساسات نسبت به من جهت دیگری تصور نمود.

به‌طور خلاصه هر قدر به من توهین کردند و بد گفتند براعتبار و اهمیت من افزود و آن وقت پی‌بردم به اینکه مادرم چه حرف بزرگی زده بود که گفت: «وزن اشخاص در جامعه به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند» و این پند آن چنان در من تأثیر نمود که هر وقت موضوعی پیش می‌آمد که با منافع مردم تماس داشت، از همه چیز می‌گذشتم و به‌خود می‌گفتم: آنجا که نفع مردم تأمین نباشد نفع افراد تأمین نخواهد بود و همین توجه به افکار بود که وقتی رئیس دولت شدم چون مسوول نیک و بد مملکت بودم، به‌اطلاع عموم رسانیدم هر انتقادی که جرائد نسبت به اعمال من بکنند مورد تعقیب قرار نخواهند گرفت و از این اعلامیه مقصود این بود که از توقیف روزنامه و باز داشت هراس نکنند، از اعمال من و دولتم انتقاد نمایند تا چنانچه منصفانه بود من اعمال خود را با نظریات مردم تطبیق دهم و این کار سبب شود که بتوانم خدمت بیشتری بکنم و اعتماد جامعه را به خود جلب نمایم.

آزادی بیان و قلم از این جهت جزء ارکان مشروطیت است که مردم را به نیک و بد امور آگاه و بشناسائی افراد هدایت می‌کنند. اگر بیان آزاد نبود و قلم کار نمی‌کرد چطور ممکن بود به هویت اشخاص و اعمالشان پی‌برد و چطور می‌شد که اعمال متصدیان امور را بررسی کنند و به حالشان معرفت پیدا نمایند؟ کسانی که از بیان و قلم هراس کنند و از آن جلوگیری نمایند تنها نه مرتکب عملی می‌شوند که مخالف قانون اساسی است بلکه خدمت به اجانب و خیانت به وطن می‌نمایند.

از مطلب دور شدم و اکنون باصل موضوع که آغاز محاکمه طرفین است می‌پردازم:

عضویت در جمعیت دموکرات ضد تشکیلی

پس از کناره‌گیری از معاونت وزارت مالیه بدون هیچ سابقه و اطلاع قبلی، کارتی از جمعیت دموکرات ضدتشکیلی رسید که به عضویت آن انتخاب شده بودم.

توضیح آن که: در جنگ اول جهانی که سران حزب اعتدال و حزب دموکرات از ایران مهاجرت کردند، عده‌ای از اعضای حزب دموکرات در طهران از این نظر که ارتباط بعضی از افراد حزب با سیاست خارجی ممکن است حزب را تحت تأثیر قرار دهد و تصمیماتی اتخاذ کنند که برخلاف مصالح حزب و منافع مملکت تمام شود، این طور عقیده داشتند که مادام که سران حزب در خارج از کشور به سر می‌برند، از اتخاذ هرگونه تصمیمی به نام حزب خودداری شود. در صورتی که عده دیگر را عقیده این بود که مهاجرت بعضی از سران حزب نمی‌بایست حزب را از فعالیت‌های سیاسی باز بدارد و نتواند وظایفی را که طبق مرامنامه دارد، انجام دهد. این دو نظر که با هم شدیداً مخالف بود، سبب شد که در حزب انشعاب روی دهد و آن دسته از اعضاء که نمی‌خواستند به نام حزب کاری بشود، به دموکرات ضدتشکیلی مشتهر گردند و به هر عملی که از هر دولت و برخلاف مصالح مملکت صادر می‌شد در جرائد مسلکی و هم فکر اعتراض کنند و با دولت وثوق که یک دولت دست‌نشانده خارجی و از نظر اجرای یک سیاستی به تمام معنا استعماری تشکیل شده بود، مبارزه دامنه‌داری را شروع نمایند.

تشکیل دولت وثوق طبق نقشه‌هایی بود که چند ماه قبل از تصدی او به کار ترسیم شده بود و به واسطه تلقین عمال سیاست خارجی در خود دولت‌ها و در خارج اجرا می‌گردد.

از این چه بهتر که دولت‌های مورد اعتماد جامعه کاری بکنند و برای تشکیل دولت مطلوب سیاست خارجی و کارهای او زمینه‌هایی که لازم بود، حاضر نمایند. زمینه اول این بود: روزنامه «رعد» به مستوفی رئیس دولت بد نوشت و توهین کرد، ولی به جای عفو و اغماض و یا توقیف همان یک روزنامه، بعضی از وزراء چنین اظهارنظر کنند که توقیف یک روزنامه مخالف بی‌طرفی است و بهتر آن است که تمام جراید توقیف شوند و غیر از روزنامه «ایران» که با کمک دولت منتشر می‌شد و یک جریده نیمه رسمی بود روزنامه‌های دیگر تمام در محاق تعطیل درآیند.

من در هیئت وزیران بودم که صبا مدیر روزنامه «ستاره ایران» از وزیر کشور درخواست نمود شماره اخیر آن را که حروفش چیده شده بود، منتشر کند که مورد موافقت قرار نگرفت و تا آن وقت غیر از زمان محمدعلی شاه، آن هم بعد از بمباران مجلس، سابقه نداشت که دولت از انتشار تمام جراید جلوگیری کند. با این حال این تصمیم در افکار زیاد تأثیر بد ننمود، چون که عده‌ای از جرائد از هر گونه توهین به اشخاص از مرده و زنده خودداری نداشتند و جامعه از طرز رفتار این جراید ناراضی بود و شخص مستوفی‌الممالک هم که مورد اعتماد جامعه بود، دولت او هر چه می‌کرد مردم بد تلقی نمی‌کردند.

صمصام‌السلطنه هم که مردی وطن‌پرست بود با پیشنهاد برقراری حکومت نظامی از این نظر که تا افتتاح دوره چهارم تقنینیه دوام کند، موافقت نمود. دیگر نه روزنامه‌ای بود که افکار جامعه را منتشر کند، نه آزادی و اجتماعاتی که مردم بتوانند از اعمال دولت انتقاد نمایند. قانون حکومت نظامی که مجلس دوم آن را برای حمایت از مشروطیت تصویب کرده بود، بر علیه آزادی و مشروطیت به کار رفت و به قول معروف در حکم مرغی قرار گرفت که در عروسی و عزا هر دو آن را مصرف کنند و یا در حکم طپانچه‌ای که دوست و دشمن هر دو از آن استفاده نمایند. دولت متکی به افکار عمومی آن را بر علیه عمال بیگانه و دولت‌های دست‌نشانده سیاست خارجی آن را بر علیه آزادی به کار برند و هر کدام به منظور خاصی از آن حسن استفاده یا سوء استفاده نمایند.

اگر به واسطه توقیف جرائد و منع اجتماعات، نتوانستند با دولت صمصام مبارزه کنند، برای تشکیل یک دولت متکی به سیاست خارجی راه مسدود نبود، همچنان که احمدشاه

ورودم در «میلان» تصادف نمود با خبر تصرف بادکوبه به دست کمونیست‌ها. از آنجا به «رم» رفتم

هم با صدور یک دستخط، وثوق‌الدوله را به ریاست وزراء نصب و صمصام را عزل نمود و تا انعقاد قرارداد از کاری که برخلاف قانون اساسی کرده بود، متأثر نبود؛ ولی بعد که توجه نمود اگر صمصام را عزل نکرده بود، از انعقاد قرارداد مسئولیتی متوجه او نشده بود می‌خواست از هر فرصتی که پیش آید، استفاده کند و این لکه ننگ را از دامن خود بزداید و آن وقتی بود که شاه را برای تأیید قرارداد به لندن بردند و برای این کار مجلسی برپا کردند، ولی با تمام اصراری که وزیر خارجه و تهدیدی که نایب‌السلطنه سابق برای تأیید آن نمود، حاضر نشد حتی یک کلام در نطق رسمی خود از آن اسم ببرد، یا در این باره حرفی بزنند.

من آن وقت در سوئیس بودم و از شخص مطلعی شنیدم که با آن همه اصرار و تهدیدی که کردند شاه زیر بار نرفت و گفت از من دعوتی کرده‌اند باید تشکر کنم، صحبت از قراردادی که تا مجلس آن را تصویب نکند معتبر نیست مورد ندارد و این مقاومت منفی سبب شد که مردم وطن‌پرست در مملکت به شاه تأسی کنند و آن قدر با قرارداد مخالفت کنند تا دولت انگلیس از اجرای آن مأیوس شود و برای اجرای سیاست خود در ایران فکر دیگری بنماید. خلاصه این که شاه به واسطه مخالفتی که نمود از بین رفت و خوشنام آن پادشاهی که در خیر مملکت از سلطنت گذشت.

بعد از تشکیل دولت وثوق، تنها نه موافقین دولت صمصام بلکه مخالفین آن هم که تصور می‌نمودند از تشکیل دولت وثوق خطراتی متوجه مملکت می‌شود با آن مخالف شدند و



اروپای قدیم

یکی از روزها که صمصام‌السلطنه به خانه من آمد، ابتدا به ساکن و قبل از هر صحبتی گفت: عجب شکری خوردم که شهر را نظامی کردم! گفتم: صحیح است که خندید. سپس اظهار نمود: نه روزنامه‌ای هست که مردم اظهار کنند، نه آزادی که در یک جا جمع شوند و نسبت به اوضاع ابراز عقیده نمایند. این است که تصمیم گرفته‌ایم مجلس روضه‌ای برپا کنیم و بدین‌وسیله، خطراتی را که متوجه مملکت می‌شود، گوشزد نماییم.

روضه در مسجد شیخ عبدالحسین معروف به مسجد آذربایجانی‌ها سر گرفت و از همه جا جمعیت هجوم کرد. هر کس می‌خواست وزیر یا رئیس دولت بشود، آنجا می‌آمد.

وعاظ هم آنچه لازم بود می‌گفتند و از سوابق سیاسی رئیس دولت مردم را برحذر می‌نمودند و چیزی نمانده بود ایام عزاداری تمام شود که رئیس دولت در فرح‌آباد به شاه شکایت نمود و او را به استعفای خود تهدید کرد و همین که به شهر رسید، دستور داد چادر را بیندازند و مردمی را که برای استماع ذکر مصیبت جمع شده بودند، متفرق کنند که از همانجا عده‌ای به خانه صمصام‌السلطنه رفتند و بعضی‌ها هم در فرح‌آباد تحصن اختیار کردند و این تظاهرات چند روز و چند شب ادامه داشت تا این که از هر دو جا بدون اخذ نتیجه متفرق شدند و عده‌ای از مخالفین دولت من جمله میرزا تقی‌خان بینش آق اولی و کمال‌السلطان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران را ـ که با من ارتباط داشتند ـ دستگیر و به قزوین تبعید نمودند.

قبل از تشکیل دولت وثوق، سلطان‌العلماء بروجردی وکیل دوره چهارم تقنینیه به خانه من آمد و گفت: عنقریب دولت او تشکیل می‌شود، چنانچه مایل باشید در این دولت شرکت کنید، یکی از پست‌های وزارتی را برای شما حفظ کند که از نظر مخالفت مرا می عذر خواستم.

چیزی نگذشت که اداره تشخیص عایدات آتش گرفت و این کار عنوانی شد که وزیر مالیه خانه من بیاید و مرا برای تشکیل مجدد آن اداره و جلوگیری از خسارت دولت دعوت کند که چون نمی‌خواستم در آن دولت کاری قبول کنم، موافقت خود را موکول به استخاره نمودم. ولی عصر آن روز که وزراء به فرح‌آباد رفتند به عرض شاه رسانیدند و مرا در مقابل کاری انجام شده قرار دادند که چون در حدود پنج سال بود دو فرزندم در اروپا بودند و ندیده بودم، از قبول کار معذرت طلبیدم. از ایران رفتم و متجاوز از یک سال در سوئیس به سر بردم.

سفر به اروپا و مراجعت به ایران

تصمیم مسافرتم سبب شد که ابوالفضل میرزا عضدالسلطان شوهر خواهرم (اکنون سناتور عضد) برای دیدار فرزندان خود که قبل از جنگ آنها را در خانواده‌هایی گذاشته بودم، با من همسفر شود. بعد شعاع‌السلطنه هم تلفن نمود در مسافرت با هم باشیم که عدهٔ مسافرین با دختر وی ابوالحسن دیبا برادرم، به پنج نفر رسید.

در آن وقت سیاست خارجی با دولت وثوق کمک می‌کرد. ویژه مرتباً ۳۶۰ هزار تومان به دولت وام می‌داد که تأخیر پرداخت حقوق موجب عدم رضایت صاحبان حقوق نشود و دولت بتواند افکار جامعه را جلب کند و خود را برای اجرای سیاست خارجی مجهز نماید و همچنین برای ارضای جماعتی دولت تصمیم گرفت هرکس حقوقی داشت که می‌خواست واگذار کند آن را در ازای پرداخت چهار برابر وجه نقد خریداری نماید و این همان حقوقاتی بود که مجلس اول یا مبلغی از آن کسر نموده و یا تمام را ابقاء کرده بود ولی نظر به این که وضعیت مالی مملکت رضایت بخش نبود، دولت بیش از ۵۰ درصد نمی‌پرداخت و احتمال می‌رفت که باز از این هم تنزل بکند و یا از بین برود که من نیز ۱۲۰۰ تومان حقوق خود را که بیش از ۶۰۰ تومان عایدم نمی‌شد در ازای ۴۸۰۰ تومان به دولت واگذار کردم که ۲۸۰۰ تومان به قروضم رسید و ۲۰۰۰ دیگر را که آن وقت در حدود ۲۰ هزار فرانک سوئیس بود، برای مخارج مسافرتم به اروپا تخصیص دادم.

بقاء الملک برادر حسین سمیعی ادیب السلطنه که در سال اول جنگ از ایران مهاجرت و در اسلامبول اقامت نمود، از من تقاضا نمود معادل یک هزار تومان منات روسی با خود ببرم و در اسلامبول به ادیب السلطنه تسلیم کنم و در جواب سؤال من که: چرا ارزهایی که داد و ستد می‌شود، تهیه نمی‌کنید و مناتی که از رواج افتاده است می‌فرستید، اظهار نمود اکنون صد منات در طهران سه تومان ارزش دارد در صورتی که در اسلامبول در حدود ده تومان معامله می‌شود و یک هزار تومان مناتی که شما ببرید کار سه هزار تومان را خواهد کرد. گفتم: اگر مناتها در راه سرقت شود، با من چطور معامله خواهند کرد؟ گفت: اگر شما چنین اظهاری بکنید کسی از شما چیزی مطالبه نخواهد نمود و در همین زمینه نوشته‌ای به من سپرد. من هم دو هزار تومان خود را منات خریدم که در اسلامبول به فراک سوئیس تبدیل کنم که از حسن اتفاق هیچکدام در عرض راه سرقت نشد و سالم به مقصد رسید.

در قزوین به هر وسیله که بود بینش و صبا را در خانه‌ای که دولت آنها را توقیف کرده بود، دیدم. درعرشه کشتی هم که از پهلوی به باد کوبه می‌رفتیم، نوایی نیرالسلطان را که جزء تبعید شدگان به قزوین بود، ملاقات نمودم.

نیرالسلطان یکی از اشخاص وطن‌پرست بود که روزنامه «صدای ایران» را منتشر می‌کرد و نظر به این که با یکی از متهمین وزارت مالیه دوستی داشت، موقعی که محاکمه آنها در جریان بود با من روابطی نداشت، ولی بعد که دولت وثوق تشکیل شد همه با هم مربوط شدیم و در طهران و اروپا همکاری کردیم. او در پاریس و من در سوئیس از مخالفین سرسخت قرارداد بودیم و اعتراضات خود را به جامعهٔ ملل تقدیم نمودیم.

نظر به این که در جریان جنگ مشکلاتی برای مسافرت ایجاد شده بود، توقف ما در باد کوبه و تفلیس و باطوم برای به دست آوردن جا در راه آهن و کشتی هر کدام در حدود ده روز طول کشید و ظرف این مدت منات در اسلامبول تنزل کرد. منات‌ها را که به ادیب السلطنه دادم، تصور می‌کردم به قدر دو هزار تومان خوشوقت شود. آنها را گرفت و چیزی هم نگفت و مثل این بود که ناراضی است و ناچار شدم علت را سؤال کنم. گفت: آن وقت که بقاء الملک از شما خواهش کرده بود، منات در اسلامبول سه برابر ارزش طهران معامله می‌شد، ولی اکنون بیش از همان هزار تومان عاید من نخواهد شد و من از این جهت که شما را زحمت داده‌ام، بسی متأسفم و حاق مطالب این بود که گفت، چون که با خود من هم در اسلامبول کسی بیش از این معامله ننمود.

شعاع السلطنه و عضدالسلطنه بدیدن محمدعلی میرزا برادر خود رفتند و مجلس عقدی هم برای وصلتی که بین محمدعلی میرزا و شعاع السلطنه صورت می‌گرفت منعقد کردند، ولی من به دیدن شاه مخلوع نرفتم، تا یکی از روزها احتشام السلطنه سفیر کبیر با من مذاکره نمود و این طور مصلحت دانست که به دیدن او بروم که با تعیین وقت این کار شد و صحبت در اطراف مخالفت‌هایی دور زد که شاه با آزادیخواهان و مشروطه طلبان کرده بود.

توقف ما در اسلامبول نیز چند روز طول کشید تا یک کشتی فرانسوی که در جنگ مورد اصابت قرار گرفته بود به اسلامبول رسید و توانستیم به مقصد رومانی حرکت کنیم و از آنجا با راه آهن مسافرت خود را ادامه دهیم و چون اولین دسته مسافری بودیم که بعد از اعلان آتش بس از ترکیه به «کنستانزا» رسیدیم، چند ساعت در کشتی ماندیم تا تلگرافی که از اسلامبول راجع به ورود ما مخابره کرده بودند، رسید و اجازه دادند از کشتی خارج شویم.

راه آهن کنستانزا ـ بخارست به قدر مسافرین جا، نداشت. من و عده‌ای از مسافران از نردبان واگون بالا رفتیم و قسمت زیادی از خط سیر را؛ روی سقف به سر بردیم. شعاع السلطنه باز از این نظر که عموی پادشاه است و مأمورین رسمی باید وسایل حرکت او را فراهم کنند می‌خواست چند روز ما را در بخارست معطل کند که به خواهش من از این کار صرف

در هیئت وزیران بودم که صبا مدیر روزنامه «ستاره ایران» از وزیر کشور خواست شماره اخیر را منتشر کند

نظر کرد. گذرنامهٔ خود و دخترش را به من داد که مثل گذرنامهٔ خودم جریان رسمی را طی نمود.

قونسول ایران در بخارست که از قوم یهود بود و این خدمت افتخاری را برای استفادات دیگری می‌نمود، از ویزای تذکرهٔ عضد و من برای ورود به سوئیس خودداری نمود و گفت: پسر خودم هم که می‌خواست برای تحصیل به سوئیس برود، قریب چهل روز طول کشید تا اجازه ورودش از آنجا رسید. گفتم: چون ما نمی‌توانیم در این جا به انتظار صدور اجازه بمانیم، تذکره ما را هم مثل سایر گذرنامه‌ها برای پاریس ویزا کنید که این کار شد و توقف ما در آنجا بیش از دو روز طول نکشید و از ممالکی که قبل از جنگ به آن صورت وجود نداشت، گذشتیم و هنوز مسافتی مانده بود که به خاک سوئیس برسیم بازرسانی از آن دولت وارد راه آهن شدند و پس از ملاحظهٔ گذرنامه ها به هریک از مسافرین کارت‌هایی برای آنچه از خواربار درین کشور جیره بندی شده بود، دادند، ولی به عضد و من از این جهت که اجازه ورود نداشتیم داده نشد و در جواب سؤال من که چنانچه در ایستگاه لوزان پیاده شویم مشمول چه مجازاتی می‌شویم؟ پلیس شما را خارج خواهد نبود. گفتم: این که چیزی نیست و ما پیاده می‌شویم.

سپس یکی از آنها ما را زیر نظر گرفت که ببیند چه طریقی اتخاذ می‌کنیم و همین که ترن به ایستگاه لوزان رسید و دید که ما در شرف پیاده شدنیم، گفت: تذکره را بدهید و بعد پیاده شوید. گفتم: چقدر کار ما سهل شد. این هم گذرنامه‌ها. سپس گفت: چون کارت جیره‌بندی ندارید چه می‌کنید؟ گفتم: مشکل بزرگ ما با تسلیم گذرنامه حل شد، این مشکل هم با دادن پول حل خواهد شد. گفت: معلوم می‌شود که شما سابقاً در سوئیس بوده‌اید. گفتم: بلی سوئیس برای من مثل یک وطن ثانوی است که از این حرف بدش نیامد. دستی به من داد و ما پیاده شدیم.

و اما راجع به اجازه اقامت چون در هتل اعلان شده بود که هر مسافری باید پس از ۲۳ ساعت توقف، جواز اقامت خود را ارائه دهد همه روز قبل از انقضای مدت جا عوض می‌کردیم تا در نتیجه اقدامات امیر سهام‌الدین غفاری ذکاءالدوله وزیر مختار ایران در سوئیس اداره پلیس بیگانگان جواز اقامت ما را صادر نمود و توقف ما در آنجا طبق مقررات درآمد.

* * *

من همیشه در این فکر بودم اگر روزی نتوانم در ایران به وطن خود خدمت کنم، محل اقامت خود را در سوئیس قرار بدهم و از همین لحاظ در آنجا کارآموزی کرده تصدیقنامه وکالت گرفتم و چون استفاده از این شغل موکول به تحصیل تابعیت بود، درخواست تابعیت نمودم که شرح آن در فصل سیزدهم گذشت. ولی توقفم در تمام مدت جنگ در ایران سبب شده بود که کارم ناتمام بماند و به واسطه پیش آمد جنگ عده زیادی از ملل مختلف از آن دولت درخواست تابعیت کنند و دولت نیز برای احتراز از هرگونه مشکلات مدت اقامت سه سال را که یکی از شرایط قانون سابق بود به ده سال افزایش دهد تا کمتر بتوانند درخواست تابعیت بنمایند و چون مدت اقامت من در سوئیس بیش از چهار سال نبود، مشمول مقررات قانون جدید نگردیدم.

در آنجا بودم که قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ معروف به قرارداد وثوق‌الدوله بین ایران و انگلیس منعقد گردید که باز تصمیم گرفتم در سوئیس اقامت کنم و به کار تجارت پردازم. مقدار قلیلی هم کالا که در ایران کمیاب شده بود، خریده به ایران فرستادم و بعد چنین صلاح دیدم که با پسر و دختر بزرگم که ده سال بود وطن خود را ندیده بودند، به ایران بیایم و بعد از تصفیه کارهایم از ایران مهاجرت نمایم. این بود از همان راهی که رفته بودم به قصد مراجعت به ایران حرکت نمودم.

ورودم در «میلان» تصادف نمود با خبر تصرف بادکوبه به دست کمونیست‌ها. از آنجا به «رم» رفتم، شاید بتوانم تذکره خود را از خط هندوستان تحصیل کنم. مفخم‌الدوله وزیر مختار که از دوستان قدیم من بود، به این کار موفق نشد و چون مسافتی از راه طی شده بود، به مسافرت ادامه دادم.

ایران

زهیر رضوی ۲

از میراث مستوفی

عمارت‌های دولتی



در سی سال قبل روزی در اندرون نشسته بودم. دیدم می گویند احمد آقای نوکر قدیمی خانه، با من کاری دارد. از اندرون بیرون آمدم. همین که از بیخ دالان گذشتم، هنوز وارد حیاط نشده بودم، احمد آقا را دیدم جلوی ایوان ایستاده، چند دست لباس کهنه که سابقاً به او داده بودم جلوش گذاشته، برخلاف ادب آقا و نوکری از همان دور گفت: «آقا این لباس‌ها را می‌شناسید؟» گفتم: «این لباس‌های من است که در دو سه سال قبل به تو بخشیده‌ام. این سؤال برای چیست؟» گفت: «مرا متهم می‌کنند که این لباس‌ها مال من نیست.» گفتم: «کدام احمق این حرف را زده است.» گفت: «نمی‌توانم عرض کنم کی گفته است و چون برای تبرئه من لازم بود، باعث تصدیع شما شدم، دیگر عرضی ندارم.» نوکرهای قدیمی از این نثری‌ها دارند که باید تحمل کرد، من هم این موضوع را یکی از آن‌ها دانسته دیگر از او تحقیقی نکردم که بدانم گوینده این حرف کیست؟ بعد از چند روزی آقای سرهنگ پاشاخان که در آن وقت پایور نظیمه بود، به ملاقات من آمد و گفت: «آژانی از شما شکایت داشت که در حین انجام وظیفه به او توهین کرده‌اید.» موضوع لباس و نوکر را که تعریف کرد، دانستم موضوع چیست؟ به آقای سرهنگ گفتم: «شما به او چه گفتید؟» گفت: «به او جواب دادم کسی که اصلاً تو را ندیده و با نوکرش سؤال و جواب می‌کرده چه توهینی به تو کرده؟ من هم احمدآقا و هم آقای او را خوب می‌شناسم به آن‌ها این حرف نمی‌چسبد.» گفتم: «آژان با این بیان شما قانع شد؟» گفت: «به! چه می‌فرمایید. می‌خواست شما را هم شریک جرم کند!» یقیناً اگر احمدآقا دو سه‌قران به او داده بود، سر قضیه هم می‌آمد. ولی چون آقای آژان شکار از دستش در رفته بود، می‌خواسته است قضیه را گنده‌تر کند. منتها سرهنگ پاشاخان که باید دوسیه را تنظیم کند، کوتاه آمده است. شاید اگر پایور دیگری بود، بنده به اتهام توهین به مأمور قانونی گرفتار استنطاق و رفتن به محکمه جزا هم می‌شدم.

من وقتی که استاندار آذربایجان‌غربی بودم، می‌دیدم که سرلشکر آنجا، مرد لایعلم متکبر هم، همین تدبیر را نسبت به مردم و نظامیان و زیردستان متعدی خود به کار می‌بست و مردم بدبخت را به محاکمه نظامی تهدید می‌نمود و چون دوره، دوره دیکتاتوری نظامی بود کسی جرئت ژکیدن نداشت. حتی تیمسار سرلشکر اگر می‌شنید کسی بر ضد زیردستان او و در خفا از این قبیل حرف‌ها به میان آورده، او را می‌خواست و به محاکمه نظامی تهدیدش می‌کرد. این سرلشکرها از قماش همان فراش‌ها و قزاق‌های اشتهاردی ادوار قبل بودند که بر حسب تصادف و پیشامد روزگار، به این مقامات عالی رسیده، سهل است، در دوره دموکراسی به مقامات بالاتر هم ارتقا یافته و امروز هم با مکنت بی‌حساب خود به ریش همه می‌خندند.

سرایدار خانه

عمارات دولتی و اثاثیه آن‌ها مستحفظین و مواظبت‌کنندگانی لازم داشت که آن‌ها را تمیز نگاه دارند. به اشخاصی که مواظب این خدمت بودند، سرایدار می‌گفتند. فرش‌ها و اثاثیه عمارت تحویل آن‌ها می‌شد. گذشته از عمارات شهری، در صاحب‌قرانیه و سلطنت‌آباد و شهرستانک و جاجرود و سرخه‌حصار و دوشان‌تپه و عشرت‌آباد و دولت‌آباد و نجف‌آباد و کرج هم عمارات سلطنتی بود که حفظ اثاثیه این نقاط هم با سرایدار خانه بود و سرایدارباشی و نایبان سرایدارخانه، با افراد خود این مهم را انجام می‌کردند.

بنّاییها، از حیث پرداخت اجرت و کرایهٔ مصالح و از حیث خرید لوازم، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بنّاخانه می‌گفتند

در این کار هم ناصرالدین شاه نظمی برقرار کرده و صورت و ثبت‌هایی از این اثاثیه موجود بود که آن‌ها را از تلف و تفریط محفوظ می‌داشت. در سال ۱۳۰۹ قمری یک نفر سرایدار به فکر سرقتی از جواهر تخت شاه افتاد و چند پارچه آن را کند و برد. مطلب فاش و جواهرها استرداد و سرایدارباشی معزول و سرایدار اعدام شد. شاید این شدت عمل قدری زیاد به نظر آید ولی با روح حکومت استبدادی که ترس و رعب است متناسب بود و این شدت عمل اثاثیه سلطنتی را و لامحاله تا آخر سلطنت این پادشاه، از دستبرد حفظ کرد. چنان که حیف و میل‌های زیادی که در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه در اثاثیه عمارات سلطنتی اتفاق افتاد، به واسطهٔ همان استبداد بی‌ترس بود حتی درخانه‌های رجال درباری و پیشخدمت‌ها هم از اثاثیه‌ای سلطنتی زیاد دیده می‌شد که معلوم نبود شاه به آنها بخشیده است یا آنها بدون هیچ تشریفات آنها را به منزلهای خود منتقل کرده‌اند. زیرا این پادشاه کم فکر از این بخششها هم داشت.

بنّاخانه و فخارخانه

ناصرالدین شاه از تمام شاهان قاجار بیشتر علاقه به ساختمان نشان داده است. عمارات دوشان تپه و عشرت‌آباد و صاحب قرانیه و سلطنت آباد و شکارگاه جاجرود و سرخه‌حصار و شهرستانک، و در تهران میدان توپخانه و عمارات شمس‌العماره و خوابگاه و حرمخانه و عمارت خورشید و عمارت گالری و تکیهٔ دولتی و اصلاح قصر گلستان، و خلاصه غیر از تالار تخت مرمر و موزه، اگر چیزی هم از ادوار قبل بوده، به امیر این شاه خراب و به سلیقهٔ زمان اصلاح و متناسب گشته است. آجر و گچ و آهک این بنّاییها از عشر محصول کوزه‌پزی‌های تهران بود که به عنوان مالیات از کوره‌پزها می‌گرفتند. معمارباشی و معماران درجه دوم هم که برای نقشه کشی و کارفرمایی لازم بود، مواجب دولتی داشتند. فقط مزد بنّا و عمله و سرعمله، و نجاری و یراق درها بود که احتیاج به پول داشت و این پول هم از خزانه راه می‌افتاد. ریاست بنّایی از وقتی که آقا محمدابراهیم امین السلطان روی کار آمده بود، تحت ادارهٔ او بود و کمتر سالی می‌گذشت که ساختمان مهمی بر ابنیهٔ سلطنتی نیفزاید.

این بنّاییها، چه از حیث پرداخت اجرت و کرایهٔ مصالح از سرکوره تا پای کار و چه از حیث خرید لوازم، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بنّاخانه می‌گفتند. در زمان مظفرالدین شاه، این بنّا باشی گری نظر به دخلی که داشت، به میرزا محمودخان حکیم‌الملک، دکتر مخصوص شاه رسید و ایشان موقتاً به لقب وزیر ابنیه قانع شدند تا بعدها به لقب وزارت دربار نائل آیند.

ناصرالدین‌شاه چون به بنّایی علاقه داشت، اکثر سربنّاییها می‌رفت و با بنّاها و معمارها صحبت می‌داشت و دستوراتی هم می داد از جمله وقتی شمس‌العماره را می‌ساختند، روزی سربنّایی رفته، استاد شیرجعفر کاشی، معمار این ساختمان هم در خدمت شاه بوده است. شاه می‌بیند کلفتی دیوار را بیش از دو خشت و نیم نگرفته و در این قطر کم هم طاقچه و رفهایی به کلفتی یک خشت داده که قهراً این دو خشت و نیم را هم کم می‌کند. به استاد می گوید: «این دیوار نازک چگونه تحمل چهار پنج طبقه را خواهد آورد.» معمار به لهجهٔ خود جواب می‌دهد: «قربونت گردم! ترسیدم بادش ببره اگه نه از این هم نازکترش می گرفتم. من از سرم التزوم می‌دهم که کلوکش از جا در نروه» واقعاً هم همین طور است که معمار پیش‌بینی کرده است و این بنا با نازکی پی‌هایی که دارد، هنوز هم یک کلوکش عیب نکرده است. خدا، به زبان پیغمبرش، این اشخاص را رحمت کرده است. پیغمبر می‌فرماید رحم الله امرً عمل عملاً فاتقنه و خدا این استاد را بیامرزد و رحمی هم به بنّاهای دورهٔ خودمان بدهد؛ تا مهندس ساختمان غفلت کند، سیمان را روی دیوار گلی نکشند و به جای آهک با خاکروبه پی پرنکنند.

صندوقخانه و رخت‌دار خانه

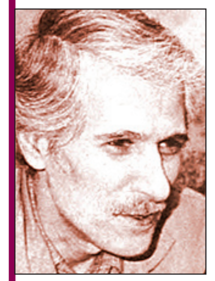
صندوقخانه چون کارش تهیهٔ خلعت و نشان بود، جزء کارهای عمومی دولت محسوب می‌گشت. ولی رخت‌دارخانه از کارهای خصوص شاه بوده و این دو قسمت در تحت ریاست صندوقدارباشی اداره می‌شد. رئیس صندوقخانه به اندازهٔ لزوم خیاط و زرگر در تحت امر داشت که لوازم شغل خود را همیشه آماده داشته باشد. شال و برک، خز و سنجاب و زری، قلمکار و قدک و اجمالاً پارچه‌های نابریده‌ای که برای شاه هدیه می‌فرستادند، در صندوقخانه ضبط می‌شد و به مصرف لباس شخصی شاه و خلعت اعطایی می‌رسید. شاه برای هرکس خلعت می‌فرستاد، رسم بود به عنوان خلعت بها یا صندوقداری، شاه این شغل به یکی از پسرهای او موسوم به امام‌وردی میرزا محول بود و در زمان ناصرالدین شاه چندی محمدرحیم خان علاءالدوله که وزیر دربار و وزیر جنگ هم شد، این شغل را هم مثل فراش خانه و نسق‌خانه در ادارهٔ خود داشت و بعد از او این شغل به پسرش عبدالله خان کشیکچی‌باشی محول گردید، چنان که شغل فراش باشی و نسقچی‌باشی گری هم به دو پسر دیگرش واگذار شد.

ادامه دارد

ادبستان

شعر و زبان فارسی در نشستی با استاد مهرداد اوستا

کتاب سلمان



این موضوع حتی بین عارفان و شاعران بزرگ ما مثل: سنایی، عطار و مولانا ـ که هر سه به اصطلاح قلل رفیع عرفان ما هستند ـ مطرح است و این سه شاعر عارف، هر یک بنوعی در بیان حقایق عرفانی نظر داده‌اند و هیچ یک تابع دیگری نبوده است. درست است که مولوی می گوید: «من پیرو عطارم» و یا: «ما از پی سنایی و عطار آمدیم.» بله، اندیشه‌های آنها را گرفته و از فکر آنها، ذهنش را انباشته ولی سخن خودش را بیان کرده است، یعنی، نه عین مطالب آنها را، مثلاً سنایی می گوید: «سر همان جا بنه که خوردی می» و مولوی می گوید: «سربنه آنجا که باده خورده‌ای» اینها هر دو، گفته‌اند، امّا هر یک نوعی بیان خاصّ خود دارند؛ یا «سیف فرغانی» می گوید:

بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد شد

و حافظ می گوید:

بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

می‌بینید که حافظ «شد» را «بود» کرده است. ولی حرف حافظ، حرف دیگری است. اینجاست که بین «توارد»، یعنی اینکه شاعری حرفی را عیناً بیاورد و اینکه شاعری تعمّد دارد که «اغاره» [غارت] کند، فرق هست. شاعر در اینجا تعمّد داشت تغییر بدهد و مطالب را زیباتر بیان کند، حتی اگر با یک کلمه باشد.

سالها پیش دیوان «سلمان ساوجی» با مقدّمه‌ای مبسوط و جامع به وسیلهٔ شما تصحیح و چاپ شد و در حال حاضر نایاب است، آیا قصد تجدید چاپ آن را ندارید؟ آیا دیوانی از شاعران گذشتهٔ فارسی در دست تصحیح و تنقیح ندارید؟ اصولاً دربارهٔ دیوانهایی که در حال حاضر هست و تنقیح شده چه نظری دارید؟ لطفاً درباره روش تصحیح دیوانها و متون فارسی، رهنمودهایی بفرمایید.

پیش از وجود علاّمه «محمد قزوینی» هر کتابی که بیرون می‌آمد، به وسیلهٔ نویسندگان استنساخ می‌شد. نویسنده در این کار اگر کلمه یا عبارتی را نمی‌فهمید و کورسوادی داشت و به قول معروف صاحب‌ذوقی بود، کلمات را به نظر خودش، عوض می‌کرد. به همین علّت است که ما در حال حاضر کتابی که به اصطلاح از تندباد تصرّف غیرقابل گذشت نویسنده در امان مانده باشد، نداریم. دیوان حافظ را اولین بار علاّمه قزوینی با همان شیوهٔ اروپایی با اصل قراردادن یک نسخه، تصحیح کرد. امّا به عقیدهٔ من، دیوان یک شاعر را باید یک شاعر تصحیح کند. چون اگر تصحیح‌کننده، شاعر باشد در هنگام بررسی، مثلاً در بین چند کلمه، آن کلمه‌ای که با شعر هماهنگی بیشتری دارد و مناسبتر است، انتخاب می‌کند، امّا اگر شاعر نباشد و ذوق هنری و شاعری نداشته باشد، غالباً دچار گرفتاری می‌شود. نکتهٔ دیگر، آنکه مثلاً دربارهٔ «شکسپیر»، حتی نامه‌های خصوصی‌اش را در دست دارند و همه می‌دانند که زندگی این شاعر و نویسندهٔ شهیر از جوانی تا پیری، چگونه گذشته است، ولی از «صائب تبریزی» ما که تقریباً همزمان با او بوده، هیچ چیز در دست نیست. از سعدی، حافظ و دیگر شاعران بزرگ، اطلاعات زیادی نداریم. می‌دانید چرا؟ چون آثار این شاعران پی‌درپی نوشته شده و هر کسی برای دیگری آنها را نوشته و همه بر حسب درک ذوق شخصی تغییراتی در متن و شعر داده‌اند...

امّا دربارهٔ کتاب «سلمان»، و عیب بزرگ این کتاب، اینکه، نسخه بدل ندارد. علّتش این بود که من در آن هنگام، خیلی جوان بودم و ۲۲ سال داشتم، طبیعتاً آن پختگی و مهارت کار را نداشتم و بهترین روش، همان روشی است که مثلاً «دکتر خانلری»، «علاّمه قزوینی»، «نیکلسون» در مثنوی مولوی به کار برده‌اند.

جناب استاد، لطفاً درباره آثار منثورتان برایمان بگویید، آیا قصد تجدید چاپ آنها را ندارید؟

بنده از سالهای پیش، سه اثر دارم. یکی «تیرانا» است که به صورت مقدّمه‌ای برای کتاب «شراب خانگی ترس محتسب خورده» است. دیگر «سرود پالیزبان» است، شامل چند داستان و نوشته که مربوط به روزگار خاصّی می‌باشد. یکی هم، کتاب «از امروز تا هرگز» که شامل چند داستان و واقعه است. در مورد تجدید چاپ اینها، بله، قصد دارم، ان‌شاءالله.

از اینکه وقت عزیزتان را در اختیار ما گذاشتید، خیلی متشکر هستیم.

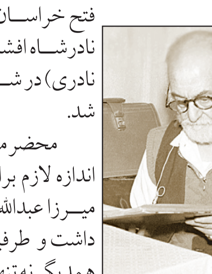
پایان

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک

در اسارت

هنگامی که حاج محمدکاظم در خراسان بود و مدتها در آنجا اقامت گزید از معاشرین وی حاج سیدعبدالله متولی مسجد گوهرشاد بود که نسبت این میرزاعبدالله به میرزا مهدی بن هدایت‌ا...معروف به شهید ثالث (۱۱۵۲ـ۱۲۱۸) می‌رسد. وی در اوائل حکومت فتحعلی‌شاه زمانی که محمدحسین خان سردار، مأمور فتح خراسان گردید، توسط نادرشاه افشار (پسر شاهرخ نادری) در شهر مشهد کشته شد.



حاج حسین ملک

محضر ملک‌التجار نیز به اندازه لازم برای جذب امثال میرزا عبدالله متولی جاذبه داشت و طرفین از مصاحبت همدیگر نه تنها لذت می‌بردند که برای حل مشکلات محلی به تبادل نظر می‌پرداختند. در این نشست و برخاست‌ها که اهل بیت هر دو طرف نیز با هم می‌رفتند و می‌آمدند، اندیشه وصلت بین حاج حسین آقا ملک با دختر میرزا عبدالله متولی به ذهن‌ها رسوخ یافت. اما متولی مسجد در آن زمان دختری دم‌بخت نداشت جز دختری به سن یازده یا دوازده ساله که عرفاً هنوز مستعد برای شوهر کردن نبود.

حاج حسین آقا ملک که مأمور سرپرستی املاک پدر در خراسان شد، ارادتی فارغ از گفت‌وگوی ازدواج به متولی مسجد پیدا کرده و در هر فرصتی به سراغ او می‌رفت و از راهنمایی‌های وی در امور زندگی شغلی و اجتماعی خویش بهره می‌گرفت. شبی به روال خود به باغ متولی در مزرعه امین‌آباد (که اکنون تأسیسات و ایستگاه راه‌آهن و گمرک مشهد در اراضی آن ملک استقرار گرفته‌اند) سری می‌زند تا تجدید دیداری کرده باشد. اسب و مهتر خود را مرخص می‌کند و شب را استثنا در امین‌آباد می‌گذراند. صبح که به خانه خود برمی‌گردد. پاکتی از نامه‌های تازه پدر را که از طریق پست رسیده بود، می‌گشاید و در آن میان نامه‌ای را می‌خواند که ملک‌التجار بعد از مقدمات به او نوشته بود که «...وظیفه پدر داماد کردن پسر است و من برای انجام این وظیفه مدت‌ها مطالعه و با میرزا عبدالله متولی مکاتبه کردم تا موافقت او و خانواده‌اش را گرفتم که شما با دختر ایشان ازدواج کنید. به زودی گروهی از اعضای خانواده به مشهد خواهند آمد تا ترتیب این کار را بدهند...»

مرحوم ملک می‌گوید: در یکی از گفت‌وگوها بین خواستگاران و پدر عروس آینده، متولی مسجد جواب رد می‌دهد و می‌گوید: «شما اهل کلاهید و ما اهل امامه (عمامه)...» اما بعداً «حاج آغا شازده» همسر حاج میرزاعبدالله در آن جوان خواستگار تمام لطائف و ظرائف شاهزادگی راکه خود از آن سلسله بود، می‌بیندو او را می‌پسندد. «حاج آغاشازده» یا ربابه، دختر سهام‌الملک و نوه فتحعلی‌شاه بود که از جانب او حاکم خراسان گشته بود و به عقد میرزا عبدالله درآمده بود.

اقوام

حاج حسین آقا ملک در خاطراتش از اقوام مادرش چنین یاد کرده است. مادرم یک دایی داشت به نام «مفتاح‌الملک» و دو خاله به نام‌های «زهرا، زن کمال‌الملک نقاش معروف که فرزندان این خاله همه در جوانی درگذشتند و دیگری: صغری همسر حاجی نائب بود که از او فرزندی به نام عبدالحسین خاتمی باقیمانده و این خاله زاده مادرم نزد من است و کارهایی را برای من به عهده دارد و مادرم یک پسر عمه داشت به نام میرزا علی آقاخان مجدالسلطان که فراش خلوت ناصرالدین شاه بود و مجدالسلطان خواهری داشت که نه خودش و نه خواهرش ازدواج نکردند و فامیل ما در زمان طفولیت من، همه و همه عبارت از نام‌بردگان بودند و لیکن امروز جمعیت ما، ذکور و اناث، بیش از هزار و هزار و پانصد نفرند.

در اسارت مجاهدین

اندکی پس از ازدواج حاج حسین آقا ملک با خاندان میرزا عبدالله متولی مسجد گوهرشاد، تندروهای دموکرات، که از آنها به عنوان مجاهدین یاد می‌شود، در مشهد تشکیلاتی به هم زده بودند و بگیر و ببندی داشتند. سردسته این گروه‌ها نانوایی بود به نام «سیدآقا کوچک». کمبود غله در بازار و عرضه نشدن گندم از سوی عمده مالکین خراسان نانوایی‌ها را با ازدحامی چشمگیر روبرو ساخته و شاطرها و نان‌فروش‌ها را دچار زحمت کرده و متقابلاً به آنها قدرتی با پشتیبانی مردمی داده بود که برای تامین نان شهر دست به هر کاری بزنند و از سنگر سیاسی مشروطه‌خواهی و دموکرات منشی به کارهای انقلابی بپردازند.

ادامه دارد

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

آیینه

مصدق به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی

مراجعت به ایران

ادامه از صفحه اول

و قریب به این مضمون درآمده بود: محمد(ص) در سن چهل سالگی خود را نمایندهٔ خدا پنداشت! سپس آنچه در اثبات بی‌دینی لازم بود در آن شماره نوشته شده بود. در دادگاه نظامی هم که در سلطنت‌آباد برای مطالب دیگری تشکیل شده بود، باز موضوع این تز و تکفیر به میان آمد که چون متن فرانسه آن در ۲۸ مرداد به غارت رفته بود، ترجمه آن را که به فارسی نسخ بسیار داشت تهیه کردم و تسلیم دادگاه نمودم.

من کار ندارم که این نسبت‌ها به‌جا بود یا نبود. می‌خواهم این را تذکر بدهم که هر قدر جرائد مغرض و مزدور از این قبیل مطالب نوشتند، بر وزن من در جامعه افزود و ظاهراً دو علت بیشتر نبود: یا حرف‌های مخالفین را مغرضانه و بی‌اصل می‌دانستند و یا اعمالم را در خیر مملکت تشخیص داده و می‌خواستند به من بیشتر اظهار اعتماد کنند تا از کار مأیوس نگردم و خود را در حمایت جامعه بدانم و غیر از این نمی‌توان برای آن همه احساسات نسبت به من جهت دیگری تصور نمود.

به‌طور خلاصه هر قدر به من توهین کردند و بد گفتند بر اعتبار و اهمیت من افزود و آن وقت پی‌بردم به اینکه مادرم چه حرف بزرگی زده بود که گفت: «وزن اشخاص در جامعه به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند» و این پند آن چنان در من تأثیر نمود که هر وقت موضوعی پیش می‌آمد که با منافع مردم تماس داشت، از همه چیز می‌گذشتم و به‌خود می‌گفتم: آنجا که نفع مردم تأمین نباشد نفع افراد تأمین نخواهد بود و همین توجه به افکار بود که وقتی رئیس دولت شدم چون مسوول نیک و بد مملکت بودم، به‌اطلاع عموم رسانیدم هر انتقادی که جرائد نسبت به اعمال من بکنند مورد تعقیب قرار نخواهند گرفت و از این اعلامیه مقصود این بود که از توقیف روزنامه و باز داشت هراس نکنند، از اعمال من و دولتم انتقاد نمایند تا چنانچه منصفانه بود من اعمال خود را با نظریات مردم تطبیق دهم و این کار سبب شود که بتوانم خدمت بیشتری بکنم و اعتماد جامعه را به خود جلب نمایم.

آزادی بیان و قلم از این جهت جزء ارکان مشروطیت است که مردم را به نیک و بد امور آگاه و بشناسائی افراد هدایت می‌کنند. اگر بیان آزاد نبود و قلم کار نمی‌کرد چطور ممکن بود به هویت اشخاص و اعمالشان پی‌برد و چطور می‌شد که اعمال متصدیان امور را بررسی کنند و به حالشان معرفت پیدا نمایند؟ کسانی که از بیان و قلم هراس کنند و از آن جلوگیری نمایند تنها نه مرتکب عملی می‌شوند که مخالف قانون اساسی است بلکه خدمت به اجانب و خیانت به وطن می‌نمایند.

از مطلب دور شدم و اکنون باصل موضوع که آغاز محاکمه طرفین است می‌پردازم:

عضویت در جمعیت دموکرات ضد تشکیلی

پس از کناره‌گیری از معاونت وزارت مالیه بدون هیچ سابقه و اطلاع قبلی، کارتی از جمعیت دموکرات ضدتشکیلی رسید که به عضویت آن انتخاب شده بودم.

توضیح آن که: در جنگ اول جهانی که سران حزب اعتدال و حزب دموکرات از ایران مهاجرت کردند، عده‌ای از اعضای حزب دموکرات در طهران از این نظر که ارتباط بعضی از افراد حزب با سیاست خارجی ممکن است حزب را تحت تأثیر قرار دهد و تصمیماتی اتخاذ کنند که برخلاف مصالح حزب و منافع مملکت تمام شود، این طور عقیده داشتند که مادام که سران حزب در خارج از کشور به سر می‌برند، از اتخاذ هرگونه تصمیمی به نام حزب خودداری شود. در صورتی که عده دیگر را عقیده این بود که مهاجرت بعضی از سران حزب نمی‌بایست حزب را از فعالیت‌های سیاسی باز بدارد و نتواند وظایفی را که طبق مرامنامه دارد، انجام دهد. این دو نظر که با هم شدیداً مخالف بود، سبب شد که در حزب انشعاب روی دهد و آن دسته از اعضاء که نمی‌خواستند به نام حزب کاری بشود، به دموکرات ضدتشکیلی مشتهر گردند و به هر عملی که از هر دولت و برخلاف مصالح مملکت صادر می‌شد در جرائد مسلکی و هم فکر اعتراض کنند و با دولت وثوق که یک دولت دست‌نشانده خارجی و از نظر اجرای یک سیاستی به تمام معنا استعماری تشکیل شده بود، مبارزه دامنه‌داری را شروع نمایند.

تشکیل دولت وثوق طبق نقشه‌هایی بود که چند ماه قبل از تصدی او به کار ترسیم شده بود و به واسطه تلقین عمال سیاست خارجی در خود دولت‌ها و در خارج اجرا می‌گردد.

از این چه بهتر که دولت‌های مورد اعتماد جامعه کاری بکنند و برای تشکیل دولت مطلوب سیاست خارجی و کارهای او زمینه‌هایی که لازم بود، حاضر نمایند. زمینه اول این بود: روزنامه «رعد» به مستوفی رئیس دولت بد نوشت و توهین کرد، ولی به جای عفو و اغماض و یا توقیف همان یک روزنامه، بعضی از وزراء چنین اظهارنظر کنند که توقیف یک روزنامه مخالف بی‌طرفی است و بهتر آن است که تمام جراید توقیف شوند و غیر از روزنامه «ایران» که با کمک دولت منتشر می‌شد و یک جریده نیمه رسمی بود روزنامه‌های دیگر تمام در محاق تعطیل درآیند.

من در هیئت وزیران بودم که صبا مدیر روزنامه «ستاره ایران» از وزیر کشور درخواست نمود شماره اخیر آن را که حروفش چیده شده بود، منتشر کند که مورد موافقت قرار نگرفت و تا آن وقت غیر از زمان محمدعلی شاه، آن هم بعد از بمباران مجلس، سابقه نداشت که دولت از انتشار تمام جراید جلوگیری کند. با این حال این تصمیم در افکار زیاد تأثیر بد ننمود، چون که عده‌ای از جرائد از هر گونه توهین به اشخاص از مرده و زنده خودداری نداشتند و جامعه از طرز رفتار این جراید ناراضی بود و شخص مستوفی‌الممالک هم که مورد اعتماد جامعه بود، دولت او هر چه می‌کرد مردم بد تلقی نمی‌کردند.

صمصام‌السلطنه هم که مردی وطن‌پرست بود با پیشنهاد برقراری حکومت نظامی از این نظر که تا افتتاح دوره چهارم تقنینیه دوام کند، موافقت نمود. دیگر نه روزنامه‌ای بود که افکار جامعه را منتشر کند، نه آزادی و اجتماعاتی که مردم بتوانند از اعمال دولت انتقاد نمایند. قانون حکومت نظامی که مجلس دوم آن را برای حمایت از مشروطیت تصویب کرده بود، بر علیه آزادی و مشروطیت به کار رفت و به قول معروف در حکم مرغی قرار گرفت که در عروسی و عزا هر دو آن را مصرف کنند و یا در حکم طپانچه‌ای که دوست و دشمن هر دو از آن استفاده نمایند. دولت متکی به افکار عمومی آن را بر علیه عمال بیگانه و دولت‌های دست‌نشانده سیاست خارجی آن را بر علیه آزادی به کار برند و هر کدام به منظور خاصی از آن حسن استفاده یا سوء استفاه نمایند.

اگر به واسطه توقیف جرائد و منع اجتماعات، نتوانستند با دولت صمصام مبارزه کنند، برای تشکیل یک دولت متکی به سیاست خارجی راه مسدود نبود، همچنان که احمدشاه

ورودم در «میلان» تصادف نمود با خبر تصرف بادکوبه به دست کمونیست‌ها. از آنجا به «رم» رفتم

هم با صدور یک دستخط، وثوق‌الدوله را به ریاست وزراء نصب و صمصام را عزل نمود و تا انعقاد قرارداد از کاری که برخلاف قانون اساسی کرده بود، متأثر نبود؛ ولی بعد که توجه نمود اگر صمصام را عزل نکرده بود، از انعقاد قرارداد مسئولیتی متوجه او نشده بود می‌خواست از هر فرصتی که پیش آید، استفاده کند و این لکه ننگ را از دامن خود بزداید و آن وقتی بود که شاه را برای تأیید قرارداد به لندن بردند و برای این کار مجلسی برپا کردند، ولی با تمام اصراری که وزیر خارجه و تهدیدی که نایب‌السلطنه سابق برای تأیید آن نمود، حاضر نشد حتی یک کلام در نطق رسمی خود از آن اسم ببرد، یا در این باره حرفی بزند.

من آن وقت در سوئیس بودم و از شخص مطلعی شنیدم که با آن همه اصرار و تهدیدی که کردند شاه زیر بار نرفت و گفت از من دعوتی کرده‌اند باید تشکر کنم، صحبت از قراردادی که تا مجلس آن را تصویب نکند معتبر نیست مورد ندارد و این مقاومت منفی سبب شد که مردم وطن‌پرست در مملکت به شاه تأسی کنند و آن قدر با قرارداد مخالفت کنند تا دولت انگلیس از اجرای آن مأیوس شود و برای اجرای سیاست خود در ایران فکر دیگری بنماید. خلاصه این که شاه به واسطه مخالفتی که نمود از بین رفت و خوشنام آن پادشاهی که در خیر مملکت از سلطنت گذشت.

بعد از تشکیل دولت وثوق، تنها نه موافقین دولت صمصام بلکه مخالفین آن هم که تصور می‌نمودند از تشکیل دولت وثوق خطراتی متوجه مملکت می‌شود با آن مخالف شدند و

یکی از روزها که صمصام‌السلطنه به خانه من آمد، ابتدا به ساکن و قبل از هر صحبتی گفت: عجب شکری خوردم که شهر را نظامی کردم! گفتم: صحیح است که خندید. سپس اظهار نمود: نه روزنامه‌ای هست که مردم اظهار کنند، نه آزادی که در یک جا جمع شوند و نسبت به اوضاع ابراز عقیده نمایند. این است که تصمیم گرفته‌ایم مجلس روضه‌ای برپا کنیم و بدین‌وسیله، خطراتی را که متوجه مملکت می‌شود، گوشزد نماییم.

روضه در مسجد شیخ عبدالحسین معروف به مسجد آذربایجانی‌ها سرگرفت و از همه جا جمعیت هجوم کرد. هر کس می‌خواست وزیر یا رئیس دولت بشود، آنجا می‌آمد.

وعاظ هم آنچه لازم بود می‌گفتند و از سوابق سیاسی رئیس دولت مردم را برحذر می‌نمودند و چیزی نمانده بود ایام عزاداری تمام شود که رئیس دولت در فرح‌آباد به شاه شکایت نمود و او را به استعفای خود تهدید کرد و همین که به شهر رسید، دستور داد چادر را بیندازند و مردمی را که برای استماع ذکر مصیبت جمع شده بودند، متفرق کنند که از همانجا عده‌ای به خانه صمصام‌السلطنه رفتند و بعضی‌ها هم در فرح‌آباد تحصن اختیار کردند و این تظاهرات چند روز و چند شب ادامه داشت تا این که از هر دو جا بدون اخذ نتیجه متفرق شدند و عده‌ای از مخالفین دولت من جمله میرزا تقی‌خان بینش آق‌اولی و کمال‌السلطان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران را ـ که با من ارتباط داشتند ـ دستگیر و به قزوین تبعید نمودند.

قبل از تشکیل دولت وثوق، سلطان‌العلماء بروجردی وکیل دوره چهارم تقنینیه به خانه من آمد و گفت: عنقریب دولت او تشکیل می‌شود، چنانچه مایل باشید در این دولت شرکت کنید، یکی از پست‌های وزارتی را برای شما حفظ کند که از نظر مخالفت مرامی عذر خواستم. چیزی نگذشت که اداره تشخیص عایدات آتش گرفت و این کار عنوانی شد که وزیر مالیه خانه من بیاید و مرا برای تشکیل مجدد آن اداره و جلوگیری از خسارت دولت دعوت کند که چون نمی‌خواستم در آن دولت کاری قبول کنم، موافقت خود را موکول به استخاره نمودم. ولی عصر آن روز که وزراء به فرح‌آباد رفتند به عرض شاه رسانیدند و مرا در مقابل کاری انجام شده قرار دادند که چون در حدود پنج سال بود دو فرزندم در اروپا بودند و ندیده بودم، از قبول کار معذرت طلبیدم. از ایران رفتم و متجاوز از یک سال در سوئیس به سر بردم.



اروپای قدیم

سفر به اروپا و مراجعت به ایران

تصمیم مسافرتم سبب شد که ابوالفضل میرزا عضدالسلطان شوهر خواهرم (اکنون سناتور عضد) برای دیدار فرزندان خود که قبل از جنگ آنها را در خانواده‌هایی گذاشته بودم، با من همسفر شود. بعد شعاع‌السلطنه هم تلفن نمود در مسافرت با هم باشیم که عدهٔ مسافرین با دختر وی ابوالحسن دیبا برادرم، به پنج نفر رسید.

در آن وقت سیاست خارجی با دولت وثوق کمک می‌کرد. ویژه مرتباً ۳۶۰ هزار تومان به دولت وام می‌داد که تأخیر پرداخت حقوق موجب عدم رضایت صاحبان حقوق نشود و دولت بتواند افکار جامعه را جلب کند و خود را برای اجرای سیاست خارجی مجهز نماید و همچنین برای ارضای جماعتی دولت تصمیم گرفت هرکس حقوقی داشت که می‌خواست واگذار کند آن را در ازای پرداخت چهار برابر وجه نقد خریداری نماید و این همان حقوقاتی بود که مجلس اول یا مبلغی از آن کسر نموده و یا تمام را ابقاء کرده بود ولی نظر به این که وضعیت مالی مملکت رضایت بخش نبود، دولت بیش از ۵۰ درصد نمی‌پرداخت و احتمال می‌رفت که باز از این هم تنزل بکند و یا از بین برود که من نیز ۱۲۰۰ تومان حقوق خود را که بیش از ۶۰۰ تومان عایدم نمی‌شد در ازای ۴۸۰۰ تومان به دولت واگذار کردم که ۲۸۰۰ تومان به قروضم رسید و ۲۰۰۰ دیگر را که آن وقت در حدود ۲۰ هزار فرانک سوئیس بود، برای مخارج مسافرتم به اروپا تخصیص دادم.

بقاء‌الملک برادر حسین سمیعی ادیب‌السلطنه که در سال اول جنگ از ایران مهاجرت و در اسلامبول اقامت نمود، از من تقاضا نمود معادل یک هزار تومان منات روسی با خود ببرم و در اسلامبول به ادیب‌السلطنه تسلیم کنم و در جواب سؤال من که: چرا ارزهایی که داد و ستد می‌شود، تهیه نمی‌کنید و مناتی که از رواج افتاده است می‌فرستید، اظهار نمود اکنون صد منات در طهران سه تومان ارزش دارد در صورتی که در اسلامبول در حدود ده تومان معامله می‌شود و یک هزار تومان مناتی که شما ببرید کار سه هزار تومان را خواهد کرد. گفتم: اگر مناتها در راه سرقت شود، با من چطور معامله خواهند کرد؟ گفت: اگر شما چنین اظهاری بکنید کسی از شما چیزی مطالبه نخواهد نمود و در همین زمینه نوشته‌ای به من سپرد. من هم دو هزار تومان خود را منات خریدم که در اسلامبول به فراک سوئیس تبدیل کنم که از حسن اتفاق هیچکدام در عرض راه سرقت نشد و سالم به مقصد رسید.

در قزوین به هر وسیله که بود بینش و صبا را در خانه‌ای که دولت آنها را توقیف کرده بود، دیدم. در عرشه کشتی هم که از پهلوی به باد کوبه می‌رفتیم، نوابی نیرالسلطان را که جزء تبعید شدگان به قزوین بود، ملاقات نمودم.

نیرالسلطان یکی از اشخاص وطن‌پرست بود که روزنامه «صدای ایران» را منتشر می‌کرد و نظر به این که با یکی از متهمین وزارت مالیه دوستی داشت، موقعی که محاکمه آنها در جریان بود با من روابطی نداشت، ولی بعد که دولت وثوق تشکیل شد همه با هم مربوط شدیم و در طهران و اروپا همکاری کردیم. او در پاریس و من در سوئیس از مخالفین سرسخت قرارداد بودیم و اعتراضات خود را به جامعهٔ ملل تقدیم نمودیم.

نظر به این که در جریان جنگ مشکلاتی برای مسافرت ایجاد شده بود، توقف ما در باد کوبه و تفلیس و باطوم برای به دست آوردن جا در راه آهن و کشتی هر کدام در حدود ده روز طول کشید و ظرف این مدت منات در اسلامبول تنزل کرد. منات‌ها را که به ادیب‌السلطنه دادم، تصور می‌کردم به قدر دو هزار تومان خوشوقت شود. آنها را گرفت و چیزی هم نگفت و مثل این بود که ناراضی است و ناچار شدم علت را سؤال کنم. گفت: آن وقت که بقاء‌الملک از شما خواهش کرده بود، منات در اسلامبول سه برابر ارزش طهران معامله می‌شد، ولی اکنون بیش از همان هزار تومان عاید من نخواهد شد و من از این جهت که شما را زحمت داده‌ام، بسی متأسفم و حاق مطالب این بود که گفت، چون که با خود من هم در اسلامبول کسی بیش از این معامله ننمود.

شعاع‌السلطنه و عضدالسلطنه بدیدن محمدعلی میرزا برادر خود رفتند و مجلس عقدی هم برای وصلتی که بین محمدعلی میرزا و شعاع‌السلطنه صورت می‌گرفت منعقد کردند، ولی من به دیدن شاه مخلوع نرفتم، تا یکی از روزها احتشام‌السلطنه سفیر کبیر با من مذاکره نمود و این طور مصلحت دانست که به دیدن او بروم که با تعیین وقت این کار شد و صحبت در اطراف مخالفت‌هایی دور زد که شاه با آزادیخواهان و مشروطه طلبان کرده بود.

توقف ما در اسلامبول نیز چند روز طول کشید تا یک کشتی فرانسوی که در جنگ مورد اصابت قرار گرفته بود به اسلامبول رسید و توانستیم به مقصد رومانی حرکت کنیم و از آنجا با راه آهن مسافرت خود را ادامه دهیم و چون اولین دسته مسافری بودیم که بعد از اعلان آتش بس از ترکیه به «کنستانزا» رسیدیم، چند ساعت در کشتی ماندیم تا تلگرافی که از اسلامبول راجع به ورود ما مخابره کرده بودند، رسید و اجازه دادند از کشتی خارج شویم.

راه آهن کنستانزا ـ بخارست به قدر مسافرین جا، نداشت. من و عده‌ای از مسافران از نردبان واگون بالا رفتیم و قسمت زیادی از خط سیر را؛ روی سقف به سر بردیم. شعاع‌السلطنه باز از این نظر که عموی پادشاه است و مأمورین رسمی باید وسایل حرکت او را فراهم کنند می‌خواست چند روز ما را در بخارست معطل کند که به خواهش من از این کار صرف

در هیئت وزیران بودم که صبا مدیر روزنامه «ستاره ایران» از وزیر کشور خواست شماره اخیر را منتشر کند

نظر کرد. گذرنامهٔ خود و دخترش را به من داد که مثل گذرنامهٔ خودم جریان رسمی را طی نمود.

قونسول ایران در بخارست که از قوم یهود بود و این خدمت افتخاری را برای استفادات دیگری می‌نمود، از ویزای تذکرهٔ عضد و من برای ورود به سوئیس خودداری نمود و گفت: پسر خودم هم که می‌خواست برای تحصیل به سوئیس برود، قریب چهل روز طول کشید تا اجازه ورودش از آنجا رسید. گفتم: چون ما نمی‌توانیم در این جا به انتظار صدور اجازه بمانیم، تذکره ما را هم مثل سایر گذرنامه‌ها برای پاریس ویزا کنید که این کار شد و توقف ما در آنجا بیش از دو روز طول نکشید و از ممالکی که قبل از جنگ به آن صورت وجود نداشت، گذشتیم و هنوز مسافتی مانده بود که به خاک سوئیس برسیم بازرسانی از آن دولت وارد راه آهن شدند و پس از ملاحظهٔ گذرنامه‌ها به هریک از مسافرین کارت‌هایی برای آنچه از خواربار درین کشور جیره بندی شده بود، دادند، ولی به عضد و من از این جهت که اجازه ورود نداشتیم داده نشد و در جواب سؤال من که چنانچه در ایستگاه لوزان پیاده شویم مشمول چه مجازاتی می‌شویم؟ پلیس شما را خارج خواهد نبود. گفتم: این که چیزی نیست و ما پیاده می‌شویم.

سپس یکی از آنها ما را زیر نظر گرفت که ببیند چه طریقی اتخاذ می‌کنیم و همین که ترن به ایستگاه لوزان رسید و دید که ما در شرف پیاده شدنیم، گفت: تذکره را بدهید و بعد پیاده شوید. گفتم: چقدر کار ما سهل شد. این هم گذرنامه‌ها. سپس گفت: چون کارت جیره‌بندی ندارید چه می‌کنید؟ گفتم: مشکل بزرگ ما با تسلیم گذرنامه حل شد، این مشکل هم با دادن پول حل خواهد شد. گفت: معلوم می‌شود که شما سابقاً در سوئیس بوده‌اید. گفتم: بلی سوئیس برای من مثل یک وطن ثانوی است که از این حرف بدش نیامد. دستی به من داد و ما پیاده شدیم.

و اما راجع به اجازه اقامت چون در هتل اعلان شده بود که هر مسافری باید پس از ۲۳ ساعت توقف، جواز اقامت خود را ارائه دهد همه روز قبل از انقضای مدت جا عوض می‌کردیم تا در نتیجه اقدامات امیر سهام‌الدین غفاری ذکاءالدوله وزیر مختار ایران در سوئیس اداره پلیس بیگانگان جواز اقامت ما را صادر نمود و توقف ما در آنجا طبق مقررات درآمد.

* * *

من همیشه در این فکر بودم اگر روزی نتوانم در ایران به وطن خود خدمت کنم، محل اقامت خود را در سوئیس قرار بدهم و از همین لحاظ در آنجا کارآموزی کرده تصدیقنامه وکالت گرفتم و چون استفاده از این شغل موکول به تحصیل تابعیت بود، درخواست تابعیت نمودم که شرح آن در فصل سیزدهم گذشت. ولی توقفم در تمام مدت جنگ در ایران سبب شده بود که کارم ناتمام بماند و به واسطه پیش آمد جنگ عده زیادی از ملل مختلف از آن دولت درخواست تابعیت کنند و دولت نیز برای احتراز از هرگونه مشکلات مدت اقامت سه سال را که یکی از شرایط قانون سابق بود به ده سال افزایش دهد تا کمتر بتوانند درخواست تابعیت بنمایند و چون مدت اقامت من در سوئیس بیش از چهار سال نبود، مشمول مقررات قانون جدید نگردیدم.

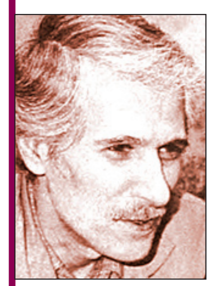
در آنجا بودم که قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ معروف به قرارداد وثوق‌الدوله بین ایران و انگلیس منعقد گردید که باز تصمیم گرفتم در سوئیس اقامت کنم و به کار تجارت پردازم. مقدار قلیلی هم کالا که در ایران کمیاب شده بود، خریده به ایران فرستادم و بعد چنین صلاح دیدم که با پسر و دختر بزرگم که ده سال بود وطن خود را ندیده بودند، به ایران بیایم و بعد از تصفیه کارهایم از ایران مهاجرت نمایم. این بود از همان راهی که رفته بودم به قصد مراجعت به ایران حرکت نمودم.

ورودم در «میلان» تصادف نمود با خبر تصرف بادکوبه به دست کمونیست‌ها. از آنجا به «رم» رفتم، شاید بتوانم تذکره خود را از خط هندوستان تحصیل کنم. مفخم‌الدوله وزیر مختار که از دوستان قدیم من بود، به این کار موفق نشد و چون مسافتی از راه طی شده بود، به مسافرت ادامه دادم.

ادبستان

شعر و زبان فارسی در نشستی با استاد مهرداد اوستا

کتاب سلمان



این موضوع حتی بین عارفان و شاعران بزرگ ما مثل: سنایی، عطار و مولانا ـ که هر سه به اصطلاح قلل رفیع عرفان ما هستند ـ مطرح است و این سه شاعر عارف، هر یک بنوعی در بیان حقایق عرفانی نظر داده‌اند و هیچ یک تابع دیگری نبوده است. درست است که مولوی می‌گوید: «من پیرو عطارم» و یا: «ما از پی سنایی و عطار آمدیم.» بله، اندیشه‌های آنها را گرفته و از فکر آنها، ذهنش را انباشته ولی سخن خودش را بیان کرده است، یعنی، نه عین مطالب آنها را، مثلاً سنایی می‌گوید: «سر همان جا بنه که خوردی می» و مولوی می‌گوید: «سربنه آنجا که باده خورده‌ای» اینها هر دو، گفته‌اند، امّا هر یک نوعی بیان خاصّ خود دارند؛ یا «سیف فرغانی» می‌گوید:

بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد شد

و حافظ می‌گوید:

بر سر تربت ما چون گذری همّت خواه
که زیارتگه رندان جهان خواهد بود

می‌بینید که حافظ «شد» را «بود» کرده است. ولی حرف حافظ، حرف دیگری است. اینجاست که بین «توارد»، یعنی اینکه شاعری حرفی را عیناً بیاورد و اینکه شاعری تعمّد دارد که «اغاره» [غارت] کند، فرق هست. شاعر در اینجا تعمّد داشت تغییر بدهد و مطالب را زیباتر بیان کند، حتی اگر با یک کلمه باشد.

سالها پیش دیوان «سلمان ساوجی» با مقدّمه‌ای مبسوط و جامع به وسیلهٔ شما تصحیح و چاپ شد و در حال حاضر نایاب است، آیا قصد تجدید چاپ آن را ندارید؟ آیا دیوانی از شاعران گذشتهٔ فارسی در دست تصحیح و تنقیح ندارید؟ اصولاً دربارهٔ دیوانهایی که در حال حاضر هست و تنقیح شده چه نظری دارید؟ لطفاً درباره روش تصحیح دیوانها و متون فارسی، رهنمودهایی بفرمایید.

پیش از وجود علاّمه «محمد قزوینی» هر کتابی که بیرون می‌آمد، به وسیلهٔ نویسندگان استنساخ می‌شد. نویسنده در این کار اگر کلمه یا عبارتی را نمی‌فهمید و کورسوادی داشت و به قول معروف صاحب‌ذوقی بود، کلمات را به نظر خودش، عوض می‌کرد. به همین علّت است که ما در حال حاضر کتابی که به اصطلاح از تندباد تصرّف غیرقابل گذشت نویسنده در امان مانده باشد، نداریم. دیوان حافظ را اولین بار علاّمه قزوینی با همان شیوهٔ اروپایی با اصل قراردادن یک نسخه، تصحیح کرد. امّا به عقیدهٔ من، دیوان یک شاعر را باید یک شاعر تصحیح کند. چون اگر تصحیح‌کننده، شاعر باشد در هنگام بررسی، مثلاً در بین چند کلمه، آن کلمه‌ای که با شعر هماهنگی بیشتری دارد و مناسبتر است، انتخاب می‌کند، امّا اگر شاعر نباشد و ذوق هنری و شاعری نداشته باشد، غالباً دچار گرفتاری می‌شود. نکتهٔ دیگر، آنکه مثلاً دربارهٔ «شکسپیر»، حتی نامه‌های خصوصی‌اش را در دست دارند و همه می‌دانند که زندگی این شاعر و نویسندهٔ شهیر از جوانی تا پیری، چگونه گذشته است، ولی از «صائب تبریزی» ما که تقریباً همزمان با او بوده، هیچ چیز در دست نیست. از سعدی، حافظ و دیگر شاعران بزرگ، اطلاعات زیادی نداریم. می‌دانید چرا؟ چون آثار این شاعران پی‌درپی نوشته شده و هر کسی برای دیگری آنها را نوشته و همه بر حسب درک ذوق شخصی تغییراتی در متن و شعر داده‌اند...

امّا دربارهٔ کتاب «سلمان»، و عیب بزرگ این کتاب، اینکه، نسخه بدل ندارد. علّتش این بود که من در آن هنگام، خیلی جوان بودم و ۲۲ سال داشتم، طبیعتاً آن پختگی و مهارت کار را نداشتم و بهترین روش، همان روشی است که مثلاً «دکتر خانلری»، «علاّمه قزوینی»، «نیکلسون» در مثنوی مولوی به کار برده‌اند.

جناب استاد، لطفاً درباره آثار منثورتان برایمان بگویید، آیا قصد تجدید چاپ آنها را ندارید؟

بنده از سالهای پیش، سه اثر دارم. یکی «تیرانا» است که به صورت مقدّمه‌ای برای کتاب «شراب خانگی ترس محتسب خورده» است. دیگر «سرود پالیزبان» است، شامل چند داستان و نوشته که مربوط به روزگار خاصّی می‌باشد. یکی هم، کتاب «از امروز تا هرگز» که شامل چند داستان و واقعه است. در مورد تجدید چاپ اینها، بله، قصد دارم، ان‌شاءالله.

از اینکه وقت عزیزتان را در اختیار ما گذاشتید، خیلی متشکر هستیم.

پایان

ایران

زهیر رضوی | ۲

از میراث مستوفی



عمارت‌های دولتی

در سی سال قبل روزی در اندرون نشسته بودم. دیدم می‌گویند احمد آقای نوکر قدیمی خانه، با من کاری دارد. از اندرون بیرون آمدم. همین که از بیخ دالان گذشتم، هنوز وارد حیاط نشده بودم، احمد آقا را دیدم جلوی ایوان ایستاده، چند دست لباس کهنه که سابقاً به او داده بودم جلوش گذاشته، برخلاف ادب آقا و نوکری از همان دور گفت: «آقا این لباس‌ها را می‌شناسید؟» گفتم: «این لباس‌های من است که در دو سه سال قبل به تو بخشیده‌ام. این سؤال برای چیست؟» گفت: «مرا متهم می‌کنند که این لباس‌ها مال من نیست.» گفتم: «کدام احمق این حرف را زده است.» گفت: «نمی‌توانم عرض کنم کی گفته است و چون برای تبرئه من لازم بود، باعث تصدیع شما شدم، دیگر عرضی ندارم.» نوکرهای قدیمی از این ننری‌ها دارند که باید تحمل کرد، من هم این موضوع را یکی از آن‌ها دانسته دیگر از او تحقیقی نکردم که بدانم گوینده این حرف کیست؟ بعد از چند روزی آقای سرهنگ پاشاخان که در آن وقت پایور نظیمه بود، به ملاقات من آمد و گفت: «آژانی از شما شکایت داشت که در حین انجام وظیفه به او توهین کرده‌اید.» موضوع لباس و نوکر را که تعریف کرد، دانستم موضوع چیست؟ به آقای سرهنگ گفتم: «شما به او چه گفتید؟» گفت: «به او جواب دادم کسی که اصلاً تو را ندیده و با نوکرش سؤال و جواب می‌کرده چه توهینی به تو کرده؟ من هم احمدآقا و هم آقای او را خوب می‌شناسم به آن‌ها این حرف نمی‌چسبد.» گفتم: «آژان با این بیان شما قانع شد؟» گفت: «به! چه می‌فرمایید. می‌خواست شما را هم شریک جرم کند!» یقیناً اگر احمدآقا دو سه‌قران به او داده بود، سر قضیه هم می‌آمد. ولی چون آقای آژان شکار از دستش در رفته بود، می‌خواسته است قضیه را گنده‌تر کند. منتها سرهنگ پاشاخان که باید دوسیه را تنظیم کند، کوتاه آمده است. شاید اگر پایور دیگری بود، بنده به اتهام توهین به مأمور قانونی گرفتار استنطاق و رفتن به محکمه جزا هم می‌شدم.

من وقتی که استاندار آذربایجان‌غربی بودم، می‌دیدم که سرلشکر آنجا، مرد لایعلم متکبر هم، همین تدبیر را نسبت به مردم و نظامیان و زیردستان متعدی خود به کار می‌بست و مردم بدبخت را به محاکمه نظامی تهدید می‌نمود و چون دوره، دوره دیکتاتوری نظامی بود کسی جرئت ژکیدن نداشت. حتی تیمسار سرلشکر اگر می‌شنید کسی بر ضد زیردستان او در خفا از این قبیل حرف‌ها به میان آورده، او را می‌خواست و به محاکمه نظامی تهدیدش می‌کرد. این سرلشکرها از قماش همان فراش‌ها و قزاق‌های اشتهاردی ادوار قبل بودند که بر حسب تصادف و پیشامد روزگار، به این مقامات عالی رسیده، سهل است، در دوره دموکراسی به مقامات بالاتر هم ارتقا یافته و امروز هم با مکنت بی‌حساب خود به ریش همه می‌خندند.

سرایدار خانه

عمارات دولتی و اثاثیه آن‌ها مستحفظین و مواظبت‌کنندگانی لازم داشت که آن‌ها را تمیز نگاه دارند. به اشخاصی که مواظب این خدمت بودند، سرایدار می‌گفتند. فرش‌ها و اثاثیه عمارت تحویل آن‌ها می‌شد. گذشته از عمارات شهری، در صاحب‌قرانیه و سلطنت‌آباد و شهرستانک و جاجرود و سرخه‌حصار و دوشان‌تپه و عشرت‌آباد و دولت‌آباد و نجف‌آباد و کرج هم عمارات سلطنتی بود که حفظ اثاثیه این نقاط هم با سرایدار خانه بود و سرایدارباشی و نایبان سرایدارخانه، با افراد خود این مهم را انجام می‌کردند.

بنّاییها ، از حیث پرداخت اجرت و کرایهٔ مصالح و از حیث خرید لوازم ، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بنّاخانه می‌گفتند

در این کار هم ناصرالدین شاه نظمی برقرار کرده و صورت و ثبت‌هایی از این اثاثیه موجود بود که آن‌ها را از تلف و تفریط محفوظ می‌داشت. در سال ۱۳۰۹ قمری یک نفر سرایدار به فکر سرقتی از جواهر تخت شاه افتاد و چند پارچه آن را کند و برد. مطلب فاش و جواهرها استرداد و سرایدارباشی معزول و سرایدار اعدام شد. شاید این شدت عمل قدری زیاد به نظر آید ولی با روح حکومت استبدادی که ترس و رعب است متناسب بود و این شدت عمل اثاثیه سلطنتی را و لامحاله تا آخر سلطنت این پادشاه، از دستبرد حفظ کرد. چنان که حیف و میل‌های زیادی که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه در اثاثیه عمارات سلطنتی اتفاق افتاد، به واسطهٔ همان استبداد بی‌ترس بود حتی درخانه‌های رجال درباری و پیشخدمت‌ها هم از اثاثیه‌ای سلطنتی زیاد دیده می‌شد که معلوم نبود شاه به آنها بخشیده است یا آنها بدون هیچ تشریفات آنها را به منزلهای خود منتقل کرده‌اند. زیرا این پادشاه کم فکر از این بخششها هم داشت.

بنّاخانه و فخارخانه

ناصرالدین شاه از تمام شاهان قاجار بیشتر علاقه به ساختمان نشان داده است. عمارات دوشان تپه و عشرت‌آباد و صاحب قرانیه و سلطنت آباد و شکارگاه جاجرود و سرخه‌حصار و شهرستانک، و در تهران میدان توپخانه و عمارات شمس‌العماره و خوابگاه و حرمخانه و عمارت خورشید و عمارت گالری و تکیهٔ دولتی و اصلاح قصر گلستان، و خلاصه غیر از تالار تخت مرمر و موزه، اگر چیزی هم از ادوار قبل بوده، به امیر این شاه خراب و به سلیقهٔ زمان اصلاح و متناسب گشته است. آجر و گچ و آهک این بنّاییها از عشر محصول کوزه‌پزی‌های تهران بود که به عنوان مالیات از کوره‌پزها می‌گرفتند. معمارباشی و معماران درجه دوم هم که برای نقشه کشی و کارفرمایی لازم بود، مواجب دولتی داشتند. فقط مزد بنّا و عمله و سرعمله، و نجاری و یراق درها بود که احتیاج به پول داشت و این پول هم از خزانه راه می‌افتاد. ریاست بنّایی از وقتی که آقا محمدابراهیم امین‌السلطان روی کار آمده بود، تحت ادارهٔ او بود و کمتر سالی می‌گذشت که ساختمان مهمی بر ابنیهٔ سلطنتی نیفزاید.

این بنّاییها ، چه از حیث پرداخت اجرت و کرایهٔ مصالح از سرکوره تا پای کار و چه از حیث خرید لوازم ، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بنّاخانه می گفتند. در زمان مظفرالدین شاه ، این بنّا باشی گری نظر به دخلی که داشت، به میرزا محمودخان حکیم‌الملک، دکتر مخصوص شاه رسید و ایشان موقتاً به لقب وزیر ابنیه قانع شدند تا بعدها به لقب وزارت دربار نائل آیند.

ناصرالدین شاه چون به بنّایی علاقه داشت، اکثر سربنّاییها می‌رفت و با بنّاها و معمارها صحبت می‌داشت و دستوراتی هم می داد از جمله وقتی شمس‌العماره را می‌ساختند، روزی سربنّایی رفته، استاد شیرجعفر کاشی، معمار این ساختمان هم در خدمت شاه بوده است. شاه می‌بیند کلفتی دیوار را بیش از دو خشت و نیم نگرفته و در این قطر کم هم طاقچه و رفهایی به کلفتی یک خشت داده که قهراً این دو خشت و نیم را هم کم می‌کند. به استاد می‌گوید: «این دیوار نازک چگونه تحمل چهار پنج طبقه را خواهد آورد.» معمار به لهجهٔ خود جواب می‌دهد: «قربونت گردم! ترسیدم بادش ببره اگه نه از این هم نازکترش می‌گرفتم. من از سرمِ التزوم می‌دهم که کلوکش از جا در نروه» واقعاً هم همین طور است که معمار پیش‌بینی کرده است و این بنا با نازکی پی‌هایی که دارد، هنوز هم یک کلوکش عیب نکرده است. خدا، به زبان پیغمبرش، این اشخاص را رحمت کرده است. پیغمبر می‌فرماید رحم الله امرً عمل عملاً فاتقنه و خدا این استاد را بیامرزد و رحمی هم به بنّاهای دورهٔ خودمان بدهد؛ تا مهندس ساختمان غفلت کند، سیمان را روی دیوار گلی نکشند و به جای آهک با خاکروبه پی پرنکنند.

صندوقخانه و رخت‌دار خانه

صندوقخانه چون کارش تهیهٔ خلعت و نشان بود، جزء کارهای عمومی دولت محسوب می‌گشت. ولی رخت‌دارخانه از کارهای خصوص شاه بوده و این دو قسمت در تحت ریاست صندوقدارباشی اداره می‌شد. رئیس صندوقخانه به اندازهٔ لزوم خیاط و زرگر در تحت امر داشت که لوازم شغل خود را همیشه آماده داشته باشد. شال و برک، خز و سنجاب و زری، قلمکار و قدک و اجمالاً پارچه‌های نابریده‌ای که برای شاه هدیه می‌فرستادند، در صندوقخانه ضبط می‌شد و به مصرف لباس شخصی شاه و خلعت اعطایی می‌رسید. شاه برای هرکس خلعت می‌فرستاد، رسم بود به عنوان خلعت بها یا صندوقداری، شاه این شغل به یکی از پسرهای او موسوم به اماموردی میرزا محول بود و در زمان ناصرالدین شاه چندی محمدرحیم خان علاءالدوله که وزیر دربار و وزیر جنگ هم شد، این شغل را هم مثل فراش خانه و نسق‌خانه در ادارهٔ خود داشت و بعد از او این شغل به پسرش عبدالله خان کشیکچی‌باشی محول گردید، چنان که شغل فراش باشی و نسقچی‌باشی گری هم به دو پسر دیگرش واگذار شد.

ادامه دارد

نما

ایرج آدیگوزلی

پایان پوچ سلطنت؛ سقوط به روایت یک بیگانه

شاه؛ درعین ناامیدی

دیگران می‌گویند خیر، این‌بار انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها هستند که او را به خارج پرتاب می‌کنند. این عقیده‌ای است که در میان نزدیکان به دربار به نحو گسترده‌ای رواج دارد. اگر انگلیسی‌ها پشت‌سر کارنبودند پس چرا «بی‌بی‌سی» انتقاد و رهنمود مرتب پخش می‌کند؟ شاه شخصاً کوشیده است که دولت انگلیس را وادار سازد جلو گفتارهای «بی‌بی‌سی» را بگیرد. به نظر او نپذیرفتن این تقاضا از جانب انگلیسی‌ها یک خیانت آشکار به او است. می‌گویند موضع آمریکایی‌ها پیچیده‌تر است. اگر آنها می‌خواستند شاه بماند تا به حال به او گفته بودند.

کاخها و خانه‌های ثروتمندان در سراسر شهر خالی است. از هفته‌ها و حتی ماهها پیش اعضای خاندان سلطنتی و دربار شاهنشاهی آنها را تخلیه کرده‌اند. خروج آنان تا حدودی عاری از افتخار بوده است. گاهی چنین بنظر می‌رسید که کسانی که بیش از همه از ثروت بادآورده‌ای که شاه نصیبشان کرده بود استفاده برده‌اند، نخستین کسانی که کشور را ترک گفته‌اند و اعضای خاندان پهلوی در رأس اشخاصی قرار دارند که در پیش گرفتن راه تبعید پیشدستی کرده‌اند.

شاه از خواهر دوقلویش اشرف خواسته است که کشور را ترک کند، چون او مبدل به مظهر فساد و زیاده‌رویهای خانوادهٔ سلطنتی شده بود. دیوارها و کف اتاقهای کاخ او که اخیراً نوسازی و تزئین شده ـ و به عقیدهٔ بسیاری زیاد پرزرق و برق است ـ کاملاً برهنه است. قالیها و تابلوها بسته‌بندی شده و به یکی از خانه‌های اشرف ـ شاید در ژوان له‌پن، شاید به یکی از کاخهایش در مانهاتان، شاید در خانه‌اش در خیابان مونتنی پاریس، شاید به خانهٔ پسر معامله‌گرش شهرام که ثروتی افسانه‌ای اندوخته است در لندن، شاید به جزیرهٔ متعلق به او در سیشلز ـ منتقل شده باشد. پسر دیگر اشرف افسر نیروی دریایی است که بعدها نام او به اختصار و به نحوی غم‌انگیز در این کتاب خواهد آمد. او در یکی از شبهای اکتبر ۱۹۷۸ که در کاخ مادرش شام صرف می‌کرد به تابلویی که هنوز به دیوار آویخته بود اشاره کرد و گفت: «این یکی را فراموش کرده‌اند بردارند.»

از کاخ شاه در نیاوران، در ارتفاعات شمال تهران که ویلاهای ثروتمندان پیرامون آن جمع شده است ملکه فرح دیبا یک هواپیما پر از لباس و اشیائی که دیگران اثاث منزل می‌نامند به آمریکا فرستاده است.

مأموران گمرک در سراسر اروپای غربی و آمریکای شمالی با وضع عجیبی روبرو شده‌اند. چگونه می‌توانند قیمت اشیاء گرانبهایی نظیر جامه‌دانها و صندوقهای لبریز از قالی و تابلو و مبل و الماس و گردنبندهای مروارید و انگشترهای یاقوت و گوشواره‌های زمرد و نیمتاجهای زنانه و سرویسهای نقره را که از ایران وارد می‌شود ارزیابی کنند؟ بانکهای تهران در تقاضاهای انتقال پول غرق شده‌اند: تقریباً هر مرد و زن ثروتمندی در ایران ناگهان خواستار انتقال تلگرافی ثروتش به یکی از بانکهای سویس یا پاریس یا لندن یا نیویورک یا جزایر دریای کارائیب شده است. کارمندان بانک مرکزی دست به اعتصاب زده و از ارسال هرگونه تلکسی خودداری می‌کنند و اسنادی انتشار داده‌اند که از جمله دو تن از برادرزادگان شاه و یکی از امرای ارتش مبلغ ۲/٤ میلیارد دلار به بانکهای خارج انتقال داده‌اند.

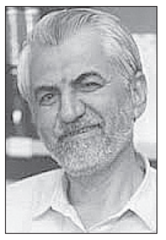
زمان نوشتن خاطرات و یادداشتهای روزانه فرا رسیده است. در لندن، پرویز راجی سفیر شاه که ضمناً ندیم والاحضرت اشرف! بوده است هر روز از جریان رویدادهایی که در کشورش رخ می‌دهد بر خودش می‌پیچد و فساد دربار را که خود در آن سهیم بوده است و فروپاشی رژیم را یادداشت می‌کند. او شایعه‌ای را نقل می‌کند ـ و البته بعدها معلوم شد صحت نداشته ـ که شاه در عین ناامیدی هفته‌ای سه بار برای کشیدن تریاک به خانهٔ یکی از دوستانش می‌رود.

ادامه دارد

کاروان

محمد کاظم کاظمی

شاعر «الماس آبی»



نصرالله مردانی در الماس آبی شاعری است با طبعی لطیف و تغزل‌گرا، با نیم نگاهی به طبیعت. آنچه در اینجا به گمان من ارزشمند است، بعضی شعرهایی است که در توصیف یک موقعیت خاص سروده شده و حاصل بیان شاعرانه یک تجربه ملموس و عینی است مثل «کبوتران کوهی»:

شب بود و گُل ستاره خندان/گیسوی عروس شب پریشان
آن سوی افق، سپاه مریخ/با چنگیِ زُهره پای‌کوبان
... در دشت، کبوتران کوهی/با جوجهٔ خود به لانه پنهان
افروخته شعله‌های آتش/در کومهٔ مِه گرفته دهقان
بنشسته کنار چشمه، غمگین/با نی لبک شکسته، چوپان

حضور «دهقان» و «چوپان» در این شعر از معدود موارد حضور انسان در شعر مردانی است. به راستی که آثار او تا حدود زیادی از حضور عناصر جاندار تهی است و طبیعت بیجان جای همه چیز را گرفته است. شاید به همین سبب این شعرها بسیار ایستا و بدون حس و حال به نظر می‌آید.

و باز از آن عناصر بیجان طبیعت، آنچه پیداست، بیشتر نام آنهاست و نه حضور ملموس و عینی‌شان:

گل نیلوفر نوری به باغ سبز رؤیایی
دهستان طلایی در دیار آرزوهایی
شمیم بکر شب‌بویی رها در کلبهٔ دهقاننسیم
صبح کوهستان به دست باد صحرایی
عروس پادشاه آسمان در قصر خورشیدی
گریز دختر مهتاب بر امواج دریایی

این نوع بیان، که باز هم در این کتاب نمونه دارد، آن لحن ادعاوار با قدرت اقناع‌کنندگی اندک را نشان می‌دهد که در نقد شعرهای علی موسوی گرمارودی بدان پرداختیم. بیشتر این مصراعها در این قالب بیان شده است که «تو چنین و چنان هستی». شاعر فضاسازی نمی‌کند؛ فقط ادعا می‌کند.

هشت: از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواخر دهه شصت، مردانی به اقتضای نیاز روزگار، به عرصه حماسه قدم می‌گذارد و بیشتر شعرهای معروف او حاصل این سالهایند. لحن بیان قدری شعاری است و در مواردی صریح و مستقیم:

از خوان خون گذشتند، صبح ظفر، سواران
پیغام فتح دارند آن سوی جبهه، یاران
در شطّ سرخ آتش نعش ستاره می‌سوخت
خون نامهٔ نبرد است آیین پاسداران
در کربلای ایثار مردانه در ستیزند
رزم‌آوران اسلام با خیل نابکاران
... در رزمگاه ایمان با اسبِ خون بتازند
تا وادیِ شهادت این قومِ سربه‌داران
... هابیلیان! کجایید؟ قابیلِ دیگر آمد
ننگ اَست جان سپردن در دخمهٔ تتاران

این شعرها از نظر زبانی بسیار محکم نیست و به ویژه قافیه‌ها و ردیف‌ها گاهی خوب جانیفتاده‌اند. آنچه اینجا بیشتر غلبه دارد، همان ترکیب‌سازی است و نام بردن از کلماتی که بار عاطفی یا معنایی قوی دارد؛ مثل «خون»، «شهادت» «ایثار» و «ایمان». فقط در شعر «سیاووش نسیم» بارقه‌ای از آن طبیعت گرایی قدیم مردانی دیده می‌شود و این در مجموع شعر قابل تأملی است.

رقص گل دوش ز سر برد چنان هوش نسیم
که دریده است در این معرکه تنپوش نسیم
... خفته در دره انبوه علف، سایه کوه
می‌چرد آهوی مهتاب در آغوش نسیم
... بادِ آواره شتابان رَوَد از کوچه صبح
گیسوی شاخه فرو ریخته بر دوش نسیم

شاعر ما در آن سالها، با شعرهای پرجوش و خروش خود، حضوری چشمگیر در عرصه رسانه‌ها و متون درسی دارد و یک نماینده نسبتاً جدی از شعر انقلاب به حساب می‌آید. به همین اعتبار پیروان بسیاری از جوانان پرشور می‌یابد که بعضی از آنان تا دهه هفتاد این سبک و سیاق را ادامه می‌دهند و بعضی نیز کم‌کم مسیری دیگر در پیش می‌گیرند. به هر حال مردانی در این سالها پررنگ‌ترین حضور خود را دارد.

از اواخر دهه شصت، در شعر مردانی نوعی «بازگشت ادبی» رخ می‌دهد که در کتابهای آتش نی، قانون عشق و چشمه شفا پیداست و نام همین کتابها خود از سرّ درون آنها خبر می‌دهد:

مستی چشم تو شوری که به صهبا افکند
مست برخاستگان را همه از پا افکند
پرتو مهرِ تو در حادثه صبح نخست
شورِ شیرین «شدن» در دل اشیا افکند
شب معراج تو ای عشقَ! ملایکَ دیدند
ذره خورشید شد و سر به ثریا افکند
... بر لب ساحل هستی نبوَد یافتنی
گوهری را که ز مژگان تو دریا افکند
... دیگر از جوشن ما تیر قضا هم نگذشت
آسمان تیر شهابش همه بر ما افکند

ملاحظه می‌کنید که سخن از «مستی و صهبا» است و «ذره و خورشید» و «ساحل و گوهر» و «تیر و جوشن»، یعنی عناصری از همان مجموعه‌های سنتی که پیش‌تر گفتیم.

اینها شاید حاصل تتبع شاعر در شعر کهن باشد، که از اواسط دهه شصت شروع شده بود و یکی از ثمرات آن سرایش منظومه ستیغ سخن بود که مثنوی‌ای است در معرفی شعر و شاعران فارسی با ذکر نام حدود هزار و دویست شاعر.

مردانی سخت بدان شعر باور داشت و ماهها از عمرش را بر سر کاری گذاشت که چندان سود و ثمری ندارد و از نوع به نظم کردن متون دینی یا آموزشی است که در این سالها سخت رایج شده و خوراک نهادهای رسمی و اکادمیک است و نیز رسانه‌هایی که بسیار دوست می‌دارند از ترجمه منظوم قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر متون گزارش دهند.

باری، آنچه در سه مجموعه شعر آتش نی، قانون عشق و چشمه شفا به طرزی محسوس قابل توجه است اصطلاحات عرفانی و فلسفی است و البته اینها بیشتر در حد اصطلاح باقی مانده است. حقیقت این است که شعر عرفانیِ اصطلاحی ما در دورانهای اوج خود هم چیزی به گنجینه زنده ادبِ فارسی نیفزود، چه برسد در این روزگار و با چنین بیانی:

آنچه من گم کرده بودم پیش از امکان یافتم
آفتاب عشق را در مشرق جان یافتم
صد هزاران کهکشان خورشید در ژرفای دل
آسمان در آسمان پیدا و پنهان یافتم
هر کجا شاخ محبت در دلی گل می‌کند
ریشه‌های سبز آن در عشق افشان یافتم
... در سرشت هیچ شیئی نیست قانون سکون
هرچه دیدم در جهان از خود گریزان یافتم

در این دوران شعرهای مناسبتی و تقدیمی هم در کارنامه شاعرِ ما رو به فزونی می‌گیرد که این هم از مقتضیات دهه هفتاد است و همِ از مقتضیات سن شاعر؛ چون معمولاً آدمها در چنین سنینی بیشتر به این گونه شعرها می‌گرایند.

با این هم در این دوره چند شعر قابل اعتنا دیده می‌شود که بارقه‌ای از مردانیِ اوایل دهه شصت دارد و از لحاظ زبانی حتی قدری پخته‌تر و سنجیده‌تر به نظر می‌آید؛ مثل غزل «بوی گندم، بوی باران می‌دهی» که طرحی نسبتاً تازه دارد و نیز غزل «این غنچهٔ گل از چمن گم‌شدگان است» که حاصل سالهای ۱۳٦٤ و ۱۳٦٥ است و در آتش نی چاپ شده است.

اینها را می‌توان وداع شاعر با دوران اوج خودش دانست. من با نقل چند بیت از شعر اول این نقد را خاتمه می‌دهم، چون این آخرین شعر معروف مردانی بود و در جمع شاعران انقلاب در آن سالها گاه نظیره‌هایی برایش سروده می‌شد:

بوی گندم، بوی باران می‌دهی/بوی عطر تازه نان می‌دهی
بوی دریا، بوی ساحل، بوی موج/بوی ابر و باد و طوفان می‌دهی
بوی آهنگ درای کاروان/ بوی آتش در زمستان می‌دهی
بوی پَرچین‌های پُرچینِ تمشک/بوی کشت نوبهاران می‌دهی
بوی شبنم روی برگ پونه‌ها/بوی دشت سبز ریحان می‌دهی
بوی شب بو در پگاه کوهسار/بوی میخک‌های خندان می‌دهی...

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۶

زنی که مادرم بود



چاپلین

مادرم گاه‌گاه صندوقش را می‌گشت تا در آن چیزی پیدا کند و ما یک پیراهن پولک‌دار و یک کلاه‌گیس پیدا کردیم و از او خواهش کردیم که آنها را بپوشد.

آن وقت مادرم با نرمش و مهارت شگفت‌انگیزی به کار برمی‌خاست و خیاطی خود را فراموش می‌کرد، و حتی ما را به آوازهای موفقیت‌آمیز خود دعوت می‌کرد، ضمن اینکه حرکت‌های متناسب با آن آوازها را هم اجرا می‌کرد، آنقدر که خسته می‌شد و از نفس می‌افتاد. آن‌وقت از خاطرات خودش حرف می‌زد و اعلان‌های قدیم زمان موفقیتش را به ما نشان می‌داد. روی یکی از آنها چنین نوشته بود: نمایشی خارق‌العاده، از هنرمند جذاب و با استعداد، لیلی هاروی، بازیگر، مقلد مشهور. او در حضور ما نه تنها نمایش خاص خودش را، که در تماشاخانه اجرا می‌کرد، نشان می‌داد بلکه از هنرمندان دیگری نیز که در تئاترهای به اصطلاح واقعی دیده بود تقلید می‌نمود.

شبی را به خاطر می‌آورم که در اتاق منحصربه‌فرد خود در طبقه همکف خانه‌ای در خیابان «اوکلی» بودیم. من بستری بودم و کم‌کم داشتم از عارضه تبی که گرفته بودم، شفا پیدا می‌کردم. سیدنی به گشت شبانه رفته بود و من و مادرم تنها بودیم. بعدازظهر به پایان می‌رسید و او پشت به پنجره نشسته بود، داشت کتاب می‌خواند و بازی می‌کرد و به شیوه خودش، که اصلاً قابل تقلید نبود، کتاب «عهد جدید» و عشق و محبت مسیح را به بیچارگان و کودکان خردسال شرح و تفسیر می‌کرد. شاید تشویش و ناراحتی او از بیماری من بود ولی جالبترین و روشن‌ترین تفسیر از بیان مسیح را، که من هرگز ندیده و نشنیده بودم، به من داد. او از درک و فهم خطاپوش مسیح سخن می‌گفت: از زنی که گناه کرده بود و جمعیت می‌خواست سنگسارش کند و مسیح گفته بود: «اول سنگ را آن کس برای او بیندازد که خود هرگز گناه نکرده باشد.»

و با اینکه شب فرا می‌رسید او همچنان به کتاب‌خوانی خود ادامه داد و جز برای روشن کردن چراغ از خواندن باز نماند. سپس از ایمانی که مسیح به بیماران می‌بخشید سخن گفت و مدعی بود که بیماران برای خوب شدن فقط کافی بود دست خود را به دامن قبای او برسانند.

از کینه و حسد روحانیان بزرگ و زاهدان ریایی «فریسی» (جمعی از روحانیون یهود که مردمی قشری بودند و به زهد و عبادت ریایی شهرت داشتند.) سخن گفت وضع مسیح را در هنگام توقیف شدن و خونسردی و بزرگواری او را در حضور «پونس پیلات» حاکم رومی شرح داد که ضمن شستن دستهای خود (و مادرم همه این گفته‌ها و کرده‌ها را همچون بر صحنه تئاتر، اجرا می‌کرد) گفت: «من هیچ گناهی متوجه این مرد نمی‌بینم. خود دانید!» و باز برای من نقل کرد که چگونه آن نابکاران جامه‌های مسیح را از تنش درآوردند و با ترکه شلاقش زدند و تاجی از خار بر سرش گذاشتند و مسخره‌اش کردند و تف به صورتش انداختند و به ریشخند به او گفتند: «سلام بر تو ای پادشاه یهودان!»

و همچنان که حرف می‌زد اشک از چشمانش جاری بود. آنگاه از شمعون نامی حرف زد که به مسیح در بردن صلیبش کمک کرد و از آن نگاه تکان‌دهنده و سرشار از حقشناسی که مسیح به او کرده بود. سپس، از «باراباس» دزد پشیمانی سخن گفت که با مسیح بر یک صلیب جان داد و طلب بخشش کرد و مسیح به او گفت: «تو هم امروز با من در بهشت خواهی بود.» و چون از فراز صلیب به مادرش نگاه کرد گفت: «ای زن! پسرت را ببین!» و آخرین فریاد نزعش این بود: «خدای من، چرا مرا رها کرده‌ای؟» و آنگاه بود که هر دو زار زار گریه کردیم.

مادرم گفت: می‌بینی مسیح چقدر انسان بود. او نیز مثل ما با شک و تردید آشنا بود. ادامه دارد

مردی که به غربت نباخت

با یاد دکتر منوچهر مرتضوی

ادامه از صفحه اول

و تن به ذوب و پشیمانی داد. از آن رو که سخن گفتن در باب زنده‌یاد دکتر ریاحی و آقای دکتر کاتوزیان از حوصلهٔ این نوشته خارج است، بحث مربوط به آنها را به روزگاری دیگر وامی گذارم تا اندکی از حق ناگفتهٔ دکتر منوچهر مرتضوی گفته آید، هرچند که حتم دارم ادای حق او، یا ناممکن است یا بسیار دشوار.

در این میان دکتر مرتضویان بی‌آنکه نیازی به هیچ چیز دیگری داشته باشد و بی‌آنکه به گذشته و سابقه و اعتبار پیشین خویش استناد کند، بعد از کوچ از دانشگاه به منزل، با شروع از صفر، در نهایت توانست خود را اثبات کند و تعّین حقیقیِ خویش را به اثبات رساند. این سخن، در گفتن و نوشتن آسان است، اما در عمل، مرد می‌خواهد تا انسانی مایه‌ور و پایه‌ور، بی‌اعتنا به آنچه داشته و واجد آن است، چشم از همه چیز، حتی آبرویی که در کوچه و خیابان زادگاه و محل زیست خویش داشته است، چنان کند که دست آخر حتی ستم‌کننده‌اش برایش بگرید و حتی آزاردهنده‌اش به فضل و فضیلت و استواری و بشکوهی‌اش اعتراف آورد. این کار اگر آسان بود، دیگران نیز می‌کردند و به جای گریختن از درد



و غم و رنج پنداری، ثابت در جای خویش می‌ماندند و غربت را شکست می‌دادند، نه اینکه به خارج از مرزها روی آورند و با پشت پازدن به آنچه هست و آنچه بود و خواهد بود، تازیانه‌ای شوند بر تن ایران و اسلام و حتی فرهنگ و باور و تمدن.

آری، مرتضوی، حلاج‌وار به مصاف واقعه رفت، با این فرق که شطح نگفت و دشمن خشمگین را خشمگین‌تر نکرد، بلکه به سکوت آویخت و با سکوت خویش موازنه‌ها را برهم زد و شرایطی نو پدید آورد. این که هنوز چندسال قبل از مرگش، اهل سیاست و زعمای فرهنگ به میل خود به صخانه‌اش می‌رفتند ولی توفیق زیارتش را نمی‌یافتند، به تنهایی کافی است تا نشان دهد مرتضوی چه جایگاه رفیعی در رفتار خردمندانه داشت. از این دریچه باید او را شناخت چرا که شناخت درست او، از این چشم‌انداز به حقیقت وجودی او نزدیک‌تر است.

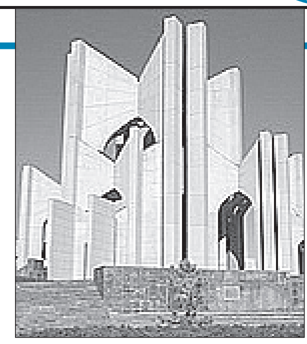
درست است که او یک استاد برجسته و فاضل بود و درست که او از شاگردان دیرین استاد بدیع‌الزمان فروزانفر بود و درست که او در حافظ‌شناسی رتبه‌ای مقدم بر بسیاری دیگر داشت و بعدها فردوسی‌شناسی و مولوی‌کاوی را نیز به این رتبه افزود، اما آنچه بی‌هیچ تردیدی پایگاه والای این فقید را درست نشان می‌دهد، چیزی جز این نیست که مرتضوی، همه چیز و همه آنچه را که داشت، به کار گرفت و آنچه باید باشد خویش را به ظهور و تجلی رساند و اکنون در کنار آثار اندکی که در گذر زمان از او به یادگار مانده است، ما با کتاب بزرگ موجودیت او روبروییم که زوال‌ناپذیر است و مهم‌تر از آن، به گونه‌ای نیست که بتوان آن را نخواند و نادیده گرفت.

در این مجال ضیق و اندک، از چشم‌اندازی که اکنون در آستانه نخستین سالگرد کوچ آن بزرگوار در پیش چشم است، بیش از این نمی‌توان گفت که دکتر منوچهر مرتضوی، با بزرگی و بزرگ‌منشی خود، با به جان خریدن ابن‌سیناوار دردها و غم‌ها و آلام و مصائب، از کنارشان به سادگی گذشت. ممکن است کسی با آثار مرتضوی آشنایی نداشته باشد و به هر دلیلی از خواندن آنها محروم باشد، اما شخصیت او و سرگذشتی که پشت سر نهاده، به گونه‌ای نیست که از حوزه توجه‌ها برکنار بماند و بتوان آن را نادیده گرفت.

اکنون، منوچهر مرتضوی استادی نیست که خانه‌نشین شده و قفل سکوت بر لب زده است، بلکه او مردی است در ردیف فردوسی و دیگر بزرگان تاریخ ایران که تاریخ بر مدار آنها می‌چرخد و با آنها تنظیم می‌شود نه اینکه آنها براساس تاریخ شکل بگیرند.

این سخن ممکن است در ظاهر اغراق‌آلود به نظر رسد، ولی زمان نمرده است. اندکی صبر و شکیبایی و نظاره بر جمال و آینه زمان نشان خواهد داد که مرتضوی چه هویت متبلور شده‌ای دارد و حق با کسانی است که معتقدند روح بلند او با اطلاق سرشار خویش، به زودی، اطفال ناظر را با بخشِ‌های دیگری از رادمردی و سترگی خویش آشنا خواهد کرد. فعلاً همین مقدار می‌دانیم که: به مدت سه دهه، فرهیختگان این کشور، تبریز و آذربایجان را با نام او شناخته‌اند و همین در فضیلت او بس!

کریم فیضی



ادامه از صفحه اول

فاتحانه به محله بازگشته و تا ساعتی از غروب گذشته پای تیر برق چوبی خانه «مجلل» و «قوش داشی» رجزخوانی می‌کردیم تا مادرها از پشت بام‌ها و سردربندها صدایمان می‌زدند و با ده‌ها امید و دیدارهای بعدی راهی خانه‌ها می‌شدیم. هنوز برق و آبیاری نبود. چشمه «حسن پادشاه» بود و چراغ‌های فنری و فانوس‌های فتیله‌ای.

باور نداشتم که آن گورستان مخروبه روزی با چنین کلاس‌ها و صحن و میدان باز، با تعدادی کلاس‌های بزرگ و آفتابگیر و تازه ساخت، چنین مراسم و رفت و آمد و بیاوبرویی را شاهد باشد. مدیر و دبیران و خدمتگزاران همه در تکاپو و جنب‌وجوش و در هیجان و بدون برنامه این‌جا و آن‌جا ولو و در عین حال پر از شور و حال بودند. مدیر دبیرستان مرحوم محمدعلی اربابی بومی اهر ارسباران بود و ناظم‌مان احمد خرمی نیز هم‌چنان و از همه شاخص‌تر دبیر تاریخ و جغرافیمان مرحوم نعمت‌الله غزنوی بود، الحق اغلب دبیران سال‌های تحصیلم صاحب شخصیت و تشخّص علمی در حد دبیری و غایت وقار اجتماعی بودند اما در این میان برای ما نوجوانان مرحوم دکتر صمد تیموری، غزنوی و داوران حق و جلیل مرتاض که شمشاد را می‌ماندند آیت آرزوهایمان بودند.

غزنوی، نیز اهل اهر قره‌داغ بود و من اهر و ارسباران را آن سال شناختم هرچند با آن محال بیگانه نبودم، آخر مرحوم پدرم سال‌ها قبل حدود سال‌های ۱۳۰۸ شمسی معلم مدرسه «همت» اهر با مدیریت مرحوم (میرزاخلیل خان بهاری) بود.

روز افتتاح مدرسه بود. مدعوین یکی‌یکی فرا می‌رسیدند. اغلب از رجال شهر و مقامات لشکری و تجّار سرشناس بازار، بودند. مدیر، در سالن مدرسه، یک‌یک به استقبال می‌رفت و با هم باز می‌گشتند. چقدر تماشایی و شورانگیز بود. تا آن روز چنین آدم‌ها و افسران اونیفورم پوش و شق و رق و رئیس و رؤسا ندیده بودم. غالب همسایگان و هم محله‌ای‌های ما، مش ممّد بقال، حسن دُربوز، احمدعمی تره‌فروش، مش عبّاس بستنی چی، دلی کاظیم، عسگر ژاندارم، رحیم باشماقچی، کچل سیفی، ساری رحیم و از همه معروف‌تر سیدحسن، هر دو از لوطی‌های محله و عسگر سالّاخ و ... بودند. انسان‌های خرده‌پا و ندار و نزال اما ساده‌دل و صاف و بادین و وفا و با تعصب هم محله‌ای، لذا وضع ظاهری این رؤسا و افسران خیلی تازه و تماشایی بود.

مدیر و ناظم، در نوعی تشویش و دلهره بودند و از اطاق مدیریت بیرون را می‌پائیدند که یک مرتبه دبیر ورزش‌مان مرحوم مجید سیف‌الدینی با آن قد درازش

هنر

دکتر برادران شکوهی

در بزرگداشت زنده‌یاد علی دهقان

از رفتن دهقان بنال

دوان‌دوان با دست به مدیر اشاره کرد و بلافاصله مدیر و ناظم و به دنبال آن‌ها دبیران مخصوصاً مرحوم دانش‌دوست دبیر زبان انگلیسی که کمی هم پایش را می‌کشید تند و تیز راهی درب مدرسه شدند. چو، افتاد که مدیر کل آمد، دهقان، دهقان، از ماشین شیک سواری سیاه‌رنگی که تا دم پله‌های ساختمان مدرسه پیش آمده بود؛ پیاده شدند. ما شروع به کف زدن کردیم، جوانی، چه شورها داری؟

بنیادی آموزش و پرورش «نوین» بود. تبدیل محل‌های مخروبه و گورستان‌های متروکه به مدرسه، سر دادن شعار روز که «افتتاح هر مدرسه، بستن یک زندان است» که ورد زبان‌ها بود. یک برنامه بنیادی در فرهنگ استان پیاده می‌شد. فراز افتخارآمیزی بعد از دوره حسنعلی خان امیرنظام گروسی و ادیب‌السلطنه سمیعی از نظر انجمن‌های فرهنگی و ادبی و علمی و هنری و نمایشی و

به سان سربازخانه گزارش بلندبالا، با صدای قرین به فریاد ارائه دادم. جناب آقای دهقان مدیرکل معظم و ارجمند آذربایجان... وارد مدرسه شدند. به کوچک‌ترین حرکات و اشاراتشان دقیق بودم. «دکتر پتز» تا صحن مدرسه را دید به انگلیسی مطالبی به مدیرکل گفت و ایشان نیز با سر تأیید کرد. دوری زدند بی‌اینکه وارد کلاس‌ها شوند. در حیاط مدرسه صحبتی شد و دسته‌جمعی بازگشتند. همکاران به من تبریک گفتند که مدرسه‌ای که مرتب و منظم باشد نیازی به دو ساعت دید و بازدید و پرس‌وجو ندارد. فردا رئیس فرهنگ مرا به اداره خواست. گفت: آقای شکوهی، «دکتر پتز» ایراد گرفته که بچه‌های مدرسه بی‌روح بودند. دانش‌آموزان اگر آزاد بودند، با این برف و بارندگی بایستی ده‌ها آدمکِ برفی می‌ساختند و در و دیوار، نشان از گله‌های آن‌ها داشت.

در حالی که از صبح آن‌ها را در کلاس حبس کرده‌اند هنوز دیسیپلین است و انضباط خشک تا تعلیم و تربیت صحیح و تازه و ... عجب!

از رئیس فرهنگ ملاحظه داشتم. در دل گفتم که مدیر و آموزگاران، روحیه ندارند تا چه رسد به دانش‌آموزان! جو سیاسی و فرهنگی مملکت به تبع از دولت‌های شاهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در هوای دیگری بود و هوای فرهنگی و خدمات آموزش آذربایجان در هوای دیگر و استثنای دیگر. بسیاری از برنامه‌های تعلیم و تربیت فرهنگی را بسان دستورات اداری صادر می‌کردند و ما هم بخشنامه‌وار و شتابزده دریافت کرده و شمایی از واقعیت آن را پیاده می‌کردیم تا آگاهی واقعی از فلسفه و مقصود غایی آن و تطبیق با شرایط و مقتضیات محل

من به خیال اینکه با ما دست خواهند داد بسیار آماده و دقیق بودم، دهقان را موقر و پرهیبت و با صلابت و نسبتاً چاق و تا حدودی کوتاه قد؛ اما متناسب و کمی عبوس مانند، با کت و شلوار طوسی تمیز و مرتب به خاطر دارم که نه تنها به ما بلکه به سرهنگان و بسیاری از رجال نیز اعتنا و توجه نداشت و فقط با یکی از آن‌ها که گویا فرمانده لشکر بود، هم صحبت و همراه بود.

منتظر اجرای مراسم و خواندن سرود «ای ایران» و بالا رفتن پرچم شیر و خورشید و نصب تابلوی مدرسه بودیم.

بعضی‌ها می گفتند نام مدرسه تیمسار شاه بختی، و یا دکتر اقبال، است. دهقان گزارش داد. وقار و خطابه ایده‌آل بود و در میان بهت و حیرت حاضرین، نام مدرسه را به یاد قهرمان نامدار مشروطه و آزادی «سردار ملی» اعلام داشت. حضار به شدت کف زدند، ما دانش‌آموزان هم کف زدیم و هم پای کوفتیم و من اشک هم ریختم، آخر از ستارخان داستان‌ها شنیده و شیفته‌اش بودم ولی جو طوری بود که باور نمی‌کردم روزی نام سردار در لوحه مدرسه ای نقش بندد. از این جا به دهقان علاقمند شدم. آخر به محله و شهر ما آبرو داده بود؛ گورستان مخروبه مزبله‌ای را به دبیرستان تبدیل ساخته بود و به جای ولگردی و لوطی گری قلم به دستمان داده و راه انسانیت فراراهمان قرار داد.

چون سال به پایان رسید من ناچار به ترک تحصیل شدم و به کلاس‌های متفرقه و شبانه روآوردم که حکایتی است دیگر، این زمان بگذار تا وقت دگر. هنوز در این کشور درد یتیمی و نداری با چندین خواهر و برادر و شاهد سال‌های سخت مادر شوهر مرده، و در این میان همه خود را کناره گرفتن و افتاده را کوفتن و انداختن و رو گردانیدن چنانچه شاید و باید تصویر نشده و نگارش نیافته و ما بعد از فوت پدر ولو چند سالی چنین حالی داشتیم. تا در سال ۳۷، بعد از گذراندن دوره تربیت معلم، به عنوان آموزگار پیمانی راهی «ارونق و انزاب» شدم. شبستر بود و دوره ریاست زنده‌یاد فتح‌الله فضل اللهی و سال‌های خدمت و شاهد دید و بازدید و اقدامات بدیع دهقان.

در شبستر صحبت از اقدامات مطبوعاتی منطقه، شکل می‌گرفت. و ده‌ها و ده‌ها خدمتگزاران فراموش شده فرهنگ، احیا و نام نامی‌شان در تابلوهای مدارس نقش می‌بست. مدارس دخترانه و پابه‌پای آن، شرکت و نقش دختران و بانوان در فعالیت‌های فرهنگی به جد گرفته می‌شد.

مدیران و رؤسای مسئول و کاری و دلسوز، مسئولیت‌ها را عهده‌دار می‌شدند. یک برنامه اساسی تعلیم و تربیت در حال پیاده شدن بود.

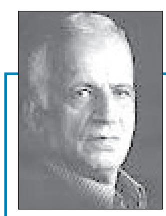
حتی کار از کارشناسان مجرب و آزموده، دوره‌دیده داخلی فراتر رفت. صدای اقدامات دهقان در فرهنگ آذربایجان، در وزارتخانه و پایتخت و مابین جمیع ادارات فرهنگ استان‌ها، زبان به زبان می‌چرخید تا جایی که متخصصان تعلیم و تربیت یونسکو را هم متوجه خود نمود.

روزی در دبستان چهار کلاسه امیرکبیر در محله سیس‌بی (سی و سه بیگ) شبستر که مدیرش بودم چو افتاد که دهقان با یک متخصص تعلیم و تربیت سازمان یونسکو جهت بازدید مدارس وارد شبستر شده‌اند. بلافاصله از اداره خبر رسید که احتمالاً از مدرسه ما، بازدید شود. زمستان بود و همه‌جا برف‌پوش، بلافاصله بچه‌ها را در کلاس‌ها نشاندیم تا به خودشان برسند و یقه سفیدشان را که هنوز می‌زدند مرتب کنند. قوطی‌ها و وسایل سمعی و بصری کلاس‌ها را خانه‌تکانی و پاک و تمیز کنند و صحن مدرسه را که گویی پیراهن سفید بر تن کرده، تر و تمیز کردند و برای نمونه ردپایی هم دیده نمی‌شد. با چه احتیاطی از کنار درختان مدرسه، مدام به درب دبستان سر می‌زدم. بیچاره وکیل‌زاده خدمتگزار مدرسه به سالن و اطاق مدیر می‌رسید. آفتابه‌ها را پر از آب می‌نمود و مرتب می‌چید و آموزگاران با صدای بلند درس می‌دادند که یک مرتبه از پیچ کوچه «سیس بی =سی و سه بیگ» دهقان و همراهان و مشاور فرهنگی و تعلیم و تربیت یونسکو «دکتر پتز» سیاه بلند قامت و در کنارشان زنده‌یاد فضل اللهی ریاست فرهنگ شبستر نمایان شدند. مدرسه در سکوت محض فرو رفت و یقین داشتم که بعد از بازدید مورد تقدیر و تفقد قرار خواهم گرفت. به محض نزدیکی هیأت

و مدرسه و گذشته و حال، تنها بعد از کتاب «کندوکاو در مسائل تربیتی ایران»، شادروان صمد بهرنگ بود که متوجه شدیم دردهای واقعی مدارس روستاهای ما چیست. دریغا که آن هم با تهمت‌هایی لوث و نویسنده‌اش مورد سوءظن واقع شد و کتاب‌هایش نایاب حتی ممنوع گردید.

ادامه دارد

از نگاه استاد محقق/ با یاد استاد مطهّری



یک چهارشنبه مرحوم خدیوجم مژده داد که امام جمعه تهران (مقام معظم رهبری) در جمع ما حضور خواهند یافت که در آن مجلس مفاوضاتی میان معظم‌له و دکتر سیدجعفر شهیدی، استاد محیط طباطبایی و سایران درباره پاره‌ای از مسائل علمی و تاریخی و ادبی رد و بدل شد. مرحوم مطهری، پس از انقلاب، فرصت شرکت مستمر را در آن مجلس نداشتند و آن مجلس هم پس از بیماری مرحوم احمد راد چند بار در منازل افراد آن گروه تشکیل شد و سپس متوقف گردید. من، که در طی آن ایام، مسافرت‌های متعددی به کشورهای خارجی برای تدریس و شرکت در مجامع علمی داشتم همیشه مورد پرسش مرحوم مطهری قرار می گرفتم.

ایشان درباره وضع علمی آن کشورها و استادان و دانشمندان آن دیار جویا می‌شدند و از من خواسته بودند که اگر برخی از آنان به ایران می‌آیند و یا از ایران می‌گذرند ترتیب دیدار برای ایشان آماده سازم. تا آنجا که به خاطر دارم، پروفسور پانیکار، فیلسوف بزرگ هندی، و پروفسور کلیبانسکی، رئیس مجمع بین‌المللی فلسفه در قرون وسطی، و پروفسور ایزوتسو، فیلسوف و قرآن‌شناس ژاپنی، و پروفسور لندلت، استاد تصوف اسلامی از اهل سوئیس، و پروفسور معن‌زیاده، رئیس بخش فلسفه در دانشگاه لبنان، در جمع اصحاب چهارشنبه به تفاریق حاضر شدند و مرحوم مطهری با ترجمانی من با آنان گفت و شنودهایی سازنده و ارزنده داشت.

ادامه دارد

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌وِرن به قلمِ نواده‌اش

دود از کُنده



ژول ورن

همچنانکه به‌طرف آن ابوالهول نزدیک می‌شوند، آنچه از اشیاء آهنی در قایق وجود دارد از جا کنده می‌شود و معلق زنان در فضا به‌سوی آن صخرهٔ عظیم جذب می‌گردد. از جمله لنگر قایق است که به دنبال یک رشته سیم کلفت و محکم به قایق متصل می‌باشد؛ ولی سرانجام از جا کنده شده و به طرف آن صخرهٔ عظیم کشانده می‌شود و در نتیجه حرکت قایق کند می‌گردد. جئورلنیگ و همراهانش و صخره نزدیک می‌شوند، آن را آزمایش می‌کنند و در می‌یابند که کلیهٔ آلات و ادوات فلزی که از قایق آنها جدا شده به بدنهٔ ابولهول، روی صخره چسبیده است. سرانجام به این نتیجه می‌رسند که آن ابوالهول، «یک قطعهٔ بسیار بزرگ از آهن است که در نتیجهٔ جریان‌های الکتریکی در پایه‌اش تبدیل به یک آهن‌ربای غول پیکر شده است و آن جریان‌های الکتریکی نیز ناشی از تخلیهٔ بارهای الکتریکی از ابرهایی است که در اثر وزش بادهای تند شمالی از آن نقطه عبور کرده» آنگاه نوبت به‌شرح سرانجام داستان می‌رسد درک پیترز در نتیجهٔ شوکی که عارضش می‌شود از پای درمی‌آید. این شوک نتیجهٔ آن است که چشمش برجسد آرتور گوردون پیم می‌افتد که بر بدنهٔ صخرهٔ آهن‌ربا میخکوب شده و از تسمه‌های تفنگش آویزان شده، تفنگی که مجذوب نیروی بسیار قوی صخرهٔ آهن ربا شده و صاحبش را نیز به همراه خود به‌سوی صخره کشانده و بر روی آن میخکوب ساخته است.

راستی سرانجام داستان بدین شکل چه عیبی دارد؟ مگر این سرانجام درست در مایهٔ روایت‌های خودادگار آلن‌پو که همه کس و همه چیز در داستانهای او شکلی خیلی بزرگ یا خیلی کوچک ولی به هر حال عجیب و غیرعادی پیدا می‌کند، نیست؟ اینکه آیا چنین آهن‌ربای غول آسایی ممکن است وجود داشته باشد یا نه، مطلبی است که نظیر قارهٔ دو قسمت شده قطب جنوب می‌توان برای آن یک تحلیل و توجیه قابل قبول علمی اقامه کرد. داستان رازیِ در قطب جنوب به هر تحلیل یک اثر فانتزی است و نقش داستان‌سرا، صرفاً آن بوده که به آن ظاهری آمیخته با واقعیت بدهد و سر موضوع را در همانجا به هم بیاورد.

اظهارات ژول‌ورن در ضمن نامهٔ مورخ ۹ نوامبر ۱۸۹۷، به هتزل پسر مبنی بر اینکه هنوز نظیر یک ماشین خوب روغن خورده، منظماً به کار ادامه می‌دهد و «هنوز دود از کنده برمی‌خیزد» آمیخته با هیچگونه مبالغه‌ای به‌نظر نمی‌رسد. وی نسخهٔ دست‌نویس داستان رودخانهٔ باشکوه اوره نوک را که در سال ۱۸۹۴ پرداخته بود همراه همین نامه برای هتزل فرستاد و این داستان در سال ۱۸۹۸ به‌چاپ رسید. چند هفته بعد از آن، در حدود پایان سال ۱۸۹۷، ژول‌ورن را سرگرم تصحیح رانگاهای مربوط به همین کتاب می‌یابیم با این قصد که در آن حک و تعدیل بیشتری به عمل آورد و در واقع در اوائل ماه مارس سال بعد (۱۸۹۸) هنوز هم اصلاحاتی در نقشهٔ مربوط به مسیر رودخانهٔ اورنیوکو (که تلفظ اسپانیولی همان رودخانهٔ اوره نوک باشد) به عمل می‌آورد.

مضمون اصلی داستان رودخانهٔ باشکوه اوره نوک (دختری که خود را به صورت پسری درمی‌آورد و در جستجوی پدر گمشده‌اش برمی‌آید.) بهانه و سرپوشی است برای آنکه ضمن داستان دقایق یک مسافرت طولانی جالب و پرماجرا بیان شود. دقایق و نکته‌هایی که هم سرگرم‌کننده و هم آموزنده است؛ ولی به‌عنوان یک داستان، چندان چنگی به دل نمی‌زند.

به‌عنوان دلیلی برای این مدعا که «هنوز دود از کنده برمی‌خیزد.» ژول‌ورن در ماه ژوئیهٔ ۱۸۹۸، نخستین جلد داستانی را که (به‌علت نداشتن عنوانی بهتر و مناسبتر) آن را وصیتنامهٔ یک مرد عجیب و غیرعادی نامیده بود برای هتزل پسر فرستاد. این داستان سال بعد انتشار یافت. مضمون این داستان به‌طور خلاصه چنین است: آقای هیپربم که مردی فوق‌العاده ثروتمند است و در «باشگاه آدمهای عجیب و غیرعادی» شیکاگو عضویت دارد، چون «هیچگاه آن‌طور که دلش می‌خواسته است از نظر عجیب و غیرعادی بودن شهرتی به‌دست نیاورده» سرانجام تصمیم می‌گیرد برای یک‌بار هم شده باشد در زندگی خود به این آرزو، یعنی مشهور شدن به‌عنوان یک آدم متفاوت از دیگران، دست یابد و این تصمیم را موقعی به مرحلهٔ عمل می‌گذارد که با مرگ دست به گریبان است.

ادامه دارد

زبانزد



حرف «پر» دارد

*حالا که خیال پلو است بگذار چرب باشد!
*حالا که داد می‌زنی اقلاً بگو دو نفریم!
*حالا که دیگر از خلیفه هم خط آورده!
*حالا که لجه، کلاهش کجه! (عا.)
*حالا که ماست نشد شیربده!
*حالا هم نوبت حرکات من است!
*حالا درویش همان بِهْ که پریشان باشد.
*حالِ دل شمع ز پروانَه پرس.
*حالِ سعدی تو چه دانی که نداری دردی.
*حال غرقه در دریا نداند خفته در ساحل.
*حال نکو در قفای فال نکوست.
*حال هرکس موافق قال اوست
*حب‌الوطن من الایمان.
*حُبّ دنیا پای بند است ار همه یک سوزن است.
*حب دنیا هست رأس هر خطا.
*حبّذا خانهٔ خود گر همه گلخن باشد.
*حُبّ لولی گر از شکر باشد
*حّبّهَٔ‌القلب را تبر باشد
*حج به سفارش قبول نمی‌شود.
*حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست.
*حذر چه سود کند هرکجا قضا باشد.
*حرام از همان راهی که آمده است می‌رود.
*حرام بود به راه حرام رفت.
*حرام خوری آن هم شلغم؟
*حرام زادگی مایه نمی‌خواهد!
*حرام‌زاده که تخمش برافتد از عالم
*نمی‌شود که نباشد گزنده و بد ذات
*حرام‌زاده مسجد نمی‌سازد.
*حرام می‌خوری مرغ خودت را بخور!
*حرامی باش، حرامیِ سفره مباش.
*حرف از حرف برمیَ خیزد.
*حرف از سی و دو دندان که بیرون رفت همه جا پُر است.
*حرف او و چاقوی جیب سگ یکی است.
*حرف باد هواست.
*حرف بد برزبان بد باشد.
*حرف بزرگان شنیدن ادب است.
*حرف پَر دارد.
*حرف پیشکی مایهٔ شیشکی است!
*حرف حرف می‌آورد، باد برف!
*حرف حسابی جواب ندارد.
*حرف حق در آتش نمی‌سوزد در آب هم غرق نمی‌شود.
*حِرفت‌آموز تا از حرقت مفلسی نسوزی.
*حرف حق تلخ است.
*حرف حق را بود در دل اثر.
*حرف حق نزن سرت را می‌بُرَّند.
*حرف خودت را کجا شنیدی؟ آن جا که حرف مردم را.
*حرف درست و زبان سست.
*حرف را باید هفت بار در دهان چرخاند.
*حرف را باید هفت دفعه قورت داد.
*حرف راست را از بچّه بپرس.
*حرف راست را از دهان بچّه بشنو.
*حرف راست را از دیوانه بشنو.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۵۱، (برابر با ۱۸ شعبان ۱۳۹۲، ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۲) نقل شده است

در کاشمر، ارزان فروشان جریمه می‌شوند!

سه نفر از صاحبان عکاسی های کاشمر، بعلت ارزان کردن نرخ عکس در این شهر، به شورای داوری فرستاده شدند و پس از پرداخت جریمه «ارزان فروشی» آزاد گردیدند.

اهالی کاشمر میگویند: شهرداری کاشمر چون نتوانسته است باگرانی مبارزه کند، حالا با ارزانی مبارزه میکند چون میترسد این موضوع که عکاسها نرخ عکس را ارزان کرده‌اند، باعث تقلید بقیه کسبه بشود و مردم نتوانند با «درد ارزانی» خو بگیرند.

جریان از این قرار است که تا چندی پیش قیمت عکس در کاشمر، از قرار هر ٦ قطعه عکس ٤×٦ از ٥٠ الی ٧٠ ریال بود. اما چندی قبل یکی از عکاسهای کاشمر، طی اعلانی به اطلاع مردم رساند که از این پس به دانش آموزان تخفیف داده، بابت شش قطعه عکس ٤×٦ از آنها فقط ٤٠ ریال خواهد گرفت.

بدنبال انتشار این آگهی، عکاس دیگری به رقابت برخاست و قیمت ٦ قطعه عکس ٤×٦ را برای دانش آموزان به ٣٠ ریال رساند و پس از او نیز عکاس سومی پیدا شد که همین قیمت را به ٢٠ ریال رساند!

مردم ۲۲ هزار ساختمان جدید ساختند

بخش خصوصی ٧ر٨ میلیارد ریال در سه ماهه اول سال جاری برای احداث ٢١ هزار و ٨٤٥ دستگاه ساختمان‌های جدید در مناطق شهری کشور با سطح زیربنائی حدود ٥ر٣ میلیون مترمربع سرمایه گذاری کرد.

این مبلغ در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ٨ر١٢ درصد افزایش نشان میدهد.

٩ر٤٧ درصد از این مبلغ در تهران، ٣ر٢٦ درصد در شهرهای بزرگ و ٨ر٢٥ درصد در سایر شهرها بامر ایجاد ساختمان‌های جدید اختصاص یافته است.

طی سه ماهه اول سال ٥١ در تهران ٢٥٨٧ ساختمان جدید با هزینه پیش‌بینی شده‌ای معادل ٦ر٤ میلیارد ریال شروع شده است. برای این ساختمانها حدود ١ر١ میلیون مترمربع سطح زیربنا در نظر گرفته شده است.

تقلیل قیمت پنبه تولید کنندگان رانگران کرده است

هیات نمایندگی ایران در سمپوزیوم بین‌المللی توسعه بازار فروش پنبه پیشنهاد کرد که با ایجاد یک سازمان بین‌المللی و همکاری نزدیک بین صادرکنندگان قیمت پنبه در بازارهای جهانی تثبیت شود.

این پیشنهاد بوسیله نایب رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و رئیس هیات نمایندگی ایران در سمپوزیوم بین‌المللی توسعه بازار فروش پنبه بروکسل (پایتخت بلژیک) مطرح شد.

وی که در حضور نمایندگان مصر – برزیل – چاد – کلمبیا – السالوادر – یونان – گواتمالا – هندوستان – مکزیک – نیکاراگوئه – نیجریه – پرو – سودان – سوریه – تانزانیا – ترکیه و اوگاندا صحبت کرد ضمن توضیحاتی متذکر شد تنزل قیمت جهانی پنبه بین ٢٠ تا ٢٠ درصد که بیشتر در نتیجه ٣٠ درصد اضافه تولید محصول آمریکا حاصل شده است موجب نگرانی شدید تولیدکنندگان پنبه در کشورهای در حال رشد شده‌است.

نایب رئیس اتاق در مورد اهمیت تولید محصول پنبه یادآور شد که پنبه اکنون برای بیش از یکصد میلیون نفر از مردم جهان تولید کار کرده است.

فیلم ایرانی رهائی برنده جایزه اول سانفرانسیسکو شد

بنا بر تلگرافی که امروز از سانفرانسیسکو رسیده است فیلم رهائی اثر ناصری تقوائی محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در فستیوال بین‌المللی سانفرانسیسکو برنده جایزه اول مجسمه طلائی فستیوال موسوم به «گلدن گیت» شده است.

فیلم رهائی قبل از این در ششمین فستیوال فیلم‌های کودکان و نوجوانان برنده جایزه هیئت داوری بین‌المللی و در فستیوال فیلم کودکان در ونیز برنده جایزه اول شده بود.

فستیوال سانفرانسیسکو امسال شانزدهمین دور خود را برگزار کرد.

در این فستیوال بیش از ٥٠٠ فیلم از کشورهای دنیا شرکت کرده بودندکه از آن میان در حدود ٣٥٠ فیلم برای نمایش در فستیوال برگزیده شده بود و در بین این تعداد، فیلم رهائی ایرانی برنده جایزه اول گردید.

طرح جدید برای امور مالیاتی پزشکان

در سال ٥١–١٣٥٠ مجموعا ٨٩٧ پرونده مالیاتی پزشکان در کمیته همکاری مالیاتی نظام پزشکی مورد رسیدگی قرار گرفت.

براساس موافقت‌نامه‌های متبادل بین وزارت دارائی و نظام پزشکی که قبلاً بتصویب هیئت مدیره نظام پزشکی رسیده‌است تاکنون ٣٢ جلسه کمیته همکاری مالیاتی با حضور نمایندگان وزارت دارائی بمنظور بررسی به پرونده‌های مالیاتی پزشکان در این سازمان تشکیل یافته‌است.

سازمان مرکزی نظام پزشکی در سال مذکور مجموعاً ٨٩٧ پرونده مالیاتی از حوزه‌های مختلف دریافت داشته است که درباره ٥٠٨ موردآن ممیزان و اعضای کمیته نظر خود را اعلام کرده‌اند.

با مطالعاتی که در کمیته‌ها انجام گرفته است در مورد نحوه تشخیص مالیات پزشکان از طرف ممیزان و روش بررسی و تنظیم دفاتر مالیاتی آنان و تعبیر و تفسیر مواد قانونی و انواع هزینه‌های قابل احتساب مشکلاتی موجود است که با استفاده از نظر کارشناسان مالیاتی و اعضای کمیته همکاری چاره‌اندیشی های ضروری در این مورد شده است که طرح آن درآینده نزدیک برای مطالعه به وزارت دارائی ارسال خواهد شد.

قاب امروز



پرواز مجدد شاتل «اندیور» بر فراز آمریکا این بار به قصد جمع آوری پول برای سازمان‌های خیریه / منبع: Msnbc

امروز با حـافظ

ز کـوی یـار می‌آیـد نسـیم بـاد نـوروزی
از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن
که قارون را غلط‌ها داد سـودای زراندوزی

ز جام گل دگر بلبل چنان مسـت می‌لعل است
کـه زد بر چرخ فیروزه، صفیر تخت فیروزی

بـه صحـرا رو کـه از دامن غبار غم بیفشـانی
بـه گلزار آی کـز بلبل غزل گفتـن بیاموزی

چو امکان خلود ای دل در این فیروزه ایوان نیست
مجال عیش فرصت دان به فیروزی و بهروزی

طریق کام بخشی چیست ترک کام خود کردن
کلاه سـروری آن است کز این ترک بردوزی

سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی

ندانم نوحه قمری به طرف جویباران چیسـت
مگر او نیز همچون من غمی دارد شـبانروزی

می‌ای دارم چو جان صافی و صوفی می کند عیبش
خدایـا هیـچ عاقل را مبادا بخـت بد روزی

جدا شـد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
که حکم آسمان این است اگر سازی و گر سوزی

به عجب علم نتوان شـد ز اسباب طرب محروم
بیا سـاقی که جاهل را هنی‌تر می‌رسد روزی

می اندر مجلـس آصف به نوروز جلالی نوش
که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی

نـه حافظ می کند تنها دعای خواجه تورانشـاه
ز مدح آصفی خواهد جهان عیدی و نوروزی

جنابش پارسـایان راسـت محراب دل و دیده
جبینش صبح خیزان راست روز فتح و فیروزی

حکایت

معنای ناب انسانیت

چنـد وقـت پیش با پدر و مـادرم رفته بودیم رسـتوران که هم آشپزخانه بود هم چند تا میز گذاشته بود برای مشتری‌ها. افراد زیادی اونجـا نبـودن ۳ نفر ما بودیم با یه زن و شـوهر جوان و یه پیرزن و یه پیرمرد. ما غذامون روسـفارش داده بودیم که جوانی حدوداً ۳۵ سـاله وارد رستوان شد.

بعد از چند دقیقه گوشی آن جوان زنگ خورد. البته من بااینکه بهش نزدیک بودم ولی صدای زنگ خوردن گوشیش رو نشنیدم. او با صدای بلند شروع به صحبت کرد و بعد از اینکه صحبتش تمام شد برخاست و رو به همه ما ها و با خوشـحالی گفت که خدا بعد از ۸ سـال یک بچه به او داده و همین‌طور که داشـت از خوشـحالی ذوق می کرد رو کرد به صندوق‌دار رستوران و گفت: این چند نفر مشتریتون مهمان من هستند.

می خواهم شـیرینی بچه‌ام رو بـه آنها بدهم. به همه باقالی پلو با ماهیچه بدهید. لطفاً. بعد از چند هفته شـبی با دوسـتانم به سینما رفته بودیم. ناگهان داخل صف با تعجب همان پسـر جوان رو دیدم که با یه دختر بچه ٤ـ٥ سـاله ایسـتاده بود. از دوستام جدا شدم و یه جوری که متوجه من نشـه نزدیکش شدم و بازهم با تعجب دیدم که دخترک جوان را بابا خطاب می کند. از پشت زدم روی کتفش. به محض اینکه برگشت من رو شناخت. یه ذره رنگ و روش پرید. اول باهم سلام و علیک کردیم بعد من با طعنه بهش گفتم، ماشـاالله از ۲ ـ ۳ هفته پیش که فرزندتان به دنیا آمد بزرگ هم شـد. همین‌طور که داشـتم صحبت می کردم توی حرفم پرید و گفت: داداش اون جریان دروغ بود. اون روز پس از ورود به رستوران رفتم تا دستانم را بشویم. در این میان صدای آن پیرمرد و پیرزن رو شنیدم. البته آنها نمی توانستند من را ببینند. پیرزن گفت کاشکی می شد یکم ولخرجی کنی امروز یه باقالی پلو با ماهیچه بخوریم. الان یک سـالی میشه که ماهیچه نخوردم. پیرمرد در جوابش گفت: ببین آمدی نسازی‌ها، قرار شد بریم رستوران و یه سوپ بخریم و برگردیـم خونه. من اگـر الان هم بخواهم ولخرجی کنم نمی توانم، بخاطر این‌که ۱۸ هزار تومان بیشتر تا سر برج برایمان نمانده است.

همین‌طور که داشـتند با هم صحبت می کردند کسی که سفارش غـذا رو می گرفت آمد سـرمیز و گفت: چی میـل دارین؟ پیرمرد هم بی‌درنگ جواب داد، پسـرم ما هردومون مریضیم اگر می‌شـود دو تا سـوپ بـا یه دونـه از اون نونای داغتون برایمان بیـاور. من تو حال و هوای خودم نبودم.

همین‌طور آب باز بود و داشت هدر می‌رفت. تمام بدنم سرد شده بود. احسـاس کردم می‌میرم. رو کردم به آسـمون و گفتم خدا شکرت فقـط کمکـم کن. بعد آمـدم بیرون یه جوری فیلم بـازی کردم که آن پیرمردو پیرزن بتوانند باقالی‌پلو با ماهیچه بخورند همین.

ازش پرسـیدم که چرا دیگه پول غذای بقیه را حسـاب کردی؟ گفت: پول غذای شـما که سـهل بود من حاضرم دنیای خودم و بچه‌ام رو بدم ولی آبروی یک انسان رو نبرم.

منبع: اینترنت

امروز در تاریخ

در دسرسازی یک شاهزاده ساسانی

یک شاهزاده جاه‌طلب به نام تیرداد پسر خسرو برای دولت ساسـانی در اواخر دهه سـوم میلادی دردسر ساز شد که تأیید امپراتور وقت روم را برای پادشـاهی خود بر ارمنستان به دست آورده بود. نرسـی ساسـانی شـاه وقت ایران برای دستگیری و محاکمه تیرداد به جرم خیانت به وطن، به ارمنستان نیرو فرستاد و تیـرداد بـه رم فرار کـرد و دولت روم را بـر ضد وطن خود برانگیخت.

دولت ایران که چنین دید به دولت روم اعلان جنگ داد. سنای روم هم به نوبه خود در جلسـه ۲۷ سـپتامبر سال ۲۹۵ پیشنهاد جنگ با ایران را تصویب کرد. متعاقب ابلاغ این مصوبه به دولت، دیوکلتیانوس (دیوکلتیان) امپراتوروقت روم سپاهی به فرماندهی «گالریوس» داماد خود به جنگ ایران فرستاد. این سپاه ۲٦ ژوئیه ۲۹۷ میلادی در نزدیکی فرات (محلی میان جنوب ترکیه و شمال سوریه امروز) از ایران شکست خورد و گالریوس به آنتیوک فرار کرد و از سـوی امپراتور روم توبیخ شـد و قول جبران داد. این سومین نبرد ایران و روم در زمان سلطنت نرسی بود.

سالروز فوت «وحشی بافقی»

دائرة‌المعارف شـعر و شـاعران (به زبان انگلیسی)، سالروز درگذشـت «وحشی بافق» شـاعر ایرانی را در چنین روزی در سپتامبر ۱۵۸۳ میلادی ذکر کرده است. این بیت پرمعنا ازوست:

دل نیست کبوتر که چو برخاست، نشیند
ازگوشه بامی که پریدیم، پریدیم

گشایش کارخانه‌های سیگارسازی دولتی ایران

مجموعه کارخانه‌های دولتی سـیگار سازی، توتون چپق و تنباکو (دخانیات) پنجم مهر ماه سال ۱۳۱٦ در محل فعلی که در آن زمان خارج از تهران و آن سـوی دروازه قزوین بود گشایش یافت. امور دخانیات در ایران، همچنان در انحصار دولت است.

روزی که رضاشاه دوران تبعید خود را آغاز کرد

۲۷ سـپتامبر سـال ۱۹٤۱، رضا شاه یک ماه و دو روز پس از تجاوز نیروهای انگلستان و شوروی به ایران به همراه خانواده‌اش در بندر عباس برکشتی انگلیسی «بندرا» نشست و دوران تبعید خـود را آغاز کرد. این کشـتی ۲۳ روز بعـد در جزیره موریس (موریشس) از متعلقات انگلستان در اقیانوس هند پهلو گرفت.

رضا شـاه در زمانی که یک سـرتیپ قزاق بود با کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ سردار سپه و بعدا وزیر جنگ و نخست وزیر شد و در ۱۵ دسامبر ۱۹۲۵ با اصلاح قانون اساسی و به موجب متمم آن به شاهی رسید و دودمان پهلوی را تاسیس کرد.

کنفرانس بین‌المجالس

پنجم مهرماه ۱۳٤۵ کنفرانس بین‌المجالس پنجاه و پنجم در تهران درکاخ سنا آغاز به کار کرد. در دومین روز برگزاری، این نشسـت اعمال زور در روابط میان کشـورها را مردود اعلام و زورگویی‌های سابق را محکوم کرد.

به موازات همین اجلاس که در آن نمایندگان پارلمان‌های ٦۳ کشور شرکت کرده بودند، شاه ملقب به «آریا مهر» شد.

پادشاهی که ترتیب سوگواری بر مرگ خود را داد

۲۷ سـپتامبر در سـال ۱۵۹۸ سـوگواری دو هفتگی مرگ فیلیپ دوم شـاه اسـپانیا که این کشـور را در صدر قدرت‌های زمان قرار داده بود، به پایان رسـید. جالب اینجاسـت که خود وی این سوگواری را قبلاً اعلام کرده بود، زیرا مرگ او را در ۷۱ سالگی و از زخم معده پیشگویی کرده بودند و او در این سن بر اثر افراط در خوردن ادویه خوشبویی که از مستعمرات شرق و غرب برایش برده بودند و نیز غم شکست نظامی از انگلستان به زخم معده دچار شده بود.

فیلیپ دسـتور داده بود که همه مردم لباس سـیاه برای خود آماده کنند، پرده سیاه بدوزند و پس از مرگ او به مدت دو هفته، همه اسـپانیا و ایتالیا و مسـتعمرات اسپانیا سیاهپوش شوند، از جمله دیوار شهرها!

دیگر رویدادهای ۲۷ سپتامبر

۱۸۲۱: نیروهای اسپانیا بر اثر فشار انقلابیون مسلح مکزیک شـهر مکزیکوسـیتی را تخلیه کردند. مکزیک بیش از سه قرن متعلق به اسپانیا بود که در این روز به استقلال رسید.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو



آسان ۱۲۸۲ — **دشوار ۶۰۵**

سـودوکو (Sudoku) یـک واژه ترکیبی ژاپنی بـه معنـای عددهـای بی‌تکرار است وامروزه بـه جدولی از اعداد گفته مـی‌شـود کـه بـه عنوان یـک سـرگرمی رایـج در نشـریات کشورهای مختلف به‌چاپ‌می‌رسد.

قانون های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۲۸۲

۵		۳				۶		
			۶		۵			
۷	۶			۴			۹	۱
۸			۲		۱			۶
	۲			۵		۱	۳	
۱			۹		۶			۵
۴	۵			۷			۶	۹
	۹		۴		۳			
		۷		۶		۴		۲

حل جدول شماره ۱۲۸۱

۴	۹	۷	۶	۱	۲	۵	۳	۸
۶	۳	۱	۵	۴	۸	۲	۹	۷
۵	۲	۸	۳	۹	۷	۴	۶	۱
۹	۷	۴	۲	۶	۳	۱	۸	۵
۳	۱	۶	۴	۸	۵	۹	۷	۲
۲	۸	۵	۹	۷	۱	۳	۴	۶
۷	۴	۹	۱	۵	۶	۸	۲	۳
۱	۶	۳	۸	۲	۴	۷	۵	۹
۸	۵	۲	۷	۳	۹	۶	۱	۴

دشوار ۶۰۵

۸				۱		۳		۵
۵		۴		۹				
			۶					۲
				۶				
۱					۸	۹	۶	
	۴				۳			
۳	۲							
	۵			۲		۱		۶
		۸			۶		۵	

حل جدول شماره ۶۰۴

۶	۸	۲	۴	۵	۷	۱	۹	۳
۹	۳	۷	۸	۱	۲	۶	۴	۵
۴	۱	۵	۳	۶	۹	۸	۲	۷
۸	۵	۳	۹	۲	۱	۴	۷	۶
۷	۹	۱	۶	۸	۴	۳	۵	۲
۲	۶	۴	۷	۳	۵	۹	۸	۱
۳	۲	۹	۵	۴	۶	۷	۱	۸
۵	۷	۸	۱	۹	۳	۲	۶	۴
۱	۴	۶	۲	۷	۸	۵	۳	۹